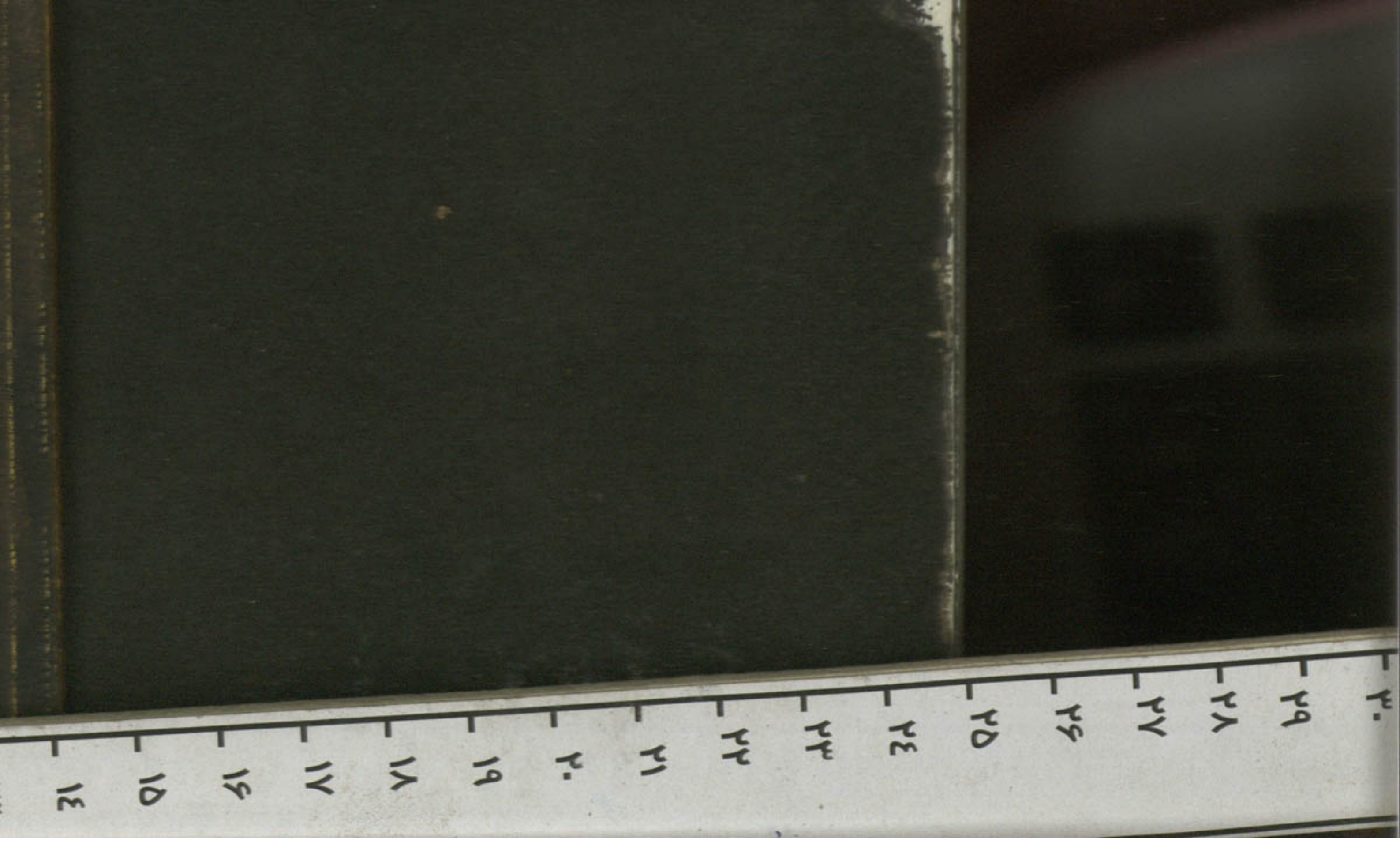




[illegible]

شهنشهی که کند [illegible] در جهان

[illegible] سوو دم صبحش [illegible] خسرو [illegible] بان [illegible]

[illegible] همتی که با ایوان چرخ [illegible] روز معرکه با تیغ و تیر و گرز [illegible]

[illegible] سلیمان شان [illegible] چنان بکار برد جمله [illegible]

[illegible] که اوست در ایوان [illegible] هموار [illegible] روز رزم [illegible]

[illegible] کند چو عیان [illegible] زمین [illegible]

[illegible] بعالم امکان

[illegible] دوران [illegible] و ابر [illegible]

[illegible] دوران [illegible] فلک [illegible]

[illegible] بیان [illegible] چون [illegible]

[illegible] بخصوص [illegible]

سورة بنی اسرائیل مکیة

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

سُبْحَانَ الَّذِی اَسْرٰی بِعَبْدِهٖ لَيْلًا

پاک آن خدایی که بشب برد بندهٔ خود را اندکی از شب

مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ اِلَی الْمَسْجِدِ الْاَقْصَا

از مسجد الحرام تا مسجدی که بالاتر است از همه مساجد

اَلَّذِی بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ اٰيَاتِنَا

آن مسجدی که مبارک گردانیدیم گرداگرد آنرا تا بنماییم او را از نشانهای

اِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ۝ وَاٰتَيْنَا مُوسٰی

قدرت خود بدرستی که او است شنوا و بینا و دادیم بموسی

آن مسجدی که مبارک گردانیدیم گرداگرد آنرا تا بنماییم اورا از نشانهای

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ۝ وَآتَيْنَا مُوسَى

قدرت خود بدرستی که اوست شنوا و بینا و دادیم موسی

الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى

توریة را و گردانیدیم آنرا راهنمای

لِبَنِي إِسْرَائِيلَ أَلَّا تَتَّخِذُوا مِنْ دُونِي

فرزندان یعقوب و گفتیم که مگیرید بغیر از من

وَكِيلًا ۝ ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ

خدایی که باو واگذارید کار خود را فرزندزادگان آنکه برداشتیم اورا با

نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا ۝

نوح بدرستیکه نوح بود بنده سپاس گزار

وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ

و وحی کردیم بسوی فرزندزادگان یعقوب در توریة

لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ

که هرآینه تباهی خواهید کرد در زمین دوبار و هرآینه گردن کشی کنید

عُلُوًّا كَبِيرًا ۝ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا

گردنکشی بزرگ پس چون آمد وعده عذاب نخستین فساد شما

بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ

فرستادیم بر شما بندگان خود را که بودند خداوندان

شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ

سخت در کارزار پس بازگشتند بطلب غارت میان سراهای شما و بود

وَعْدًا مَفْعُولًا ۝ ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ

آن وعده وفا کرده شده پس بازگردانیدیم برای شما

الكرة عليهم وامددناكم باموال

دولت را تا غالب شدید بر ایشان و مدد کردیم شمارا بمالهای بسیار

وبنين وجعلناكم اكثر نفيرا ۝ ان احسنتم

و پسران بشمار و گردانیدیم شمارا بیشتر از ایشان در جمعیت مردمان کارزار اگر نیکی کنید

احسنتم لانفسكم وان اساتم فلها فاذا جاء

نیکی کنید برای نفسهای خود و اگر بدی کنید پس وبال آن مر شمار است پس چون آید

وعد الاخرة ليسوءوا وجوهكم وليدخلوا

وعدهٔ عذاب بار دیگر افساد شما فرستادیم گروهی را تا تیره سازند روهای شمارا و تا در آیند

المسجد كما دخلوه اول مرة وليتبروا ما علوا

بیت المقدس را بخرابی چنانچه در آمدند اورا نخستین بار و تا هلاک گردانند شمارا بادمی که غالب شدند

تتبيرا ۝ عسى ربكم ان يرحمكم وان عدتم عدنا

هلاک کردنی عظیم شاید پروردگار شما رحمت کند شمارا و اگر برگردید بافساد برگردیم ما بعقوبت

وجعلنا جهنم للكافرين حصيرا ۝ ان هذا

و گردانیده ایم ما دوزخ را برای کافران زندانی بدرستی که این

القران يهدي للتي هي اقوم ويبشر المؤمنين

قران راه مینماید بملتی که آن راست و درستست و مژده دهد گرویدگان را

الذين يعملون الصالحات ان لهم اجرا كبيرا ۝

که کنند کارهای شایسته اینکه مر ایشانراست مزدی بزرگ

وان الذين لا يؤمنون بالاخرة اعتدنا لهم

و اینکه آنانکه منکر وند بروز قیامت آماده کرده ایم برای ایشان

که کنند کارهای شایسته ایکه مرایشانراست مزدی بزرگ

وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ

و ایکه آنانیکه منکر وند بروز قیامت آماده کردهایم برای ایشان

عذابا

عَذَابًا أَلِيمًا ۝ وَيَدْعُ الْإِنسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ

عذاب بی دردناک و دعا میکند آدمی در حال خشم بر خود و دوستان خود دعای بد

بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنسَانُ عَجُولًا ۝ وَجَعَلْنَا

مانند دعای او بنیک و هست آدمی شتابان در کارها و گردانیدیم

اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَتَيْنِ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا

شب و روز را دو نشانه قدرت پس محو کردیم علامتی را که شب است و ساختیم

آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ

علامتی را که روز است نورانی تا بطلبید فضل و کرمی از نزد پروردگار خود

وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ وَكُلَّ شَيْءٍ

و تا بدانید شمار سالها و شمار معاملات خود را و هر چیزی را

فَصَّلْنَاهُ تَفْصِيلًا ۝ وَكُلَّ إِنسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ

بیان کرده ایم آنرا بیان نیکو و هر آدمی را لازم او گردانیدیم کردهای او را

طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا

بمنزله قلاده در گردنش و بیرون آوریم برای او در روز رستخیز نامه عملی

يَلْقَاهُ مَنشُورًا ۝ اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ

که ببیند آنرا گشوده شده گوییم بخوان نامه عمل خود را بس است ذات تو

الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا ۝ مَّنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي

امروز بر تو شمارنده کردها کسی که راه یافته پس راه نیافت

لِنَفْسِهِ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ

مگر برای نفس خود و هر که گمراه شده پس جز این نیست که وبال گمراهیش بنفس خود است و بر ندارد هیچ بردارنده

وِزرَ اُخرىٰ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتّٰى نَبعَثَ

بار گناه دیگری را و نیستیم ما عذاب کننده تا آنگاه که بفرستیم

رَسُولًا ۝ وَاِذَا اَرَدنَا اَن نُهلِكَ قَريَةً اَمَرنَا

پیغمبری و هرگاه خواهیم که هلاک کنیم ساکنان دیهی یا شهری را واگذاریم

مُترَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيهَا القَولُ فَدَمَّرنَاهَا

متنعمان از اجال خود پس بیرون روند در آن قریه از فرمان خدا پس ثابت شود بر ساکنان آن قریه کلمهٔ عذاب پس هلاک

تَدمِيرًا ۝ وَكَم اَهلَكنَا مِنَ القُرُونِ مِن بَعدِ

گردانیدیم ایشان را هلاک گردانیدن عظیم و بسیار هلاک کرده‌ایم از اهل هر زمانی را از پس

نُوحٍ وَكَفىٰ بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ۝

نوح بس است پروردگار تو بگناهان بندگان خود آگاه بینا

مَن كَانَ يُرِيدُ العَاجِلَةَ عَجَّلنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ

کسی که خواهد نفع این دنیای شتابنده را بشتاب دهیم مراو را در دنیا آنچه خواهیم

لِمَن نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصلٰيهَا مَذمُومًا

برای هر که خواهیم پس بگردانیدیم برای او آماده دوزخ را درآیند از انکوهیده رانده شده

مَدحُورًا ۝ وَمَن اَرَادَ الاٰخِرَةَ وَسَعىٰ لَهَا سَعيَهَا

و هر که خواهد اخرت را و بکوشد برای تحصیل آن کوششی که با از رحمت خدا

وَهُوَ مُؤمِنٌ فَاُولٰٓئِكَ كَانَ سَعيُهُم مَشكُورًا ۝

و او گرویده باشد پس آن گروه هست کوشش ایشان جزا داده شده

كُلًّا نُمِدُّ هٰٓؤُلَآءِ وَهٰٓؤُلَآءِ مِن عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا

هر یک را عطا کنیم در دنیا این گروه را و آن گروه را از دهش پروردگار تو و

و او گرديده باشد پس آن گروه هست كوشش ايشان را جزا داده شده

كُلًّا نُمِدُّ هٰؤُلَاءِ وَهٰؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا

هر يك را عطا كنيم در دنيا اين گروه را و آن گروه را از دهش پروردگار تو و

كان

كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا ۝ انْظُرْ كَيْفَ

نيست دهش پروردگار تو ممنوع از هيچ احدى بنگر چگونه

فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ وَلَلْآخِرَةُ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ

فزونى داديم برخى از شما را بر برخى و هرآينه سراى آخرت بزرگتر است از جهت درجها

وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا ۝ لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ

و بزرگتر است در فزونى دادن بر مساز با خدا خدايى ديگر

فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَخْذُولًا ۝ وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا

پس بنشينى نكوهيده خوار شده و حكم كرده پروردگار تو كه

تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ

مپرستيد بجز او را و نيكويى كنيد با پدر و مادر نيكويى بسيار اگر برسند

عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ

نزد تو بحد پيرى يكى از ايشان يا هر دو پس مگو

لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا

با ايشان كلمه اف و بانگ مزن بر ايشان و بگو مر ايشان را گفتار نيكو

وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ

و بگستران براى ايشان بال فروتنى را از روى شفقت و مهربانى و بگو اى پروردگار من

ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ۝ رَبُّكُمْ أَعْلَمُ

رحمت كن ايشان را چنانچه تربيت كردند مرا در حال خردى پروردگار شما داناتر است

بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِنْ تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ

بانچه در نفسهاى شماست اگر باشيد شما نيكوكاران پس بدرستى كه او هست

لِلْأَوَّابِينَ غَفُورًا ۞ وَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ

مر بازگردندگان بطاعت را آمرزنده . و بده بخداوند قرابت حق او را

وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا ۞

و بدرویش و بره گذر فقیر و از حد مگذر از حد گذشتن بسیار

إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ

بدرستی که از حد گذرندگان هستند برادران دیوان و هست

الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا ۞ وَإِمَّا تُعْرِضَنَّ

دیو رجیم مر پروردگار خود را ناسپاس و اگر اعراض کنی

عَنْهُمُ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ

از عطای ایشان بجهت نا داری انتظار روزی از نزد پروردگار خود که امیدواری پس گو با ایشان

قَوْلًا مَيْسُورًا ۞ وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ

گفتار هموار مهربانانه و مگردان دست خود را بسته شده به

عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ

گردن خود و مگستران آن را تمام گسترانیدن پس بنشینی

مَلُومًا مَحْسُورًا ۞ إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ

نکوهیده برهنه شده باز مانده بدرستی که پروردگار تو فراخ گرداند روزی برای هر که

يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا

خواهد و تنگ گیرد برای هر که خواهد بدرستی که او هست بر بندگان خود آگاه

بَصِيرًا ۞ وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ

و بینا و مکشید فرزندان خود را از بیم تنگدستی

نخ

بصيرا ۝ ولا تقتلوا اولادكم خشية املاق

وبينا و مكشيد فرزندان خودرا ازبيم تنگ دستي

نحن

نحن نرزقهم واياكم ان قتلهم كان

ما روزی دهیم ایشان را و شما را بدرستی که کشتن ایشان هست

خطأ كبيرا ۝ ولا تقربوا الزنى انه كان

گناهی بزرگ و نزدیک مشوید زنا را بدرستی که زنا هست

فاحشة وساء سبيلا ۝ ولا تقتلوا النفس

کار زشتی و بد راهیست راه زنا و مکشید نفسی را

التي حرم الله الا بالحق ومن قتل مظلوما فقد

که حرام کرده خدا مگر براستی و قصاص و کسی که کشته شود بستم پس بتحقیق

جعلنا لوليه سلطانا فلا يسرف في القتل

که گردانیدیم مر وارث او را صاحب سلطنت پس باید تجاوز از حد نکند در کشتن قاتل

انه كان منصورا ۝ ولا تقربوا مال اليتيم

بدرستی که وارث هست نصرت داده شده بقصاص و نزدیک مروید مال کودک یتیم

الا بالتي هي احسن حتى يبلغ اشده واوفوا بالعهد

بدررا مگر بطریقه که آن نیکوتراست تا آنگاه که برسد بحد بلوغ و رشد و وفا کنید به پیمان

ان العهد كان مسئولا ۝ واوفوا الكيل

بدرستی که پیمان خدا هست پرسیده شده و تمام کنید پیمانه را

اذا كلتم وزنوا بالقسطاس المستقيم

هرگاه بپیمایید و وزن کنید بترازوی قپان راست

ذلك خير واحسن تاويلا ۝ ولا تقف ما ليس

این بهتراست و نیکوتراست از جهت مآل و پیروی مکن چیزی که نیست

لَكَ بِهِ عِلْمٌ اِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ

ترا بآن دانشی بدرستی که گوش و چشم و دل همه یک

اُولٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْؤُلًا ۝ وَلَا تَمْشِ فِي

از آنها هست ازو پرسیده شده و براه مرو در

الْاَرْضِ مَرَحًا اِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْاَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ

زمین خرامان بدرستی که تو پاره نتوانی کرد زمین را و نرسی

الْجِبَالَ طُولًا ۝ كُلُّ ذٰلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ

بکوهها در بلندی همه آن همه آن بیست و پنج خصلت که گذشت هست ناپسندیده نزد

رَبِّكَ مَكْرُوهًا ۝ ذٰلِكَ مِمَّا اَوْحٰى اِلَيْكَ رَبُّكَ

پروردگار تو ناخوش داشته شده اینها از چیزهاییست که وحی کرده بسوی تو پروردگار تو

مِنَ الْحِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللّٰهِ اِلٰهًا اٰخَرَ فَتُلْقٰى فِي

از معرفت که شناخت حق و حکم اوست و اعتقاد مکن با خدا خدایی دیگر پس انداخته شوی در

جَهَنَّمَ مَلُومًا مَدْحُورًا ۝ اَفَاَصْفٰكُمْ رَبُّكُمْ

دوزخ نکوهیده رانده شده از رحمت پس آیا برگزید شما را پروردگار شما

بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلٰٓئِكَةِ اِنَاثًا اِنَّكُمْ

به پسران و فرا گرفت از فرشتگان دختران بدرستیکه شما

لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا ۝ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هٰذَا

هر آینه میگویید گفتار بزرگی و بتحقیق که مکرر مثلها زده ایم در این

الْقُرْاٰنِ لِيَذَّكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ اِلَّا نُفُورًا ۝

قرآن برای عبرت خلایق تا بپذیرند و نفزود ایشان را مگر رمیدن از حق

میگویند ... و بتحقیق که مکرر گفتیم در این

الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا

قرآن برای عبرت خلایق تا بپذیرند و نفزود ایشان را مگر رمیدن از حق

قل

قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ

بگو اگر بودی با آن خدایان چنانکه میگویند

إِذًا لَابْتَغَوْا إِلَىٰ ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا سُبْحَانَهُ

آنوقت البته خواهند جست بسوی خداوند عرش راهی پاک او

وَتَعَالَىٰ عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا تُسَبِّحُ

و برتر از آنچه میگویند برتری بغایت تسبیح کنند

لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ

مر او را آسمانهای هفتگانه و زمین و هر که در آنهاست و نیست

مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَٰكِنْ لَا تَفْقَهُونَ

هیچ چیز مگر آنکه تسبیح کند بستایش او لیکن نمی فهمید شما

تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا وَإِذَا

تسبیح ایشان را بدرستی که او هست بردبار آمرزکار و چون

قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا

بخوانی قرآن را بگردانیم میانه تو و میانه آنانکه که

يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا وَجَعَلْنَا

نگرویده اند بروز قیامت پرده با پوشش و گردانیدیم

عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ

بر دلهای ایشان پردها تا نفهمند قرآن را و گردانیدیم در گوشهای شان

وَقْرًا وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا

گرانی تا نشنوند او را و هرگاه یاد کنی پروردگار خود را در قرآن بیگانگی برگردند

عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا ۝ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ
بر پشتهای خود گریزان ما داناتریم بآنچه گوش میدارند
بِهِ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ نَجْوَىٰ إِذْ يَقُولُ
بآن هنگامی که گوش میدارند بسوی تو و هنگامی که ایشان از گویانند باهم هنگامی که گویند
الظَّالِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّسْحُورًا ۝ انظُرْ
ستمکاران پیروی نمیکنید مگر مردی جادو کرده شده را بنگر
كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ
چگونه زده‌اند برای تو مثلها پس گمراه شدند پس نمیتوانند شناخت
سَبِيلًا ۝ وَقَالُوا أَإِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا
راه حق را یا هیچ راهی از غایت حیرت و گفتند آیا هرگاه بوده باشیم استخوانها و از هم پاشیده شده
أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا ۝ قُلْ كُونُوا
آیا ما البته باشیم برانگیخته شدگان بآفرینش تازه بگو در جواب خواه باشید
حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا ۝ أَوْ خَلْقًا مِّمَّا يَكْبُرُ
سنگ یا آهن یا آفریده از آنچه بزرگ مینماید
فِي صُدُورِكُمْ فَسَيَقُولُونَ مَن يُعِيدُنَا قُلِ الَّذِي
در سینهای شما پس زود باشد که بگویند که بر میگرداند ما را بگو آنکه
فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ
بدید آورد شما را نخستین بار پس زود باشد که حرکت دهند بسوی تو
رُءُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هُوَ قُلْ عَسَىٰ أَن يَكُونَ
سرهای خود را از روی تعجب و انکار و گویند کی خواهد بود این بگو شاید که باشد

بدید آورد شما را نخستین بار پس زود باشد که حرکت دهند بسوی تو

رؤسهم ويقولون متى هو قل عسى ان يكون

سرهای خود را از روی تعجب و انکار و گویند کی خواهد بود این بگو شاید که باشد

۱۳

قريبا ۝ يوم يدعوكم فتستجيبون بحمده

نزدیک روزی که بخواند شما را پس اجابت کنید دعوت او را در حالی که مشغول بالحمد

وتظنون ان لبثتم الا قليلا ۝ وقل لعبادي

و گمان کنید که درنگ کرده اید در قبر یا در دنیا مگر زمان کمی و بگو مر بندگان مرا

يقولوا التي هي احسن ان الشيطان ينزغ

که بگویند کلمه را که آن نیکوتر است بدرستی که شیطان دشمنی اندازد

بينهم ان الشيطان كان للانسان عدوا

میانه او میان بدرستی که دیو رجیم هست مر آدمیان را دشمنی

مبينا ۝ ربكم اعلم بكم ان يشا يرحمكم

آشکار پروردگار شما داناتر است بحال شما اگر خواهد ببخشد شما را

او ان يشا يعذبكم وما ارسلناك عليهم

یا اگر خواهد عذاب کند شما را و نفرستادیم ترا بر ایشان در حالتی

وكيلا ۝ وربك اعلم بمن في السموات

که نگهبان کردهای ایشان باشی و پروردگار تو داناتر است بهر که در آسمانها

والارض ولقد فضلنا بعض النبيين على

و زمین است و البته و بتحقیق که فزونی دادیم بعضی از پیغمبران را بر

بعض واتينا داود زبورا ۝ قل ادعوا الذين

بعضی و دادیم بداود زبور را بگو بخوانید آنها را

زعمتم من دونه فلا يملكون كشف الضر

که گمان کردید خدایی ایشان را بغیر از او پس قادر نیستند دفع کردن بلایی را

عَنكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا ۞ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ

از شما ونه كردانيدن شمارا از حالى بحالى ديكر اين كروه پيغمبران كه ميخوانند آدميان از بين حق

يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ

ميجويند بسوى پروردكارشان راه قربى از طاعت وبندكى هر كدام كه نزديكتر بخدا واميد

رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ

رحمت اورا وميترسند از عذاب او بدرستى عذاب پروردكار تو

كَانَ مَحْذُورًا ۞ وَإِن مِّن قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا

هست حذر كرده شده ونيست هيچ شهرى ودهى مگر حال آنكه ماهلاك كنندكان آنهايم

قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا

پيش از روز قيامت يا عذاب كنندكان ايشانيم عذاب سختى

كَانَ ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا ۞ وَمَا

هست اين در لوح محفوظ نوشته شده و

مَنَعَنَا أَن نُّرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَن كَذَّبَ

مانع نشده مارا اينكه بفرستيم معجزاتى راكه امت تو خواسته اند مكر آنكه تكذيب كرده اند

بِهَا الْأَوَّلُونَ وَآتَيْنَا ثَمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً

آن معجزات را پيشينيان وداديم ما قوم ثمود را ناقه حال آنكه معجزه بود ظاهر

فَظَلَمُوا بِهَا وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ إِلَّا تَخْوِيفًا

پس ستم كردند بآن ناقه ونميفرستيم ما معجزه هارا مكر جهة ترسانيدن از عذاب

وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ

وياد كن چون كفتيم ما باتو كه پروردكار تو فرا كرفته علم شامل وى همه آدميان را

... بالايات الا تخويفا

پس ستم کردند بآن ناقه و نمیفرستیم ما معجزه ها را مگر جهة ترسانیدن از عذاب

وإذ قلنا لك إن ربك أحاط بالناس

و یاد کن چون گفتیم ما با تو که پروردگار تو فرا گرفته علم شامل و همه آدمیان را

وما

وما جعلنا الرءيا التي أرينك إلا فتنة

و نگردانیدیم ما آن خواب را که نمودیم بتو مگر جهت آزمایش

للناس والشجرة الملعونة في القرءان ونخوفهم

مردمان و ننمودیم بتو شجره را که لعنت کرده شده در قرآن و بیم می نماییم ایشان را

فما يزيدهم إلا طغينا كبيرا ۝ وإذ قلنا

پس نیفزود ایشان را مگر [illegible] بزرگی و یاد کن چون گفتیم

للملئكة اسجدوا لءادم فسجدوا إلا إبليس

فرشتگان را که سجده خدا کنید بشکرانه آفرینش آدم پس سجده کردند همه مگر شیطان

قال ءأسجد لمن خلقت طينا ۝ قال أرءيتك

گفت آیا سجده کنم برای کسی که آورده او را از گل گفت ابلیس خبر ده مرا

هذا الذي كرمت علي لئن أخرتن إلى يوم

از این آدمی که گرامی داشتی او را بر من از چه جهة گرامی داشتی البته اگر باز پس دادی مرگ مرا تا روز

القيمة لأحتنكن ذريته إلا قليلا قال

رستخیز هر آینه ریشه کن کنم البته از راه تو فرزندان او را مگر اندکی را گفت

اذهب فمن تبعك منهم فإن جهنم جزاؤكم

برو پس هر که پیروی کند ترا از ایشان پس بتحقیق که دوزخ سزای شماست

جزاء موفورا ۝ واستفزز من استطعت منهم

پاداش تمامی و از جای بجنبان هر کرا توانی از ایشان

بصوتك وأجلب عليهم بخيلك ورجلك

با آواز و افسون خود و گرد آور بر ایشان سواران خود و پیادگان خود را

وَشَارِكْهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعِدْهُمْ
وشریک شو با ایشان در اموال و فرزندان ایشان و وعده ده ایشان را
وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا ۝ إِنَّ
و وعده نمیدهد ایشان را دیو رجیم مگر بفریب بدرستی
عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَىٰ
که بندگان من نیست ترا بر ایشان هیچ تسلطی و بس است
بِرَبِّكَ وَكِيلًا ۝ رَبُّكُمُ الَّذِي يُزْجِي لَكُمُ الْفُلْكَ
پروردگار تو نگهبان بندگان پروردگار شما آنچنانست که میراند برای شما کشتی را
فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ
در دریا تا بجویید از فضل و کرم او بدرستی که او هست بشما
رَحِيمًا ۝ وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ
مهربان و هرگاه برسد شما را بلایی در دریا گم و محو شود از خاطر شما کسانی
تَدْعُونَ إِلَّا إِيَّاهُ فَلَمَّا نَجَّاكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ
که میخوانید بجز او پس چون رهانید شما را و رسانید بخشکی رو گردانیدید
وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا ۝ أَفَأَمِنْتُمْ أَنْ يَخْسِفَ
و هست آدمی بسیار ناسپاس پس آیا ایمنید از اینکه فرو برد
بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا
شما را بکرانه از خشکی یا بفرستد بر شما باد تند سنگ انداز
ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ وَكِيلًا ۝ أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ يُعِيدَكُمْ
پس نیابید برای خود نگهبانی بلکه آیا ایمنید از اینکه باز گرداند شما را

بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ اَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا
شما را بکرانه از خشکی یا بفرستد بر شما بادتند سنگ انداز
ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ وَكِيلًا ۝ اَمْ اَمِنْتُمْ اَنْ يُعِيدَكُمْ
پس نیابید برای خود نگهبانی بلکه ایا ایمنید از اینکه باز گرداند شمارا

فیه

فِيهِ تَارَةً اُخْرٰى فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِنَ
در دریا بار دیگر پس بفرستد بر شما بادی شکننده کشتی از
الرِّيحِ فَيُغْرِقَكُمْ بِمَا كَفَرْتُمْ ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ عَلَيْنَا
بادها پس غرق کرداند شمارا بسبب ناسپاسی شما پس نیابید برای خود بر ما
بِهِ تَبِيعًا ۝ وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي اٰدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ
بسبب آن بازخواهی والبته بتحقیق که گرامی داشتیم ما فرزندان آدم را و سوار کردیم ایشانرا
فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ
در خشکی بچهارپایان و در دریا بکشتی و روزی کردیم ایشانرا از چیزهای پاکیزه و فزونی دادیم ایشانرا
عَلٰى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا ۝ يَوْمَ نَدْعُو
بر بسیاری از آنچه آفریده ایم فزونی دادنی روزی که بخوانیم
كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ فَمَنْ اُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ
هر آدمی را بنام پیشوای ایشان پس هر که داده شود نامهٔ اعمالش بدست راست او
فَاُولٰئِكَ يَقْرَؤُنَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا
پس اینگروه بخوانند نامهٔ عمل خود را و ستم رسیده نباشند از پی ستی
وَمَنْ كَانَ فِي هٰذِهِ اَعْمٰى فَهُوَ فِي الْاٰخِرَةِ
و کسی که بوده باشد در این سرا کور باطن پس او در قیامت
اَعْمٰى وَاَضَلُّ سَبِيلًا ۝ وَاِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ
کور و گمراه تر است و بدرستی که خواستند مشرکان که ترا در بلا افکنند
عَنِ الَّذِي اَوْحَيْنَا اِلَيْكَ لِتَفْتَرِيَ عَلَيْنَا غَيْرَهُ
و فرود آرند از آنچه وحی کرده ایم بسوی تو تا بر بافی بر ما غیر آنرا

وَإِذًا لَاتَّخَذُوكَ خَلِيلًا ۝ وَلَوْلَا أَنْ ثَبَّتْنَاكَ
وانهنگام هرآینه فرا گیرند ترا دوست خود واگرنه آن بودی که ثابت قدم داشتیم ترا
لَقَدْ كِدْتَ تَرْكَنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا ۝ إِذًا
بتحقیق که نزدیک بودی که میل نمایی بسوی ایشان میلی کمی آنوقت
لَأَذَقْنَاكَ ضِعْفَ الْحَيٰوةِ وَضِعْفَ الْمَمَاتِ
هرآینه چشانیدیم ما ترا دو چندان از عذاب ایشان در دنیا و دو چندان از عذاب ایشان بعد از مرگ
ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا ۝ وَإِنْ كَادُوا
پس نیابی برای خود بر دفع عذاب یاوری وبتحقیق که خواستند مشرکان
لَيَسْتَفِزُّونَكَ مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا
که بحرکت آورند ترا از زمین مکه تا بیرون کنند ترا از آن
وَإِذًا لَا يَلْبَثُونَ خِلَافَكَ إِلَّا قَلِيلًا ۝ سُنَّةَ
وانهنگام درنگ نکنند پس از تو در آن سرزمین یا در دنیا مگر اندک زمانی وضع کردیم ای تو
مَنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا وَلَا تَجِدُ
مانند طریقی که مقرر فرمودیم برای آنانکه پیش از تو فرستادیم از پیغمبران و نمی یابی
لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا ۝ أَقِمِ الصَّلٰوةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ
مر طریق ما را هیچ تغییری بپا دار نماز را وقت زوال آفتاب
إِلَىٰ غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ
تا تاریکی شب و نماز صبح بدرستی که نماز صبح
كَانَ مَشْهُودًا ۝ وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ
هست شاهد کردانیده فرشتگان شب و روز بران و بعضی از شب را بیدار باش

ب

الفجر إن قرآن الفجر

تا تاریکی شب و نماز صبح بدرستی که نماز صبح

كان مشهودا ۞ ومن الليل فتهجد

هست شاهد کردانیده فرشتگان شب و روز ران و بعضی از شب را بیدار باش

به

به نافلة لك عسى أن يبعثك ربك مقاما

برای قرآن یعنی نماز در حالتی که آن نماز فریضه زائده است برای تو شاید که برساند ترا پروردگار تو بمرتبهٔ

محمودا ۞ وقل رب أدخلني مدخل صدق و

ستوده و بگو ای پروردگار من در آور مرا در هر کار نیکی در آوردن راستی و

أخرجني مخرج صدق واجعل لي من لدنك

بیرون آور مرا از هر بدی بیرون آوردن راستی و بگردان برای من از نزد خود

سلطانا نصيرا ۞ وقل جاء الحق وزهق الباطل

حجتی یاری دهنده و بگو آمد دین درست و نیست شد دین باطل

إن الباطل كان زهوقا ۞ وننزل من القرآن

بدرستی که کیش نابود هست نیست کردنی و فرو فرستیم از قرآن

ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين ولا يزيد الظالمين

آنچه آن دوای جهل و بخشایشیست مر گروندگان را و نیفزاید ستمکاران را

إلا خسارا ۞ وإذا أنعمنا على الإنسان أعرض

بجز زیانکاری و هرگاه نعمت کنیم ما بر آدمی روی بگرداند

ونأى بجانبه وإذا مسه الشر كان يؤوسا ۞

و مایل گرداند جانب خود را و چون رسد او را بلایی هست ناامید از هر نعمتی

قل كل يعمل على شاكلته فربكم أعلم بمن

بگو هر کسی کار کند بر وفق عادت خود پس پروردگار شما داناتر است بکسی

هو أهدى سبيلا ۞ ويسألونك عن الروح

که آن راه یافته تر است و می‌پرسند ترا از حقیقت روح

قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ
بگو روح پیدا شده از محض فرمان پروردگار من بی‌ماده و داده شده اید از دانش
إِلَّا قَلِيلًا ۝ وَلَئِنْ شِئْنَا لَنَذْهَبَنَّ بِالَّذِي أَوْحَيْنَا
مگر اندکی والبته اگر خواهیم هرآینه ببریم و محو کنیم از سینه‌ها آنچه وحی
إِلَيْكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِ عَلَيْنَا وَكِيلًا ۝
کرده‌ایم بسوی تو پس نیابی برای خود بباز گردانیدن آن بر ما کارگزاری
إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ إِنَّ فَضْلَهُ كَانَ عَلَيْكَ كَبِيرًا ۝
مگر بخشایشی از نزد پروردگار تو بدرستی که فضل و کرم او هست بر تو بزرگ
قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ
بگو البته اگر گرد آیند آدمیان و جنیان بر آنکه بیاورند مانند
هَٰذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ
این قرآن را نیاورند مانند آنرا و اگرچه باشند
بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا ۝ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ
برخی از ایشان مر برخی را هم پشت والبته بتحقیق که مکرر گردانیدیم برای مردمان
فِي هَٰذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَىٰ أَكْثَرُ النَّاسِ
در این قرآن از هر مثلی پس سرباز زدند بیشتر مردمان از هیچ
إِلَّا كُفُورًا ۝ وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ تَفْجُرَ
مگر انکار و ناسپاسی و گفتند نگرویم بتو تا آنگاه که روان کنی
لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا ۝ أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ
برای ما از زمین که چشمه یا باشد ترا بوستانی

من

مگر انکار و ناسپاسی و گفتند نگرویم بتو تا آنگاه که روان کنی

لنا من الارض ینبوعا ۞ او تکون لک جنة

برای ما از زمین که چشمه یا باشد ترا بوستانی

من نخیل

من نخیل وعنب فتفجر الانهار خلالها

از خرما بن و انگور پس روان کنی جوها در میان آن بوستان

تفجیرا ۞ او تسقط السماء کما زعمت

روان کردنی یا بیفکنی آسمان را چنانکه دعوی کردی

علینا کسفا او تاتی بالله والملائکة

بر ما پاره پاره یا بیاوری خدا را و فرشتگان را گواهی

قبیلا ۞ او یکون لک بیت من زخرف او ترقی

رسالت خود یا باشد ترا خانه از طلا یا بالا بر شوی

فی السماء ولن نؤمن لرقیک حتی تنزل علینا

بآسمان و هرگز باور نداریم بر شدن ترا بآسمان تا آنگاه که فرود آوری بر ما

کتابا نقرؤه قل سبحان ربی هل کنت

نامهٔ مشتمل بر تصدیق تو که خوانیم ما آنرا بگو پاک پروردگار من آیا هستم

الا بشرا رسولا ۞ وما منع الناس ان یؤمنوا

مگر آدمی فرستاده شده برسالت و باز نداشت مردمان را از آنکه بگروند

اذ جاءهم الهدی الا ان قالوا ابعث الله

چون آمد ایشانرا دین راست مگر آنکه گفتند آیا میفرستد خدا

بشرا رسولا ۞ قل لو کان فی الارض ملائکة

آدمی را برسالت بگو اگر بودی در زمین فرشتگان

یمشون مطمئنین لنزلنا علیهم من السماء

که راه رفتندی بآرام هرآینه فرستادیم برایشان از آسمان

ملكا رسولا ۞ قل كفى بالله شهيدا

فرشته را برسالت بگو بس است خدا جهت گواهی

بيني وبينكم انه كان بعباده خبيرا

میانه من و میانه شما بدرستی که او هست ببندگان خود آگاه

بصيرا ۞ ومن يهد الله فهو المهتد ومن

بینا و کسی که او را راه نماید خدا پس اوست راه یافته و کسی

يضلل فلن تجد لهم اولياء من دونه و

که واگذارد او را بر ضلالت پس هرگز نیابی برای ایشان کارگزارانی راکه هدایت کنند ایشانرا بغیر از خداو

نحشرهم يوم القيمة على وجوههم عميا

حشر کنیم ایشانرا در روز رستخیز در حالتی که کشیده شوند در زمین بر روهای ایشان کوران

وبكما وصما ماويهم جهنم كلما

و گنگان و کران آرامگاه ایشان دوزخست هرگاه

خبت زدناهم سعيرا ۞ ذلك جزاؤهم بانهم

فرو میرود آتش بیفزاییم ایشانرا آتش افروخته این سزای ایشانست بسبب آنکه ایشان

كفروا باياتنا وقالوا ءاذا كنا عظاما

بگرویدند بآیتهای ما و گفتند آیا چون باشیم ما استخوانها

ورفاتا ءانا لمبعوثون خلقا جديدا ۞

و عضوهای از هم پاشیده آیا ما البته برانگیختگان باشیم آفرینش تازه ر

اولم يروا ان الله الذي خلق السموات و

و آیا ندانستند که خدایی که بدید آورد آسمانها و

أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا ۞

وعضوهای ازهم پاشیده آیا ما البته برانگیختگان باشیم آفرینش تازه ر

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللّٰهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَ

وآیا ندانستند که خدایی که بدید آورد آسمانها و

الارض

أَلْأَرْضَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَجَعَلَ

زمین را تواناست بر آنکه بیافریند مانند ایشانرا ومقرر فرموده

لَهُمْ أَجَلًا لَا رَيْبَ فِيهِ فَأَبَى الظَّالِمُونَ إِلَّا

برای اعادهٔ ایشان وقتی که نیست هیچ شکی در آن پس سر باز زدند ستمکاران مگر

كُفُورًا ۞ قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ

مگر انکار را بگو اگر شما مالک شوید خزانهای بخشایش

رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ

پروردگار مرا اینک هر آینه بخل ورزید از ترس تمام شدن مال بسبب انفاق و هست

الْإِنْسَانُ قَتُورًا ۞ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ تِسْعَ آيَاتٍ

آدمی بغایت بخیل والبته وتحقیق که دادیم موسی نه معجزه

بَيِّنَاتٍ فَسْئَلْ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ

همه روشن پس بپرس از بنی اسرائیل چون آمد موسی بایشان پس گفت مراورا

فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا مُوسَىٰ مَسْحُورًا ۞ قَالَ

فرعون بدرستی که من هر آینه گمان میکنم ترا ای موسی جادو کرده شده گفت موسی

لَقَدْ عَلِمْتَ مَا أَنْزَلَ هٰؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمٰوَاتِ

البته وتحقیق که دانسته تو که نفرستاده آن معجزهها را مگر پروردگار آسمانها

وَالْأَرْضِ بَصَائِرَ وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا فِرْعَوْنُ

و زمین در حالتی که سبب شناسائیست وبدرستیکه من هر آینه گمان میبرم ترا ای فرعون

مَثْبُورًا ۞ فَأَرَادَ أَنْ يَسْتَفِزَّهُمْ مِنَ الْأَرْضِ

هلاک شده پس خواست فرعون که بدر اندازد موسی ومومنانرا از زمین مصر

فاغرقناه ومن معه جميعا ۝ وقلنا من

پس غرق کردانیدیم فرعون وکسانیرا که باو بودند همه و گفتیم

بعده لبني اسرائيل اسكنوا الارض فاذا

بعد از غرق فرعون مر بنی اسرائیل را که جا گیرید در زمین مصر پس چون

جاء وعد الاخرة جئنا بكم لفيفا ۝ و

بیاید وعده سرای آخرت بیاوریم شما و ایشانرا همه درهم آمیخته و

بالحق انزلناه وبالحق نزل وما ارسلناك

براستی فرو فرستادیم قرآنرا و براستی فرود آمد قرآن و نفرستادیم ترا

الا مبشرا ونذيرا ۝ وقرانا فرقناه لتقراه

مگر مژده دهنده و بیم نماینده و قرآنرا پراکنده فرستادیم تا بخوانی آنرا

على الناس على مكث ونزلناه تنزيلا ۝

بر مردمان با تانی و تدریج و فرو فرستادیم آنرا فرو فرستادنی

قل امنوا به او لا تؤمنوا ان الذين اوتوا

بگو خواه ایمان بیاورید بآن یا ایمان نیاورید که نفع وضرری بقرآن نرسد براستی که آنانکه داده شده اند

العلم من قبله اذا يتلى عليهم يخرون

دانش را پیش از قرآن هرگاه خوانده شود بر ایشان قرآن بیوفتند بر زنخها

للاذقان سجدا ۝ ويقولون سبحان

بر زنخها سجده کنندگان و گویند پاک

ربنا ان كان وعد ربنا لمفعولا ۝ و

پروردگار ما بدرستیکه هست وعده پروردگار ما هر آینه کرده شده و

للأذقان سجدا ۝ ويقولون سبحان

بر نخفا سجده کنندگان وگویند پاک

ربنا إن كان وعد ربنا لمفعولا ۝ و

پروردگار ما بدرستیکه هست وعده پروردگار ما هرآینه کرده شده و

يخرون للأذقان يبكون ويزيدهم خشوعا

بر روافتند بر نخف بگریند و بیفزاید ایشانرا فروتنی

قل ادعوا الله أو ادعوا الرحمن أيا ما تدعوا

بگو بخوانید خدا را بنام الله یا بخوانید او را بنام رحمن بهر کدام نام خوانید او را

فله الأسماء الحسنى ولا تجهر بصلاتك

پس مر او راست نامهای نیکو و بلند مکن قرارت نماز خود را

ولا تخافت بها وابتغ بين ذلك سبيلا ۝

و بسیار آهسته مکن قرات نماز خود را و بجوی میان این و آن راهی

وقل الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا ولم يكن

و بگو سپاس مر خدا راست که نگرفته فرزندی و نبوده

له شريك في الملك ولم يكن له ولي

او را هیچ شریکی در پادشاهی و نبوده او را هیچ یاوری

من الذل وكبره تكبيرا ۝

از مذلت و ببزرگی نسبت کن خدا را بزرگ کردنی عظیم

سورة يس ثلث وثمانون آية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

ابتدا میکنم بنام خدای بخشاینده مهربان

يٰسٓ ۞ وَالْقُرْاٰنِ الْحَكِيمِ ۞ اِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ۞

سوگند به یس و قرآن با حکمت بدرستی که تو هرآینه از فرستادگانی برسالت

عَلٰى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۞ تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ

بر راه راست یعنی فرو فرستاده شده از جانب غالب مهربان

لِتُنْذِرَ قَوْمًا مَا اُنْذِرَ اٰبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ ۞

تا آنکه بیم نمایی تو گروهی را که بیم داده نشده اند پدران ایشان پس ایشان بیخبرانند

لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلٰى اَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۞

هرآینه بتحقیق که واجب شد گفتار عذاب بر بیشتر ایشان پس ایشان نگروند

اِنَّا جَعَلْنَا فِي اَعْنَاقِهِمْ اَغْلَالًا فَهِيَ اِلَى الْاَذْقَانِ

بدرستی که ما پدید کردیم در گردنهای ایشان غلها پس آن غلها رسیده اند بزنخها

فَهُمْ مُقْمَحُونَ ۞ وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ اَيْدِيهِمْ سَدًّا

پس ایشان برافراشته سرانند و پدید کردیم از پیش روی ایشان حایلی

انا جعلنا فی اعناقهم اغلالا فهی الی الاذقان

بدرستی که ما پدید کردیم در گردنهای ایشان غلها پس آن غلها رسیده اند بزنخها

فهم مقمحون ۝ وجعلنا من بین ایدیهم سدا

پس ایشان برافراشته سرانند و پدید کردیم از پیش روی ایشان حایلی

ومن

ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا

و از پس ایشان حایلی پس پوشانیدیم چشمهای ایشانرا پس ایشان نه

یبصرون ۝ وسواء علیهم ءانذرتهم ام

بینند و یکسانست بر ایشان خواه بیم نمایی ایشانرا یا

لم تنذرهم لا یؤمنون ۝ انما تنذر من اتبع

بیم ننمایی ایشانرا نمیگروند جز این نیست که بیم مینمایی کسی که پیروی کند

الذکر وخشی الرحمن بالغیب فبشره بمغفرة

قرآنرا و بترسد از خداوند بخشاینده پنهان پس مژده ده اورا بآمرزش

واجر کریم ۝ انا نحن نحی الموتی ونکتب ما

و مزدی بزرگ بدرستی که ما زنده کنیم مردگانرا و نویسیم آنرا که

قدموا واثارهم وکل شیء احصیناه فی

پیش فرستاده اند کردارهای ایشانرا و هر چیزی را شمرده ایم در

امام مبین ۝ واضرب لهم مثلا اصحاب القریة

کتابی هویدا یعنی لوح محفوظ و بزن برای ایشان داستانی یاران شهر انطاکیه

اذ جاءها المرسلون ۝ اذ ارسلنا الیهم

چون آمدند بآن شهر فرستادگان آنگاه که فرستادیم بسوی ایشان

اثنین فکذبوهما فعززنا بثالث فقالوا

دو تن پس دروغ آن دو رسول را نسبت کردند پس قوی ساختیم ایندو را بسیم پس گفتند

انا الیکم مرسلون ۝ قالوا ما انتم الا بشر

بدرستی که ما بسوی شما فرستادگانیم گفتند اهل آن شهر نه اید شما مگر آدمی

مِثْلُنَا وَمَا أَنزَلَ الرَّحْمَٰنُ مِن شَيْءٍ إِنْ أَنتُمْ

مانند ما و فرو نفرستاده خداوند بخشاینده هیچ چیز نیاید شما

إِلَّا تَكْذِبُونَ ۞ قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ

مگر آنکه دروغ میگویید گفتند پروردگار ما میداند که ما بسوی شما

لَمُرْسَلُونَ ۞ وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ۞

هر آینه فرستادگانیم و نباشد بر ما مگر رسانیدنی هویدا

قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ

گفتند اهل انطاکیه بدرستی فال بد گرفتیم بشما هر آینه اگر باز نه ایستید ازین سخن هر آینه سنگسار کنیم شمارا

وَلَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ ۞ قَالُوا طَائِرُكُم

و هر آینه البته رسد شمارا از ما عذابی دردناک گفتند رسولان فال بد شما

مَّعَكُمْ أَئِن ذُكِّرْتُم بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ ۞

با شما است آیا اگر پند داده شوید فال بد گیرید شما گروهید درگذشتگان از حد

وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَىٰ قَالَ يَا قَوْمِ

و آمد از نهایت آن شهر مردی که میشتافت گفت آن مرد ای گروه من

اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ ۞ اتَّبِعُوا مَن لَّا يَسْأَلُكُمْ

پیروی کنید فرستادگان را پیروی کنید کسی را که نمیخواهد از شما

أَجْرًا وَهُم مُّهْتَدُونَ ۞ وَمَا لِيَ لَا أَعْبُدُ الَّذِي

مزدی و ایشان راه یافتگانند و چیست مرا که نپرستم آن خدایی را که

فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۞ أَأَتَّخِذُ مِن دُونِهِ

آفریده مرا و بسوی او باز گردیده شوید آیا بگیرم بغیر او

اجرا وهم مهتدون ۝ ومالی لا اعبد الذی
مزدی وایشان راه یافتگانند وچیست مرا که نپرستم آنخدایی را که
فطرنی والیه ترجعون ۝ ءاتخذ من دونه
آفرید مرا وبسوی او باز گردیده شوید آیا بخدایی گیرم بغیر او

الهه

الهة ان یردن الرحمن بضر لا تغن عنی شفاعتهم
خدایانی اگر خواهد بمن خدای بخشنده گزندی باز ندارد از من شفاعت ایشان
شیئا ولا ینقذون ۝ انی اذا لفی ضلال مبین ۝
هیچ چیزی را و خلاص کنند مرا بدرستیکه من هر آینه در ضلالتیم هویدا
انی امنت بربکم فاسمعون ۝ قیل ادخل الجنة قال
بدرستی که من ایمان آوردم بپروردگار شما پس بشنوید سخن مرا گفته شد چون شهید شد در آی بهشت گفت
یا لیت قومی یعلمون ۝ بما غفر لی ربی وجعلنی
ای کاش گروه من دانستندی که بچه سبب آمرزید مرا پروردگار من و گردانید مرا
من المکرمین ۝ وما انزلنا علی قومه من بعده
از گرامی داشتگان و نفرستادیم بر گروه او پس از قتل او
من جند من السماء وما کنا منزلین ۝ ان کانت
هیچ لشکری از آسمان و نه ایم ما فرو فرستندگان لشکر نبود برای هلاک ایشان
الا صیحة واحدة فاذا هم خامدون ۝ یا حسرة
بجز نعره یگانه پس ناگهان ایشان بودند برجای مردگان بیا ای حسرت و اندوه
علی العباد ما یاتیهم من رسول الا کانوا به
بر حال بندگان نیامد ایشان را هیچ پیغمبری مگر آنکه بودند که بآن
یستهزءون ۝ الم یروا کم اهلکنا قبلهم من
سخریه میکردند آیا ندیدند قریش که چند هلاک کردیم پیش از ایشان از
القرون انهم الیهم لا یرجعون ۝ وان کل
اهل زمانها آنکه آن گذشتگان بسوی ایشان باز نگردند و نیست هیچکس از ایشان

لمّا جميعٌ لدينا محضرون ۞ وآيةٌ لهم الارض

مگر آنکه همه نزد ما احضار کرده خواهند شد و دلیلیست برای ایشان زمین

الميتة احييناها واخرجنا منها حبًّا فمنه

مرده زنده کردیم آنرا و بیرون آوردیم از آن دانه پس از آن

يأكلون ۞ وجعلنا فيها جنّاتٍ من نخيلٍ و

میخورند و بدید کردیم در آن بوستانها از خرمابن و

اعنابٍ وفجّرنا فيها من العيون ۞ ليأكلوا

اصناف انگورها و روان گردانیدیم در آن از چشمه‌سارها تا بخورند

من ثمره وما عملته ايديهم افلا يشكرون ۞

از میوه‌های آن و آنچه تحصیل کرده‌اند دستهای ایشان آیا پس سپاس گزاری نمیکنند

سبحان الذى خلق الازواج كلّها ممّا تنبت

پاکا خدایی که آفرید انواع میوه‌ها را همه آنها را از آنچه برویاند

الارض ومن انفسهم وممّا لا يعلمون ۞ وآيةٌ

زمین و از اصناف آدمیان و از آنچه نمیدانند و دلیلیست

لهم الّيل نسلخ منه النّهار فاذا هم مظلمون ۞

برای ایشان شب که باز میکنیم از آن روز را که چون پوستست از آن پس ناگهان ایشان در تاریکی اند

والشّمس تجرى لمستقرٍّ لها ذلك تقدير العزيز

و آفتاب میرود تا بجای قرارگاهی که او راست این کار با اندازه کردن غالبیست

العليم ۞ والقمر قدّرناه منازل حتّى عاد

دانا و ماه را تقدیر فرمودیم حرکت او در منازل معلوم تا که گردد در آخر منازل

والشمس تجري لمستقر لها ذلك تقدير العزيز

و آفتاب میرود تا جای قرارگاهی که او راست این کار اندازه کردن غالبیست

العليم ۞ والقمر قدرناه منازل حتى عاد

دانا و ماه را تقدیر نموده‌ایم حرکتش را در منازل معلوم تا که گردد در آخر منازل

کالعرجون

كالعرجون القديم ۞ لا الشمس ينبغي لها

مانند شاخ خرمای دیرینه نه آفتاب سزد آنرا

ان تدرك القمر ولا اليل سابق النهار وكل

که دریابد ماه را و نه شب پیشی گیرنده روز است و هر یک از این دو

في فلك يسبحون ۞ واية لهم انا حملنا

در آسمانی میروند و دلیلست برای ایشان آنکه ما بار کردیم

ذريتهم في الفلك المشحون ۞ وخلقنا لهم

اولاد ایشانرا در کشتی پر کرده و بدید کردیم برای ایشان

من مثله ما يركبون ۞ وان نشا نغرقهم

از مانند آن کشتی آنچه بر او می نشینند و اگر خواهیم غرق میکنیم ایشانرا

فلا صريخ لهم ولا هم ينقذون ۞ الا رحمة

پس نیست هیچ فریادرسی ایشانرا و نه ایشان خلاصی یافته کردند مگر از جهت بخشایشی

منا ومتاعا الى حين ۞ واذا قيل لهم اتقوا ما بين

از ما و برخورداری تا مدت اجل و چون گفته شود مر ایشانرا که بترسید از آنچه پیش

ايديكم وما خلفكم لعلكم ترحمون ۞ وما

روی شماست و آنچه در پس شماست از عذاب تا شاید شما بخشوده کردید و نیاید

تاتيهم من اية من ايات ربهم الا كانوا عنها

بایشان هیچ دلیلی از معجزات پروردگار ایشان مگر که باشند از آن

معرضين ۞ واذا قيل لهم انفقوا مما رزقكم الله

اعراض کنندگان و چون گفته شود مر ایشانرا که صرف کنید از آنچه روزی داده شما را خدا

قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنُطْعِمُ مَنْ لَوْ
گویند آنانکه کافر شدند مر آنانرا که گرویدند آیا طعام دهیم آنرا که اگر
يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ
خواستی خدا خورش دادی اورا نه اید شما مگر در ضلالتی هویدا
وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ
و گویند کدام وقت خواهد بود این وعده اگر هستید شما راست گویان
مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ
چشم نمیدارند مگر نعره یگانه فرا گیرد ایشانرا و حال آنکه ایشان
يَخِصِّمُونَ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ
باهم خصومت کنندگانند پس نتوانند نمود هیچ توصیتی و نه بسوی
أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ
کسان خود باز میگردند و دمیده شود در صور نوبت دویم پس ناگهان ایشان از
الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ قَالُوا يَا وَيْلَنَا
قبرها بسوی پروردگار خود دوند گویند ای وای بر ما
مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَٰذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَٰنُ وَصَدَقَ
کدام کس برانگیخت مارا از خوابگاه ما اینست آنچه وعده کرده خدای بخشاینده و راست گفتند
الْمُرْسَلُونَ إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً
پیغمبران نباشد بجز نعره یگانه
فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ
پس ناگهان ایشان همه نزد ما حاضر شدگانند پس امروز ستم کرده نشود

نفس

المرسلون ۞ ان كانت الا صيحة واحدة

پیغمبران نباشد بجز نعره یکانه

فاذا هم جميع لدينا محضرون ۞ فاليوم لا تظلم

پس ناگهان ایشان همه نزد ما حاضر شده کانند پس امروز ستم کرده نشود

نفس

نفس شيئا ولا تجزون الا ما كنتم تعملون ۞

هیچ تن هیچ ستمی و جزا داده نشوید مگر آنرا که بودید که میکردید

ان اصحاب الجنة اليوم في شغل فاكهون ۞

بدرستی که یاران بهشت امروز مشغول شغل عظیمی از لذت نعمتها کانند

هم وازواجهم في ظلال على الارائك متكئون

ایشان و زنان ایشان در سایهها اند بر تختهای آراسته تکیه زدکانند

لهم فيها فاكهة ولهم ما يدعون ۞ سلام قولا

مر ایشانراست در بهشت هر میوه و مر ایشانراست آنچه آرزو کنند مر ایشانرا سلامیست گفته شده

من رب رحيم ۞ وامتازوا اليوم ايها المجرمون

و گفته شود مر ایشانرا این سلام از پروردگار مهربان جدا شوید امروز ای گناهکاران از مومنان

الم اعهد اليكم يا بني آدم ان لا تعبدوا

آیا پیمان نکردم با شما ای فرزندان آدم که مپرستید

الشيطان انه لكم عدو مبين ۞ وان اعبدوني

دیو رجیم را بدرستی که او مر شما را دشمنی است هویدا و آنکه پرستید مرا

هذا صراط مستقيم ۞ ولقد اضل منكم

این راهیست راست و هر آئینه بتحقیق گمراه کردید از شما

جبلا كثيرا افلم تكونوا تعقلون ۞ هذه

آفریدگان بسیار آیا پس نبودید که دریابید اینست

جهنم التي كنتم توعدون ۞ اصلوها اليوم بما

جهنم دوزخی که بودید که ترسانیده میشدید در دنیا در آئید بآنرا امروز بسبب آنکه

كُنتُمْ تَكْفُرُونَ ۞ اَلْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ اَفْوَاهِهِمْ

بودید که انکار میکردید امروز مهر نهیم بر دهنهای ایشان

وَتُكَلِّمُنَا اَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ اَرْجُلُهُم بِمَا

و سخن گوید با ما دستهای ایشان و گواهی دهد پاهای ایشان با نچه

كَانُوا يَكْسِبُونَ ۞ وَلَوْ نَشَاۤءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ اَعْيُنِهِمْ

بودند که کسب میکردند اگر خواهیم هر آینه محو کردانیم برابر چشمهای ایشان

فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَاَنَّىٰ يُبْصِرُونَ ۞ وَلَوْ نَشَاۤءُ

پس پیشی کرفتندی براهی که بعادت میرفتند پس از کجا توانند دید واگر میخواهیم

لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَىٰ مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا

هر آینه مسخ کردیم ایشانرا بصورتی که مانند آن بر جایگاه ایشان پس نتوانستندی کذشتی

وَلَا يَرْجِعُونَ ۞ وَمَن نُّعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ

و نه باز کشتی و هر که را عمر دراز دهیم باز کوته کنیم اورا در آفرینش یعنی جوانی و قوت و طراوت اورا

اَفَلَا يَعْقِلُونَ ۞ وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنبَغِي لَهُ

بدل کنیم به پیری و ضعیفی و پژمردگی آیا پس درنمی یابند و نیاموخته ایم ما محمد را شعر یعنی کلام موزون قافیه دار و نسزد او را شاعری

اِنْ هُوَ اِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْاٰنٌ مُّبِينٌ ۞ لِّيُنذِرَ مَن

نیست آنچه اموختیم او را مکر پندی و قرآنی ظاهر الاعجاز تا بیم کند هر که را

كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ ۞

که هست زنده دل و واجب شود کفتار ما بعذاب بر ناکرویدکان

اَوَلَمْ يَرَوْا اَنَّا خَلَقْنَا لَهُم مِّمَّا عَمِلَتْ اَيْدِينَا اَنْعَامًا

آیا ندانستند که ما پدید کردیم ایشانرا از جمله آنچه ساخته است دستهای قدرت ما چهارپایان

فهم

كان حيا ويحق القول على الكافرين

كه هست زنده دل و واجب شود گفتار عذاب بر ناگرويدگان

أولم يروا أنا خلقنا لهم مما عملت أيدينا أنعاما

آيا و ندانستند كه ما بديد كرديم ايشان را از جمله آنچه ساخته است دستهاى قدرت ما چارپايان

فهم

فهم لها مالكون ۞ وذللناها لهم فمنها

پس ايشان مر او را متصرفانند و رام كردانيديم آن چارپايان را براى ايشان پس از آنها بعضى

ركوبهم ومنها يأكلون ۞ ولهم فيها

سوار شوند ايشان و از آنها بخورند و مر ايشان راست در آنها

منافع ومشارب أفلا يشكرون ۞ واتخذوا

سودمنديها و آشاميدنيها آيا پس سپاس نميگزارند و گرفتند بجز خداى

من دون الله آلهة لعلهم ينصرون ۞ لا يستطيعون

بغير از خدا خدايانى كه تا شايد ايشان يارى كرده شوند نتوانند آن خدايان

نصرهم وهم لهم جند محضرون ۞ فلا يحزنك

يارى كردن ايشان را و آن مشركان مر آن خدايان را لشكريانند حاضر كردانيده در دوزخ پس بايد اندوهگين نسازد ترا

قولهم إنا نعلم ما يسرون وما يعلنون ۞ أولم ير

گفتار ايشان بدرستى كه ما ميدانيم آنرا كه پنهان ميدارند و آنرا كه آشكار ميكنند آيا نديد آدمى

الإنسان أنا خلقناه من نطفة فإذا هو خصيم

آدمى كه ما بديد كرديم او را از آب گنديده پس ناگهان او جدال كننده است

مبين ۞ وضرب لنا مثلا ونسي خلقه قال

هويدا و زد براى ما داستانى و فراموش كرد آفرينش خود را گويد

من يحيي العظام وهي رميم ۞ قل يحييها الذي

كدام كس زنده ميكند استخوانها را حال آنكه آنها ريزيده شده اند بگو زنده كند آنها را آنكه

أنشأها أول مرة وهو بكل خلق عليم ۞

بديد كرد شان نخستين بار و او بهر آفرينشى داناست

الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا

آنکه بدید کرد از برای شما از درخت سبز آتشی پس ناگهان

أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ ۞ أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ

شما ازان آتش می افروزید آیا و نیست آنکه بدید کرد

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ

آسمانها و زمین را توانا بر آنکه آفریند مانند ایشانرا

بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ۞ إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ

آری تواند و اوست آفریننده دانا نیست فرمان او هرگاه خواهد

شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ۞ فَسُبْحَانَ

بدید کند چیزی را مگر آنکه گوید مر اورا بباش پس میباشد پس پاک و منزه است

الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۞

آنکه بدست اوست پادشاهی هر چیز و بسوی او بازگردیده شوید

سورة الفتح مدنية وهي تسع وعشرون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا ۞ لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا

بدرستی که ما گشاده گردانیدیم که را برای تو گشادنی ظاهر تا بیامرزد مر گناه امت ترا خدا آنچه

تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ

پیش رفت از گناه امت تو و آنچه پس آید و تمام نماید نعمت خودرا بر تو

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا ۝ لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا

بدرستی که ما گشاده کردانیدیم که برای تو گشادنی ظاهر تا بیامرزد مر گناهت را خدا آنچه

تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ

پیش رفت از گناهت تو و آنچه پس آید و تمام نماید نعمت خود را بر تو

ویهدیک

وَيَهْدِيَكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ۝ وَيَنْصُرَكَ

و ثابت ترا بر راه راست و یاری دهد ترا

اللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا ۝ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ

خدا یاری با عزت اوست آنکه فرو فرستاده آرامش را

فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ

در دلهای مومنان تا بیفزایند یقین را با یقین ایشان

وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا

و مر خدا راست لشکرهای آسمان و زمین و هست خدا دانای

حَكِيمًا ۝ لِيُدْخِلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ

راست حکمت درست کردار تا در آورد مردان گرونده و زنان گرونده را بهشتهای

تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفِّرَ

که میرود از زیر آنها جوها و حال آنکه جاوید در آن بهشتها و زایل گرداند

عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَكَانَ ذَٰلِكَ عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا

از ایشان بدیهای ایشان را و هست این نزد خدا فیروزی

عَظِيمًا ۝ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ

بزرگ و تا عذاب کند مردان دورو و زنان دورو

وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّانِّينَ بِاللَّهِ

و مردان مشرک و زنان مشرکه را که گمان برند کانند بخدا

ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ

گمان بد بر ایشانست گردش بد و خشم گرفت خدا

عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَاَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ

برايشان ولعنت فرمود ايشانرا ومهيا كرده براى ايشان دوزخ را وبدا جاى

مَصِيرًا ۞ وَلِلّٰهِ جُنُودُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَ

بازگشتى آن ومر خدايراست لشكرهاى آسمانها و زمين و

كَانَ اللّٰهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ۞ اِنَّا اَرْسَلْنَاكَ

هست خدا غالب راست گفتار درست كردار بدرستى كه ما فرستاديم ترا

شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ۞ لِتُؤْمِنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ

گواه راست و مژده دهنده وبيم نماينده تا بگرويد بخدا وپيغمبر او

وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَ

وتقويت نماييد دين او را وتعظيم كنيد او را و تسبيح گوييد او را در بامداد و

اَصِيلًا ۞ اِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ اِنَّمَا يُبَايِعُونَ

شبانگاه بدرستى كه آنان كه عهد مينمايند با تو جز اين نيست كه عهد مينمايند

اللّٰهَ يَدُ اللّٰهِ فَوْقَ اَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَاِنَّمَا

با خدا دست خدا بالاى دستهاى ايشانست پس هر كس كه نقض عهد كند پس جز اين نيست

يَنْكُثُ عَلٰى نَفْسِهِ وَمَنْ اَوْفٰى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهُ

كه سزاى نقض عهد او با اوست و هر كه وفا كند بآنچه عهد كرده بر آن

اللّٰهَ فَسَيُؤْتِيهِ اَجْرًا عَظِيمًا ۞ سَيَقُولُ لَكَ

با خدا پس زود باشد كه دهد او را مزد بزرگى بتحقيق گويند ترا

الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْاَعْرَابِ شَغَلَتْنَا اَمْوَالُنَا وَ

باز پس ماندگان از غزوهٔ حديبيه از عربان باديه كه مشغول گردانيد ما را مالهاى ما و

الله فسيؤتيه اجرا عظيما ۝ سيقول لك

با خدا پس زود باشد که دهد او را مزد بزرگ تحقیق گویند ترا

المخلفون من الاعراب شغلتنا اموالنا و

باز پس ماندگان از غزوهٔ حدیبیه از عرب بادیه که مشغول گردانید ما را مالهای ما و

اهلونا

اهلونا فاستغفر لنا يقولون بالسنتهم ما

کسان ما پس عفو خواه از خدا برای ما گویند بزبانهای خود آنرا که

ليس في قلوبهم قل فمن يملك لكم من الله

نیست در دلهای ایشان بگو پس کیست که مالک باشد برای شما از نزد خدا

شيئا ان اراد بكم ضرا او اراد بكم نفعا

چیزی را اگر خواهد بشما گزندی را یا خواهد بشما سودی را

بل كان الله بما تعملون خبيرا ۝ بل ظننتم ان

نه که هست خدا بآنچه میکنید آگاه نه که پنداشتید که

لن ينقلب الرسول والمؤمنون الى اهليهم

هرگز بر نگردند پیغمبر و مومنان بسوی خاندان خود

ابدا وزين ذلك في قلوبكم وظننتم ظن

هرگز و آراسته داده شد همین در دلهای شما و گمان کردید گمان

السوء وكنتم قوما بورا ۝ ومن لم يؤمن بالله

بدی و هستید گروهی هالکان و هر که نگرود بخدا

ورسوله فانا اعتدنا للكافرين سعيرا ۝

و بپیغمبر او پس بدرستی که ما مهیا کرده‌ایم برای ناگرویدگان آتش افروخته

ولله ملك السموات والارض يغفر لمن يشاء

و مر خدا راست پادشاهی آسمانها و زمین بیامرزد هر که را خواهد

ويعذب من يشاء وكان الله غفورا رحيما ۝

و عقوبت کند هر که را بخواهد و هست خدا آمرزگار مهربان

سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انطَلَقْتُمْ إِلَىٰ مَغَانِمَ

بتحقیق که گویند باز ماندگان چون بروید شما ای مؤمنان بسوی غنیمتها

لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ يُرِيدُونَ أَن

تا فرا گیرید آنها را بگذارید ما را تا متابعت کنیم شما را در غزای خیبر میخواهند که

يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ قُل لَّن تَتَّبِعُونَا كَذَٰلِكُمْ

تغییر کنند وعده خدا را بگو هرگز متابعت نخواهید نمود ما را همچنین

قَالَ اللَّهُ مِن قَبْلُ فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا

گفت خدا پیش ازین پس بتحقیق خواهند گفت باز ماندگان که چنین است بلکه حسد میبرید بر ما

بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا ۞ قُل لِّلْمُخَلَّفِينَ

در غنایم خیبر نه که هستند که نمیفهمند مگر اندکی بگو مر باز پس ماندگان

مِنَ الْأَعْرَابِ سَتُدْعَوْنَ إِلَىٰ قَوْمٍ أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ

که از عرب بادیه اند زود باشد که خوانده شوید بسوی جهاد گروه خداوندان جنگ سختی

تُقَاتِلُونَهُمْ أَوْ يُسْلِمُونَ فَإِن تُطِيعُوا يُؤْتِكُمُ

کارزار کنید با ایشان مگر آنکه مسلمان شوند پس اگر فرمان برید آن جماعت دهد شما را

اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا وَإِن تَتَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُم مِّن

خدا مزدی نیکو و اگر روگردان شوید چنانچه باز پس ماندید پیش

قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ۞ لَّيْسَ عَلَى الْأَعْمَىٰ

ازین عذاب کند خدا شما را عذابی دردناک نیست بر نابینا در تخلف از جهاد

حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ

گناهی و نه بر لنگ گناهی و نه بر بیمار گناهی

قبل يعذبكم عذابا اليما ۞ ليس على الاعمى
ازاين عذاب كند خدا شما را عذابى دردناك نيست بر نابينا در تخلف از جهاد
حرج ولا على الاعرج حرج ولا على المريض حرج
گناهى و نه بر لنگ گناهى و نه بر بيمار گناهى

ومن يطع الله ورسوله يدخله جنات
و هر كه فرمان برد خدا را و پيغمبر او را درآورد او را بهشتهايى
تجرى من تحتها الانهار ومن يتول يعذبه
كه روانست از زير آنها جويها و هر كه روى گرداند عذاب كند او را
عذابا اليما ۞ لقد رضى الله عن المؤمنين اذ
عذابى دردناك هر آينه بتحقيق خشنود شد خدا از مؤمنان آنگاه
يبايعونك تحت الشجرة فعلم ما فى قلوبهم
كه بيعت كردند با تو در زير درخت مغيلان پس دانست آنچه كه در دلهاى ايشان
فانزل السكينة عليهم واثابهم فتحا
پس فرو فرستاد آرامش را بر ايشان و پاداش داد ايشان را فتحى
قريبا ۞ ومغانم كثيرة ياخذونها وكان
نزديك و غنيمتهاى بسيار كه فرا گيرند آن غنيمتها را و هست
الله عزيزا حكيما ۞ وعدكم الله مغانم
خدا غالب راست گفتار درست كردار وعده داد شما را خدا غنيمتهاى
كثيرة تاخذونها فعجل لكم هذه وكف
بسيار كه فرا گيريد آن غنيمتها را پس بشتاب داد مر شما را اين غنيمت خيبر را و باز داشت
ايدى الناس عنكم ولتكون اية للمؤمنين
دستهاى مردمان را از شما و تا باشد نشانه قدرتى مر مؤمنان را
ويهديكم صراطا مستقيما ۞ واخرى
و ثابت دارد شما را بر راه راست و غنيمتهاى ديگر

لم تقدروا عليها قد احاط الله بها وكان

که قدرت ندارید بر تحصیل آنها بتحقیق که فرا گرفت قدرت خدا بآنها و هست

الله على كل شيء قديرا ولو قاتلكم

خدا بر همه چیزی توانا واگر کارزار کردندی با شما

الذين كفروا لولوا الادبار ثم لا يجدون وليا

آنانکه کافر شدند از ساکنان مکه که مصالحه نکردندی هر آینه گریزان شدندی پس نیافتندی هیچ دوستی

ولا نصيرا سنة الله التي قد خلت من قبل

و نه مددکاری سنت نهاد خدا نصرت ترا مانند سنتی که بتحقیق گذشته پیش ازین

ولن تجد لسنة الله تبديلا وهو الذي كف

و هرگز نیابی مر سنت و طریقه خدا را تغییری و اوست آنکه باز داشت

ايديهم عنكم وايديكم عنهم ببطن مكة

دستهای کافران را از شما و دستهای شما از ایشان در وادی مکه

من بعد ان اظفركم عليهم وكان الله

پس از آنکه غلبه داد شمارا بر ایشان و هست خدا

بما تعملون بصيرا هم الذين كفروا وصدوكم

بآنچه میکنید بینا ایشانند آنانکه کافر شدند و باز داشتند شمارا

عن المسجد الحرام والهدي معكوفا ان يبلغ محله

از طواف مسجد الحرام و منع کردند قربانی را حال آنکه باز داشته شده بود از آنکه برسد بجای خود

ولولا رجال مؤمنون ونساء مؤمنات لم

ذبح واگر نه آن بودی که بودند در مکه مردان با ایمان و زنان با ایمان نه

باچه ... سید ... ایشانند انانکه کافر شدند و بازداشتند شما

عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيَ مَعْكُوفًا اَنْ يَبْلُغَ مَحِلَّهُ

از طواف مسجد الحرام و منع کردند قربانی را حال انکه بازداشته شده بود از انکه برسید بجای

وَلَوْلَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءٌ مُؤْمِنَاتٌ لَمْ

ذبح و اگر نه آن بودی که بودند در مکه مردان با ایمان و زنان با ایمان نه

تعلموهم

تَعْلَمُوهُمْ اَنْ تَطَؤُهُمْ فَتُصِيبَكُمْ مِنْهُمْ

نمیدانستید شما ایمان ایشانرا یعنی انکه پامال میکردید ایشانرا پس میرسید شما از کشته شدن ایشان

مَعَرَّةٌ بِغَيْرِ عِلْمٍ لِيُدْخِلَ اللّٰهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ

گناهی بنادانی هر آینه امر بقتال اهل مکه نمی فرمودیم و حکم کرد خدا بمصالحه تا در آورد خدا در بخشایش خود هر کرا خواهد

لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا

اگر ممتاز بودندی مومنان مکه هر آینه عذاب میکردیم انان را که کافر شدند از ساکنان مکه عذابی

اَلِيمًا ❁ اِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ

دردناک درانوقت که بدید کردند انانکه کافر شدند در دلهای خود عصبیتی

حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ فَاَنْزَلَ اللّٰهُ سَكِينَتَهُ عَلٰى

مانند غیرت و عصبیت انانکه پیش از اهل اسلام بودند پس فرو فرستاد خدا آرامش خود را بر

رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَاَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوٰى

پیغمبر خود و بر مومنان و ثابت داشت ایشانرا بر کلمه اسلام که سبب پرهیزگاری است

وَكَانُوا اَحَقَّ بِهَا وَاَهْلَهَا وَكَانَ اللّٰهُ

و هستند مومنان سزاوارتر بان کلمه و هستند اهل آن کلمه و هست خدا

بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ❁ لَقَدْ صَدَقَ اللّٰهُ رَسُولَهُ

بهمه چیزی دانا هر آینه بحقیقت راست کرد خدا برای پیغمبر خود

الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ اِنْ شَاءَ اللّٰهُ

خواب او را حال انکه صدق و صواب بود هر آینه در آیید ای مسلمانان البته بمسجد الحرام اگر خواهد خدا

اٰمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤُسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ

حال انکه ایمن باشید از کافران که تراشنده گان سرهای خود و کوتاه کننده گان موی ها ترسید

فعلم ما لم تعلموا فجعل من دون ذلك فتحا

پس دانست خدا انرا که ندانستید پس بدید کرد پیش از آن فتح فتحی

قريبا ۞ هو الذي ارسل رسوله بالهدى و

نزدیک اوست آنکه فرستاد پیغمبر خودرا براه راست و

دين الحق ليظهره على الدين كله وكفى بالله

دین درست تا غلبه دهد اورا بر ملتها همه و پسندیده است خدا

شهيدا ۞ محمد رسول الله والذين معه

گواه بر صدق او محمد ص پیغمبر خداست و آنان باوی اند

اشداء على الكفار رحماء بينهم تريهم

سخت دلانند بر کافران رحیمانند میانه خود می بینی ایشانرا

ركعا سجدا يبتغون فضلا من الله ورضوانا

رکوع کنندگان سجده گذارندگان میجویند تفضلی عظیم از نزد خدا و خشنودی بسیار

سيماهم في وجوههم من اثر السجود ذلك

نشانه خوبی ایشان در رویهای ایشان پیداست از علامت سجده امنیت

مثلهم في التورىة ومثلهم في الانجيل

وصف ایشان در توریة و وصف حال ایشان در انجیل

كزرع اخرج شطاه فازره فاستغلظ

چون کشتیست که بیرون آورد از زمین اول برگ پس قوی کند آنرا پس سطبر شود

فاستوى على سوقه يعجب الزراع ليغيظ

پس راست بایستد بر ساقهای خود بشگفت آورد برزگرانرا چنین قوی گردند اصحاب تا بخشم آورد

كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ

چون کشتیست که بیرون آورد از زمین اول برگ پس قوتی کند آنرا پس سطبر شود

فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ

پس راست بایستد بر ساقهای خود بشگفت آورد برزگرانرا چنین قوی گردد تا خشم آرد

بهم

بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ

بسبب ایشان کفار را وعده داده خدا آنانرا که گرویده اند و

عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا

کردند کارهاے شایسته از جمله ایشان آمرزش بسیار و مزدی بزرگ

سورة الواقعة مكية وهي تسع وتسعون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ۞ لَيْسَ لِوَقْعَتِهَا كَاذِبَةٌ

چون بدید آید قیامت نیست مر آمدن آنرا هیچ دروغی

خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ ۞ إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًّا

پست کننده بر افرازنده آنگاه که بلرزد زمین لرزیدنی سخت

وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا ۞ فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًّا

و خرد مرد شوند کوهها خرد مرد شدنی عظیم پس گردند آن کوهها غباری پراکنده

وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ

و باشید شما اصنافی سه گونه پس یک صنف یاران دست راست

مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ۞ وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ

چه مردم نیکند یاران دست راست وصنف دویم یاران دست چپند

مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ۞ وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ

چه بدند یاران دست چپ وصنفی پیشی گیرندگانند که در خیرات پیشی گیرندگانند

أُولَٰئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ۞ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ

آنگروه نزدیک کرده شدگان بدرگاه خدااند در بهشتهای با ناز و نعمت

ثُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ ۞ وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ ۞

گروهی بسیار از پیشینیان و اندکی از پسینیان

عَلَىٰ سُرُرٍ مَوْضُونَةٍ ۞ مُتَّكِئِينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ

نشسته اند بر تختهای مرصع از جواهر و لآلی تکیه زدگان بر آن تختها رو برروی یکدیگر

يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ ۞ بِأَكْوَابٍ

بگردد برگرد ایشان کودکانی جاوید ماندگان با کوزها

وَأَبَارِيقَ وَكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ ۞ لَا يُصَدَّعُونَ

و ابریقها و جامها از شرابی شیرین دردسر نبینند

عَنْهَا وَلَا يُنْزِفُونَ ۞ وَفَاكِهَةٍ مِمَّا يَتَخَيَّرُونَ ۞

از آن شراب و نه بی شعور شوند و با میوهای بسیار از هر نوعی که برگزینند

وَلَحْمِ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ ۞ وَحُورٌ عِينٌ ۞

و گوشت مرغی از هر جنسی که خواهش کنند و بگردد بر ایشان زنان نیکوصورت گشاده چشم

كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ ۞ جَزَاءً بِمَا كَانُوا

چون مانندهای مروارید پوشیده شده از اغیار برای پاداش آنچه بودندکه

يَعْمَلُونَ ۞ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا ۞

در دنیا میکردند نشنوند در آن بهشتها سخن بیهوده و نه نسبت بگناهی

إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا ۞ وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا

لیکن شنوند این قول را که از اطراف و جوانب گویند سلام بر شما سلام بر شما و یاران دست راست چه

اصحاب

يَعْمَلُونَ ۞ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا ۞

در دنیا میکردند   نشنوند   در آن بهشتها سخن بیهوده و نه نسبت بگناهی

إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا ۞ وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا

لیکن شنوند این قول را که از اطراف و جوانب گویند سلام بر شما   و یاران دست راست چه

اصحاب

أَصْحَابُ الْيَمِينِ ۞ فِي سِدْرٍ مَخْضُودٍ ۞ وَطَلْحٍ

خوش است حال یاران دست راست   نشینند در سایه درخت کنار بیخار   و در زیر درخت موزی

مَنْضُودٍ ۞ وَظِلٍّ مَمْدُودٍ ۞ وَمَاءٍ مَسْكُوبٍ

که پچانده شده باشد بارش از پایین تا سر درخت و در سایه کشیده   و آبی روان شده بهر جا که خواهند

وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ

و میوه‌های   بسیار   نه منقطع   و نه باز داشته شده از خوردن آنها

وَفُرُشٍ مَرْفُوعَةٍ ۞ إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنْشَاءً ۞

و گسترده‌نیهای افراشته شده   بدرستی که ما بدید کردیم آن زنان را بدید کردن عجیب

فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا ۞ عُرُبًا أَتْرَابًا لِأَصْحَابِ

پس گردانیدیم ایشان را دوشیزگان   از شوهران   همراز با یکدیگر   برای یاران

الْيَمِينِ ۞ ثُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ ۞ وَثُلَّةٌ مِنَ الْآخِرِينَ ۞

دست راست .   گروهی از پیشینیان   و گروهی از پسینیان

وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ   فِي

و یاران دست چپ چه چیزند   یاران دست چپ   در

سَمُومٍ وَحَمِيمٍ ۞ وَظِلٍّ مِنْ يَحْمُومٍ ۞ لَا بَارِدٍ

آتش سوزان و آب جوشان   و در سایه از دود سیاه هند   که نه خداوند برودت

وَلَا كَرِيمٍ ۞ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَٰلِكَ مُتْرَفِينَ ۞

و نه با راحت و استراحت   بدرستی که ایشان بودند پیش از این متکبران بسبب ناز و نعمت

وَكَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنْثِ الْعَظِيمِ ۞ وَكَانُوا

و بودند   که مداومت مینمودند بر گناهی بزرگ   و بودند

يَقُولُونَ أَئِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا

که میگفتند آیا چون بمیریم و باشیم خاک و استخوانها

أَئِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ۝ أَوَآبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ ۝ قُلْ إِنَّ

آیا بدرستی که ما هرآینه برانگیخته شدگانیم آیا و برانگیخته شوند پدران ما که بودند پیشینیان بگو بدرستی

الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ ۝ لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ

که پیشینیان و پسینیان هرآینه گرد آورده شدگانند بسوی وعده گاه روزی

مَعْلُومٍ ۝ ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيُّهَا الضَّالُّونَ ۝

معین پس بدرستی که شما ای گروه گمراهان

الْمُكَذِّبُونَ ۝ لَآكِلُونَ مِنْ شَجَرٍ مِنْ

تکذیب کنندگان پیغمبران هرآینه خواهید بود از خورندگان از درختی

زَقُّومٍ ۝ فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ ۝ فَشَارِبُونَ

از زقوم پس پرکننده اید از آن درخت شکمها را پس آشامیدگانید

عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ ۝ فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهِيمِ ۝

بر روی آن میوه از آب جوشان پس آشامیدگانند از آن آب آشامیدن شتران تشنه

هَٰذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ ۝ نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا

اینست ما حضر ایشان در روز جزا ما بدید کردیم شما را پس چرا

تُصَدِّقُونَ ۝ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ ۝ أَأَنْتُمْ

باور ندارید سخن پیغمبر انرا ای پس خبر دهید که آن نطفه که میریزید در رحمها آیا شما

تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ ۝ نَحْنُ قَدَّرْنَا

می آفرینید آنرا یا ماییم آفرینندگان ما تقدیر فرمودیم

تصدقون ۞ أفرأيتم ما تمنون ۞ ءأنتم

باور ندارید بدین سخن پیغمبر آنرا ای پس خبر دهید که آن نطفه که میریزید در رحمها آیا شما

تخلقونه أم نحن الخالقون ۞ نحن قدرنا

می آفرینید آنرا یا مایم آفرینندگان ما تقدیر فرمودیم

بينكم

بينكم الموت وما نحن بمسبوقين على

در میان شما مرگ را و نه ایم ما پیشی گرفته شدگان یعنی بقدرت اگر بخواهیم

أن نبدل أمثالكم وننشئكم في ما

عوض کنیم شما را بمانندهای شما و بدید آوریم شما را در صورتی که

لا تعلمون ۞ ولقد علمتم النشأة الأولى

نمیدانید وبتحقیق دانستید آفریدن نخست را

فلولا تذكرون ۞ أفرأيتم ما تحرثون ۞

پس چرا پند نمیگیرید ای پس خبر دهید که آن تخمی که بر زمین میپاشید

ءأنتم تزرعونه أم نحن الزارعون ۞ لو نشاء

آیا شما میرویانید آنرا یا مایم رویانندگان اگر خواهیم

لجعلناه حطاما فظلتم تفكهون ۞ إنا

هر آینه بگردانیم آنرا گیاه ریزه پس بگردید شما که تعجب کنید گویید آیا بدرستیکه ما

لمغرمون ۞ بل نحن محرومون ۞ أفرأيتم الماء

هر آینه که تاوان زدگانیم نه که ما بی بهره گانیم ای پس خبر دهید آن آبی را

الذي تشربون ۞ ءأنتم أنزلتموه من المزن

که میآشامید آیا شما فرود آورده اید آنرا از ابر

أم نحن المنزلون ۞ لو نشاء جعلناه أجاجا

یا مایم فرود آورندگان اگر خواهیم بگردانیم آنرا تلخ

فلولا تشكرون ۞ أفرأيتم النار التي تورون

پس چرا سپاس نمیگزارید آیا پس دیدید آن آتش را که بیرون می آرید

ءَأَنتُمْ أَنشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنشِئُونَ ۝

آیا شما بدید کردید درخت آنرا یا مایم بدید آورندگان

نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكِرَةً وَمَتَاعًا لِّلْمُقْوِينَ ۝

ما گردانیدیم آنرا پندی وبرخورداری برای بیابانیان

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ۝ فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ

پس تسبیح خداگوی مقرون بنام پروردگار خود که بزرگست پس سوگند یاد میکنم بافتادنهای

النُّجُومِ ۝ وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَّوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ ۝ إِنَّهُ

ستارگان وبدرستی که این قسم هرآینه سوگندیست اگر بدانید بزرگ بدرستی که این

لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ ۝ فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ ۝ لَّا يَمَسُّهُ

کتاب هرآینه قرآنیست بزرگوار در کتابی مستور که مطلع نشوند براو

إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ ۝ تَنزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ۝

مگر پاکیزگان فرو فرستاده شده ایست از نزد پروردگار جهانیان

أَفَبِهَٰذَا الْحَدِيثِ أَنتُم مُّدْهِنُونَ ۝ وَتَجْعَلُونَ

آیا پس بگرویدن باین کلام مجید شما سستی مینمایید و میگردانید

رِزْقَكُمْ أَنَّكُمْ تُكَذِّبُونَ ۝ فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ

بهرهٔ خود را آنکه شما تکذیب آن نمایید پس چرا چون رسد جان یکی از شما

الْحُلْقُومَ ۝ وَأَنتُمْ حِينَئِذٍ تَنظُرُونَ ۝ وَنَحْنُ

بحلقوم وشما در آن هنگام میگرید بجان او و ما

أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنكُمْ وَلَٰكِن لَّا تُبْصِرُونَ ۝

نزدیکتریم بسوی او از شما و لیکن نمی بینید

فلولا

الْحُلْقُومَ ۝ وَأَنْتُمْ حِينَئِذٍ تَنْظُرُونَ ۝ وَنَحْنُ

بگلو وشما در آن هنگام میگرید بجان او و ما

أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ ۝

نزدیکتریم بسوی او از شما و لیکن نمی بینید

فلولا

فَلَوْلَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ ۝ تَرْجِعُونَهَا

پس چرا اگر هستید نا جزا داد گان بر نمیگردانید آن جان را

إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ

اگر هستید راست گویان پس اما اگر باشد از جمله

الْمُقَرَّبِينَ ۝ فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتُ نَعِيمٍ ۝

مقربان درگاه خدا پس مر او راست راحتی و روزی پاک و بهشتی با ناز و نعمت

وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ ۝ فَسَلَامٌ

و اما اگر باشد از یاران دست راست پس سلامی باشد

لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ ۝ وَأَمَّا إِنْ كَانَ

مر ترا از یاران دست راست و اما اگر بوده باشد

مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ ۝ فَنُزُلٌ مِنْ حَمِيمٍ

از تکذیب کنندگان گمراهان پس ما حضری باشد او را از آب جوشان

وَتَصْلِيَةُ جَحِيمٍ ۝ إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ ۝

و در آوردنی بدوزخ بدرستی که این که گفتیم هر آینه آن خبریست یقینی

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ۝

سورة الجمعة مكية

پس بتسبیح کن مقرون بنام پروردگار خود که بزرگست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ

بتسبیح کرده مر خدا یرا آنکه در آسمانها و آنکه در زمین است آن پادشاه

القدوس العزيز الحكيم ۞ هو الذي بعث

پاک از هر عیبی غالب راست گفتار درست کردار اوست آنکه فرستاده

في الأميين رسولا منهم يتلوا عليهم آياته

در ناکسان که پیغمبری از جنس ایشان که میخواند بر ایشان آیتهای کتاب او را

ويزكيهم ويعلمهم الكتاب والحكمة

و پاک میکرداند ایشانرا و می آموزد ایشانرا قرآن و علم شریعت

وإن كانوا من قبل لفي ضلال مبين ۞ و

و بدرستی که بودند پیش از وی هر آینه در گمراهی هویدا و

آخرين منهم لما يلحقوا بهم وهو العزيز الحكيم

میخواند بر گروهی دیگر از ایشان چون هنوز نپیوستند با ایشان و اوست غالب راست گفتار درست کردار

ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء والله ذو

این نبوت فضل خداست دهد آنرا بهر که خواهد و خدا خداوند

الفضل العظيم ۞ مثل الذين حملوا التورية

عطائیست بزرگ داستان آن جهودان که بار کرده شده اند توریه را

ثم لم يحملوها كمثل الحمار يحمل أسفارا بئس

پس برنداشتند آنرا چنانچه باید مانند داستان دراز گوشیست که بردارد کتابها را بدا

مثل القوم الذين كذبوا بآيات الله والله

داستان گروهی که دروغ شمرده اند آیتهای خدا را و خدا

لا يهدي القوم الظالمين ۞ قل يا أيها الذين

نمیرساند براه راست گروه ستمکاران را بگوای محمد ای آنانکه

پس بر… [illegible]

مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ

داستان گروهی که دروغ شمرده اند آیتهای خدا را و خدا

لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۞ قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

نمیرساند براه راست گروه ستمکاران را بگوای محمد ای آنانکه

۱۵۲۴

هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ

جهود شده اند اگر گمان میبرید که شما دوستانید مر خدا را بغیر

دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

از مردمان پس آرزو کنید مرگ را اگر هستید راست گویان

وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ

و آرزو نکنند مرگ را هرگز بسبب آنچه پیش فرستاده دستهای ایشان و خدا داناست

بِالظَّالِمِينَ ۞ قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ

بستمکاران بگو بدرستی که مرگی که میگریزید از آن

فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ

پس بدرستی که او رسنده است بشما پس بازگردیده میشوید بسوی دانای نهان

وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۞

و آشکارا پس خبر دهد شما را بآنچه بودید که میکردید

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ

ای آنان که گرویده اید گرویده اید چون ندا کرده شود برای نماز از روز

الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ

جمعه پس بشتابید بسوی یاد خدا و وا گذارید خرید و فروش را

ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ • فَإِذَا

این بهتر است برای شما اگر هستید که بدانید پس چون

قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا

گزارده شود نماز پس پراکنده شوید در روی زمین و بطلبید

مِنْ فَضْلِ اللّٰهِ وَاذْكُرُوا اللّٰهَ كَثِيرًا
از بخشش خدا و یاد کنید خدا را بسیار
لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۞ وَاِذَا رَاَوْا تِجَارَةً اَوْ لَهْوًا
تا شاید شما رستگار شوید و چون دیدند بازرگانی یا بیهوده
اِنْفَضُّوا اِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ
پراکنده شدند بسوی آنها و باز گذاشتند ترا ای محمد ایستاده بنماز بگو آنچه نزد
اللّٰهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللّٰهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ
خداست بهتر است از بیهوده و از بازرگانی و خدا بهترین روزی دهندگان

سورة الملك مكية وهي ثلثون آية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشاینده مهربان
تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ
بزرگ و بزرگتر است آنکه در دست اوست پادشاهی و او بر هر
شَيْءٍ قَدِيرٌ ۞ الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيٰوةَ
چیز توانا است آنکه بدید کرد مرگ و زندگی را
لِيَبْلُوَكُمْ اَيُّكُمْ اَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ
تا بیازماید شما را که کدام از شما نیکوتر است بکردار و اوست غالب
الْغَفُورُ ۞ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمٰوَاتٍ طِبَاقًا
آمرزگار آنکه بدید کرد هفت آسمان را طبقه بر طبقه برابر

لیبلوکم ایکم احسن عملا وهو العزیز
تا بیازماید شمارا که کدام از شما نیکوتراست بکردار و اوست غالب
الغفور ۞ الذی خلق سبع سموات طباقا
آمرزکار آنکه بدید کرد هفت آسمانرا طبقه بر طبقه برابر

ماترى

ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت فارجع
یکدیکر نمی بینی در آفرینش خدای بخشاینده هیچ اختلافی پس بگردان
البصر هل تری من فطور ۞ ثم ارجع البصر
دیده خودرا هیچ می بینی از عیبها پس بگردان دیده خودرا
کرتین ینقلب الیک البصر خاسئا وهو
کرته بعد اخری تاباز کردد بسوی تو دیده تو حال آنکه دور باشد از یافتن عیبی واو
حسیر ۞ ولقد زینا السماء الدنیا بمصابیح
مانده باشد از نکریستن وبحقیقت آرایش دادیم آسمان نزدیکتررا بچراغها
وجعلناها رجوما للشیاطین واعتدنا لهم
وگردانیدیم آنرا رانندها مر دیوانرا وآماده کردیم برای ایشان
عذاب السعیر ۞ وللذین کفروا بربهم
عذاب آتش افروخته ومر آنانکه کافر شدند بپروردکار خود
عذاب جهنم وبئس المصیر ۞ اذا القوا فیها
عذاب دوزخ است وبد جای بازگشتی آن چون فکنده شوند دران آتش
سمعوا لها شهیقا وهی تفور ۞ تکاد تمیز من
بشنوند ازان آوازهای ناخوش وآن بجوشد خواهد جدا شود از
الغیظ کلما القی فیها فوج سالهم خزنتها
خشم هر گاه فکنده شود دران آتش گروهی پرسند از ایشان نگهبانان آن
الم یاتکم نذیر ۞ قالوا بلی قد جاءنا نذیر
که مگر نیامد شمارا بیم نماینده گویند آری بحقیقت آمد مارا بیم نماینده

فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللّٰهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ

پس باور نکردیم سخن او را و گفتیم فرو نفرستاده خدا هیچ چیز نه اید شما

إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ ۞ وَقَالُوا لَوْ كُنَّا

مگر در ضلالتی بزرگ وگویند اگر بودیم ما

نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ ۞

که میشنیدیم یا می فهمیدیم نمیبودیم امروز در زمره یاران آتش افروخت

فَاعْتَرَفُوا بِذَنْبِهِمْ فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ ۞

پس اقرار کنند بگناه خود پس دوری از رحمت باد مر یاران آتش را

إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ

بدرستیکه آنانکه میترسند از عذاب پروردگار خود بنهانی مر ایشانراست آمرزشی

وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ۞ وَأَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ

و مزدی بزرگ و نهان کنید گفتار خود را یا آشکارا آنرا

إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۞ أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ

بدرستی که او داناست بآنچه در سینههاست آیا نداند آنکه پدید کرده آفرینش را

وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ۞ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ

و اوست دانا بچیزهای خفی آگاه بآن اوست آنکه گردانیده برای شما

الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا

زمین را رام پس راه روید در اطراف آن و بخورید

مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ ۞ ءَأَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ

از روزی او و بسوی اوست حشر خلایق آیا ایمنید شما از آنکه در آسمانست

الارض ذلولا فامشوا في مناكبها وكلوا

زمین را رام پس راه روید در اطراف آن و بخورید

من رزقه واليه النشور ۞ ءامنتم من في السماء

از روزی او و بسوی اوست حشر خلایق آیا ایمنید شما از آنکه در آسمانست

ان

ان يخسف بكم الارض فاذا هي تمور ۞ ام امنتم

از آنکه فرو برد شما را بزمین پس ناگهان آن زمین مضطرب و جنبش گیرد آیا ایمنید

من في السماء ان يرسل عليكم حاصبا

از آنکه در آسمانست از آنکه فرو فرستد بر شما سنگی

فستعلمون كيف نذير ۞ ولقد كذب الذين

پس زود باشد که بدانید که چگونه است بیم من و بتحقیق تکذیب کردند آنانکه بودند

من قبلهم فكيف كان نكير ۞ اولم يروا

پیش از ایشان پس چگونه باشد عقوبت من ایشانرا آیا ننگریستند

الى الطير فوقهم صافات ويقبضن ما يمسكهن

بسوی مرغان بر زبر ایشان گشایندگان بالها و بر هم آورندگان آن نگاه نمیدارد ایشانرا

الا الرحمن انه بكل شيء بصير ۞ امن هذا

مگر خدای بخشاینده بدرستیکه او بهر چیزی بیناست یا کیست این

الذي هو جند لكم ينصركم من دون الرحمن

که او اعوان و انصار است شما را که مدد کند شما را بغیر از خدای بخشاینده

ان الكافرون الا في غرور ۞ امن هذا الذي

نه اند کافران مگر در فریب عظیمی یا کیست آنکه

يرزقكم ان امسك رزقه بل لجوا في عتو ونفور

روزی دهد شما را اگر نگاه دارد خدا از شما روزی خود را نه که در افتاده اند در عناد و رمیدن از حق

افمن يمشي مكبا على وجهه اهدى امن

آیا پس آنکه براه میرود افتنده بر روی خود راه یافته تراست یا آنکه

يمشي سويا على صراط مستقيم ۞ قل هو الذي
براه رود ایستاده براستی بر راه راست بگو اوست آنکه
انشأكم وجعل لكم السمع والابصار و
آفرید شما را و بدید کرد برای شما گوش و دیدها و
الافئدة قليلا ما تشكرون ۞ قل هو الذي
دلها بسیار اندک سپاس میگزارید بگو اوست آنکه
ذرأكم في الارض واليه تحشرون ۞ ويقولون
پراکنده کرد شما را در زمین و بسوی او گرد آورده شوید و میگویند
متى هذا الوعد ان كنتم صادقين ۞ قل انما
چه وقت خواهد آمد این وعده اگر هستید راست گویان بگو نیست
العلم عند الله وانما انا نذير مبين ۞ فلما
دانش وقت آن مگر نزد خدا و نه ام من مگر بیم نماینده هویدا پس چون
رأوه زلفة سيئت وجوه الذين كفروا
ببینند آن عذاب را نزدیک زشت کرده روهای آنانکه نگرویده اند
وقيل هذا الذي كنتم به تدعون ۞ قل
و گفته شود اینست آنچه بودید که ازان شتاب میخواستید بگو
ارايتم ان اهلكني الله ومن معي او رحمنا
خبر دهید مرا که اگر هلاک کند مرا خدا و آنرا که گرویده با من یا ببخشاید ما را
فمن يجير الكافرين من عذاب اليم ۞ قل هو الرحمن
پس کیست آنکه پناه دهد ناگرویدگان را از عذاب دردناک بگو اوست بخشاینده

امنا

أرأيتم إن أهلكني الله ومن معي أو رحمنا
خبر دهید مرا که اگر هلاک کند مرا خدا و آنرا که گرویده با من یا ببخشاید ما را
فمن يجير الكافرين من عذاب أليم ۝ قل هو الرحمن
پس کیست آنکه پناه دهد ناگرویدگانرا از عذاب دردناک بگو اوست بخشاینده

امنا

آمنا به وعليه توكلنا فستعلمون من
گرویدیم باو و براو اعتماد کردیم پس زود باشد که بدانید که کیست
هو في ضلال مبين ۝ قل أرأيتم إن أصبح
آنکه در ضلالست هویدا بگو خبر دهید مرا اگر بگردد
ماؤكم غورا فمن يأتيكم بماء معين ۝
آب شما فرو شده در زمین پس کیست که بیارد برای شما آبی شیرین

سورة النبأ مكية وهي أربعون آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداوند بخشاینده مهربان
عم يتساءلون ۝ عن النبإ العظيم ۝ الذي
از چه می پرسند قریش یکدیگر را از خبر بزرگ که
هم فيه مختلفون ۝ كلا سيعلمون ۝ ثم
ایشان در آن خلاف کننده اند نه چنانست که میگویند زود باشد که بدانند پس
كلا سيعلمون ۝ ألم نجعل الأرض مهادا
نه چنانست زود بود که بدانند آیا نگردانیدیم زمین را فرشی گسترده
والجبال أوتادا ۝ وخلقناكم أزواجا ۝
و کوهها را میخها و بیافریدیم شما را صنف صنف
وجعلنا نومكم سباتا ۝ وجعلنا الليل
و گردانیدیم خواب شما را راحتی و گردانیدیم شب را

لِبَاسًا ۝ وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا ۝ وَبَنَيْنَا

پوششی وگردانیدیم روز را وقت کسب معیشتی وبرافراشتیم

فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا ۝ وَجَعَلْنَا سِرَاجًا

بر زبر شما هفت آسمان همه محکم وبدید کردیم چراغی

وَهَّاجًا ۝ وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا

تابان وفرو فرستادیم از ابرهای بارنده آبی ریزان

لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا ۝ وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا ۝

تا بیرون آریم بآن دانه وگیاهی وبوستانهایی که درختانش درهم پیچیده

إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا ۝ يَوْمَ يُنْفَخُ

بدرستیکه روز حکومت هست وعده گاهی معین روزی که دمیده شود

فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا ۝ وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ

در صور قیامت پس می آیید فوج فوج وگشوده شود آسمان

فَكَانَتْ أَبْوَابًا ۝ وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ

پس باشند خداوند درها وروانه شوند کوهها پس باشند

سَرَابًا ۝ إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا ۝ لِلطَّاغِينَ

نمودارابی بی بود بدرستی که دوزخ هست کمین گاهی مرکافران طاغی را

مَآبًا ۝ لَابِثِينَ فِيهَا أَحْقَابًا ۝ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا

جای بازگشتی درنگ کنندگان در آن روزگارهای دراز نچشند در آن

بَرْدًا وَلَا شَرَابًا ۝ إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا ۝ جَزَاءً

آب سردی ونه آشامیدنی نی لیکن نوشند آب جوشان ریم دوزخیان جزا داده شوند

وفاقا

نمود اراني بي بود بدرستي كه دوزخ هست كمين گاه مر كافران طاغي را

مَآبًا ۝ لَابِثِينَ فِيهَآ أَحْقَابًا ۝ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا

جاي بازگشتي درنگ كنندگان در آن روزگارهاي دراز نچشند در آن

بَرْدًا وَلَا شَرَابًا ۝ إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا ۝ جَزَآءً

آب سردي ونه آشاميدني ليكن نوشند آب جوشان ريم دوزخيان جزا داده شوند

وفاقا

وِفَاقًا ۝ إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا ۝

جزايي موافق كردار ايشان بدرستي كه ايشان بودند كه اميد نمي داشتند پرسش اعمال را

وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَّابًا ۝ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ

وتكذيب ميكردند آيتهاي مارا تكذيب كردني وهر چيزي را نوشته ايم از اعمال

كِتَابًا ۝ فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا ۝

يا در لوح محفوظ نوشتني پس بچشيد پس هرگز نيفزاييم براي شما مگر عذابي

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا ۝ حَدَآئِقَ وَأَعْنَابًا ۝ وَكَوَاعِبَ

بدرستي كه مر پرهيزگاران راست جاي پيروزي عظيم بوستانها و درختهاي تاك و دختران نارپستان

أَتْرَابًا ۝ وَكَأْسًا دِهَاقًا ۝ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا

همراز يكديگر وجام شرابي پر وپياپي نشنوند در آن

لَغْوًا وَلَا كِذَّابًا ۝ جَزَآءً مِنْ رَبِّكَ عَطَآءً

هيچ بيهوده ونه دروغ جزا داده شوند جزايي از نزد پروردگار خود تفضلي تمام

حِسَابًا ۝ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا

وكافي پروردگار آسمانها و زمين وآنچه در ميانه آنهاست

الرَّحْمَٰنِ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا ۝ يَوْمَ يَقُومُ

خداي بخشاينده مالك نه اند از نزد او سخني را روزي كه بايستند

الرُّوحُ وَالْمَلَآئِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا

روح وفرشتگان صف كشيده سخن نگويند مگر

مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَٰنُ وَقَالَ صَوَابًا ۝ ذَٰلِكَ الْيَوْمُ

آنكه دستوري دهد مر او را بخشاينده وگويد سخن حق آن روز راست روزي

الحق فمن شاء اتخذ الى ربه مابا ۞ انا انذرناكم

بودنی پس هر که خواهد فرا گیرد بسوی پروردگار خود بازگشتی بدرستی که ما بیم کردیم شما را

عذابا قريبا يوم ينظر المرء ما قدمت يداه

از عذابی نزدیک روزی که بنگرد آدمی جزای آنرا که پیش فرستاده دستهای او

ويقول الكافر يا ليتني كنت ترابا ۞

و بگوید ناگرونده ای کاش بودمی من خاک

دعاء العديلة مروي عن الصادق عليه السلام

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة واولوا

بخودی خود گواهی داد خدا اینکه نیست خدائی مگر او و گواهی دادند فرشتگان و خداوندان

العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز

دانش ایستاده با برجا براستی و او که نیست پروردگاری مگر او بی همتای ارجمند

الحكيم ان الدين عند الله الاسلام وانا

دانا و غالب براستی که دین پسندیده نزد خدا اسلام است و من

العبد الضعيف المذنب العاصي المحتاج

بنده سست گناهکار نافرمان درویش

الحقير اشهد لمنعمي وخالقي ورازقي و

خوار کم پایه گواهی میدهم مر نعمت دهنده خود را و آفریننده خود را و روزی دهنده خود را

مكرمي كما شهد لذاته وشهد له الملائكة

و گرامی دارنده خود را چنانچه بخودی خود گواهی داده است مر ذات خود را و گواهی داده اند مر او را فرشتگان

واولوا العلم من عباده بانه لا اله الا هو

و خداوندان دانش از بندگان او بانکه نیست پروردگاری مگر او

ذو النعم والاحسان والكرم والامتنان

خداوند نعمتها و نیکوئی کردن خداوند کرم و نعمت دادن توانا

قَادِرٌ اَزَلِیٌّ عَالِمٌ اَبَدِیٌّ حَیٌّ اَحَدِیٌّ مَوْجُوْدٌ

توانا همشگی دانای همیشگی در انجام زنده یگانه هست همیشه

سَرْمَدِیٌّ سَمِیْعٌ بَصِیْرٌ مُرِیْدٌ کَارِهٌ مُدْرِكٌ

در آغاز و انجام شنوای بیگوش بینای بی چشم خواهنده ناخوش دارنده بی دریابنده

صَمَدِیٌّ یَسْتَحِقُّ هٰذِهِ الصِّفَاتِ وَهُوَ عَلٰی مَا هُوَ

صمدی سزاوار است این صفات را و حال آنکه او راست

عَلَیْهِ فِیْ عِزِّ صِفَاتِهٖ کَانَ قَوِیًّا قَبْلَ وُجُوْدِ الْقُدْرَةِ

که همیشه بر آن بود که اصلا تغیر در بزرگی و صفات او را نیامد همیشه بود توانا پیش از بهم رسیدن توانائی

وَالْقُوَّةِ وَکَانَ عَلِیْمًا قَبْلَ اِیْجَادِ الْعِلْمِ وَ

و قوت و بود دانا پیش از بهم رسیدن دانش و

الْعِلَّةِ لَمْ یَزَلْ سُلْطَانًا اِذْ لَا مَمْلَکَةَ وَلَا

و بهانه همیشه بود پادشاه چون که نبود پادشاهی و نه

مَالَ وَلَمْ یَزَلْ سُبْحَانًا عَلٰی جَمِیْعِ الْاَحْوَالِ وُجُوْدُهٗ

مال خواسته و همیشه بود منزه از نقص بر همه حالها هستی او

قَبْلَ الْقَبْلِ فِیْ اَزَلِ الْاٰزَالِ وَبَقَاۤؤُهٗ بَعْدَ الْبَعْدِ

پیش از پیش است در همیشگی همیشگیها و بودن او پس از پس

مِنْ غَیْرِ انْتِقَالٍ وَلَا زَوَالٍ غَنِیٌّ فِی الْاَوَّلِ وَالْاٰخِرِ

بیگردیدن و گشتن و نه بر طرف شدن توانگر در نخست که همیشه بود و آخر که همیشه باشد

مُسْتَغْنٍ فِی الظَّاهِرِ وَالْبَاطِنِ لَا جَوْرَ فِیْ قَضِیَّتِهٖ

مستغنی و بی نیاز در آشکار و نهان ستم نیست در اندازه کردن او

بی زیرین است در میلی میلیها و بودن او پس از پس

مِنْ غَيْرِ انْتِقَالٍ وَلَا زَوَالٍ غَنِيٌّ فِي الْأَوَّلِ وَالْآخِرِ

بیگردیدن و گشتی ونه برطرف شدنی توانگر در نخست که همیشه بود و آخر که همیشه باشد

مُسْتَغْنٍ فِي الظَّاهِرِ وَالْبَاطِنِ لَا جَوْرَ فِي قَضِيَّتِهِ

مستغنی و بی‌نیاز در آشکار و نهان ستمی نیست در اندازه کردن او

ولا

وَلَا مَيْلَ فِي مَشِيَّتِهِ وَلَا ظُلْمَ فِي تَقْدِيرِهِ وَلَا

و گریزگاهی نیست در اراده او و ستمی نیست در اندازه کردن او و

مَهْرَبَ مِنْ حُكُومَتِهِ وَلَا مَلْجَأَ مِنْ سَطَوَاتِهِ

گریزگاهی نیست از داوری او و پناهی نیست از سطوت او

وَلَا مَنْجَا مِنْ نَقِمَاتِهِ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ

و رستگاری نیست از خشمهای او و پیشی گرفته بخشایش او خشم اورا

وَلَا يَفُوتُهُ أَحَدٌ إِذَا طَلَبَهُ أَزَاحَ الْعِلَلَ فِي

و فوت نمیکند یکی هرگاه جستا اورا و دور کرد بهانها را در

التَّكْلِيفِ وَسَوَّى التَّوْفِيقَ بَيْنَ الضَّعِيفِ

تکلیف شرعی و راست کرد در توفیق میان سست

وَالشَّرِيفِ مَكَّنَ أَدَاءَ الْمَأْمُورِ وَسَهَّلَ سَبِيلَ

و بزرگوار ممکن داد گذاردن فرموده را و آسان کرد راه گسستن

اجْتِنَابِ الْمَحْظُورِ لَمْ يُكَلِّفِ الطَّاعَةَ إِلَّا

باز داشته شده را و تکلیف نکرد فرمان بردار را مگر

دُونَ الْوُسْعِ وَالطَّاقَةِ سُبْحَانَهُ مَا أَبْيَنَ كَرَمَهُ

باندازه دست رس و توانائی پاک منزه است از آلایش چه هویدا شده کرم او

وَأَعْلَى شَأْنَهُ سُبْحَانَهُ مَا أَجَلَّ نَيْلَهُ وَأَعْظَمَ

و بلند است شان او پاک و منزه است چه بسیار بزرگ است یافتن و برسیدن او و بزرگ

إِحْسَانَهُ وَبَعَثَ الْأَنْبِيَاءَ لِيُبَيِّنَ عَدْلَهُ وَنَصَبَ

نیکوئی کردن او و برانگیخته پیغمبرانرا تا آنکه هویدا کنند داد رسی اورا و بپای کرده

الْاَوْصِیَاۤءَ لِیُظْهِرَ طَوْلَهٗ وَفَضْلَهٗ وَجَعَلَنَا

حاشینان را تا که آشکار نمایند فضل کردن و افزون دادن خود را و گردانید ما را

مِنْ اُمَّةِ سَیِّدِ الْاَنْبِیَاۤءِ وَخَیْرِ الْاَوْصِیَاۤءِ

از امت بهترین پیغمبران و نیکوترین حاشینان

وَاَفْضَلِ الْاَصْفِیَاۤءِ وَاَعْلَی الْاَزْکِیَاۤءِ مُحَمَّدٍ

و افزونتر پاکیزگان و بلندتر پاکان محمد

صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ اٰمَنَّا بِهٖ وَبِمَا دَعَانَا اِلَیْهِ

درود خدا بر او و بر خاندان او گرویدیم باو و بانچه خوانده ما را بسوی آن

وَبِالْقُرْاٰنِ الَّذِیْ اَنْزَلَهٗ عَلَیْهِ وَبِوَصِیِّهِ الَّذِیْ

و بقرآنی که فرستاده او را بر او و بحاشین او که

نَصَبَهٗ یَوْمَ الْغَدِیْرِ وَاَشَارَ بِقَوْلِهٖ هٰذَا عَلِیٌّ

برپای داشت او را در روز غدیر و اشاره کرد بگفتن خود که این علیست

اِلَیْهِ وَاَشْهَدُ اَنَّ الْاَئِمَّةَ الْاَبْرَارَ وَالْخُلَفَاۤءَ

بسوی او و گواهی میدهم باینکه پیشوایان نیکوکار و جانشینان

الْاَخْیَارَ بَعْدَ الرَّسُوْلِ الْمُخْتَارِ عَلِیٌّ قَامِعُ الْکُفَّارِ

برگزیدگان پس از پیغمبر برگزیده علیست شکننده و خوار کننده کفار

وَمِنْ بَعْدِهٖ سَیِّدُ اَوْلَادِهٖ اَلْحَسَنُ بْنُ عَلِیٍّ عَلَیْهِ

و از پس او بهتر فرزندان او حسن پسر علی بر او باد

السَّلَامُ ثُمَّ اَخُوْهُ السِّبْطُ التَّابِعُ لِمَرْضَاتِ اللّٰهِ

سلام پس برادر او سبط پیرو مر خوشنودی خدا را

وَمِنْ بَعْدِهِ سَيِّدُ اَوْلَادِهِ اَلْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ

وار پس او مهتر فرزندان او حسن پسر علی براو باد

اَلسَّلَامُ ثُمَّ اَخُوهُ السِّبْطُ التَّابِعُ لِمَرْضَاتِ اللّٰهِ

سلام پس برادر او سبط پیرو مرخوشودی خدا را

تَعَالَى اَلْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ الْعَابِدُ عَلِيٌّ عَلَيْهِ

حسین براو با سلام پس پرستنده علی براو

اَلسَّلَامُ ثُمَّ الْبَاقِرُ مُحَمَّدٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ

سلام پس شکافنده علم محمد براو باد سلام پس

اَلصَّادِقُ جَعْفَرٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ الْكَاظِمُ

صادق که جعفر است براو باد سلام پس فرو خورنده خشم

مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ الرِّضَا عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

موسی براو با سلام پس خوشنود پسندیده علی براو باد سلام

ثُمَّ التَّقِيُّ مُحَمَّدٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ النَّقِيُّ عَلِيٌّ

پس هنرکار محمد براو باد سلام پس پاکیزه علی

عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ الزَّكِيُّ الْعَسْكَرِيُّ الْحَسَنُ

براو باد سلام پس پاک امام حسن عسکری

عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ الْحُجَّةُ الْخَلَفُ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ

براو باد سلام پس گواه بارجای خلف ایستاده چشم داشته شده

اَلْمُرْجَى الَّذِي بِبَقَائِهِ بَقِيَتِ الدُّنْيَا وَبِيُمْنِهِ رُزِقَ

امید داشته شده بطورکه باقی ماندن او ماند جهان و بخجسته روزی داده شده

اَلْوَرَى وَبِوُجُودِهِ ثَبَتَتِ الْاَرْضُ وَالسَّمَاءُ وَبِهِ

مردمان و بهستی ور جا مانده زمین و آسمان و باو

يَمْلَأُ اللّٰهُ الْاَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا بَعْدَ مَا

پر کند خدا زمین را براد و راستی پس از آن که پر شده

مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً وَاَشْهَدُ اَنَّ اَقْوَالَهُمْ

باشد ازبیداد وستم وگواهی میدهم که سخنان ایشان

حُجَّةٌ وَامْتِثَالَهُمْ فَرِيضَةٌ وَطَاعَتَهُمْ مَفْرُوضَةٌ

درست وبجای آوردن فرمان ایشان فرمان حق است وفرمانبرداری ایشان فریضه است

وَمَوَدَّتَهُمْ لَازِمَةٌ مَقْضِيَّةٌ وَالْاِقْتِدَاءَ

ودوست داشتن ایشان لازم است حکم کرده شده وپیروی ایشان

بِهِمْ مُنْجِيَةٌ وَمُخَالَفَتَهُمْ مُرْدِيَةٌ وَهُمْ سَادَاتُ

رهاننده است ومخالفت ایشان هلاک کننده است وایشان بهتران

اَهْلِ الْجَنَّةِ اَجْمَعِينَ وَشُفَعَاءُ يَوْمِ الدِّينِ وَ

اهل بهشتند همه ودرخواست کنندگان روز جزا و

اَئِمَّةُ اَهْلِ الْاَرْضِ عَلَى الْيَقِينِ وَاَفْضَلُ الْاَوْصِيَاءِ

پیشوایان اهل زمین بریقین وافزونتر جانشینان

الْمَرْضِيِّينَ وَاَشْهَدُ اَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَمُسَاءَلَةَ

پسندیده وگواهی میدهم براینکه مردن راست است وسوال کردن

مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ فِي الْقَبْرِ حَقٌّ وَالْبَعْثَ حَقٌّ وَ

منکر ونکیر در قبر حق است وبرانگیخته شدن مردگان حق است و

النُّشُورَ حَقٌّ وَالصِّرَاطَ حَقٌّ وَالْمِيزَانَ حَقٌّ وَالْحِسَابَ

وزنده شدن مردگان حق است وصراط حق است وترازو حق است وشماره

حَقٌّ وَالْكِتَابَ حَقٌّ وَالْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارَ حَقٌّ

حق است وکتاب نامه عملها حق است وبهشت حق است وآتش حق است

النشور حق والصراط حق والميزان حق والحساب

وزنده شدن مردگان حق است و صراط حق است و ترازو حق است و شماره

حق والكتاب حق والجنة حق والنار حق

حق است و کتاب نامه عملها حق است و بهشت حق است و آتش حق است

وان

وان الساعة آتية لا ريب فيها وان الله

و بدرستی که قیامت آینده است نیست شکی در او و بدرستی که خدا

يبعث من في القبور اللهم فضلك رجائي

برمی انگیزاند کسانی را که در قبرهااند بار خدایا فضل تو امید من است

وكرمك ورحمتك املي لا عمل لي استحق به

و کرم و بخشایش و رحمت تو آرزوی من است کاری نیست مرا که سزاوار شوم بآن

الجنة ولا طاعة لي استوجب بها الرضوان الا

بهشت را و فرمان برداری که سزاوار شوم بسبب آن خشنودی را مگر اینکه

انى اعتقدت توحيدك وعدلك وارتجيت

من دل بسته‌ام بیکی گفتن تورا و دادوری تورا و امید وارشدم

احسانك وفضلك وتشفعت اليك بالنبي

نیکویی کردن ترا و فضل ترا و خواهش کردم بسوی تو به پیغمبر

واله من احبتك وانت اكرم الاكرمين

و خاندان او از دوستان تو و تویی گرامی ترین گرامیان

وارحم الراحمين وصلى الله على نبينا محمد واله

و رحم کننده ترین رحم کنندگان و درود فرستد خدا بر پیغمبر ما محمد و آل او

اجمعين الطيبين الطاهرين وسلم تسليما كثيرا

همه که پاکان و پاکیزگانند و سلام فرستد ایشان سلام بسیار

ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم اللهم

و منت گردیدن و توانائی مگر بخداوند بلند مرتبه بزرگست خداوندا

يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اِنِّي اَوْدَعْتُكَ يَقِينِي هٰذَا

اى رحم كننده ترين رحم كنندگان بدرستى كه من سپردم بتو يقين خود اين را

وَثَبَاتَ دِينِي وَاَنْتَ خَيْرُ مُسْتَوْدَعٍ وَقَدْ اَمَرْتَنَا

وثبات دينم را و تو بهتر سپرده شده و بدرستى كه فرمودى ما را

بِحِفْظِ الْوَدَائِعِ فَرُدَّهُ عَلَيَّ وَقْتَ حُضُورِ مَوْتِي

بنگاه داشتن سپرده شده پس بازگردان از برمن هنگام حاضر آمدن مرگ من

بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

اگر خواهد كه از هول منكر و نكير ايمن گردد بايد كه اقرار كند

برحمت خود اى رحم كننده ترين رحم كنندگان

بخدا و رسول خدا و ائمهٔ هدى عليهم السلام بيقين صادق باين طريق پس بگويد

اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا

گواهى ميدهم كه نيست خداى بجز

اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ

خداوند يگانه نيست شريكى مر او را و گواهى ميدهم كه محمد صلعم بنده

وَرَسُولُهُ وَاَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللّٰهِ رَضِيتُ بِاللّٰهِ

و فرستاده اوست و بدرستى كه على دوست خداست خشنودم بخداى تعالى

تَعَالٰى رَبًّا وَبِالْاِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ

تعالى كه پروردگار ماست و باسلام كه دين ماست و بمحمد صلعم درود فرستد خدا

عَلَيْهِ وَاٰلِهِ نَبِيًّا وَرَسُولًا وَبِالْقُرْاٰنِ كِتَابًا

براو و آل او پيغمبر ماست و فرستاده شده است و بقرآن كه كتاب خداست

وَبِالْكَعْبَةِ قِبْلَةً وَبِعَلِيٍّ وَلِيًّا وَاِمَامًا

و بكعبه كه قبله خداست و بعلى كه دوست خداست و پيشواى ماست

عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيًّا وَرَسُولًا وَبِالْقُرْآنِ كِتَابًا

بر او و آل او پیغمبر ماست و فرستاده شده است و بقران که کتاب خداست

وَبِالْكَعْبَةِ قِبْلَةً وَبِعَلِيٍّ وَلِيًّا وَاِمَامًا

و بکعبه که قبله خداست و بعلی که دوست خداست و پیشوای ماست

وبالحسن

وَبِالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ

و بحسن و بحسین و علی پسر حسین و

مُحَمَّدٍ الْبَاقِرِ وَجَعْفَرٍ الصَّادِقِ وَمُوسَى الْكَاظِمِ

محمد باقر و جعفر صادق و موسی کاظم

وَعَلِيٍّ الرِّضَا وَمُحَمَّدٍ الْجَوَادِ وَعَلِيٍّ الْهَادِي وَ

و علی رضا و محمد جواد و علی هادی و

الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ وَالْحُجَّةِ الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ

و حسن عسکری و حجتی که بر پاست و انتظار برده میشود

الْمَهْدِيِّ صَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ

مهدی صاحب اختیار زمان است رحمت فرستد خدا بر او

وَعَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ اَئِمَّةً اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰؤُلَاءِ اَئِمَّتُنَا

و بر ایشان همگی که پیشوایانند خداوندا بتحقیق که این بزرگان امامان مایند

وَسَادَاتُنَا وَقَادَاتُنَا بِهِمْ نَتَوَلّٰى وَمِنْ اَعْدَائِهِمْ

و بزرگان مایند و پیشوایان مایند با ایشان دوستی میکنیم و از دشمنان ایشان

نَتَبَرَّاُ اَللّٰهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُمْ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُمْ

بیزاری میجوییم خداوندا دوست دار کسی را که دوست دارد ایشان را و دشمن دار کسی را که دشمن دارد ایشان را

وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُمْ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُمْ وَالْعَنْ

و یاری کن کسی را که یاری کند ایشان را و خوار گردان کسی را که خوار کند ایشان را و دور کن از رحمت خود

عَلٰى مَنْ ظَلَمَهُمْ وَاَهْلِكْ عَدُوَّهُمْ پس بگوید بیقین صادق

بر کسی که ظلم کند بر ایشان و هلاک کن تو دشمن ایشان را و صفاء خاطر

يا الله يا ارحم الراحمين انّي اودعتك هذا

ای خداوند ای رحم کنندترین رحم کنندگان بدرستیکه من می سپارم بتو این

الاقرار بك وبالنبيّ وبالائمة عليهم السّلام

اقرار بتو و به پیغمبر و بامامها که بر ایشان باد رحمت

وانت خير مستودع فردّه عليّ في القبر عند

و تو بهتر امانتگاه داشته پس بازگردان این امانت را در قبر نزد

مسآءلة منكر ونكير برحمتك يا ربّ

پرسش منکر و نکیر برحمت تو ای پروردگار

اول دعا

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

ما شاء الله تضرّعا الى الله استعانة بالله ولا

آنچه مرا خواسته از خدا مطلبم از روی زاری بسوی خدا و یاری جستن از خدا و نیست

حول ولا قوّة الّا بالله حسبنا الله ونعم

بازگشت از گناهان و نه توانایی بر طاعت مگر بخدا بس است ما را خدا و خوب

الوكيل نعم المولى ونعم النصير وصلّى الله على

وکیلی است و خوب آقائی و خوب یاوری است و تحیت فرستد خدا بر

محمّد واله الطيّبين الطاهرين والحمد لله ربّ العالمين

محمد و آل او که پاکیزه اند از همه بدیها و پاکند از همه پلیدیها و همه ستایشها برای خداست که پروردگار عالمیان است

دعاء الاحتجاب مروي عن علي عليه السلام

بسم الله

محمدٍ وآله الطیبین الطاهرین والحمد لله رب العالمین
محمد و آل او که پاکیزه‌اند از همه بدیها و پاکند از همه پلیدیها و همه ستایشها برای خداست که پروردگار عالمیان است

دعاء الاحتجاب مروی عن علی علیه السلام

بسم الله

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خدای بخشاینده مهربان

اِحتجبتُ بنورِ وجهِ اللهِ القدیمِ الکاملِ
پنهان شدم بروشنی ذات خدائی که همیشه بوده است و تمام است در کمال
وتحصّنتُ بحصنِ اللهِ القویِّ الشاملِ ورمیتُ
و پناه بردم بحصار خدای توانای فروگیرنده و انداختم کسی
مَن بغی علیَّ بسهمِ اللهِ وسیفهِ القاتلِ اللّهمّ
که زیادتی کند بر من به تیر خدا و شمشیر او که کشنده است خدایا
یا غالباً علی امرِه ویا قائماً فوقَ خلقِه ویا حائلاً
ای توانای بر کار خود و ای ایستاده بالای خلق کرده خود و ای درآینده
بینَ المرءِ وقلبِه حُل بینی وبینَ الشیطانِ و
میان شخص و دل او در میان من و شیطان و
نزغِه وبینَ ما لا طاقةَ لی به من احدٍ من عبادِک
وسوسه آن و میان آنچه نیست توانائی برای من بآن از یکی از بندگان تو
کُفَّ عنّی السنتَهم واغلُل ایدیَهم وارجلَهم
نگهدار از من زبانهای ایشان را و غل کن دستهای ایشان و پاهای ایشان را
واجعل مِن بینی وبینَهم سدّاً من نورِ عظمتِک
و بگردان میان من و میان ایشان جدا کننده از روشنی بزرگواری تو
وحجاباً من قدرتِک وجنداً من سلطانِک انّک
و پوشاننده از توانائی تو و لشکری از نهایت قدرت تو بدرستی که تو

حَيٌّ قَادِرٌ اَللّٰهُمَّ اَغْشِ عَنِّیْ اَبْصَارَ النَّاظِرِیْنَ

زندهٔ توانائی خداوندا بپوشان از من چشمهای نگاه کنندگان را

حَتّٰی اَرِدَ الْمَوَارِدَ وَاَغْشِ عَنِّیْ اَبْصَارَ النُّوْرِ وَاَبْصَارَ

تا آنکه و بپوشان از من چشمهای روشنی و چشمهای

الظُّلْمَةِ حَتّٰی لَا اُبَالِیْ عَنْ اَبْصَارِهِمْ يَكَادُ

تاریکی را تا آنکه پروا نکنم از چشمهای ایشان نزدیکست که

سَنَا بَرْقِهٖ يَذْهَبُ بِالْاَبْصَارِ يُقَلِّبُ اللّٰهُ اللَّيْلَ

روشنی برق او ببرد بینائیها را میگرداند خدا شب و

وَالنَّهَارَ اِنَّ فِیْ ذٰلِكَ لَعِبْرَةً لِاُولِی الْاَبْصَارِ

و روز را بدرستیکه در این پندست برای صاحبان بینائیها

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ كٓهٰیٰعٓصٓ بِسْمِ اللّٰهِ

استعانت میجویم بنام خداوند بخشاینده مهربان صادق علم ودستهای او بالای دستها کفایت کننده کافی بنام خدای

الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ حٰمٓ عٓسٓقٓ كَمَاءٍ اَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاۤءِ

بخشاینده مهربان مانند آبیست که فرستادیم انرا از آسمان

فَاخْتَلَطَ بِهٖ نَبَاتُ الْاَرْضِ فَاَصْبَحَ هَشِيْمًا

پس سخت با آن آب گیاه رسته از زمین پس بامداد کرد خشک گشته

تَذْرُوْهُ الرِّيَاحُ وَاللّٰهُ الَّذِیْ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ

پراکنده میکرد او را بادها اوست خداوندی که نیست معبودی بجز او

عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ

دانای پنهان و آشکار است اوست بخشنده مهربان

...الذی لا اله الا هو

پراکنده میکرد اورا بادها اوست خداوندی که نیست معبودی بجز او

عالم الغیب والشهادة هو الرحمن الرحیم

دانای پنهان و آشکار است اوست بخشاینده مهربان

یوم الازفة اذ القلوب لدی الحناجر کاظمین

روز قیامت در وقتی که دلها براه گلو باشد فروبرندگان خشم

ما للظالمین من حمیم ولا شفیع یطاع علمت

نیست برای ظلم کنندگان از خویش مهربان و شفاعت کننده که فرمان او برند میداند

نفس ما احضرت فلا اقسم بالخنس الجوار

هر نفسی آنچه حاضر کرده است اعمال پس قسم میخورم بستارهای برگردنده

الکنس واللیل اذا عسعس والصبح اذا

رونده پنهان شونده و شب هرگاه آید و صبح هرگاه

تنفس ص والقرآن ذی الذکر بل الذین کفروا

برند بحق ص و بحق قرآن صاحب شرف بلکه جماعتی که کافر شدند

فی عزة وشقاق شاهت الوجوه شاهت

در تکبر و مخالف شدند ناخوش باد روها ناخوش روها

الوجوه شاهت الوجوه وعمیت الابصار

روها ناخوش باد روها و کور باد چشمها

وکلت الالسن اللهم اجعل خیرهم

و وامانده باد زبانها خداوندا بگردان خوبی ایشان را

بین عینیهم وشرهم تحت قدمیهم وخاتم سلیمن

میان دو چشم ایشان و بدی ایشان را زیر دو پای ایشان و انگشتر سلیمان را

بین اکتافهم فسیکفیکهم الله وهو

میان کتفهای ایشان پس زود باشد که نگاهدار از ایشان خدا و اوست

السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

شنوای دانا ودرود فرستد خدا بر محمد وال او

اَجْمَعِينَ

اختتام دعای احتجاب

همه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

تَحَصَّنْتُ بِذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ وَاعْتَصَمْتُ

پناه بجویم بصاحب مملکت وپادشاهی وچنگ زده ام

بِذِي الْعِزَّةِ وَالْعَظَمَةِ وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْجُودِ وَ

بدامن کسی که صاحب غلبه وبزرگی وبلند مرتبگی وبخشش و

الْجَبَرُوتِ وَتَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَنَامُ

وبزرگواری وتوکل نموده ام بر زنده که نمیخوابد

وَلَا يَمُوتُ دَخَلْتُ فِي حِفْظِ اللَّهِ وَفِي حِرْزِ اللَّهِ

ونمیمیرد داخل کردانیدم خودرا درنگاهداری خدا ودرنکهبانی خدا

وَفِي اَمَانِ اللَّهِ مِنْ شَرِّ الْبَرِيَّةِ اَجْمَعِينَ بِحَقِّ كهيعص

ودرامان خدا ازشر افریدکان همگی بحق کلمه مبارکه کهیعص

وَبِحَقِّ حمعسق فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ

وبحق کلمه حمعسق پس زود باشد که کفایت نماید ازایشان خدا واوست

السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ

شنوای دانا ونیست بازدارنده ازمعاصی وتوانائی برطاعت مگر بخدای بلند مرتبه

وَبِحَقِّ حمعسق فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللّٰهُ وَهُوَ
وبحق کلمه حمعسق پس زود باشد که کفایت نماید از ایشان خدا واوست
السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ
شنوای دانا ونیست بازدارنده از معاصی و توانا بر طاعت مگر بخدای بلند مرتبه

العظ

الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَجْمَعِينَ وَ
بزرگ ودرود فرستد خدا بر محمد وال او همگی وهمه
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اُنْصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي
ستایش از برای پروردگار عالمیان است یاری کن مرا بر کسی که ستم کرده بر من
اَخَذْتُ سَمْعَكَ بِسَمْعِ اللّٰهِ وَاَخَذْتُ بَصَرَكَ بِبَصَرِ
گرفتم شنوائی ترا بشنوائی خدا وگرفتم دیده ترا به بینائی
اللّٰهِ وَاَخَذْتُ قُوَّتَكَ بِقُوَّةِ اللّٰهِ قَالَ اخْسَئُوا
خدا وگرفتم توانائی ترا بتوانائی خدا فرمود پست وساکن شود
فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللّٰهُ
در ان وسخن مگوئید پس زود باشد که کفایت کند شر ایشان را خدا
وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
واوست شنوای دانا برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

اخر دعا

[illegible]

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشنده مهربان
اِلٰهِي قَدْ تَلَاطَمَتْ اَمْوَاجُ قَامُوسِ قُدْرَتِكَ
خداوندا بتحقیق که بهم بر امده است موجهای دریای عظیم توانائی تو
فَظَهَرَ فِي كُلِّ مَقْدُورٍ آثَارُ قُدْرَةٍ عَجِيبَةٍ غَرِيبَةٍ
پس هویدا گردیده است در هر ممکنی علامتهای توانائی عجیب غریبی

لا يبلغ كنهها عقول العقلاء وفهوم
که نمیرسد پایان انها ادراک صاحبان عقلها ودریافت

العلماء واوهام الحكماء فكل شيء
علما ودانایان واندیشهای حکیمان ودانشمندان پس هر چیزی

في قبضة قدرتك اسير وان ذلك عليك
در قبضه توانائے تو دربندست وبدرستی که این امر بر تو

سهل يسير وانت على كل شيء قدير
اسان وبی‌مشقتست وتو بر همه چیز قادر وتوانائے

وبالاجابة جدير يا شديد ذا البطش الشديد
وبقبول حاجتها سزاواری ای با شدت وسختی صاحب گرفتن سخت

اسئلك مددا من قدرتك واسئلك
میطلبم از تو یاری از توانائے تو ومیطلبم از تو

مددا من حكمتك واسئلك مددا
مدد از دانائے تو ومیطلبم یاری

من سلطانك واسئلك مددا منك لتسخير
از پادشاهی تو ومیطلبم از تو یاری ازبرای تو برای فرمان‌بردار کردن

كل متمرد وتليين كل صعب واذلال
هر نافرمان برداری ونرم گردانیدن هر دشواری وپست گردانیدن

كل منيع وقهر كل عدو ومحو كل خصم
هر بلند ومغلوب ساختن هر دشمنی وبرطرف کردن هر معاندی

كُلِّ مُتَمَرِّدٍ وَتَلْيِينَ كُلِّ صَعْبٍ وَاِذْلَالِ

هر نافرمان برداری ونرم گردانیدن هر دشواری وپست گردانیدن

كُلِّ مَنِيعٍ وَقَهْرِ كُلِّ عَدُوٍّ وَمَحْوِ كُلِّ خَصْمٍ

هر بلند ومغلوب ساختن هر دشمنی وبرطرف کردن هر معاندی

وَاِذْهَاقِ كُلِّ مُنَافِقٍ مِنَ الْاِنْسِ وَالْجِنِّ

ونیست کردن هر منافقی از ادمیان وجنیان

وَالْهَوَامِّ فَلَا يَبْقَى شَيْءٌ مِنَ الْمُكَوَّنَاتِ اِلَّا

وگزندگان پس باقی نماند چیزی از هست شدگان مگر آنکه

وَلِيْنَ بِيَدَيَّ عَرِيكَتُهُ وَكُسِرَتْ شِدَّةُ

نرم گرده شده باشد بدستهای من ارکان او ودرهم شکسته شده باشد شدت

شَكِيمَتِهِ وَفَرْطُ عُتُوِّهِ وَتَفَرْعُنِهِ بِعِزَّتِكَ

صولت او ونهایت سرکشی او وتفرعن او بعزت تو

يَا عَزِيزُ يَا عَزِيزُ يَا مُعِزُّ يَا مُعِزُّ يَا مُقَدِّمُ يَا مُؤَخِّرُ

ای عزیز ای غالب ای عزت کننده ای عزت کننده ای پیشی گیرنده ای ابعاد هر چیز

بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

برحمت تو ای رحم کنندترین رحم کنندگان

چهلم حضرت ادریس علیه السلام

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشنده مهربان

اسم اول

سُبْحَانَكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ يَا رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ

منزهی تو نیست خدایی بجز تو ای پروردگار هر چیز

وَوَارِثَهُ — اسم دوم — يَا اِلٰهَ الْاٰلِهَةِ الرَّفِيعَ جَلَالُهُ

وارث برنده از هر چیز ای خدای همه پرستیده شدگان که بلند است بزرگی او

يَا اَللّٰهُ الْمَحْمُودُ فِي كُلِّ فِعَالِهِ — اسم سوم — يَا رَحْمٰنُ

ای خدای ستایش کرده شده در همه کارهای او — اسم چهارم — ای بخشنده

كُلِّ شَيْءٍ وَراحِمَهُ يا حَيُّ حِينَ لا حَيَّ

هر چیز و رحم کننده براو ای زنده در هنگامی که نیست زنده

فِي دَيْمُومَةِ مُلْكِهِ وَبَقائِهِ يا قَيُّومُ فَلا

در همیشه بودن پادشاهی او و در باقی بودن آن ای بخود برپای ایستنده

شَيْءَ يَفُوتُ عِلْمَهُ وَلا يَؤُدُهُ يا واحِدُ الْباقِي

چیزی که برطرف شود از آن علم خدا و بتعب نمی اندازد او را ای یگانه باقی

اَوَّلَ كُلِّ شَيْءٍ وَآخِرَهُ يا دائِمُ بِلا فَناءٍ

که اول هر چیز و آخر آنست ای همیشه که برطرف نمیشود

وَلا زَوالَ لِمُلْكِهِ يا صَمَدُ مِنْ غَيْرِ شَبِيهٍ

و نیست زوالی برای پادشاهی او ای بی نیاز از غیر آنکه باشد مانندی او

وَلا شَيْءَ كَمِثْلِهِ يا بارِئُ فَلا شَيْءَ كُفْوُهُ

و نیست چیزی مثل او ای خلق کننده پس نیست چیزی همسر او

وَلا اِمْكانَ لِوَصْفِهِ يا كَبِيرُ اَنْتَ الَّذِي

و نیست امکانی برای تعریف او ای بزرگ توئی آنکسی که

لا تَهْتَدِي الْعُقُولُ لِوَصْفِ عَظَمَتِهِ

راه نمی یابند عقلها برای تعریف کردن بزرگی او

يا بارِئَ النُّفُوسِ بِلا مِثالٍ خَلا مِنْ غَيْرِهِ

ای خلق کننده نفسها بدون نمونه که منتزع شود از غیر او

يا زاكِي الطّاهِرُ مِنْ كُلِّ مُدَنِّسَةٍ بِقُدْسِهِ

ای پاکیزه و پاک از هر چرک و کثافت بسبب منزه بودن او

يا بارئ النفوس بلا مثال خلا من غيره

اى خلق كننده نفسها بدون مونه كه منتزع شود از غير او

يا زاكي الطاهر من كل مدنسة بقدسه

اى پاكيزه و پاك از هر چرك و كثافت بسبب منزه بودن او

26

يا كافي الواسع لما خلق من عطايا فضله

اى كار گزار احاطه كننده مر آنچه آفريده است از بخششهاى زياده تى احسان خود

يا نقي من كل جور لم يرضه ولم يخالطه

اى پاك از هر ظلمى كه نپسندد خشنود از آن و داخل نشد

فعاله يا حنان انت الذي وسعت كل شيء

بان ظلم كارهاى او اى مهربان تويى آنكسى كه فرا گرفته تو هر چيز را

رحمة وعلما يا منان ذا الاحسان قد

از روى رحمت و دانايى اى بخشنده صاحب نيكويى بتحقيق

عم الخلائق منه يا ديان العباد كل

كه شامل است همه آفريدگان را بخشش او اى جزا دهنده بندگان همه ايشان

يقوم خاضعا لرهبته يا خالق من في

بپا مى ايستند در حالى كه زارى كننده اند از جهت ترس او اى آفريدگار هر كس كه هست در

السموات والارض وكل اليه معاده

آسمانها و زمين و همه ايشان بسوى اوست بازگشت همه آنها

يا رحيم كل صريخ ومكروب وغياثه

اى رحم كننده هر فريادرس طلب كننده و اندوهناكى و فريادرس او

ومعاذه يا تام فلا تصف الالسن كل

و پناه او اى آنكه تمامست در همه صفتها پس تعريف نميتوانند نمود زبانها هيچ چيز

جلاله وملكه وعزه يا مبدئ البدائع

از بزرگى او را و پادشاهى او را و عزت او اى تازه بديد آورنده تازه ها

لَمْ یَبْغِ فِی اِنْشَآئِهَا عَوْنًا مِنْ خَلْقِهٖ

نمی طلبد در آفریدن آنها مددکاری را از آفریدگان خود

یَا عَلَّامَ الْغُیُوْبِ فَلَا یَؤُدُهٗ شَیْءٌ مِنْ حِفْظِهٖ

ای بسیار دانای امرهای پنهان پس گرانی نمیکند او را چیزی از نگاهداشتن او آنچیز را

یَا حَلِیْمُ ذَا الْاَنَاةِ فَلَا یَعْدِلُهٗ شَیْءٌ

ای بردبار صاحب مدارا پس همتایی و همسری نمیکند او را چیزی

مِنْ خَلْقِهٖ یَا مُعِیْدَ مَا اَفْنَاهُ اِذَا بَرَزَ

از آفریدگان او ای برگرداننده آنچه را که برطرف کرده است آنرا در وقتی که ظاهر شوند همه

الْخَلَائِقُ لِدَعْوَتِهٖ مِنْ مَخَافَتِهٖ یَا حَمِیْدَ

آفریدگان برای خواندن او در قیامت از جهت ترس از عقوبت او ای آنکه پسندیده است

الْفِعَالِ ذَا الْمَنِّ عَلٰی جَمِیْعِ خَلْقِهٖ بِلُطْفِهٖ

کارهای او که صاحب بخشش است بر همه آفریدگان خود بشفقت خود

یَا عَزِیْزُ الْمَنِیْعُ الْغَالِبُ عَلٰی اَمْرِهٖ فَلَا

ای صاحب عزت و قوت که غلبه کننده است بر فرمان خود پس نیست

شَیْءَ یُعَادِلُهٗ یَا قَاهِرُ ذَا الْبَطْشِ الشَّدِیْدِ

چیزی که برابری و همتایی نماید او را ای قهر کننده صاحب خشم بسیار سخت

اَنْتَ الَّذِیْ لَا یُطَاقُ انْتِقَامُهٗ یَا قَرِیْبُ

توئی آنکسی که طاقت و قدرت ندارند مردمان عقوبت او را ای نزدیک

الْمُتَعَالِیْ فَوْقَ کُلِّ شَیْءٍ عُلُوُّ ارْتِفَاعِهٖ

بلند مرتبه که بالاتر از همه چیزهاست بلندی او

أَنْتَ الَّذِي لَا يُطَاقُ انْتِقَامُهُ يَا قَرِيبُ

تویی آنکسی که طاقت و قدرت ندارند مردمان عقوبت اورا ای نزدیک

الْمُتَعَالِي فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ ارْتِفَاعُهُ

بلند مرتبه که بالاتر از همه چیزهاست بلندی او

یا مدل

يَا مُذِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ بِقَهْرِ عَزِيزِ سُلْطَانِهِ

ای خوار کننده هر متکبری بسبب قهر غلبه پادشاهی خود

يَا نُورَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدَاهُ أَنْتَ الَّذِي

ای روشنی ده هر چیزی و راهنمای آن تویی آنکسی که

فَلَقَ الظُّلُمَاتِ نُورُهُ يَا قُدُّوسُ الطَّاهِرُ

شکافته است تاریکیها روشنی او ای پاکیزه و پاک

مِنْ كُلِّ سُوءٍ فَلَا شَيْءَ يُعَازُّهُ مِنْ خَلْقِهِ

از هر بدی پس نیست چیزی که غلبه نماید اورا از آفریدگان او

يَا قَرِيبُ الْمُجِيبُ الْمُتَدَانِي دُونَ كُلِّ شَيْءٍ قُرْبُهُ

ای نزدیک برآرنده حاجتها که نزدیکست نزد هر چیزی نزدیکی او

يَا عَالِي الشَّامِخُ فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ عُلُوُّ ارْتِفَاعِهِ

ای بلند بسیار بلند که بالاتر از هر چیز نیست بلندی رفعت او

يَا مُبْدِئَ الْبَدَايَا وَمُعِيدَهَا بَعْدَ فَنَائِهَا

ای تازه بدید آورنده تازها و برگرداننده آنها بعد از برطرف شدن آنها

بِقُدْرَتِهِ يَا جَلِيلُ الْمُتَكَبِّرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

بتوانایی خود ای بزرگ صاحب بزرگی بر هر چیزی

فَالْعَدْلُ أَمْرُهُ وَالصِّدْقُ وَعْدُهُ يَا مَجِيدُ

پس عدالت فرمان اوست و راستی وعده اوست ای صاحب شرف

فَلَا يَسْتَطِيعُ الْأَوْهَامُ كُلَّ شَأْنِهِ وَمَجْدِهِ

پس قدرت ندارند وهمها یافتن همه صفتها و بزرگی و شرف اورا

يا كريم العفو ذا العدل انت الذي

اى بخشنده در گذشتن از گناهان را اى صاحب عدالت تو يى آنكسى كه

ملأ كل شيء عدله يا عظيم ذا الثناء

پر كرده است هر چيزى را عدالت او اى بزرگ صاحب ستايش

الفاخر والعز والمجد والكبرياء فلا يذل

بلند و صاحب غلبه و شرف و بزرگوارى پس خوار نميشود

عزه يا عجيب فلا تنطق الالسنة بكل آلائه

غلبه او اى آنكه بعجب مى آورد پس گويا نميتوانند زبانها بهمه نعمتهاى او

وثنائه يا غياثي عند كل كربة

و ستايش او اى فرياد رس من نزد هر اندوهى

ويا مجيبي عند كل دعوة اسئلك اللهم

واى بر آورنده حاجت من نزد هر خواندنى سوال ميكنم ترا اى پروردگار من

يا رب الصلوة على نبيك محمد صلى الله عليه

خداوندا آنكه رحمت فرستى بر پيغمبر خود كه محمد است رحمت فرستد خدا براو

وآله وامانا من عقوبات الدنيا والآخرة

و بر آل او وآنكه امان دهى مرا از عذابهاى دنيا و آخرت

وان تحبس عني ابصار الظلمة المريدين بي السوء

و آنكه بربندى از من چشمهاى ستمكاران قصد كنندگان مرا ببدى

وان تصرف قلوبهم عن شر ما يضمرون الي

و آنكه برگردانى دل ايشان را از شر آنچه در خاطر دارند ايشان بسوى

وَاَنْ تَحْبِسَ عَنِّی اَبْصَارَ الظَّلَمَةِ الْمُرِیْدِیْنَ بِیَ السُّوْ

و آنکه بربندی از من چشمهای ستمکاران قصد کنندگان مرا ببدی

وَاَنْ تَصْرِفَ قُلُوْبَهُمْ عَنْ شَرِّ مَا یُضْمِرُوْنَ اِلَیَّ

و آنکه برگردانی دل ایشان را از شر آنچه در خاطر دارند ایشان بسوی

خَیْرِ مَا لَا یَمْلِکُهٗ غَیْرُکَ اَللّٰهُمَّ هٰذَا الدُّعَآءُ

بهترین آنچه مالک نیست او را غیر تو کسی خداوندا اینست حاجت من

وَمِنْکَ الْاِجَابَۃُ وَهٰذَا الْجَهْدُ وَعَلَیْکَ

و از تست بر آوردن آن و اینست نهایت سعی من و بر تست

التُّکْلَانُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّۃَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ

اعتماد و نیست حرکتی و نه توانایی مگر بخدای بلند مرتبه

از دعای [illegible] و دعای [illegible] قبل از

الْعَظِیْمِ

دعای جلیل القدر [illegible] دعای [illegible] خوانند

بزرگ

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْاَوَّلُ فَلَیْسَ قَبْلَکَ شَیْءٌ وَاَنْتَ

خداوندا توئی اول پس نیست پیش از تو چیزی و توئی

الْاٰخِرُ فَلَیْسَ بَعْدَکَ شَیْءٌ وَاَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَیْسَ

آخر پس نیست بعد از تو چیزی و توئی هویدا پس نیست

فَوْقَکَ شَیْءٌ وَاَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَیْسَ دُوْنَکَ شَیْءٌ

بالاتر از تو چیزی و توئی پنهان پس نیست سوی تو چیزی دیگر

وَاَنْتَ الْعَزِیْزُ الْحَکِیْمُ سُبْحَانَکَ یَا لَا اِلٰهَ

و توئی صاحب عزت و دانش منزهی تو ای خدایی که

اِلَّا اَنْتَ یَا حَنَّانُ یَا مَنَّانُ یَا بَدِیْعَ السَّمٰوٰتِ

خدایی مگر تو ای صاحب حلم ای صاحب نعمت ای پدید آورنده آسمانها

وَالْاَرْضِ یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ

و زمین ای صاحب بزرگی و بخشش

دعای جلیله [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

ابتدا میکنم بنام خدای بخشاینده مهربان

اللهم انی اسئلک باسمک العظیم الاعظم

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو بنام تو که بزرگست و بزرگترست از همه نامها

الاعز الاجل الاکرم الذی اذا دعیت به

و عزیزتر و جلیل‌تر و گرامی‌تر است از همه نامها که هرگاه خوانده شوی بآن نام

علی مغالق ابواب السماء للفتح بالرحمة

بر قفلهای درهای آسمان از برای گشوده شدن برحمت

انفتحت و اذا دعیت به علی مضائق ابواب

گشوده شود و هرگاه خوانده شوی بآن بر تنگیهای درهای

الارض للفرج انفرجت و اذا دعیت به

زمین از برای باز شدن باز شود و هرگاه خوانده شوی تو بآن اسم

علی العسر للیسر تیسرت و اذا دعیت به علی

بر دشواری از برای آسانی آسان شود و هرگاه خوانده شوی بآن بر

الاموات للنشور انتشرت و اذا دعیت به

مردگان از برای زنده شدن زنده شوند و هرگاه خوانده شوی بآن اسم

علی کشف البأساء و الضراء انکشفت

بر زایل شدن پریشانی و بدحالی و بیماری زایل گردند

و بجلال وجهک الکریم اکرم الوجوه و

و ببزرگواری ذات گرامی تو که گرامی‌ترین ذوات و

بر زایل شدن پریشانی وبدحالی وبیماری زایل گردند

وَبِجَلالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَكْرَمِ الْوُجُوهِ وَ

وببزرگواری ذات گرامی تو که گرامی ترین ذوات و

۶۱

أَعَزِّ الْوُجُوهِ الَّذِي عَنَتْ لَهُ الْوُجُوهُ وَخَضَعَتْ

عزیزترین انهاست انکه ذلیلند ازبرای او روها وخاضعند

لَهُ الرِّقَابُ وَخَشَعَتْ لَهُ الْأَصْوَاتُ وَوَجِلَتْ

ازبرای او گردنها و پستند ازبرای او صداها وترسانند

لَهُ الْقُلُوبُ مِنْ مَخَافَتِكَ وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي

ازبرای او دلها از ترس تو وبقوت تو که بان

تُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِكَ

میداری اسمانرا ازانکه بیفتند بر زمین مگر برخصت تو

وَتُمْسِكُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَ

وحفظ مینمایی آسمانها وزمینها را ازانکه زایل شوند و

بِمَشِيَّتِكَ الَّتِي دَانَ لَهَا الْعَالَمُونَ وَبِكَلِمَتِكَ

بمشیت تو آن مشیتی که مطیعند ازبرای آن جمیع عوالم وبکلمه تو

الَّتِي خَلَقْتَ بِهَا السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ وَبِحِكْمَتِكَ

انکه آفریده بان آسمانها و زمین را وبحکمت تو

الَّتِي صَنَعْتَ بِهَا الْعَجَائِبَ وَخَلَقْتَ بِهَا

انکه ساخته بان حکمت امور عجیبه را وآفریده بان

الظُّلْمَةَ وَجَعَلْتَهَا لَيْلًا وَجَعَلْتَ اللَّيْلَ

ظلمت را وگردانیده بان ظلمت شب را وگردانیده شب را

سَكَنًا وَخَلَقْتَ بِهَا النُّورَ وَجَعَلْتَهُ نَهَارًا

محل سکون وقرار وآفریده بان کلمه نور را وگردانیده آنرا روز

وَجَعَلْتَ النَّهَارَ نُشُوراً مُبْصِراً وَخَلَقْتَ بِهَا

وگردانیده روز را محل انتشار مردم برای کارها و سبب دیدن مردم چیزها را و آفریده بآن

الشَّمْسَ وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَخَلَقْتَ بِهَا

آفتاب را وگردانیدی آفتاب را سبب روشنی وخلق کردی بآن

الْقَمَرَ وَجَعَلْتَ الْقَمَرَ نُوراً وَخَلَقْتَ بِهَا

ماه را وگردانیدی ماه را سبب نور وآفریده بآن

الْكَوَاكِبَ وَجَعَلْتَهَا نُجُوماً وَبُرُوجاً وَمَصَابِيحَ

ستارها را وگردانیده انهارا النجوم که بانها هدایت یابند در راهها وبروج که باشکال انها

وَزِينَةً وَرُجُوماً وَجَعَلْتَ لَهَا مَشَارِقَ وَ

وزینت که نظر کننده را خوش آید وسنگ باران برای شیاطین وگردانیده از برای انها مشرقها که از انها

مَغَارِبَ وَجَعَلْتَ لَهَا مَطَالِعَ وَمَجَارِيَ وَجَعَلْتَ

طلوع کنند ومغربها که درانها پنهان شوند وقرار کرده از برای آنها مواضعی که ازانجاها طلوع کنند ومغربها که در انها

لَهَا فَلَكاً وَمَسَابِحَ وَقَدَّرْتَهَا فِي السَّمَاءِ

پنهان شوند وقرار کرده از برای انها فلکی که انهارا حرکت دهد وجاها که درانجا شنا کنند ومقدر کرده از برای انها

مَنَازِلَ فَأَحْسَنْتَ تَقْدِيرَهَا وَصَوَّرْتَهَا فَأَحْسَنْتَ

در اسمان منزلها پس نیک تقدیر کرده آنها را وصورت بخشیده آنها پس نیکو

تَصْوِيرَهَا وَأَحْصَيْتَهَا بِأَسْمَائِكَ إِحْصَاءً وَدَبَّرْتَهَا

تصویر کرده آنهارا واحصا کرده بنامهای خود عدد آنهارا احصا کردنی وتدبیر کرده انها

بِحِكْمَتِكَ تَدْبِيراً وَأَحْسَنْتَ تَدْبِيرَهَا وَ

بحکمت خود تدبیر کردنی ونیکو کردی تدبیر انها را و

تصویر کرده آنهارا و احصا کرده بنامهای خود عدد آنهارا احصا کردی و تدبیر کرده آنها

بحكمتك تدبيرا و احسنت تدبيرها و

بحکمت خود تدبیر کردی و نیکو کردی تدبیر انها را و

سخرتها

سخرتها بسلطان الليل و سلطان النهار

مسخر کرده انهارا بسبب تسلط شب و تسلط روز

والساعات و عدد السنين و الحساب و

و ساعتها و عدد سالها و حساب و

جعلت رؤيتها لجميع الناس مرئ واحدا

گردانیده دیدن آن کواکب را از برای جمیع مردم یک نحو دیدن

و اسئلك اللهم بمجدك الذي كلمت به

و سؤال میکنم از تو خداوندا به بزرگواری تو که سخن گفتی بآن

عبدك و رسولك موسى بن عمران عليه السلم

با بنده خود و رسول خود موسی پسر عمران بر او باد سلام

في المقدسين فوق احساس الكروبيين

در میان مقدسین بالای صداهای مقربان ملائکه آسمان

فوق غمائم النور فوق تابوت الشهادة في

بالای ابرهای نور بالای صندوق شهادت که گواهی بر حقیت پیغمبران میداد

عمود النار و في طور سيناء و في جبل حوريث

در عمود آتش و در کوه طور منسوب بسینا و در کوه حوریث

في الواد المقدس في البقعة المباركة

که در شهر مدین است در وادی مقدس پاکیزه در بقعه با برکت

من جانب الطور الايمن من الشجرة و في ارض

از جانب راست کوه و آن سخن ظاهر شد از درخت و سخن گفتی با موسی در زمین

مِصْرَ بِتِسْعِ اٰيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَيَوْمَ فَرَقْتَ لِبَنِيٓ اِسْرَآئِيلَ الْبَحْرَ

مصر بانه آیت و معجزه واضح وهویدا و روزی که شکافتی از برای بنی اسرئیل دریا

وَفِي الْمُنْبَجِسَاتِ الَّتِي صَنَعْتَ بِهَا الْعَجَآئِبَ

و به تجدّی که ظاهر کردی در نهرها که در میان دریا بجوشید و معجزات عجیبه از ان ظاهر کردی

فِي بَحْرِ سُوفَ وَعَقَدْتَ مَآءَ الْبَحْرِ فِي قَلْبِ الْغَمْرِ

در دریای سوف و بستی آب دریارا درمیان دریا

كَالْحِجَارَةِ وَجَاوَزْتَ بِبَنِيٓ اِسْرَآئِيلَ الْبَحْرَ

مانند سنگ وگذرانیدی فرزندان یعقوب را از دریا

وَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ الْحُسْنٰى عَلَيْهِمْ بِمَا صَبَرُوا وَ

و تمام کردی وعده نیکوی خود را بر بنی اسرائیل بصبری که کردند بر آزادی

اَوْرَثْتَهُمْ مَشَارِقَ الْاَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْتَ

فرعون و بمیراث دادی ایشانرا مشرقهای زمینهای بصره و شام را و مغربهای انرا یعنی که برکت دادی

فِيهَا لِلْعَالَمِينَ وَاَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ وَمَرَاكِبَهُ

در آنها از برای عالمیان و غرق کردی فرعون را و لشکرهای اورا و چهارپایان اورا

فِي الْيَمِّ وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْاَعْظَمِ الْاَعَزِّ

در دریا و بحق نام تو که بزرگ و بزرگتر و غالب تر

الْاَجَلِّ الْاَكْرَمِ وَبِمَجْدِكَ الَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ

و بزرگتر و گرامی تراست از همه نامها و بحق بزرگواری خود که تجلی کردی بان برای

لِمُوسٰى كَلِيمِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طُورِ سَيْنَآءَ

موسی همراز خود براو باد سلام در کوه طور که در سینا واقع است

الاجل الاكرم وبمجدك الذی تجليت به

وبزرگتر وگرامی تراست ازهمه نامها وبحق بزرگواری خود که تجلی کردی بان برای

لموسى كليمك عليه السلام فی طور سيناء

موسی همراز خود براو باد سلام درکوه طور که درسینا واقع است

ولابرهيم

ولابرهيم خليلك عليه السلام من قبل

وظاهر کردی بان از برای ابراهیم دوست تو براو باد سلام پیش از ان

فی مسجد الخيف ولاسحق صفيك عليه السلم

در مسجد خیف که درمنی واقع است واز برای اسحق برگزیدهٔ تو براو باد سلام

فی بئر شيع وليعقوب نبيك عليه السلام

در چاه شیع واز برای یعقوب پیغمبر تو بر او باد سلام

فی بيت ايل واوفيت لابرهيم عليه السلام

در خانهٔ خدا وبعضی گویند مراد بیت المقدس است ووفا کردی برای ابراهیم براو باد سلام

بميثاقك ولاسحق بحلفك وليعقوب بشهادتك

به پیمان خود واز برای اسحق بسوگند خود واز برای یعقوب بگواهی خود

وللمؤمنين بوعدك وللداعين باسمائك فاجبت

واز برای مؤمنان بوعدهٔ خود واز برای دعا کنندگان بنامهای خود پس مستجاب گردی

وبمجدك الذی ظهر لموسى بن عمران عليه

وببزرگواری تو که ظاهر شد برای موسی پسر عمران براو باد

السلام على قبة الزمان وباياتك الذی رفعت

الرّمّان

سلام برقبهٔ زمان درتیه وبقوت ورحمت تو که بلند شد

على ارض مصر بمجد العزة والغلبة بايات

بر زمین شهر مصر ببزرگواری عزت وغالب شدن برفرعون بمعجزات

عزيزة وبسلطان القوة وبعزة القدرة و

عالیه وبسلطنت قوت وبعزت قدرت و

بِشَأْنِ الْكَلِمَةِ التَّآمَّةِ وَبِكَلِمَاتِكَ الَّتِي
بشان کلمهٔ تامه که وعدهٔ غلبهٔ اهل حق است بر اهل باطل وبکلمهای خود آنها که
تَفَضَّلْتَ بِهَا عَلَى اَهْلِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَ
تفضل کردی بآنها بر اهل آسمانها و اهل زمین و
اَهْلِ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَبِرَحْمَتِكَ الَّتِي مَنَنْتَ
اهل دنیا واهل آخرت و برحمت خود آنها که منت گذاشته
بِهَا عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ وَبِاسْتِطَاعَتِكَ الَّتِي اَقَمْتَ
بآنها بر جمیع خلق خود وبتوانایی وقدرت خود آنکه برپا داشته
بِهَا الْعَالَمِينَ وَبِنُورِكَ الَّذِي قَدْ خَرَّ مِنْ فَزَعِهِ طُورُ
بآن عالمیان را و بنور خود آن نوری که برزمین افتاد از ترس آن کوه طور
سَيْنَاءَ وَبِعِلْمِكَ وَجَلَالِكَ وَكِبْرِيَائِكَ
سینا وبعلم تو وجلالت تو وبزرگوارے تو
وَعِزَّتِكَ وَجَبَرُوتِكَ الَّتِي لَمْ تَسْتَقِلَّهَا الْاَرْضُ
وعزت تو وشوکت وقهر تو که طاقت برداشتن آن نیاورد زمین
وَانْخَفَضَتْ لَهَا السَّمٰوَاتُ وَانْزَجَرَ لَهَا الْعُمْقُ
وپست وذلیل شد برای آنها آسمانها ومنزجر شد از برای آن عمق
الْاَكْبَرُ وَرَكَدَتْ لَهَا الْبِحَارُ وَالْاَنْهَارُ وَ
بزرگتر وساکن وذلیل گردید از برای آن دریاها و نهرها و
خَضَعَتْ لَهَا الْجِبَالُ وَسَكَنَتْ لَهَا الْاَرْضُ بِمَنَاكِبِهَا
منقاد گردید از برای آن کوهها وساکن گردید از برای آن زمین با اطراف آن‌ها کوههای آن

وتشهد

الاكبر و ركدت لها البحار والانهار و

بزرگتر و ساکن و ذلیل گردید از برای آن دریاها و نهرها و

خضعت لها الجبال و سكنت لها الارض بمناكبها

منقاد گردید از برای آن کوهها و ساکن گردید از برای آن زمین با اطراف آن‌ها

کوههای آن

واستسلمت

واستسلمت لها الخلائق كلها وخفقت

و منقاد گردیده است از برای آن خلایق همه آنها و مضطرب گردیده است

لها الرياح في جريانها وخمدت لها النيران في

از برای آن بادها در حرکت کردن آنها و فرو نشسته است از برای آن شعلهای آتش در

اوطانها وبسلطانك الذي عرفت لك به

جاهای خود و بپادشاهی تو یا بزمانهای تو آنکه شناخته شده است از برای تو بآن

الغلبة دهر الدهور وحمدت به في السموات

غالب بودن بر همه اشیا در همه زمانها و سپاس کرده شود بآن در آسمانها

والارضين وبكلمتك كلمة الصدق

و زمینها و بوعدهٔ تو وعدهٔ راست

التي سبقت لابينا ادم وذريته بالرحمة و

که پیش مقرر شده است از برای پدر ما آدم و فرزندان او برحمت و

اسئلك بكلمتك التي غلبت كل شيء

سؤال میکنم از تو بکلمهٔ تو آن کلمه که غالب شده است بر همه چیز

وبنور وجهك الذي تجليت به للجبل فجعلته

و بنور ذات مقدس تو آنکه تجلی کردی بآن از برای کوه پس گردانیدی آنرا

دكا وخر موسى صعقا وبمجدك الذي ظهر

هموار زمین و افتاد موسی بیهوش و ببزرگواری تو آنکه ظاهر شد

على طور سيناء فكلمت به عبدك ورسولك

بر طور سینا پس سخن گفتی بآن با بندهٔ خود و رسول خود

مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ وَبِطَلْعَتِكَ فِي سَاعِيرَ وَ

موسے پسر عمران وبطلوع کردن تو در کوه ساعیر و

ظُهُورِكَ فِي جَبَلِ فَارَانَ بِرَبَوَاتِ الْمُقَدَّسِينَ

ظاهر شدن تو در کوه فاران در بلندیهای پاکیزگان

وَجُنُودِ الْمَلَائِكَةِ الصَّافِّينَ وَخُشُوعِ الْمَلَائِكَةِ

و لشکرهای ملائکه که صف کشیده اند و خشوع فرشتگان

الْمُسَبِّحِينَ وَبِبَرَكَاتِكَ الَّتِي بَارَكْتَ فِيهَا عَلَى

که خدا را تنزیه میکنند و برحمتهاے تو آنها که برکت کردهٔ در آنها بر

اِبْرٰهِيمَ خَلِيلِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أُمَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى

ابراهیم که دوست تو است براو باد سلام در امت محمد رحمتهای

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبَارَكْتَ لِاِسْحٰقَ صَفِيِّكَ فِي

تو براو وآل او باد وبرکت دادی ازبرای اسحق برگزیده تو در

أُمَّةِ عِيسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَبَارَكْتَ لِيَعْقُوبَ

امت عیسی برهردو باد سلام وبرکت دادهٔ ازبرای یعقوب

اِسْرَائِيلِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أُمَّةِ مُوسَى

اسرائیل تو براو باد سلام در امت موسے

عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبَارَكْتَ لِحَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى

براو باد سلام وبرکت دادهٔ ازبرای دوست خود محمد درود فرستد

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي عِتْرَتِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَأُمَّتِهِ

خدا براو وآل او در خویشان او و فرزندان او وامت او

عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبَارَكْتَ لِحَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى
بر او باد سلام وبركت داده از براي دوست خود محمد درود فرستد
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي عِتْرَتِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَاُمَّتِهِ
خدا بر او وآل او در خويشان او و فرزندان او وامت او

وَكَمَا غِبْنَا عَنْ ذٰلِكَ وَلَمْ نَشْهَدْهُ وَ
وچنانچه غايب بوديم ما از مبعوث شدن آنحضرت و اورا نديديم و
آمَنَّا بِهِ وَلَمْ نَرَهُ صِدْقًا وَعَدْلًا اَنْ تُصَلِّيَ
ايمان آورديم باو ونديده ايم اورا از روي راستي وعدالت آنكه درود فرستي
عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُبَارِكَ عَلٰى مُحَمَّدٍ
بر محمد وآل محمد وآنكه بركت فرستي بر محمد
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَرَحَّمَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَاَفْضَلِ
وآل محمد وترحم كني بر محمد وآل محمد مانند
مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلٰى اِبْرٰهِيمَ
آنچه درود فرستاده وبركت داده وترحم كرده بر ابراهيم
وَآلِ اِبْرٰهِيمَ اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ فَعَّالٌ لِمَا
وآل ابراهيم بدرستي كه توئي مستحق حمد وبزرگوار كننده هرچه
تُرِيدُ وَاَنْتَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
را اراده كني و توئي بر همه چيز توانا
يَا اَللّٰهُ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا بَدِيعَ
اي خداي بسيار رحمت كننده اي بسيار انعام كننده اي از عدم بوجود آورنده
السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ
آسمانها و زمين اي صاحب جلال وعظمت وانعام وگرامي داشتن
يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هٰذَا
اي رحم كننده ترين رحم كنندگان خداوندا بحق اين

الدعاء وبحق هذه الاسماء التي لا يعلم
دعا و بحق این نامها که نمید اند
تفسیرها ولا یعلم باطنها غیرك صل
تفسیر آنها را و نمید اند باطن آنها را کسی غیر از تو درود فرست
علی محمد وآل محمد پس بار حاجات خود را بگو و دفع
بر محمد و آل محمد شر هر کیرا خواهی یاد کن و بگو
واغفر لی ذنوبی ما تقدم منها وما تأخر
و بیامرز از برای گناهان مرا آنچه پیش کرده ام و آنچه بعد از این خواهم کرد
ووسع علی من حلال رزقك واکفنی مؤنة
و گشایش بده بر من از حلال روزی خود و دفع کن از من ضرر
انسان سوء وجار سوء وسلطان سوء
هر آدم بدی را و همسایه بدی را و پادشاه بدی را
انك علی ما تشاء قدیر وبکل شیء علیم
بدرستی که تو بر آنچه خواهی قادری و بهر چیز دانایی
امین رب العالمین و در بعضی نسخ صل علی محمد
مستجاب کن دعای مرا ای پروردگار عالمیان چنین است درود فرست بر محمد
وآل محمد وافعل بی ما انت اهله ولا
و آل محمد و بکن با من آنچه تو سزاوار آنی و
تفعل بی ما انا اهله وانتقم لی ممن یؤذینی
مکن با من آنچه من سزاوار آنم و انتقام بکش از برای من از هر که آزار میرساند بمن

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَلَا

و آل محمد و بکن با من آنچه تو سزاوار آنی و

تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ وَانْتَقِمْ لِي مِمَّنْ يُؤْذِينِي

مکن با من آنچه من سزاوار انم و انتقام بکش از برای من از هر که آزار میرساند بمن

ومن

وَمِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ وَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي

و از فلان ابن فلان و بجای فلان نام دشمن و پدرش را بگو و بیامرز از برای من گناهان مرا

اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هٰذَا

خداوندا بحق این

الدُّعَاءِ وَبِحَقِّ هٰذِهِ الْأَسْمَاءِ الَّتِي لَا يَعْلَمُ

دعا و بحق این نامها که نمیداند

تَفْسِيرَهَا وَلَا تَأْوِيلَهَا وَلَا بَاطِنَهَا وَلَا ظَاهِرَهَا

تفسیر آنها را و نه تاویل آنها را و نه باطن آنها را و نه ظاهر آنها را

غَيْرُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَرْزُقَنِي

غیر تو آنکه درود فرستی بر محمد و آل محمد و آنکه روزی کنی

خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَافْعَلْ

هرچه بهتر است در دنیا و آخرت و بکن با

بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ

من آنچه تو ئی سزاوار آن و مکن با من آنچه منم سزاوار آن

وَانْتَقِمْ لِي مِنْ فُلَانٍ وَاغْفِرْ لِي مِنْ

و انتقام بکش از برای من از فلان و بیامرز از برای من از

ذُنُوبِي مَا تَقَدَّمَ مِنْهَا وَمَا تَأَخَّرَ وَلِوَالِدَيَّ

گناهان مرا آنچه پیش واقع شده است از آنها و آنچه پس افتاده است و از برای پدر و مادرم

وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَوَسِّعْ عَلَيَّ

و از برای همه مردان مؤمن و زنان مؤمنه و فراخ گردان بر من

مِنْ حَلَالِ رِزْقِكَ وَاكْفِنِي مُؤْنَةَ اِنْسَانٍ
از حلال روزی خود وکفایت کن ازمن مشقت آدم
سَوْءٍ وَجَارِ سَوْءٍ وَسُلْطَانِ سَوْءٍ وَقَرِينِ
بد وهمسایهٔ بد و پادشاه بد وهمنشین
سَوْءٍ وَيَوْمِ سَوْءٍ وَسَاعَةِ سَوْءٍ وَانْتَقِمْ لِيْ
بد و روز بد وساعت بد وانتقام بکش ازبرای من
مِمَّنْ يَكِيدُنِي وَمِمَّنْ يَبْغِي عَلَيَّ وَيُرِيدُنِي وَبِاَهْلِي
ازهرکس که مکر کند با من واز هرکس که ستم کند برمن واراده کند با من وزوجهٔ من
وَاَوْلَادِي وَاِخْوَانِي وَجِيرَانِي وَقَرَابَاتِي مِنَ
و فرزندان من و برادران من وهمسایگان من وخویشان من از
الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ظُلْمًا اِنَّكَ عَلَى مَا تَشَاءُ
مردان مؤمن وزنان مؤمنه ستمی را بدرستی که تو برانچه خواهی
قَدِيرٌ وَبِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ اٰمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ
توانایی وبهر چیز دانایی مستجاب کن دعای مرا ای پروردگار عالمیان

پس بگوید

اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هٰذَا الدُّعَاءِ تَفَضَّلْ عَلَى فُقَرَاءِ
خداوندا بحق این دعا تفضل کن بر فقیران
الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنٰى وَالثَّرْوَةِ
مردان مؤمن وزنان مؤمنه بتوانگری وکثرت مال
وَعَلَى مَرْضَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ
و بر بیماران مردان مؤمن وزنان مؤمنه بشفا دادن

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَى ...

مردان مؤمن وزنان مؤمنه بتوانگری وکثرت مال

وَعَلَى مَرْضَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ

و بر بیماران مردان مؤمن وزنان مؤمنه بشفا دادن

والصحه

وَالصِّحَّةِ وَعَلَى أَحْيَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

و صحیح گردانیدن و بر زندهای مردان مؤمن و زنان مؤمنه

بِاللُّطْفِ وَالْكَرَامَةِ وَعَلَى أَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ

بمهربانی وگرامی داشتن و بر مردهای مردان مؤمن

وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ وَعَلَى مُسَافِرِي

وزنان مؤمنه بآمرزیدن ورحمت کردن و بر مسافران

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالرَّدِّ إِلَى أَوْطَانِهِمْ

مردان مؤمن وزنان مؤمنه ببرگردانیدن ایشان بسوی وطنهای خود

سَالِمِينَ غَانِمِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

باسلامتی وغنیمت برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

وَصَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ

و درود فرستاد خدا بر آقای ما محمد که آخر پیغمبرانست و

عِتْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا

خویشان و اولاد او که پاکند از گناهان وبدیها وسلام فرستاد بر ایشان سلام بسیار

و در بعضی از کتب معتبره مسطور است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بعد از دعای مهمات این دعا را میخواندند

يَا عُدَّتِي عِنْدَ كُرْبَتِي وَيَا غِيَاثِي عِنْدَ شِدَّتِي

ای تهیه من نزد اندوه من وای فریادرس من نزد سختی من

وَيَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي وَيَا مُنْجِحِي فِي حَاجَتِي وَيَا مَفْزَعِي

وای ولینعمت من در حال نعمت من وای برآورنده حاجت من در وقت احتیاج من وای پناه من

فی وطنی ویا منقذی من هلکتی ویا

در وطن من وای خلاص کننده من از آنچه باعث هلاک منست وای

کالئی فی وحدتی صل علی محمد وآل محمد

حفظ کننده من در تنهائی من درود فرست بر محمد وآل محمد

واغفر لی خطیئتی ویسر لی امری واجمع لی

و بیامرز از برای من گناه مرا و آسان گردان از برای من کار مرا و جمع کن از برای

شملی وانجح لی طلبتی واصلح لی شانی واکفنی

من خویشان مرا و بر آور از برای من مطلب مرا و اصلاح کن از برای من حال مرا و کفایت کن

ما اهمنی واجعل لی من امری فرجا ومخرجا

از برای من مهمات مرا و بگردان از امر من فرجی و بدر شدی

ولا تفرق بینی وبین العافیة ابدا ما ابقیتنی

و جدائی میفکن میان من و میان عافیت هرگز تا مرا باقی داری

وعند وفاتی اذا توفیتنی یا ارحم الراحمین

و نزد مردن من هرگاه بمیرانی مرا ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

وصلی الله علی سیدنا محمد وآل محمد یا رب العالمین

و درود فرستد خدا بر آقایان ما محمد و آل محمد ای پروردگار عالمیان

از دعای [illegible] جلیل القدر عظیم الشان [illegible]
[illegible] السلام مروی از حضرت [illegible] علیه السلام

بسم الله الرحمن الرحیم

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

ابتدا بحکیم بنام خداوند بخشاینده مهربان

اللهم

اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ بِعِزِّ تَعَزُّزِ اِعْتِزَازِ

خداوندا بدرستی من سوال میکنم از تو ارجمند ارجمند قوتی گردانیدن

عِزَّتِكَ بِطَوْلِ حَوْلِ شَدِيدِ قُوَّتِكَ بِقَدْرِ

ارجمندی تو بانعام دادن فضل نمودن نیروی سخت تو بتوانایی

مِقْدَارِ اِقْتِدَارِ قُدْرَتِكَ بِتَاْكِيدِ تَحْمِيدِ تَمْجِيدِ

اندازه توانا شدن توانایی تو باستوار شدن نیک ستودن بزرگی

عَظَمَتِكَ بِسُمُوِّ نُمُوِّ عُلُوِّ رِفْعَتِكَ بِدَيْمُومِ قَيُّومِ

بزرگواری تو ببلند شدن بالیدن بلند گردانیدن برافراشتگی تو بهمیشگی پاینده

دَوَامِ مُدَّتِكَ بِرِضْوَانِ غُفْرَانِ اَمَانِ رَحْمَتِكَ

همیشه بودن روزگار تو بخشنود شدن آمرزیدن امینی بخشیدن تو

بِرَفِيعِ بَدِيعِ مَنِيعِ سَلْطَنَتِكَ بِسُعَاتِ صِلٰوةِ

ببلند عجیب استوار پادشاهی تو بکوشندگان پوشیدنهای

بِسَاطِ رَحْمَتِكَ بِحَقَائِقِ الْحَقِّ مِنْ حَقِّ حَقِّكَ

پسند مهربان نمودن تو بدرستیهای سزاوار از درست سزاواری تو

بِمَكْنُونِ السِّرِّ مِنْ سِرِّ سِرِّكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ

بپوشیده نهانی تو از بزرگواری ببندهای ارجمند

مِنْ عِزِّ عِزِّكَ بِحَنِينِ اَنِينِ تَسْكِينِ الْمُرِيدِينَ

از سر آمد ارجمندی تو باواز ناله آرام دادن خواهندگان

بِحُرُقَاتِ خَضَعَاتِ زَفَرَاتِ الْخَائِفِينَ بِاٰمَالِ

بسوزشهای فروتنیهای آهها ترسندگان بامیدهای

اعمال اقوال المجتهدین بتخشّع تخضّع تقطّع

کردارهای گفتارهای کوشندکان بفروتنی کردن زاری نمودن پاره پاره شدن

مرارات الصّابرین بتعبّد تهجّد تمجّد

تلخیهای شکیبایی ورزان ببندکی شب بیداری بزرگواری

تجلّد العابدین اللّهمّ ذهلت العقول

چالاکی نمودن عبادت کنندکان خدایا غافل شده است عقلها

وانحسرت الابصار وضاعت الافهام و

وخسته وماندہ شده است دیدها وراهها وبیکار شده است فهمها و

حارت الاوهام وقصرت الخواطر وبعدت

حیران مانده است خیالها وعاجز شده خیالها که بخاطرها خلد ودرمانده است

الظّنون عن ادراک کنه کیفیّة ما ظهر من بوادی

گمانهای از دریافت حقیقت چگونگی آنچه پیدا شده از پیدایهای

عجائب اصناف بدایع قدرتک دون البلوغ

غریبهای اقسام مخلوقات تازه توانایی تو نزد رسیدن

الی معرفة تلألؤ لمعان بروق سمائک اللّهمّ

شناختن درخشندگی روشنی برقهای آسمان عظمت تو خدایا

محرّک الحرکات ومبدئ نهایة الغایات ومخرج

ای احداث کننده حرکتها اقرار دهنده اخر مسافتها وبیرون آورنده

ینابیع تفریع قضبان النّبات یا من شقّ صمّ

چشمهای بسیار کردن شاخهای گیاهها ای کسی که شکافت سنگهای

جلاميد الصخور الراسيات وانبع منها

سخت بسیار محکم قایمهای در مقام خود را وجاری کرد از ان سنگها

ماء معينا حيوة للمخلوقات فاحيا منها الحيوان

آبی راکه گوار است برای زنده ماندن مخلوقات پس زنده کرد بسبب آن حیوان

والنبات وعلم ما اختلج في سر افكارهم

وگیاهها را ودانست آنچه را که خلید در پنهانی فکرهای ایشان

من نطق اشارات خفيات لغات النمل السارحات

از گویایی اشارتهای پنهان زبانهای مورچهای ریزه چرنده

يا من سبحت وهللت وقدست وكبرت

ای کسی که تسبیح کرد ویگانه شمرد وبی عیب ونقص دانست وبزرگ مرتبه شمرد

وسجدت لجلال جمال اقوال عظيم عزة جبروت

وسجده کرد برای بزرگی جمال سخنهای بزرگ غلبه عظمت غایت

ملكوت سلطنته ملائكة السبع سموات

پادشاهی او فرشتگان آسمانهای هفت گانه

يا من دارت فاضاءت وانارت لدوام

ای کسی که دوره زد پس روشن ونورانی شد برای همیشگی

ديمومية النجوم الزاهرات واحصى عدد

همیشه بودن او ستارهای روشن وشمرد عدد

الاحياء والاموات صل على محمد وال محمد

زندگان ومردگان را رحمت کن به محمد وآل محمد

خَیرِ البَرِیّاتِ وَافعَل بی کَذا وَکَذا

که بهترین همه مخلوقاتند و بکن بمن چنین و چنین و

وَصَلَّی اللّٰهُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَجمَعینَ

درود فرستاد خدا بر محمد و آل او همگی

دعاء عظیم جلیل من اسرار الدعوات وفیه اسم الله الاعظم هذا دعاء امیر المؤمنین علیه السلام علمه النبی یعرف بدعاء المشلول لقضاء جمیع الحاجات وکفایة المهمات

بِسمِ اللّٰهِ الرَّحمٰنِ الرَّحیمِ

ابتدا میکنم بنام خدای بخشنده مهربان

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ بِاسمِکَ بِسمِ اللّٰهِ الرَّحمٰنِ

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا بحرمت نام تو بنام خدای بخشنده

الرَّحیمِ یا ذَا الجَلالِ وَالاِکرامِ یا حَیُّ یا قَیّومُ

مهربان ای صاحب بزرگواری و احسان ای زنده ای پاینده

یا حَیُّ لا اِلٰهَ اِلّا اَنتَ یا هُوَ یا مَن لا یَعلَمُ ما هُوَ وَلا

ای زنده که نیست خدایی مگر تو ای کسی که اوست و بس ای کسی که نمیداند احدی که چیست او و نه

کَیفَ هُوَ وَلا اَینَ هُوَ وَلا حَیثُ هُوَ اِلّا هُوَ یا ذَا

آنکه چگونه است او و نه کجاست او و نه چه جاست او مگر آن خدا ای صاحب

المُلکِ وَالمَلَکوتِ یا ذَا العِزَّةِ وَالجَبَروتِ

پادشاهی و مملکت ای خداوند عزت و غلبه و بزرگواری

یا مَلِکُ یا قُدّوسُ یا سَلامُ یا مُؤمِنُ یا مُهَیمِنُ

ای پادشاه ای بسیار پاکیزه از نقصها ای سالم از همه عیبها ای امان دهنده ای حفظ کننده

یا عزیز یا جبار یا متکبر یا خالق یا باری

ای آفریننده ای تقدیر کننده ای بزرگوار ای درست کننده شکستها ای غلبه کننده ای نگاهبان

یا مصور یا مفید یا ودود یا بعید یا قریب

ای نزدیک بهمه چیز ای دور اسے ای بسیار دوست ای نفع بخشنده ای صورت دهنده

یا مجیب یا رقیب یا حسیب یا بدیع یا رفیع یا

ای بلند مرتبه ای تازه بدید آورنده ای کفایت نماینده ای نگهبان ای برآورنده حاجتها

منیع یا سمیع یا علیم یا حکیم یا کریم

ای بخشنده ای درست کردار ای دانا ای شنوا بازدارنده بلاها

یا حلیم یا قدیم یا علی یا عظیم یا حنان یا

ای مهربان ای بزرگ ای بلند مرتبه ای همیشه ای بردبار

منان یا دیان یا مستعان یا جلیل یا جمیل

ای نیکوکار ای بزرگ مرتبه ای یاری طلب کرده شده ای جزا دهنده بخشنده

یا وکیل یا کفیل یا مقیل یا منیل یا نبیل

ای صاحب شرف ای رساننده خیر ای قبول کننده پشیمانی ای ضامن روزی خلایق اسے کارساز

یا دلیل یا هادی یا بادی یا اول یا آخر

ای آخر همه اشیا ای اول همه چیز ای ابتدا کننده خلق ای رساننده براه راست ای رهنمای

یا ظاهر یا باطن یا حاکم یا قاضی یا عادل

ای عدالت کننده ای فیصل دهنده کارها ای حکم کننده ای آنکه پنهانست ذات او ای آنکه آشکار است آثار او

یا فاضل یا واصل یا طاهر یا مطهر یا قادر

اسے توانا ای پاک کننده ای پاک ای رساننده نعمتها ای جدا سازنده حق از باطل

يا مقتدر يا كبير يا متكبر يا احد يا

ای بسیار با قدرت ای بزرگ ای بسیار بزرگوار ای بیهمتا ای

صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا

مقصود در حاجتها ای کسی که نزاییده و زاییده نشده و نیست و نبود برای او مانند و همسر

احد ولم يكن له صاحبة ولا كان معه

کسی و نیست برای او همصحبتی و نبوده است با او

وزير ولا اتخذ معه مشيرا ولا احتاج الى

مددکاری و فرا نگرفته است با خود مدبر و خیرخواهی را و محتاج نبوده است به

ظهير ولا كان معه اله لا اله الا انت

معاونی و نبوده با او خدایی نیست خدایی مگر تو

فتعاليت عما يقول الجاحدون علوا كبيرا

پس بلندی تو از آنچه میگویند کافران بلندی بزرگ

يا عالم يا شامخ يا باذخ يا فتاح يا مفرج يا

ای دانا ای بلند مرتبه ای بسیار بلند مرتبه ای گشاینده ای نجات دهنده ای

ناصر يا منتصر يا مهلك يا منتقم يا باعث

یاری دهنده ای انتقام کشنده ای هلاک کننده ای داد ستاننده ای برانگیزاننده

يا وارث يا اول يا طالب يا غالب يا من لا

ای میراث برنده ای پیش از همه چیز ای جوینده ای غلبه کننده ای کسی که

يفوته هارب يا تواب يا اواب يا وهاب

نایاب نمیشود از او هیچ گریزنده ای قبول توبه کننده ای قبول بازگشت کننده ای بخشنده

عطاها

یا مُسَبِّبَ الاَسبابِ یا مُفَتِّحَ الاَبوابِ
ای سبب سازندهٔ سببها ای گشایندهٔ درها
یا مَن حَیثُ ما دُعِیَ اَجابَ یا طَهُورُ یا شَکُورُ
ای کسی که در هر جایی که خوانده شده است جواب داده ای بسیار پاک ای جزا دهندهٔ شکرگزاری
یا عَفُوُّ یا غَفُورُ یا نُورَ النُّورِ یا مُدَبِّرَ الاُمُورِ یا
ای تجاوز کنندهٔ معصیتها ای آمرزندهٔ گناه ای روشنی بخش روشنی ای چاره سازِ کارها ای
لَطیفُ یا خَبیرُ یا مُتَجَبِّرُ یا مُنیرُ یا بَصیرُ یا
دانای امور باریک ای آگاه ای بزرگوار ای روشن کنندهٔ عالم ای بینا ای
ظَهیرُ یا کَبیرُ یا وِترُ یا فَردُ یا صَمَدُ یا سَنَدُ
ای پشت و پناه ای بزرگ ای بهیبت ای یگانه ای مرجع خلایق ای معتمد
۲
یا کافی یا مُحسِنُ یا مُجمِلُ یا مُعافی یا مُفضِلُ
ای کارگزار ای احسان کنند ای نیکویی کننده ای سلامت دارنده ای زیاده بخشنده
یا مُتَکَرِّمُ یا مُتَفَرِّدُ یا مَن عَلا فَقَهَرَ یا مَن
ای بسیار کرم کننده ای یکتایی ای کسی که بلند مرتبه است پس غلبه نموده ای کسی
بَطَنَ فَخَبَرَ یا مَن عُبِدَ فَشَکَرَ یا مَن عُصِیَ
که مطلع بر امور پنهانی است پس آزمایش نمود ای کسی که پرستیده شده پس جزا داده ای کسی که نافرمانی کرده اورا بندگان
فَغَفَرَ وَسَتَرَ یا مَن لا تَحویهِ الفِکَرُ وَلا
پس آمرزید و پوشانید گناهان ایشان را ای کسی که فرا نمیگیرد اورا اندیشه ها و نمی
یُدرِکُهُ بَصَرٌ وَلا یَخفی عَلَیهِ اَثَرٌ یا رازِقَ
یابد اورا چشم و پوشیده نیست بر او کاری ای روزی دهنده

الْبَشَرِ یَا مُقَدِّرَ کُلِّ قَدْرٍ یَا عَالِیَ الْمَکَانِ

آدمیان ای اندازه کننده هر اندازه ای بلند مکان

یَا شَدِیدَ الْاَرْکَانِ یَا مُبَدِّلَ الزَّمَانِ یَا

ای آنکه سخت است صفات او ای تغییر دهنده زمانها ای

قَابِلَ الْقُرْبَانِ یَا ذَا الْمَنِّ وَالْاِحْسَانِ یَا ذَا

قبول کننده قربانیها ای خداوند بخشش و نیکوییها ای صاحب

الْعِزِّ وَالسُّلْطَانِ یَا رَحِیمُ یَا رَحْمٰنُ یَا عَظِیمَ

عزت و پادشاهی ای مهربان ای بخشنده ای آنکه بزرگست

الشَّانِ یَا مَنْ هُوَ کُلَّ یَوْمٍ فِی شَانٍ یَا مَنْ

رتبه او ای آنکه او هر روزی او در کاریست ای کسی

لَا یَشْغَلُهُ شَانٌ عَنْ شَانٍ یَا سَامِعَ الْاَصْوَاتِ

باز نمیدارد او را کاری از مشغول شدن بکاری دیگر ای شنوای آوازها

یَا مُجِیبَ الدَّعَوَاتِ یَا مُنْجِحَ الطَّلِبَاتِ یَا قَاضِیَ

ای قبول کننده دعاها ای دهنده مطلبها ای برآورنده

الْحَاجَاتِ یَا مُنْزِلَ الْبَرَکَاتِ یَا رَاحِمَ الْعَبَرَاتِ

حاجتها ای فرود آورنده برکتها ای رحم کننده گریه کنندها

یَا مُقِیلَ الْعَثَرَاتِ یَا کَاشِفَ الْکُرُبَاتِ یَا

ای درگذرنده از لغزشها ای برطرف کننده اندوهها ای

وَلِیَّ الْحَسَنَاتِ یَا رَفِیعَ الدَّرَجَاتِ یَا مُؤْتِیَ السُّؤْلَاتِ

صاحب نیکوییها ای بلند کننده مرتبها ای دهنده سؤالها

یا مجیر

یا محیی الاموات یا مطلع علی النیات یا رادّ ما قد

ای زنده کننده مردگان ای آگاه بر قصدها ای برگرداننده آنچه را که بتحقیق

فات یا من لا تشتبه علیه الاصوات یا من لا

نایاب شده ای کسی که مشتبه نمیشود بر او آوازها ای کسی که

تضجره المسئلات ولا تغشاه الظلمات یا نور

دلگیر نمیکند او را سؤالها و نمیپوشاند او را تاریکیها ای روشنی بخش

الارض والسموات یا سابغ النعم یا دافع النقم

زمین و آسمانها ای آنکه کامل است نعمتهای او و ای دفع کننده عقوبتها

یا باری النسم یا جامع الامم یا شافی السقم یا

ای آفریننده بندگان ای فراهم آورنده امتها ای شفا دهنده بیماران ای

خالق النور والظلم یا ذا الجود والکرم یا من لا

آفریننده روشنی و تاریکیها ای صاحب بخشش و کرم ای کسی که

یطأ عرشه قدم یا اجود الاجودین یا اکرم

نرسیده است بر عرش او هیچ پای ای نیکوکننده ترین نیکوکنندگان ای بخشنده ترین

الاکرمین یا اسمع السامعین یا ابصر الناظرین

بخشندگان ای شنواترین شنوایان و ای بیناترین بینایان

یا جار المستجیرین یا امان الخائفین یا ظهر

ای پناه دهنده پناه طلب کنندگان ای امان دهنده ترسناکان ای پشت و پناه

اللاجین یا ولی المؤمنین یا غیاث المستغیثین

پناه آورندگان ای دوست مؤمنان ای فریادرس فریاد رس طلبان

يا غايةَ الطالبين يا صاحبَ كلِّ غريبٍ يا مونسَ

اى نهايت آرزوى طلب كنندگان اى همصحبت هر تنهايى اى همراز

كلِّ وحيدٍ يا ملجأَ كلِّ طريدٍ يا مأوىٰ كلِّ

هر يكتايى اى پناه هر رانده شده اى آرامگاه هر

شريدٍ يا حافظَ كلِّ ضالّةٍ يا راحمَ الشيخِ الكبيرِ

رميده اى نگاهدارنده هر گم شده اى رحم كننده پير بزرگ

يا رازقَ الطفلِ الصغيرِ يا جابرَ العظمِ الكسيرِ

اى روزى دهنده طفل كوچك اى درست كننده استخوان شكسته

يا فاكَّ كلِّ اسيرٍ يا مغنيَ البائسِ الفقيرِ يا

اى آزاد كننده هر بند و بلايى اى توانگر كننده هر بيچاره محتاج اى

عصمةَ الخائفِ المستجيرِ يا من له التدبيرُ و

نگاهدارنده هر ترسان پناه خواهنده اى كسى كه براوست چاره كردن

التقديرُ يا من العسيرُ عليه يسيرٌ يا من لا

اندازه كردن اى كسى كه دشوار بر او آسانست اى كسى كه

يحتاجُ الى تفسيرٍ يا من هو على كلِّ شيءٍ قديرٌ

احتياج ندارد در دانستن چيزها به بيانى اى كسى كه او بر همه چيز تواناست

يا من هو بكلِّ شيءٍ خبيرٌ يا من هو بكلِّ شيءٍ

اى كسى او بهر چيز داناست اى كسى او بهر چيز

بصيرٌ يا مرسلَ الرياحِ يا فالقَ الاصباحِ يا باعثَ

بيناست اى فرستنده بادها اى شكافنده شب جهت بيرون آوردن صبح اى انگيزاننده

الارواح یا ذا الجود والسماح یا من بیده

روحها ای صاحب عطا و بخشش ای کسی که بدست قدرت اوست

کل مفتاح یا سامع کل صوت یا سابق

هر کلیدے ای شنونده هر آوازے ای پیشی گیرنده

کل فوت یا محیی کل نفس بعد الموت یا عدتی

هر نایابے ای زنده کننده هر شخصی پس از مرگ ای تهیه و ذخیره من

فی شدتی یا حافظی فی غربتی یا مونسی فی

در روز سختی من ای نگاهدارنده من در بیکسی من ای همراز من در

وحدتی یا ولیی فی نعمتی یا کهفی حین تعیینی

تنهایی من ای کارگزار من در نعمت من ای پناه من در هنگامی که عاجز کند مرا

المذاهب وتسلمنی الاقارب ویخذلنی کل

راهها و بسپارند مرا بزیر خاک خویشان و ترک نمایند یاری مرا همه

صاحب یا عماد من لا عماد له یا سند من لا

مصاحبے ای معتمد کسی که نباشد معتمدی برای او ای تکیه گاه کسے که

سند له یا ذخر من لا ذخر له یا کهف من

نباشد تکیه گاهی برای او ای ذخیره کسے که نباشد ذخیره برای او ای پناه کسی که

لا کهف له یا رکن من لا رکن له یا

نباشد پناهے برای او ای محل اعتماد کسی که نباشد محل اعتمادی برای او ای

غیاث من لا غیاث له یا جار من لا جار له

فریادرس کسے که نباشد فریادرسی برای او ای همسایه کسی که نباشد همسایه برای او

یا جارِیَ اللَّصیقِ یا رُکْنِیَ الْوَثیقِ یا اِلهی
ای همسایهٔ من که متصل است بمن ای معتمد من که محکم است او ای خدای من
بِالتَّحْقیقِ یا رَبَّ الْبَیْتِ الْعَتیقِ یا شَفیقُ یا
بدرستی و راستی ای پروردگار خانه آزاد شده ای مهربان ای
رَفیقُ نَجِّنی مِنْ حِلَقِ الْمَضیقِ وَاصْرِفْ عَنّی کُلَّ
یار مصاحب رهایی ده مرا از حلقهای تنگ بلاها و بگردان از من هر
هَمٍّ وَغَمٍّ وَضیقٍ وَاکْفِنی شَرَّ ما لا اُطیقُ وَاَعِنّی
اندوه و غم و تنگی را و کفایت نمای مرا از شر آنچه قدرت بر صبر آن ندارم و یاری کن مرا
عَلی ما اُطیقُ یا رادَّ یُوسُفَ عَلی یَعْقُوبَ یا
بر آنچه طاقت دارم ای بازگرداننده یوسف بر یعقوب ای
کاشِفَ ضُرِّ اَیُّوبَ یا غافِرَ ذَنْبِ داوُدَ یا
برطرف کننده آزار ایوب ای آمرزنده گناه داود ای
رافِعَ عیسَی بْنِ مَرْیَمَ وَمُنْجِیَهُ مِنْ اَیْدِی الْیَهُودِ
بالا برندهٔ عیسی پسر مریم و نجات دهندهٔ او از دستهای جماعت یهود
یا مُجیبَ نِداءِ یُونُسَ فِی الظُّلُماتِ یا مُصْطَفِیَ
ای برآورنده دعای یونس در تاریکیهای ای برگزینندهٔ
مُوسی بِالْکَلِماتِ یا مَنْ غَفَرَ لِآدَمَ خَطیئَتَهُ
موسی بسخنان ای کسی که آمرزیده برای آدم گناه او را
وَرَفَعَ اِدْریسَ بِرَحْمَتِهِ یا مَنْ نَجّی نُوحاً مِنَ الْغَرَقِ
و بالا برده است ادریس را برحمت خود ای کسی که رهانیده نوح را از غرق شدن

یا من اهلک عادا الاولی و ثمود فما ابقی و

ای کسی که هلاک ساخته قبیله عاد را که اول بودند و قوم ثمود را پس باقی نگذاشت از ایشان کسی را

قوم نوح من قبل انهم کانوا هم اظلم و

و گروه نوح را پیش از ایشان بدرستی که بودند ایشان ستم کننده تر و

اطغی والمؤتفکة اهوی یا من دمر علی

سرکش تر و شهرهای سرنگون را هلاک نمود ای کسی که هلاک ساخت بر

قوم لوط و دمدم علی قوم شعیب یا من اتخذ

گروه لوط و هلاک نمود بر قوم شعیب ای کسی که فرا گرفته است

ابرهیم خلیلا یا من اتخذ موسی کلیما و اتخذ

ابراهیم را دوست خود ای کسی که فرا گرفته است موسی را سخنگوی با خود و فرا گرفته است

محمدا صلی الله علیه و اله و علیهم اجمعین حبیبا

محمد را که رحمت فرستد خدا بر او و بر آل او و بر پیغمبران همه دوست خود

یا مؤتی لقمان الحکمة و الواهب لسلیمان

ای دهنده بلقمان دانایی درست را و ای بخشنده بسلیمان

ملکا لا ینبغی لاحد من بعده یا من نصر ذا القرنین

پادشاهی را که سزاوار نیست برای کسی پس از او ای کسی که یاری کرده است اسکندر ذوالقرنین را

علی الملوک الجبابرة یا من اعطی الخضر الحیوة و

بر پادشاهان گردنکشان ای کسی که بخشید بخضر زندگانی را و

رد لیوشع نور الشمس بعد غروبها یا من ربط

برگردانید برای یوشع نور آفتاب را پس از فرو رفتن آن ای کسی که قوی گردانید

عَلیٰ قَلْبِ اُمِّ مُوسیٰ وَاَحْصَنَ فَرْجَ مَرْیَمَ بِنْتِ

دل مادر موسی را و نگاهداشت عورت وعرض مریم دختر

عِمْرَانَ یَا مَنْ حَصَّنَ یَحْییٰ بْنَ زَکَرِیَّا مِنَ الذَّنْبِ

عمران را ای کسی که محافظت نمود یحیی پسر زکریا را از گناه

وَسَکَّنَ عَنْ مُوسیٰ الْغَضَبَ یَا مَنْ بَشَّرَ زَکَرِیَّا

و فرونشانید از موسی خشم را ای کسی که مژده داده است زکریا را

بِیَحْییٰ یَا مَنْ فَدیٰ اِسْمٰعِیلَ مِنَ الذَّبْحِ بِذِبْحٍ عَظِیمٍ

بوجود یحیی ای کسی که فدا نمود برای اسمعیل از گشته شدن بقربانی بزرگ

یَا مَنْ قَبِلَ قُرْبَانَ هَابِیلَ وَجَعَلَ اللَّعْنَةَ عَلیٰ

ای کسی قبول نمود قربانی هابیل را و گردانید دوری از رحمت خود را بر

قَابِیلَ یَا هَازِمَ الْاَحْزَابِ لِمُحَمَّدٍ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ

قابیل ای گریزاننده گروهها برای یاری محمد رحمت فرست بر محمد

وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَعَلیٰ جَمِیعِ الْمُرْسَلِینَ وَمَلٰئِکَتِکَ الْمُقَرَّبِینَ

و بر آل محمد و بر همه فرستادگان و فرشتگان تو که نزدیکانند

وَاَهْلِ طَاعَتِکَ اَجْمَعِینَ وَاَسْئَلُکَ بِکُلِّ

و جماعت فرمانبرداران تو اند همه و سؤال میکنم ترا بهر

مَسْئَلَةٍ سَاَلَکَ بِهَا اَحَدٌ مِمَّنْ رَضِیتَ عَنْهُ

حاجتی که سؤال کرده است ترا بآن احدی از آن کسانی که خشنودی تو از آن

فَحَتَمْتَ لَهُ بِالْاِجَابَةِ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ یَا رَحْمٰنُ

پس لازم ساخته بر خود برای برآوردن حاجت او را ای خدا ای خدا ای خدا ای بخشنده

١١ع

يا رحيم يا رحمن يا رحيم يا رحمن يا رحيم يا ذا الجلال
ای مهربان ای بخشنده ای مهربان ای بخشنده ای مهربان ای خداوند بزرگی
والاكرام به به به به به به اسالك
و بخشش بحق ان نام بحق ان بحق ان بحق ان بحق ان بحق ان سوال میکنم ترا
بكل اسم سميت به نفسك او انزلته في شيء
بحق هر نامی که نامیده بآن ذات خود را یا آنکه فرو فرستاده از آن در یکی
من كتبك او استاثرت في علم الغيب عندك
از کتابهای خود یا آنکه اختیار نموده از آن در دانش نهانی در نزد خود
وبمعاقد العز من عرشك وبمنتهى الرحمة من
و بحرمت غلبه از عرش تو و بنهایت رحمت از
كتابك وبما لو ان ما في الارض من شجرة اقلام
کتاب تو و بحرمت این کلام که اگر آنکه باشند آنچه در زمین است از درختان قلمها
والبحر يمده من بعده سبعة ابحر ما نفدت
و دریا شود مداد آنها از پس آن باشد هفت دریای دیگر تمام نمیشود و باخر نمیرسد
كلمات الله واسئلك باسمائك الحسنى التي
نامهای خدا و سوال میکنم ترا بنامهای نیکوی تو که
بينتها في كتابك فقلت ولله الاسماء
ذکر نموده آنها را در کتاب مجید خود پس گفته تو و از برای خداست نامهای
الحسنى فادعوه بها وقلت ادعوني استجب
نیکو پس بخوانید خدا را بآن نامها و گفته تو که بخوانید مرا تا آنکه بر آورم

لَكُمْ وَقُلْتَ وَاِذَا سَاَلَكَ عِبَادِی عَنِّی فَاِنِّی
برای شما حاجت شما را و گفته تو که و هرگاه درخواست نمایند ترا بندگان من از جهة خواستن چیزی از من

پس بدرستیکه من

قَرِیبٌ اُجِیبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ اِذَا دَعَانِ وَقُلْتَ
نزدیکم بآن بر می آورم و قبول میکنم دعای خواننده را هرگاه بخواند مرا و گفته تو

یَا عِبَادِیَ الَّذِینَ اَسْرَفُوا عَلٰی اَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا
که ای بندگان من که ستم نموده اید بر نفسهای خود نا امید گردید

مِنْ رَحْمَةِ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِیعًا اِنَّهُ
از رحمت خدا بدرستی که خدا می آمرزد گناهان را همه بدرستیکه خدا

هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ وَاَنَا اَسْئَلُكَ یَا اِلٰهِی وَاَطْمَعُ
اوست آمرزنده مهربان و من سؤال میکنم ترا ای خدای من و توقع دارم

فِی اِجَابَتِی یَا مَوْلَایَ کَمَا وَعَدْتَنِی وَقَدْ دَعَوْتُكَ
در بر آوردن تو حاجت مرا ای مولای من همچنان که وعده داده مرا و بتحقیق که خوانده ام ترا

کَمَا اَمَرْتَنِی فَافْعَلْ بِی کَذَا وَکَذَا
همچنان که فرمودی تو مرا پس کن بمن چنین و چنین

[illegible]

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ
ابتدا میکنم بنام خدای بخشنده مهربان

سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ
تسبیح میکنم بتسبیح کردنی خدا را و ستایش برای خداست و نیست خدایی مگر خدا و خدا

اکبر

اَکْبَرُ وَلَاحَوْلَ وَلَاقُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ سُبْحَانَ

بزرگتر است و نیست حرکتی و نه توانایی مگر بخدا تسبیح میکنم تسبیح کردنی

اللّٰهِ بِالْغُدُوِّ وَالْاٰصَالِ سُبْحَانَ اللّٰهِ فِیْ اٰنَاءِ

خدارا در بامداد و وقت عصر تسبیح میکنم تسبیح کردنی خدارا در ساعتهای

اللَّیْلِ وَاَطْرَافِ النَّهَارِ سُبْحَانَ اللّٰهِ حِیْنَ تُمْسُوْنَ

شب و طرفهای روز تسبیح میکنم تسبیح کردنی خدارا در وقتی که در شام

وَحِیْنَ تُصْبِحُوْنَ وَلَهُ الْحَمْدُ فِی السَّمٰوٰاتِ وَالْاَرْضِ

داخل شوید و هنگامی که داخل شوید در صبح و برای خداست ستایش در آسمانها و زمین

وَعَشِیًّا وَحِیْنَ تُظْهِرُوْنَ یُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ الْمَیِّتِ

و در آخر روز و در وقتی که برسید بمیان روز بیرون می آورد خدا زنده را از مرده

وَیُخْرِجُ الْمَیِّتَ مِنَ الْحَیِّ وَیُحْیِی الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا

و بیرون می آورد مرده را از زنده و زنده میکند زمین را برویدن گیاه پس از مردن

وَکَذٰلِکَ تُخْرَجُوْنَ سُبْحَانَ رَبِّکَ رَبِّ الْعِزَّةِ

و خشکی آن و همچنین بیرون آورده میشوید منزه است پروردگار تو پروردگار عزت و غلبه پروردگار

عَمَّا یَصِفُوْنَ وَسَلَامٌ عَلَی الْمُرْسَلِیْنَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ

از آنچه تعریف میکنند او را مشرکان و تحیت و درود باد بر فرستادگان خدا و ستایش برای

الْعَالَمِیْنَ سُبْحَانَ رَبِّکَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِیْمِ

خدای پروردگار عالمیانست منزه است پروردگار تو پروردگار عرش بزرگ

سُبْحَانَ ذِی الْمُلْکِ وَالْمَلَکُوْتِ سُبْحَانَ ذِی

منزه است صاحب سلطنت و پادشاهی عالم بالا منزه است صاحب

العِزَّةِ وَالعَظَمَةِ وَالجَبَرُوتِ سُبحَانَ المَلِكِ

غلبه وبزرگی وجبروت منزه است پادشاه

الحَيِّ القُدُّوسِ سُبحَانَ الدَّآئِمِ القَآئِمِ سُبحَانَ

زنده پاکیزه منزهست همیشه ثابت منزهست

القَآئِمِ الدَّآئِمِ سُبحَانَ الحَيِّ القَيُّومِ سُبحَانَ رَبِّيَ

ثابت همیشه منزهست زنده بخود برپای منزهست پروردگار من

الاَعلَى سُبحَانَ العَلِيِّ الاَعلَى سُبحَانَهُ وَتَعَالَى

که بالاتر است از همه چیز منزهست بلند مرتبه بالاتر از همه چیز منزه است او و بلند است

سُبحَانَ اللهِ السُّبُّوحِ القُدُّوسِ رَبِّ المَلَآئِكَةِ

منزهست خدای بسیار پاک و پاکیزه که پرورنده فرشتگان

وَالرُّوحِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَصبَحتُ مِنكَ فِي نِعمَةٍ وَ

و روح است خداوندا بدرستیکه من داخل در صباح شدم از جانب تو در نعمت و

عَافِيَةٍ فَصَلِّ اللّٰهُمَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَمِّم

سلامتی پس رحمت فرست خداوندا بر محمد و آل محمد و تمام کن

عَلَيَّ نِعمَتَكَ وَعَافِيَتَكَ وَارزُقنِي شُكرَكَ

بر من نعمت خود را و سلامتی از جانب خود را و روزی گردان بمن شکرگزاری ترا

اَللّٰهُمَّ بِنُورِكَ اهتَدَيتُ وَبِفَضلِكَ استَغنَيتُ

خداوندا بسبب روشنی راهنمائی تو راه یافتم و بزیادتی بخشش تو توانگر شدم

وَبِنِعمَتِكَ اَصبَحتُ وَاَمسَيتُ ذُنُوبِي بَينَ يَدَيكَ

و بنعمت تو داخل در صبح و شام گردیده ام گناهان من حاضر است نزد تو

بمعرک

أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ لَا مَانِعَ لِمَا

طلب آمرزش میکنیم از تو و بازگشت میکنیم بسوی تو نیست منع کننده برای آنچه

أَعْطَيْتَ وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ أَنْتَ الْجَدُّ لَا

بخشش نمایی تو آنرا و نیست بخشش کننده از برای آنچه عطا نکنی تو یی تو اگر سود

يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ

میدهد صاحب توانگری از جانب ترا توانگری او نیست حرکتی و نه توانایی مگر بخدای

الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اللّٰهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ وَأُشْهِدُ

بلند مرتبهٔ بزرگ خداوندا بدرستیکه من گواه میگیرم ترا و گواه میگیرم

مَلَائِكَتَكَ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ وَجَمِيعَ خَلْقِكَ

فرشتگان ترا و بردارندهای عرش ترا و همهٔ آفریدگان ترا

فِي سَمٰوَاتِكَ وَأَرْضِكَ أَنَّكَ أَنْتَ اللّٰهُ الَّذِي

که در آسمانهای تو و زمین تو اند باآنکه تو تویی خدایی که

لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَأَنَّ

نیست خدایی مگر تو درحالی که تنهایی تو نیست شریکی برای تو و آنکه

مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

محمد بندهٔ تواست و فرستادهٔ تست رحمت فرستد خدا براو و بر آل او

اللّٰهُمَّ اكْتُبْ لِي هٰذِهِ الشَّهَادَةَ عِنْدَكَ حَتّٰى

خداوندا بنویس این گواهی را برای من در نزد خود تا آنکه

تُلَقِّنَنِيهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقَدْ رَضِيتَ بِهَا

بفهمانی بمن آن گواهی را در روز قیامت و حال آنکه بتحقیق که خشنود باشی تو بسبب آن گواهی

عَنِّي اَنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ

از من بدرستی که تو بر همه چیز توانایی خداوندا برای تست ستایش

حَمْدًا تَضَعُ لَكَ السَّمٰوَاتُ كَنَفَيْهَا وَتُسَبِّحُ لَكَ

ستایشی که بگذارند از جهة سنگینی آن برای تو آسمانها دو جانب خود را و تسبیح گویند برای تو

اَلْاَرْضُ وَمَنْ عَلَيْهَا اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا

زمین و کسی که باشد بر روی آن خداوندا برای تست ستایش ستایشی

يَصْعَدُ اَوَّلُهُ وَلَا يَنْفَدُ اٰخِرُهُ حَمْدًا يَزِيدُ وَلَا يَبِيدُ

که بالا رود ابتدای آن و بر طرف نشود آخر آن ستایشی که زیاده گردد و بر طرف نشود

سَرْمَدًا اَبَدًا لَا انْقِطَاعَ لَهُ وَلَا نَفَادَ حَمْدًا يَصْعَدُ

دایمی و همیشه باشد نباشد انتهایی و بریدنی برای آن و نه بر طرف شدنی ستایشی که بالا رود

وَلَا يَنْفَدُ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ فِيَّ وَعَلَيَّ وَمَعِي وَ

و بر طرف نشود خداوندا برای تست ستایش در شان من و بر نعمت من و با وجود من و

قَبْلِي وَبَعْدِي وَاَمَامِي وَوَرَائِي وَخَلْفِي

پیش از من و پس از من و پیش روی من و عقب سر من و پی سر من

وَاِذَا مِتُّ وَفَنِيتُ يَا مَوْلَايَ وَلَكَ الْحَمْدُ بِجَمِيعِ

و هرگاه بمیرم من و بر طرف شوم من ای صاحب من و از برای تست ستایش بهمه اقسام

مَحَامِدِكَ كُلِّهَا عَلىٰ جَمِيعِ نِعَمِكَ كُلِّهَا وَلَكَ

ستایشها تمام آنها بر همه نعمتهای تو تمام آنها و از برای تست

اَلْحَمْدُ فِي كُلِّ عِرْقٍ سَاكِنٍ وَعَلىٰ كُلِّ عِرْقٍ ضَارِبٍ

ستایش در هر رگی که نجنبد و بر هر رگی که حرکت نماید

ولک

وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى كُلِّ اَكْلَةٍ وَشَرْبَةٍ وَ

واز برای تست ستایش بر همه چیز خوردنی و آشامیدنی و

بَطْشَةٍ وَنَشْطَةٍ وَعَلَى كُلِّ مَوْضِعِ شَعْرَةٍ

سخت گرفتنی و گشودنی و بر هر جای موی

اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كُلُّهُ وَلَكَ الْمَنُّ كُلُّهُ

خداوندا برای تست ستایش همه آن و برای تست بخشش همه آن

وَلَكَ الْخَلْقُ كُلُّهُ وَلَكَ الْمُلْكُ كُلُّهُ وَلَكَ

و برای تست خلایق همه آن و برای تست پادشاهی همه آن و برای تست

الْاَمْرُ كُلُّهُ وَبِيَدِكَ الْخَيْرُ كُلُّهُ وَاِلَيْكَ

فرمان همه آن و بدست قدرت تست نیکوئی همه آن و بسوی تو

يَرْجِعُ الْاَمْرُ كُلُّهُ عَلَانِيَتُهُ وَسِرُّهُ وَاَنْتَ مُنْتَهَى

بر میگردد امر همه آن ظاهر آن و پنهان آن و توئی آنکه منتهی شده است

الشَّاْنِ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى حِلْمِكَ بَعْدَ

باو حال همه آن خداوندا برای تست ستایش بر بردباری تو بعد از

عِلْمِكَ فِيَّ وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى عَفْوِكَ عَنِّي بَعْدَ

دانستن تو آنچه را که در منست و از برای تست ستایش بر تجاوز تو از گناهان من بعد از

قُدْرَتِكَ عَلَيَّ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ صَاحِبَ الْحَمْدِ

توانائی تو بر عقوبت کردن من خداوندا برای تست ستایش ای صاحب ستایش

وَوَارِثَ الْحَمْدِ وَمَالِكَ الْمُلْكِ وَوَارِثَ الْمُلْكِ

و وارث برنده ستایش و ای صاحب پادشاهی وارث برنده پادشاهی

بَدِيعَ الْحَمْدِ وَمُبْتَدِعَ الْحَمْدِ وَفِيَّ الْعَهْدِ صَادِقَ
ای آفریننده ستایش و خلق کننده ستایش ای بجا آورنده شرط خود و راست گوی
الْوَعْدِ عَزِيزَ الْجُنْدِ قَدِيمَ الْمَجْدِ اَللّٰهُمَّ لَكَ
در وعده خود ای آنکه غالب است سپاه او و همیشه است شرف او خداوندا برای تست
الْحَمْدُ رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ مُنْزِلَ
ستایش ای بلند کننده مرتبها ای بر آرنده حاجتها ای فرود آورنده
الْآيَاتِ مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمٰوَاتٍ مُخْرِجَ النُّورِ
آیتها از بالای هفت آسمان ای بیرون آورنده روشنی
مِنَ الظُّلُمَاتِ مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ حَسَنَاتٍ وَ
از تاریکیها ای تغییر دهنده بدیها نیکوییها و
جَاعِلَ الْحَسَنَاتِ دَرَجَاتٍ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ
گرداننده نیکوییها را مرتبهای بلند خداوندا برای تست ستایش
غَافِرَ الذَّنْبِ وَقَابِلَ التَّوْبِ شَدِيدَ الْعِقَابِ
ای آمرزنده گناه و قبول کننده توبه ای آنکه سخت است عقوبت او
ذَا الطَّوْلِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اِلَيْكَ الْمَصِيرُ اَللّٰهُمَّ
ای صاحب احسان نیست خدایی مگر تو بسوی تست بازگشت همه چیز خداوندا
لَكَ الْحَمْدُ فِي اللَّيْلِ اِذَا يَغْشٰى وَفِي النَّهَارِ اِذَا
برای تست ستایش در شب هرگاه که تاریک شود و در روز هرگاه
تَجَلّٰى وَلَكَ الْحَمْدُ فِي الْاٰخِرَةِ وَالْاُولٰى وَلَكَ الْحَمْدُ
روشن گردد و از برای تست ستایش در آخرت و دنیا و برای تست ستایش

عَدَدَ كُلِّ نَجْمٍ فِي السَّمَآءِ وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ

بشماره هر ستاره که در آسمانست و برای تست ستایش بشماره

كُلِّ قَطْرَةٍ فِي السَّمَآءِ وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ كُلِّ

هر قطره بارانی که در آسمانست و برای تست ستایش بشماره هر

قَطْرَةٍ نَزَلَتْ مِنَ السَّمَآءِ وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ كُلِّ

قطره بارانی که فرود آمده است از آسمان و برای تست ستایش بشماره هر

قَطْرَةٍ فِي الْبِحَارِ وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ الشَّجَرِ وَالْوَرَقِ

قطره بارانی که باریده است در دریا و برای تست ستایش بشماره درختان و برگها

وَالثَّرَى وَالْمَدَرِ وَالْحَصَى وَالْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَ

و خاک و کلوخ و سنگ ریزه و جنیان و آدمیان و

الطَّيْرِ وَالْبَهَآئِمِ وَالسِّبَاعِ وَالْأَنْعَامِ وَالْهَوَآمِّ

مرغان و چهارپایان و درندگان و چرا کنندگان و جانوران گزنده

وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ وَ

و برای تست ستایش بشماره آنچه بر روی زمین است و

تَحْتَ الْأَرْضِ وَمَا فِي الْهَوَآءِ وَالسَّمَآءِ وَلَكَ

آنچه در زیر زمین است و آنچه در میان هواست و آنچه در آسمانست و برای تست

الْحَمْدُ عَدَدَ مَا أَحْصَاهُ كِتَابُكَ وَأَحَاطَ بِهِ

ستایش بشماره آنچه شمرده است او را کتاب تو و فرا گرفته است او را

عِلْمُكَ حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ أَبَدًا

دانش تو ستایشی بسیار نیکو که باشد برکت در آن همیشه

اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ

گواهی میدهم انکه نیست خدایی مگر خدا یکیست او

لَا شَرِيْكَ لَهٗ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِيْ وَيُمِيْتُ

نیست شریکی برای او برای اوست پادشاهی برای اوست ستایش زنده میکند و میمیراند

وَيُمِيْتُ وَيُحْيِيْ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوْتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ

و میمیراند و زنده میکند و اوست زنده که نمیمیرد بدست قدرت اوست نیکویی

وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ اَسْتَغْفِرُ

و او بر همه چیز تواناست طلب آمرزش میکنیم

اللّٰهَ الَّذِيْ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ وَاَتُوْبُ

از خدا که نیست خدایی مگر او زنده بخود برپاست و بازگشت مینمایم

اِلَيْهِ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحْمٰنُ

بسوی او ای خدا ای خدا ای بخشنده ای بخشنده

يَا رَحِيْمُ يَا رَحِيْمُ يَا حَنَّانُ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا حَيُّ

ای رحم کننده ای رحم کننده ای مهربان ای مهربان ای بخشنده ای زنده

يَا قَيُّوْمُ يَا بَدِيْعَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ يَا ذَا

ای بخود برپای ای خلق کننده آسمانها و زمین ای صاحب

الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ

بزرگی و احسان ابتدا میکنم بنام خدای بخشنده

الرَّحِيْمِ يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ صَلِّ

مهربان ای کسی که نیست خدایی مگر تو رحمت فرست

عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ امین امین

خدایا بر محمد و بر آل محمد میکوئی مستجاب کن دعای مرا مستجاب کن

این دعا مسمی است بدعای جوشن صغیر منقولست از حضرت امام موسی بن جعفر علیهما السلام

بجهت دفع دشمنان و قهر ایشان و قضای حاجات کفایتست

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ

ابتدا میکنم بنام خدای بخشنده مهربان

اِلٰهی کَمْ مِنْ عَدُوٍّ انْتَضیٰ عَلَیَّ سَیْفَ عَدَاوَتِهِ

خداوندا بسا از دشمنی که کشید بر من شمشیر دشمنی خود را

وَشَحَذَ لِی ظُبَةَ مُدْیَتِهِ وَاَرْهَفَ لِی شَبَا حَدِّهِ

و تند نمود برای من دم کارد بزرگ خود را و تنک نمود برای من کنار حربهٔ غضب خود را

وَدَافَ لِی قَوَاتِلَ سُمُومِهِ وَسَدَّدَ نَحْوِی صَوَائِبَ

و خیسانید بآب برای من کشندهای از زهرهای خود را و راست گردانید بجانب من راست رونده‌های (ستمگار)

سِهَامِهِ وَلَمْ تَنَمْ عَنِّی عَیْنُ حِرَاسَتِهِ وَاَضْمَرَ

از تیرهای خود را و نخوابید از من چشم نگهبانی و پاسبانی او و در دل گرفت

اَنْ یَسُومَنِی الْمَکْرُوهَ وَیُجَرِّعَنِی ذُعَافَ

آنکه برساند بمن ناخوشی را و بیاشاند مرا زهر

مَرَارَتِهِ فَنَظَرْتَ اِلیٰ ضَعْفِی عَنِ احْتِمَالِ الْفَوَادِحِ

تلخی خودش را پس نگاه کردی تو بسوی سستی من از برداشتن بارهای گران

وَعَجْزِی عَنِ الْاِنْتِصَارِ مِمَّنْ قَصَدَنِی بِمُحَارَبَتِهِ

و ناتوانی من از انتقام کشیدن از کسی که قصد و اراده نموده است مرا بکارزار خود

دعای مرا

خود را

وَوَحْدَتِي فِي كَثِيرٍ مِنْ نَاوَانِي وَارْصَادِهِمْ

و بسوی تنهایی من در میان عدد بسیار جماعتی که دشمنی کرده اند با من و در کمین نشستن ایشان

لِي فِيمَا لَمْ أُعْمِلْ فِيهِ فِكْرِي فِي الْإِرْصَادِ

برای من در حیله چند که بکار نبردم من در آنها اندیشه خود را در کمین نشستن من

لَهُمْ بِمِثْلِهِ فَأَيَّدْتَنِي بِقُوَّتِكَ وَشَدَدْتَ أَزْرِي

از برای ایشان بمثل آن حیله پس قوت دادی مرا بتوانایی خود و محکم نمودی پشت مرا

بِنَصْرِكَ وَفَلَلْتَ لِي شَبَا حَدِّهِ وَخَذَلْتَهُ بَعْدَ

بیاری خود و کند نمودی برای من دم تندی او را و یاری نمودی او را پس از

جَمْعِ عَدِيدِهِ وَحَشْدِهِ وَأَعْلَيْتَ كَعْبِي عَلَيْهِ

جمع کردن او بسیاری گروه خود را و جماعت خود را و بلند کردی کعب مرا بر او

وَوَجَّهْتَ مَا سَدَّدَ إِلَيَّ مِنْ مَكَائِدِهِ إِلَيْهِ وَ

و بر گردانیدی آنچه را که راست نموده بود بسوی من از تیرهای مکر خود را بسوی او و

رَدَدْتَهُ وَلَمْ يَشْفِ غَلِيلَهُ وَلَمْ تَبْرُدْ حَزَازَاتُ

باز گردانیدی تو او را و حال آنکه شفا ندادی تو سوزش سینه او را و سرد نکردی گرمیهای

غَيْظِهِ وَقَدْ عَضَّ عَلَيَّ أَنَامِلَهُ وَأَدْبَرَ مُوَلِّيًا

خشم او را و بتحقیق که بدندان گزید سر انگشتان خود را و پشت گردانید گریزنده در حالی

قَدْ أَخْفَقَتْ سَرَايَاهُ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ

که بتحقیق گریختند لشکرهای او پس از برای تست ستایش ای پروردگار من از جهة آن

لَا يُغْلَبُ وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

بسیار توانایی که مغلوب نمیشود و آن صاحب حلم و مدارایی که شتاب نمیکند رحمت فرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِأَنْعُمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ

و بر آل محمد و بگردان مرا از برای نعمتهای خود از جمله شکر گزاران

وَلِآلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ إِلٰهِي وَكَمْ

و از برای نیکوییهای تو از یادآورندگان ای خدای من و بسا

مِنْ بَاغٍ بَغَانِي بِمَكَائِدِهِ وَنَصَبَ لِي أَشْرَاكَ

از ستم کننده که ظلم کرد مرا بمکرهاے خود و برپای کرد برای من دامهای

مَصَائِدِهِ وَوَكَّلَ بِي تَفَقُّدَ رِعَايَتِهِ وَأَضْبَأَ

شکارهاے خود را و گماشت بر من جستجوی رعایت کردن خود را و در کمین نشست

إِلَيَّ إِضْبَاءَ السَّبُعِ لِطَرِيدَتِهِ انْتِظَاراً لِانْتِهَازِ

بسوی من در کمین نشستن شیر از برای شکار خود بجهة انتظار برای فرصت

فُرْصَتِهِ وَهُوَ يُظْهِرُ لِي بَشَاشَةَ الْمَلَقِ

فرصت خود و حال آنکه ظاهر میکند برای من شگفتگی چاپلوسی را

وَيَبْسُطُ لِي وَجْهاً غَيْرَ طَلِقٍ فَلَمَّا رَأَيْتَ دَغَلَ

و میگشاید برای من روے ناخندان خود را پس چون دیدی تو فساد

سَرِيرَتِهِ وَقُبْحَ مَا انْطَوَى عَلَيْهِ لِشَرِيكِهِ

باطنی او را و زشتی آنچه را که در نوردیده شده است بر آن از برای شریک او

فِي مِلَّتِهِ وَأَصْبَحَ مُجْلِباً إِلَيَّ فِي بَغْيِهِ أَرْكَسْتَهُ

در ملت او و داخل در صبح گردید لشکر کشنده بسوی من بسبب ظلم خود نگونسار گردی او را

لِأُمِّ رَأْسِهِ وَأَتَيْتَ بُنْيَانَهُ مِنْ أَسَاسِهِ فَصَرَعْتَهُ

بر مغز سر او و بر کندی بنای ظلم او را از بیخ و بنیادش پس انداختی تو او را

فِي زُبْيَتِهِ وَأَرْدَيْتَهُ فِي مَهْوَى حُفْرَتِهِ وَ

در چاه دام گاه خودش وافکندی تو او را در پایین و ته گودال او

رَمَيْتَهُ بِحَجَرِهِ وَخَنَقْتَهُ بِوَتَرِهِ وَذَكَّيْتَهُ

انداختی بر او سنگ خودش را و گلوگیر کردی او را بزه کمانش و ذبح کردی او را

بِمَشَاقِصِهِ وَكَبَبْتَهُ لِمَنْخَرِهِ وَرَدَدْتَ كَيْدَهُ

به پیکانهای تیر خودش و بر روی انداختی تو او را بر بینی خودش و برگردانیدی تو مکر او را

فِي نَحْرِهِ وَرَبَقْتَهُ بِنَدَامَتِهِ وَفَتَنْتَهُ بِحَسْرَتِهِ

در گوی گردنش و محکم بستی او را به پشیمانیش و مبتلا ساختی او را بحسرت اندوهش

فَاسْتَخْذَلَ وَاسْتَخْذَا وَتَضَاءَلَ بَعْدَ نَخْوَتِهِ

پس بی یاور ماند و منقاد گشت و بسیار حقیر شد بعد از تکبر او

وَانْقَمَعَ بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِ ذَلِيلاً مَأْسُوراً

و برگشت پس از سرکشی خود خفیف و خوار بسته شده

فِي رِبَقِ حَبَائِلِهِ الَّتِي كَانَ يُؤَمِّلُ أَنْ يَرَانِي

در ریسمانهای دامهای خودش آن دامهایی که بود او که آرزو داشت آنکه ببیند مرا

فِيهَا يَوْمَ سَطْوَتِهِ وَقَدْ كِدْتُ يَا رَبِّ لَوْلَا

در آنها در روز غضبش و بتحقیق که نزدیک بودم ای پروردگار من اگر

رَحْمَتُكَ يَحُلُّ بِي مَا حَلَّ بِسَاحَتِهِ فَلَكَ الْحَمْدُ

نمی بود شفقت تو بر من آنکه فرود آید بر من آنچه فرود آمده بمیان خانه او پس برای تست حمد

يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ

ای پروردگار من از بسیار توانایی که مغلوب نمیگردد و صاحب حلمی که شتاب نمیکند

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِأَنْعُمِكَ

رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد و بگردان مرا برای نعمتهای خود

مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلِآلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ

از جمله شکر گزاران و برای نیکوییهای تو از جمله یاد آورندگان

وَكَمْ مِنْ حَاسِدٍ شَرِقَ بِحَسَدِهِ وَشَجِيَ بِغَيْظِهِ

ای خدای من و بسا از رشک برنده که گلوگیر شده بود برشک و در اه حلق بسته شده بود بسبب خشم خود

وَسَلَقَنِي بِحَدِّ لِسَانِهِ وَوَخَزَنِي بِمُوقِ عَيْنِهِ وَ

و آزار کرد مرا بتندی زبان خود و طعن و زخم زد بر من بنگاه گوشهٔ چشم خود و

جَعَلَ عِرْضِي غَرَضًا لِمَرَامِيهِ وَقَلَّدَنِي خِلَالًا

گردانید ناموس مرا نشانه از برای تیرهای افترا خود و انداخت بگردن من عیبهایی را

لَمْ تَزَلْ فِيهِ فَنَادَيْتُكَ يَا رَبِّ مُسْتَجِيرًا بِكَ وَاثِقًا

که پیوسته بود در خودش پس خواندم ترا ای پروردگار من در حالی که پناه آورنده بودم بتو اعتماد

بِسُرْعَةِ إِجَابَتِكَ مُتَوَكِّلًا عَلٰى مَا لَمْ أَزَلْ أَعْرِفُهُ

کننده بودم بزودی مستجاب گردانیدن تو توکل کننده بودم بر آنچه همیشه می شناختم او را

مِنْ حُسْنِ دِفَاعِكَ عَالِمًا أَنَّهُ لَنْ يُضْطَهَدَ مَنْ

از نیکو دفع کردن تو بلاها را دانا بودم باآنکه ستم دیده نمیشود هرگز کسی

أَوٰى إِلٰى ظِلِّ كَنَفِكَ وَأَنْ لَا تَقْرَعَ الْفَوَادِحُ

که جای گرفت در سایهٔ حمایت تو و اینکه نمیکوبد بلاهای گران و سنگین درخانهٔ

مَنْ لَجَأَ إِلٰى مَعْقِلِ الْاِنْتِصَارِ بِكَ فَحَصَّنْتَنِي

کسی که پناه آورده باشد بسوی قلعه و حصار محکم یاری کردن از تو پس نگاه داشتی تو مرا

مِنْ بَأْسِهِ بِقُدْرَتِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ

از شدت عقوبت او بتوانایی خود پس از برای تست سپاس ای پروردگار من از

مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ

بسیار توانایی که مغلوب نمیشود و صاحب بردباری که شتاب نمیکند رحمت فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِأَنْعُمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ

بر محمد و بر آل محمد و بگردان مرا از برای نعمتهای خود از جملهٔ شکرگویان

وَلِآلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ وَكَمْ مِنْ

و از برای احسانهای از یادآورندگان ای خدای من و بسا از

سَحَائِبِ مَكْرُوهٍ جَلَّيْتَهَا وَسَمَاءِ نِعْمَةٍ أَمْطَرْتَهَا

ابرهای گروه ناخوشی که گشودی آنها را و آسمان نعمتی که بارانیدی آنرا

وَجَدَاوِلِ كَرَامَةٍ أَجْرَيْتَهَا وَأَعْيُنِ أَحْدَاثٍ

و جویهای بخششی که روان ساختی آنها را و چشمهای بلا و آفتهایی

طَمَسْتَهَا وَنَاشِئَةِ رَحْمَةٍ نَشَرْتَهَا وَجُنَّةِ عَافِيَةٍ

که پر کردی آنها را و تازه بدید آمدهٔ رحمتی که پهن کردی او را و سپر عافیت و فراغتی

أَلْبَسْتَهَا وَغَوَامِرِ كُرُبَاتٍ كَشَفْتَهَا وَأُمُورٍ

که پوشانیدی آنرا و فرو گیرندهای غمهایی که برطرف کردی آنها را و فرمانهای

جَارِيَةٍ قَدَّرْتَهَا لَمْ تُعْجِزْكَ إِذْ طَلَبْتَهَا وَلَمْ تَمْتَنِعْ

جاری شده که تقدیر نمودی آنها را و عاجز نگردند آنها ترا چون که طلب نمودی آنها را و نافرمانی نکردند

عَلَيْكَ إِذْ أَرَدْتَهَا فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ

بر تو در وقتی که خواستی آنها را پس تراست درود ای پروردگار من با از قادری

لا يُغلَبُ وَذي اَناةٍ لا يَعجَلُ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ
که مغلوب نمیشود و خداوند حلمی که شتاب نمیکند رحمت فرست بر محمد و
آلِ مُحَمَّدٍ وَاجعَلني لِاَنعُمِكَ مِنَ الشّاكِرينَ وَ
بر آل محمد و بگردان مرا برای نعمتهای خود از شکر کنندگان و
لِآلائِكَ مِنَ الذّاكِرينَ الهی وَكَم مِن ظَنٍّ
برای احسانهای خود از یادآورندگان ای خدای من و بسا از گمان
حَسَنٍ حَقَّقتَ وَمِن عُدمِ اِملاقٍ جَبَرتَ وَ
نیکویی که راست آوردی آنرا و بسا از نیستی پریشانی که اصلاح و تدارک نمودی آنرا و
مِن مَسكَنَةٍ فادِحَةٍ حَوَّلتَ وَمِن صَرعَةٍ مُهلِكَةٍ
از درویشی گرانباری که گردانیدی او را و از افتادن هلاک کننده
اَنعَشتَ وَمِن مَشَقَّةٍ اَزَحتَ لا تُسئَلُ يا
که برداشتی صاحب آنرا و از آزار و تعبی که برطرف نمودی آنرا پرسیده نمیشوی ای
سَيِّدي عَمّا تَفعَلُ وَهُم يُسئَلونَ وَلا يَنقُصُكَ
مولای من از آنچه میکنی و مردمان سؤال کرده میشوند از آنچه میکنند و کم نمیکند
ما اَنفَقتَ وَلَقَد سُئِلتَ فَاَعطَيتَ وَلَم
خزانهٔ ترا آنچه خرج و بخشش نمودهٔ و هر آینه بتحقیق که سؤال کرده شدی تو پس عطا فرمودی و
تُسئَل فَابتَدَأتَ وَاستُميحَ بابُ فَضلِكَ
سؤال کرده نشدی پس ابتدا نمودی به بخشش و طلب نوازش کرده شد درگاه فضل و احسان تو
فَما اَكدَيتَ اَبَيتَ اِلّا اِنعاماً وَامتِناناً وَاِلّا
پس ردّ سؤال ننمودی نخواستی تو مگر نعمت دادن و عطا فرمودن را و مگر

تطولا يا رب واحسانا وابيت يا رب الا

بخشش را ای پروردگار من ونیکی کردن را وابا کردم وخواستم ای پروردگار من مگر

انتهاك حرماتك واجتراء على معاصيك

مرتکب شدن حرامهای ترا وجرات نمودن بر گناهان ونافرمانیهای تو

وتعديا لحدودك وغفلة عن وعيدك و

ودر گذشتن از قراردادهای تو وبیخبر بودن از تهدید تو و

طاعة لعدوي وعدوك لم يمنعك يا الهي

فرمانبرداری برای دشمن من ودشمن تو بازنداشت ترا ای خداوند من

وناصري اخلالي بالشكر عن اتمام احسانك

ویاری کنندهٔ من ترک کردن من وضایع نمودن من شکر نعمتهای ترا از تمام کردن نیکوییهای خود

ولا حجزني ذلك عن ارتكاب مساخطك

ومانع نشد مرا این شیوه تو از مرتکب شدن چیزهایی را که بخشم آورد ترا

اللهم وهذا مقام عبد ذليل اعترف لك

خداوندا واین جای ایستادن بندهٔ بیمقداریست که اعتراف نموده برای تو

بالتوحيد واقر على نفسه بالتقصير في اداء

بیکانگی واقرار کرده اسیر نفس خود بکوتاهی در بجای آوردن

حقك وشهد لك بسبوغ نعمتك عليه

حق تو وگواهی داده برای تو بتمامی وفراخی نعمت تو بر او

وجميل عاداتك عنده واحسانك اليه

ونیکویی از طریقهٔ تو در نزد او واحسان تو بسوی او

فَهَبْ لِی یا اِلهی وَسَیِّدی مِنْ فَضْلِكَ ما
پس ببخش بمن ای خدای من و آقای من از فضل تو انچه را
اُریدُ بِهِ اِلی رَحْمَتِكَ وَاَتَّخِذُهُ سُلَّماً اَعْرُجُ فیهِ
که اراده نمایم بسوی رحمت تو و فرا گیرم آنرا نردبانی که با لاروم در آن
اِلی مَرْضاتِكَ وَآمَنُ بِهِ مِنْ سَخَطِكَ بِعِزَّتِكَ وَ
بسوی خشنودی تو و ایمن شوم بسبب آن از غضب تو قسم میدهم ترا بعزت تو
طَوْلِكَ وَبِحَقِّ نَبِیِّكَ مُحَمَّدٍ وَالْاَئِمَّةِ صَلَواتُ اللهِ
بقدرت تو و بحق پیغمبر تو محمد و بحق امامان که رحمتهای خدای باد
عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ اَجْمَعینَ فَلَكَ الْحَمْدُ یا رَبِّ مِنْ
برآنحضرت و برایشان همه پس مر تراست ستایش ای پروردگار من از
مُقْتَدِرٍ لا یُغْلَبُ وَذی اَناةٍ لا یَعْجَلُ صَلِّ
بسیار صاحب قدرتی که مغلوب نمیشود و صاحب حلمی که شتاب میکند رحمت فرست
عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنی لِاَنْعُمِكَ مِنَ الشّاکِرینَ
بر محمد و آل محمد و بگردان مرا برای نعمتهای خود از جملهٔ شکر کنندگان
وَلِآلائِكَ مِنَ الذّاکِرینَ اِلهی وَکَمْ مِنْ
و از برای نیکوییهای تو از جملهٔ یاد آورندگان ای خداوند من و بسا از
عَبْدٍ اَمْسی وَاَصْبَحَ فی کَرْبِ الْمَوْتِ وَحَشْرَجَةِ
بنده که شام کند و داخل در صبح شود در حالت سختی مرگ و تردد نفس
الصَّدْرِ وَالنَّظَرِ اِلی ما تَقْشَعِرُّ مِنْهُ الْجُلُودُ
در سینه و نگاه کردن بسوی چیزی که میلرزد از آن پوستهای او

وَتَفزعُ إِلَيهِ القُلُوبُ وَأَنا فِي عافِيَةٍ مِن

وجزع مینماید بسوی او دلها و من الکنون در سلامتم از

ذٰلِكَ كُلِّهِ فَلَكَ الحَمدُ يا رَبِّ مِن مُقتَدِرٍ

اینها همه پس از برای تست سپاس ای پروردگار من بسا از بسیار قادری

لا يُغلَبُ وَذِي أَناةٍ لا يَعجَلُ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ

که مغلوب نمیشود و صاحب حلم و بردباری که شتاب نمینماید رحمت فرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجعَلنِي لِأَنعُمِكَ مِنَ الشّاكِرِينَ

و آل محمد و بگردان مرا برای نعمتهای خود از جمله شکرگویان

وَلِآلائِكَ مِنَ الذّاكِرِينَ إِلٰهِي وَكَم مِن عَبدٍ

و برای احسانهای خود از جمله یادآورندگان ای خدای من و بسا از بنده که

أَمسىٰ وَأَصبَحَ سَقِيماً مُوجَعاً مُدنَفاً فِي أَنِينٍ

شام کند و صبح نماید بیمار و دردناک نزدیک بهلاکت در ناله

وَعَوِيلٍ يَتَقَلَّبُ فِي غَمِّهِ وَلا يَجِدُ مَحِيصاً وَلا

و فریاد میغلطد در اندوه خود و نمییابد نجاتی و

يُسِيغُ طَعاماً وَلا يَستَعذِبُ شَراباً وَأَنا فِي

گوارا نمیکند بر خود طعامی را و شیرین نمیگرداند در کام خود آبی را والحال من در

صِحَّةٍ مِنَ البَدَنِ وَسَلامَةٍ مِنَ العَيشِ كُلُّ

تن درستی از بدنم و در سلامتی از زندگانیم همه

ذٰلِكَ مِنكَ فَلَكَ الحَمدُ يا رَبِّ مِن مُقتَدِرٍ لا

اینها از جانب تست پس تراست درود ای پروردگار من بسا از توانایی که مغلوب

يُغلَبُ وَذِي اَنَاةٍ لَا يَعجَلُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

نمیشود وصاحب صبری که تعجیل نمیکند درود فرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجعَلنِي لِاَنعُمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ

وبرآل محمد و بگردان مرا از برای نعمتهای خود از جمله شکرکنندگان

وَلِآلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ الهی وَكَم

وبرای نوازشات خود از جمله یاد کنندگان ای خداوند من و ب

مِن عَبدٍ اَمسَى وَاَصبَحَ خَائِفًا مَرعُوبًا مُسَهَّدًا

از بندهٔ که شام کند و بامداد نماید ترسنده هراسنده خواب زده

مُشفِقًا وَحِيدًا وَجِلًا هَارِبًا طَرِيدًا اَو مُنجَحِرًا

بیمناک تنها وترسان وگریزان رانده شده یا پنهان گشته

فِي مَضِيقٍ اَو مَخبَاةٍ مِنَ المَخَابِي قَد ضَاقَت عَلَيهِ

در تنگنایی یا در گوشهٔ پنهان از کنجهای پنهان تحقیق که تنگ شده است براو

الاَرضُ بِرُحبِهَا لَا يَجِدُ حِيلَةً وَلَا مَنجًى وَلَا

زمین باوجود نهایت کشادگیش نمی یابد چارهٔ را ونه پناهی را ونه

مَاوًى وَلَا مَهرَبًا وَاَنَا فِي اَمنٍ وَاَمَانٍ وَطُمَانِينَةٍ

جایگاهی را ونه گریزگاهی را وحال آنکه من در امنیت وآرام وخاطرجمعی

وَعَافِيَةٍ مِن ذٰلِكَ كُلِّهِ فَلَكَ الحَمدُ يَا رَبِّ

وخلاصیم ازین بلاها ومحنتها از همهٔ آنها پس از برای تست ثنا وستایش ای پروردگار من

مِن مُقتَدِرٍ لَا يُغلَبُ وَذِي اَنَاةٍ لَا يَعجَلُ صَلِّ

بسا از بسیار توانایی که مغلوب نمیشود وصاحب حلمی که شتاب نمیکند رحمت فرست

عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِی لِاَنْعُمِكَ مِنَ الشَّاكِرِینَ

بر محمد و بر آل محمد و بگردان مرا از برای نعمتهای خود از شکر گزاران

وَلِآلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِینَ اِلٰهِی وَسَیِّدِی

و برای احسانهای خود از یاد آورندگان ای خدای من و آقای من

وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ اَمْسیٰ وَاَصْبَحَ مَغْلُولًا مُكَبَّلًا

و بسا از بنده که شام کرد و بصباح آورد غل کرده شده دست و پا بسته

بِالْحَدِیدِ بِاَیْدِی الْعُدَاةِ لَا یَرْحَمُونَهُ فَقِیدًا مِنْ

بزنجیر آهن گرفتار بدست دشمنان رحم نکنند اورا دور افتاده از

اَهْلِهِ وَوَلَدِهِ مُنْقَطِعًا عَنْ اِخْوَانِهِ وَبَلَدِهِ

اهل خود و فرزندان خود جدا ساخته شده از برادران خود و دیار خود

یَتَوَقَّعُ كُلَّ سَاعَةٍ بِاَیِّ قِتْلَةٍ یُقْتَلُ وَبِاَیِّ

انتظار میکشد هر ساعتی که بچه کشتنی کشته خواهد شد و بکدام

مُثْلَةٍ یُمَثَّلُ بِهِ وَاَنَا فِی عَافِیَةٍ مِنْ ذٰلِكَ كُلِّهِ

عیب عیبناک خواهد شد و من در رستگاری و عافیتم از این بلاها همگی

فَلَكَ الْحَمْدُ یَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا یُغْلَبُ وَذِی

پس تراست ستایش ای پروردگار من بسیار از بسیار قادری که مغلوب نمیشود و صاحب

اَنَاةٍ لَا یَعْجَلُ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِی

صبری که شتاب نمینماید رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد و بگردان مرا

لِاَنْعُمِكَ مِنَ الشَّاكِرِینَ وَلِآلَائِكَ مِنَ

از برای نعمتهای خود از شکر کنندگان و از برای احسانهای خود از

الله اکرم

الله اکرم

الذّاكِرِينَ إِلهِي وَسَيِّدِي وَكَمْ مِنْ

یاد آورندگان ای خداوند من و مولای من و بس از

عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ يُقَاسِي كَرْبَ الْحَرْبِ وَمُبَاشَرَةَ

بنده که شام کند و صبح نماید در مشقت کشیدن جنگ و مرتکب شدن

الْقِتَالِ بِنَفْسِهِ قَدْ غَشِيَتْهُ الْأَعْدَاءُ

کارزار بجان خود در حالی که فرو گرفته اند او را دشمنان

مِنْ كُلِّ جَانِبٍ بِالسُّيُوفِ وَالرِّمَاحِ وَ

از هر طرف و فرو گرفته اند او را نیزه ها و شمشیر ها و

آلَةِ الْحَرْبِ يَتَقَعْقَعُ فِي الْحَدِيدِ مُبْلَغٌ مَجْهُودَهُ

آلتهای جنگ که اضطراب و حرکت کند در میان آهن بقدر طاقت

وَلَا يَعْرِفُ حِيلَةً وَلَا يَجِدُ مَهْرَباً قَدْ أُدْنِفَ

و نداند چاره را و نیابد گریزگاهی را بتحقیق که مشرف بهلاکت

بِالْجِرَاحَاتِ أَوْ مُتَشَحِّطاً بِدَمِهِ تَحْتَ السَّنَابِكِ

شده باشد بسبب زخمهای بسیار یا غلطیده باشد بخون خود در زیر سم اسبان

وَالْأَرْجُلِ يَتَمَنَّى شَرْبَةً مِنْ مَاءٍ أَوْ نَظْرَةً إِلَى أَهْلِهِ

و پایهای مردمان آرزو کند یک شربت از آبی یا یک نگاه کردن بسوی اهل

وَوَلَدِهِ وَلَا يَقْدِرُ عَلَيْهَا وَأَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ

و فرزندان خود و نباشد قادر بر آن و من در رستگاری و عافیتم ازین بلاها

كُلِّهِ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ

همه پس از برای تست سپاس ای پروردگار من بسبب از صاحب اقتداری که مغلوب نمیشود

وَذِی اَنَاةٍ لَایَعْجَلُ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَ

وصاحب حلمی که شتاب نمیکند رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد و

اجْعَلْنِی لِاَنْعُمِكَ مِنَ الشَّاكِرِینَ وَلِاٰلَائِكَ

بگردان مرا برای نعمتهای خود از جملهٔ شکر کنندگان و برای احسانهای خود

مِنَ الذَّاكِرِینَ اِلٰهِی وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ اَمْسٰی وَاَصْبَحَ

از یاد کنندگان ای خدای من و رب از بنده که شام کند و داخل در صبح شود

فِی ظُلُمَاتِ الْبِحَارِ وَعَوَاصِفِ الرِّیَاحِ وَالْاَهْوَالِ

در تاریکیهای دریاها و تندیهای بادها و در بیم و ترسها

وَالْاَمْوَاجِ یَتَوَقَّعُ الْغَرَقَ وَالْهَلَاكَ لَایَقْدِرُ

و موجها و منتظر باشد غرق شدن و هلاکت را که قادر نباشد

عَلٰی حِیلَةٍ اَوْ مُبْتَلًی بِصَاعِقَةٍ اَوْ هَدْمٍ اَوْ غَرَقٍ

بر چاره یا مبتلا گشته باشد باتش آسمانی یا بنوبهی یا غرق شدنی

اَوْ شَرَقٍ اَوْ حَرَقٍ اَوْ خَسْفٍ اَوْ مَسْخٍ اَوْ قَذْفٍ

یا بگلوگیر شدنی یا بسوختنی یا بزمین فرو رفتنی یا مسخ شدنی یا بسنگسار شدنی

وَاَنَا فِی عَافِیَةٍ مِنْ ذٰلِكَ كُلِّهِ فَلَكَ الْحَمْدُ

و من در عافیت و رستگاریم از اینها همگی پس تراست سپاس

یَارَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَایُغْلَبُ وَذِی اَنَاةٍ لَایَعْجَلُ

ای پروردگار من از بسیار قادری که مغلوب نمیشود و صاحب صبری که شتاب نمیکند

صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِی لِاَنْعُمِكَ مِنَ

رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد و بگردان مرا برای نعمتهای خود از

ا ۱ کرم

الٰهی الشّاكرين ولآلائك من الذّاكرين

شکر گزاران و برای نیکوییهای خود از یاد کنندگان ای خداوند من

وكم من عبد امسى واصبح مسافرا شاخطا

و بسا از بنده که شام نماید و بامداد کند سفر کننده دور افتاده

عن اهله ووطنه وولده متحيّرا في المفاوز

از اهل خود و وطن خود و فرزند خود حیران در بیابانها

تائها مع الوحوش والبهائم والهوامّ وحيدا

راه گم کرده سرگردان با وحشیان صحرا و حیوانات و جانوران تنها

فريدا لا يعرف حيلة ولا يهتدي سبيلا او

و بیکس نمی شناسد چاره و راه نمی برد براهی یا

متأذّيا ببرد او حرّ او جوع او عطش او عرى

در آزار باشد بسبب سرما یا گرمایی یا گرسنگی یا تشنگی یا برهنگی

او غيره من الشّدائد ممّا انا منه خلو في عافية

یا غیر اینها از سختیها از آنچه من از آن خالیم و در عافیت در تمام

من ذلك كلّه فلك الحمد يا ربّ من مقتدر

از اینها همه پس از برای تست حمد ای پروردگار من یا از صاحب اقتداری

لا يغلب وذي اناة لا يعجل صلّ على محمّد

که مغلوب نمیگردد و صاحب حلمی که شتاب نمیکند رحمت فرست بر محمد

وآل محمّد واجعلني لانعمك من الشّاكرين

و بر آل محمد و بگردان مرا از برای نعمتهای خود از جمله شکر گویان

وَلِآلائِكَ مِنَ الذّاكِرِينَ الهی وَكَمْ مِنْ

و از برای نیکوییهای خود از یاد کنندگان ای خدای من و بسا از

عَبْدٍ اَمْسىٰ وَاَصْبَحَ فَقِيرًا عَائِلًا عَارِيًا مُمْلِقًا

بنده که شام کند و صبح کند پریشان عیالمند برهنه بی چیز

مُخْفِقًا مَجْهُودًا خَائِفًا جَائِعًا ظَمْآنًا يَنْتَظِرُ

کاربسته بمشقت افتاده ترسان گرسنه و تشنه که انتظار میبرد

مَنْ يَعُودُ عَلَيْهِ بِفَضْلٍ اَوْ عَبْدٍ وَجِيهٍ هُوَ اَوْجَهُ

کسی را که مهربانی نماید بر او به بخششی یا بسا از بنده با آبرویی که باشد نزدیکتر

مِنّي عِنْدَكَ وَاَشَدُّ عِبَادَةً لَكَ مَغْلُولًا مَقْهُورًا

از من در نزد تو و بیشتر باشد بندگیش از برای تو و حال آنکه در غل و مظلوم باشد

قَدْ حُمِّلَ ثِقْلًا مِنْ تَعَبِ الْعَنَاءِ وَشِدَّةِ الْعُبُودِيَّةِ

بتحقیق که بار کرده شده باشد بار گرانی را از محنت آزار کشیدن و سختی فرمانبرداری

وَكُلْفَةِ الرِّقِّ وَثِقْلِ الضَّرِيبَةِ اَوْ مُبْتَلًى بِبَلاءٍ

و مشقت بندگی و اسیری و گرانی مال مقرر بر او یا بسا از بنده که مبتلا باشد ببلاء

شَدِيدٍ لا قِبَلَ لَهُ بِهِ اِلّا بِمَنِّكَ عَلَيْهِ وَاَنَا الْمَخْدُومُ

سختی که نباشد مقاومتی او را با آن مگر باحسان و شفقت تو بر او و منم خدمت کرده شده

الْمُنَعَّمُ الْمُعَافىٰ الْمُكَرَّمُ فِي عَافِيَةٍ مِمّا هُوَ

نعمت داده شده راحت بخشیده شده عزت داشته شده در رهایی و نجاتم از آنچه آن بنده

فِيهِ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لا يُغْلَبُ

در آنست پس از برای تست ستایش ای پروردگار من بسا از صاحب قدرتی که مغلوب نمیشود

وَذِي اَناةٍ لا يَعجَلُ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

وصاحب حلمی که تعجیل نمینماید رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد

وَاجعَلني لِاَنعُمِكَ مِنَ الشّاكِرينَ وَلِآلائِكَ

و بگردان مرا برای نعمتهای خود از جملهٔ شاکر کنندگان و برای احسانهای خود

مِنَ الذّاكِرينَ الهی وَمَولايَ وَسَيِّدي

از یاد آورندگان ای خدای من و آقای من و بزرگ من

وَكَم مِن عَبدٍ اَمسى وَاَصبَحَ طَريدًا شَريدًا

و بسا از بنده که شام کرد و بصباح آورد رانده شده آواره گشته

حَيرانًا مُتَحَيِّرًا جائِعًا خائِفًا حاسِرًا فِي الصَّحاري

مدهوش شده راه گم کرده گرسنه ترسان برهنه در صحراها

وَالبَراري قَد اَحرَقَهُ الحَرُّ وَالبَردُ وَهُوَ في ضُرٍّ

و بیابانها بتحقیق که سوزانیده او را گرما و سرما و او باشد در مشقت

مِنَ العَيشِ وَضَنكٍ مِنَ الحَياةِ وَذُلٍّ مِنَ المَقامِ

از لعیش و زیستن و درتنگی از زندگانی و خواری از مرتبه و منزلت

يَنظُرُ اِلى نَفسِهِ حَسرَةً لا يَقدِرُ لَها عَلى ضُرٍّ وَلا نَفعٍ وَاَنا

نگاه کند بسوی نفس خود از روی حسرت که قادر نباشد برای خود بر دفع ضرری و نه بر نفعی و من

خِلوٌ مِن ذلِكَ كُلِّهِ بِجودِكَ وَكَرَمِكَ فَلا اِلهَ

خالی و فارغم از این محنتها همه بسبب بخشش تو و احسان تو پس نیست خدائی

اِلّا اَنتَ سُبحانَكَ مِن مُقتَدِرٍ لا يُغلَبُ وَذي

مگر تو تسبیح و تنزیه میکنم ترا العجب است از بسیار توانائی که عاجز نمیشود و صاحب

أناةٍ لا يعجل صلّ على محمّدٍ وآل محمّدٍ واجعلني

بردباری که شتاب نمیکند درود فرست بر محمد و بر آل محمد و بگردان مرا

لأنعمك من الشّاكرين ولآلائك من

برای نعمتهای خود از شکر گزاران و برای احسانهای خود از

الذّاكرين وارحمني برحمتك يا أرحم

یاد کنندگان و ترحم نمای مرا بشفقت خود ای رحم کننده ترین

الرّاحمين الهي وسيّدي وكم من عبدٍ

رحم کنندگان ای خدای من و آقای من و بسا از بنده

أمسى وأصبح عليلاً مريضاً سقيماً مدنفاً

که شام کرد و بامداد کرد بیمار دردناک خسته مشرف بر مرگ خوابیده

على فرش العلّة وفي لباسها يتقلّب يميناً و

بر بسترهای بیماری و افتاده در جامهٔ خستگی میگردد بجانب راست و

شمالاً لا يعرف شيئاً من لذّة الطّعام ولا من

چپ نمییابد چیزی را از لذت خوردنی و نه از

لذّة الشّراب ينظر إلى نفسه حسرةً لا يستطيع

لذت آشامیدنی نگاه میکند بسوی خود از روی حسرت قدرت ندارد

لها ضرّاً ولا نفعاً وأنا خلوٌ من ذلك كلّه

برای خود دفع ضرری را و نه جلب نفعی را و من خالی و فارغم از این آزارها همه

بجودك وكرمك فلا إله إلّا أنت سبحانك

بسبب بخشش تو و احسان تو پس نیست خدایی مگر تو تنزیه میکنم ترا

من مقتدر ولا يغلب وذي اناة لا يعجل صل

از بسیار توانایی که مغلوب و عاجز نمیشود و صاحب حلمی که شتاب نمیکند رحمت فرست

على محمد وال محمد واجعلني لك من العابدين

بر محمد و بر آل محمد و بگردان مرا برای تو از بندگی کنندگان

ولانعمك من الشاكرين ولالائك من الذاكرين

و برای نعمتهای خود از جمله شکر کنندگان و برای احسانهای خود از یاد آورندگان

وارحمني برحمتك يا ارحم الراحمين مولاي

و رحم نمای مرا بشفقت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ای مولای من

وسيدي وكم من عبد امسى واصبح قد

و آقای من و بس از بنده که شام کند و بامداد کند در حالی که

دنى يومه من حتفه وقد احدق به ملك

نزدیک شده باشد روز او بمرگش و بتحقیق که احاطه نموده باو ملک

الموت في اعوانه يعالج سكرات الموت و

موت با مددکارانش چاره جویی کند سختیهای مرگ را و

خياضه تدور عيناه يمينا وشمالا ينظر الى

فرو رفتن در حوضهای آنرا میگردد چشمهای آن بجانب راست و چپ نگاه میکند بسوی

احبائه واوداّئه واخلائه قد منع من الكلام

دوستان خود و آشنایان خود و محبان خود در حالی که منع کرده شده است از گفتار

وحجب عن الخطاب ينظر الى نفسه حسرة فلا

و باز داشته شده است از گفتگو نگاه میکند بسوی نفس خود از روی حسرت پس

يَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَأَنَا خِلْوٌ مِنْ ذَلِكَ
قدرت ندارد برای خود در رفع ضرری او نه نفعی را و من خالی وفارغم از اینها
كُلِّهِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ فَلَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ
همه بسبب بخشش تو و احسان تو پس نیست خدایی مگر تو
سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي أَنَاةٍ لَا
منزهی تو بسا از بسیار توانایی که مغلوب نمیشود و صاحب حلمی که
يَعْجَلُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ
شتاب نمیکند رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد و بگردان مرا برای تو از
الْعَابِدِينَ وَلِنَعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلِآلَائِكَ
عبادت کنندگان و از برای نعمتهای خود از جمله شکر کنندگان و از برای احسانهای تو
مِنَ الذَّاكِرِينَ وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
از یاد کنندگان و ترحم نمای مرا بشفقت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان
وَسَيِّدِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَ
مولای من و آقای من و بسا از بنده که شام کند و
أَصْبَحَ فِي مَضَايِقِ الْحُبُوسِ وَالسُّجُونِ وَكُرَبِهَا
صبح نماید در تنگیهای بند خانها و زندانها و ناخوشی آنها
وَكُرَبِهَا وَذُلِّهَا وَحَدِيدِهَا يَتَدَاوَلُهُ أَعْوَانُهَا
و اندوه آنها و خواری آنها و در زنجیرهای آنها دست بدست می سپارند او را
وَزَبَانِيَتُهَا فَلَا يَدْرِي أَيَّ حَالٍ يُفْعَلُ بِهِ وَأَيُّ
عمله آنها و خدمتکاران آنها پس نمیدانند که چه کار میکنند باو و بچه

مشه

مُثلةٍ يُمثَّلُ به فهو في ضرٍّ من العيش وضنكٍ

سیاست و عقوبت سیاست کرده میشود او پس او در سختی و تعب است از عیش کردن و در تنگی است

من الحيوة ينظر الى نفسه حسرةً لا يستطيع

از زندگانی نمودن نگاه میکند بسوی نفس خود از روی حسرت قدرت ندارد

لها ضرًّا ولا نفعًا وانا خلوٌ من ذلك كلّه

از برای خود دفع ضرری و نه جلب نفعی را و من خالی ام و فارغم از اینها همه

بجودك وكرمك فلا اله الّا انت سبحانك

بسبب بخشش تو و احسان تو پس نیست خدایی مگر تو منزهی تو

من مقتدرٍ لا يغلب وذي اناةٍ لا يعجل صلّ

از بسیار توانایی که عاجز نمیشود و صاحب بردباری که شتاب میکند رحمت

على محمّدٍ وآل محمّدٍ واجعلني لك من العابدين

فرست بر محمد و بر آل محمد و بگردان مرا از برای تو از جمله عبادت کنندگان

ولنعمائك من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين

و برای نعمتهای تو از شکر کنندگان و برای احسانهای تو از جمله یاد کنندگان

وارحمني برحمتك يا ارحم الرّاحمين

و رحم نمای مرا بسبب شفقت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ای مولای من

وسيّدي وكم من عبدٍ امسى واصبح قد

و ای آقای من و بسا از بنده که شام کند و بصباح آورد در حالی

استمرّ عليه القضاء واحدق به البلاء

که دایمی شده است بر او قضای خدا و احاطه نموده باشد باو بلا

وَفَارَقَ اَوِدَّآءَهُ وَاَحِبَّاءَهُ وَاَخِلَّآءَهُ

وجدا مانده باشد از دوستان خود و محبان خود و آشنایان خود

وَاَمْسٰى حَقِيْرًا اَسِيْرًا ذَلِيْلًا فِىْ اَيْدِى الْكُفَّارِ

وگردیده باشد بیقدر و گرفتار و خوار در دست کافران

وَالْاَعْدَآءِ يَتَدَاوَلُوْنَهُ يَمِيْنًا وَشِمَالًا قَدْ

و دشمنان دست بدست گردانند او را از راست و چپ تحقیق

حُمِّلَ فِى الْمَطَامِيْرِ وَثُقِّلَ بِالْحَدِيْدِ لَا يَرٰى شَيْئًا

که بسته شده باشد در ریسمانها و گران کرده شده باشد بزنجیرهای آهن نه بیند چیزی را

مِنْ ضِيَاءِ الدُّنْيَا وَلَا مِنْ رَوْحِهَا يَنْظُرُ اِلٰى نَفْسِهٖ

از روشنایی دنیا و نه از نسیم آن نگاه کند بسوی نفس خود

حَسْرَةً لَا يَسْتَطِيْعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَاَنَا خِلْوٌ

از روی حسرت و توانایی نداشته باشد برای خود دفع ضرری او نه جلب نفعی را و من خالی و فارغم

مِنْ ذٰلِكَ كُلِّهٖ بِجُوْدِكَ وَكَرَمِكَ فَلَا اِلٰهَ اِلَّا

از اینها همه بسبب بخشش تو و احسان تو پس نیست خدایی مگر

اَنْتَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِىْ اَنَاةٍ

تو منزهی تو بسا از صاحب قدرتی که مغلوب نمیشود و صاحب حلمی که

لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِىْ لَكَ

شتاب نمیکند رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد و بگردان مرا برای خود

مِنَ الْعَابِدِيْنَ وَلِنَعْمَآئِكَ مِنَ الشَّاكِرِيْنَ

از عبادت کنندگان و برای نعمتهای خود از شکرگزاران

ولالائك

وَلِآلائِكَ مِنَ الذّاكِرِينَ وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ

وبرای احسانهای خود از جمله یاد آورندگان و ترحم کن مرا بسبب شفقت خود

يا اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ مَوْلايَ وَسَيِّدِي وَكَمْ مِنْ

ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ای مولای من وای آقای من و بسا از

عَبْدٍ اَمْسى وَاَصْبَحَ قَدِ اشْتاقَ اِلَى الدُّنْيا لِلرَّغْبَةِ

بنده که شام آورد و داخل در بامداد گردد در حالی که مشتاق باشد بسوی دنیا از جهة خواهش

فِيها اِلى اَنْ خاطَرَ بِنَفْسِهِ وَمالِهِ حِرْصاً مِنْهُ

داشتن در آن تا آنکه بخطر انداخته جان خود را و مال خود را از جهة حرصی که ناشی گشته از او

عَلَيْها قَدْ رَكِبَ الْفُلْكَ وَكُسِرَتْ بِهِ فَهُوَ فِي

بر دنیا بتحقیق که سوار شده کشتی را و شکسته شده است باو پس افتاده است او در

آفاقِ الْبِحارِ وَظُلَمِها يَنْظُرُ اِلى نَفْسِهِ حَسْرَةً لا

اطراف دریاها و تاریکیهای آنها نگاه میکند بسوی نفس خود از روی حسرت و

يَقْدِرُ لَها ضَرٍّ وَلا نَفْعٍ وَاَنَا خِلْوٌ مِنْ ذلِكَ كُلِّهِ

قدرت ندارد از برای خود بر دفع ضرری و نه بر جلب نفعی و من خالی و فارغم از اینها همه

بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ فَلا اِلهَ اِلّا اَنْتَ سُبْحانَكَ

بسبب بخشش تو و احسان تو پس نیست خدایی مگر تو تسبیح و تنزیه میکنم ترا

مِنْ مُقْتَدِرٍ لا يُغْلَبُ وَذِي اَناةٍ لا يَعْجَلُ صَلِّ عَلى

بسا از بسیار توانایی که عاجز نمیشود و صاحب حلمی که شتاب نمیکند رحمت فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْعابِدِينَ وَلِنَعْمائِكَ

محمد و بر آل محمد و بگردان مرا برای خود از جمله عبادت کنندگان و برای نعمتهای خود

مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلِآلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ

از جملهٔ شکر گزاران و برای احسانهای خود از جملهٔ یاد کنندگان

وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

و رحم نمای بر من بسبب شفقت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ای مولای من

وَسَيِّدِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ قَدِ

و آقای من و بسا از بنده که شام کرد و داخل در صباح گردید حالی

اسْتَمَرَّ عَلَيْهِ الْقَضَاءُ وَأَحْدَقَ بِهِ الْبَلَاءُ وَ

که مستمر بود بر او قضای خدا و فرو گرفته باشد او را بلا و

الْكُفَّارُ وَالْأَعْدَاءُ وَأَخَذَتْهُ الرِّمَاحُ وَ

کافران و دشمنان و فرا گرفته باشد او را نیزها و

السُّيُوفُ وَالسِّهَامُ وَجُدِّلَ صَرِيعًا وَقَدْ شَرِبَتِ

شمشیرها و تیرها و خوار گردیده شده باشد بر خاک افتاده و بتحقیق که آشامید

الْأَرْضُ مِنْ دَمِهِ وَأَكَلَتِ السِّبَاعُ وَالطَّيْرُ

باشد زمین از خون او و خورده باشند درندگان و مرغان

مِنْ لَحْمِهِ وَأَنَا خِلْوٌ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ

از گوشت او و من خالی و فارغم از اینها همه ببخشش تو

وَكَرَمِكَ لَا بِاسْتِحْقَاقٍ مِنِّي يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

و احسان تو نه بسبب آنکه مستحق باشم من ای آنکه نیست خدایی مگر تو

سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ

منزهی تو بسا از بسیار توانایی که عاجز نمیشود و صاحب حلمی که شتاب نمیکند

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِأَنْعُمِكَ

رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد و بگردان مرا از برای نعمتهای خود

مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلِآلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ وَارْحَمْنِي

از جمله شکر کنندگان و برای احسانهای خود از جمله یاد آورندگان و رحمت نمای بمن

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَعِزَّتِكَ

برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان قسم بعزت و بزرگواری تو

يَا كَرِيمُ لَأَطْلُبَنَّ مِمَّا لَدَيْكَ وَلَأُلِحَّنَّ عَلَيْكَ وَلَأَلْجَأَنَّ

ای صاحب بخشش که هرآینه سؤال میکنم از آنچه در نزد تست و هرآینه الحاح میکنم بر تو و پناه می آورم

إِلَيْكَ وَلَأَمُدَّنَّ يَدِي نَحْوَكَ مَعَ جُرْمِهَا إِلَيْكَ

بسوی تو و هرآینه دراز میسنمایم دست خود را بجانب تو با وجود گناهکاری آن بسوی تو

فَبِمَنْ أَعُوذُ يَا رَبِّ وَبِمَنْ أَلُوذُ لَا أَحَدَ لِي إِلَّا أَنْتَ

پس بکه پناه برم ای پروردگار من و بکه التجا برم نیست کسی برای من سوای تو

أَفَتَرُدُّنِي وَأَنْتَ مُعَوَّلِي وَعَلَيْكَ مُتَّكَلِي

آیا پس تو برمیگردانی مرا و حال آنکه تو محل اعتماد منی و بر تست تکیه من

أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى السَّمَاءِ

سؤال میکنم ترا بحق نام تو که گذاشتی آنرا بر آسمان

فَاسْتَقَلَّتْ وَعَلَى الْأَرْضِ فَاسْتَقَرَّتْ وَعَلَى الْجِبَالِ

پس درست ایستاد و بر زمین پس قرار گرفت و بر کوهها

فَرَسَتْ وَعَلَى اللَّيْلِ فَأَظْلَمَ وَعَلَى النَّهَارِ فَاسْتَنَارَ

پس ثابت شدند و بر شب پس تاریک شد و بر روز پس روشن گردید

اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَقْضِیَ لِیْ جَمِیْعَ

آنکه رحمت فرستی بر محمد و بر آل محمد وآنکه بر آوری برای من همه

حَوَائِجِیْ وَتَغْفِرَ لِیْ ذُنُوْبِیْ كُلَّهَا صَغِیْرَهَا

مطلبهای مرا وآنکه بیامرزی برای من گناهان مرا همه آنرا کوچک آنها را

وَكَبِیْرَهَا وَتُوَسِّعَ عَلَیَّ مِنَ الرِّزْقِ مَا تُبَلِّغُنِیْ بِهٖ

و بزرگ آنها را و فراخ گردانی بر من از روزی قدری که برسانی مرا برتبت

شَرَفَ الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ

آن بشرف و عزت دنیا و آخرت ای رحیم کننده ترین رحم کنندگان ای مولای من

بِكَ اَسْتَغِیْثُ فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَّ

از تو طلب فریادرسی مینمایم پس رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد و

اَغِثْنِیْ وَبِكَ اَسْتَجِیْرُ فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ

فریادرس مرا و بتو پناه آورده ام پس رحمت فرست بر محمد و بر آل

مُحَمَّدٍ وَّاَجِرْنِیْ وَاَغْنِنِیْ بِطَاعَتِكَ عَنْ طَاعَةِ عِبَادِكَ

محمد و پناه ده مرا و بی نیاز گردان مرا بسبب فرمانبرداری تو از فرمانبرداری بندگان تو

وَبِمَسْئَلَتِكَ عَنْ مَسْئَلَةِ خَلْقِكَ وَانْقُلْنِیْ مِنْ

و بسبب سؤال نمودن از طلب کردن از مخلوقات تو و بگردان مرا از

ذُلِّ الْفَقْرِ اِلٰی عِزِّ الْغِنٰی وَمِنْ ذُلِّ الْمَعَاصِیْ

خواری پریشانی بسوی عزت توانگری و از خواری گناهان

اِلٰی عِزِّ الطَّاعَةِ فَقَدْ فَضَّلْتَنِیْ عَلٰی كَثِیْرٍ مِّنْ

بسوی عزت فرمانبرداری پس بتحقیق که ترجیح داده مرا تو بر بسیاری از

خلقک

خَلقِكَ جُودًا مِنْكَ وَكَرَمًا لا بِاسْتِحقاقٍ

مخلوقات خود از روی بخششی که صادر شده از تو و احسانی از تو نه بسبب استحقاقی که باشد

مِنّی اِلهی فَلَكَ الْحَمدُ عَلیٰ ذٰلِكَ کُلِّهِ صَلِّ

ناشی از من خداوندا پس تراست ستایش براین نعمتها که مذکور شد همه رحمت فرست

عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنی لِنَعْمآئِكَ مِنَ

بر محمد و بر آل محمد و بگردان مرا برای نعمتهاے خود از جمله

الشّاکِرِینَ وَلِآلآئِكَ مِنَ الذّاکِرِینَ وَ

شکر گزاران و برای احسانهای تو از جمله یاد کنندگان و

پس سجده کن و در سجده

ارْحَمْنی بِرَحْمَتِكَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمِینَ

این دعا را بخوان

رحم کن مرا بشفقت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

[illegible] دعائیست معروف بدعای [illegible] و جهت [illegible] فوائد [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم یا حیّ قبل کلّ حیّ

یا حیّ بعد کلّ حیّ یا حیّ مع کلّ حیّ یا حیّ حین لا

حیّ یا حیّ یبقی و یفنی کلّ حیّ یا حیّ لا اله الا انت

یا حیّ یا کریم یا محیی الموتی یا قائم علی کلّ نفس بما

كسبت انى اتوجه اليك واتوسل اليك و
اتقرب اليك بجودك وكرمك ورحمتك التى وسعت
كل شئ واتوجه اليك واتوسل اليك بحرمة
القران وبحرمة الاسلام وشهادة ان لا اله الا
انت وحدك لا شريك لك وان محمدا عبدك و
رسولك واتوجه اليك واتوسل اليك واستشفع
اليك بنبيك نبى الرحمة محمد صلى الله عليه واله
وسلم تسليما وبامير المؤمنين على بن ابى طالب وفاطمة
الزهراء والحسن والحسين عبديك وامينيك
وحجتيك على الخلق اجمعين وعلى بن الحسين زين
العابدين ونور الزاهدين ووارث علم النبيين والمرسلين
وامام الخاشعين وولى المؤمنين والقائم فى خلقك
اجمعين ومحمد بن على باقر علم الاولين والاخرين و
الدليل على امر النبيين والمرسلين والمقتدى بابائه
الصالحين وكهف الخلق اجمعين وجعفر بن محمد

الصادق من اولاد النبيين والمقتدي بآبائه الصالحين
والبار من عترة البررة المتقين ولي دينك وحجتك
على العالمين وموسى بن جعفر بن العبد الصالح من
اهل بيت المرسلين ولسانك في خلقك اجمعين
والناطق بامرك وحجتك على بريتك وعلي بن موسى
الرضا المرتضى الزكي المصطفى المخصوص بكرامتك
والداعي الى طاعتك وحجتك على الخلق اجمعين و
محمد بن علي الرشيد القائم بامرك الناطق بحكمك
وحقك وحجتك على بريتك ووليك وابن اوليائك
وحبيبك وابن احبائك وعلي بن محمد السراج المنير
والركن الوثيق القائم بعدلك والداعي الى دينك
ودين نبيك وحجتك على بريتك والحسن بن علي
عبدك ووليك وخليفتك المؤدي عنك في خلقك
عن آبائه الصادقين وبحق خلف الائمة الماضين و
الامام الزكي الهادي المهدي والحجة بعد آبائه على

خلقك المؤدي عن علم نبيك ووارث علم الماضين
من الوصيين المنصوص الداعي الى طاعتك وطاعة
آبائه الصالحين يا محمد يا ابا القاسم بابي انت
وامي الى الله اتشفع بك وبالائمة من ولدك وبعلي
امير المؤمنين وفاطمة والحسن والحسين وعلي بن
الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن
جعفر وعلي بن موسى ومحمد بن علي وعلي بن محمد
والحسن بن علي والخلف القائم المنتظر اللهم
فصل عليهم وعلى من اتبعهم وصل على محمد وآل
محمد صلوة المرسلين والصديقين والصالحين
صلوة لا يقدر على احصائها غيرك اللهم الحق
اهل بيت نبيك وذريتهم وشيعتهم بنبيك
سيد المرسلين والحقنا بهم مؤمنين مجتبين فائزين
متقين صالحين خاشعين عابدين موفقين مسددين عاملين
زاكين مزكين تائبين ساجدين راكعين شاكرين حامدين

صابرين

صابرين محتسبين منيبين مصيبين اللهم اني اتولّى
وليهم واتبرّأ اليك من عدوهم واتقرّب اليك بحبهم
ومودتهم وموالاتهم وطاعتهم فارزقني بهم
خير الدنيا والآخرة واصرف عني بهم اهوال يوم
القيمة اللهم اني اشهدك بانك انت الله لا اله
الا انت وان محمداً وعلياً وزوجته وولده عبيدك
واماؤك وانت وليهم في الدنيا والآخرة وهم
اولياؤك والاولون بالمؤمنين والمؤمنات و
المسلمين والمسلمات من بريتك واشهد انهم عبادك
المؤمنون لا يسبقونك بالقول وهم بامرك يعملون
اللهم اني اتوسل اليك بهم واتشفع بهم اليك
ان تحييني محياهم وتميتني على طاعتهم وملتهم
وتمنعني من طاعة عدوهم وتمنع عدوك وعدوي
مني وتغنيني بك وباوليائك عمن اغنيته عني و
تسهلني لمن احوجته الي وان تجعلني في حفظك

في الدين والدنيا والآخرة وتلبسني العافية
حتى تهنئني المعيشة والحظني بلحظة من لحظاتك
الكريمة الرحيمة الشريفة تكشف بها عني
ما قد ابتليت به وتردني بها الى احسن عاداتك
واجملها عندي فقد ضعفت قوتي وقلت
حيلتي ونزل بي ما لا طاقة لي به فردني الى احسن
عاداتك فقد ايست مما عند خلقك فلم يبق
الا رجاؤك في قلبي وقديما ما مننت علي وقدرتك
يا سيدي وربي وخالقي ورازقي ومولاي على
اذهاب ما انا فيه كقدرتك علي حيث
ابتليتني به الهي ذكر عوائدك يونسني ورجاء انعامك
يقويني ولم اخل من نعمتك منذ خلقتني فانت
يا رب ثقتي ورجائي والهي وسيدي والذاب عني
والراحم بي والمتكفل برزقي فاسئلك يا رب
بمحمد وآل محمد وان تجعل رشدي بما قضيت من الخير

وحکمته

وَحِکْمَتِهٖ وَقُدْرَتِهٖ وَاَنْ تَجْعَلَ خَلَاصِیْ مِمَّا اَنَا
فِیْهِ فَاِنِّیْ لَا اَقْدِرُ عَلٰی ذٰلِكَ اِلَّا بِكَ وَحْدَكَ لَا شَرِیْكَ
لَكَ وَلَا اَعْتَمِدُ فِیْهِ اِلَّا عَلَیْكَ فَكُنْ یَا رَبَّ الْاَرْبَابِ
وَیَا سَیِّدَ السَّادَاتِ عِنْدَ حُسْنِ ظَنِّیْ بِكَ وَ
اَعْطِنِیْ مَسْئَلَتِیْ یَا اَسْمَعَ السَّامِعِیْنَ وَیَا اَبْصَرَ النَّاظِرِیْنَ
وَیَا اَحْكَمَ الْحَاكِمِیْنَ وَیَا اَسْرَعَ الْحَاسِبِیْنَ وَیَا اَقْدَرَ
الْقَادِرِیْنَ وَیَا اَقْهَرَ الْقَاهِرِیْنَ وَیَا اَوَّلَ الْاَوَّلِیْنَ
وَیَا اٰخِرَ الْاٰخِرِیْنَ وَیَا حَبِیْبَ مُحَمَّدٍ وَعَلِیٍّ وَجَمِیْعِ
الْاَنْبِیَآءِ وَالْمُرْسَلِیْنَ وَالْاَوْصِیَاءِ الْمُنْتَجَبِیْنَ وَیَا
حَبِیْبَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَاَوْصِیَآئِهٖ وَ
اَحِبَّآئِهٖ وَاَنْصَارِهٖ وَخُلَفَآئِهِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَحُجَجِكَ
الْبَالِغِیْنَ مِنْ اَهْلِ بَیْتِ الرَّحْمَةِ الْمُطَهَّرِیْنَ الزَّاهِدِیْنَ
اَجْمَعِیْنَ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِیْ مَا اَنْتَ
اَهْلُهٗ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ

این دعا مسمی است بدعای اعرابی
از برای رفع هموم و غموم و کربات [illegible] و دفع کید اعدا [illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله وبالله أخذت الأولين وأخذت
الآخرين وأخذت القائمين وأخذت القاعدين
تغشى أبصارهم ظلمة وترسل السماء عليهم لهبا
والأرض شهبا فاغشيناهم فهم لا يبصرون
الله يرعاني ويقويني على الخلق بنور الله استبصر
وبقوة الله القدوس استعين الله يعطيني و
الله الملك الجبار يرفعني على اجنحة الكروبيين
والصديقين والصافين والمسبحين لك الله ادعو
وانت ارحم الراحمين لك الله ادعو اله السموات
والارض لك الله ادعو اله الملائكة المقربين
لك الله ادعو اله الخلق اجمعين لك الله ادعو
اله الشمس والقمر لك الله ادعو اله الكواكب
لك ادعو اله المشارق والمغارب لك الله ادعو
الهامقدسا انت الله العزيز الجبار المتكبر

الرحمن الرحيم الواسعة رحمته الخالق كرسي
عظمته العزيز العظيم الجليل تبارك اسم الله
الملك الملوك تكون اسمآؤك هذه لي عضدا
ونصرا وفتحا وهيبة ونورا وعظمة ابدا ما ابقيتني
وتكون لي حفظا وخلاصا ونجاحا انا عبدك
وابن عبدك تغشاني رحمتك وتغشاني عقابك
بعزتك وهيبتك نجني من الآفات كما نجيت ابرهيم
خليلك من النار وكما كبس موسى كليمك فرعون
وباسمائك هذه فنجني بها وكما الارض مكبوسة
تحت السماء وكما بنوا آدم مكبوسون تحت السماء
وتحت ملك الموت وكما ملك الموت مكبوس بين
يدي الله رب العالمين كذلك يكون الخلائق
مكبوسين تحت قدمي ابدا ما احييتني يا ناصر
المسلمين ويا صريخ المستصرخين يا ارحم الراحمين
انت لي حرز من جميع خلقك ومن بني آدم وبنات

حوّاء واتباعهم ومن شرّ الجنّ والانس ان لا
يسطو عليّ احد منهم عزّ جارك لا اله الّا انت
تمسّكت بالعروة الوثقى الّتى لا انفصام لها الّتى
لا يجاوزها برّ ولا فاجر اعتصمت بحبل الله
المتين اعوذ بالله من شرّ فسقة العرب والعجم
ومن شرّ الجنّ والانس ومن شرّ من يريد بى سوٓءًا
او يريد لى شرًّا توكّلت على الله ومن يتوكّل
على الله فهو حسبه انّ الله بالغ امره قد جعل الله
لكلّ شيءٍ قدرًا حسبى الله بسم الله وبالله اومن
وبالله اثق وبه اتعوّذ وبالله اعتصم وبالله العظيم
استجير من الشّيطان الرّجيم اعوذ بكلمات الله
التّامّات الّتى لا يجاوزهنّ برّ ولا فاجر ممّا ذرا وبرا
ومن شرّ كلّ ما يطرق باللّيل والنّهار الّا طارقا
يطرق بخير برحمتك يا ارحم الرّاحمين • اللّهمّ
انّى اعوذ بك من شرّ نفسى ومن شرّ كلّ دابّة انت

اخذ بناصیتها ومن شر کل عین ناظرة واذن
سامعة ومن شر کل مارد وجبار عنید
اللهم انی الجات ظهری الیک وتوکلت فی
اموری علیک انت ولیی ومولای الهی فلا تسلمنی
ولا تخذلنی ولا تکلنی الی نفسی طرفة عین ولا
تؤاخذنی بذنوبی واسرافی علی نفسی واعنی علی
شکر نعمتک یا محسن یا جبار اجعلنی عبدا
شکورا لا اله الا انت العلی العظیم علیک
توکلت انت رب العرش العظیم لا اله الا انت
الحلیم الکریم سبحان الله رب العالمین رب السموات
السبع وما فیهن وما فوقهن وما بینهن ورب
العرش العظیم الحمد لله رب العالمین اللهم
حببنی الی جمیع خلقک حتی لا یکون لی فی قلب
احد من خلقک غلظة ولا یعارضونی واجعلهم
یستقبلونی بوجوه بسیطة ویقضون حوائجی

وَيَطْلُبُونَ مَرْضَاتِي وَيَخْشَوْنَ سُخْطِي بِاسْمِكَ
الْقُدُّوسِ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ أَدْعُوكَ يَا اللّٰهُ يَا
نُورًا فِي نُورٍ وَنُورًا إِلَى نُورٍ وَنُورًا فَوْقَ نُورٍ وَنُورًا
تَحْتَ نُورٍ يُضِيءُ بِهِ كُلُّ نُورٍ وَكُلُّ ظُلْمَةٍ وَ
يُطْفِي بِهِ شِدَّةَ كُلِّ شَيْطَانٍ وَسُلْطَانٍ بِاسْمِكَ
الَّذِي تَكَلَّمَ بِهِ الْمَلَائِكَةُ فَلَا يَكُونُ لِلْمَوْجِ عَلَيْهِمْ
سَبِيلٌ وَيُذِلُّ كُلَّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ يَكُونُ تَحْتَ
قَدَمَيَّ بِاسْمِكَ الَّذِي سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ وَاسْتَقَرَّتْ
بِهِ عَلَى عَرْشِكَ وَعَلَى كُرْسِيِّكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ
الْأَعْظَمِ يَكُونُ لِي نُورًا وَهَيْبَةً عِنْدَ جَمِيعِ الْخَلْقِ
بِأَسْمَائِكَ الْمُقَدَّسَةِ الْمُبَارَكَةِ أَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ
الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ الْعَظِيمُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ
يَا رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَوَارِثَهُ يَا اللّٰهُ أَنْتَ الْمَحْمُودُ فِي
كُلِّ فَعَالِهِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ الرَّفِيعُ
فِي جَلَالِهِ يَا اللّٰهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا رَحْمٰنَ كُلِّ

شيءٍ وراحمه يا مميت كلّ شيءٍ ووارثه يا حيّ حين
لا حيّ في ديمومية ملكه وبقائه يا رافع
المرتفع فوق سمائه بقدرته يا قيّوم لا يفوته شيءٌ من
خلقه يا آخر يا باقي يا أوّل كلّ شيءٍ وآخره يا
دائم بغير فناءٍ ولا زوال لملكه يا صمد من غير شبيه
فلا شيء كمثله يا مبدئ كلّ شيءٍ ومعيده
يا من لا يصف الواصفون كنه جلاله في ملكه وعزّه
وجبروته يا كبير أنت الّذي لا تهتدي العقول
لصفته في عظمته يا باعث يا منشئ بلا مثال يا
زاكي الطاهر من كلّ آفةٍ يا كافي المتوسّع لما خلق
من عطايا فضله الّذي لا ينفد يا نقيّ من كلّ سوءٍ
لم يخالطه فعاله يا جبّار أنت الّذي وسعت كلّ شيءٍ
رحمته يا حنّان يا منّان يا ذا الجلال والإكرام
أنت الّذي قد عمّ الخلائق منّه وفضله يا ديّان العباد
وكلّ يقوم خاضعاً لهيبته يا خالق ما في السموات

وَالْاَرَضِينَ وَكُلٌّ اِلَيْهِ مِيعَادُهُ يَا رَحِيمَ كُلِّ
صَرِيخٍ وَمَكْرُوبٍ يَا صَادِقَ الْوَعْدِ فَلَا تَصِفُ الْاَلْسُنُ
جَلَالَ مُلْكِهِ وَعِزِّهِ يَا مُبْدِئَ الْبَدَائِعِ لَمْ يَبْتَغِ
فِي اِنْشَائِهَا عَوْنًا مِنْ اَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ يَا عَالِمَ الْغُيُوبِ
فَلَا يَفُوتُهُ شَيْءٌ مِنْ خَلْقِهِ يَا مُعِيدَ مَا اَفْنَى اِذَا بَرَزَ الْخَلَائِقُ
لِدَعْوَتِهِ يَا حَلِيمًا ذَا اَنَاةٍ فَلَا شَيْءَ يُعَادِلُهُ مِنْ خَلْقِهِ
يَا حَمِيدَ الْفِعَالِ فِي خَلْقِهِ بِلُطْفِهِ يَا عَزِيزُ الْغَالِبُ
عَلَى اَمْرِهِ فَلَا شَيْءَ يُعَادِلُهُ يَا ظَاهِرَ الْبَطْشِ الشَّدِيدِ الَّذِي
لَا يُطَاقُ اِنْتِقَامُهُ يَا عَالِي الْقَرِيبُ فِي عُلُوِّهِ وَارْتِفَاعِهِ
وَدَوَامِهِ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ فَلَا شَيْءَ يَقْهَرُ سُلْطَانَهُ يَا
نُورَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدَاهُ اَنْتَ الَّذِي اَضَاءَتِ الظُّلَمُ
بِنُورِهِ يَا قُدُّوسُ الطَّاهِرُ فَلَا شَيْءَ كَمِثْلِهِ يَا قَرِيبُ الْمُجِيبُ
الْمُتَدَانِي دُونَ كُلِّ شَيْءٍ يَا عَالِي الشَّامِخُ فِي السَّمَاءِ فَوْقَ
كُلِّ شَيْءٍ عُلُوُّهُ وَارْتِفَاعُهُ يَا بَدِيعَ الْبَدَائِعِ وَمُعِيدَهَا
بَعْدَ فَنَائِهَا بِقُدْرَتِهِ يَا مَلِكُ يَا مُتَكَبِّرُ يَا مَنِ الْعَدْلُ

أَمْرُهُ وَالصِّدْقُ وَعْدُهُ يَا مَحْمُودًا فِي أَفْعَالِهِ فَلَا
تَبْلُغُ الْأَوْهَامُ كُنْهَ جَلَالِهِ فِي مُلْكِهِ وَعِزِّهِ يَا كَرِيمَ
الْعَفْوِ أَنْتَ الَّذِي مَلَأَ كُلَّ شَيْءٍ عَدْلُهُ وَفَضْلُهُ
يَا عَظِيمَ الْمَفَاخِرِ وَالْكِبْرِيَاءِ فَلَا يُدْرَكُ عِزُّ مُلْكِهِ
يَا عَجِيبُ فَلَا تَنْطِقُ الْأَلْسُنُ بِكُلِّ الْآئِهِ وَثَنَائِهِ أَسْئَلُكَ
يَا اللّٰهُ أَمَانًا مِنْ عُقُوبَتِكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
وَأَسْئَلُكَ نُورًا وَنَصْرًا وَرِفْعَةً عِنْدَ جَمِيعِ خَلْقِكَ
مِنْ بَنِي آدَمَ وَبَنَاتِ حَوَّاءَ رَبَّ الْأَرْوَاحِ الْفَانِيَةِ
وَالْأَجْسَادِ الْبَالِيَةِ وَالْأَرْوَاحِ الْمُرْتَفِعَةِ وَأَسْئَلُكَ
بِطَاعَةِ الْعُرُوقِ الْمُلْتَئِمَةِ إِلَى أَمَاكِنِهَا وَبِطَاعَةِ الْقُبُورِ
الْمُتَشَقِّقَةِ عَنْ أَهْلِهَا وَبِدَعْوَتِكَ الصَّادِقَةِ فِيهِمْ وَ
أَخْذِكَ الْحَقَّ مِنْهُمْ إِذَا بَرَزَ الْخَلَائِقُ فَهُمْ مِنْ مَخَافَتِكَ وَ
شِدَّةِ سُلْطَانِكَ يَنْتَظِرُونَ قَضَاءَكَ وَيَخَافُونَ عَذَابَكَ
وَيَرْجُونَ رَحْمَتَكَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُقَرَّبِينَ الْفَائِزِينَ
وَأَلْقِ عَلَيَّ مَحَبَّةً وَنُورًا وَنِعْمَةً وَهَيْبَةً وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ

يسمع قولي ويرفع امري على كل امر انا
عبدك وابن عبدك الفقير الى رحمتك اجعلني
اللهم عاليا متعاليا يا نور النور يا مصباح
النور ادرا بك في نحورهم واستعيذ بك من
شرورهم واستعين بك عليهم فاكفني امرهم
بلا حول ولا قوة الا بك يا الله العلي العظيم
ان نشا ننزل عليهم من السماء اية فظلت اعناقهم
لها خاضعين انا رسل ربك لن يصلوا اليك
يا موسى اقبل ولا تخف انك من الامنين كتب
الله لاغلبن انا ورسلي ان الله قوي عزيز اللهم
بعزتك يا دائم البقاء اسئلك بالاسم الذي
احطته بحجاب النور نور السموات والارض تضيء
به ابصار الناظرين عذت بربوبيتك يا الله باسمك
الذي تقول للشيء كن فيكون الا قضيت حاجتي
وانجحت طلبتي ويسرت امري وسترت عورتي

وآمنت روعتی ورزقتنی نورا وعزا وهیبة و
قبولا ورفعة عند جمیع خلقك بحولك وقوتك
وباسمك الذی وسع کل شیء وهو اوسع منه
یا دآئم البقآء ادم ما انا فیه من نعمتك وعافیتك
واجعل اموری اولها صلاحا واخرها فلاحا
برحمتك یا ارحم الراحمین پس سؤال کن حاجت
خود را هر حاجت که خواهی که مستجابست ان شاء الله تعالی
پس بگو وصلی الله علی سید المرسلین محمد النبی
واله الطیبین الطاهرین الخیرین الفاضلین الحاکمین
العادلین الزهر الغر السامین وسلم تسلیما
از دعای توسل بائمه علیهم السلام جهت قضای حاجات و کفایت
مهمات بخواند
بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم صل علی محمد واهل بیته واسئلك
اللهم بحق محمد وابنته وابنیها الحسن و
الحسین علیهم السلام الا اعنتنی بهم علی طاعتك

وَرِضْوَانِكَ وَبَلَّغْتَنِي بِهِمْ اَفْضَلَ مَا بَلَّغْتَهُ
اَحَدًا مِنْ اَوْلِيَائِهِمْ فِي ذٰلِكَ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ
وَلِيِّكَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ
اِلَّا انْتَقَمْتَ لِي بِهِ مِمَّنْ ظَلَمَنِي وَكَفَيْتَنِي بِهِ مَؤُنَةَ
مَنْ يُرِيدُنِي بِظُلْمٍ اَبَدًا مَا اَبْقَيْتَنِي وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ
وَلِيِّكَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ اِلَّا كَفَيْتَنِي
بِهِ وَنَجَّيْتَنِي مِنْ جَوْرِ السَّلَاطِينِ وَنَفْثِ الشَّيَاطِينِ
وَاَسْئَلُكَ اللّٰهُمَّ بِحَقِّ وَلِيِّكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ
بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ اِلَّا اَعَنْتَنِي بِهِمَا
عَلٰى اَمْرِ اٰخِرَتِي بِطَاعَتِكَ وَاَسْئَلُكَ اللّٰهُمَّ بِحَقِّ
وَلِيِّكَ الْعَبْدِ الصَّالِحِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ الْكَاظِمِ
بِغَيْظِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ اِلَّا عَافَيْتَنِي بِهِ مِمَّا اَخَافُهُ
وَاَحْذَرُهُ عَلٰى بَصَرِي وَجَمِيعِ سَائِرِ جَسَدِي وَجَوَارِحِ
بَدَنِي مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ مِنْ جَمِيعِ الْاَسْقَامِ
وَالْاَمْرَاضِ وَالْاِعْلَالِ وَالْاَوْجَاعِ بِقُدْرَتِكَ يَا

ارحم

ارحم الراحمين واسئلك اللهم بحق وليك
علي بن موسى الرضا عليه السلام الا انجيتني
به وسلمتني مما اخافه واحذره في جميع اسفاري
في البراري والقفار والاودية والغياض و
البحار واسئلك اللهم بحق وليك ابي جعفر
الجواد عليه السلام الا جدت علي به من فضلك
وتفضلت علي به من وسعك ما استغني به عما
في ايدي خلقك وخاصة يا رب لئامهم وبارك لي
فيه وفيما لك عندي من نعمك وفضلك و
رزقك الهي انقطع الرجاء الا منك وخابت الامال
الا فيك يا ذا الجلال والاكرام اسئلك بحق
من حقه عليك واجب ان تصلي على محمد واهل
بيته وان تبسط علي ما حظرته من رزقك وان تسهل
ذلك وتيسره في خير منك وعافية وانا في خفض
عيش ودعة يا ارحم الراحمين واسئلك اللهم

بحق وليك علي بن محمد عليه السلام الا
اعنتني به على قضاء نوافلي وبر اخواني وكمال
طاعتك واسئلك اللهم بحق وليك الحسن
بن علي عليه السلام الهادي الامين الكريم
الناصح الثقة العالم الا اعنتني به على امر آخرتي
واسئلك اللهم بحق وليك وحجتك على عبادك
وبقيتك في ارضك المنتقم لك من اعدائك
واعداء رسولك بقية آبائه الطاهرين ووارث
اسلافه الصالحين صاحب الزمان صلى الله عليه
وعلى آبائه الكرام المتقدمين الاخيار الابرار
تداركتني به ونجيتني من كل كرب وهم و
حفظت على قديم احسانك الي وحديثه وادررت
علي جميل عوائدك عندي يا رب اغثني به ونجني
من المخافة ومن كل شدة وعظيمة وهول ونازلة
وغم ودين ومرض وسقم وآفة وظلم وجور وفتنة

في ديني ودنياي وآخرتي بيمنك ورأفتك و
رحمتك وكرمك وتفضلك وتعطفك يا
كافي موسى عليه السلام فرعون ويا كافي
محمد صلوات الله عليه وآله ما أهمه ويا كافي
علي عليه السلام ما أهمه يوم صفين ويا كافي
علي بن الحسين عليه السلام يوم الحرة ويا كافي
جعفر بن محمد أبا الدوانيق صل على محمد وآله
واكفني ما أهمني في دار الدنيا وكل
هول دون الجنة برحمتك يا ارحم الراحمين
يا قاضي الحوائج يا وهاب الرغائب يا معطي الجزيل
يا فكاك العناة اللهم انك تعلم اني اعلم
انك قادر على قضاء حوائجي فصل على محمد وآله
وعجل يا رب فرج وليك وابن بنت نبيك و
اقض يا الله حوائج اهل بيت محمد واقض لي يا رب
بمحمد واهل بيته حوائج الدنيا والآخرة صغيرها

وكبيرها في يسر منك وعافية وتمم
نعمتك علي وهنئني بهم كرامتك والبسني
بهم عافيتك وتفضل بعفوك وكن لي
بحق محمد واهل بيته في جميع اموري وليا
وحافظا وناصرا وكالئا وراعيا وساترا و
رازقا ما شاء الله كان وما لم يشا لم يكن
لا يعجز الله شئ طلبه في الارض ولا في السماء هو
كائن هو كائن ان شاء الله

هذا دعاء الصباح لمولانا وسيدنا امير المؤمنين
علي بن ابي طالب عليه السلم وجدت بخطه عليه السلم ما هذه صورته
هذا دعاء علمني رسول الله صلى الله عليه وآله

بسم الله الرحمن الرحيم

يا من دلع لسان الصباح بنطق تبلجه وسرح
قطع الليل المظلم بغياهب تلجلجه واتقن صنع
الفلك الدوار في مقادير تبرجه وشعشع ضيا

الشمس بنور تاججه یا من دل علی ذاته بذاته
وتنزه عن مجانسة مخلوقاته وجل عن ملائمة
کیفیاته یا من قرب من خواطر الظنون و
بعد عن ملاحظة العیون وعلم بما کان
قبل ان یکون یا من ارقدنی فی مهاد امنه
وامانه وایقظنی الی ما منحنی به من مننه واحسانه
وکف اکف السوء عنی بیده وسلطانه
صل اللهم علی الدلیل الیک فی اللیل الالیل
والماسك من اسبابك بحبل الشرف الاطول
والناصع الحسب فی ذروة الکاهل الاعبل
والثابت القدم علی زحالیفها فی الزمن الاول
وعلی اله الاخیار المصطفین الابرار وافتح اللهم
لنا مصاریع الصباح بمفاتیح الرحمة والفلاح
والبسنا اللهم من افضل خلع الهدایة و
الصلاح واغرس اللهم لعظمتك فی شرب

جَنانی یَنابیعَ الخُشُوعِ واَجْرِ اللّهُمَّ لِهَیبَتِکَ
مِنْ اماقی زَفَراتِ الدُّمُوعِ وَاَدِّبِ اللّهُمَّ نَزَقَ
الخُرْقِ مِنّی بِاَزِمَّةِ القُنُوعِ اِلهی اِنْ لَمْ تَبْتَدِئْنِیَ
الرَّحْمَةُ مِنْکَ بِحُسْنِ التَّوْفِیقِ فَمَنِ السّالِکُ بی
اِلَیکَ فی واضِحِ الطَّرِیقِ وَاِنْ اَسْلَمَتْنی اَناتُکَ
لِقائِدِ الاَمَلِ وَالمُنی فَمَنِ المُقِیلُ عَثَراتی مِنْ کَبَواتِ
الهَوی وَاِنْ خَذَلَنی نَصْرُکَ عِنْدَ مُحارَبَةِ النَّفْسِ وَ
الشَّیطانِ فَقَدْ وَکَلَنی خِذْلانُکَ اِلی حَیثُ
النَّصَبِ وَالحِرْمانِ اِلهی اَتَرانی ما اَتَیتُکَ اِلّا مِنْ
حَیثُ الاٰمالِ اَمْ عَلِقْتُ بِاَطْرافِ حِبالِکَ اِلّا
حِینَ باعَدَتْنی ذُنُوبی عَنْ دارِ الوِصالِ فَبِئْسَ المَطِیَّةُ
الَّتی امْتَطَتْ نَفْسی مِنْ هَویها فَواهاً لَها لِما سَوَّلَتْ
لَها ظُنُونُها وَمُنیها وَتَبّاً لَها لِجُرْاَتِها عَلی سَیِّدِها
وَمَولیها اِلهی قَرَعْتُ بابَ رَحْمَتِکَ بِیَدِ رَجائی
وَهَرَبْتُ اِلَیکَ لاجِئاً مِنْ فَرْطِ اَهْوائی وَعَلِقْتُ

باطراف حبالك انامل ولائي فاصفح اللهم
عما اجرمته من زللي وخطائي واقلني اللهم
من صرعة ردائي فانك سيدي ومولاي و
معتمدي ورجائي وغاية مناي في منقلبي ومثواي
الهي كيف تطرد مسكينا التجا اليك من الذنوب
هاربا ام كيف تخيب مسترشدا قصد الى جنابك
ساعيا ام كيف ترد ظمآنا ورد الى حياضك
شاربا كلا وحياضك مترعة في ضنك المحول و
بابك مفتوح للطلب والوغول وانت غاية السؤل
ونهاية المامول الهي هذه ازمة نفسي عقلتها
بعقال مشيتك وهذه اعباء ذنوبي درأتها
برحمتك وهذه اهوائي المضلة وكلتها الى
جناب لطفك فاجعل اللهم صباحي هذا نازلا
علي بضياء الهدى والسلامة في الدين والدنيا
ومسائي جنة من كيد العدى ووقاية من

مُرْدِيَاتِ الْهَوٰى اَنَّكَ قَادِرٌ عَلٰى مَا تَشَاۤءُ وَ
تُؤْتِى الْمُلْكَ مَنْ تَشَاۤءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاۤءُ
وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاۤءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاۤءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ
اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ تُوْلِجُ اللَّيْلَ فِى النَّهَارِ
وَتُوْلِجُ النَّهَارَ فِى اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ
وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاۤءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ
لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ مَنْ ذَا
يَعْرِفُ قُدْرَتَكَ فَلَا يَخَافُكَ وَمَنْ ذَا يَعْلَمُ مَا اَنْتَ
فَلَا يَهَابُكَ اَلَّفْتَ بِقُدْرَتِكَ الْفِرَقَ وَفَلَقْتَ
بِرَحْمَتِكَ الْفَلَقَ وَاَنَرْتَ بِكَرَمِكَ دَيَاجِيَ الْغَسَقِ
وَاَنْهَرْتَ الْمِيَاهَ مِنَ الصُّمِّ الصَّيَاخِيْدِ عَذْبًا وَ
اُجَاجًا وَاَنْزَلْتَ مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاۤءً ثَجَّاجًا وَجَعَلْتَ
الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لِلْبَرِيَّةِ سِرَاجًا مِنْ غَيْرِ اَنْ تُمَارِسَ فِيْمَا
ابْتَدَاْتَ بِهٖ لُغُوْبًا وَلَا عِلَاجًا فَيَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْعِزِّ
وَالْبَقَاۤءِ وَقَهَرَ عِبَادَهٗ بِالْمَوْتِ وَالْفَنَاۤءِ صَلِّ

علی محمد وآله الاتقیاء واستمع ندائی و
استجب دعائی وحقق بفضلك املی ورجائی
یا خیر من دعی لکشف الضر والمأمول لکل
عسر ویسر بك انزلت حاجتی فلا تردنی من سنی
مواهبك خائبا یا کریم یا کریم یا کریم برحمتك
یا ارحم الراحمین وصلی الله علی سیدنا محمد و
سنه صورة آله الطاهرین خطه علیه السلم
کتبه علی بن ابی طالب فی اخر نهار الخمیس حادی عشر ذی
الحجة سنة خمس وعشرین من الهجرة ۞
ایضا دعای جلیل القدر یسمی مجرب التجربت
بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله الذی خلق السموات والارض وجعل
الظلمات والنور ثم الذین کفروا بربهم یعدلون
هو الذی خلقکم من طین ثم قضی اجلا واجل
مسمی عنده ثم انتم تمترون الله لا اله الا هو

الحيّ القيّوم لا تأخذه سنة ولا نوم له
ما في السموات وما في الارض من ذا الذي
يشفع عنده الا باذنه يعلم ما بين ايديهم
وما خلفهم ولا يحيطون بشيء من علمه الا بما
شاء وسع كرسيه السموات والارض ولا
يؤده حفظهما وهو العلي العظيم ثم انزل
عليكم من بعد الغم امنة نعاسا يغشى طائفة
منكم وطائفة قد اهمتهم انفسهم يظنون بالله
غير الحق ظن الجاهلية يقولون هل لنا من الامر
من شيء قل ان الامر كله لله يخفون في انفسهم
ما لا يبدون لك يقولون لو كان لنا من الامر شيء
ما قتلنا ههنا قل لو كنتم في بيوتكم لبرز الذين
كتب عليهم القتل الى مضاجعهم وليبتلي الله
ما في صدوركم وليمحص ما في قلوبكم والله عليم
بذات الصدور محمد رسول الله والذين

معه اشداء على الكفار رحماء بينهم تريهم
ركعا سجدا يبتغون فضلا من الله ورضوانا سيماهم
في وجوههم من اثر السجود ذلك مثلهم في التورية
ومثلهم في الانجيل كزرع اخرج شطاه فازره
فاستوى على سوقه يعجب الزراع ليغيظ بهم
الكفار وعد الله الذين امنوا وعملوا الصالحات
منهم مغفرة واجرا عظيما اللهم
طهر قلبي من الشرك والريا وزين لساني بالذكر
والحمد والثناء رب سهل ويسر ولا تعسر علينا
ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص
ض ط ظ ع غ ف ق ك ل م ن و ه لا ي
اعوذ بالله السميع
العليم من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم يا الله يا رحمن يا رحيم يا علي يا عظيم يا
عليم يا حكيم انت ربي وعلمك حسبي فنعم

الرَّبُّ رَبِّی وَعِلْمُكَ حَسْبِی فَنِعْمَ الرَّبُّ رَبِّی وَ
نِعْمَ الْحَسْبُ حَسْبِی تَنْصُرُ مَنْ تَشَآءُ وَاَنْتَ الْعَزِیْزُ
الرَّحِیْمُ نَسْئَلُكَ الْعِصْمَةَ فِی الْحَرَكَاتِ وَالسَّكَنَاتِ
وَالْكَلِمَاتِ وَالْاِرَادَاتِ وَالْخَطَرَاتِ مِنَ الشُّكُوْكِ
وَالظُّنُوْنِ وَالْاَوْهَامِ السَّاتِرَةِ لِلْقُلُوْبِ عَنْ مُطَالَعَةِ
الْغُیُوْبِ یَا نُوْرُ یَا نُوْرُ نَوِّرْ قَلْبِی بِنُوْرِ الْهِدَایَةِ وَ
التَّوْفِیْقِ فَقَدِ ابْتُلِیَ الْمُؤْمِنُوْنَ وَزُلْزِلُوْا زِلْزَالًا
شَدِیْدًا اِذْ یَقُوْلُ الْمُنَافِقُوْنَ وَالَّذِیْنَ فِی قُلُوْبِهِمْ
مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللّٰهُ وَرَسُوْلُهُ اِلَّا غُرُوْرًا فَثَبِّتْنَا
وَانْصُرْنَا وَسَخِّرْ لَنَا هٰذَا الْبَحْرَ كَمَا سَخَّرْتَ الْبَحْرَ لِمُوْسٰی عَلَیْهِ
السَّلَامُ وَسَخَّرْتَ النَّارَ لِاِبْرٰهِیْمَ عَلَیْهِ السَّلَامُ وَ
سَخَّرْتَ الْجِبَالَ وَالْحَدِیْدَ لِدَاوُدَ عَلَیْهِ السَّلَامُ وَ
سَخَّرْتَ الرِّیْحَ وَالشَّیَاطِیْنَ وَالْاِنْسَ وَالْجِنَّ
لِسُلَیْمَانَ عَلَیْهِ السَّلَامُ وَسَخَّرْتَ الْبُرَاقَ لِمُحَمَّدٍ
صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ وَسَلَّمَ وَسَخِّرْ لَنَا كُلَّ بَحْرٍ هُوَ

لك في الارض والسماء والملك والملكوت
وبحر الدنيا وبحر الاخرة وسخر لنا كل شيء يا
من بيده ملكوت كل شيء كهيعص انصرنا
فانك خير الناصرين وافتح لنا فانك خير الفاتحين
واغفر لنا فانك خير الفاتحين واغفر لنا فانك خير
الغافرين وارحمنا فانك خير الراحمين وارزقنا
فانك خير الرازقين واهدنا ونجنا من القوم
الظالمين وهب لنا ريحا طيبة كما هي في علمك
وانشرها علينا من خزائن رحمتك واحملنا بها
حمل الكرامة مع السلامة والعافية في الدين
والدنيا والاخرة انك على كل شيء قدير
اللهم يسر لنا امورنا مع الراحة لقلوبنا و
ابداننا والسلامة والعافية في ديننا ودنيانا
وكن لنا انيسا وصاحبا في سفرنا وخليفة
في اهلنا واطمس على وجوه اعدائنا وامسخهم على

مكانتهم فلا يستطيعون المضى ولا المجئ
الينا ولو نشاء لطمسنا على اعينهم فاستبقوا
الصراط فانى يبصرون ولو نشاء لمسخناهم على مكانتهم
فما استطاعوا مضيا ولا يرجعون بسم الله
الرحمن الرحيم يس والقران الحكيم انك لمن
المرسلين على صراط مستقيم تنزيل العزيز الرحيم
لتنذر قوما ما انذر اباؤهم فهم غافلون
لقد حق القول على اكثرهم فهم لا يؤمنون
انا جعلنا فى اعناقهم اغلالا فهى الى الاذقان
فهم مقمحون وجعلنا من بين ايديهم سدا
ومن خلفهم سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون
شاهت الوجوه وعنت الوجوه للحى القيوم
وقد خاب من حمل ظلما طس طسم حمعسق مرج
البحرين يلتقيان بينهما برزخ لا يبغيان حم حم
حم حم حم حم حم حم الامر وجاء النصر فعلينا

لا ينصرون حم تنزيل الكتاب من الله العزيز
العليم غافر الذنب وقابل التوب شديد العقاب
ذى الطول لا اله الا هو اليه المصير بسم الله
بابنا تبارك حيطاننا يس سقفنا كهيعص
حماينا فسيكفيكهم الله وهو السميع
العليم وستر العرش مسبول علينا وعين الله
ناظرة الينا بحول الله لا يقدر علينا والله من
ورائهم محيط بل هو قرآن مجيد فى لوح محفوظ
فالله خير حافظا وهو ارحم الراحمين ان وليى
الله الذى نزل الكتاب وهو يتولى الصالحين
حسبى الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو
رب العرش العظيم ولا حول ولا قوة الا بالله
العلى العظيم يا الله يا نور يا حق يا مبين اكسنى من
نورك وعلمنى من علمك وفهمنى عنك واسمعنى منك
وابصرنى بك واقمنى بشهودك وعرفنى الطريق اليك

وهوّنها عليّ بفضلك والبسني لباس التقوى
منك وبك انك على كل شيء قدير ان الله
وملائكته يصلّون على النبي يا ايها الذين
امنوا صلّوا عليه وسلّموا تسليما وصلّى الله
على خير خلقه ومظهر لطفه محمد واله اجمعين
الطيبين الطاهرين سبحان ربك رب العزة
عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب
العالمين يا سميع يا عليم يا حليم يا عظيم اسمع
دعائي بخصايص لطفك امين امين وصلّى الله على
محمد واله

بسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بالله الواحد
الماجد من كل عدو وحاسد ومن كل شيطان
مارد ان الله هو السميع العليم

بسم الله الرحمن الرحيم واصلّى على نبيه واله
اعتجم والتجم من كل مارد لعين وخضع

وذلّ لي كلّ ذي سطوة مكين وتلاشت عنّي
مكائد الانس والجنّ اجمعين باسماء الله ربّ
العالمين بالسّموات القائمات الممسكات المنشات
هنّ بالقدرة واقفات بالسّبع المنطابقات
بالحجب المترادفات بمجاري الافلاك بمواقع الاملاك
بالكرسيّ البسيط بالعرش المحيط بالقدرة العليا
التي ليس لها منتهى بغاية الغايات بمواضع الاشارات
بصانع المصنوعات بربّ البريّات بمن دنى
فتدلّى فكان قاب قوسين او ادنى بالرحمن على
العرش استوى ادحضت المردة والظالمين
فاندحضوا ورميت اعدائي من الانس والجنّ فكبتوا
واكمدتهم بعزائم الله فاكتمدوا وخاب المارد
وذلّ الحاسد واشتغل عنّي كلّ معاند باسماء الله
احترست وبالله اعتصمت رضيت بالله ربّا
قائما على من عاداني واستعنت بالله على من ناواني

الهی کیف اقطع املی وکیف اخشی وعلیک
متکلی اعذنا اللهم من سطوات المارق
ومن کید الفاسق ومن عین الرامق ومن شر
الطارق الا طارقا یطرق بخیر یا رحمن یا رحمن یا
رحمن یا ذا الجلال والاکرام ببدء کل بدء
بدوامك حیث لا منتهی وباسمك الذی بسطت
به الارض وامسکت به السماء وبحرزك النار
ان تذیب به البرد وبالجامك الذی الجمت به
صولة الاسد الذی یظهر فی کل بلد الجم الله
عنی من طغی وبغی وتمرد وعصی وکاد وجحد وبرق
وزرق وزجرت کل عدو لی واعدائی من الانس و
الجن ادحضتهم وشتتهم ومزقتهم وقطعتهم و
فرقتهم وصیرتهم وسیرتهم وطیرتهم وطردتهم
وابعدتهم وافنیتهم وشتت جمعهم بالف
الف مرة بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب

العالمين الرحمن الرحيم مالك يوم الدين اياك
نعبد و اياك نستعين اهدنا الصراط المستقيم
صراط الذين انعمت عليهم غير المغضوب
عليهم ولا الضالين وزجرت كل عدو لي و
اعداء لي من الانس والجن ادحضتهم وشتتهم
ومزقتهم وفرقتهم وقطعتهم وصيرتهم و
سيرتهم وطردتهم وابعدتهم وافنيتهم و
شتت جمعهم بالف الف مرة بسم الله
الرحمن الرحيم قل يا ايها الكافرون لا اعبد ما
تعبدون ولا انتم عابدون ما اعبد ولا انا
عابد ما عبدتم ولا انتم عابدون ما اعبد لكم
دينكم ولي دين وزجرت كل عدو لي و
اعداء لي من الانس والجن ادحضتهم وشتتهم
ومزقتهم وفرقتهم وقطعتهم وصيرتهم وسيرتهم
وطردتهم وابعدتهم وافنيتهم وشتت جمعهم

بالف الف مرة بسم الله الرحمن الرحيم
قل هو الله احد الله الصمد لم يلد ولم يولد
ولم يولد ولم يكن له كفوا احد وزجرت
كل عدو لي واعداء لي من الانس والجن
وادحضتهم وشتتهم ومزقتهم وفرقتهم وقطعتهم
وصيرتهم وسيرتهم وطردتهم وابعدتهم
وافنيتهم وشتت جمعهم بالف الف مرة
بسم الله الرحمن الرحيم قل اعوذ برب الفلق
من شر ما خلق ومن شر غاسق اذا وقب ومن شر
النفاثات في العقد ومن شر حاسد اذا حسد
وزجرت كل عدو لي واعداء لي من الانس والجن
ادحضتهم وشتتهم ومزقتهم وفرقتهم و
قطعتهم وصيرتهم وسيرتهم وطردتهم و
ابعدتهم وافنيتهم وشتت جمعهم بالف
الف مرة بسم الله الرحمن الرحيم قل اعوذ برب

الناس

الناس ملك الناس اله الناس من شر الوسواس
الخناس الذی یوسوس فی صدور الناس
من الجنة والناس وزجرت کل عدو لی و
اعداء لی من الجن والانس ادحضتهم وشتتهم
ومزقتهم وفرقتهم وقطعتهم وصیرتهم و
سیرتهم وطردتهم وابعدتهم وافنیتهم
وشتت جمعهم بکهیعص وبحم عسق وبطه
وبیس وبنون والقلم وما یسطرون وبالطور و
کتاب مسطور فی رق منشور والبیت المعمور
والسقف المرفوع والبحر المسجور فولوا مدبرین و
علی ادبارهم خاشعین فغلبوا هنالك وانقلبوا
صاغرین وقدمنا الی ما عملوا من عمل فجعلناه
هباء منثورا فوقع الحق وبطل ما کانوا یعملون
بالف الف مرة لا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم وصلی الله علی محمد واله اجمعین الطاهرین

اللّهمّ يا مالكَ الرّقابِ
ويا هازمَ الاحزابِ ويا مفتّحَ الابوابِ ويا
مسبّبَ الاسبابِ هيّئ لنا سببا لا نستطيعُ
له طلبا بفضلكَ يا ارحمَ الرّاحمين
يا صمدى من عندكَ
مددى وعليكَ معتمدى ايّاكَ اعبدُ وايّاكَ
استعين اعيذُ واجيرُ نفسى ومالى وولدى
وعرضى وجميعَ المؤمنين والمؤمنات بالله لا اله
الّا هو الحىّ القيّومُ لا تاخذهُ سنةٌ ولا نومٌ له
ما فى السّموات وما فى الارضِ من ذا الّذى يشفعُ
عندهُ الّا باذنه يعلمُ ما بين ايديهم وما خلفهم
ولا يحيطون بشئٍ من علمه الّا بما شاء وسع كرسيّهُ
السّموات والارضَ ولا يؤده حفظهما وهو
العلىّ العظيم

نواب خورشید احتجاب ضیاء بیضا ضیای آفتاب

خلافت دارت دولتها و دامت شوکتها را

عرضه میدارد هرگاه صلاح دانند اظهار حیاتی

ادلست
بشود و دعای سهم اللیل با تمام رسد اگرچه دون

دعای عظیم القدر معروف بدعای کمیل

بِسۡمِ اللّٰهِ الرَّحۡمٰنِ الرَّحِیۡمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

اَللّٰهُمَّ اِنّیۡ اَسۡئَلُكَ بِرَحۡمَتِكَ الَّتی وَسِعَتۡ

خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو بحق رحمت تو آن رحمتی که فرا گرفته است

کُلَّ شَیۡءٍ وَبِقُوَّتِكَ الَّتی قَهَرۡتَ بِهَا کُلَّ شَیۡءٍ

هر چیز را وبتوانایی تو که قهر کرده بآن هر چیز را

وَخَضَعَ لَهَا کُلُّ شَیۡءٍ وَذَلَّ لَهَا کُلُّ شَیۡءٍ

وخاضع ومنقاد گردیده است برای آن هر چیز وخوار وذلیل شده است برای آن هر چیز

وَبِجَبَرُوتِكَ الَّتی غَلَبۡتَ بِهَا کُلَّ شَیۡءٍ وَ

وبجبروت وبزرگواری تو که غالب گردیده بآن هر چیز را و

بِعِزَّتِكَ الَّتی لَا یَقُومُ لَهَا شَیۡءٌ وَبِعَظَمَتِكَ الَّتی

بعزت تو که دربرابر آن نمی ایستد چیزی وبعظمت وبزرگی تو که

مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَبِسُلْطَانِكَ الَّذِي عَلَا

پر کرده است هر چیز را و بپادشاهی تو که بر زبر است

كُلَّ شَيْءٍ وَبِوَجْهِكَ الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ

هر چیز را و بذات مقدس تو که باقیست بعد از فانی شدن هر

شَيْءٍ وَبِأَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأَتْ اَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ

چیز و بنامهای تو که پر کرده است اجزا و ارکان هر چیز را

وَبِعِلْمِكَ الَّذِي اَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ وَبِنُورِ وَجْهِكَ

و بدانایی تو که فرا گرفته است هر چیز را و بروشنی ذات تو

الَّذِي اَضَاءَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ يَا

که روشن شده است برای آن هر چیز ای هویدا ای بسیار منزه از بدیها ای

اَوَّلَ الْاَوَّلِينَ وَيَا اٰخِرَ الْاٰخِرِينَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ

پیشتر از پیشینیان وای پستر از پسینیان خداوندا بیامرز

لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ

برای من گناهانی را که میدرد پردهای عصمت را خداوندا بیامرز

لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ النِّقَمَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ

برای من گناهانی را که فرو می آورد عذابهای خدا را خداوندا بیامرز

لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ

برای من گناهانی را که تغییر میدهد نعمتهای خدا را خداوندا بیامرز برای من

الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ

گناهانی را که حبس میکند دعا را خداوندا بیامرز برای من

الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ الْبَلَاءَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي
کناهانی را که نازل میکرداند بلارا خداوندا بیامرز برای من

كُلَّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ وَكُلَّ خَطِيئَةٍ اَخْطَاْتُهَا
هر گناه که کرده ام و هر خطا که بنادانی بجا آورده ام

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِذِكْرِكَ وَاَسْتَشْفِعُ
خداوندا بدرستی که من نزدیکی میجویم بسوی تو بیاد کردن تو و شفیع میکردانم

بِكَ اِلَى نَفْسِكَ وَاَسْئَلُكَ بِجُودِكَ اَنْ تُدْنِيَنِي
ترا بسوی تو و سؤال میکنم از تو بسبب بخشش تو که نزدیک کردانی مرا

مِنْ قُرْبِكَ وَاَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَكَ وَاَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ
بقرب خود و توفیق دهی مرا برای شکر خود و الهام نمایی مرا ذکر خود

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ خَاشِعٍ
خداوندا من سؤال میکنم از تو مانند سؤال کسی که با خضوع باشد و اظهار مذلت نماید و با
خشوع و کریه باشد

اَنْ تُسَامِحَنِي وَتَرْحَمَنِي وَتَجْعَلَنِي بِقِسْمِكَ رَاضِيًا
برای آنکه با من مسامحه نمایی و رحم کنی مرا و بگردانی مرا بقسمت تو که برای من کرده خشنودی

قَانِعًا وَفِي جَمِيعِ الْاَحْوَالِ مُتَوَاضِعًا اَللّٰهُمَّ وَ
وقناعت کننده و در تمام احوال تواضع کننده خداوندا و

اَسْئَلُكَ سُؤَالَ مَنِ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَاَنْزَلَ بِكَ
سؤال میکنم از تو سؤال کسی که سخت شده است فقر او و فرود آورده است بتو

عِنْدَ الشَّدَائِدِ حَاجَتَهُ وَعَظُمَ فِيمَا عِنْدَكَ
نزد سختیها حاجت خودرا و بزرگ شده است در آنچه نزد تست از نوالها

رَغبَتُهُ اَللّٰهُمَّ عَظُمَ سُلطانُكَ وَعَلا مَكانُكَ

خواهش او خداوندا بزرگست پادشاهی تو وبلنداست مکان ومنزلت تو

وَخَفِيَ مَكرُكَ وَظَهَرَ اَمرُكَ وَغَلَبَ قَهرُكَ

وپنهان است مکر تو وهویداست امر تو وغالب است قهر تو

وَجَرَتْ قُدرَتُكَ وَلا يُمكِنُ الفِرارُ مِن حُكُومَتِكَ

وجاریست قدرت تو وممکن نیست گریختن از حکومت تو

اَللّٰهُمَّ لا اَجِدُ لِذُنُوبي غافِرًا وَلا لِقَبائِحي ساتِرًا

خداوندا نمی‌یابم برای گناهان خود آمرزنده ونه برای قبایح خود پوشنده

وَلا لِشَيْءٍ مِن عَمَلِيَ القَبيحِ بِالحَسَنِ مُبَدِّلًا غَيرَكَ

ونه برای چیزی از عمل قبیح من بعمل نیک بدل کننده غیر تو

لا اِلٰهَ اِلّا اَنتَ سُبحانَكَ وَبِحَمدِكَ ظَلَمتُ نَفسي

نیست خدایی بجز تو بپاکی یاد میکنم ترا وبحمد تو مشغولم ستم کردم نفس خود را

وَتَجَرَّأتُ بِجَهلي وَسَكَنتُ اِلٰى قَديمِ ذِكرِكَ

وبسیار جرات کردم بنادانی خود واعتماد کردم بر آنکه پیوسته یاد کردی

لي وَمَنِّكَ عَلَيَّ اَللّٰهُمَّ مَولايَ كَم مِن قَبيحٍ

مرا وانعام کردی بر من خداوندا ای آقای من چه بسیار قبیح

سَتَرتَهُ وَكَم مِن فادِحٍ مِنَ البَلاءِ اَقَلتَهُ وَكَم مِن

که پوشاندی آنرا وچه بسیار گران از بلاها که زایل کردی آنرا وچه بسیار

عِثارٍ وَقَيتَهُ وَكَم مِن مَكرُوهٍ دَفَعتَهُ وَكَم

لغزشها که نگاهداشتی از آن وچه بسیار ناخوش که دفع کردی آنرا وچه بسیار

مِنْ ثَنَاۤءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ اَهْلاً لَهُ نَشَرْتَهُ اَللّٰهُمَّ عَظُمَ
ثنای نیکو که من نبودم سزاوار آن پهن کردی آنرا خداوندا بزرگ شده است
بَلاۤئِي وَاَفْرَطَ بِي سُوۤءُ حَالِي وَقَصُرَتْ بِي اَعْمَالِي وَ
بلای من و از حد گذشته است بدی حال من و نارسا ست از نجات من کردهای من و
قَعَدَتْ بِي اَغْلاَلِي وَحَبَسَنِي عَنْ نَفْعِي بُعْدُ اَمَالِي
عاجز کرده است مرا غلهای من و منع کرده است مرا از نفع خود آرزوهای دور من
وَخَدَعَتْنِي الدُّنْيَا بِغُرُورِهَا وَنَفْسِي بِخِيَانَتِهَا
و بازی داده است مرا دنیا بفریب خود و فریب داده است نفس من بخیانت خود
وَمِطَالِي يَا سَيِّدِي فَاَسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ اَنْ لاَ
و به پس انداختن عمل من ای آقای من پس سوال میکنم از تو بعزت تو که
يَحْجُبَ عَنْكَ دُعَاۤئِي سُوۤءُ عَمَلِي وَفِعَالِي وَلاَ تَفْضَحْنِي
منع نکند از تو دعای مرا بدی عمل من و کردار من و رسوا مکن مرا
بِخَفِيِّ مَا اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي وَلاَ تُعَاجِلْنِي
به پنهان آنچه مطلع شده بر آن از راز من و زود مگیر مرا
بِالْعُقُوبَةِ عَلٰى مَا عَمِلْتُهُ فِي خَلَوَاتِي مِنْ سُوۤءِ
بعقوبت بر آنچه کرده ام در خلوتهای خود از بدی
فِعْلِي وَاِسَاۤئَتِي وَدَوَامِ تَفْرِيطِي وَجَهَالَتِي وَكَثْرَةِ
کردار خود و گناه من و دایم بودن تقصیر خود و نادانی خود و بسیاری
شَهَوَاتِي وَغَفْلَتِي وَكُنِ اللّٰهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي
شهوتهای خود و غفلت خود و باش خداوندا بعزت خود برای من

فِي الْأَحْوَالِ كُلِّهَا رَؤُوفًا وَعَلَيَّ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ

در احوال همه رحم کننده و بر من در همهٔ امور

عَطُوفًا إِلٰهِي وَرَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ أَسْأَلُهُ كَشْفَ

مهربان ای خداوند من و پروردگار من کیست مرا غیر از تو که از او سؤال کنم کشودن

ضُرِّي وَالنَّظَرَ فِي أَمْرِي إِلٰهِي وَمَوْلَايَ أَجْرَيْتَ

بد حالی خود را و نظر کردن در کار خود را ای خداوند من و آقای من جاری ساختی

عَلَيَّ حُكْمًا اتَّبَعْتُ فِيهِ هَوَى نَفْسِي وَلَمْ أَحْتَرِسْ

بر من حکمی را که پیروی کردم در آن خواهش نفس خود را و نگاهداری نکردم خود

فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ عَدُوِّي فَغَرَّنِي بِمَا أَهْوَى وَأَسْعَدَهُ

را در آن حکم از زینت دادن دشمن خود پس فریب داد مرا بانچه خواست و یاری او کرد

عَلَى ذٰلِكَ الْقَضَاءُ فَتَجَاوَزْتُ بِمَا جَرَى عَلَيَّ مِنْ

بر امر قضای خدا پس در گذشتم بانچه جاری شد بر من از

ذٰلِكَ بَعْضَ حُدُودِكَ وَخَالَفْتُ بَعْضَ أَوَامِرِكَ

قضا پاره از حدهای ترا و مخالفت کردم پاره امرهای ترا

فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذٰلِكَ وَلَا حُجَّةَ لِي فِيمَا

پس برای تست حمد بر من لازم در همهٔ این احوال و نیست حجتی برای من در آنچه

جَرَى عَلَيَّ فِيهِ قَضَاؤُكَ وَأَلْزَمَنِي حُكْمُكَ

جاری شده بر من در آن قضای تو و لازم گردانید بر من حکم تو

وَبَلَاؤُكَ وَقَدْ أَتَيْتُكَ يَا إِلٰهِي بَعْدَ تَقْصِيرِي وَ

و امتحان تو و بتحقیق که آمده ام نزد تو ای خدای من بعد از تقصیر خود و

إسرافي على نفسي معتذراً نادماً منكسراً مستقيلاً

بسیار ضرر رسانیدن بر نفس خود عذر خواهنده پشیمان شکسته خواهان عفو

مستغفراً منيباً مقراً مذعناً معترفاً لا أجد

طلب کننده آمرزش توبه کننده اقرار کننده بگناه تصدیق کننده بآن اعتراف کننده بآن نمی یابم

مفراً مما كان مني ولا مفزعاً أتوجه إليه

گریزگاهی از آنچه صادر شده از من ونه پناهی که رو کنم بسوی آن

في أمري غير قبولك عذري وإدخالك إياي

در کار خود بغیر قبول کردن تو عذر مرا و داخل کردن تو مرا

في سعة من رحمتك اللهم فاقبل عذري و

در گشادگی از رحمت خود خداوندا پس قبول کن عذر مرا و

ارحم شدة ضري وفكني من شد وثاقي يا رب

رحم کن شدت بدحالی مرا و رها کن مرا از بستن بند گناهان مرا پروردگارا

ارحم ضعف بدني ورقة جلدي ودقة عظمي

رحم کن ضعف بدن مرا و تنگی پوست مرا و باریکی استخوان مرا

يا من بدأ خلقي وذكري وتربيتي وبري و

ای کسی که ابتدا کردی آفریدن مرا و یاد کردن مرا و تربیت کردن مرا و نیکی مرا و

تغذيتي هبني لابتداء كرمك وسالف برك

غذا دادن مرا. ببخش مرا برای ابتدا کردن کرم خود و برای نیکیهای پیش

بي يا إلهي وسيدي وربي أتراك معذبي بنارك

که بمن کرده ای خدای من و آقای من و پروردگار من آیا می بینی خود را که عذاب کنی مرا بآتش خود

بعد

بَعْدَ تَوْحِيدِكَ وَبَعْدَ مَا انْطَوى عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ

بعد از اقرار من بیگانگی تو وبعد از آنچه پیچیده شده است بر آن دل من از

مَعْرِفَتِكَ وَلَهِجَ بِهِ لِسانِي مِنْ ذِكْرِكَ وَاعْتَقَدَهُ

شناخت تو وگویا شده است بآن زبان من از یاد تو ومحکم کرده است آنرا

ضَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ وَبَعْدَ صِدْقِ اعْتِرافِي وَ

دل من از محبت تو وبعد از راستی اعتراف من بگناه خود

دُعائِي خاضِعاً لِرُبُوبِيَّتِكَ هَيْهاتَ اَنْتَ اَكْرَمُ

دعا کردن من از روی خضوع برای پروردگاری تو دور است این سخن تو کریمتری

مِنْ اَنْ تُضَيِّعَ مَنْ رَبَّيْتَهُ اَوْ تُبَعِّدَ مَنْ اَدْنَيْتَهُ اَوْ

از آنکه ضایع گردانی کسی را که خود تربیت کرده او را یا دور گردانی کسی را که نزدیک کرده او را یا

تُشَرِّدَ مَنْ آوَيْتَهُ اَوْ تُسَلِّمَ اِلَى الْبَلاءِ مَنْ كَفَيْتَهُ

برانی کسی را که جا داده او را یا بگذاری بسوی بلا کسی را که دفع شر از او کرده

وَرَحِمْتَهُ وَلَيْتَ شِعْرِي يا سَيِّدِي وَاِلهِي وَمَوْلايَ

واو را رحم کرده وکاش میدانستم ای بزرگ من وخدای من وآقای من

اَتُسَلِّطُ النّارَ عَلى وُجُوهٍ خَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ ساجِدَةً

آیا مسلط خواهی کرد آتش را بر روها که در افتاده اند نزد عظمت تو سجده کننده

وَعَلى اَلْسُنٍ نَطَقَتْ بِتَوْحِيدِكَ صادِقَةً وَبِشُكْرِكَ

وبر زبانها که گویا شده اند بیگانگی تو راست گویان وبشکر تو

مادِحَةً وَعَلى قُلُوبٍ اعْتَرَفَتْ بِاِلهِيَّتِكَ مُحَقِّقَةً

مدح گویان وبر دلها که اعتراف کرده اند بخدایی تو از روی یقین

وَعَلٰى ضَمَآئِرَ حَوَتْ مِنَ الْعِلْمِ بِكَ حَتّٰى صَارَتْ خَاشِعَةً

و بر خاطرها که احاطه کرده اند از دانایی بتو تا آنکه گردیده اند با خشوع

وَعَلٰى جَوَارِحَ سَعَتْ اِلٰى اَوْطَانِ تَعَبُّدِكَ طَآئِعَةً

و بر عضوی چند که سعی کرده اند بسوی محلهای عبادت تو بطوع و رغبت

وَاَشَارَتْ بِاسْتِغْفَارِكَ مُذْعِنَةً مَا هٰكَذَا

و اشاره کرده بطلب آمرزش از تو از روی اذعان نیست چنین

الظَّنُّ بِكَ وَلَا اُخْبِرْنَا بِفَضْلِكَ عَنْكَ يَا كَرِيمُ

گمان ما بتو و چنین خبر نداده اند ما را بفضل تو از تو ای صاحب کرم

يَا رَبِّ وَاَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَآءِ الدُّنْيَا

ای پروردگار و تو میدانی ناتوانی مرا از اندکی از بلاهای دنیا

وَعُقُوبَاتِهَا وَمَا يَجْرِي فِيهَا مِنَ الْمَكَارِهِ عَلٰى

و عقوبتهای آن و آنچه جاری میشود در دنیا از مکروهات بر

اَهْلِهَا عَلٰى اَنَّ ذٰلِكَ بَلَآءٌ وَمَكْرُوهٌ قَلِيلٌ مَكْثُهُ

اهل آن با آنکه این بلایی و ناخوشی است که اندک است ماندن آن

يَسِيرٌ بَقَآؤُهُ قَصِيرٌ مُدَّتُهُ فَكَيْفَ احْتِمَالِي لِبَلَآءِ

و کم است بقای آن و کوتاه است مدت آن پس چگونه باشد تاب آوردن من مر بلای

الْاٰخِرَةِ وَجَلِيلِ وُقُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا وَهُوَ بَلَآءٌ

آخرت را و بزرگ واقع شدن ناخوشیهایی که در آن میباشد و حال آنکه آن بلاییست

تَطُولُ مُدَّتُهُ وَيَدُومُ مَقَامُهُ وَلَا يُخَفَّفُ عَنْ

که طولانیست مدت آن و دائمیست اقامت آن و سبک نمیشود از

اهله

اَهلِهِ لِاَنَّهُ لایَکُونُ اِلَّا عَنْ غَضَبِكَ وَ

از اهل آن زیرا که آن نمیباشد مگر از غضب تو و

اِنْتِقامِكَ وَ سَخَطِكَ وَ هٰذا ما لایَقُومُ لَهُ السَّمٰواتُ

انتقام کشیدن تو و خشم تو و چنین امر نمیتوانند ایستاد و تاب آورد آسمانها

وَ الْاَرْضُ یا سَیِّدی فَکَیْفَ لی وَ اَنَا عَبْدُكَ

و زمین ای آقای من پس چگونه من تاب آورم و حال آنکه من بندهٔ توام

الضَّعیفُ الذَّلیلُ الْحَقیرُ الْمِسْکینُ الْمُسْتَکینُ

ناتوان و خوار و بیمقدار و تنگدست و شکستگی کننده

یا اِلٰهی وَ رَبّی وَ سَیِّدی وَ مَوْلایَ لِاَیِّ الْاُمُورِ اِلَیْكَ

ای خدای من و پروردگار من و بزرگ من و آقای من برای کدام یک از امور بسوی تو

اَشْکُو وَ لِما مِنْها اَضِجُّ وَ اَبْکی لِاَلیمِ الْعَذابِ وَ

شکایت کنم و برای کدام یک از آنها بجزع و بگریم آیا برای عذاب دردناک و

شِدَّتِهِ اَوْ لِطُولِ الْبَلاۤءِ وَ مُدَّتِهِ فَلَئِنْ صَیَّرْتَنی

سختی آن یا برای درازی بلا و مدت آن پس اگر بگردانی مرا

فِی الْعُقُوباتِ مَعَ اَعْدآئِكَ وَ جَمَعْتَ بَیْنی وَ بَیْنَ اَهْلِ

در عقوبتها با دشمنان خود و جمع کنی میان من و میان اهل

بَلاۤئِكَ وَ فَرَّقْتَ بَیْنی وَ بَیْنَ اَحِبّآئِكَ وَ اَوْلِیآئِكَ

بلای خود و جدائی افکنی میان من و میان دوستان خود و اولیای خود

فَهَبْنی یا اِلٰهی وَ سَیِّدی وَ مَوْلایَ وَ رَبّی صَبَرْتُ عَلٰی

پس گرفتم ای خدای من و سید من و آقای من و پروردگار من که صبر کردم بر

عَذَابِكَ فَكَيْفَ اَصْبِرُ عَلٰى فِرَاقِكَ وَهَبْنِى صَبَرْتُ

عذاب تو پس چگونه صبر کنم بر مفارقت تو و گرفتم که صبر کردم

عَلٰى حَرِّ نَارِكَ فَكَيْفَ اَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ اِلٰى كَرَامَتِكَ

بر گرمی آتش تو پس چگونه صبر کنم بر محرومی از نظر بسوی گرامی داشتن تو

اَمْ كَيْفَ اَسْكُنُ فِى النَّارِ وَرَجَائِىْ عَفْوُكَ فَبِعِزَّتِكَ

یا چگونه ساکن شوم در آتش و حال آنکه امید من آن بود که عفو کنی از من پس بعزت تو

يَا سَيِّدِىْ وَمَوْلَاىَ اُقْسِمُ صَادِقًا لَئِنْ تَرَكْتَنِىْ

ای آقای من و صاحب اختیار من قسم میخورم براستی که اگر واگذاری مرا

نَاطِقًا لَاَضِجَّنَّ اِلَيْكَ بَيْنَ اَهْلِهَا ضَجِيْجَ الْاٰمِلِيْنَ

سخنگو هرآینه خروش برآورم بسوی تو میان اهل جهنم خروش امیدواران

وَلَاَصْرُخَنَّ اِلَيْكَ صُرَاخَ الْمُسْتَصْرِخِيْنَ وَلَاَبْكِيَنَّ

و ناله کنم بسوی تو ناله استغاثه کنندگان و گریم از محرومی از

عَلَيْكَ بُكَاءَ الْفَاقِدِيْنَ وَلَاُنَادِيَنَّكَ اَيْنَ كُنْتَ

رحمت و لطف تو گریستن آنان که دوست خود را گم کرده باشند و البته فریاد برآورم که کجائی ای

يَا وَلِىَّ الْمُؤْمِنِيْنَ يَا غَايَةَ اٰمَالِ الْعَارِفِيْنَ يَا غِيَاثَ

تو ای دوست مؤمنان و کارساز ایشان ای نهایت آرزوهای عارفان ای فریادرس

الْمُسْتَغِيْثِيْنَ وَيَا حَبِيْبَ قُلُوْبِ الصَّادِقِيْنَ وَيَا

یاری جویان و ای دوست دلهای راست گویان و ای

اِلٰهَ الْعَالَمِيْنَ اَفَتَرَاكَ سُبْحَانَكَ يَا اِلٰهِىْ وَبِحَمْدِكَ

خداوند عالمیان آیا یافته میشوی تنزیه میکنم ترا ای خدای من و بحمد تو مشغولم

تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سُجِنَ فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ

که بشنوی در جهنم صدای بندهٔ مسلمانی را که در زندان کرده باشند او را در جهنم بسبب مخالفت او

وَذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا بِمَعْصِيَتِهِ وَحُبِسَ بَيْنَ اَطْبَاقِهَا

و چشیده باشد مزه عذاب آنرا بنافرمانی خود و بند کرده باشند میان طبقات جهنم

بِجُرْمِهِ وَجَرِيرَتِهِ وَهُوَ يَضِجُّ اِلَيْكَ ضَجِيجَ مُؤَمِّلٍ

بجرم او و جنایت او و او خروش کند بسوی تو خروش کسی که امیدوار

لِرَحْمَتِكَ وَيُنَادِيكَ بِلِسَانِ اَهْلِ تَوْحِيدِكَ وَ

رحمت تو باشد و ندا کند ترا بزبان یگانه پرستان تو و

يَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ يَا مَوْلَايَ فَكَيْفَ يَبْقَى

توسل جوید بسوی تو بپروردگاری تو ای آقای من پس چگونه باقی ماند

فِي الْعَذَابِ وَهُوَ يَرْجُو مَا سَلَفَ مِنْ حِلْمِكَ وَ

در عذاب و حال آنکه او امیدوارد آنچه پیش دیده است از بردباری تو و

رَاْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ اَمْ كَيْفَ تُؤْلِمُهُ النَّارُ وَهُوَ يَاْمُلُ

مهربانی تو و رحم کردن تو یا چگونه بدرد آورد او را آتش و او امید دارد

فَضْلَكَ وَرَحْمَتَكَ اَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ لَهَبُهَا وَاَنْتَ تَسْمَعُ

فضل ترا و رحمت ترا یا چگونه بسوزد او را زبانهٔ آتش و تو بشنوی

صَوْتَهُ وَتَرَى مَكَانَهُ اَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا

صدای او را و ببینی مکان او را یا چگونه مشتمل شود بر او زبانهای صدای او

وَاَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ اَمْ كَيْفَ يَتَغَلْغَلُ بَيْنَ اَطْبَاقِهَا

و تو دانی ناتوانی او را یا چگونه مضطرب باشد میان طبقات جهنم

وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ أَمْ كَيْفَ تَزْجُرُهُ زَبَانِيَتُهَا

و تو دانی راست گویی اورا یا چگونه زجر نماید اورا زبانیهٔ جهنم

وَهُوَ يُنَادِيكَ يَا رَبَّهُ أَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي

و او ندا کند ترا که ای پروردگار یا چگونه با امید او فضل ترا در

عِتْقِهِ مِنْهَا فَتَتْرُكُهُ فِيهَا هَيْهَاتَ مَا ذٰلِكَ

آزاد کردن او از جهنم خواهی گذاشت او را در آن دور است این حال و چنین نیست

الظَّنُّ بِكَ وَلَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ وَلَا مُشْبِهٌ لِمَا

گمان بتو و نه شناخته شده است از فضل تو و نه شبیه است بآنچه

عَامَلْتَ بِهِ الْمُوَحِّدِينَ مِنْ بِرِّكَ وَإِحْسَانِكَ

معامله کرده بآن یگانه پرستان از نیکی تو و احسان تو

فَبِالْيَقِينِ أَقْطَعُ لَوْلَا مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذِيبِ

پس بیقین قطع دارم که اگر نه آن بود که حکم کرده که عذاب کنی

جَاحِدِيكَ وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ إِخْلَادِ مُعَانِدِيكَ

منکران خداوندی خود را و مقرر گردانیده که همیشه در جهنم بداری معاندان خود را

لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَسَلَامًا وَمَا كَانَتْ

هر آینه میگردانیدی آتش را همه سرد و سلامت و نبود

لِأَحَدٍ فِيهَا مَقَرًّا وَلَا مُقَامًا لٰكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ

احدی را در آن محل قراری و نه جای اقامتی لیکن تو که مقدس است

أَسْمَاؤُكَ أَقْسَمْتَ أَنْ تَمْلَأَهَا مِنَ الْكَافِرِينَ مِنَ

نامهای تو قسم یاد کرده که پر کنی جهنم را از کافران از

الجنة

الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ اَجْمَعِينَ وَاَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا الْمُعَانِدِينَ

جنیان و مردمان همه واکه همیشه بداری در جهنم معاندان را

وَاَنْتَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ قُلْتَ مُبْتَدِئًا وَتَطَوَّلْتَ

و تو که بزرگ است ستایش تو گفته ابتدا کننده و بخشش کرده

بِالْاِنْعَامِ مُتَكَرِّمًا اَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ

بنعمت دادن کرم کننده تا بگه گفته آیا کسی که بود مؤمن مانند کسی است که بود

فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ اِلٰهِي وَسَيِّدِي فَاَسْئَلُكَ

فاسق مساوی نیستند ای اله من و آقاے من پس سوال میکنم ترا

بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَّرْتَهَا وَبِالْقَضِيَّةِ الَّتِي حَتَمْتَهَا

بتقدیری که مقدر کرده آنرا و به حکمی که حتم کرده آنرا

وَحَكَمْتَهَا وَغَلَبْتَ مَنْ عَلَيْهِ اَجْرَيْتَهَا اَنْ

و حکم کرده بر آن و غالب شده بر کسی که این حکم را بر او جاری ساخته اینکه

تَهَبَ لِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هٰذِهِ السَّاعَةِ

ببخشی بمن در این شب و در این ساعت

كُلَّ جُرْمٍ اَجْرَمْتُهُ وَكُلَّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ وَكُلَّ

هر جرمی که کسب کرده ام آنرا و هر گناهی که مرتکب شده ام آنرا و هر

قَبِيحٍ اَسْرَرْتُهُ وَكُلَّ جَهْلٍ عَمِلْتُهُ كَتَمْتُهُ اَوْ اَعْلَنْتُهُ

کار بدی که پنهان کرده ام آنرا و هر نادانی که بعمل آورده ام آنرا خواه پنهان کرده باشم آنرا و خواه آشکار

اَخْفَيْتُهُ اَوْ اَظْهَرْتُهُ وَكُلَّ سَيِّئَةٍ اَمَرْتَ بِاِثْبَاتِهَا

و خواه مخفی کرده باشم و خواه هویدا و هر بدی که امر کرده بنوشتن آنها

الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ الَّذِينَ وَكَّلْتَهُمْ بِحِفْظِ
بزرگواران نویسندگانرا که موکل گردانیده آنها را که حفظ کنند
مَا يَكُونُ مِنِّي وَجَعَلْتَهُمْ شُهُودًا عَلَيَّ مَعَ جَوَارِحِي
آنچه صادر میشود از من وگردانیده ایشانرا گواهان برمن با اعضای بدن گواهی
وَكُنْتَ اَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ وَالشَّاهِدَ
خواهند داد وبودی تو مطلع برمن بغیر ایشان و گواه
لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ وَبِرَحْمَتِكَ اَخْفَيْتَهُ وَبِفَضْلِكَ
برآنچه پنهانست از ایشان وبرحمت خود پنهان کردی آنرا و بفضل خود
سَتَرْتَهُ وَاَنْ تُوَفِّرَ حَظِّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تُنْزِلُهُ اَوْ
پوشاندی آنرا وآنکه فراوان گردانی بهره مرا از هر نیکی که فرو فرستی آنرا یا
اِحْسَانٍ تُفَضِّلُهُ اَوْ بِرٍّ تَنْشُرُهُ اَوْ رِزْقٍ تَبْسُطُهُ اَوْ
احسانی که تفضل نمایی بآن یا خوبی که پهن کنی آنرا یا روزی که گشایش دهی آنرا یا
ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ اَوْ خَطَاءٍ تَسْتُرُهُ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ
گناهی که بیامرزی آنرا یا خطایی که بپوشانی آنرا ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار
يَا اِلٰهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمَالِكَ رِقِّي يَا مَنْ
من ای خدای من و آقای من و صاحب اختیار من و مالک بندگی من ای آنکسی
بِيَدِهِ نَاصِيَتِي يَا عَلِيمًا بِضُرِّي وَمَسْكَنَتِي يَا
بدست اوست موی پیش سر من ای دانا ببدحالی من وبیچارگی من ای
خَبِيرًا بِفَقْرِي وَفَاقَتِي يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ اَسْئَلُكَ
مطلع بر فقر من و احتیاج من ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من سؤال میکنم از تو

بحقك وقدسك واعظم صفاتك واسمائك

بحق تو وپاکی تو وبزرگترین صفات تو ونامهای تو

ان تجعل اوقاتي في الليل والنهار بذكرك

آنکه بگردانی اوقات مرا در شب و روز بیاد خود

معمورة وبخدمتك موصولة واعمالي عندك

آبادان وبخدمت تو پیوند شده واعمال مرا نزد خود

مقبولة حتى تكون اعمالي واورادي كلها

پسندیده تا آنکه بوده باشد کارهای من و وردهای من همه

وردا واحدا وحالي في خدمتك سرمدا يا

یک ورد وحال من در خدمت تو پیوسته وبی‌نهایت ای

سيدي يا من عليه معولي يا من اليه شكوت

آقای من ای آنکه براوست اعتماد من ای آنکه بسوی او شکایت کردم

احوالي يا رب يا رب يا رب قو على خدمتك

احوال خود را ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من توانا گردان بر خدمت خود

جوارحي واشدد على العزيمة جوانحي وهب

اعضای مرا وسخت کن بر عزم بستگی خود دل مرا وبخش

لي الجد في خشيتك والدوام في الاتصال

مرا جد در ترس تو ومداومت در متصل بودن

بخدمتك حتى اسرح اليك في ميادين السابقين

در خدمت تو تا روان شوم بسوی تو در میدانهای پیش روان

وَاُسْرِعَ اِلَيْكَ فِی الْمُبَادِرِينَ وَاَشْتَاقَ اِلَی

وبتند روم بسوی تو در پیشی گیرندگان ومشتاق گردم بسوی

قُرْبِكَ فِی الْمُشْتَاقِينَ وَاَدْنُوَ مِنْكَ دُنُوَّ

قرب تو در میان مشتاقان ونزدیک شوم بتو نزدیک شدن

الْمُخْلِصِينَ وَاَخَافَكَ مَخَافَةَ الْمُوقِنِينَ وَاَجْتَمِعَ فِی

مخلصان وبترسم از تو ترسیدن صاحبان یقین وگردایم در

جِوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ اَللّٰهُمَّ وَمَنْ اَرَادَنِی

همسایگی قرب تو با مؤمنان خداوندا وهر که اراده کند مرا

بِسُوءٍ فَاَرِدْهُ وَمَنْ كَادَنِی فَكِدْهُ وَاجْعَلْنِی

ببدی پس او را اراده کن ببدی هر که مکر کند با من تو برگردان مکر او را وبگردان مرا

مِنْ اَحْسَنِ عِبَادِكَ نَصِيبًا عِنْدَكَ وَاَقْرَبِهِمْ

از نیکوترین بندگان خود در بهره نزد تو ونزدیکترین ایشان

مَنْزِلَةً مِنْكَ وَاَخَصِّهِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ فَاِنَّهُ لَا يُنَالُ

در منزلت نسبت بتو ومخصوص‌ترین ایشان در قرب نزد تو زیرا که نمیتوان رسید

ذٰلِكَ اِلَّا بِفَضْلِكَ وَجُدْ لِی بِجُودِكَ وَاعْطِفْ

باین مرتبه مگر بفضل تو وبخشش کن برای من بجود خود ومهربانی کن

عَلَیَّ بِمَجْدِكَ وَاحْفَظْنِی بِرَحْمَتِكَ وَاجْعَلْ لِسَانِی

بر من ببزرگواری خود ونگاهدار مرا برحمت خود وبگردان زبان مرا

بِذِكْرِكَ لَهِجًا وَقَلْبِی بِحُبِّكَ مُتَيَّمًا وَمُنَّ عَلَیَّ

بیاد خود گویا ودل مرا بدوستی خود بیتاب ومنت نه بر من

بحسن

بحسن اجابتك واقلني عثرتي واغفر زلتي

به نیکی اجابت خود و درگذر از لغزش من و بیامرز گناه مرا

فانك قضيت على عبادك بعبادتك وامرتهم

بدرستیکه تو حکم کرده بر بندگان خود ببندگی خود و امر کرده ایشان را

بدعائك وضمنت لهم الاجابة فاليك يا رب

بدعای خود و ضامن شده برای ایشان مستجاب کردن را پس بسوی تو ای پروردگار من

نصبت وجهي واليك يا رب مددت يدي

باز داشته ام روی خود را و بسوی تو پروردگارا کشیده ام دست خود را

فبعزتك استجب لي دعائي وبلغني مناي

پس بعزت تو سوگند میدهم که مستجاب کن برای من دعای مرا و برسان مرا بآرزوی خود

ولا تقطع من فضلك رجائي واكفني شر الجن

و قطع مکن از فضل خود امید مرا و دفع کن از من بدی جنیان

والانس من اعدائي يا سريع الرضا اغفر لمن لا

و آدمیان را که دشمنان من باشند ای زود خشنود شونده بیامرز کسی را که از

يملك الا الدعاء فانك فعال لما تشاء يا من اسمه

دست او نمی آید کاری بجز دعا پس بدرستی که تو کننده آنچه را خواهی ای آنکه نام او

دواء وذكره شفاء وطاعته غنى ارحم

دوای دردهاست و یاد او شفای بیماریهاست و فرمانبرداری او سبب توانگریست رحم کن

من راس ماله الرجاء وسلاحه البكاء يا سابغ

کسی را که سرمایه اش امید است و حربه اش گریه است ای صاحب

النِّعَمِ یا دافِعَ النِّقَمِ یا نُورَ الْمُسْتَوْحِشِینَ فِی

نعمت کامل ای دفع کننده عذابها ای روشنایی وحشت یافتگان در

الظُّلَمِ یا عالِماً لا یُعَلَّمُ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

تاریکیها ای دانایی که نیاموخته از کسی درود فرست بر محمد و آل محمد

وَافْعَلْ بِی ما اَنْتَ اَهْلُهُ وَصَلَّی اللهُ عَلی رَسُولِهِ

و بکن بمن آنچه تویی سزاوار آن و درود فرستاد خدا بر رسول خود

وَالْاَئِمَّةِ الْمَیامِینِ مِنْ آلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِیماً کَثِیراً

و پیشوایان صاحب میمنت که آل او بیند و سلام فرستاد سلام فراوان

از دعای جلیل القدر مسمّی بدعای علوی مصری است

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

رَبِّ مَنْ ذَا الَّذِی دَعاکَ فَلَمْ تُجِبْهُ وَمَنْ ذَا الَّذِی

ای پروردگار من کیست آنکسی که خوانده باشد ترا پس رد کرده باشی تو جواب او را وکیست آنکه

سَأَلَکَ فَلَمْ تُعْطِهِ اَمْ مَنْ ذَا الَّذِی رَجاکَ فَخَیَّبْتَهُ

سؤال کرده باشد ترا پس نداده باشی تو مطلب او را یا کیست آنکه او امید وار باشد از تو پس نا امید کرده باشی او را

اَمْ ذَا الَّذِی تَقَرَّبَ اِلَیْکَ فَاَبْعَدْتَهُ رَبِّ هذا

یا کیست آنکه نزدیکی جسته باشد بسوی تو پس دور کرده باشی تو او را ای پروردگار من این

فِرْعَوْنُ ذُو الْاَوْتادِ مَعَ عِنادِهِ وَکُفْرِهِ وَعُتُوِّهِ وَ

فرعون که بود صاحب قوّت با وجود دشمنی او و کفر او و سرکشی او و

اِدِّعَائِهِ الرُّبُوبِيَّةَ لِنَفْسِهِ وَعِلْمِكَ بِاَنَّهُ لَا يَتُوبُ

و دعوی کردن او خدایی را برای خود و با وجود دانستن خود اینکه او توبه نمیکند

وَلَا يَرْجِعُ وَلَا يُؤْمِنُ وَلَا يَخْشَعُ اسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ

و بر نمیگردد و ایمان نمی آورد و فروتنی نمیکند اجابت نمودی برای او دعای او را

وَاَعْطَيْتَهُ سُؤْلَهُ كَرَمًا مِنْكَ وَجُودًا وَقِلَّةَ

و بخشیدی باو مطلب او را از روی کرم از جانب خود و بخشش خود و از جهت کمی

مِقْدَارٍ لِمَا سَاَلَكَ عِنْدَكَ مَعَ عِظَمِهِ عِنْدَهُ اَخْذًا

مرتبه آنچه سوال کرده بود از تو در نزد تو با وجود آنکه بزرگ بود آن در پیش او و از جهت آنکه فرا گیرنده بودی

بِحُجَّتِكَ عَلَيْهِ وَتَاْكِيدًا لَهَا حِينَ فَجَرَ وَكَفَرَ وَ

دلیل خود را بر او و از جهت محکم نمودن حجت خود را بر او در هنگامی که ظلم نمود و کافر شد و

اسْتَطَالَ عَلَى قَوْمِهِ وَتَجَبَّرَ وَبِكُفْرِهِ عَلَيْهِمُ افْتَخَرَ

گردن فرازی نمود بر گروه خود و بزرگی کرد و بسبب کفر خود بر ایشان سرافرازی نمود

وَبِظُلْمِهِ لِنَفْسِهِ تَكَبَّرَ وَبِحِلْمِكَ عَنْهُ اسْتَكْبَرَ

و بسبب ستم کردن او بر نفس خود گردنکشی کرد و بسبب بردباری تو از او طلب بزرگی نمود

فَكَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ جُرْاَةً مِنْهُ اَنَّ جَزَاءَ مِثْلِهِ اَنْ

پس نوشت بر او حکم بر نفس خودش از روی دلیری از او آنکه جزای مانند او شخصی این است که

يُغْرَقَ فِي الْبَحْرِ فَجَزَيْتَهُ بِمَا حَكَمَ عَلَى نَفْسِهِ اِلٰهِي وَاَنَا

غرق شود در دریا پس جزا دادی او را بآنچه لازم ساخته بود خودش بر نفس خود ای خدای من و من

عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ اَمَتِكَ مُعْتَرِفٌ لَكَ

بنده توام پسر بنده توام و پسر کنیز توام و من اعتراف کننده ام از برای تو

بِالْعُبُودِيَّةِ مُقِرٌّ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ

به بندگی واقرار دارم بآنکه تو توئی خدا که نیست خدائی مگر تو

خَالِقِي لَا إِلٰهَ لِي غَيْرُكَ وَلَا رَبَّ لِي سِوَاكَ مُقِرٌّ

آفریننده نیست خدائی غیر از تو ونیست پروردگاری برای من سوای تو اقرار دارم

بِأَنَّكَ رَبِّي وَإِلَيْكَ إِيَابِي عَالِمٌ بِأَنَّكَ عَلٰى كُلِّ

بآنکه تو پروردگار من و بسوی تست بازگشت من دانایم من بآنکه تو بر همه

شَيْءٍ قَدِيرٌ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ

چیز توانائی میکنی آنچه را که میخواهی و ثابت میکنی آنچه را که اراده نمائی

لَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِكَ وَلَا رَادَّ لِقَضَائِكَ وَأَنَّكَ

نیست تاخیر کننده مر امر ترا و نیست برگرداننده مر حکم تو را و دانایم من بآنکه تو

الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ لَمْ تَكُنْ

اول همه چیزها و آخر همه اشیائی و آشکارا توئی و پنهان توئی موجود نشدی تو

مِنْ شَيْءٍ وَلَمْ تَبِنْ عَنْ شَيْءٍ كُنْتَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ

از چیزی و جدا نگشتی تو از چیزی بودی تو پیش از همه چیز

وَأَنْتَ الْكَائِنُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ وَالْمُكَوِّنُ لِكُلِّ

و تو هستی که هستی بعد از همه چیز و تو وجود دهنده برای

شَيْءٍ خَلَقْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِتَقْدِيرٍ وَأَنْتَ السَّمِيعُ

چیز آفریده تو هر چیز را باندازه و تو هستی شنوا

الْبَصِيرُ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ كَذٰلِكَ كُنْتَ وَتَكُونُ

و بینا و گواهی میدهم من بآنکه تو همچنین بوده همیشه و خواهی بود

وانت حيّ قيّوم لا تأخذك سنة ولا نوم ولا

و توی زنده بخود برپا نمیگیرد ترا پینکی و نه خواب و

توصف بالأوهام ولا تدرك بالحواسّ ولا تقاس

تعریف کرده نمیشوی بوهمها و ادراک نمیکنند ترا حاسها و تقدیر کرده نمیشوی

بالمقياس ولا تشبّه بالنّاس وانّ الخلق

باندازه و مانند نیستی تو با دیگران و گواهی میدهم بآنکه خلایق

كلّهم عبيدك وإماؤك وانت الخالق ونحن

همه ایشان بندگان تو و کنیزان تواند و توئی آفریدگار و مایم

المخلوقون وانت الرّبّ ونحن المربوبون وانت

آفریده شدگانیم و توئی پروردگار و مایم پرورده شدگان و توئی

الرّازق ونحن المرزوقون فلك الحمد يا الهي إذ

روزی دهنده و مایم روزی داده شدگان پس از برای تست ستایش ای خداوند من

خلقتني بشرا سويّا وجعلتني غنيّا مكفيّا

چون که آفریدی تو مرا آدمی مستوی الخلقه یا معتدل کردی بنده بی نیاز نگاه داشته شده

بعد ما كنت طفلا صبيّا فقوّتني من الثّدي لبنا

بعد از آنکه بودم من طفل کودک پس قوت دادی تو مرا از پستان شیری

سائغا مريئا وغذّيتني بعد ذلك غذاء طيّبا

گوارنده گوارا و غذا دادی مرا غذایی نیکو و بسیار

هنيئا وجعلتني ذكرا مثالا سويّا فلك الحمد

گوارا ذکر دانیدی مرا مردی درست جثه معتدل الاعضا پس از برای تست ستایش

حمداً ان عدّ لم يحص وان وضع لم يتسع له شيء

ستایشی که گر شمرده شود در شمار نیاید آن را و اگر گذارده شود در جایی گنجایش آن نباشد چیزی را

حمداً يفوق على جميع حمد الحامدين ويعلو على

ستایشی که غالب آید بر همه ستایش ستایش کنندگان و ستایشی که بلند شود بر

حمد كل شيء ويفخم ويعظم على ذلك كله

ستایش هر چیزی و زیادتی کند و بزرگی نماید بر اینها همه

وكلما حمد الله شيء والحمد لله كما يحب الله

و هر وقتی که ستایش کند خدا را چیزی و همه ستایش برای خداست چنانکه دوست میدارد خدا

ان يحمد والحمد لله عدد ما خلق وزنة ما خلق

آنکه ستایش کرده شود او را و همه حمد برای خداست بشماره آنچه آفریده است او را و بوزن آنچه آفریده است

وزنة اجل ما خلق وزنة اخف ما خلق وبعدد

و بسنگینی بزرگترین آنچه آفریده است و بشماره کوچکترین آنچه آفریده است و بشماره و عدد

اكبر ما خلق وبعدد اصغر ما خلق والحمد لله

بزرگترین آنچه آفریده است و بشماره کوچکترین آنچه آفریده است و همه ستایش خدا را

حتى يرضى ربنا وبعد الرضا واسئله ان يصلي

تا آنکه راضی شود پروردگار ما و بالاتر از خشنودی و سؤال میکنم خدا را آنکه رحمت فرستد

على محمد وآل محمد وان يغفر لي ذنبي وان يحمد

بر محمد و آل محمد و آنکه بیامرزد برای من گناه مرا و آنکه ستوده کند

لي امري ويتوب علي انه هو التواب الرحيم

برای من کار مرا و بپذیرد و قبول نماید توبه مرا در ستی که خدا قبول کننده توبه و مهربان است

اِلٰهی وَاِنّی اَدعوکَ وَاَسئَلُکَ بِاِسمِکَ الَّذی
ای خداوند من و درستی که من میخوانم ترا و سؤال میکنم ترا بحق نام تو که
دَعاکَ بِهِ صَفوَتُکَ اَبُونا آدَمُ عَلَیهِ السَّلامُ
خوانده است ترا بآن نام برگزیده تو که پدر ماست آدم بر او باد سلام
وَهُوَ مُسیءٌ ظالِمٌ حینَ اَصابَ الخَطیئَةَ فَغَفَرتَ
و حال آنکه گناهکار و ستم کننده بود در هنگامی که رسیده بود بگناه پس آمرزیدی تو
لَهُ خَطیئَتَهُ وَتُبتَ عَلَیهِ وَاستَجَبتَ لَهُ
برای او گناه اورا و قبول کردی توبه اورا و برآوردی تو برای او
دَعوَتَهُ وَکُنتَ مِنهُ قَریبًا یا قَریبُ اَن تُصَلِّیَ
حاجت اورا و بودی تو با و نزدیک ای نزدیک بهمه کس رحمت فرستی
عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَن تَغفِرَ لی خَطیئَتی وَتَرضیٰ
بر محمد و آل محمد و آنکه بیامرزی برای من گناه مرا و خوشنود گردی
عَنّی وَاِن لَم تَرضَ عَنّی فَاعفُ عَنّی فَاِنّی مُسیءٌ
از من پس اگر خشنود نگردی از من پس درگذر از گناه من پس بدرستی که من کننده
ظالِمٌ خاطِئٌ عاصٍ وَقَد یَعفُو السَّیِّدُ عَن عَبدِهِ
و ستم نماینده و گناهکار و نافرمان بوده ام و بتحقیق که درمیگذرد آقا از بنده خود و
وَلَیسَ بِراضٍ عَنهُ وَتُرضیٰ عَنّی خَلقَکَ وَتُسقِطَ
حال آنکه نیست خوشنود از او و خوشنود گردانی از من آفریدگان خود را و ساقط کنی
عَنّی حَقَّکَ اِلٰهی وَاَسئَلُکَ بِاِسمِکَ الَّذی دَعاکَ
از من حق خود را ای خدای من و سؤال میکنم ترا بحق نام تو که خوانده است ترا

بِهِ اِدْرِيسُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَجَعَلْتَهُ صِدِّيقًا
بان نام ادریس براو باد سلام پس گردانیدی اورا راست گو

نَبِيًّا وَرَفَعْتَهُ مَكَانًا عَلِيًّا وَاسْتَجَبْتَ
و پیغمبر وبلند گردانیدی اورا درمکان بسیار بلند و مستجاب کردهٔ

لَهُ دُعَاءَهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ اَنْ
برای او دعای اورا وبودی تو بان نزدیک ای نزدیک شبه پس اگه

تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ مَآبِيْ اِلٰى
رحمت فرستی بر محمد وال محمد واگه بگردانی بازگشت مرا بسوی

جَنَّتِكَ وَمَحَلِّيْ فِيْ رَحْمَتِكَ وَتُسْكِنَنِيْ فِيْهَا بِعَفْوِكَ
بهشت خود وجای قرار مرا در رحمت خود واگه ساکن گردانی مرا در بهشت بسبب درگذشتن تو

وَتُزَوِّجَنِيْ مِنْ حُوْرِهَا بِقُدْرَتِكَ يَا قَدِيْرُ اِلٰهِيْ
وجفت گردانی مرا در بهشت با حوران بقدرت خود ای بسیار توانا ای خدای من

وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِيْ دَعَاكَ بِهٖ نُوْحٌ
وسؤال میکنم ترا بنام تو که خوانده است ترا بان نام نوح که

عَلَيْهِ السَّلَامُ اِذْ نَادٰى رَبَّهٗ اَنِّيْ مَغْلُوْبٌ فَانْتَصِرْ
براو باد سلام در هنگامی که گفت پروردگار خود بدرستی که من مغلوب گردیده شدم پس یاری کن مرا

فَفَتَحْتَ اَبْوَابَ السَّمَآءِ بِمَآءٍ مُنْهَمِرٍ وَفَجَّرْتَ الْاَرْضَ
پس گشودی تو درهای اسمان را با آب روان وشگافتی تو زمین را

عُيُوْنًا فَالْتَقَى الْمَآءُ عَلٰى اَمْرٍ قَدْ قُدِرَ وَحَمَلْتَهٗ عَلٰى
بچشمها پس فراهم آمد اب بر فرمانی تقدیر کرده شده وسوار کردی تو اورا بر

ذاتِ اَلواحٍ ودُسُرٍ فاستجبتَ دعاءَهُ وَ
کشتی صاحب تختها و میخها پس براوردی حاجت او را و دعای او را
کُنتَ مِنهُ قریبًا یا قریبُ اَن تُصَلّیَ علی محمّدٍ
تو با و نزدیک ای نزدیک بهمه کس اَنکه رحمت فرستی بر محمد
وآلِ محمّدٍ واَن تُنجِیَنی مِن ظُلمِ مَن یُریدُ ظُلمی وَ
و بر آل محمد و انکه خلاصی دهی مرا از ستم کسی که قصد کند ستم کردن مرا و انکه
تَکُفَّ عَنّی بَاسَ مَن یُریدُ هَضمی وَتَکفِیَنی
باز داری از من شر و بدی کسی را که خواهد شکست مرا و انکه نگاهداری مرا
شَرَّ کُلِّ سُلطانٍ جائرٍ وعَدُوٍّ قاهِرٍ ومُستَخِفٍّ
از شر هر پادشاه ظالم و از هر دشمن اشکار غلبه کننده و خفت رساننده
قادِرٍ وجَبّارٍ عَنیدٍ وکُلِّ شَیطانٍ مَریدٍ وَ
و توانا و متکبر و گردن کش و از شر هر شیطان رانده شده از رحمت الهی و
اِنسِیٍّ شَدیدٍ وکَیدِ کُلِّ مَکیدٍ یا حَلیمُ یا وَدُودُ
و آدمی سخت دل و از مکر هر مکر کننده ای بردبار ای دوست
اِلهی واَسئَلُکَ بِاسمِکَ الَّذی دَعاکَ بِهِ عَبدُکَ
ای خدای من و سؤال میکنم ترا بحق نام تو که خوانده است ترا با نام بنده تو
وَنَبِیُّکَ صالِحٌ عَلَیهِ السَّلامُ فَنَجَّیتَهُ مِنَ الخَسفِ
و پیغمبر تو صالح بر او باد سلام پس نجات دادی او را از فرو بردن
وَاَعلَیتَهُ عَلی عَدُوِّهِ وَاستَجَبتَ دُعاءَهُ وَکُنتَ
و غالب گردانیدی او را بر دشمنش و براوردی حاجت او را و بودی تو

مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ

باد نزدیک ای نزدیک بهمه کس اینکه رحمت فرستی بر محمد و بر آل محمد

وَاَنْ تُخَلِّصَنِي مِنْ شَرِّ مَا يُرِيدُنِي اَعْدَآئِي وَ

و اینکه رها نمایی مرا از شر آنچه قصد میکنند من از دشمنان من و

يَبْغِي لِي حُسَّادِي وَتَكْفِيَنِيهِمْ بِكِفَايَتِكَ

آنچه میخواهد برای من رشک برندگان من و اینکه نگاهداری از ایشان بنگاهداشتن خود

وَتَتَوَلَّانِي بِوِلَايَتِكَ وَتَهْدِيَ قَلْبِي بِهُدَاكَ وَ

و دوستداری مرا بدوست داشتن خود و اینکه راهنمایی تو دل مرا براه نمودن خود و

تُؤَيِّدَنِي بِتَقْوَاكَ وَتُبَصِّرَنِي بِمَا فِيهِ رِضَاكَ وَ

توفیق دهی مرا بپرهیزکاری از جانب خود و بینا گردانی مرا بآنچه در آنست خوشنودی تو و اینکه

تُغْنِيَنِي بِغِنَاكَ يَا حَلِيمُ اِلٰهِي وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

بی نیاز گردانی مرا بتوانگری خود ای بردبار ای خدای من و سؤال میکنم ترا بحق نام تو

الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ وَخَلِيلُكَ اِبْرٰهِيمُ

که خوانده است ترا بآن نام بنده تو و پیغمبر تو و دوست تو ابراهیم

عَلَيْهِ السَّلَامُ حِينَ اَرَادَ نُمْرُودُ اِلْقَآءَهُ فِي النَّارِ

بر او باد سلام در وقتی که اراده نمود نمرود انداختن او را در آتش

فَجَعَلْتَ النَّارَ عَلَيْهِ بَرْدًا وَسَلَامًا وَاسْتَجَبْتَ

پس گردانیدی تو آتش را بر او سرد و با سلامت داشته و اجابت کردی تو

لَهُ دُعَآءَهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ اَنْ تُصَلِّيَ

برای او دعای او را و بودی تو باو نزدیک ای نزدیک بهمه کس اینکه رحمت فرستی تو

عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُبَرِّدَ عَنِّی حَرَّ نَارِكَ وَ

بر محمد و بر آل محمد و آنکه سرد کنی از من گرمی آتش جهنم خود را و

تُطْفِئَ عَنِّی لَهَبَهَا وَتَكْفِيَنِی حَرَّهَا وَتَجْعَلَ

و فرو نشانی از من زبانه آن را و نگاهداری مرا از گرمی آن و آنکه بگردانی

نَائِرَةَ اَعْدَائِی فِی شِعَارِهِمْ وَدِثَارِهِمْ وَتَرُدَّ كَيْدَهُمْ

آتش دشمنی دشمنان مرا در جامهای تنی ایشان و در جامهای بالای ایشان و آنکه برگردانی مکر ایشان را

فِی نُحُورِهِمْ وَتُبَارِكَ لِی فِيمَا اَعْطَيْتَنِيهِ كَمَا

در گلوی گردن ایشان و مبارک گردانی برای من در آنچه بخشیده تو مرا همچنانکه

بَارَكْتَ عَلَيْهِ وَعَلٰی آلِهِ اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ الْحَمِيدُ

مبارک گردانیدی بر ابراهیم و بر آل او و بدرستی که تو توئی بخشنده ستایش کرده شده

الْمَجِيدُ اِلٰهِی وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِی دَعَاكَ

بزرگ ای خدای من و سؤال میکنم ترا بحق نام تو که خواند ترا

بِهِ اِسْمٰعِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَجَعَلْتَهُ نَبِيًّا وَ

بآن اسمعیل بر او باد سلام پس گردانیدی تو او را پیغمبر و

رَسُولًا وَجَعَلْتَ لَهُ حَرَمَكَ مَنْسَكًا وَمَسْكَنًا

رسول و گردانیدی تو از برای او حرم خود را محل عبادت و جای سکنی

وَمَاوًی وَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ وَنَجَّيْتَهُ مِنَ الذَّبْحِ

و محل قرار و اجابت کردی دعای او را و خلاصی دادی تو او را از کشته شدن و

وَقَرَّبْتَهُ رَحْمَةً مِنْكَ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ

و نزدیک گردانیدی تو او را از جهت رحمت از خود و بودی تو با او نزدیک ای نزدیک بهمه کس

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْسَحَ لِي فِي

اگر رحمت کنی بر محمد و بر آل محمد و اگر گشاده کنی برای من در

قَبْرِي وَتَحُطَّ عَنِّي وِزْرِي وَتَشُدَّ لِي أَزْرِي وَتَغْفِرَ

قبر من و محو کنی از من گناه مرا و محکم گردانی برای من پشت مرا و بیامرزی

لِي ذَنْبِي وَتَرْزُقَنِي التَّوْبَةَ بِحَطِّ السَّيِّئَاتِ وَتُضَاعِفَ

برای من گناه مرا و روزی گردانی مرا توبه را بسبب طرف کردن بدیها و زیاد کردن

الْحَسَنَاتِ وَكَشْفِ الْبَلِيَّاتِ وَرِبْحِ التِّجَارَاتِ وَ

نیکوییها و دور کردن بلاها و نفع کردن تجارتها و

دَفْعِ مَعَرَّةِ السِّعَايَاتِ إِنَّكَ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ وَ

دفع شدن پلیدیها و مکر دهاعملها دکارها بدرستی که تو اجابت کننده دعاهای و

مُنْزِلُ الْبَرَكَاتِ وَقَاضِي الْحَاجَاتِ وَمُعْطِي الْخَيْرَاتِ

فرود آرنده برکتهای و برآرنده حاجتهای و بخشنده خوبیهای

وَجَبَّارُ السَّمَوَاتِ إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِمَا سَأَلَكَ بِهِ

و صاحب بزرگی در آسمانها ای خدای من سؤال میکنم ترا بانچه سؤال کرده است ترا آن

ابْنُ خَلِيلِكَ الَّذِي نَجَّيْتَهُ مِنَ الذَّبْحِ وَفَدَيْتَهُ

نام پسر خلیل تو که خلاص کرده تو او را از کشتن و عوض دادی تو او را

بِذِبْحٍ عَظِيمٍ وَقَلَبْتَ لَهُ الْمِشْقَصَ حِينَ نَاجَاكَ مُوقِنًا

بذبح بزرگ و برگردانیدی تو برای او آلت پاره پاره کردن را در مکانی که مناجات کرد تو را

بِذَبْحِهِ رَاضِيًا بِأَمْرِ وَالِدِهِ وَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ

یقین داشت بذبح خود خوشنود بود با امر پدرش و برآوردی برای او دعای او را

وَكُنتَ مِنهُ قَرِيبًا يا قَرِيبُ اَن تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ

دبودی تو باوی نزدیک ای نزدیک بهمه کس اکه رحمت فرستی بر محمد

وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَن تُنَجِّيَنِي مِن كُلِّ سُوٓءٍ وَبَلِيَّةٍ

وال محمد واکه نجات دهی مرا از همه بدی وبلاے

وَتَصرِفَ عَنِّي كُلَّ ظُلمَةٍ وَخِيمَةٍ وَتَكفِيَنِي مَا

دبگردانی از من همه تاریکی غلیظ را واکه نگاهداری مرا ازانچه

اَهَمَّنِي مِن اَمرِ دُنيَايَ وَاٰخِرَتِي وَمَا اُحَاذِرُهُ وَ

باندوه آورد مرا از امر دنیا واخرت من وازانچه احتیاط میکنم ازان و

اَخشَاهُ مِن شَرِّ خَلقِكَ اَجمَعِينَ بِحَقِّ اٰلِ طٰهٰ

میترسم از شر آفریدگان تو همگی بحق آل پیغمبر

وَيٰسٓ اِلٰهِي وَاَسئَلُكَ بِاسمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهٖ

ای خدای من سوال میکنم تورا بحق نام تو که خوانده است ترا بان ام

لُوطٌ فَنَجَّيتَهُ وَاَهلَهُ مِنَ الخَسفِ وَالمَثُلَاتِ وَ

لوط پس خلاصی دادی اورا واهل اورا از بلیه و عقوبتها واز

الشِّدَّةِ وَالجَهدِ فَاَخرَجتَهُ وَاَهلَهُ مِنَ الكَربِ

سختی ومشقت پس بیرون بردی اورا واهل اورا از اندوه

العَظِيمِ وَاستَجَبتَ دُعَآءَهُ وَكُنتَ مِنهُ قَرِيبًا

بزرگ وبراوری تو حاجت اورا دبودی تو باو نزدیک ای

يا قَرِيبُ اَن تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَن تَاذَنَ

نزدیک بهمه مردمان اکه رحمت فرستی بر محمد دبر ال محمد واکه اذن دهی

لی بجمع ما شتت من شملی وتقر عینی بولدی

مرا بجمع کردن انچه پراگنده است از قوم من و سرد سازی چشم مرا بفرزند من

واهلی ومالی وتصلح لی اموری وتبارک لی فی

وال من و مال من و صلاح اوری برای من کارهای مرا و مبارک گردانی برای من در

جمیع احوالی وتبلغنی فی نفسی امالی وتجیرنی

همه حالهای من و برسانی مرا در نفس من ارزوهای مرا و امان دهی مرا

من النار وتکفینی شر الاشرار بالمصطفین

از اتش و نگاهداری مرا از شر بدکاران بحق برگزیده شدگان

الاخیار الائمة الابرار ونور الانوار محمد

نیکوکاران و پیشوایان نیکوکاران و روشنی همه روشنیها که انها محمد

واله الطیبین الطاهرین الاخیار الائمة المهدیین

وال اویند و پاکیزگان و پاکان و نیکوکاران و امامان و راه یافته شدگان

والصفوة المنتجبین صلوات الله علیهم اجمعین

و برگزیدگان و بزرگان اند رحمتهای خدا باد بر ایشان همگی

وترزقنی مجالستهم وتمن علی بمرافقتهم وتوفق

و انکه روزی کنی بمن همنشینی ایشان را و منت گذاری بر من بمصاحبت ایشان را و توفیق دهی

لی صحبتهم مع انبیائک المرسلین وملئکتک

بمن بمصحبتی ایشان را با مصاحبت پیغمبران تو که فرستاده شده کانند و با فرشتگان تو

المقربین وعبادک الصالحین واهل طاعتک

که نزدیکانند و با بندگان تو که صالحان و نیکوکارانند و با اهل فرمان برداری تو

أَجْمَعِينَ وَحَمَلَةِ عَرْشِكَ وَالْكَرُوبِيِّينَ إِلٰهِي

همگی و با جماعت بردارنده عرش تو و ملائکه سرکردگان ای خدای من

وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي سَأَلَكَ بِهِ عَبْدُكَ

و سوال میکنم ترا بحق نام تو که سؤال کرده است ترا بآن نام بنده تو

وَنَبِيُّكَ يَعْقُوبُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ كُفَّ بَصَرُهُ

و پیغمبر تو یعقوب بر او باد سلام در حالی که برطرف شده بود بینایی او

وَشُتِّتَ شَمْلُهُ وَفُقِدَ قُرَّةُ عَيْنِهِ ابْنُهُ فَاسْتَجَبْتَ

و متفرق شده بود جمعیت او و پنهان گشته بود خنکی و سردی چشم او که پسر او یعنی یوسف است پس مستجاب کردی

لَهُ دُعَاءَهُ وَجَمَعْتَ شَمْلَهُ وَأَقْرَرْتَ عَيْنَهُ وَ

از برای او دعای او را و جمع نمودی پراکندگی او را و روشن ساختی چشم او را و

كَشَفْتَ ضُرَّهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ

و برطرف کردی آزار او را و بودی تو با او نزدیک ای نزدیک به همه کس که رحمت فرستی

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَأْذَنَ لِي بِجَمْعِ مَا تَبَدَّدَ

بر محمد و بر آل محمد و آنکه اذن دهی مرا بجمع کردن آنچه پراگنده شده است

مِنْ أَمْرِي وَتُقِرَّ عَيْنِي بِوَلَدِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَ

از کار من و آنکه روشن سازی چشم مرا بفرزند من و عیال من و مال من و

تُصْلِحَ لِي شَأْنِي كُلَّهُ وَتُبَارِكَ لِي فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي

نیکو گردانی برای من حال مرا تمام و برکت دهی برای من در همه حالهای من

وَتُبَلِّغَنِي فِي نَفْسِي آمَالِي وَتُصْلِحَ لِي أَفْعَالِي بِرَحْمَتِكَ

و آنکه برسانی مرا در نفس من امیدهای مرا و نیکو گردانی برای من کردارهای مرا برحمت خود

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَتَمُنَّ عَلَيَّ يَا كَرِيمُ وَيَا ذَا
ای رحم کننده ترین رحم کنندگان و انعام بخش نمایی بر من ای بخشنده وای صاحب
الْمَعَالِي إِلٰهِي وَأَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ
بلندی ای خدای من و سوال میکنم ترا بحق نام تو که خوانده است ترا
بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ يُوسُفُ عَلَيْهِ السَّلَامُ
بان نام بنده تو و پیغمبر تو یوسف بر او باد سلام
فَنَجَّيْتَهُ مِنْ غَيَابَةِ الْجُبِّ وَكَشَفْتَ ضُرَّهُ وَكَفَيْتَهُ كَيْدَ
پس نجات دادی تو او را از ته چاه و برطرف کردی آزار او را و نگاه داشتی تو او را از کید
إِخْوَتِهِ وَجَعَلْتَهُ مِنْ بَعْدِ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكًا وَ
برادران او و گردانیدی تو او را بعد از بندگی پادشاه و
اسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ
اجابت کردی دعای او را و بودی تو با او نزدیک ای نزدیک بهمه مردمان اینکه
تُصَلِّيَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَدْفَعَ عَنِّي كَيْدَ كُلِّ
رحمت فرستی بر محمد و بر آل محمد و اینکه دور گردانی از من دشمنی هر
كَائِدٍ وَشَرَّ كُلِّ حَاسِدٍ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
دشمن را و بدی هر رشک برنده بدرستی که تو بر همه چیز توانایی
إِلٰهِي وَأَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ
ای خدای من و سوال میکنم ترا بحق نام تو که خوانده است ترا بان نام بنده تو
وَنَبِيُّكَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ قُلْتَ
و پیغمبر تو موسی پسر عمران بر او باد سلام در هنگامی که گفته تو

سارکه

تباركت وتعاليت وناديناه من جانب الطور

بزرگی تو و بلندی تو و ندا کردیم ما موسی را از جانب کوه طور طرف

الايمن وقربناه نجيا وضربت له طريقا في

راست ان و نزدیک ساختیم او را نجات دهنده و بعیشه نمودی برای او راهی را در دریا

البحر يبسا ونجيته ومن تبعه من بني اسرائيل و

دریا که خشک بود و خلاصی دادی او را و کسانی را که پیروی کرده بودند او را از بنی اسرائیل و

اغرقت فرعون وهامان وجنودهما واستجبت

غرق کردی تو فرعون را و هامان وزیر او را و سپاه ایشان را و روا کردی

له دعاءه وكنت منه قريبا يا قريب ان تصلي

برای او حاجت او را و بودی تو با او نزدیک ای نزدیک همه کس اینکه رحمت فرستی

على محمد وآل محمد وان تعيذني من شر خلقك

بر محمد و آل محمد و اینکه پناه دهی مرا سبحان از شر آفریدگان خود

وتقربني من عفوك وتنشر علي من فضلك ما

و نزدیک گردانی مرا از درگذشتن تو و بریزی بر من از زیادتی بخشش خود آنچه را

تغنيني به عن جميع خلقك وتكون لي بلاغا

که بی نیاز گرداند مرا بان از همه آفریدگان تو و باشد برای من رساننده

انال به مغفرتك ورضوانك يا ولي المؤمنين

که برسم من بسبب آن با مرزش تو و خوشنودی تو ای دوستدار مومنان

الهي واسئلك باسمك الذي دعاك به عبدك

ای خدای من و سوال میکنم را بحق نام تو که خوانده است ترا بان بنده تو

وَنَبِيِّكَ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ

و پیغمبر تو داود علیه السلام پس اجابت کردی تو برای او

دُعَاءَهُ وَسَخَّرْتَ لَهُ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ مَعَهُ بِالْعَشِيِّ

دعای او را و مسخر کردی برای او کوهها را که تسبیح گویند با او در وقت شب

وَالْإِبْكَارِ وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَهُ أَوَّابٌ

و در صبح و مرغان را جمع کرده شده همه بسوی او رجوع کننده

وَشَدَدْتَ مُلْكَهُ وَآتَيْتَهُ الْحِكْمَةَ وَفَصْلَ الْخِطَابِ

و محکم کردی پادشاهی او را و دادی باو دانش را و جدا ساختن حق را از باطل

وَأَلَنْتَ لَهُ الْحَدِيدَ وَعَلَّمْتَهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَهُمْ

و نرم گردانیدی از برای او آهن را و تعلیم کردی باو کسب زره سازی از برای مردمان

وَغَفَرْتَ ذَنْبَهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ

و آمرزیدی گناه او را و بودی تو نزدیک ای نزدیک بهمه مردمان اینکه

تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُسَخِّرَ لِي جَمِيعَ أُمُورِي

رحمت فرستی بر محمد و بر آل محمد و اینکه میسر گردانی برای من همه کارهای مرا

وَتُسَهِّلَ لِي تَقْدِيرِي وَتَرْزُقَنِي مَغْفِرَتَكَ وَعِبَادَتَكَ

و آسان کنی برای من آنچه را که مقدر کرده و روزی گردانی بمن آمرزش خود را و فرمان برداری خود را

وَتَدْفَعَ عَنِّي ظُلْمَ الظَّالِمِينَ وَكَيْدَ الْكَائِدِينَ وَ

و دور گردانی از من ستم ستم کننده گان را و دشمنی دشمنان را

مَكْرَ الْمَاكِرِينَ وَسَطَوَاتِ الْفَرَاعِنَةِ الْجَبَّارِينَ

و حیله حیله کننده گان را و قهرهای ظالمان را و جبر کننده گان را

وَحَسَدَ الْحَاسِدِينَ يَا اَمَانَ الْخَائِفِينَ وَجَارَ

و رشک رشک برندگان را ای امان دهنده ترسندگان و ای پناه

الْمُسْتَجِيرِينَ وَثِقَةَ الْمُؤْمِنِينَ وَرَجَاءَ الْمُتَوَكِّلِينَ

پناه آورندگان و اعتماد مومنان و امید اعتماد کنندگان

وَمُعْتَمَدَ الصَّالِحِينَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اِلٰهِی وَ

و محل اعتماد نیکوکاران ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ای خدای من و

اَسْئَلُكَ اللّٰهُمَّ بِاسْمِكَ الَّذِی سَالَكَ بِهٖ

سوال میکنم ترا خداوندا بنام تو که سوال کرده است بان ام

عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ سُلَيْمٰنُ بْنُ دَاوُدَ عَلَيْهِمَا السَّلٰمُ

بنده تو و پیغمبر تو سلیمان پسر داود که بر ایشان باد سلام

اِذْ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِی وَهَبْ لِی مُلْكًا لَا يَنْبَغِی

در هنگامی که گفت ای پروردگار من بیامرز و ببخش من پادشاهی که سزاوار نباشد

لِاَحَدٍ مِنْ بَعْدِی اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ فَاسْتَجَبْتَ

برای احدی بعد از من بدرستیکه توئی بسیار بخشنده پس مستجاب کردی

لَهُ دُعَاءَهُ وَاَطَعْتَ لَهُ الْخَلْقَ وَحَمَلْتَهُ عَلَی الرِّيحِ

برای او دعای او را و فرمان بردار کردی برای او همه فرزندکار را و حاکم ساختی او را بر باد

وَعَلَّمْتَهُ مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَسَخَّرْتَ لَهُ الشَّيَاطِينَ كُلَّ

و آموختی او را سخن مرغان و مسخر کردی برای او شیاطین را که هر یک از انها

بَنَّاءٍ وَغَوَّاصٍ وَآخَرِينَ مُقَرَّنِينَ فِی الْاَصْفَادِ

بنا نهنده و فرو رونده بآب بودند و جماعت دیگر را از دیوان که رشته بودند بیکدیگر در غلهای آهنین

هٰذا عطاؤك لا عطاء غيرك وكنت منه قريبا

ایها بخشش تست نیست بخشش غیر تو وبودی تو نزدیک

یا قریب ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تهدی

ای نزدیک بهمه کس اکه رحمت فرستی بر محمد وآل محمد واکه راهنما کنی

لی قلبی وتجمع لی لبی وتکفینی همی وتؤمن

برای من دل مرا وجمع کنی برای من عقل مرا ونگاه داری مرا از اندوه من وایمن گردانی

خوفی وتفک اسری وتشد ازری وتمهلنی و

ترس مرا ورها کنی بند مرا وسخت گردانی پشت مرا ومهلت دهی مرا و

تنفسنی وتستجیب دعائی وتسمع ندائی ولا

آرام دهی نفس مرا وبرآوری حاجت مرا وبشنوی آواز مرا واکه

تجعل النار ماوای ولا الدنیا اکبر همی وان

نگردانی تو در آتش جایگاه مرا ونه دنیا را بزرگترین مقصود من واکه

توسع علی فی رزقی وتحسن خلقی وتعتق رقبتی

فراخ کنی بر من روزی مرا ونیکو گردانی خلق مرا وآزاد کنی گردن مرا

من النار فانک سیدی ومولای ومؤملی الهی

از آتش پس بدرستیکه تو ستوده منی وآقای منی ومحل امید منی ای خدای من

واسئلک باسمک الذی دعاک به ایوب علیه

وسوال میکنم ترا بحق نام تو که خوانده است ترا بآن نام ایوب بر او

السلام لما حل به البلاء بعد الصحة ونزل

باد سلام در وقتی که وارد شد باو آزار و بلا بعد از تن درستی و فرود آمدن

السقم منه منزلة العافية والضيق بعد

بیماری باو بجای سلامتی و تنگی بعد از

السعة فكشفت ضره ورددت عليه اهله

فراخی پس برطرف کردی آزار او را و برگردانیدی تو او را اهل او را

ومثلهم معهم حين ناداك داعيا لك راغبا

و مثل ایشان را که با ایشان بودند در هنگامی که آواز کرد ترا در حالی که خواننده بود ترا و رغبت کننده بود

اليك راجيا لفضلك شاكيا اليك رب

بسوی تو امید دارنده زیادتی احسان ترا و شکوه کننده بود بسوی تو و گفت ای پروردگار

اني مسني الضر وانت ارحم الراحمين فاستجبت

بدرستی که رسیده است بمن آزار و بلا و تو رحم کننده ترین رحم کنندگانی پس اجابت کردی

له دعاءه وكشفت ضره وكنت منه قريبا

از برای او دعای او را و برطرف کردی آزار و بلای او را و بودی باو نزدیک

يا قريب ان تصلي على محمد وال محمد وان تكشف

ای نزدیک بهمه کس اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه برطرف کنی

ضري وعافني في نفسي واهلي ومالي وولدي

آزار و بلای مرا و سلامتی دهی در نفس من و در اهل من و مال من و فرزندان من

واخواني فيك عافية باقية شافية كافية

و برادران من در خوشنودی تو سلامتی پاینده شفا دهنده کفایت کننده

شاملة وافرة هادية نامية مستغنية عن

فراگیرنده بسیار و راهنمای و زیاد شونده که بی نیاز باشد از

الاطباء والادوية وتجعلها شعاري ودثاري

طبيبان و دوا ها و انكه بگردانی ان سلامتی را جامه من و جامه بالای من

وتمتعني بسمعي وبصري وتجعلهما الوارثين

و بهره دهی مرا بگوش من و چشم من و انكه بگردانی این هر دو را وارثان

مني انك على كل شيء قدير الهي واسئلك

از من بدرستی که تو بر همه چیز بسیار توانائی ای خدای من و سوال کنم ترا

باسمك الذي دعاك به يونس بن متى عليه السلم

بنام تو که خوانده است ترا بان نام یونس پسر متی بر او باد سلام

في بطن الحوت حين ناداك في ظلمات ثلث ان لا

در بطن ماهی در هنگامی که ندا کرد در تاریکیهای سه گانه انکه نیست

اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين

خدای مگر تو منزهی تو بدرستیکه بودم و هستم من از جمله ستم کنندگان

وانت ارحم الراحمين فاستجبت له دعاءه و

و تو رحم کننده ترین رحم کنندگانی پس برآوردی برای او حاجت او را و

انبت عليه شجرة من يقطين وارسلته الى مائة

رویانیدی برای او درختی از کدو و فرستادی تو او را بسوی صد

الف او يزيدون وكنت منه قريبا يا قريب ان

هزار نفر یا زیاده و بودی تو با او نزدیک ای نزدیک بهمه مردمان انکه

تصلي على محمد وال محمد وان تستجيب لي دعائي

رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد و انکه اجابت کنی از برای من دعای مرا

وَتَدَارَكْنِي بِعَفْوِكَ فَقَدْ غَرِقْتُ فِي بَحْرِ الظُّلْمِ

و برسانی بمن بخت و از خود دریاب مرا از گناه من پس بتحقیق که غرق شده ام در دریای ستم کردن

لِنَفْسِي وَرَكِبَتْنِي مَظَالِمُ كَثِيرَةٌ لِخَلْقِكَ عَلَيَّ صَلِّ

بنفس خود و غلبه کرده است بر من ظلمهای بسیار برای آفریدگان تو بر من رحمت فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاشْتَرِنِي مِنْهُمْ وَأَعْتِقْنِي مِنَ

بر محمد و آل محمد و خریداری کن مرا از ایشان و آزاد گردان مرا از

النَّارِ وَاجْعَلْنِي مِنْ عُتَقَائِكَ وَطُلَقَائِكَ مِنَ النَّارِ

آتش جهنم و بگردان مرا از آزاد شده های خود و رها ساخته شده های خود از آتش

فِي مَقَامِي هٰذَا بِمَنِّكَ يَا مَنَّانُ إِلٰهِي وَأَسْئَلُكَ

درین محل که ایستاده ام من و از نسبب بخشش تو ای منت گذارنده ای خدای من و سوال میکنم ترا

بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ عِيسَى

بنام تو که خوانده است ترا بآن نام بنده تو و پیغمبر تو عیسی

بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ أَيَّدْتَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ

پسر مریم بر او باد سلام در وقتی که قوی گردانیدی تو او را روح پاک

وَأَنْطَقْتَهُ فِي الْمَهْدِ فَأَحْيَا بِهِ الْمَوْتَىٰ وَأَبْرَأَ بِهِ الْأَكْمَهَ

و گویا ساختی او را در گهواره پس زنده گردانید ببرکت آن نام مرده را و خلاص نمود بسبب آن نام کور مادرزاد

وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِكَ وَخَلَقَ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ

و پیس را باذن تو و بودی که ساخت از گل مانند صورت مرغ

فَصَارَ طَيْرًا بِإِذْنِكَ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ

پس گردید مرغ باذن تو و بودی تو باو نزدیک ای نزدیک بهمه کس

تصلي على محمد وآل محمد وان تفرغني لما خلقت
رحمت فرستی بر محمد و بر آل محمد و آنکه فارغ سازی مرا برای آنچه آفریده شده ام
له ولا تشغلني بما تكفلته لي وتجعلني من
برای آن چیز و مشغول مگردانی مرا بتحصیل آنچه ضامن شدی تو از برای من و آنکه گردانی مرا از
عبادك وزهادك في الدنيا وممن خلقته للعافية
عبادت کنندگان خود و از پارسایان خود در دنیا و از جمله کسانی که آفریدی ایشان را از برای سلامتی
فيها وهنأته بها مع كرامتك يا كريم
در دنیا و گوارا ساخته بهره مند گردانیده ای ایشان را با وجود بخشش و کرم تو ای بخشنده
يا علي يا عظيم الهي واسئلك باسمك الذي
ای بلند مرتبه ای بزرگ ای خدای من و سوال میکنم بر بنام تو که
دعاك به آصف بن برخيا على عرش ملكة
خوانده است ترا بآن نام آصف پسر برخیا بر تخت پادشاهزاده شهر
سبا فكان اقل من لحظ الطرف حتى كان مصورا
سبا پس بود کمتر از چشم برهم زدنی تا آنکه شد آن تخت حاضر
بين يديه فلما رأته قيل أهكذا عرشك قالت
در پیش روی پس چون دید او بلقیس گفته شد با که آیا چنین است تخت تو گفت بلقیس
كأنه هو فاستجبت دعاءه وكنت منه قريبا
که گویا همان است آن پس اجابت کردی دعای او را و بودی تو با او نزدیک
يا قريب صل على محمد وآل محمد وكفر عني سيئاتي
ای نزدیک بهمه کس رحمت کن بر محمد و آل محمد و بپوشان از من گناهان مرا

وتقدس

وَتَقَبَّلْ مِنِّي حَسَنَاتِي وَتَقَبَّلْ مِنِّي تَوْبَتِي وَتُبْ عَلَيَّ

وقبول کن از من نیکوئیهای مرا وقبول کن از من توبه مرا و بگیر گناهان مرا از من

وَتُغْنِيَ فَقْرِي وَتَجْبُرَ كَسْرِي وَتُحْيِيَ فُؤَادِي

و غنی گردان درویشی مرا و درست کن شکستگی مرا و زنده گردان دل مرا

بِذِكْرِكَ وَتُحْيِيَنِي فِي عَافِيَةٍ وَتُمِيتَنِي فِي عَافِيَةٍ

بسبب یاد آوری تو و زنده کن مرا در سلامتی از عذاب و بمیران مرا در سلامتی

إِلٰهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ

ای خدای من و سوال میکنم از نام تو که خوانده است بآن نام بنده تو

وَنَبِيُّكَ زَكَرِيَّاءُ عَلَيْهِ السَّلَامُ حِينَ سَأَلَكَ

و پیغمبر تو زکریا بر او باد سلام در هنگامی که سوال کرد ترا

دَاعِيًا رَاجِيًا لِفَضْلِكَ فَقَامَ فِي الْمِحْرَابِ يُنَادِي

دعا کننده امید دارنده مر زیادتی احسان ترا پس ایستاده در محراب و خواند ترا

نِدَاءً خَفِيًّا فَقَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا

بندای پنهان پس گفت ای پروردگار من ببخش بمن از نزد خود فرزندی دوست

يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا

که میراث برد از من و ارث برد از آل یعقوب و بگردان او را ای پروردگار من پسندیده

فَوَهَبْتَ لَهُ يَحْيٰى وَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ وَكُنْتَ

پس بخشیدی تو باو یحیی را و اجابت نمودی تو برای او دعای او را و بودی تو

مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ

باو نزدیک ای نزدیک بهمه کس آنکه رحمت فرستی بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُبْقِيَ لِي اَوْلَادِي وَاَنْ تُمَتِّعَنِي

محمد واکه باقی وپاینده گذاری فرزندان مرا واکه بهره مند گردانی مرا

بِهِمْ وَتَجْعَلَنِي وَاِيَّاهُمْ مُؤْمِنِينَ لَكَ رَاضِينَ

بسبب ایشان وبگردانی مرا وایشان را ایمان آورندگان بتو خوشنود شدگان

فِي ثَوَابِكَ خَائِفِينَ مِنْ عِقَابِكَ رَاجِينَ لِمَا

در ثواب تو ترسندگان از عذاب تو امید دارندگان آنچه

عِنْدَكَ آيِسِينَ مِمَّا عِنْدَ غَيْرِكَ حَتَّى تُحْيِيَنَا حَيٰوةً

در نزد تست ناامید شدگان از آنچه نزد غیر تست تا آنکه زنده داری ما را زندگانی

طَيِّبَةً وَتُمِيتَنَا مِيتَةً طَيِّبَةً اِنَّكَ فَعَّالٌ لِمَا

نیکو وبمیرانی ما را مردنی نیکو بدرستی که تو نیکو کننده هرچه را

تُرِيدُ اِلٰهِي وَاَسْئَلُكَ بِالْاِسْمِ الَّذِي سَأَلَتْكَ

که خواهی ای خدای من سؤال میکنم ترا بآن نام که سؤال کرده ترا

بِهِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ اِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ

بآن نام زن فرعون وقتی که گفت ای پروردگار من بنا کن برای من نزد خود

بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي

خانه در بهشت وخلاصی ده مرا از فرعون وکردار او ورهایی ده مرا

مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْتَ لَهَا دُعَاءَهَا

از گروه ستمکاران پس اجابت کردی از برای او دعای او را

وَكُنْتَ مِنْهَا قَرِيبًا يَا قَرِيبُ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ

وبودی تو با او نزدیک ای نزدیک بهمه آنکه رحمت فرستی بر محمد وآل

مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُقِرَّ عَيْنِي بِالنَّظَرِ اِلَى جَنَّتِكَ وَاَوْلِيَائِكَ

محمد واَنکه روشن سازی چشم مرا بنگاه کردن بسوی بهشت وبسوی دوستداران تو

وَوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَتُفَرِّجَنِي بِمُحَمَّدٍ وَاٰلِهٖ وَ

وبلاحظه کردن ذات تو که بخشنده است وخوشحال سازی مرا بدیدن محمد وال او و

تُؤْنِسَنِي بِهٖ وَبِاٰلِهٖ وَبِمُصَاحَبَتِهِمْ وَمُرَافَقَتِهِمْ وَ

همنشین گردانی مرا بحضرت او بال او وبهم صحبت بودن ایشان وبرفیق بودن باایشان و

تُمَكِّنَ لِي فِيهَا وَتُنَجِّيَنِي مِنَ النَّارِ وَمَا اُعِدَّ لِاَهْلِهَا

وجای مرا در بهشت ورهاسی ده مرا از اتش وانچه مهیا کشته است برای اهل آن

مِنَ السَّلَاسِلِ وَالْاَغْلَالِ وَالشَّدَائِدِ وَالْاَنْكَالِ

از زنجیرها وغلها وسختیها وعیبهای رسوا

وَاَنْوَاعِ الْعَذَابِ بِعَفْوِكَ يَا كَرِيمُ اِلٰهِي وَ

وازاقسام عقوبتها بسبب درگذشتن تو از گناهان من ای بخشنده ای خدای من و

اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَتْكَ بِهٖ اَمَتُكَ وَ

سوال میکنم ترا بنام تو که خوانده است ترا بان نام کنیز تو و

صِدِّيقَتُكَ مَرْيَمُ الْبَتُولُ وَاُمُّ الْمَسِيحِ الرَّسُولِ

راست گوی تو مریم برمیده شده از شوهر ومادر عیسی پیغمبر

عَلَيْهِمَا السَّلَامُ اِذْ قُلْتَ وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي

برایشان باد سلام درهنگامی که فرمودی دختران عمران را که

اَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ

نگاه داشت عورت خود را پس دمیدیم در دهن از روحی که افرنده بودیم با قبول نمود وتصدیق کرد

بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتُبِهٖ وَكَانَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ

بسخنان پروردگار خود و بکتابهای او و بود مریم از جملهٔ فرمان برداران

فَاسْتَجَبْتَ لَهَا دُعَاءَهَا وَكُنْتَ مِنْهَا قَرِيبًا

پس اجابت کردی برای او دعای اورا و بودی تو از وی نزدیک ای

يَا قَرِيبُ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُحَصِّنَنِي

نزدیک بهمه کس آنکه رحمت فرستی بر محمد و بر آل محمد و آنکه نگاهداری مرا

بِحِصْنِكَ الْحَصِينِ وَتَحْجُبَنِي بِحِجَابِكَ الْمَنِيعِ وَ

بحصار و قلعه خود محکم است و بپوشانی مرا بپرده خود که منع کننده است و

بِحِرْزِكَ الْوَثِيقِ وَتَكْفِيَنِي بِكِفَايَتِكَ الْكَافِيَةِ

بنگاهداشتن خود که معتمد است و کفایت کنی مرا بکارگذاری خود که سودمند است

مِنْ شَرِّ كُلِّ طَاغٍ وَظُلْمِ كُلِّ ظَالِمٍ وَبَغْيِ كُلِّ

از شر هر سرکشی و ستم هر ستم کننده و دشمنی هر

بَاغٍ وَظُلْمِ كُلِّ بَاغٍ وَمَكْرِ كُلِّ مَاكِرٍ وَغَدْرِ كُلِّ

هر خروج کننده حیله هر مکر کننده و فریب هر

غَادِرٍ وَسِحْرِ كُلِّ سَاحِرٍ وَجَوْرِ كُلِّ سُلْطَانٍ

فریب دهنده و سحر هر سحر کننده و ظلم هر پادشاه

جَائِرٍ بِمَنْعِكَ يَا مَنِيعُ اِلٰهِي وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

ظالمی بسبب منع تو ای منع کننده ای خدای من و سؤال میکنم ترا بنام تو

الَّذِي دَعَاكَ بِهٖ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ وَصَفِيُّكَ وَ

که خوانده است ترا بآن نام بنده تو و پیغمبر تو و برگزیده تو و

خرد ۱

خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَاَمِينِكَ عَلٰى وَحْيِكَ وَ

و انتخاب کرده تو از میان تو و امین تو بر وحی تو و

رَسُولِكَ اِلٰى خَلْقِكَ وَبَعِيثِكَ اِلٰى بَرِيَّتِكَ

فرستاده تو بسوی آفریدگان تو و برانگیخته تو بسوی مخلوقات تو

مُحَمَّدٍ خَاصَّتِكَ وَخَالِصَتِكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

که محمد است مخصوص است بتو و خالص است برای تو رحمت خدا بر او باد

وَاٰلِهٖ فَاسْتَجَبْتَ لَهٗ دُعَاۤءَهٗ وَاَيَّدْتَهٗ بِجُنُودٍ لَمْ

و بر آل او پس اجابت کردی دعای او را و قوی گردانیدی او را بسپاهی از فرشتگان که

تَرَوْهَا وَجَعَلْتَ كَلِمَتَكَ الْعُلْيَا وَكَلِمَةَ الَّذِينَ

ندیدند آنها را و گردانیدی سخن خود را بلند و سخن آنجماعتی را که

كَفَرُوا السُّفْلٰى وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ اَنْ

کافر شده بودند پست و بودی تو با او نزدیک ای نزدیک بهمه کس اینکه

تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ صَلٰوةً زَاكِيَةً طَيِّبَةً

رحمت فرستی بر محمد و بر آل محمد رحمتی پاکیزه پاک

نَامِيَةً بَاقِيَةً مُبَارَكَةً كَمَا صَلَّيْتَ عَلٰى اَبِيهِمْ

نمو کننده که باقی و با برکت باشد همچنانکه رحمت فرستاده بر پدر ایشان

اِبْرٰهِيمَ وَاٰلِ اِبْرٰهِيمَ وَبَارِكْ عَلَيْهِمْ كَمَا بَارَكْتَ

ابراهیم و بر آل ابراهیم و برکت نمای بر ایشان همچنانکه برکت داده

عَلَيْهِ وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ كَمَا سَلَّمْتَ عَلَيْهِ

بر ابراهیم و درود فرستاده بر ایشان همچنانکه درود فرستاده بر ابراهیم

وزدهم فوق ذلك كله زيادة من عندك

و زیاده کن ایشان بالاتر از همه زیادتی که باشد از نزد تو

واخلطني بهم واجعلني منهم واحشرني معهم

و داخل گردان مرا با ایشان و بگردان مرا از ایشان و زمره گردان مرا در حشر با ایشان

وفي زمرتهم حتى تسقيني من حوضهم وتدخلني

و در سلک ایشان تا آنکه آب دهی مرا از حوض ایشان و داخل کنی مرا

في جملتهم وتجمعني واياهم وتقر عيني بهم

در جرگه ایشان و جمع کنی مرا و ایشان را با یکدیگر و روشن گردانی چشم مرا بسبب ایشان

وتعطيني بهم سؤلي وتبلغني آمالي في ديني

و بخشی بمن ببرکت ایشان مطلب مرا و برسانی بمن آرزوهای مرا در دین من

ودنياي وآخرتي ومحياي ومماتي وتبلغهم

و دنیای من و آخرت من و زندگانی من و مردن من و رسانی ایشان

سلامي وترد علي منهم السلام وعليهم السلام

سلام مرا و رد کنی بمن از جانب ایشان سلام را و بر ایشان باد سلام

ورحمة الله وبركاته الهي انت الذي تنادي

و رحمت خدا و برکتهای خدا ای خدای من تو آنکسی که ندا کنی

في انصاف كل ليلة هل من سائل فاعطيه

در نصفهای هر شب آیا هست از سوال کننده تا بخشایش نمایم او را

ام هل من داع فاجيبه ام هل من مستغفر

آیا هست از دعا کننده تا اجابت کنم دعای او را آیا هست از طلب آمرزش کننده

فاغفر

فاغفر له ام هل من راج فابلغه رجاءه ام

تا بیامرزم اورا اما هست ازامید داری تا برسانم اورا بارزوی خود اما

هل من مؤمل فابلغه امله ها انا سائلك بفنائك

هست ارزو کننده پس برسانم اورا بارزوی خود اینک منم سوال کننده از تو در سرای تو

ومسكينك بفنائك وضعيفك ببابك و

درویش طلب کننده از تو ام بساحه فضای تو و ناتوان استاده ام بر جانب تو و

فقيرك ببابك ومؤملك ببابك اسالك نائلك

محتاج توستم بر سرای تو و امید دارم بتو از در رحمت تو سوال میکنم از تو بخشش ترا

وارجو رحمتك وعفوك والتمس غفرانك فصل

و امید دارم رحمت ترا و درگذشت ترا از گناهان و التماس میکنم امرزش ترا پس رحمت فرست

على محمد وال محمد واعطني سؤلي وبلغني املي

بر محمد و بر ال محمد و بخش بمن سوال مرا و برسان بمن ارزوی مرا

واجبر فقري وارحم عصياني واعف عن ذنوبي

و عوض کن بتوانگری درویشی مرا و رحم کن گناه مرا و درگذر از گناهان من و

وفك رقبتي من مظالم لعبادك ركبتني وقو

رها کن گردن مرا از ظلمهای از برای بندگان تو که سوار شده اند مرا و قوی گردان

ضعفي واعز مسكنتي وثبت وطاتي واغفر

سستی مرا و بعزت بدل کن درویشی مرا و ثابت گردان قدم مرا و بیامرز

جرمي وانعم بالي واكثر من الحلال مالي وخر لي في

گناه مرا و نعمت ده دل مرا و زیاده گردان از حلال مال مرا و خوبی ده بمن در

جميع اموري وافعالي ورضّني بها وارحمني و

همه کارهای من و کردارهای من و خوشنود گردان مرا بانها و رحم کن بمن و

والديّ وما ولدا من المؤمنين والمؤمنات و

بپدر و مادر من و بانچه زائیده اند او از مردان مومن و زنان مومنه و

المسلمين والمسلمات الاحياء منهم والاموات

مردان مسلمان و زنان مسلمه زندگان از ایشان و مردگان ایشان

انّك سميع الدّعوات وألهمني من برّهما ما

بدرستی که تو شنونده دعاهائی و پند ازدل من انکوکردن با والدین انچه

استحقّ به ثوابك والجنّة وتقبّل حسناتهما و

که سزاوار گردم بسبب ان ثواب ترا و بهشت ترا و قبول کن نیکوئیهای ایشان را و

اغفر سيّئاتهما واجزهما باحسن ما فعلا بي ثوابك

و بیامرز گناهان ایشان را و عوض ده ایشان را به بهتر از انچه کرده اند ایشان با من ثواب خود را

والجنّة الهي وقد علمت يقينا انّك لا تأمر بالظلم

و بهشت خود را ای خدای من و بتحقیق که میدانم من بیقین انکه تو امر نمیکنی بظلم

ولا ترضاه ولا تميل اليه ولا تهواه ولا تحبّه

و راضی نیستی تو بان و میل نمیکنی بسوی ان و خواهش نداری از او و دوست نمیداری او را

ولا تغشاه وتعلم ما فيه هؤلاء القوم من ظلم

و نمیپوشی ان را و میدانی تو انچه را که در او هستند این گروه از ستم کردن

عبادك وبغيهم علينا وتعدّيهم بغير حقّ ولا

بابندگان تو و ظلم نمودن ایشان بر ما و از حد بیرون رفتن ایشان بغیر حق و بغیر

مَعْرُوفٍ بَلْ ظُلْمًا وَعُدْوَانًا وَزُورًا وَبُهْتَانًا

بغیر شرع وطریقه بلکه از روی ظلم و دشمنی و دروغ و بهتت

فَاِنْ كُنْتَ جَعَلْتَ لَهُمْ مُدَّةً لَابُدَّ مِنْ بُلُوغِهَا اَوْ

پس اگر باشتی تو که گردانیده ازبرای ایشان مدتی را که ناچار است از رسیدن آن مدت یا

كَتَبْتَ لَهُمْ اٰجَالًا يَنَالُونَهَا فَقَدْ قُلْتَ وَقَوْلُكَ

آنکه مقرر کرده ازبرای ایشان موعدی را که برسند ایشان بآن موعد پس بتحقیق که گفته تو و گفتار تو

اَلْحَقُّ وَوَعْدُكَ الصِّدْقُ يَمْحُوا اللّٰهُ مَا يَشَاۤءُ وَيُثْبِتُ

درست است و وعده تو راست است آنکه محو میکند خدا آنچه راکه میخواهد و ثابت میکردانـ

وَعِنْدَهٗ اُمُّ الْكِتَابِ فَاَنَا اَسْئَلُكَ بِكُلِّ

د و نزد اوست اصل کتاب پس من طلبم از تو بحق

مَا سَاَلَكَ بِهٖ اَنْبِيَاۤؤُكَ وَرُسُلُكَ الْمُرْسَلُونَ وَ

هر آنچه طلب نموده اند ترا بآن پیغمبران تو و رسولان تو که فرستاده شدگانند

اَسَاَلُكَ بِمَا سَاَلَكَ بِهٖ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ وَ

و سؤال میکنم ترا بآنچه سؤال کرده اند ترا بآن بندگان تو که نیکوکارانند و

مَلَاۤئِكَتُكَ الْمُقَرَّبُونَ اَنْ تَمْحُوَ مِنْ اُمِّ الْكِتَابِ

فرشتگان تو که نزدیکانند آنکه محو کنی از لوح محفوظ

ذٰلِكَ وَتُثْبِتَ لَهُمُ الْاِضْمِحْلَالَ وَالْمَحْقَ حَتّٰى تُقَرِّبَ

آنرا و ثابت گردانی برای ایشان نابود شدن را و برطرف شدن را تا آنکه نزدیک سازی

اٰجَالَهُمْ وَتَقْضِيَ مُدَّتَهُمْ وَتُذْهِبَ اَيَّامَهُمْ وَ

اجلهای ایشان را و بسر آوری مدت ایشان را و برطرف کنی روزهای ایشان را و

تبتر اعمارهم وتهلك فجارهم وتسلط

وقطع کنی عمرهای ایشانرا و هلاک کنی فاسقان ایشانرا و غالب گردانی

بعضهم علی بعض حتی لا تبقی منهم احدا ولا تنجی

بعض ایشانرا بر بعضی تا آنکه باقی نگذاری تو از ایشان احدیرا و خلاصی مدهی

منهم احدا ولا تخلص منهم احدا ابدا وتفرق

از ایشان کسیرا و رها نکنی از ایشان یکی را هرگز و پراگنده سازی

جموعهم وتكل سلاحهم وتبدد شملهم و

جمعیت ایشانرا و کند کنی یراق جنگ ایشان را و متفرق سازی قوم ایشانرا و

تقطع اجالهم وتقصر اعمارهم وتزلزل اقدامهم

و آنکه ببری مدتهای عمر ایشان را و کوتاه گردانی عمرهای ایشانرا و بلرزانی قدمهای ایشانرا

وتطهر بلادك منهم وتظهر عبادك عليهم

و پاک سازی شهرهای خود را از ایشان و آنکه غالب گردانی بندگان خود را بر ایشان

فقد غيروا سنتك ونقضوا عهدك وهتكوا

پس بتحقیق که تغییر دادند رویه و طریقه ترا و شکستند پیمان ترا و دریدند پرده

حريمك واتوا ما نهيتهم عنه وعتوا عتوا كبيرا

حرمت ترا و بجای آوردند آنچه را که منع کردی تو ایشانرا از او و سرکشی کردند سرکشی بزرگ

وضلوا ضلالا بعيدا فصل على محمد وال محمد

و گمراه شدند گمراه شدن دور پس رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد

واذن لجمعهم بالشتات ولحيهم بالممات ولازواجهم

و مقرر فرمای مر جمعیت ایشانرا پراگندگی و مر زندگان ایشانرا مردن و مر زنان ایشانرا

بِالنَّهَبَاتِ وَخَلِّصْ عِبَادَكَ مِنْ ظُلْمِهِمْ وَاقْبِضْ
بغارت و اسیری و نجات ده بندگان خود را از ستم ایشان و بگیر و کوتاه کن
اَيْدِيَهُمْ عَنْ هَضْمِهِمْ وَطَهِّرْ اَرْضَكَ مِنْهُمْ وَ
دست ایشان را از شکستن بندگان و پاک کن زمین خود را از ایشان و
اْذَنْ بِحَصْدِ نَبَاتِهِمْ وَاسْتِيصَالِ شَافِهِمْ وَ
امر کن بدرویدن درخت عمر ایشان و از بیخ بر کندن اصل زندگانی ایشان و
شَتَاتِ شَمْلِهِمْ وَهَدْمِ بُنْيَانِهِمْ يَا ذَا الْجَلَالِ
در پراکندگی جمعیت ایشان و خراب کردن بناهای زندگانی ایشان ای صاحب بزرگی
وَالْاِكْرَامِ اَللّٰهُمَّ وَاَسْئَلُكَ يَا اِلٰهِي وَاِلٰهَ كُلِّ
و بخشش خداوندا و سؤال میکنم ترا ای خدای من و خدای هر
شَيْءٍ وَرَبِّي وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَاَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ
چیزی و پروردگار من و پروردگار هر چیزی و میخوانم ترا بانچه خوانده را بان
عَبْدَاكَ وَرَسُولَاكَ وَنَبِيَّاكَ وَصَفِيَّاكَ مُوسٰى
دو بنده تو و دو رسول تو و دو پیغمبر تو و دو برگزیده تو موسی
وَهٰرُونَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ حِينَ قَالَا دَاعِيَيْنِ لَكَ
و هرون بر ایشان باد سلام در وقتی که گفتند در حالی که خوانندگان بودند مر ترا
رَاجِيَيْنِ لِفَضْلِكَ رَبَّنَا اِنَّكَ اٰتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَاَهُ
و امید داشتند مر احسان ترا ای پروردگار ما بدرستی که تو داده فرعون و گروه او
زِينَةً وَاَمْوَالًا فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا
زینت و مال بسیار را در زندگانی دنیا ای پروردگار ما پس گمراه نمودند

عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَ

از راه تو ای پروردگار ما برطرف کن مالهای ایشان را و

اشْدُدْ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوُا الْعَذَابَ

بند کن بر دلهای ایشان پس ایمان نیاورند تا آنکه دیدند عقوبت

الْأَلِيمَ فَمَنَنْتَ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِمَا بِالْإِجَابَةِ لَهُمَا

دردناک را پس منت کذاردی و انعام کردی بر موسی و هرون باجابت کردن دعای ایشان

إِلَى أَنْ قَرَعْتَ سَمْعَهُمَا بِأَمْرِكَ اللَّهُمَّ فَقُلْتَ

تا آنکه کوفتی تو کوش ایشان را با امر فرمان خود خداوندا پس کفتی ای

رَبِّ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا

پروردگار من بحقیقت که براورده شد حاجت شما پس راستی کیرید و

تَتَّبِعَانِّ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى

پیروی مکنید راه آن جماعتی را که نمیدانند حق را آنکه رحمت فرست

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَطْمِسَ عَلَى أَمْوَالِ هَؤُلَاءِ الظَّلَمَةِ

بر محمد و آل محمد و آنکه ناچیز کردانی مالهای این جماعت ستمکاران را

وَأَنْ تُشَدِّدَ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَأَنْ تَخْسِفَ بِهِمْ بَرَّكَ

و آنکه بند محکم نهی بر دلهای ایشان و آنکه فرو بری ایشان را در صحرای خود

وَأَنْ تُغْرِقَهُمْ فِي بَحْرِكَ فَإِنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

و آنکه غرق کنی ایشان را در دریای خود پس بدرستی که آسمانها و زمین

وَمَا فِيهِمَا لَكَ وَأَرِ الْخَلْقَ قُدْرَتَكَ فِيهِمْ وَبَطْشَتَكَ

و آنچه در آنهاست از برای تست و بنما بخلائق قدرت و توانائی خود در ایشان و سخت گیری خود را

علیهم

عليهم فافعل ذلك بهم بطشك وعجّل ذلك

بر ایشان پس بکن این را با ایشان وشتاب نمای این را

لهم يا خير من سئل وخير من دعي وخير من تذلّلت

بر ایشان ای بهترین کسی که سوال کرده شده از او وای بهترین کسی که خونده شده است وای بهترین کسی که خوار گردیده

له الوجوه ورفعت اليه الايدي ودعي بالالسن

ابرای او روها وبرداشته شده است بسوی او دستها وخونده شده است بزبانها

وشخصت اليه الابصار وامّت اليه القلوب

وحیران مانده اند بسوی او چشمها وقصد کرده اند بسوی او دلها

ونقلت اليه الاقدام وتحوكم اليه في الاعمال

وحرکت داده شده اند بسوی او قدمها ومحاکمه وحساب کرده میشود بسوی او در کردارها

الهي فانا عبدك واسئلك من اسمائك بابهاها

ای خدای من پس من بنده توام وسوال میکنم ترا از نامهای تو به نیکوترین انها

وكلّ اسمائك بهيّ بل اسالك باسمائك كلّها

وهمه نامهای تو نیکو است بلکه سوال میکنم ترا نامهای تو همه انها

ان تصلّي على محمّد وال محمّد وان تركسهم على امّ

اینکه رحمت فرستی بر محمد وبر ال محمد واینکه سرنگون سازی ایشان را بر

رؤسهم في زبيتهم وتردّيهم في مهوى حفرتهم

سر ایشان در گودالهای خودشان واینکه بیندازی ایشان را در تک گودی کنده های ایشان

وارمهم بحجرهم وذكّهم بمشاقصهم واكبهم على

وبزن ایشان را بسنگ خودشان وذبح کن وبکش ایشان را به پیکانهای خودشان وبروی انداز ایشان را

مَناخِرِهِمْ وَاخْنُقْهُمْ بِوَتَرِهِمْ وَارْدُدْ كَيْدَهُمْ

بر سینهای ایشان و خفه کن ایشانرا بزه کمان خودشان و برگردان دشمنی ایشانرا

فِي نُحُورِهِمْ وَاوْبِقْهُمْ بِنَدامَتِهِمْ حَتَّى يَسْتَخْذِلُوا وَ

در گلوهای گردن ایشان و هلاک گردان ایشانرا به پشیمانی ایشان تا آنکه بی یار و مددکار بمانند

يَتَضاءَلُوا بَعْدَ نَخْوَتِهِمْ وَيَخْشَعُوا بَعْدَ اسْتِطالَتِهِمْ

وحقیر گردند بعد از تکبر ایشان و پست بگردند بعد از گردن کشی ایشان

أَذِلَّاءَ مَأْسُورِينَ فِي رِبَقِ حَبائِلِهِمُ الَّتِي كانُوا

در حالی که خوار شده و ذلیل و اسیر شدگان در ریسمان و حلقه دامهای خودشان که امید دارند آنکه

يُؤَمِّلُونَ أَنْ يَرَوْنا فِيها وَتُرِيَنا قُدْرَتَكَ فِيهِمْ وَ

ببینند ما را در آن دامها و سؤال میکنیم ترا آنکه بنمائی بما توانائی خود را درباره ایشان

سُلْطانَكَ عَلَيْهِمْ وَتَأْخُذَهُمْ أَخْذَ الْقُرى وَهِيَ

و شدت قهر خود را بر ایشان و فراگیری تو ایشانرا مثل گرفتن اهل شهرها را در حال

ظالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَكَ الْأَلِيمُ الشَّدِيدُ وَتَأْخُذَهُمْ يا رَبِّ

آنکه بوده‌اند ستم کننده بدرستی که گرفتن تو دردآورنده و سخت است و آنکه بگیری ایشانرا ای پروردگار من

أَخْذَ عَزِيزٍ مُقْتَدِرٍ فَإِنَّكَ عَزِيزٌ قَدِيرٌ شَدِيدُ الْعِقابِ

گرفتن شخص غلبه کننده بسیار توانا پس بدرستی که تو غلبه کننده که سخت است عقوبت تو

شَدِيدُ الْمِحالِ اللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و سخت است حیله تو خداوندا و رحمت فرست بر محمد و آل محمد

وَعَجِّلْ إِيرادَهُمْ عَذابَكَ الَّذِي أَعْدَدْتَهُ لِلظّالِمِينَ

و تعجیل کن وارد ساختن دشمنان بعقوبت خود که مهیا کرده تو از برای ستم کنندگان

مِنْ أَمْثَالِهِمْ وَالطَّاغِينَ مِنْ نُظَرَائِهِمْ وَارْفَعْ حِلْمَكَ

از مانندهای ایشان و برای طاغیان از شبیههای ایشان و بردار حلم خود را

عَنْهُمْ وَأَحْلِلْ عَلَيْهِمْ غَضَبَكَ الَّذِي لَا يَقُومُ لَهُ

از ایشان و فرود آور بر ایشان خشم خود را که مقاومت میکند با آن

شَيْءٌ وَأْمُرْ فِي تَعْجِيلِ ذَلِكَ بِأَمْرِكَ الَّذِي لَا يُرَدُّ

چیزی و فرمان ده در شتاب کردن این عقوبت بفرمان خود که بر نمیگردد

وَلَا يُؤَخَّرُ فَإِنَّكَ شَاهِدُ كُلِّ نَجْوَى وَعَالِمُ

و پس افکنده نمیشود پس بدرستی که تو حاضر هر راز نهانی و دانای

كُلِّ فَحْوَى وَلَا يَخْفَى عَلَيْكَ مِنْ أَعْمَالِهِمْ خَافِيَةٌ

هر سری و پنهان نیست بر تو از کردارهای ایشان هیچ پنهانی

وَلَا يَذْهَبُ عَنْكَ مِنْ أَفْعَالِهِمْ خَائِنَةٌ وَأَنْتَ عَلَّامُ

و غایب نمیشود از تو از کارهای ایشان هیچ پوشیده و تو دانای

الْغُيُوبِ عَالِمٌ بِمَا فِي الضَّمَائِرِ وَالْقُلُوبِ وَأَسْأَلُكَ

امور نهان و دانای آنچه در خاطرها و دلهاست و سوال میکنم ترا

اللَّهُمَّ وَأُنَادِيكَ بِمَا نَادَاكَ بِهِ سَيِّدِي نُوحٌ

خداوندا و میخوانم ترا بآنچه خوانده است ترا بآن مولای من نوح

إِذْ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ

چونکه گفته تو بزرگی تو و بلندی تو و بحقیق که خوانده است ما را نوح پس هر آینه

الْمُجِيبُونَ أَجَلْ اللَّهُمَّ أَنْتَ نِعْمَ الْمُجِيبُ وَنِعْمَ الْمَدْعُوُّ

نیکو جواب دهندگان خداوندا توئی نیکو جواب دهنده و نیکو خوانده شده

وَنِعْمَ الْمَسْئُولُ وَنِعْمَ الْمُعْطِي اَنْتَ الَّذِي لَا تُخَيِّبُ

و نیکو سوال کرده شده و نیکو بخشنده تو ئی آنکه نا امید نمیسازی تو

سَائِلَكَ وَلَا تَرُدُّ رَاجِيكَ وَلَا تَطْرُدُ الْمُلِحَّ عَنْ بَابِكَ

سوال کننده خود را و بر نمیگردانی تو امیدوار خود را و منع نمیکنی تو سائل را از درگاه خود

وَلَا تَرُدُّ دُعَاءَ سَائِلِكَ وَلَا تَمَلُّ دُعَاءَ مَنْ اَمَّلَكَ

و بر نمیگردانی تو دعا طلب نماینده از خود را و غمگین نمیشوی از دعای کسی که امید داشته بر تو

وَلَا تَتَبَرَّمُ بِكَثْرَةِ حَوَائِجِهِمْ اِلَيْكَ وَلَا بِقَضَائِهَا

و دلگیر نمیشوی بسبب زیادتی حاجتهای ایشان بسوی تو و نه بسبب بر آوردن حاجتها

لَهُمْ فَاِنَّ قَضَاءَ حَوَائِجِ جَمِيعِ خَلْقِكَ اِلَيْكَ فِي

برای ایشان پس بدرستی که بر آوردن حاجتهای همه آفریدگان تو بسوی تو

اَسْرَعِ مِنْ لَحْظِ الطَّرْفِ وَاَخَفُّ عَلَيْكَ وَاَهْوَنُ

زودتر است از نگاه بگوشه چشم و سبک تر است بر تو و آسان تر است

عِنْدَكَ مِنْ جَنَاحِ بَعُوضَةٍ وَحَاجَتِي اِلَيْكَ يَا سَيِّدِي

نزد تو از پر پشه و حاجت من بسوی تو ای آقای من

وَمَوْلَايَ وَمُعْتَمَدِي وَرَجَائِي اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ

و مولای من و محل اعتماد من و امید من آنکه رحمت فرستی بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَغْفِرَ لِي ذَنْبِي فَقَدْ جِئْتُكَ ثَقِيلَ

و آل محمد و آنکه بیامرزی برای من گناه مرا پس بتحقیق که من آمدم ترا در حالتی که سنگین است

الظَّهْرِ بِعَظِيمِ مَا بَارَزْتُكَ بِهِ مِنْ سَيِّئَاتِي وَرَكِبَنِي مِنْ

پشت من ببزرگی آنچه ظاهر ساخته ام بتو از آن گناهان خود و آنچه سوار شده است مرا از

مظالم

مظالم عبادك ما لا يفكّني ولا يخلّصني منه
مظلمهای بندگان تو باشد که نگاه میدارد مرا و رها میکند مرا از او
غيرك ولا يقدر عليه ولا يملكه سواك
غیر تو و قدرت ندارد براو و مالک نمیشود آن را سوای تو
فامح يا سيّدي كثرة سيّئاتي بيسير عبراتي
پس زایل کن ای مولای من بسیاری گناهان مرا به اندکی اشک چشم من
بل بقساوة قلبي وجمود عيني لا بل برحمتك الّتي
بلکه بسختی دل من و خشکی چشم من نه انکه قسم بلکه بسبب رحمت تو که
وسعت كلّ شيء وانا شيء فلتسعني رحمتك
فرا گرفته است هر چیز را و حال آنکه من چیزم پس باید که فرا گیرد مرا رحمت تو
يا رحمن يا رحيم يا ارحم الرّاحمين ولا تمتحنّي بشيء
ای بخشنده ای مهربان ای رحم کننده ترین رحم کنندگان و آزمایش مکن مرا بچیزی
من المحن في هذه الدّنيا ولا تسلّط عليّ من لا
از بلاها در این دنیا و مستولی مگردان بر من کسی را که
يرحمني ولا تهلكني بذنوبي وعجّل خلاصي
رحم نکند بر من و هلاک مکن مرا بسبب گناهان و بشتاب بنمای رهایی من
من كلّ مكروه وادفع عنّي كلّ ظلم ولا تهتك
از هر ناخوشی و دور کن از من هر ستمی را و پاره مکن تو
ستري ولا تفضحني يوم جمعك الخلائق للحساب
پرده مرا و رسوا مکن مرا در روز جمع کردن تو مخلوقات را برای حساب

يا جزيل العطاء والثواب اسئلك ان تصلي

ای کسی که بزرگست بخشش تو و ثواب تو سوال میکنم ترا اینکه رحمت فرستی

على محمد وال محمد وان تحييني حيوة السعداء

بر محمد وال محمد واینکه زنده داری مرا زندگی نیک بختان

وتميتني ميتة الشهداء وتقبلني قبول الاوداء

و بمیرانی مرا مردن شهیدان و قبول کنی مرا قبول کردن دوستان

وتحفظني في هذه الدنيا الدنية من شر سلاطينها

و اینکه نگاهداری مرا در این دنیاء پست از شر پادشاهان ظالم ان

وفجارها وشرارها ومحبيها والعاملين لها و

و از فاسقهای ان و از بدان آن و از دوستداران دنیا و از کارکنندگان از برای دنیا و

فيها وقني شر طغاتها وحسادها وباغي الشرك

و در دنیا و نگاهداری مرا از بدی طغیان دردنیا و رشک برندگان دران و جستجو کنندگان شرک

فيها حتى تكفيني مكر المكرة وتفقا عني اعين

در دنیا را تا اینکه نگاهداری مرا از حیله مکاران و اینکه کور کنی از دیدن من چشمهای

الكفرة وتفحم عني السن الفجرة وتقبض لي

کافران را و ساکت و گنگ گردانی ازمن زبانهای فاسقان را و بربندی برای من

على ايدي الظلمة وتوهن عني كيدهم وتميتهم

بر دستهای ستمکاران و خوار کنی ازمن دشمنی ایشان را و اینکه بمیرانی ایشان را

بغيظهم وتشغلهم باسماعهم وابصارهم و

بخشم خودشان و مشغول گردانی ایشان را بگوشهای ایشان و چشمهای ایشان و

افئدهم

اَفْئِدَتِهِمْ وَتَجْعَلَنِي مِنْ ذٰلِكَ كُلِّهِ فِي اَمْنِكَ

دلهای ایشان و انکه بگردانی تو مرا از همه در سلامتی از جانب خود

وَاَمَانِكَ وَحُجَّتِكَ وَسُلْطَانِكَ وَكَنَفِكَ وَ

و امان خود و در دلیل خود و در پادشاهی خود و در نگاه داشتن خود و

حِجَابِكَ وَعِيَاذِكَ وَجِوَارِكَ وَمِنْ جَارِ السَّوْءِ وَجَلِيسِ

در پرده خود و در پناه خود و در همسایگی خود و از شر همسایه بد و از هم نشین

السَّوْءِ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اِنَّ وَلِيِّيَ اللّٰهُ الَّذِي

بد برستی که تو بر همه چیز توانایی برستی که دوست من خدا است که

نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ اَللّٰهُمَّ

فرو فرستاده است قران او دوست میدارد صالحان را خداوندا

بِكَ اَعُوذُ وَبِكَ اَلُوذُ وَلَكَ اَعْبُدُ وَاِيَّاكَ اَرْجُو

بتو پناه میبرم و بتو التجا میبرم و از برای تو عبادت و بندگی میکنم و از تو امید دارم

وَبِكَ اَسْتَعِينُ وَبِكَ اَسْتَكْفِي وَبِكَ اَسْتَغِيثُ

و بتو طلب یاری مینمایم و بتو طلب کارداری میکنم و بتو طلب فریادرسی مینمایم

وَمِنْكَ اَسْئَلُ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَرُدَّنِي

و از تو سوال میکنم پس درود فرست بر محمد و بر آل محمد و بر مگردان مرا بسوی خود

اِلَّا بِذَنْبٍ مَغْفُورٍ وَسَعْيٍ مَشْكُورٍ وَتِجَارَةٍ

مگر بگناه امرزیده و سعی در عمل مقبول و سوداگری که

لَنْ تَبُورَ وَاَنْ تَفْعَلَ بِي مَا اَنْتَ اَهْلُهُ وَلَا تَفْعَلْ

زیان نکند و انکه بجا آوری با من انچه را که تو سزاوار انی و مکن بمن

بی ما انا اهله فانک اهل التقوی واهل

بمن انچه من لایق انم پس مرستی که تو سزاداری بانکه پرهیزکاری نمایند برای تو مردمان و

المغفرة واهل الفضل والرحمة الهی وقد اطلت

سزاواری تو با مرزش و سزاواری باحسان و بخشش ای خدای من وبحقیق که دراز کرده ام

دعائی واکثرت خطابی وضیق صدری حدانی

دعای خود را و بسیار کرده ام مناجات خود را و تنگی سینه من خوانده است مرا

علی ذلک وحملنی علیه علما منی بانه یجزئک منه

براین درازی و بازداشته است مرا بران از جهة دانستن من بانکه کافیست ترا از دعا

قدر الملح فی العجین بل یکفیک عزم ارادة و

بقدر نمک در خمیر بلکه کافیست ترا قصد اراده و

ان یقول العبد بنیة صادقة ولسان صادق

انیکه بگوید بنده بنیت درست و زبانی راست

یا رب فتکون عند ظن عبدک بک وقد ناجاک

که ای پروردگار من پس هستی تو حاضر و دانا نزد گمان بنده خود بتو و بحقیق که راز گفته است ترا

بعزم الارادة قلبی فاسئلک ان تصلی علی

بقصد اراده خود دل من پس سوال میکنم ترا انکه رحمت فرستی بر

محمد وال محمد وان تقرن دعائی بالاجابة منک

محمد وال محمد و انکه متصل سازی حبت مرا برآوردن از جانب تو

وتبلغنی ما املته فیک منة منک وطولا و

وبرسانی بمن انچه را که امید دارم از او نزد تو از روی منت از جانب تو و احسان

قُوَّةً وَحَوْلاً وَلا تُقِيمْنِي مِنْ مَقامِي هٰذا اِلّا

و توانائی و قدرت تو و برنخیزانی مرا از مقام من این مقام مگر

بِقَضاءِ جَمِيعِ ما سَأَلْتُكَ فَاِنَّهُ عَلَيْكَ يَسِيرٌ وَ

بر آوردن همه آنچه سؤال نموده ام ترا پس بدرستی که آن بر تو آسان است و

خَطَرُهُ عِنْدِي جَلِيلٌ كَبِيرٌ وَاَنْتَ عَلَيْهِ قَدِيرٌ

و شان آن نزد من بسیار بزرگست و تو بر آن توانایی

يا سَمِيعُ يا بَصِيرُ اِلٰهِي وَهٰذا مَقامُ الْعائِذِ بِكَ

ای شنوا ای بینا ای خدای من و این مقام من محل استادن پناه برنده بسوی تو است

مِنَ النّارِ وَالْهارِبِ مِنْكَ اِلَيْكَ وَالتّائِبِ مِنْ

از آتش و گریزنده از تو بسوی تو و توبه کننده از

ذُنُوبٍ قَدْ تَهَجَّمَتْهُ وَعُيُوبٍ فَضَحَتْهُ فَصَلِّ عَلىٰ

گناه است بتحقیق که هجوم آورده شده او را و از عیبهایی است که رسوا کرده اند او را پس رحمت فرست

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَانْظُرْ اِلَيَّ نَظْرَةً رَحِيمَةً اَفُوزُ بِها

بر محمد و بر آل محمد و نگاه کن بسوی من نگاهی از روی مهربانی که برسم من بسبب آن

اِلىٰ جَنَّتِكَ وَاعْطِفْ عَلَيَّ عَطْفَةً اَنْجُو بِها مِنْ

بسوی بهشت تو و مهربانی کن بر من مهربانی را که خلاص شوم بسبب آن

عِقابِكَ فَاِنَّ الْجَنَّةَ وَالنّارَ لَكَ وَبِيَدِكَ وَ

از عقوبت تو پس بدرستی که بهشت و دوزخ برای تست و بدست قدرت تست و

مَفاتِيحَهُما وَمَغالِيقَهُما اِلَيْكَ وَاَنْتَ عَلىٰ ذٰلِكَ

کلیدهای آنها و قفلهای آنها بسوی تست و تو بر آن توانایی

قَادِرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ هَيِّنٌ يَسِيرٌ فَافْعَلْ بِي مَا

توانایی و آن بر تو سهل و آسان است پس بکن بمن آنچه را

سَأَلْتُكَ يَا قَدِيرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ

که سؤال کردم از تو ای توانا و نیست حرکتی و نه توانایی مگر بخدای بلند مرتبه

الْعَظِيمِ وَحَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَصَلَّى

بزرگ و کافیست ما را خدا و نیکو وکیلی است درود فرستد

اللّٰهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خدا بر بهتر ما محمد و بر آل او که پاکانند

هذه تعقيبات صلوة الصبح الّتى جمعه الشيخ الجليل المحقق على بن عبد العالى

بسم الله الرّحمن الرّحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

لا اله الّا الله الهًا واحدًا ونحن له مسلمون

نیست خدائی مگر خدائی خدای یکتای و ما از برای او اطاعت کنندگانیم

لا اله الّا الله لا نعبد الّا ايّاه مخلصين له الدّين

نیست خدائی مگر خدا پرستش نمیکنیم مگر او را در حالتی که خالص کرده ایم از برای او دین را

ولو كره المشركون ○ لا اله الّا الله ربّنا

و هر چند ناخوش دارند مشرکان نیست خدائی مگر خدای پروردگار ما

وربّ ابائنا الاوّلين ○ لا اله الّا الله وحده

و پروردگار پدران پیشینان ما نیست خدای مگر خدای تنهاست

وحده صدق وعده وانجز وعده ونصر عبده

تنهاست بجای آورده است وعده خود را و یاری کرده است بنده خود را

واعزّ جنده وهزم الاحزاب وحده فله

و گرامی گردانیده است گروهها به تنهائی پس از برای اوست

الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا

پادشاهی و برای اوست سپاس زنده میگرداند و میمیراند و او زنده است که

يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

که نمی میرد و او بر همه چیز توانا است

ثم يقول ثلثا اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي لَا اِلٰهَ

طلب آمرزش میکنم از خدائی که نیست خدائی

اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذُو الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ

مگر او که همیشه بخود برپاست صاحب بزرگی و کرم

وَاَتُوبُ اِلَيْهِ ثم يقول اَللّٰهُمَّ اهْدِنِي مِنْ

و توبه میکنم بسوی او خداوندا هدایت کن مرا از

عِنْدِكَ وَاَفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَانْشُرْ عَلَيَّ

نزد خود و بریز بر من از فضل خود و پراگنده کن بر من

مِنْ رَحْمَتِكَ وَاَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ سُبْحَانَكَ

از رحمت خود و فرود آور بر من از برکتهای خود تسبیح میکنم ترا

لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا جَمِيعًا

نیست خدائی مگر تو بیامرز از برای من گناهان مرا تمام آنها همه

فَاِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ كُلَّهَا جَمِيعًا اِلَّا اَنْتَ

پس بدرستی که نمی بخشد گناهان را تمام آنها را همه مگر تو

ثم يقول اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ

خداوندا بدرستی که سؤال میکنم ترا از هر چیزی که

اَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ سُوءٍ

که فرو گرفته است اورا علم تو و پناه می آورم بتو از هر بدی و ناخوشی

اَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ ۞ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ عَافِيَتَكَ

که فرو گرفته است آن را علم تو خداوندا بدرستی که من سوال میکنم عافیت تو

فِي اُمُورِي كُلِّهَا وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ

در امرهای من تمام آنها و پناه می آورم بتو از رسوائی

الدُّنْيَا وَعَذَابِ الْاٰخِرَةِ وَمِنْ اَهْوَالِ يَوْمِ

دنیا و عذاب آخرت و از روز

الْقِيَامَةِ وَاَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَعِزَّتِكَ

قیامت و پناه می آورم بذات کریم تو و عزت تو

الَّتِي لَا تُرَامُ وَقُدْرَتِكَ الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْءٌ مِنْ

که طلب کرده نمیشود و قدرت تو که ابا نمیکند از آن چیزی از

شَرِّ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَمِنْ شَرِّ الْاَوْجَاعِ كُلِّهَا

شر دنیا و آخرت و از شر دردها تمام آنها

وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَآبَّةٍ اَنْتَ اٰخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا

و از شر

اِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا

نیست قدرتی و نه قوتی مگر

بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ

بخدای بلند مرتبه بزرگ توکل کرده ام بر زنده وابدی

الذی

الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا

که نمی میرد و سپاس از برای خدائیست که فرا نگرفته است فرزندی

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ

و نیست از برای او شریکی در پادشاهی و نیست از برای

لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا • تسبیح

او دوستی از خواری و تعظیم کن او را تعظیم کردنی

تسبیح الزهراء علیها السلام و یقول بعد ذلک

لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ إِنَّ اللّٰهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ

نیست خدائی مگر خدا بدرستی که خدا و ملائکهٔ او درود میفرستند

عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ

بر پیغمبر ای کسانی که ایمان آورده اید درود بفرستید بر او و

سَلِّمُوا تَسْلِيمًا • لَبَّيْكَ اللّٰهُمَّ لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ

رحمت فرستید رحمت فرستادنی لبیک خداوندا لبیک و سعدیک

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِ

خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و اهل بیت

مُحَمَّدٍ وَذُرِّيَّةِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ

محمد و بر اولاد محمد بر او و بر ایشان سلام و

رَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ • وَأَشْهَدُ أَنَّ التَّسْلِيمَ مِنَّا

رحمت خدا و برکتهای او و گواهی میدهم که فرمان برداری از جانب ما

لَهُمْ وَالْاِيتِمَامَ بِهِمْ وَالتَّصْدِيقَ لَهُمْ رَبَّنَا

از جانب شا است و پیروی ما از ایشان هست و تصدیق از برای ایشان هست ای پروردگار ما

اٰمَنَّا بِكَ وَصَدَّقْنَا رَسُولَكَ وَسَلَّمْنَا تَسْلِيمًا

ایمان آورده ایم بتو و تصدیق کرده ایم ما بر رسولان تو و رحمت فرست بر ما رحمت فرستادنی

رَبَّنَا اٰمَنَّا بِمَا اَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ وَاٰلَ

پروردگار ما ایمان آورده ایم بانچه فرو فرستاده ایم و متابعت کرده ایم ما پیغمبر را و آل

الرَّسُولِ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ

پیغمبر را پس بنویس مارا با گواهان

سُبْحَانَ اللّٰهِ كُلَّمَا سَبَّحَ اللّٰهَ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللّٰهُ

تسبیح میکنیم تسبیح خدا و چند انکه تسبیح کند خدا را چیزی و چنانچه دوست دارد خدا

اَنْ يُسَبَّحَ وَكَمَا هُوَ اَهْلُهُ وَكَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ

که تسبیح کرده شود و چنانچه سزاوار باشد از برای کرمی

وَجْهِهٖ وَعِزِّ جَلَالِهٖ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ كُلَّمَا حَمِدَ

ذات او و غلبه بزرگی او و ستایش از برای خداست چنانکه حمد کند

اللّٰهَ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللّٰهُ اَنْ يُحْمَدَ وَكَمَا هُوَ

خدا را چیزی و چنانکه دوست میدارد خدا که حمد کرده شود و چنانکه او

اَهْلُهُ وَكَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهٖ وَعِزِّ جَلَالِهٖ

سزاوار است و از برای کرمی ذات او و غلبه بزرگی او

وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ كُلَّمَا هَلَّلَ اللّٰهَ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ

و نیست خدایی مگر خدا انکه تهلیل کند خدا را چیزی و چنانکه دوست میدارد

اللهُ اَنْ يُهَلَّلَ وَكَمَا هُوَ اَهْلُهُ وَكَمَا يَنْبَغِي

خدا که تهلیل کرده شود وچنانکه سزاوار انست وچنانکه سزاوار است

لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ وَاللهُ اَكْبَرُ

از برای کرمی او وذات او وغلبه بزرگی او وخدا بزرگتر است

كُلَّمَا كَبَّرَ اللهَ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللهُ اَنْ

چند انکه تکبیر کند خدا چیزی وچنانکه دوست میدارد خدا که

يُكَبَّرَ وَكَمَا هُوَ اَهْلُهُ وَكَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ

تکبیر کرده شود چنانکه او سزاوار است وچنانکه سزاوار است برای کرمی ذات او

وَعِزِّ جَلَالِهِ سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا

وغلبه بزرگی او تسبیح میکنم خدا را وسپاس از برای خداست ونیست خدایی مگر

اللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ عَلٰى كُلِّ نِعْمَةٍ اَنْعَمَ بِهَا عَلَيَّ وَ

الله وخدا بزرگتر است بر همه نعمتی که انعام کرده است بان بر من و

عَلٰى كُلِّ اَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ مِمَّنْ كَانَ اَوْ يَكُونُ

بر هر کسی از افریدگان او از انکه بوده است یا خواهد بود

اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ

تا روز قیامت خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو این که رحمت فرستی

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَسْئَلُكَ خَيْرَ مَا اَرْجُو وَ

بر محمد وال محمد وسوال میکنم از تو بهترین انچه امید دارم

خَيْرَ مَا لَا اَرْجُو وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا اَحْذَرُ

وبهترین انچه امید ندارم وپناه میبرم بتو از شر انچه از ان اندیشه میکنم

تعقیب اخر وَمِنْ شَرِّ مَا لَا أَحْذَرُ

و از شر انچه از ان اندیشه نمیکنم

ثم تقرأ سورة فاتحة الكتاب

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ مَالِكِ

حمد و ستایش میکنم خداوندیرا که پروردگار عالمیان است بسیار بخشنده مهربان صاحب

يَوْمِ الدِّينِ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ نَسْتَعِينُ

روز جزا همین ترا عبادت میکنم و همین از تو یاری میجوییم

اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ

هدایت کن مارا راه راست راه انانی

اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا

که انعام کردی بر ایشان نه خشم گرفته شده بر ایشان و نه

الضَّالِّينَ ثم تقرأ آية الكرسي اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا

گمراهان خدایست خدایی مگر

هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ

او که همیشه زنده بخود برپاست فرا نمیگیرد اورا سستی و خوابی و نه پینکی

لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ مَنْ ذَا

از برای اوست انچه در اسمانهاست و انچه در زمین است کیست انکه

الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ
شفاعت کند نزد او مگر باذن او میداند آنچه را که پیش
أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ
روی ایشان است و آنچه که پشت سر ایشان است و احاطه نمیکنند ایشان بچیزی از
عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ
دانش او مگر بآنچه او خواسته وسعت دارد کرسی او آسمانها
وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ
و زمین را و سنگینی نمیکند او را نگاهداری آنها و اوست بلند مرتبه
الْعَظِيمُ ۝ لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ
بزرگ مرتبه نیست اکراهی در دین بتحقیق که آشکار شده است رشد
مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ
از گمراهی پس هر که کافر شود بطاغوت و ایمان آورد بخدا
فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ
پس بتحقیق که دست زده است بدسته محکمتر که نیست شکستگی
لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا
از برای آن و خدا شنوای داناست خدا دوست کسانیست که ایمان آورده‌اند
يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ
بیرون می آورد ایشان را از تاریکیها بسوی نور و آنکسانی
كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ
که کافر شده اند دوستان ایشان طاغوت‌اند بیرون می آورد ایشان را از

مِنَ النُّورِ اِلَى الظُّلُمَاتِ اُولٰٓئِكَ اَصْحَابُ النَّارِ

از نور بسوی تاریکیها ایشان اصحاب آتشند

هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ شَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهُ لَا

ایشان دران خواهند بود همیشه گواهی داده است خداوند بدرستیکه نیست

اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَالْمَلٰٓئِكَةُ وَاُولُوا الْعِلْمِ قَآئِمًا

خدای مگر او و فرشتگان او و صاحبان علم در حالی که بپای دار

بِالْقِسْطِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ اِنَّ

است عدل نیست خدائی مگر او که غالب درست کردار است بدرستیکه

الدِّينَ عِنْدَ اللّٰهِ الْاِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ

که دین حق نزد خدا اسلام است و اختلاف نکرده اند آنجماعتی که

اُوتُوا الْكِتَابَ اِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ الْعِلْمُ

داده شده اند کتاب را مگر بعد از آنکه آمده است ایشان را علم

بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاٰيَاتِ اللّٰهِ فَاِنَّ اللّٰهَ

از روی سرکشی درمیان ایشان و هرکه کافر شود بآیتهای خدا پس بدرستی که خدا

سَرِيعُ الْحِسَابِ قُلِ اللّٰهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ

زود حساب است بگو که خداوندا ای مالک پادشاهی

تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَآءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَآءُ

میدهی پادشاهی هرکه میخواهی و بازمیستانی پادشاهی را از هرکه خواهی

وَتُعِزُّ مَنْ تَشَآءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَآءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ

و عزیز میگردانی هرکه را خواهی و خوار میسازی هرکه را خواهی بدست تست خیر

إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ تُولِجُ اللَّيْلَ فِي

بدرستی که تو بر همه چیز بغایت توانائی داخل میکنی شب را در

النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ

روز را و داخل میکنی روز را در شب و بیرون می آوری زنده را

مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ

از مرده و بیرون می آوری مرده را از زنده و روزی میدهی هرکرا

تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ

میخواهی بی حسابی بدرستی که پروردگار شما خدایست

الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ

که آفرید آسمانها و زمین را در شش روز

ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ

پس مستولی شد بر عرش میپوشاند شب را بروز

يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ

طلب آن میکند شتابان و آفریده است آفتاب و ماه و ستارها را در حالی که رام کرده شد

بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ

بفرمان او آگاه باشید که از برای خداست خلق و امر مقدس است خدای پروردگار

الْعَالَمِينَ ۝ ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً

عالمیان بخوانید پروردگار خود را فروتنی کننده و پنهان کننده

إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ۝ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ

بدرستی که خدا دوست نمیدارد از حد درگذرندگان را و فساد مکنید در زمین

بَعۡدَ اِصۡلَاحِهَا وَادۡعُوۡهُ خَوۡفًا وَطَمَعًا اِنَّ

بعد از اصلاح آن وبخوانید خدا را خوف دارنده وطمع کننده بدرستی که

رَحۡمَتَ اللّٰهِ قَرِيۡبٌ مِّنَ الۡمُحۡسِنِيۡنَ قُلۡ لَّوۡ

رحمت خدا نزدیکست به نیکوکاران بگوای محمد اگر

كَانَ الۡبَحۡرُ مِدَادًا لِّكَلِمٰتِ رَبِّىۡ لَنَفِدَ الۡبَحۡرُ

بوده باشد دریا مداد ازبرای کلمات پروردگار من هرآینه تمام شود دریا

قَبۡلَ اَنۡ تَنۡفَدَ كَلِمٰتُ رَبِّىۡ وَلَوۡ جِئۡنَا بِمِثۡلِهٖ

پیش از آنکه تمام شود کلمات پروردگار من وهرچند بیاوریم مثل آن را

مَدَدًا ۝ قُلۡ اِنَّمَاۤ اَنَا بَشَرٌ مِّثۡلُكُمۡ يُوۡحٰۤى اِلَىَّ

برای مددان بگو بدرستی که نیستم من آدمی شما فرستاده شده است وحی بسوی من

اَنَّمَاۤ اِلٰهُكُمۡ اِلٰهٌ وَّاحِدٌ فَمَنۡ كَانَ يَرۡجُوۡا لِقَآءَ

که بدرستی که خدای شما خدا ایست یکتا پس هرکه داشته باشد امید ملاقات

رَبِّهٖ فَلۡيَعۡمَلۡ عَمَلًا صَالِحًا وَّلَا يُشۡرِكۡ بِعِبَادَةِ

پروردگار خود را پس عمل کنید عملی نیکو وشریک نگردانید بعبادت

رَبِّهٖۤ اَحَدًا ۝ بِسۡمِ اللّٰهِ الرَّحۡمٰنِ الرَّحِيۡمِ

پروردگار خود کسی را بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَالصّٰٓفّٰتِ صَفًّا ۝ فَالزّٰجِرٰتِ زَجۡرًا

قسم میخورم بگروهها که صف زننده اند صف زدنی پس راننده اند راندنی

فَالتّٰلِيٰتِ ذِكۡرًا ۝ اِنَّ اِلٰهَكُمۡ لَوَاحِدٌ

پس خواننده اند ذکر خواندنی بدرستیکه پروردگار شما هرآینه یکیست

رب

رَبُّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ

پروردگار آسمانها وزمین وانچه درمیان انهاست وپروردگار

الْمَشَارِقِ اِنَّا زَيَّنَّا السَّمَآءَ الدُّنْيَا بِزِيْنَةِ

شرقهاست بدرستیکه ما زینت داده ایم اسمانی راکه نزدیک است بزینتی

الْكَوَاكِبِ وَحِفْظًا مِّنْ كُلِّ شَيْطَانٍ

که آن ستارهاست وحفظی ازهر شیطان

مَّارِدٍ لَا يَسَّمَّعُوْنَ اِلَى الْمَلَاِ الْاَعْلٰى وَيُقْذَفُوْنَ

سرکشی می شنوند گوش می اندازند بسوی گروه بلند مرتبه وزده میشوند

مِنْ كُلِّ جَانِبٍ دُحُوْرًا وَّلَهُمْ عَذَابٌ وَّاصِبٌ

ازهر جانبی جهة راندن وازبرای ایشان است عذاب دایم شدید

اِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَاَتْبَعَهٗ شِهَابٌ ثَاقِبٌ

مگر انکه ربود ربودنی پس ازپی او امد شهابی درخشان

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا

پاکست پروردگار تو پروردگار عزت ازانچه

يَصِفُوْنَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِيْنَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ

وصف میکنند کفار ودرود بر رسولان وسپاس ازبرای خدای

رَبِّ الْعَالَمِيْنَ يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ

پروردگار عالمیانست ای گروه جن وانس وادمیان

اِنِ اسْتَطَعْتُمْ اَنْ تَنْفُذُوْا مِنْ اَقْطَارِ السَّمٰوٰتِ

اگر میتوانید که بیرون روید ازاطراف اسمانها

وَالْاَرْضِ فَانْفُذُوْا لَا تَنْفُذُوْنَ اِلَّا بِسُلْطَانٍ
و زمین پس بیرون روید بیرون نمیروید مگر بقوتی
فَبِاَیِّ اٰلَاۤءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ یُرْسَلُ عَلَیْکُمَا
پس بکدام یک از نعمتهای پروردگار خود تکذیب میکنید شما فرستاده میشود بر شما
شُوَاظٌ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ فَبِاَیِّ
زبانه از آتش و دود پس ناامید از یاری خود داران پس بکدام یک
اٰلَاۤءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ لَوْ اَنْزَلْنَا
از نعمتهای پروردگار خود تکذیب مینمایید شما اگر میفرستادیم
هٰذَا الْقُرْاٰنَ عَلٰی جَبَلٍ لَرَاَیْتَهٗ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا
این قرآن را بر کوهی هر آیینه میدیدی او را زاری کننده و شکافته شده
مِنْ خَشْیَةِ اللّٰهِ وَتِلْکَ الْاَمْثَالُ نَضْرِبُهَا
از ترس خدا و این مثلها را میزنیم ما آنها را
لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ یَتَفَکَّرُوْنَ هُوَ اللّٰهُ الَّذِیْ
از برای مردمان که شاید ایشان تفکر کنند اوست خدائی که
لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَیْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ
که نیست خدایی بجز او دانای غیب و شهادت اوست
الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ هُوَ اللّٰهُ الَّذِیْ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ
رحمن رحیم اوست خدایی که نیست خدائی مگر او مگر او
اَلْمَلِکُ الْقُدُّوْسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَیْمِنُ
پادشاه بسیار پاکیزه سلام امان دهنده حفظ کننده

العزیز

العزيز الجبّار المتكبّر سبحان الله عمّا

عزیز جبار متکبر پاکست خدا از آنچه

يشركون هو الله الخالق البارئ المصوّر

شریک میکنند ان اشرکان اوست خدای تقدیر کننده آفریننده صورت بخشنده

له الاسماء الحسنى يسبّح له ما في السموات

از برای اوست نامهای نیکو تسبیح میکند از برای او آنچه در آسمانهاست

والارض وهو العزيز الحكيم ثم تقول ثلثا

و زمین و اوست عزیز حکیم

اللهمّ صلّ على محمّد وال محمّد واجعل لي

خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بگردان از برای من

من امري فرجا ومخرجا وارزقني من حيث

از امر من گشادگی و بدر شدن و روزی ده مرا از آنجا که من

احتسب ومن حيث لا احتسب ثم تقول سبعا

گمان دارم و از آنجا که من گمان ندارم

وانت آخذ بلحيتك بيدك اليمنى واليسرى

و حال آنکه گرفته باشی ریش خود را بدست راست و گشوده باشی کف

مبسوطة باطنها الى السماء يا ربّ محمّد وال

دست چپ را بسوی آسمان ای پروردگار محمد و آل

محمّد صلّ على محمّد وال محمّد وعجّل فرج

محمد رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و تعجیل کن راحت

آلِ مُحَمَّدٍ ثُمَّ تَقُولُ سَبْعَ مَرّاتٍ تَشُدُّ اَلْيَ يا رَبَّ مُحَمَّدٍ

آل محمد را — ای پروردگار محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْتِقْ

وآل محمد رحمت بفرست بر محمد وآل محمد و آزاد کن

رَقَبَتِي مِنَ النّارِ ثُمَّ تَقُولُ التَّسْبِيحَ سُبْحانَ اللهِ وَ

گردن مرا از آتش — تسبیح میکنم تسبیح خدا و

اَلْحَمْدُ لِلّهِ وَلا اِلهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ

سپاس از برای خداست و نیست خدای مگر خدا و خدا بزرگترست

ثُمَّ تَقُولُ يا اَللهُ يا رَحْمنُ يا رَحِيمُ يا حَيُّ يا قَيُّومُ

ای خدای ای بسیار بخشنده ای مهربان ای زنده ای بخود برپا

بِرَحْمَتِكَ اَسْتَغِيثُ ثُمَّ تَقُولُ اَللّهُمَّ اَنْتَ ثِقَتِي

برحمت تو طلب فریادرسی میکنم — خداوندا تو اعتماد منی

فِي كُلِّ كُرْبَةٍ وَاَنْتَ رَجائِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ

در هر اندوهی و تو امید منی در هر سختی

وَاَنْتَ لِي فِي كُلِّ اَمْرٍ نَزَلَ بِي ثِقَةٌ وَعُدَّةٌ

و تو از برای من در هر امری که فرود آید بمن اعتمادی و ذخیره

فَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي كُلَّها وَاكْشِفْ هَمِّي وَفَرِّجْ

پس بیامرز از برای من گناهان مرا تمام آنها و زایل کن اندوه مرا و برطرف کن

غَمِّي وَاَغْنِنِي بِحَلالِكَ عَنْ حَرامِكَ وَبِفَضْلِكَ

غم مرا خداوندا بی نیاز کن مرا بحلال تو از حرام تو و بفضل تو

عمن سواك وعافني في اموري كلها و

ازکسی که غیر تو باشد وعافیت ده مرا در امور من تمام اینها و

عافني من خزي الدنيا وعذاب الآخرة و

عافیت ده مرا از رسوایی دنیا وعذاب آخرت و

اعوذ بك من شر نفسي ومن شر غيري و

پناه میبرم بتو از شر نفس خود واز شر غیر خود و

من شر السلطان والشيطان وفسقة

از شر پادشاه وشیطان واز فاسقان

الجن والانس وفسقة العرب والعجم و

جن وآدم وفاسقان عرب وعجم و

ركوب المحارم كلها ومن نصب لاولياء

ومرتکب شدن محرمات همگی واز دوستی از برای دوستان

الله اجير نفسي بالله من كل سوء عليه

خدا زینهار میدهم نفس خود را بخدا از هر بدی بر او

توكلت وهو رب العرش العظيم

توکل میکنم واوست پروردگار عرش بزرگ

استودع الله العلي الاعلى الجليل

ثلث مرات

طلب نگاهداری میکنم خدای بلند بلندتر جلیل

العظيم ديني ونفسي واهلي ومالي وولدي

بزرگ دین من ونفس من واهل من ومال من وفرزندان من

وَاِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ وَجَمِيعَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي

وبرادران مومن مرا وهمه انچه روزی من کرده است پروردکار من

وَجَمِيعَ مَنْ يَعْنِينِي اَمْرُهُ اَسْتَوْدِعُ اللّٰهَ الْمَرْهُوبَ

برجمع انچه را اهتمام دارم بشان امران طلب نکاهداری میکنم از خدای بیم داشته شده

الْمَخُوفَ الْمُتَضَعْضِعَ لِعَظَمَتِهِ كُلُّ شَيْءٍ

وترس داشته شده فروتنی کننده از برای بزرکی او هر چیزی

دِينِي وَنَفْسِي وَاَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَاِخْوَانِي

دین مرا ونفس مرا واهل ومال مرا وفرزندان مرا وبرادران مرا

الْمُؤْمِنِينَ وَجَمِيعَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي وَجَمِيعَ مَنْ

مومن مرا وهمه انچه روزی من کرده است پروردکار من وهمه انچه را

يَعْنِينِي اَمْرُهُ ثُمَّ تَقُولُ ثَلٰثَ مَرَّاتٍ اُعِيذُ نَفْسِي

اهتمام دارم در امران پناه میدهم نفس خود را

وَدِينِي وَاَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَاِخْوَانِي فِي

ودین خود را واهل خود را ومال خود را وفرزندان خود را وبرادران خود را در

دِينِي وَمَا رَزَقَنِي رَبِّي وَخَوَاتِيمَ عَمَلِي وَمَنْ

دین وانچه را روزی کرده است مرا پروردکار من و انچه را

يَعْنِينِي اَمْرُهُ بِاللّٰهِ الْوَاحِدِ الْاَحَدِ الصَّمَدِ

اهتمام دارم درباره امران بخدای یکانه بی نیاز

الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا

که نزاشده و زائیده نشده ونیست مراو همتا

احد

أَحَدٌ وَبِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَمِنْ

کسی و بپروردگار صبح از شر انچه افریده است و از

شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي

شر بسیار تاریک هرگاه داخل شود و از شر زنان باد دمنده در

الْعُقَدِ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ وَبِرَبِّ

گرهها و از شر حسودی هرگاه حسد برد و به پروردگار

النَّاسِ مَلِكِ النَّاسِ إِلَهِ النَّاسِ مِنْ شَرِّ

ادمیان پادشاه ادمیان معبود ادمیان از شر

الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ

وسوسه تاخیر کننده انکه وسوسه میکند در سینهای

النَّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ حَسْبِيَ اللَّهُ

ادمیان از جنیان و ادمیان بسنده است مر خدا را

رَبِّيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ

پروردگار من خدا است منت خدای مگر او بر او توکل میکنم و

هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ

داوست پروردگار عرش بزرگ انچه خواهد خدا باشد

وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ أَشْهَدُ وَأَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ

و انچه نخواهد نباشد گواهی میدهم و میدانم من درستی که خدا

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ

بر همه چیز تواناست و بدرستی که خدا بحقیق که فرو گرفته است بهه

شَيْءٍ عِلْمًا اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي

چیز علمش را خداوندا بدرستی که پناه میگیرم من بتو از شر نفس خود

وَمِنْ شَرِّ غَيْرِي وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَآبَّةٍ رَبِّي

وازشر غیر خود واز بدی همه جانوران پروردگار من

اٰخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا اِنَّ رَبِّي عَلٰى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

گیرنده بناصیه ان بدرستیکه پروردگار من برراه راستست

ثم تقرأ سُورَةُ التَّوْحِيدِ اثْنَتَي عَشَرَةَ مَرَّةً

ثُمَّ تَبْسُطُ يَدَكَ وَبَاطِنُهَا اِلَى السَّمَآءِ وتقول

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ

خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا بحق نام پنهان کرده شده خزانه کرده شده

الطَّاهِرِ الطُّهْرِ الْمُبَارَكِ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

پاکیزه پاک مبارک تو و سوال میکنم ترا بحق نام

الْعَظِيمِ وَسُلْطَانِكَ الْقَدِيمِ يَا وَاهِبَ الْعَطَايَا

عظیم تو و پادشاهی قدیم تو ای بخشنده عطاها

وَيَا مُطْلِقَ الْاُسَارٰى وَيَا فَكَّاكَ الرِّقَابِ

وای رها کننده اسیرها وای خلاص کننده گردنها

مِنَ النَّارِ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ

از اتش سوال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و ال

محمد

مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ وَاَنْ تُخْرِجَنِی

محمد وانکه ازاد کنی گردن مرا از اتش واین که بیرون بری مرا

مِنَ الدُّنْیَا سَالِمًا وَتُدْخِلَنِی الْجَنَّةَ اٰمِنًا وَاَنْ تَجْعَلَ

از دنیا سلامت وداخل کنی به بهشت ایمن واین که گردانی

دُعَائِی اَوَّلَهُ فَلَاحًا وَاَوْسَطَهُ نَجَاحًا وَاٰخِرَهُ

دعای مرا اول از ا نجاتی ومیان از ا فیروزی واخر از ا

صَلَاحًا اِنَّكَ اَنْتَ عَلَّامُ الْغُیُوبِ اَللّٰهُمَّ

صلاحی بدرستیکه که توئی دانای عیبها خداوندا

صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ اِنَّ رَسُولَكَ

درود فرست بر محمد وال محمد بارخدایا بدرستیکه رسول تو

الصَّادِقَ الْمُصَدَّقَ صَلَوَاتُكَ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ قَالَ

راست گو و تصدیق کرده شده است که رحمتهای تو بر او وال او باد گفته

اِنَّكَ قُلْتَ مَا تَرَدَّدْتُ فِی شَیْءٍ اَنَا فَاعِلُهُ

که تو گفته که تردد نکرده ام در چیزی که من کننده آن باشم

كَتَرَدُّدِی فِی قَبْضِ رُوحِ عَبْدِیَ الْمُؤْمِنِ یَكْرَهُ

مثل تردد من در قبض روح بنده خودم که مومن است ناخوش

الْمَوْتَ وَاَنَا اَكْرَهُ مَسَاءَتَهُ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ

میدارد مرگ را و من ناخوش میدارم ناخوشی اورا بارخدایا پس رحمت فرست

عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ لِوَلِیِّكَ الْفَرَجَ وَ

بر محمد وال محمد وتعجیل کن از برای دوست خود گشایش و

اَلْعَافِيَةَ وَالنَّصْرَ وَلَا تَسُؤْنِي فِي نَفْسِي وَلَا فِي
وعافیت و یاری را و نا خوش مساز مرا در نفس من و نه در
اَحَدٍ مِنْ اَحِبَّتِي ثُمَّ تَقُول اَللّٰهُمَّ بِبِرِّكَ الْقَدِيمِ
کسی از دوستان من خداوند ابحق نیکوئی تو که همیشه بوده
وَرَأْفَتِكَ بِبَرِيَّتِكَ اللَّطِيفَةِ وَشَفَقَتِكَ بِصَنْعَتِكَ
و مهربانی تو با فرزیدگان تو که لطیف‌اند و شفقت تو بمخلوقات تو
الْمُحْكَمَةِ وَقُدْرَتِكَ بِسِتْرِكَ الْجَمِيلِ صَلِّ عَلَى
که محکمند و توانائی تو بپرده‌پوشی تو که نیکوست درود فرست
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَحْيِ قُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ وَاجْعَلْ
بر محمد و آل محمد و زنده گردان دلهای ما را بیاد خودت و بگردان
ذُنُوبَنَا مَغْفُورَةً وَعُيُوبَنَا مَسْتُورَةً وَفَرَائِضَنَا
گناهان مرا آمرزیده شده و عیبهای ما را پوشیده شده و واجبهای ما را
مَشْكُورَةً وَنَوَافِلَنَا مَبْرُورَةً وَقُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ
شکر کرده شده و سنتهای ما را پسندیده شده و دلهای ما را بیاد تو
مَعْمُورَةً وَنُفُوسَنَا بِطَاعَتِكَ مَسْرُورَةً وَ
آبادکرده شده و نفسهای ما را بفرمان برداری خشنودی شده و
عُقُولَنَا عَلَى تَوْحِيدِكَ مَجْبُورَةً وَاَرْوَاحَنَا عَلَى
عقلهای ما را بر یکتایی تو جبر کرده شده و جانهای ما را بر
دِينِكَ مَفْطُورَةً وَجَوَارِحَنَا عَلَى خِدْمَتِكَ مَقْهُورَةً
بر دین تو خلق کرده شده و اعضای ما را بر خدمت تو غلبه کرده شده

وا آسمانا

واسماءنا في خواصك مشهورة وحوائجنا

و نامهای ما را در میان مخصوصان تو شهرت داده شده و حاجتهای ما را

لديك ميسورة وارزاقنا من خزائنك مدرورة

نزد خودت آسان کرده شده و روزیهای ما را از خزانهای خودت زران شده

انت الله الذي لا اله الا انت لقد فاز من والاك

تو خدائی که نیست خدائی مگر تو هر آینه بتحقیق که بمقصد رسید هر که دوست

وسعد من ناجاك وعز من ناداك وظفر من

داشت ترا و نیکبخت شد هر که مناجات کرد ترا و غلبه کرد هر که طلبید ترا و ظفر یافت هر که

رجاك وغنم من قصدك وربح من تاجرك

امیدوار شد بتو و غنیمت برد هر که قصد کرد ترا و سود کرد هر که سودا کرد با تو

اللهم اني اسئلك بحرمة وجهك الكريم

خداوندا بدرستیکه سؤال میکنم از تو بحرمت ذات تو کرم کننده

وبحرمة اسمك العظيم وبحرمة رسولك صلى

و بحرمت نام تو و بزرگواری تو و بحرمت پیغمبر تو رحمت

الله عليه واله وبحرمة اهل بيت رسولك

خدا بر او باد و بر آل او و بحرمت اهل بیت رسول تو

علي وفاطمة والحسن والحسين وعلي بن

که علیست و فاطمه و حسن و حسین و علی پسر

الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى

حسین و محمد پسر علی و جعفر پسر محمد و موسی

بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی

پسر جعفر و علی پسر موسی و محمد پسر علی و علی

بن محمد و الحسن بن علی و محمد بن الحسن

پسر محمد و حسن پسر علی و محمد پسر حسن

صاحب الزمان صلوات الله علیهم اجمعین

صاحب این زمان رحمتهای خدای بر ایشان همه

ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تفعل بی

اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بکنی بمن

کذا و کذا بسم الله الرحمن الرحیم

چنین و چنین ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

حسبی الله لدینی و حسبی الله لدنیای و حسبی

بس است مر خدا را از برای دین من و بس است مر خدا را از برای من و بس است

الله لآخرتی و حسبی الله لما اهمنی و حسبی الله

مر خدا را از برای آخرت من و بس است مر خدا را از برای آنچه غمگین ساخته مرا و بس است مر خدا را

لمن بغی علی و حسبی الله عند الموت و حسبی

از برای هر که ستم کرده بر من و بس است مر خدا را نزد موت و بس است

الله عند مسائلة القبر و حسبی الله عند

مر خدا را از دو سؤال کردن قبر و بس است مر خدا را نزد

المیزان و حسبی الله عند الصراط و حسبی الله

ترازوی اعمال و بس است مر خدا را از گذشتن از صراط و بس است مر خدا را

لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ

که نیست خدائی بجز او براو توکل کرده ام واو پروردگار

اَلْعَرْشِ الْعَظِيمِ ثم یقول اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

عرش بزرگست سپاس ازرای خداوند پروردگار عالمیانست

وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعَلٰى اٰلِهِ

و درود فرستد خدا بر محمد که خاتم پیغمبران است و برال او که

الطَّاهِرِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ

پاکانند خداوندا درود فرست بر محمد وال محمد

فِي اللَّيْلِ اِذَا يَغْشٰى وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ

در شب چون بپوشاند و درود فرست بر محمد و ال محمد

فِي النَّهَارِ اِذَا تَجَلّٰى وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ

در روز چون ظاهر شود و درود فرست بر محمد و ال محمد

فِي الْاٰخِرَةِ وَالْاُولٰى وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ

در اخره و دنیا و درود فرست بر محمد و ال محمد

مَا لَاحَ الْجَدِيدَانِ وَمَا اَطَّرَدَ الْخَافِقَانِ وَمَا حَدَا

مادام که ظاهر و هویدا شوند دو تازه و مادام که دائم باشند شرق و مغرب و مادام که برانند

الْحَادِيَانِ وَمَا عَسْعَسَ لَيْلٌ وَمَا ادْلَهَمَّ ظَلَامٌ

دو رانده و مادام که بیاید شب و مادام که تاریکی بنهایت رسیده باشد

وَمَا تَنَفَّسَ صُبْحٌ وَمَا اَضَاءَ فَجْرٌ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ

و مادام که نفس کشد صبح و مادام که روشن شود فجر خداوندا بگردان

مُحَمَّدًا خَطِيبَ وَفْدِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَيْكَ وَالْمَكْسُوَّ

محمد را خطیب گرده مؤمنان که وارد شوند بسوی تو و پوشیده شده

حُلَلَ الْأَمَانِ إِذَا وَقَفَ بَيْنَ يَدَيْكَ وَالنَّاطِقَ

جامهای امان چون بایستد دربرابر تو و گویا چون

إِذَا خَرِسَتِ الْأَلْسُنُ بِالثَّنَاءِ عَلَيْكَ اَللّٰهُمَّ

گنگ شوند زبانها بستایش بر تو خداوندا

أَعْلِ مَنْزِلَتَهُ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ وَأَظْهِرْ حُجَّتَهُ وَ

بلند گردان منزلت اورا و بالا بر درجه اورا وظاهر گردان حجت اورا و

تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ وَابْعَثْهُ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ الَّذِي

قبول کن شفاعت اورا و برانگیزان اورا در منزل پسندیده که

وَعَدْتَهُ وَاغْفِرْ لَهُ مَا أَحْدَثَ الْمُحْدِثُونَ مِنْ أُمَّتِهِ

وعده کرده اورا بیامرز از برای او آنچه را احداث کردند احداث کنندگان امت او

بَعْدَهُ اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَنِّي

بعد از او خداوندا برسان روح محمد وال محمد را از من

التَّحِيَّةَ وَالسَّلَامَ وَارْدُدْ عَلَيَّ مِنْهُمُ التَّحِيَّةَ

درود و سلام ای صاحب بزرگی و زیاد کن برمن از ایشان درود

وَالسَّلَامَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَالْفَضْلِ

و سلام ای صاحب بزرگی و صاحب کرم و صاحب فضل

وَالْإِنْعَامِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ مُضِلَّاتِ

و انعام خداوندا بدرستی که من پناه میبرم بتو از گمراه کنندها

الفتن

الْفِتَنِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْاِثْمَ وَالْبَغْيَ

فتنها انچه ظاهر باشد از انها و انچه پنهان است از گناه و ستم

بِغَيْرِ الْحَقِّ وَاَنْ اُشْرِكَ بِكَ مَا لَمْ تُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا

بغیر حق وانکه شریک گردانم بتو انچه را نفرستاده بآن حجت

وَاَنْ اَقُولَ عَلَيْكَ مَا لَمْ اَعْلَمْ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْاَلُكَ

وان که بگویم بر تو انچه را علم ندارم خداوندا بدرستی که من سوال کنم

مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ وَعَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ وَالْغَنِيمَةَ

واجب سازندهای امرزش ترا ولازم سازندهای امرزش ترا و غنیمت بردن

مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَالسَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ اِثْمٍ وَاَسْئَلُكَ

از هر احسانی وسلامتی از هر گناهی وسوال کنم ترا

الْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

فیروزی بهشت وخلاصی از اتش خداوندا درود فر[ست]

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ لِيْ فِيْ صَلَاتِيْ

بر محمد وال محمد وبگردان از برای من در نماز من

وَدُعَائِيْ بَرَكَةً تُطَهِّرُ بِهَا قَلْبِيْ وَتُؤْمِنُ

و دعای من برکتی که پاک گردانی بان دل مرا و ایمن سازی

بِهَا رَوْعِيْ وَتَكْشِفُ بِهَا كَرْبِيْ وَتَغْفِرُ بِهَا

بان ترس مرا و برطرف کنی بان اندوه مرا و بیامرزی بان

ذَنْبِيْ وَتُصْلِحُ بِهَا اَمْرِيْ وَتُغْنِيْ بِهَا فَقْرِيْ

گناه مرا واصلاح اوری بان امر مرا و توانگر گردانی بان فقر مرا

وَتُذْهِبُ بِهَا ضُرِّي وَتُفَرِّجُ بِهَا هَمِّي وَتُسَلِّي

ویبرے بان بدحالی مرا وزایل کنی بان حزن مرا وتسلی دهی

بِهَا غَمِّي وَتَشْفِي بِهَا سُقْمِي وَتُؤْمِنُ بِهَا خَوْفِي

بان غم مرا وشفا دهی بان بیماری مرا وایمن کنی بان ترس مرا

وَتَجْلُو بِهَا حُزْنِي وَتَقْضِي بِهَا دَيْنِي وَتَجْمَعُ

وبرطرف کنی بان اندوه مرا وادا کنی بان قرض مرا وفراهم آوری

بِهَا شَمْلِي وَتُبَيِّضُ بِهَا وَجْهِي وَاجْعَلْ مَا عِنْدَكَ

بان پراکندگی مرا وسفید گردانی بان روی مرا وبگردانی انچه را از نزد تست

خَيْرًا لِي اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا

خیر از برای من خداوندا رحمت فرست بر محمد وال محمد ووا

تَدَعْ لِي ذَنْبًا اِلَّا غَفَرْتَهُ وَلَا كَرْبًا اِلَّا كَشَفْتَهُ

مگذار از برای من گناهی را مگر انکه بیامرزی انرا ونه اندوهی را مگر انکه برطرف کنی انرا

وَلَا خَوْفًا اِلَّا اٰمَنْتَهُ وَلَا سُقْمًا اِلَّا شَفَيْتَهُ

ونه خوفی مگر که ایمن گردانی اورا ونه بیماری مگر انکه شفا دهی اورا

وَلَا هَمًّا اِلَّا فَرَّجْتَهُ وَلَا غَمًّا اِلَّا اَذْهَبْتَهُ وَلَا

ونه همی مگر که زایل کنی اورا ونه غمی مگر که ببری اورا ونه

حُزْنًا اِلَّا سَلَّيْتَهُ وَلَا دَيْنًا اِلَّا قَضَيْتَهُ وَلَا

اندوهی مگر که تسلی دهی اورا ونه قرضی که مگر ادا کنی اورا ونه

عَدُوًّا اِلَّا كَفَيْتَهُ وَلَا حَاجَةً اِلَّا قَضَيْتَهَا

دشمنی مگر که دفع کنی اورا ونه حاجتی مگر که براوری اورا

وَلَا دَعْوَةً اِلَّا اَجَبْتَهَا وَلَا مَسْئَلَةً اِلَّا اَعْطَيْتَهَا

ونه دعاى مگر که اجابت کنی اورا ونه سوالی را که مگر عطا کنی اورا

وَلَا اَمَانَةً اِلَّا اَدَّيْتَهَا وَلَا فِتْنَةً اِلَّا صَرَفْتَهَا

ونه امانتی مگر که برسانی اورا ونه فتنه مگر که بگردانی اورا

اَللّٰهُمَّ اصْرِفْ عَنِّي مِنَ الْعَاهَاتِ وَالْبَلِيَّاتِ

خداوندا بگردان ازمن ازعاهات وبلیات

مَا اُطِيقُ وَمَا لَا اُطِيقُ صَرْفَهُ اِلَّا بِكَ اَللّٰهُمَّ

آنچه راکه طاقت دارم وآنچه راکه طاقت ندارم گردانیدن آنرا مگر بتو خداوندا

اَصْبَحَ ظُلْمِي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ وَاَصْبَحَتْ ذُنُوبِي

داخل صبح شدم من درحالتی که پناه جوینده است بعفو تو وداخل صبح شد گناهان من

مُسْتَجِيرَةً بِمَغْفِرَتِكَ وَاَصْبَحَ خَوْفِي مُسْتَجِيرًا

درحالتی که پناه جوینده است بآمرزش تو وداخل صبح شد ترس من درحالتی که پناه جوینده است

بِاَمَانِكَ وَاَصْبَحَ فَقْرِي مُسْتَجِيرًا بِغِنَاكَ وَاَصْبَحَ

به بی نیازی تو وداخل صبح شد پریشانی من درحالتی که پناه جوینده است به بی نیازی تو وداخل صبح شدم

ذُلِّي مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ وَاَصْبَحَ ضَعْفِي مُسْتَجِيرًا

خواری من درحالتی که پناه جوینده است بعزت تو وداخل صبح شدم ناتوان من درحالتی که پناه جوینده است

بِقُوَّتِكَ وَاَصْبَحَ وَجْهِيَ الْفَانِي الْبَالِي مُسْتَجِيرًا

بتوانائی تو وصبح کرد روی فانی کهنه من درحالتی که پناه جوینده است

بِوَجْهِكَ الدَّائِمِ الْبَاقِي يَا كَائِنًا قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ

بذات پاینده همیشگی تو ای هستی ذات پیش ازهر چیزی

وَيا كائِناً بعد كلّ شيءٍ وَيا مُكوّن كلّ شيءٍ

وای هستی ذات بعد از هر چیز وای هستی دهنده هر چیز

صلّ على محمّدٍ وآل محمّدٍ واصرف عنّي وعن

درود فرست بر محمد وال محمد و بگردان از من واز

اهلي ومالي وولدي واهل حزانتي واخواني

عیال من و مال من و فرزند من واهل خزانت من و برادران مومن من

فيك شرّ كلّ ذي شرٍّ وشرّ كلّ جبّارٍ عنيدٍ

شر هر صاحب شری را وشر هر صاحب جبروت عنادکننده

وشيطانٍ مريدٍ وسلطانٍ جائرٍ وعدوٍّ قاهرٍ و

وشیطان سرکشی و پادشاه جورکننده و دشمن غلبه‌کننده و

حاسدٍ معاندٍ وباغٍ مراصدٍ وشرّ السّامّةِ و

حسدبرنده عنادکننده و ستم‌کننده کمین‌کننده و از شر صاحب زهر و

الهامّةِ وما دبّ في اللّيل والنّهار وشرّ

حشرات زمین و آنچه حرکت کند در شب و روز و شر

فسّاق العرب والعجم وفسقة الجنّ والانس

فاسقان عرب و عجم و فاسقان جن و انسان

واعوذ بدرعك الحصينة الّتي لا تُرام ان

و پناه میبرم بزره محکم تو که قصد کرده نمیشود و آنکه

تُميتني غمّاً او همّاً او متردّياً او هدماً او ردماً

میرانی مرا از راه غم و اندوه یا در حالت افتادن یا هوا و یا رسیدن کلوخی

او غرقا او حرقا او عطشا او شرقا او صبرا

یا ازغرق شدن یا سوختن یا تشنگی یا حنری در گلوگرفتن یا از راه صبر

او قودا او تردیا او اکیل سبع او فی ارض

یا قصاص یا افتادن یا خوردن سباع یا در زمین

غربة او میتة سوء وامتنی علی فراشی فی

غربت یا مردن بد و بمیران مرا بر فراش من در

عافیة او فی الصف الذی نعت اهله فی

عافیت یا در صفی که مدح کرده اهل از او در

کتابک فقلت کانهم بنیان مرصوص علی

کتاب خود پس فرمودی گویا ایشان بنای استوارند بر

طاعتک وطاعة رسولک مقبلا علی عدوک

طاعت تو و طاعت رسول تو درحالتی که رو کننده باشم بر دشمن تو

غیر مدبر عنه قائما بحقک غیر جاحد لالائک

و پشت کننده بر عز نباشم از ان استاده باشم بحق تو انکار کننده نباشم مر نعمتهای ترا

ولا معاند لاولیائک ولا موال لاعدائک

و دشمنی کننده نباشم مر دوستان ترا و دوستی کننده نباشم مر دشمنان را

یا کریم اللهم اجعل دعائی فی المرفوع

ای صاحب کرم خداوندا بگردان دعای مرا در میان بالا برده شده

المستجاب واجعلنی عندک وجیها فی الدنیا

مستجاب بگردان مرا نزد خود ارجمند در دنیا و

وَالاٰخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِیْنَ اَلَّذِیْنَ لَاخَوْفٌ عَلَیْهِمْ
واخرت وازجملهٔ مقرّبانی که نیست ترسی برایشان
وَلَاهُمْ یَحْزَنُوْنَ وَاغْفِرْلِیْ وَلِوَالِدَیَّ وَ
ونمیشند برایشان که اندوهناک شوند وبیامرز برای من وازبرای پدر ومادرمن و
مَاوَلَدَا وَمَاوَلَدْتُ وَمَاتَوَالَدُوْا مِنَ الْمُؤْمِنِیْنَ
فرزندی که ازایشان بهم رسیده وفرزندی که ازمن بهم رسیده ونسلی که بهم رسیده ازمومنین
وَالْمُؤْمِنَاتِ یَاخَیْرَ الْغَافِرِیْنَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ
ومومنات ای بهترین آمرزندگان سپاس خدایرا که
قَضٰی عَنِّیْ صَلٰوةً کَانَتْ عَلَی الْمُؤْمِنِیْنَ کِتَابًا
اداکرد ازمن نمازی که بود برمومنین وقت قرار داده
مَوْقُوْتًا
شده

دعاء الصباح المروی عن الصادق علیه

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان
اَصْبَحْتُ بِاللّٰهِ مُمْتَنِعًا وَبِعِزَّتِهٖ مُحْتَجِبًا وَبِاَسْمَآئِهٖ
صبح کردم بیاری خدا امتناع کننده وبعزت او درحجاب شونده وبنامهای او
عَآئِذًا مِنْ شَرِّ الشَّیْطَانِ وَالسُّلْطَانِ وَ
پناه برنده ازشرشیطان وسلطان و
مِنْ شَرِّ کُلِّ دَآبَّةٍ رَبِّیْ اٰخِذٌ بِنَاصِیَتِهَا اِنَّ
وازشرهر جنبنده پروردگارمن فراگیرنده است پیشانی اورا بدرستی

رَبِّي عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ

که پروردگار من بر راه راست است پس اگر اعراض کنند پس بگوی ای محمد بس است مرا

اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ

خدای و نیست خدائی مگر او بر او توکل کردم و اوست پروردگار

الْعَرْشِ الْعَظِيمِ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ

عرش بزرگ پس زودی کفایت کند از تو ایشان را خدا و اوست

السَّمِيعُ الْعَلِيمُ فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ

شنوای دانا پس در حالتی که خدا نگاه دارنده است و او رحم کننده ترین

الرَّاحِمِينَ إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

رحم کنندگان است بدرستی که خدا نگاه میدارد آسمانها و زمین را

أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ

از آنکه زایل شود و هر آینه اگر زایل شوند از مکان خود نگاه ندارد آنها را هیچکس

مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا الْحَمْدُ لِلَّهِ

بعد از خدا بدرستیکه خداست بردبار آمرزنده سپاس مر خدایرا

الَّذِي ذَهَبَ بِاللَّيْلِ بِقُدْرَتِهِ وَجَاءَ بِالنَّهَارِ

که برد شب را بقدرت خود و آورد روز را

مُبْصِرًا بِرَحْمَتِهِ خَلْقًا جَدِيدًا وَنَحْنُ فِي عَافِيَةٍ

در حالتی که روشن است برحمت خود آفریده تازه و حال آنکه در عافیتیم

مِنْهُ بِمَنِّهِ وَجُودِهِ وَكَرَمِهِ مَرْحَبًا بِالْحَافِظِينَ

از جانب او بمنت او و بخشش او و کرم او آفرین باد بر نگهبانان من

وَحَيَّاكُمَا اللّٰهُ مِنْ كَاتِبَيْنِ وَلْتَقِفْ عَنْ يَمِينِكَ

وتحیت فرستد شما را خدا از دو نویسنده

اُكْتُبَا رَحِمَكُمَا اللّٰهُ وَلْتَقِفْ عَنْ شِمَالِكَ

بنویسید رحمت کند شما را خدا

بِسْمِ اللّٰهِ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ

بنام خدا گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر خدای یکانه

لَا شَرِيكَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

نیست شریکی مر او را و گواهی میدهم که محمد بنده او و رسول اوست

وَاَشْهَدُ اَنَّ السَّاعَةَ اٰتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَاَنَّ اللّٰهَ

و گواهی میدهم اینکه قیامت آینده است نیست شکی دران و اینکه خدا

يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ عَلٰى ذٰلِكَ اَحْيَا وَعَلَيْهِ اَمُوتُ

برمی انگیزاند هر که را در قبرهاست و بران زندگی میکنم و بران میمیرم

وَعَلَيْهِ اُبْعَثُ اِنْ شَاءَ اللّٰهُ اِقْرَأْ مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ

و بران برانگیخته میشوم اگر خدا خواهد برسانید محمد را رحمت کناد خدا

عَلَيْهِ وَاٰلِهِ مِنِّي السَّلَامَ اَصْبَحْتُ فِي جِوَارِ اللّٰهِ

بر او و بر آل او از جانب من سلام صبح کردم در همسایگی خدا

الَّذِي لَا يُضَامُ وَفِي كَنَفِ اللّٰهِ الَّذِي لَا يُرَامُ وَفِي

که ظلم کرده نمیشود و در کنف خدا که قصد کرده نمیشود و در

سُلْطَانِهِ الَّذِي لَا يُسْتَطَاعُ وَفِي ذِمَّةِ اللّٰهِ الَّتِي

پادشاهی او که طاقت داشته نشده و در پناه و پیمان خدا که

لا تخفر وفي عزّ الله الّذي لا يقهر وفي حرم

شکسته نمیشود و در غلبه خدا که مغلوب نمیگردد و در حرم

الله المنيع وفي ودائع الله الّتي لا تضيع ومن اصبح

خدا که عزیز است و در سپرهای خدا که ضایع نمیشود و کسی صبح کند

لله جارًا فهو امن محفوظ اصبحت والملك و

درحالتی که در پناه خداست پس او ایمن و محفوظ است صبح کردم حال آنکه پادشاهی و

الملكوت والعظمة والجبروت والجلال و

کمال پادشاهی و بزرگی و کمال عظمت و بزرگواری و

الاكرام والنّقض والابرام والعزّة والسّلطان

ارجمندی و شکستن و مستحکم ساختن و عزیزی و سلطنت

والحجّة والبرهان والكبرياء والرّبوبيّة

و غلبه و دلیل هویدا و بزرگواری و پروردگاری

والقدرة والهيبة والمنعة والسّطوة والرّافة

و توانائی و مهابت و منعت و قهر و مهربانی

والرّحمة والعفو والعافية والسّلامة و

و رحیمی و بخشایش و عافیت دادن و سلامتی و

الطّول والالاء والفضل والنّعماء والنّور

تفضل و آلا و نعمتها و فضل و نعمت و نور

والضّياء والامن وخزائن الدّنيا والاخرة لله

و روشنی و ایمنی و خزینها و دنیا و آخره از برای خداوند

رَبِّ الْعَالَمِينَ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ

پروردگار عالمیان است که یکتای و صاحب قهر است و پادشاه صاحب جبروت

الْعَزِيزِ الْغَفَّارِ اَصْبَحْتُ لَا اُشْرِكُ بِاللّٰهِ شَيْئًا وَلَا

و غالب بسیار آمرزنده صبح کردم درحالتی که شریک نساخته ام بخدا چیزی را و نه

اَدْعُو مَعَهُ اِلٰهًا وَلَا اَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ وَلِيًّا وَلَا

خوانده ام با او معبودی را و فرا نمیگیرم از غیر او دوستی و نه

نَصِيرًا اِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللّٰهِ اَحَدٌ وَلَنْ اَجِدَ مِنْ

یاوری بدرستی که پناه نمیدهد مرا از خدا کسی و نه می یابم از

دُونِهِ مُلْتَحَدًا اَللّٰهُ اَللّٰهُ اَللّٰهُ رَبِّي حَقًّا لَا اُشْرِكُ

غیر او پناهی خدا خدا خدا پروردگار من است از روی راستی شریک نمیکنم

بِهِ شَيْئًا اَللّٰهُ اَعَزُّ وَاَكْبَرُ وَاَعْلٰى وَاَقْدَرُ مِمَّا

با او چیزی را خدا غالبست و بزرگتر و برتر و تواناتر است و آنچه

اَخَافُ وَاَحْذَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ

میترسم و بیم دارم ازان نیست توانائی و نه قوتی مگر بخدای بلند مرتبه

الْعَظِيمِ اَللّٰهُمَّ كَمَا اَذْهَبْتَ بِاللَّيْلِ وَاَقْبَلْتَ بِالنَّهَارِ

بزرگوار خداوندا چنانچه بردی شب را و آوردی روز را

خَلْقًا جَدِيدًا مِنْ خَلْقِكَ وَاٰيَةً بَيِّنَةً مِنْ اٰيَاتِكَ

آفریده تازه از آفریدگان خود و علامتی هویدا از علامتهای خود

فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَاَذْهِبْ عَنِّي فِيهِ كُلَّ غَمٍّ

پس درود فرست بر محمد و آل محمد و ببر دران از من دران هر غمی

وهم وحزن ومكروه وبلية ومحنة

و سختی و اندوهی و ناخوشی و بلایی و محنتی و

وملمة واقبل الي بالعافية وامنن علي بالرحمة

و بلایی فرود آینده و متوجه من ساز عافیت را و منت گذار بر من رحمت

والعفو والتوبة وادفع عني كل معرة ومضرة

و عفو و بازگشت و دفع کن از من هر گناهی و ضرر را

بحولك وقوتك وجودك وكرمك واعوذ بالله

به توانایی خود و قوت خود و بخشش خود و کرم خود و پناه میبرم بخدا

وبما عاذت به ملائكته ورسله من شر

و بآنچه پناه جسته اند بآن فرشتگان خدا و رسولان خدا از شر

هذا اليوم وما ياتي بعده من الشيطان والسلطان

این روز و آنچه می آید بعد از آن از شر شیطان و سلطان

وركوب المحارم والآثام ومن شر السامة

و مرتکب شدن حرام و گناهان و از شر زهردارنده

والهامة والعين اللامة ومن شر كل دابة ربي

و حشرات گزنده و چشم بد و از شر هر جنبنده که پروردگار من

آخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم

گرفته است پیشانی او را بدرستی که پروردگار من بر راه راست است

واعوذ بالله وبكلماته وعظمته وحوله و

و پناه میبرم بخدا و بکلمات او و بزرگی او و توانایی او

قُوَّتِهِ وَقُدْرَتِهِ مِنْ غَضَبِهِ وَسَخَطِهِ وَعِقَابِهِ وَ

قوت او وقدرت او از غضب او وخشم او وعقاب او و

اَخْذِهِ وَبَاْسِهِ وَسَطْوَتِهِ وَنَقِمَتِهِ وَمِنْ جَمِيعِ

گرفتن او وعذاب او وقهر او وعقوبت او واز همه

مَكَارِهِ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَامْتَنَعْتُ بِحَوْلِ اللّٰهِ وَ

ناخوشیهای دنیا و اخرت وخودرا نگاه داشتم بقدرت خدا و

قُوَّتِهِ مِنْ حَوْلِ خَلْقِهِ جَمِيعًا وَقُوَّتِهِمْ وَبِرَبِّ الْفَلَقِ

قوت او از قدرت افریدگان همگی وقوت شان وبخدای شگفنده دم

مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ اِذَا وَقَبَ وَمِنْ

از بدی انچه افرید واز بدی شب تاریک چون درامد واز

شَرِّ النَّفّٰثٰتِ فِي الْعُقَدِ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ اِذَا

بدی زنان جادو وبا دومنده در گرهها واز بدی بدخواه چون

حَسَدَ وَبِرَبِّ النَّاسِ مَلِكِ النَّاسِ اِلٰهِ النَّاسِ

بدخواهد وپروردگار مردمان پادشاه مردمان معبود مردمان

مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي

واز بدی دیو وسوسه کننده بازپس خزنده انکه وسوسه میکند در

صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ

سینهای مردمان از پریان وادمیان پس اگر اعراض کنند پس بگوی

حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ

محمد بسنت مرا خدای نیست خدائی مگر او براو توکل کردم واو

رب

رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ بِاللّٰهِ اَسْتَفْتِحُ وَبِاللّٰهِ اَسْتَنْجِحُ

پروردگار عرش بزرگست بخدا طلب کشادکار میکنم و بخدا طلب رسیدن مطلب میکنم

وَعَلَى اللّٰهِ اَتَوَكَّلُ وَبِاللّٰهِ اَعْتَصِمُ وَبِاللّٰهِ اَسْتَعِينُ

و بر خدا توکل میکنم و بخدا امتسک میجویم و بخدا طلب یاری میکنم

وَاَسْتَجِيرُ بِسْمِ اللّٰهِ خَيْرِ الْاَسْمَاۤءِ بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِي لَا

و پناه میبرم بنام خدا که بهترین نامهاست بنام خدا که

يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْاَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاۤءِ وَهُوَ

ضرری نمیرساند بانام او چیزی در زمین و نه در آسمان و اوست

السَّمِيعُ الْعَلِيمُ رَبِّ اِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ

شنوای دانا ای پروردگار من توکل کردم بر تو

رَبِّ اِنِّي فَوَّضْتُ اَمْرِي اِلَيْكَ رَبِّ اِنِّي اَلْجَاْتُ

ای پروردگار من واگذاشتم امر خود را بسوی تو ای پروردگار من سستی تن من در آوردم

ضَعْفَ رُكْنِي اِلَى قُوَّةِ رُكْنِكَ مُسْتَغِيثًا

ناتوانی رکن خود را بسوی توانائی رکن تو در حالتی که یاری جوینده ام

بِكَ عَلَى ذَوِي التَّعَزُّزِ عَلَيَّ وَالْقَهْرِ لِي وَ

بتو بر صاحبان غلبه بر من و صاحب قهر نسبت بمن و

الْقُوَّةِ عَلَى ضَيْمِي وَالْاِقْدَامِ عَلَى ظُلْمِي اَنَا وَ

قدرت بر ظلم من و جرات بر ستم من و من و

اَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَاِخْوَانِي فِي جِوَارِكَ

عیال من و مال من و فرزند من و برادران مومن هستیم در همسایگی تو

وَكَنَفِكَ رَبِّ لَا ضَعْفَ مَعَكَ وَلَا ضَيْمَ

و کنف تو ای پروردگار من نیست سستی و ناتوان با تو و نیست ستم

عَلٰى جَارِكَ رَبِّ فَاقْهَرْ قَاهِرِي بِعِزَّتِكَ وَاَوْهِنْ

بر همسایه تو ای پروردگار من پس مقهور کن غلبه کننده مرا بعزت خود و سست کن

مُسْتَوْهِنِي بِقُدْرَتِكَ وَاقْصِمْ ضَائِمِي بِبَطْشِكَ

کسی را که طلب سستی میکند بقدرت خود و بشکن ظلم کننده مرا بجز من عنف خود

وَخُذْ لِي مِنْ ظَالِمِي بِعَدْلِكَ وَاَعِذْنِي مِنْهُ

و بگیر از برای من بر ستم کننده بر من بعدل خود و پناه ده مرا از او

بِعِيَاذِكَ وَاَسْبِلْ عَلَيَّ سِتْرَكَ فَاِنَّ مَنْ سَتَرْتَهُ

به پناه خود و بپوشان بر من پرده خود را پس هر کسی که هر که را پوشانیدی

فَهُوَ اٰمِنٌ مَحْفُوظٌ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ

پس او ایمن و محفوظ است و نیست توانائی و نه قوتی مگر بخدای

الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ يَا حَسَنَ الْبَلَاءِ يَا اِلٰهَ مَنْ فِي

بلند مرتبه بزرگ ای نیکو نعمت ای خدای هر که در

الْاَرْضِ وَمَنْ فِي السَّمَاۤءِ يَا مَنْ لَا غِنٰى لِشَيْءٍ عَنْهُ

زمین و هر که در آسمان است ای کسی که نیست بی‌نیازی برای هیچ چیز از او

وَلَا بُدَّ لِشَيْءٍ مِنْهُ يَا مَنْ مَصِيرُ كُلِّ شَيْءٍ اِلَيْهِ

و ناچار است مر هر چیز از او ای کسی که بازگشت هر چیز بسوی اوست

وَوُرُودُهُ عَلَيْهِ وَرِزْقُهُ عَلَيْهِ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

و ورود او براوست و روزی او براوست درود فرست بر محمد

وال

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَوَلَّنِي وَلَا تُوَلِّ أَمْرِي أَحَداً مِنْ شِرارِ

وال محمد ومتولی من باش ومتولی من مگردان کسی را از بدان

خَلْقِكَ كَمَا خَلَقْتَنِي وَغَذَوْتَنِي وَرَحِمْتَنِي فَلَا

آفریدگان خود چنانچه آفریدی مرا وغذا دادی مرا ورحم کردی مرا پس

تُضَيِّعْنِي يَا مَنْ جُودُهُ وَسِيلَةُ كُلِّ سَائِلٍ

ضایع مساز مرا ای کسیکه بخشش او دست آویز هر سؤال کننده است

وَكَرَمُهُ شَفِيعُ كُلِّ آمِلٍ يَا مَنْ هُوَ بِالْجُودِ مَوْصُوفٌ

وکرم او شفاعت کننده هر آرزومند است ای کسیکه او ببخشش وصف کرده شده

ارْحَمْ مَنْ هُوَ بِالْإِسَاءَةِ مَعْرُوفٌ يَا كَنْزَ الْفُقَرَاءِ

رحم کن کسی را که او ببدی معروفست ای گنج فقیران

وَيَا مُعِينَ الضُّعَفَاءِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ لِهَمٍّ

وای یاری دهنده ضعیفان خداوندا بدرستی که من میخوانم ترا برای اندوهی

لَا يُفَرِّجُهُ غَيْرُكَ وَلِرَحْمَةٍ لَا تُنَالُ إِلَّا بِكَ وَ

که گشاده نمیند هد اورا غیر تو وبرای رحمتی که رسیده نمیشود مگر بسبب تو و

لِحَاجَةٍ لَا يَقْضِيهَا إِلَّا أَنْتَ يَا كَرِيمُ اللَّهُمَّ كَمَا

وبرای حاجتی که بر آورده نمیشود مگر بتو ای بخشنده خداوندا چنانچه

كَانَ مِنْ شَأْنِكَ مَا أَرَدْتَنِي بِهِ مِنْ ذِكْرِكَ

بود از شان تو آنچه اراده کرده بودی مرا بآن از یاد کردن تو

وَأَلْهَمْتَنِيهِ مِنْ شُكْرِكَ وَدُعَائِكَ فَلْيَكُنْ

ودر دل من افکنده بود از آن از شکر تو وخواندن تو پس باید که بوده باشد

مِنْ شَانِكَ الاِجابَةُ لِي فِيما دَعَوْتُكَ وَالنَّجاةُ

از شان تو اجابت کردن مرا در انچه

فِيما فَزِعْتُ اِلَيْكَ مِنْهُ فَاِنْ لَمْ اَكُنْ

در انچه پناه جسته ام بسوی تو از ان پس اگر نبوده باشم سزاوار

اَهْلاً اَنْ اَبْلُغَ رَحْمَتَكَ فَاِنَّ رَحْمَتَكَ اَهْلٌ

اینکه برسم برحمت تو پس هر ایستی که رحمت تو سزاوار است

اَنْ تَبْلُغَنِي وَتَسَعَنِي لِاَنَّها وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ

این که برسد بمن و گنجایش داشته باشد مرا زیرا که ان گنجایش هر چیز دارد

وَاَنا شَيْءٌ فَلْتَسَعْنِي رَحْمَتُكَ يا مَوْلايَ اَللّٰهُمَّ

و من چیزی ام پس باید گنجایش داشته مرا رحمت تو ای اقای من خداوندا

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَامْنُنْ عَلَيَّ وَاَعْطِنِي

رحمت بر محمد و ال محمد و منت گذار بر من و عطا کن مرا

فَكاكَ رَقَبَتِي مِنَ النّارِ وَاَوْجِبْ لِيَ الْجَنَّةَ

رهائی گردن من از اتش و واجب گردان برای من بهشت را

بِرَحْمَتِكَ وَزَوِّجْنِي مِنَ الْحُورِ الْعِينِ بِفَضْلِكَ وَ

برحمت خود و زن من گردان از حوریان گشاده چشم بفضل خود و

اَجِرْنِي مِنْ غَضَبِكَ وَوَفِّقْنِي لِما يُرْضِيكَ عَنِّي

پناه ده مرا از غضب خود و توفیق ده مرا از برای انچه خوشنود سازد ترا از من

وَاعْصِمْنِي مِمّا يُسْخِطُكَ عَلَيَّ وَرَضِّنِي بِما قَسَمْتَ

و نگاه دار مرا از انچه سبب غضب تو می شود بر من و خشنود ساز د ترا از من بانچه قسمت کرده

لِي وَبَارِكْ لِي فِيمَا أَعْطَيْتَنِي وَاجْعَلْنِي شَاكِرًا

برای من و مبارک گردان برای من در انچه عطا کردی و بگردان مرا شکر کذارنده

لِنِعْمَتِكَ وَارْزُقْنِي حُبَّكَ وَحُبَّ كُلِّ مَنْ أَحَبَّكَ

از برای نعمت خود و روزی من گردان دوستی خود را و دوستی هر که دوست دارد ترا

وَحُبَّ كُلِّ عَمَلٍ يُقَرِّبُنِي إِلَى حُبِّكَ وَامْنُنْ عَلَيَّ

و دوستی هر عملی که نزدیک میگرداند مرا بسوی محبت داشتن تو و منت گذار بر من

بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ وَالتَّفْوِيضِ إِلَيْكَ وَالرِّضَا

بتوکل بر تو و واگذاشتن امر خود بسوی تو و راضی بودن

بِقَضَائِكَ وَالتَّسْلِيمِ لِأَمْرِكَ حَتَّى لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ

بقضای تو و اطاعت نمودن مر امر ترا تا انکه دوست ندارم شتاب کردن

مَا أَخَّرْتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

آنچه پس انداخته و نه پس انداختن انچه تعجیل فرموده ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

و رحمت فرستد خدا بر محمد و بر آل محمد مستجاب گردان ای رورد گار عالمیان

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ لِكُلِّ عَظِيمَةٍ وَلِكُلِّ نَازِلَةٍ فَصَلِّ

خداوندا تو از برای هر امر عظیمی و از برای هر امر فرود آینده پس رحمت بفرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاكْفِنِي كُلَّ مَؤُنَةٍ وَبَلَاءٍ

بر محمد و آل محمد و کفایت کن از من هر رنجی و بلائی را

يَا حَسَنَ الْبَلَاءِ عِنْدِي يَا قَدِيمَ الْعَفْوِ عَنِّي يَا مَنْ لَا

ای انکه نیکوست نعمت او نزد من ای که قدیم است عفو او ای کسی که نیست

غِنًى لِشَيْءٍ عَنْهُ يَا مَنْ رِزْقُ كُلِّ شَيْءٍ عَلَيْهِ

بی نیازی بر چیزی از او ای آن کسی که روزی همه چیز بر اوست

تمّ نوحي باصبعك بحق مزيد از تكفي شرّه قد اِنَّا جَعَلْنَا

وگردانیدیم ما

فِيٓ اَعْنَاقِهِمْ اَغْلٰلًا فَهِيَ اِلَى الْاَذْقَانِ فَهُمْ

در گردنهای ایشان غلها پس آن غلها تا زنخدان است پس ایشان

مُقْمَحُوْنَ وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ اَيْدِيْهِمْ سَدًّا وَّمِنْ

سر در هوا مانند گانند وگردانیدیم ما از پیش روی ایشان حجابی و پرده واز

خَلْفِهِمْ سَدًّا فَاَغْشَيْنٰهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُوْنَ

پس ایشان حجابی و پرده پس پوشانیدیم ایشان را پس ایشان نمی بینند

اِنَّا جَعَلْنَا عَلٰى قُلُوْبِهِمْ اَكِنَّةً اَنْ يَّفْقَهُوْهُ وَفِيْٓ

درستی که ما گردانیدیم بر دلهای ایشان پردها آنکه نفهمند قرآن را و در

اٰذَانِهِمْ وَقْرًا وَاِنْ تَدْعُهُمْ اِلَى الْهُدٰى فَلَنْ يَّهْتَدُوْٓا

گوشهای ایشان گرانی واگر بخوانی تو ایشان را بسوی هدایت پس هدایت نیابند

اِذًا اَبَدًا اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ طَبَعَ اللّٰهُ عَلٰى قُلُوْبِهِمْ

آنهنگام هرگز آنگروه آنکسانی اند که مهر نهاده است خدا بر دلهای ایشان

وَسَمْعِهِمْ وَاَبْصَارِهِمْ وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْغٰفِلُوْنَ

وبر گوش ایشان و در چشم ایشان وآنجماعت ایشانند بیخبران

اَفَرَاَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ اِلٰهَهٗ هَوٰىهُ وَاَضَلَّهُ اللّٰهُ عَلٰى

آیا دیدی کسی را که فرا گرفته بود خدای خود را هوا و هوس خود الله سبحانه دادا خدا بر

عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ

علمی و مهر کرده بود بر گوش او و دل او و گردانیده بر دیده او

غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

پرده پس کیست که هدایت کند او را بعد از خدا پس یاد آوری میکنید و

وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ

چون بخوانی قرآن را بگردانیم میان تو و میان آنانکه

لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا وَجَعَلْنَا

نمی گروند آخرت پرده پوشیده شده از حس و گردانیدیم ما

عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ

بر دلهای ایشان پردها اینکه نفهمند و در گوشهای ایشان

وَقْرًا وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ

گرانی را و چون یاد کنی پروردگار خود را در قرآن حال آنکه تنهاست او

وَلَّوْا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

باز گردند کافران بر پشتها شان در حالی که رمیدگانند سپاس از برای خداوند پروردگار عالمیان است

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ تَقُومُ

خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو بنام تو که بسبب آن بر پا استاده

السَّمَاءُ وَبِهِ تَقُومُ الْأَرْضُ وَبِهِ تُفَرِّقُ بَيْنَ الْحَقِّ

آسمانها و بسبب آن قرار گرفته است زمین و بآن جدا میسازی میانه حق

وَالْبَاطِلِ وَبِهِ تَجْمَعُ بَيْنَ الْمُتَفَرِّقِ وَبِهِ تُفَرِّقُ

و باطل و بآن فراهم می آوری میانه پراکنده و بآن پراکنده میکنی

بَيْنَ الْمُجْتَمِعِ وَبِهٖ اَحْصَيْتَ عَدَدَ الرِّمَالِ وَزِنَةَ

میان فراهم آمده و بآن شمرده عدد ریگهارا و وزن

اَلْجِبَالِ وَكَيْلَ الْبِحَارِ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ

کوهها را و پیمانه دریاها را اینکه درود فرستی بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ لِيْ مِنْ اَمْرِيْ فَرَجًا وَمَخْرَجًا

محمد و اینکه بگردانی برای من از امر من کشادی و بیرون شدی

اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوْبِ

درستی که تو بر هر چیز قادر و توانایی ای گرداننده دلها

وَالْاَبْصَارِ ثَبِّتْ قَلْبِيْ عَلٰى دِيْنِكَ وَلَا تُزِغْ قَلْبِيْ

و چشمها ثابت گردان دل مرا بر دین خود و میل بباطل مده دل مرا

بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنِيْ وَهَبْ لِيْ مِنْ لَّدُنْكَ رَحْمَةً

بعد ازان که راه نمودی مرا بحق و بخش مرا از نزد خود بخششی

اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ وَاَجِرْنِيْ مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ

بدرستی که تویی بخشنده و پناه بده مرا از آتش بفضل خود

اَللّٰهُمَّ امْدُدْ لِيْ فِيْ عُمْرِيْ وَاَوْسِعْ عَلَيَّ فِيْ رِزْقِيْ

خداوندا زیاده کن برای من در عمر من و فراخ بگردان بر من روزی مرا

وَانْشُرْ عَلَيَّ رَحْمَتَكَ وَاِنْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِيْ اُمِّ

و پهن کن بر من رحمت خود را و اگر بوده ام من نزد تو در

الْكِتَابِ شَقِيًّا فَاجْعَلْنِيْ سَعِيْدًا فَاِنَّكَ تَمْحُوْ

لوح محفوظ بدبخت پس بگردان مرا بفضل خود نیکبخت پس درستی که تو دادری

ممتا

مَا تَشَاۤءُ وَتُثْبِتُ وَعِنْدَكَ اُمُّ الْكِتَابِ ثُمَّ يَقُول

برانکه محو کنی انچه خواهی و نزد تست لوح محفوظ

اَحَطْتُ عَلٰى نَفْسِى وَدِيْنِى وَاَهْلِى وَمَالِى وَوَلَدِى

محیط گردانیدم بر نفس خود و دین خود و اهل خود و مال خود و فرزندان خود

مِنْ شَاهِدٍ اَوْ غَاۤئِبٍ بِاللهِ الَّذِى لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ

از حاضر و غایب‌شان خداوندی را که نیست خدایی بغیر او

عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ الْحَىِّ الْقَيُّوْمِ

دانای پنهان و اشکار است بخشاینده و مهربان است زنده و پاینده است

لَا تَاْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِى السَّمٰوَاتِ وَمَا

فرا نمیگیرد او را سِنَه و نه خواب از برای اوست انچه در اسمانها و انچه

فِى الْاَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِى يَشْفَعُ عِنْدَهُ اِلَّا بِاِذْنِهِ

در زمین است کیست انکه شفاعت کند نزد او مگر باذن او

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ اَيْدِيْهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيْطُوْنَ

میداند انچه را که پیش روی ایشان است و انچه را که پس سر ایشان است و احاطه نمیکنند

بِشَىْءٍ مِنْ عِلْمِهِ اِلَّا بِمَا شَاۤءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ

بچیزی از علم او مگر بانچه او خواسته وسعت دارد کرسی او

السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ وَلَا يَؤُدُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ

اسمانها و زمین را و سنگینی نمیکند او را نگاهداری انها و اوست

الْعَلِىُّ الْعَظِيْمُ ثُمَّ يَقُول اَصْبَحْتُ اللّٰهُمَّ مُعْتَصِمًا

بلند مرتبه بزرگ مرتبه داخل صباح شدم خداوندا دست زننده

بِذِمَامِكَ الْمَنِيعِ الَّذِي لَا يُطَاوَلُ وَلَا يُحَاوَلُ

بحرمت قوی غالب تو که و نزاع کرده نمیشود و قصد کرده نمیشود

مِنْ شَرِّ كُلِّ غَاشِمٍ وَطَارِقٍ مِنْ سَائِرِ مَنْ

از شر هر ستم کننده و آینده شونده در شب از جمیع آنچه

خَلَقْتَ وَمَا خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ الصَّامِتِ وَ

آفریده و آنچه آفریده از آفریدگان خود خواه خاموش خواه

النَّاطِقِ فِي جُنَّةٍ مِنْ كُلِّ مَخُوفٍ بِلِبَاسٍ سَابِغَةٍ

لویا در سپری از هرچه ازان ترسند. پوشش کامله

وَلَاءِ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ

و دوستی اهل بیت پیغمبر تست محمد بر او و بر ایشان باد سلام

مُحْتَجِبًا مِنْ كُلِّ قَاصِدٍ لِي إِلَى أَذِيَّةٍ بِجِدَارٍ

در حالتی که خود را در پناه آورده ام از هر قصد کننده مرا برای آزادی بدیوار

حَصِينٍ الْإِخْلَاصِ فِي الْاِعْتِرَافِ بِحَقِّهِمْ وَالتَّمَسُّكِ

حفظ کننده گران اخلاص در اعتراف کردن بحق اهل بیت علیهم السلام و متمسک شدن

بِحَبْلِهِمْ مُوقِنًا بِأَنَّ الْحَقَّ لَهُمْ وَمَعَهُمْ وَفِيهِمْ

بریسمان پیروی ایشان در حالتی که یقین دارم که حق از ایشان است و با ایشانست و در ایشانست

وَبِهِمْ أُوَالِي مَنْ وَالَوْا وَأُجَانِبُ مَنْ جَانَبُوا فَصَلِّ

و بایشان دایم هست دوستی میکنم با هر که با ایشان دوست شد و جدائی میکنم با هر که از ایشان جدا شد پس درود فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِذْنِي اللَّهُمَّ بِهِمْ مِنْ شَرِّ

بر محمد و آل محمد و پناه ده مرا خداوندا از کید ایشان از بدی

کل

كُلِّ مَا اَتَّقِيهِ يَا عَظِيمُ حَجَزْتُ الْاَعَادِى

هر چه ازان میترسم ای بزرگوار رفع کردم دشمنان را

عَنِّى بِبَدِيعِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ اِنَّا جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ

از خود پیدا آورنده آسمانها و زمین بدرستی که گردانیدم در پیش

اَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَاَغْشَيْنَاهُمْ

دستهای ایشان سدی و از پشت سر ایشان سدی پس فرو گرفتیم ایشان را

فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ

پس ایشان نمی بینند ما را

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْاَخْيَارِ الْاَتْقِيَاءِ

و رحمت کند خدا بر محمد و آل او که برگزیدگان پاکیزگانند

الْاَبْرَارِ الَّذِينَ اَذْهَبَ اللّٰهُ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ

نیکانند آنکسانی که برده است خدا از ایشان پلیدی را و پاکیزه گردانید ایشان را

تَطْهِيرًا وَاُفَوِّضُ اَمْرِى اِلَى اللّٰهِ وَمَا تَوْفِيقِى اِلَّا

پاکیزه گردانیدنی و واگذاشتم امر خود را بسوی خدا و نیست توفیق من مگر

بِاللّٰهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

بخدا بر او توکل کردم و او است پروردگار عرش بزرگ

وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ فَهُوَ حَسْبُهُ اِنَّ اللّٰهَ بَالِغُ

و کسی که توکل میکند بر خدا پس خدا بس است او را بدرستی که خدا رساننده است

اَمْرِهٖ قَدْ جَعَلَ اللّٰهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا مَا شَآءَ

امر خود را بدرستی که گردانیده است خدا از برای هر چیزی اندازه انچه را خواسته

اللّٰهُ كَانَ حَسْبِيَ اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَاَعُوذُ

خدا شده است کافیست مرا خدا و خوب کارگذاریست و پناه میبرم

بِاللّٰهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَمِنْ

بخدای شنوای دانا از شیطان رانده شده و از

هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَاَعُوذُ بِكَ رَبِّ اَنْ

وسوسهای شیاطین و پناه میبرم بتو ای پروردگار من از انکه

يَحْضُرُونِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ

حاضر شوند مرا ببدی و نیست گردانیدنی و نه توانائی مگر بخدای بلند مرتبه

الْعَظِيمِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ حَمْدًا كَثِيرًا

بزرگ سپاس مر خداوند پروردگار عالمیان است سپاس بسیار

كَمَا هُوَ اَهْلُهٗ وَمُسْتَحِقُّهٗ وَكَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ

چنانچه او سزاوار است و شایسته آن است و چنانچه شایسته است

وَجْهِهٖ وَعِزِّ جَلَالِهٖ عَلٰى اِدْبَارِ اللَّيْلِ وَاِقْبَالِ النَّهَارِ

ذات و غلبه بزرگی او بر گشت کردن شب و در آوردن روز

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اَذْهَبَ اللَّيْلَ مُظْلِمًا بِقُدْرَتِهٖ

سپاس مر خدا را که برد شب را در حالتیکه تیره بود بقدرت خود

وَجَآءَ بِالنَّهَارِ مُبْصِرًا بِرَحْمَتِهٖ خَلْقًا جَدِيدًا

و آورد روز را در حالتی که روشن بود برحمت خود آفریده تازه

وَنَحْنُ فِي عَافِيَتِهِ وَسَلَامَتِهِ وَسِتْرِهِ وَكِفَايَتِهِ

وحال آنکه ما هستیم در عافیت او و سلامت او و پرده او و نگاه داشتن او

وَجَمِيلِ صُنْعِهِ مَرْحَبًا بِخَلْقِ اللّٰهِ الْجَدِيدِ وَالْيَوْمِ

و خوبی احسان او مرحبا با فریده خدا که تازه است و روز

الْعَتِيدِ وَالْمَلَكِ الشَّهِيدِ مَرْحَبًا بِكُمَا مِنْ مَلَكَيْنِ

خاصه و فرشته گواه مرحبا بشما از دو فرشته

كَرِيمَيْنِ وَحَيَّاكُمَا اللّٰهُ مِنْ كَاتِبَيْنِ حَافِظَيْنِ

که کریمند و سلام فرستد بشما خدا از دو نویسنده که حفظ کننده اند

أُشْهِدُكُمَا فَاشْهَدَا لِي وَاكْتُبَا شَهَادَتِي هٰذِهِ مَعَكُمَا

گواه میگیرم شما را پس گواهی دهید برای من و بنویسید گواهی مرا در این روز با خود تا

حَتّٰى أَلْقَى بِهَا رَبِّي إِنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ

تا آنکه ملاقات کنم بآن پروردگار خود را گواهی میدهم که نیست خدائی مگر خدای

وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ

یگانه نیست انبازی برای او گواهی میدهم اینکه محمد بنده او

وَرَسُولُهُ أَرْسَلَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ

و رسول اوست فرستاده او در حالتی که ملبس بود بهدایت و دین حق برای آنکه غالب گرداند

عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ وَأَنَّ

او را بر دین همه آن و هر چند ناخوش داشته باشند مشرکان و اینکه

الدِّينَ كَمَا شَرَعَ وَالْإِسْلَامَ كَمَا وَصَفَ وَالْقَوْلَ كَمَا

دین چنان است که خدا اقرار داده است و دین اسلام چنان است که بیان کرده و قول چنان است

حَدَثٌ وَالقُرآنَ كَما اُنزِلَ وَاَنَّ اللّٰهَ هُوَ الحَقُّ

که پیدا کرد وقرآن چنان است که فرو فرستاده واینکه خدا اوست وبس حق

المُبِينُ وَاَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَالقُرآنَ حَقٌّ وَالمَوتَ

آشکار واینکه رسول حق است وقرآن حق است ومردن

حَقٌّ وَمَسَالَةَ مُنكَرٍ وَنَكِيرٍ فِي القَبرِ حَقٌّ وَالبَعثَ

حق است وسؤال منکر ونکیر در قبر حق است وبرانگیختن

حَقٌّ وَالنُّشُورَ حَقٌّ وَالصِّرَاطَ حَقٌّ وَالمِيزَانَ حَقٌّ وَ

حق است وبیرون آمدن حق است وصراط حق است وترازوی اعمال عباد حق است

الجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارَ حَقٌّ وَاَنَّ السَّاعَةَ اٰتِيَةٌ لَارَيبَ

بهشت حق است وآتش حق است واینکه قیامت آینده است نیست شکی

فِيهَا وَاَنَّ اللّٰهَ يَبعَثُ مَن فِي القُبُورِ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

دران واینکه خدا برانگیزد هرکه را در قبرهاست پس رحمت بر محمد

وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاكتُبِ اللّٰهُمَّ شَهَادَتِي عِندَكَ مَعَ

وآل محمد وبنویس خداوندا گواهی مرا نزد خود با

شَهَادَةِ اُولِي العِلمِ بِكَ يَا رَبِّ وَمَن اَبَى اَن يَشهَدَ

گواهی صاحبان علم بتو ای پروردگار من وهرکه ابا کند که گواهی دهد

لَكَ بِهٰذِهِ الشَّهَادَةِ وَزَعَمَ اَنَّ لَكَ نِدًّا اَولَكَ

برای تو این شهادت وگمان کند که ازبرای تو مانندی هست یا ازبرای تو

وَلَدًا اَولَكَ صَاحِبَةً اَولَكَ شَرِيكًا اَومَعَكَ

فرزندی یا ازبرای تو زنی یا ازبرای تو انباری یا با تو

خَالِقًا اَوْ رَازِقًا فَاِنِّی بَرِیءٌ مِنْهُمْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ

خلق کننده یا روزی دهنده شد نیست خدای مگر تو

تَعَالَیْتَ عَمَّا یَقُوْلُ الظَّالِمُوْنَ عُلُوًّا کَبِیْرًا فَاکْتُبْ

برتری از آنچه میگویند ظالمان برتری بزرگ پس بنویس

اَللّٰهُمَّ شَهَادَتِیْ مَکَانَ شَهَادَتِهِمْ وَاَحْیِنِیْ عَلٰی

خداوندا گواهی مرا بجای گواهی ایشان و زنده دار مرا بر

ذٰلِكَ وَاَمِتْنِیْ عَلَیْهِ وَاَدْخِلْنِیْ بِرَحْمَتِكَ فِیْ عِبَادِكَ

این شهادت و بمیران مرا و در آن و داخل ساز مرا برحمت خود در میان بندگان خود

الصَّالِحِیْنَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ

که شایستگانند خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد

وَصَبِّحْنِیْ مِنْكَ صَبَاحًا صَالِحًا مُبَارَکًا مَیْمُوْنًا

و داخل صباح کن مرا از جانب خود صباحی شایسته بابرکت صاحب میمنت

لَا خَازِیًا وَّلَا فَاضِحًا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ

نه باخزی و نه با رسوایی خداوندا درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ اَوَّلَ یَوْمِیْ هٰذَا صَلَاحًا وَّاَوْسَطَهٗ

محمد و بگردان اول روز مرا این شایستگی و میان آن را

فَلَاحًا وَّاٰخِرَهٗ نَجَاحًا وَّاَعُوْذُ بِكَ مِنْ یَوْمٍ اَوَّلُهٗ

رستگاری و آخر آن را مطلب رسیدن و پناه میبرم بتو از روزی که اول آن

فَزَعٌ وَّاَوْسَطُهٗ جَزَعٌ وَّاٰخِرُهٗ وَجَعٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

ترسناکی و میان آن بیتابی و آخر آن دردناکی باشد خداوندا درود فرست

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي خَيْرَ يَوْمِي هٰذَا وَ

بر محمد وال محمد و روزی من کن بهترین روز مرا این و

خَيْرَ مَا فِيهِ وَخَيْرَ مَا قَبْلَهُ وَخَيْرَ مَا بَعْدَهُ وَاَعُوذُ

بهترین آنچه در آنست و بهترین آنچه پیش از آنست و بهترین آنچه بعد از آن است و پناه میبرم

بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ مَا فِيهِ وَشَرِّ مَا قَبْلَهُ وَشَرِّ

بتو از شر آن و شر آنچه در آن است و شر آنچه پیش از آن و شر

مَا بَعْدَهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْتَحْ

آنچه بعد از آن خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد و بگشای

لِي بَابَ كُلِّ خَيْرٍ فَتَحْتَهُ عَلٰى اَحَدٍ مِنْ اَهْلِ الْخَيْرِ

برای من در هر خیری را که گشودی از برای کسی از اهل خیر

وَلَا تُغْلِقْهُ عَنِّي اَبَدًا وَاَغْلِقْ عَنِّي بَابَ كُلِّ شَرٍّ

و مبند آنرا بر من هرگز خداوندا و ببند بر من در هر شری را

فَتَحْتَهُ عَلٰى اَحَدٍ مِنْ اَهْلِ الشَّرِّ وَلَا تَفْتَحْهُ عَلَيَّ اَبَدًا

که گشوده بر کسی از اهل شر و مگشا آنرا بر من هرگز

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي مَعَ

خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد و بگردان مرا با

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي كُلِّ مَوْطِنٍ وَمَشْهَدٍ وَمَقَامٍ

محمد و آل محمد در هر جایگاه و هر محل حضوری و هر مقام

وَمَحَلٍّ وَمُرْتَحَلٍ وَفِي كُلِّ شِدَّةٍ وَرَخَاءٍ وَعَافِيَةٍ

و هر جای فرود آمدن و کوچ کردن و در هر سختی و آسانی و عافیتی

وَبَلآءٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَ

و بلای خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد و

اغْفِرْ لِي مَغْفِرَةً عَزْماً جَزْماً لَا تُغَادِرُ لِي ذَنْباً

بیامرز مرا آمرزیدنی لازم واجب که باقی نگذارد برای من گناهی

وَلَا خَطِيئَةً وَلَا إِثْماً اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ

و نه خطائی و نه معصیتی خداوندا بدرستی که طلب آمرزش میکنم از تو

مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ تُبْتُ إِلَيْكَ مِنْهُ ثُمَّ عُدْتُ فِيهِ

از هر گناهی که توبه کرده ام بسوی تو از آن پس عود کردم در آن

وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا أَعْطَيْتُكَ مِنْ نَفْسِي ثُمَّ لَمْ أَفِ

و طلب آمرزش میکنم ترا از برای آنچه داده ام تو از نفس خود بعد از آن وفا نکردم

لَكَ بِهِ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا أَرَدْتُ بِهِ وَجْهَكَ

از برای تو بآن و طلب آمرزش میکنم ترا از برای آنچه اراده کردم بآن ذات ترا

فَخَالَطَهُ مَا لَيْسَ لَكَ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَ

پس آمیخته شده بود بآن آنچه نبود از برای تو پس درود بفرست بر محمد و آل محمد و

اغْفِرْ لِي يَا رَبِّ وَلِوَالِدَيَّ وَمَا وَلَدَا وَمَا وَلَدْتُ

بیامرز مرا ای پروردگار من و از برای پدر و مادر من و اولادی که از ایشان بهم رسیده و اولاد من

وَمَا تَوَالَدُوا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَآءِ

و آنچه توالد و تناسل نموده اند از مؤمنین و مؤمنات زندگان ایشان

مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ

و مردگان و از برادران ما آنانکه پیشی گرفته اند ما را بایمان

وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ اٰمَنُوا رَبَّنَا اِنَّكَ

و مگردان در دلهای ما کینه از برای آنکسانی که ایمان ورده اند ای پروردگار ما بدرستیکه تو

رَؤُفٌ رَحِيمٌ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي قَضٰى عَنِّي صَلٰوةً

مهربان و صاحب رحم سپاس مر خدایرا که اداکرد ازمن نمازیرا که

كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا وَلَمْ

بود بر مؤمنان فرض وقت قرارداده شده و نگردانید

يَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

مرا از جمله غافلان برحمت تو ای رحیم‌ترین رحم کنندگان

وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ اَجْمَعِينَ الطَّيِّبِينَ

و درود فرستد خدا بر محمد و آل او همه که نیکوکاران

اعتصام دعاء سیفی

الطَّاهِرِينَ

و پاکیزگانند

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

يَا اِلٰهِي وَاِلٰهَ جَمِيعِ الْمَوْجُودَاتِ مِنَ الْمَعْقُولَاتِ وَ

ای خدای من و خدای جمیع موجودات از آنچیزها که بعقل درمی اید و

الْمَحْسُوسَاتِ وَيَا وَاهِبَ النُّفُوسِ وَالْعُقُولِ وَ

چیزهائی که محسوس میشود ای بخشنده جانها و عقلها و

مُخْتَرِعَ مَاهِيَّاتِ الْاَرْكَانِ وَالْاُصُولِ يَا

و پدیدآورنده حقیقتهای چهار عنصر و اصول اشیا ای

داب

واجب الوجود یا فایض الخیر والجود ویا فاعل

وجب الوجود ای بسیار بخشنده نیکی وبخشش وای ایجاد کننده

القلوب والارواح ویا جاعل الصور والاشباح

دلها وروحها وای گرداننده صورتها وشکلها

یا نور الانوار ومدبر کل دوار انت الاول

ای روشنی بخش روشنیها وتدبیر کننده هر دور کننده تو پیشتر از همه کسی

الذی لا اول قبلک وانت الاخر الذی لا اخر

که نیست اولی پیش از تو وتو آخرینه همه کسی که نیست دیگری

بعدک الملائکة عاجزون عن درک جلال

بعد از تو فرشتگان همگی عاجزند از دریافتن بزرگی

صفاتک والناس قاصرون عن معرفة کنه

صفتهای تو ومردمان مقصرند از شناختن کنه

ذاتک اللهم خلصنا عن العلایق الدنیة

ذات تو خداوندا خلاصی ده مارا از علایق پست

الجسمانیة ونجنا عن العوایق الردیة الظلمانیة

جسمانی بدنی ونجات ده مارا موانع زبون ظلمانی

وارسل علی ارواحنا شوارق انوارک وافض

وبفرست بر ارواح ما نورهای تابنده خود را وروان گردان

علی نفوسنا بوارق اثارک العقل قطرة من

بر جانهای ما ابرهای رحمت خود را عقل قطره ایست

قَطَرَاتِ بِحَارِ مَلَكُوتِكَ وَالشَّمْسُ شُعْلَةٌ مِنْ شُعْلَاتِ
قطرهای دریاهای پادشاهی تو وافتاب شعله ایست از شعلهای

نَارِ جَبَرُوتِكَ ذَاتٌ فَيَّاضَةٌ تَفِيضُ مِنْهَا جَوَاهِرُ
اتش بزرگواری تو حقیقت تو ذاتیست بسیار بخشنده که ایجاد میکنی ازان گوهرهای

رُوحَانِيَّةٌ لَا مُتَمَكِّنَةٌ وَلَا مُتَحَيِّزَةٌ وَلَا مُتَّصِلَةٌ
مجرده که مکان ندارند وجای نشیمن ندارند وهیچ چیز اتصال ندارند

وَلَا مُنْفَصِلَةٌ مُبَرَّاتٌ عَنِ الْاَحْيَازِ وَالْاَيْنِ
واز هیچ چیز جدا نشوند منزهات از جاها ومکان هستند

مُعَرَّاتٌ عَنِ الْوَصْلِ وَالْبَيْنِ فَسُبْحَانَ الَّذِي لَا
وبرهنه اند از پیوستن باشیا وجدا شدن پس منزه میدانم خداوندی راکه

تُدْرِكُهُ الْاَبْصَارُ وَلَا تُمَثِّلُهُ الْاَفْكَارُ لَكَ
درنمی یابد اورا دیدها و تشبیه نمینماید اورا فکرها ازبرای تست

الْمَجْدُ وَالثَّنَاءُ وَمِنْكَ الْمَنْعُ وَالْعَطَاءُ وَبِكَ
بزرگی وستایش وازجانب تست گرفتن وبخشیدن وبسبب تست

الْجُودُ وَالْبَقَاءُ فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ
بخشش وبقا پس منزه میدانم خداوندی راکه در دست اوست پادشاهی

كُلِّ شَيْءٍ وَاِلَيْهِ تُرْجَعُونَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى
همه چیز وبسوی او برگردانیده میشوند ورحمت خدای بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَجْمَعِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
محمد وال او همگی وسپاس ازبرای خدا که پروردگار عالمیان است

این دعا را نیز بخوانند اللّٰهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي مِنَ الشَّكِّ

خداوندا پاک گردان دل مرا از سک و

وَالشِّرْكِ وَالرِّيَاءِ وَزَيِّنْ لِسَانِي بِالذِّكْرِ وَ

شرک و ریا وزینت بده زبان مرا بذکر و

اعتصام دیگر اَلْحَمْدِ وَالثَّنَاءِ دعاء سیفی

ستایش و ثنای خود

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

اِعْتَصَمْتُ بِاللّٰهِ فَفِرُّوا اِلَى اللّٰهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ

پناه جستم بخداوند عاصیان پس بگریزید بسوی حق تعالی توکل نمو دم بر خدا

نَصْرٌ مِنَ اللّٰهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ حَسْبُنَا

یاری از جانب حق تعالی است و نیست برگشتن از معاصی و قوت بر طاعت مگر بخدا کافیست مارا

اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ نِعْمَ الْمَوْلٰى وَنِعْمَ النَّصِيرُ تَحَصَّنْتُ

خدا و خوب کارگذاریست خوب آقائیست و خوب یاوریست پناه میجویم

بِذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ وَاعْتَصَمْتُ بِذِي

بصاحب سلطنت و پادشاهی و پناه میجویم بصاحب

الْعِزَّةِ وَالْعَظَمَةِ وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ

عزت و عظمت و بزرگی و بخشش و جبروت

وَتَوَكَّلْتُ عَلَى الْمَلِكِ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَنَامُ وَلَا يَمُوتُ

و توکل میکنم بر پادشاهی که زنده است ابدا که نمیخوابد و نمیمیرد

أَصْبَحْتُ فِي جِوَارِ اللهِ وَأَمْسَيْتُ فِي أَمَانِ اللهِ
صبح کردم در همسایگی خداوند عالمیان و شام نمودم در امان خدا
دَخَلْتُ فِي حِرْزِ اللهِ وَفِي حِفْظِ اللهِ وَفِي حِصْنِ اللهِ
و داخل شدم در پناه خدا و در امان خدا و در حصار خدا
وَفِي أَمَانِ اللهِ مِنْ شَرِّ الْبَرِيَّةِ أَجْمَعِينَ بِحَقِّ
و در امان خدا از شر خلایق همگی
كٓهٰيٰعٓصٓ وَبِحَقِّ حٰمٓ عٓسٓقٓ انْصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي
یاری ده مرا بر کسی که ستم کرده است بمن
أَخَذْتُ سَمْعَكَ بِسَمْعِ اللهِ وَأَخَذْتُ بَصَرَكَ بِبَصَرِ
گرفتم گوش ترا بگوش خدا و گرفتم چشم ترا بچشم
اللهِ وَأَخَذْتُ قُوَّتَكَ بِقُوَّةِ اللهِ قَالَ اخْسَئُوا فِيهَا
خدا و گرفتم قوت ترا بقوت خدا گفت خداوند عالمیان دوزخیان را که
وَلَا تُكَلِّمُونِ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللهُ وَهُوَ
خاموش باشید از زبان آتش جهنم و سخن مگوئید پس زود باشد که کفایت کند از ایشان و او
السَّمِيعُ الْعَلِيمُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ
شنوا او دانا است منت برگشتن از معاصی و نه قوت بر طاعت مگر بخداوند بلند مرتبه
الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ
بزرگ و درود فرستد خدا بر محمد و آل او همگی
بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

اعتصم

اِعْتَصَمْتُ بِذِی الْعِزَّةِ وَالْعَظَمَةِ وَالْهَیْبَةِ وَ

باه جستم بخداوند صاحب عزت وعظمت وهیبت و

الْقُدْرَةِ الْاِلٰهِیَّةِ وَالْقُوَّةِ وَالْکِبْرِیَاۤءِ وَالْجَمَالِ

قدرت خداوندی وتوانائی وبزرگواری وصاحب صفات ثبوتیه

وَالْجَلَالِ وَالْجَبَرُوتِ وَتَوَکَّلْتُ عَلَی الْمَلِکِ الْحَیِّ

وصفات سلبیه وصاحب جبروت و توکل نمودم بر پادشاه زنده

الَّذِی لَا یَنَامُ وَلَا یَمُوتُ حَسْبِیَ اللّٰهُ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا

که نمیخوابد ونمیمیرد بسست مرا خداوندی که نیست خدای بجز

هُوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ

او براو توکل کردم واوست پروردگار عرش عظیم

این دعا را بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ نیز بخوانند

یَا رَبِّ مَا زَالَ لُطْفٌ مِنْکَ یَشْمَلُنِی وَقَدْ تَجَدَّدَ لِی

ای پروردگار من همیشه لطف از جانب تو شامل است وبتحقیق متجدد شده است

مَا اَنْتَ تَعْلَمُهُ فَاصْرِفْهُ عَنِّی کَمَا عَوَّدْتَنِی کَرَمًا

از برای من بلای الحال که تو میدانی آن را پس بگردان آن بلا از من بجهت آنکه عادت داده مرا از راه کرم خود

فَهَلْ سِوَاکَ لِهٰذَا الْعَبْدِ یَرْحَمُهُ بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ

پس آیا بغیر از توکسی مر این بنده را رحم میکند برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

از غیبت بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ را نیز بخوانند

عزمت عليكم يا اصحاب السحر والوسواس و

قسم میدهم شما را ای صاحبان سحر و وسوسه و

اعتصمت بك يا الله بحق الخضر والالياس بحق

پناه میجویم بتو ای خداوند عالمیان بحق حضرت خضر والیاس وبحق

كهيج مهيج كهكهيج يا جوجوع موخوع

موخوع مرمخوع مهمجوع بحق ايخ زجر هيموغ

طفعاج ازر انجاس وبحق ادم ونوح واعتصمت

وبحق حضرت ادم ونوح وپناه میجویم

بك من شر الجن والانس والاهرمن والشياطين

بتو از شر جن وانس وشیطان وشیاطین

والجنود والاتباع ومن كل افة وعاهة و

ولشکرهاش وتابعان او واز هر بلا وآفتی و

اعتصمت بك من كل بلاء بحق دانيال وبحق ايخ

پناه میجویم بتو از هر بلائی بحق دانیال وبحق

ايخ دارش وارش ونورش وبحق اهي اشير اهي

ادوناي اصباوت ايل شداي وبحق عظمتك

وبحق بزرگواری خودت

یا ایه

یا الله یا الله یا الله احفظنی من البلایا والآفات

حفظ کن مرا از بلاها و آفتها

والعاهات فی الدنیا والآخرة وبحق موسی و

و مرضها در دنیا و آخرت و بحق موسی و

عیسی وبحق داود وزکریا وبحق اسمعیل و

عیسی و بحق داود و زکریا و بحق اسمعیل و

یحیی وبحق ادریس وشیث ویونس وبحق محمد

یحیی و بحق ادریس و شیث و یونس و بحق محمد

صلی الله علیه وآله وسلم وعلی جمیع الانبیاء

درود فرستد خدا برا او و آل او و سلام و بر همه پیغمبران

والمرسلین والائمة المعصومین صلوات الله علیهم

و فرستادگان و پیشوایان که پاکانند درود فرستد خدا بر ایشان

اجمعین توکلت علی الحی الذی لا بدایة له ولا

همگی توکل کردم بر خدا و زنده که ابتدائی نیست برای او و نه

نهایة له واعتصمت بک من شر الجن والانس

انتهائی نیست برای او و پناه میجویم بتو از شر جن و انس

ومن انواع البلایا والآفات والعاهات فی الدنیا

و از انواع بلاها و آفتها و مرضها در دنیا

والآخرة وان تعصمنی من شر السلطان والشیطان

و آخرت و اینکه نگاهداری مرا از شر سلطان و شیطان

وَجُنُودِهِمَا وَبِحَقِّ قِرَآءَةِ هٰذَا الدُّعَآءِ

وسپاهای ایشان وبحق قراءت این دعا

السَّيْفِي وَاسْتَجِبْ دُعَآئِي وَانْصُرْنِي عَلٰى اَعْدَآئِي

سیفی واستجاب کن دعای مرا و یاری ده بر دشمنان من

يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ اَغِثْنِي يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهٖ

ای فریادرس کسانی که طلب فریاد رسی میکنند ای آنکه نیست مثل او

شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ حَسْبِيَ اللّٰهُ وَنِعْمَ

چیزی واو شنوا وبیناست بس است خداوند عالمیان

الْوَكِيلُ نِعْمَ الْمَوْلٰى وَنِعْمَ النَّصِيرُ وَصَلَّى

وخوب کارگذار است وخوب آقایی است وخوب یاوری است ودرود فرستد

اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ تَحَصَّنْتُ

خدا بر محمد وال او که پاکان وپاکیزگانند پناه جستم

لِنَفْسِي بِالْحَيِّ الْقَيُّومِ وَدَفَعْتُ عَنِّي السُّوْءَ بِلَا حَوْلَ

از برای خود بخداوند زنده که قایم است بامور خلایق ودفع کردم از خود هر بدی را به بگردیدن

وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اُفَوِّضُ اَمْرِي اِلَى

ونه بتوانایی مگر بخداوند بلند مرتبه بزرگ وواگذاشتم کار خود را بسوی خداوند

اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ

عالمیان بدرستی که حق تعالی بیناست باحوال بندگان

يقراء السيفي بعد الغسل وصلوة ركعتين وقرآءة يس في
ضحوة الجمعة او الاثنين او الاربعاء شرط بعض الاكابر ان يقراء
قبل السيفي الفاتحة احدى وعشرين مرة واللهم اياك نعبد
واياك نستعين اربعين مرة وافوض امري الى الله ان الله بصير
بالعباد مائة مرة ويصلي على النبي واله عشر مرات ثم يشتغل
بقرآءة السيفي م ح ق

افتتاح دعای مبارک سیفی

سورة مباركة وإنها الكتاب وايضا
[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداوند بخشاینده رحم کننده

هو الله الذي لا اله الا هو الرحمن الرحيم
آن خداوند نیست که نیست خدایی مگر او بخشاینده رحم کننده

الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن
پادشاه بغایت پاکیزه مبرا از عیب و نقص امین کننده شاهد و گواه

العزيز الجبار المتكبر الخالق البارئ
غالب بلند مرتبه صاحب بزرگی خلق کننده آفریننده

المصور الغفار القهار الوهاب
صورت دهنده پوشاننده گناه صاحب غلبه بخشنده

الرَّزَّاقُ ❁ الفَتَّاحُ العَلِيمُ ❁ القَابِضُ

روزی دهنده — گشاینده و حکم کننده — دانا — قبض کننده

البَاسِطُ ❁ الخَافِضُ ❁ الرَّافِعُ ❁ المُعِزُّ ❁

فراخ کننده — پست کننده — بلند کننده — عزیز کننده

المُذِلُّ ❁ السَّمِيعُ ❁ البَصِيرُ ❁ الحَكَمُ

خوار کننده — شنوا — بینا — نافذ الحکم

العَدْلُ ❁ اللَّطِيفُ ❁ الخَبِيرُ ❁ الحَلِيمُ ❁

بغایت عادل — مهربان — دانا با مور — بردبار

العَظِيمُ ❁ الغَفُورُ ❁ الشَّكُورُ ❁ العَلِيُّ

بزرگوار — بخشاینده — قبول کننده طاعت — عالی قدر

الكَبِيرُ ❁ الحَفِيظُ ❁ المُغِيثُ ❁ الحَسِيبُ

بزرگ — نگاهدارنده — فریادرسنده — محاسبه کننده اعمال

الجَلِيلُ ❁ الكَرِيمُ ❁ الرَّقِيبُ ❁ المُجِيبُ

وکافی بزرگ — صاحب کرامت — مطلع بر امور — اجابت کننده

الوَاسِعُ ❁ الحَكِيمُ ❁ الوَدُودُ ❁ المَجِيدُ ❁

صاحب وسعت — راستگو و درستکار — دوست گرامی و عزیز — صاحب شرافت ذاتی

البَاعِثُ ❁ الشَّهِيدُ ❁ الحَقُّ ❁ الوَكِيلُ ❁ القَوِيُّ

برانگیزنده مردگان — همه جا حاضر — ثابت — کارساز — توانا

المَتِينُ ❁ الوَلِيُّ ❁ الحَمِيدُ المُحْصِي ❁ المُبْدِئُ ❁

استوار — صاحب اختیار — ستوده — احصا کننده — اشیا از نو آورنده

الْمُعِيدُ الْمُحْيِي ❁ الْمُمِيتُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ❁ الْوَاجِدُ

برگرداننده زنده کننده میراننده زنده قایم بذات یگانه

الْمَاجِدُ الْوَاحِدُ ❁ الْاَحَدُ الصَّمَدُ الْقَادِرُ الْمُقْتَدِرُ

ستوده شده یکتا مقصود الیه توانا ظاهر کننده توانائی

الْمُقَدِّمُ ❁ الْمُؤَخِّرُ الْاَوَّلُ الْاٰخِرُ ❁ الظَّاهِرُ الْبَاطِنُ

پیش دارنده پس برنده پیش از همه چیز بعد از همه چیز پیدا با آثار پوشیده بکنه ذات

الْوَلِيُّ ❁ الْوَالِي ❁ الْمُتَعَالِي ❁ الْبَرُّ التَّوَّابُ

متولی امور بلند مرتبه نیک کردار قبول توبه کننده

الْمُنْعِمُ ❁ الْمُنْتَقِمُ ❁ الْعَفُوُّ الرَّؤُفُ ❁ مَالِكُ

نعمت دهنده انتقام کشنده محو کنندهٔ گناه ترحم کننده صاحب

الْمُلْكِ ذُو الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ ❁ الرَّبُّ

پادشاهی صاحب عظمت و کرامت پرورندهٔ بندگان

الْمُقْسِطُ ❁ الْجَامِعُ ❁ الْغَنِيُّ الْمُغْنِي ❁ الْمَانِعُ

عدالت کننده جمع کننده بی‌نیاز بی‌نیاز کننده منع کننده

الضَّارُّ ❁ النَّافِعُ ❁ النُّورُ ❁ الْهَادِي ❁ الْبَدِيعُ

عذاب کننده نفع دهنده ظاهر کننده اشیا راه نما نو آورنده بیزوال

الْبَاقِي ❁ الْوَارِثُ الرَّشِيدُ ❁ الصَّبُورُ الَّذِي

باقی بعد از اشیا میراث برنده ارشاد کننده بغایت صابر آنکه

لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ❁

نیست مانند او چیزی و او شنوا و بیناست

اَللّٰهُمَّ یا لَطیفُ اَغِثْنی وَاَدْرِکْنی

خداوندا ای مهربانی کننده بفریادرس مرا و دریاب مرا

بِحَقِّ لُطْفِکَ الْخَفِیِّ اِلٰهی کَفٰی عِلْمُکَ

بحق لطف پنهان تو ای خدای من کافیست علم تو

عَنِ الْمَقالِ وَکَفٰی کَرَمُکَ عَنِ السُّؤالِ

از گفتن و اظهار کردن و کافیست کرم تو از طلبیدن

یا اِلٰهَ الْعالَمینَ وَیا خَیْرَ النّاصِرینَ

ای خداوند عالمیان و ای بهترین یاری دهندگان

بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ اَسْتَغیثُ

برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان استغاثه میکنم

اِلٰهی مَنْ ذَا الَّذی دَعاکَ فَلَمْ تُجِبْهُ

ای خدای من کیست آنکس که خوانده است ترا پس تو نکردی اجابت او

وَمَنْ ذَا الَّذِی اسْتَجارَکَ فَلَمْ تُجِرْهُ

وکیست آنکس که پناه آورد بتو پس پناه نداده باشی اورا

وَمَنْ ذَا الَّذِی اسْتَغاثَ بِکَ فَلَمْ

وکیست آنکس که استغاثه کرد بتو پس تو

تُغِثْهُ وَاغَوْثاهُ وَاغَوْثاهُ وَاغَوْثاهُ

بفریاد نرسیده باشی اورا ای فریادرس ما ای فریادرس ما ای فریادرس ما

اَغِثْنی یا غِیاثَ الْمُسْتَغیثینَ

بفریادرس مرا ای فریادرس طلب فریادرسی کنندگان

و دعای حبشی بدعای مبارک سیفی ابتدا کنند

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اللّٰهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا

خداوندا توئی پادشاه ثابت که نیست خدائی بغیر از

اَنْتَ اَنْتَ رَبِّی وَاَنَا عَبْدُكَ عَمِلْتُ سُوءً وَظَلَمْتُ

تو توئی پروردگار من و من بندهٔ توام کرده ام بدی بسیار را و ستم کرده ام

نَفْسِی وَاعْتَرَفْتُ بِذَنْبِی فَاغْفِرْ لِی ذُنُوبِی فَاِنَّهُ لَا

نفس خود را و اقرار کرده ام بگناه خود پس بیامرز برای من گناهان مرا بدرستی که

يَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا اَنْتَ يَا غَفُورُ يَا رَحِيمُ يَا

نمی آمرزد گناهان را مگر تو ای آمرزنده گناهان بسیار ای مهربان ای

شَكُورُ يَا حَلِيمُ يَا كَرِيمُ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَحْمَدُكَ

ای جزا دهنده ای بردبار ای بخشنده خداوندا بدرستی که من ستایش میکنم ترا

وَاَنْتَ لِلْحَمْدِ اَهْلٌ عَلٰی مَا اخْتَصَصْتَنِی بِهٖ مِنْ

و ترا ستایش سزاواری بر آنچه مخصوص ساخته مرا بآنچیز از

مَوَاهِبِ الرَّغَائِبِ وَاَوْصَلْتَ اِلَیَّ مِنْ فَضَائِلِ

بخششهای بسیار نفیس و رسانیده تو بسوی من احسانهای بسیار

الصَّنَایِعِ وَاَوْلَیْتَنِی بِهٖ مِنْ اِحْسَانِكَ اِلَیَّ وَ

که نیکوئید و عطا نموده بمن آنرا از نیکوئی تو بسوی من و

بَوَّأتَنِی بِهِ مِن مَظَنَّةِ الصِّدقِ وَانَلتَنِی بِرٍّ مِن

جای داده تومرا بان ازجایگاه راستی و رسانده تومرا احسان از

مِنَنِكَ الوَاصِلَةِ اِلَیَّ وَاَحسَنتَ اِلَیَّ مِن

نعمتهای خود که رسیده اند بمن و نیکوئی کرده تو بمن از

اندِفَاعِ البَلِیَّةِ عَنِّی وَالتَّوفِیقِ لِی وَالاِجَابَةِ

دفع کردن و دور نمودن بلا را ازمن و مهیا ساختن اسباب خیر را برای من و برآوردن

لِدُعَائی حِینَ اُنَادِیكَ دَاعِیًا وَاُنَاجِیكَ رَاغِبًا

دعا و حاجت مرا در هنگامی که آواز کنم ترا در حالی که خواننده ام و مناجات نمایم ترا در حالی که خواهش

وَاَدعُوكَ ضَارِعًا مُتَضَرِّعًا مُضَامًا وَحِینَ اَرجُوكَ

دارنده ام و میخوانم ترا در حالی که خوار و بسیار زاری کننده و ستم رسیده ام و در هنگامی که امید دارم از تو

رَاجِیًا فَاَجِدُكَ فِی المَوَاطِنِ كُلِّهَا لِی جَارًا حَاضِرًا

امیدواری تمام پس مییابم ترا در جاهای و موضعها همه آنها برای من پناه دهنده مطلع

حَفِیًّا بَارًّا وَفِی الاُمُورِ نَاصِرًا وَنَاظِرًا وَلِلخَطَایَا

مهربان نیکوکار و در همه کارها یاری کننده و نگهبان و برای تقصیرها

وَالذُّنُوبِ غَافِرًا وَلِلعُیُوبِ سَاتِرًا لَم اَعدَم

و گناهان آمرزنده و برای عیبها پوشاننده نبوده هرگز که نیافته باشم

عَونَكَ وَبِرَّكَ وَاِحسَانَكَ وَخَیرَكَ لِی طَرفَةَ

یاری ترا و کرم ترا و نیکوئی ترا و بخشش ترا برای خودم چشم بر هم

عَینٍ مُنذُ اَنزَلتَنِی دَارَ الاِختِبَارِ وَالفِكرِ وَ

زدنی از وقتی که فرود آوردی تو مرا از خانه امتحان و تامل و تدبر

الاعتبار لتنظر فيما اقدّم اليك لدار القرار

و از نمایش تا آنکه به بینی و ملاحظه نمایی در چیزی که پیش انداختم بسوی تو برای خانه آرامگاه

فانا عتيقك يا الهي من جميع المضالّ والمضارّ

پس من آزاد کرده توام ای خداوند من از همه جایهای گمراهی و هلاک و خسارتها

والمصائب والمعائب واللوازب واللوازم و

و بلاها و مصیبتها و عیبها و سختیها و آزارهای و اسی و

الهموم التي قد ساورتني فيها الغموم بمعاريض

اندوهها که بتحقیق حمله کردند مرا در آنها و گیریها و حزنها به بیرهای

اصناف البلاء وضروب جهد القضاء لا اذكر

انواع بلا و اقسام شدت بعتها و شقتها بیاد نمی آورم

منك الا الجميل ولم ار منك الا التفضيل

از تو مگر نیکویی ترا و نه دیده ام از تو مگر زیادتی

خيرك لي شامل وصنعك بي كامل ولطفك

احسان و کرم و نیکویی تو مرا فرو گرفته است و بخشش تو بمن تمام است و احسان تو

لي كافل وفضلك عليّ متواتر ونعمك عندي

برای من کافیست و زیادتی نعمت تو بر من پیاپی است و نعمتهای تو نزد من

متّصلة واياديك لديّ متظاهرة لم تخفر لي

پیوسته است و کرمهای تو در پیش من پشت در پشت یکدیگرند نشکستی تو رای من

جواري وصدّقت رجائي وصاحبت اسفاري

عهد و پیمان پناه دادن مرا و راست گردانیدی تو امید مرا و رفاقت کردی مرا در سفرهای من

وَاَكْرَمْتَ اَحْضَارِي وَحَقَّقْتَ اٰمَالِي وَ

وگرامی داشتی مرا درحضرهای من و موجود ساختی تو آرزوهای مرا و

شَفَيْتَ اَمْرَاضِي وَعَافَيْتَ مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ وَلَمْ

وشفا دادی تو آزارهای مرا و دردهای مرا و سالم گردانیدی بازگشت مرا و آرامگاه مرا و شاد

تُشْمِتْ بِي اَعْدَآئِي وَرَمَيْتَ مَنْ رَمَانِي بِسُوْءٍ وَ

نگردانیدی بر من دشمنان مرا و انداختی تو در بلاها کسی را که انداخت مرا ببدی و بلا

كَفَيْتَنِي شَرَّ مَنْ عَادَانِي فَحَمْدِي لَكَ وَاصِبٌ وَ

کفایت نمودی از من بدی کسی را که دشمنی کرد با من پس ستایش من برای تو واجب و ثابت است و

ثَنَآئِي عَلَيْكَ مُتَوَاتِرٌ دَآئِمٌ مِنَ الدَّهْرِ اِلَى الدَّهْرِ

و درود من بر تو پی در پی همیشه است از ابتدای زمانه تا انتهای زمانه

بِاَلْوَانِ التَّسْبِيحِ لَكَ وَالتَّحْمِيدِ وَالتَّمْجِيدِ خَالِصًا

بانواع منزه ساختن مرا ترا از نقصها و ستایش کردن ترا از نکوئیها و بزرگ شمردن ترا در حالی که خالص میایم

لِذِكْرِكَ وَمَرْضِيًّا لَكَ بِنَاصِعِ التَّوْحِيدِ وَاِخْلَاصِ

یاد داد ترا از عیب تو و خوشنودی تورا میجویم بسبب خالص کردن اقرار به یکتائی ترا و خالی نمودن

التَّفْرِيدِ وَاِمْحَاضِ التَّمْجِيدِ وَالتَّحْمِيدِ بِطُوْلِ التَّعَبُّدِ وَ

بیهمتائی تورا از شریک و خالص ساختن بزرگ داشتن و ستایش نمودن ترا بدرازی بندگی کردن

التَّعْدِيدِ لَمْ تُعَنْ فِي قُدْرَتِكَ وَلَمْ تُشَارَكْ فِي

و بسیار شمردن نعمتهای تو یاری کرده نشده تو در توانائی خودت در چیزها و شریک نشد ترا کسی در

اِلٰهِيَّتِكَ وَلَمْ تُعْلَمْ لَكَ مَائِيَّةٌ وَمَاهِيَّةٌ فَتَكُوْنَ

خداوندی تو و دانسته نشد برای تو چگونگی و حقیقتی تا آنکه باشی تو

لِلأَشْيَاءِ الْمُخْتَلِفَةِ مُجَانِساً وَلَمْ تُعَايِنْ إِذْ حَبَسْتَ

مر چیزهای متفاوت را هم جنس و دیده و دانسته نشدی تو در وقتی که موجود شدند

الأَشْيَاءَ عَلَى الْعَزَائِمِ الْمُخْتَلِفَاتِ وَلاَ خَرَقَتِ

چیزها بر نهجها و ارادههای مختلفه و نه دریدند

الأَوْهَامُ حُجُبَ الْغُيُوبِ إِلَيْكَ فَاعْتَقَدَتْ مِنْكَ

وهمها پردههای پنهانها را بسوی تو تا آنکه عقیدت کنند از که ذات تو

مَحْدُوداً فِي عَظَمَتِكَ لاَ يَبْلُغُكَ بُعْدُ الْهِمَمِ

چیز را که احاطه کرده شده باشد در بزرگواری تو نمیرسد بتو دوری و بلندی همتها

وَلاَ يَنَالُكَ غَوْصُ الْفِطَنِ وَلاَ يَنْتَهِي إِلَيْكَ بَصَرُ

و نمییابد ترا فرو رفتن زیرکیها و منتهی نمیشود بسوی تو دیده

النَّاظِرِينَ فِي مَجْدِ جَبَرُوتِكَ ارْتَفَعَتْ عَنْ صِفَةِ

نگاه کنندگان در شرف و بزرگواری تو بلند است از تعریف

الْمَخْلُوقِينَ صِفَاتُ قُدْرَتِكَ وَعَلاَ عَنْ ذِكْرِ

آفریدگان وصفهای توانایی تو و بالاتر است از یاد آوری

الذَّاكِرِينَ كِبْرِيَاءُ عَظَمَتِكَ فَلاَ يَنْتَقِصُ مَا أَرَدْتَ

ذکر کنندگان بزرگواری بزرگی تو پس کم نمیشود آنچه خواسته باشی تو

أَنْ يَزْدَادَ وَلاَ يَزْدَادُ مَا أَرَدْتَ أَنْ يَنْتَقِصَ وَلاَ

آنکه زیاد شود و زیاد نمیشود آنچه اراده نموده باشی آنکه کم گردد و نه بود

ضِدٌّ شَهِدَكَ حِينَ فَطَرْتَ الْخَلْقَ وَلاَ نِدٌّ حَضَرَكَ

معاندی که حاضر باشد ترا در هنگامی که خلق نمودی آفریدگان را و نه مانندی که حاضر باشد در

حين برأت النفوس كلّت الألسن عن
در وقتی که آفریدی نفسها را گنگ و کند شدند زبانها از
تفسير صفتك وانحسرت العقول عن كنه
بیان کردن تعریف تو و عاجز و بازمانده اند حیران عقلها از ادراک حقیقت
معرفتك وكيف يوصف كنه صفتك يا ربّ
شناخت تو و چگونه تعریف کرده شود حقیقت شناخت تو ای پروردگار من
وانت الله الملك الجبّار القدّوس الذي لم تزل
و حال آنکه تو ئی خداوند پادشاه صاحب جبروت منزه از همه عیبها که همیشه بوده
ازليّا ابديّا سرمديّا دائما في الغيوب وحدك
بدون اول و بی آخری و پیوسته هستی و همیشه میباشی در پنهانی از نظرها در حالی که یگانه تو
لا شريك لك ليس فيها احد غيرك ولم يكن
نیست شریکی برای تو نیست در آن صفات کسی غیر تو و نبوده است
اله سواك حارت في بحار ملكوتك عميقات
خدائی سوای تو حیران و سرگردان شدند در دریاهای پادشاهی تو به ته روندهای
مذاهب التفكير وتواضعت الملوك لهيبتك
راههای فکر کردن و فروتنی نموده اند پادشاهان برای هیبت تو
وعنت الوجوه بذلّة الاستكانة لك لعزّتك
و زاری نموده اند رویها بخواری جزع و تضرع نموده برای تو جهت عزت و غلبه تو
وانقاد كلّ شيء لعظمتك واستسلم كلّ شيء
و اطاعت نمود هر چیزی برای بزرگی تو و گردن نهاد هر چیزی

لقدرتك

لِقُدْرَتِكَ وَخَضَعَتْ لَكَ الرِّقَابُ وَكَلَّ دُونَ

برای توانائی تو و فروتنی نمود برای تو گردنها و واماند اندر زبر ترنه و ذکر نمودن

ذٰلِكَ تَحْبِيرُ اللُّغَاتِ وَضَلَّ هُنَالِكَ التَّدْبِيرُ

صفات تو نیکو نمودن و زینت دادن لغتها و گمراه گشته در آنجا نگاه تدبیر و فکر

فِي تَصَارِيفِ الصِّفَاتِ فَمَنْ تَفَكَّرَ فِي ذٰلِكَ

در گردانیدن ها و تغییر نمودنهای صفتهای ترا پس کسی که فکر کند در این امر

رَجَعَ طَرْفُهُ إِلَيْهِ حَسِيرًا وَعَقْلُهُ مَبْهُوتًا وَتَفَكُّرُهُ

برگردد نظر فکر او بسوی خودش بازمانده و عقل او حیران و فکرش

مُتَحَيِّرًا أَسِيرًا اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا كَبِيرًا

سرگردان گرفتار خداوندا برای تست ستایش ستایشی بزرگ

كَثِيرًا دَائِمًا مُتَوَالِيًا مُتَوَاتِرًا مُتَّسِعًا مُتَّسِقًا

بسیار همیشه پی در پی پیوسته بیکدیگر فراخ گشاده

مُسْتَوْثِقًا يَدُومُ وَيَتَضَاعَفُ وَلَا يَبِيدُ غَيْرَ مَفْقُودٍ

منتظم محکم که همیشه باشد و زیاده گردد و برطرف و منقطع نگردد و نشود فانی

فِي الْمَلَكُوتِ وَلَا مَطْمُوسٍ فِي الْمَعَالِمِ وَلَا

در پادشاهی تو و محو نشده باشد در علامتها و کم

مُنْتَقِصٍ فِي الْعِرْفَانِ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَكَارِمِكَ الَّتِي

نباشد در شناختن تو پس برای تست همه ستایش بخششهای تو که

لَا تُحْصَى فِي اللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ

در شمار نیاید در شب در هنگامی که پشت کند و در صبح هرگاه روشن شود

وَفِي الْبَرِّ وَالْبِحَارِ وَالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَالْعَشِيِّ

و در صحرا و دریا و در بامداد و در وقت عصر و در شبانگاه

وَالْإِبْكَارِ وَالظَّهِيرَةِ وَالْأَسْحَارِ وَفِي كُلِّ

و در اول روز و در میان روز و در سحرها و در هر دقیقه و

جُزْءٍ مِنْ أَجْزَاءِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ اللّٰهُمَّ بِتَوْفِيقِكَ

بعضی از دقیقها و حصهها شب و روز خداوندا بتوفیق خودت

قَدْ أَحْضَرْتَنِي النَّجَاةَ وَجَعَلْتَنِي مِنْكَ فِي وِلَايَةِ

بتحقیق که حاضر کرده تو نزد من خلاصی از بلاها را و گردانیدی تو مرا از فضل خودت در حمایت

الْعِصْمَةِ فَلَمْ أَبْرَحْ مِنْكَ فِي سُبُوغِ نَعْمَائِكَ وَ

نگاه داشتی پس همیشه بودم من از کرم تو در تمامی نعمتهای تو و

تَتَابُعِ آلَائِكَ مَحْرُوساً لَكَ فِي الرَّدِّ وَالْإِمْتِنَاعِ

دریابی وارد شدهای بخششهای تو نگهبانی کرده شده بجهت تو در رد کردن دشمن و منع کردن بلاها

مَحْفُوظاً لَكَ فِي الْمَنَعَةِ وَالدِّفَاعِ عَنِّي وَلَمْ تُكَلِّفْنِي

نگاه داشته شده بحفظ تو در بازداشتن و دفع کردن ضرر دشمن از من و تکلیف نکرده مرا

فَوْقَ طَاقَتِي وَلَمْ تَرْضَ عَنِّي إِلَّا طَاعَتِي فَإِنَّكَ أَنْتَ

زیاده بر توانائی من و نخواسته از من بغیر فرمانبرداری مرا پس هستی که توئی

اللّٰهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ لَمْ تَغِبْ وَلَا تَغِيبُ عَنْكَ

خدای که نیست خدائی مگر تو غایب نبوده هرگز و پنهان نمیشود از تو

غَائِبَةٌ وَلَا تَخْفَى عَلَيْكَ خَافِيَةٌ وَلَنْ تَضِلَّ عَنْكَ

هیچ پنهانی و پوشیده نمیگردد بر تو هیچ پوشیده و گم نمیشود هرگز از تو

فِي ظُلَمِ الْخَفِيَّاتِ ضَالَّةً اِنَّمَا اَمْرُكَ اِذَا اَرَدْتَ

در تاریکیهای نهانیها گمشده از دیگران بدرستی که فرمان چنان است که هرگاه خواهی تو

شَيْئًا اَنْ تَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ اَللّٰهُمَّ اِنِّي

چیزرا اگه بگوئی اورا که موجود شو پس موجود میشود خداوندا بدرستی که من

اَحْمَدُكَ فَلَكَ الْحَمْدُ مِثْلَ مَا حَمِدْتَ بِهٖ نَفْسَكَ وَ

ستایش میکنم ترا پس برای تست ستایش مانند آنچه ستایش کرده تو بآن نفس خود را و

اَضْعَافَ مَا حَمِدَكَ بِهِ الْحَامِدُونَ وَمَجَّدَكَ بِهِ

زیاده از آنچه ستایش کرده اند بآن ستایش کنندگان و تعظیم نموده اند بآن

الْمُمَجِّدُونَ وَكَبَّرَكَ بِهِ الْمُكَبِّرُونَ وَسَبَّحَكَ بِهِ

تعظیم کنندگان و ببزرگی یاد کرده اند ترا بآن بزرگی یاد کنندگان و تنزیه نموده اند ترا بآن

الْمُسَبِّحُونَ وَهَلَّلَكَ بِهِ الْمُهَلِّلُونَ وَعَظَّمَكَ بِهِ

تنزیه کنندگان و تهلیل گفته اند ترا بآن تهلیل کنندگان و بزرگ شمرده اند ترا بآن

الْمُعَظِّمُونَ وَوَحَّدَكَ بِهِ الْمُوَحِّدُونَ حَتّٰى يَكُونَ

بزرگ شمارندگان و بیگانگی تو اقرار نموده اند بآن یگانگی تو تا حمدی که صادر شود

لَكَ مِنِّي وَحْدِي فِي كُلِّ طَرْفَةِ عَيْنٍ وَاَقَلَّ مِنْ ذٰلِكَ

برای تو از من به تنهائی در هر برهم زدن چشمی و کمتر از آن

مِثْلَ حَمْدِ جَمِيعِ الْحَامِدِينَ وَتَوْحِيدِ اَصْنَافِ

مساوی ستایش همه ستایش کنندگان و مانند اقرار یگانگی کردن همه صنفها اقرار

الْمُوَحِّدِينَ وَالْمُخْلِصِينَ وَتَقْدِيسِ اَجْنَاسِ الْعَارِفِينَ

به یگانگی کنندگان و اخلاص ورزندگان و مثل تنزیه کردن انواع خداشناسان

وثناء جميع المهللين والمصلين والمسبحين و

وبقدر درود و مدح همه تهلیل کنندگان و دعاگویان و تسبیح و شکر کنندگان و

مثل ما انت به عالم وعارف وهو محمود

و مساوی آنچه تو بآن دانا و شناسایی و باشد پسندیده شده

ومحبوب ومحجوب من جميع خلقك كلهم من

و دوست داشته شده و نهان که سر زند از کل آفرینندگان تو همه ایشان از

الجوانات وارغب اليك في بركة ما انطقتني

کل حیوانات و خواهش میکنم بسوی تو در خیر و نیکی آنچه را که گویا کردنیده تو مرا

به من حمدك فما ايسر ما كلفتني به من حقك

بآن از ستایش تو پس چه آسان است آنچه تکلیف کرده تو مرا بآن از حق تو

واعظم ما وعدتني به على شكرك ابتداتني

و چه بزرگ است آنچه وعده داده تو مرا بآن بر شکر کردن ترا ابتدا کردی مرا بدادن

بالنعم فضلا وطولا وامرتني بالشكر حقا

نعمتها از روی تفضل و شفقت و امر فرمودی مرا بشکر کردن از روی درستی

وعدلا ووعدتني عليه اضعافا ومزيدا واعطيتني

و عدالت و وعده دادی مرا بر آن شکر چندین برابر و زیاده و بخشیدی مرا

من رزقك واسعا اختيارا ورضا وسالتني منه

از رزق از جانب خود رزق فراخ از روی اراده و شعور و خوشنود کردی و خواستی از من در عوض

شكرا يسيرا صغيرا اذ نجيتني وعافيتني من

آن شکر آسان کوچک را در هنگامی که خلاص کردی مرا و بلا ساختی لکاه داشتی از

بهند

جهد البلاء ولم تسلمني لسوء قضائك وبلائك

از مشقت بلا و مصیبت و ندادی تو مرا بدست بدی تقدیر و حکم خود و بلای از جانب خودت

وجعلت ملبسي العافية واوليتني البسطة و

و گردانیدی جامه پوشیدنی مرا سلامتی از آفتها و بخشیدی بمن نعمتهای پهن گشاده را و

الرخاء وشرعت لي من الدين ايسر القول والفعل

بسیاری روزی را و مقرر ساختی برای من از دین و کیش آسانترین گفتار و کردار را

وسوغت لي ايسر الصدق وضاعفت لي اشرف

و جاری ساختی برای من آسانترین راستی را و زیاده کردی برای من بهترین

الفضل والمزيد مع ما وعدتني به من المحجة

احسان و بخشش او زیاده وجود با آنچه وعده داده بودی مرا مان از برهان

الشريفة وبشرتني من الدرجة الرفيعة

و دلیل واضح و غرض خود و مژده داده بودی مرا از رسیدن بدرجه و مرتبه بلند و

واصطفيتني باعظم النبيين دعوة وافضلهم

برگزیده بودی مرا به پیروی کردن به بزرگترین پیغمبران از جهة خواندن خلایق و فاضلترین ایشان

شفاعة واوضحهم حجة وارفعهم درجة و

برای شفاعت کردن و ظاهرترین ایشان از جهت دلیل و برهان و بلندترین ایشان بحسب مرتبه و

اقربهم منزلة محمد صلى الله عليه واله وسلم

نزدیکترین ایشان بجهة مکان که او محمد است رحمت فرستد خدا بر او و بر آل او و درود نماید بر ایشان

وعلى جميع الانبياء والمرسلين اللهم صل

و بر همه پیغمبران و فرستادگان خداوندا رحمت فرست

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي مَا لَا يَسَعُهُ

بر محمد وال محمد وبیامرز گناهان مرا آنچه را که فرو نمیگیرد

اِلَّا مَغْفِرَتُكَ وَلَا يَمْحَقُهُ اِلَّا عَفْوُكَ وَلَا

مگر آمرزش تو ومحو نمیکند از آنکه بخشیدن تو و

يُكَفِّرُهُ اِلَّا تَجَاوُزُكَ وَفَضْلُكَ وَهَبْ لِي فِي

نمی پوشاند از او درگذشت تو وزیادتی بخشش تو وببخش من در

سَاعَتِي هٰذِهٖ وَيَوْمِي هٰذَا وَلَيْلَتِي هٰذِهٖ وَشَهْرِي

ساعت من این ساعت وروز من این روز وشب من این شب وماه من

هٰذَا وَسَنَتِي هٰذِهٖ يَقِينًا صَادِقًا يُهَوِّنُ عَلَيَّ

این ماه وسال من این سال عقیده جزم راستی که آسان کند برمن

مَصَائِبَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاَحْزَانَهُمَا وَيُشَوِّقُنِي

بلاهای دنیا واخرت را واندوههای انها را وبشوق اندازد

اِلَيْكَ وَيُرَغِّبُنِي فِيمَا عِنْدَكَ وَاكْتُبْ لِي

مرا بسوی رحمت تو وخواهشمند گرداند مرا در آنچه نزد تست وبنویس برای من

عِنْدَكَ الْمَغْفِرَةَ وَبَلِّغْنِي الْكَرَامَةَ مِنْ عِنْدِكَ وَ

در نزد تو آمرزش را ورسان مرا بکرامت وبخشش از نزد خود و

اَوْزِعْنِي شُكْرَ مَا اَنْعَمْتَ بِهٖ عَلَيَّ فَاِنَّكَ اَنْتَ

پند از در دل من شکر کردن آنچه را که انعام کرده تو از آن برمن بدرستی که تو ای

اللّٰهُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْوَاحِدُ الْاَحَدُ الْمُبْدِئُ

خداوندی که نیست خدائی مگر تو یگانه یکتای خلق کننده

الرَّفِيعُ الْبَدِيعُ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ الَّذِي لَيْسَ لِاَمْرِكَ

بلند مرتبه تازه پدید آورنده شنوای دانای که نیست برای فرمان تو

مَدْفَعٌ وَلَا عَنْ قَضَائِكَ مُمْتَنِعٌ اَللّٰهُمَّ وَ

بازدارنده ونه از حکم وفرمان تو سرباززننده خداوندا و

اَشْهَدُ اَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ

گواهی میدهم باآنکه تو توی خداوندی که نیست خدائی مگر تو

رَبِّي وَرَبُّ كُلِّ شَيْءٍ فَاطِرُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ

پروردگار من وپروردگار هر چیزی آفریدگار آسمانها وزمین

عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ

دانای پنهان وآشکاری بزرگوار بلند مرتبه

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ الثَّبَاتَ فِي الْاَمْرِ وَالْعَزِيمَةَ

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو استادگی در فرمان ترا وجد بودن

عَلَى الرُّشْدِ وَالشُّكْرَ عَلٰى نِعَمِكَ وَاَسْئَلُكَ حُسْنَ

بر رفتن براه راست وشکر کردن بر نعمتهای تو وسؤال میکنم از تو نیکوئی

عِبَادَتِكَ وَاَسْئَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَعْلَمُ وَلَا اَعْلَمُ

عبادت ترا وسؤال میکنم از تو از هر نیکوئی که میدانی تو ونمیدانم من

وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ تَعْلَمُ وَلَا اَعْلَمُ وَاَنْتَ

وپناه میبرم بتو از هر بدی که میدانی تو ونمیدانم من وتو بسیار

عَلَّامُ الْغُيُوبِ وَاَسْئَلُكَ اَمْنًا مِنْ جَوْرِ كُلِّ

دانای امور نهانی وسؤال میکنم از تو امنیت از ستم هر

جائرٍ وبغي كلّ باغٍ وحسد كلّ حاسدٍ وظلم

وازجور هر رشک برنده وازرشک ظلم کننده وازظلم هر ستم کننده

كلّ ظالمٍ ومكر كلّ ماكرٍ وكيد كلّ كائدٍ

هر دشمنی وازدشمنی حیله کننده هر وازحیله و هجو کننده

وغدر كلّ غادرٍ وسحر كلّ ساحرٍ وشماتة

وازسرکوب هرجادوگری وازجادوی غدرکننده وازغدر هر

كلّ كاشحٍ بك أصول على الأعداء وإيّاك

واز تو خود بر دشمنان توحمله میکنم بقوت هر دشمن منافقی

أرجو ولاية الأحبّاء والأولياء والقرناء و

و همسران و کارکنان امید دارم دوستی دوستان

الأقرباء فلك الحمد على ما لا أستطيع إحصاءه

خویشانرا پس برای تست همه ستایش برانچه قادر نیستم من شمردن آن را

ولا تعديده من عوائد فضلك وعوارف رزقك

ونه حساب نمودن شماره ازا ازنیکوییهای زیاد بخشش تو وجانهای روزی تو

وألوان ما أوليتني به من إرفادك فإنّك أنت

ورنگارنگ انچه بخشید بمن ازا ازانعام وکرم خودت پس بدرستی که تو تویی

الله الذي لا إله إلّا أنت الفاشي في الخلق حمدك

خداوندی که نیست خدائی مگر تو پراکنده است درمیان خلائق ستایش تو

الباسط بالجود يدك لا تضادّ في حكمك

گشاینده تو ببخشش دست خودرا مخالفت کرده نمیشوی در حکم خود

وَلا تُنازَعُ فِي سُلْطانِكَ وَمُلْكِكَ وَاَمْرِكَ

ونزاع کرده نمیشوی در پادشاهی خود و مملکت خود و فرمان خود

تَمَلَّكُ مِنَ الاَنامِ ما تَشاۤءُ وَلا يَمْلِكُونَ مِنْكَ اِلاَّ

مالک میشوی از خلایق آنچه را که خواهی و مالک نمیشوند شان از املاک تو مگر

ما تُرِيدُ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْمُنْعِمُ الْمُفْضِلُ الْقادِرُ

آنچه را که اراده نمائی خداوندا توئی نعمت دهنده بسیار احسان کننده توانای

اَلْقاهِرُ الْمُقْتَدِرُ الْقُدُّوسُ فِي نُورِ الْقُدْسِ

قهر و غضب کننده با اقتدار منزه کرده شده در ذات روشنی پاکیزگی

تَرَدَّيْتَ بِالْمَجْدِ وَالْبَهاۤءِ وَتَعَظَّمْتَ بِالْعِزِّ وَالْعَلاۤءِ

رداء خود ساخته بزرگی و عزت را و بزرگی نموده شرف و بلندی بهر

وَتَاَزَّرْتَ بِالْعَظَمَةِ وَالْكِبْرِياۤءِ وَتَغَشَّيْتَ بِالنُّورِ

و ازار خود نموده بزرگی و بزرگواری را و در پرده و نهان گشته بروشنی

وَالضِّياۤءِ وَتَجَلَّلْتَ بِالْمَهابَةِ وَالْبَهاۤءِ اَللّٰهُمَّ

و نور بسیار و جلیل و بزرگ شده بهیبت و شرف خود خداوندا

لَكَ الْمَنُّ الْقَدِيمُ وَالسُّلْطانُ الشّامِخُ وَالْمُلْكُ

برای تست نعمت دادن از ازل و پادشاهی بلند مرتبه و مملکت بسیار

الْباذِخُ وَالْجُودُ الْواسِعُ وَالْقُدْرَةُ الْكامِلَةُ

عالی و بخشش بسیار فراخ و توانائی تمام

وَالْحِكْمَةُ الْبالِغَةُ وَالْعِزَّةُ الشّامِلَةُ فَلَكَ

و دانش با تدبیر رسیده بحد کمال و غلبه فرا گیرنده همه خیرسن برای تست

اَلْحَمْدُ عَلٰی مَا جَعَلْتَنِیْ مِنْ اُمَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ
ستایش بر انچه گردانیدی مرا از جمله بردان حضرت محمد ع رحمت فرستد خدا بر او
وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ وَهُوَ اَفْضَلُ بَنِیْ اٰدَمَ الَّذِیْنَ کَرَّمْتَهُمْ
و بر ال او و درود نماید و آنحضرت بهترین اولاد حضرت ادم است آنهان اولادی که گرامی داشتی
وَحَمَلْتَهُمْ فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْتَهُمْ مِنَ الطَّیِّبَاتِ
ایشانرا و نگاه داشتی ایشانرا در بیابان و در دریا و روزی ایشانرا از روزیهای پاکیزه
وَفَضَّلْتَهُمْ عَلٰی کَثِیْرٍ مِمَّنْ خَلَقْتَهُمْ مِنْ اَهْلِهَا
و ترجیح دادی ایشان را بر بسیاری از کسانی که افریدی ایشانرا از اهل
تَفْضِیْلًا وَخَلَقْتَنِیْ سَمِیْعًا بَصِیْرًا صَحِیْحًا سَوِیًّا
ترجیح دادنی کامل و افریده تو مرا شنوای بینای تن درست مستوی الخلقه
سَالِمًا مُعَافًا وَلَمْ تَشْغَلْنِیْ بِنُقْصَانٍ فِیْ بَدَنِیْ
بسلامت بی ازار و مشغول نساختی مرا بافت و بلایی که باشد در بدن من
عَنْ طَاعَتِكَ وَلَمْ تَمْنَعْنِیْ كَرَامَتَكَ اِیَّایَ وَ
از فرمان برداری تو و باز نداشتی مرا از بخشش خود بمن و
حُسْنَ صَنِیْعِكَ عِنْدِیْ وَفَضْلَ مَنَائِحِكَ لَدَیَّ
از نکوی احسان تو نزد من و از زیادتی عطیهای تو برای من
وَنَعْمَائِكَ عَلَیَّ اَنْتَ الَّذِیْ اَوْسَعْتَ عَلَیَّ فِی الدُّنْیَا
و از نعمتهای تو بر من تویی انکسی که فراخ کرده روزی مرا در دنیا
وَالْاٰخِرَةِ وَفَضَّلْتَنِیْ عَلٰی كَثِیْرٍ مِمَّنْ خَلَقْتَ مِنْ
و اخرت و زیادتی دادی مرا بر بسیاری از کسانی که افریده تو از

خَلْقِكَ تَفْضِيلًا فَجَعَلْتَ لِي سَمْعًا يَسْمَعُ آيَاتِكَ

افرزندکان تو زیادتی بسیاری پس کردانیدی برای من کوشی که بشنود ایتهای قران ترا

وَعَقْلًا يَفْهَمُ إِيمَانَكَ وَبَصَرًا يَرَى قُدْرَتَكَ

وعقلی راکه بفهمد اعتقادحق تورا وچشمی راکه ببیند آثار توانائی ترا

وَفُؤَادًا يَعْرِفُ عَظَمَتَكَ وَقَلْبًا يَعْتَقِدُ تَوْحِيدَكَ

ودلی راکه بشناسد بزرکی تورا وشعوررا که اقرارکند یکانکی تورا

فَإِنِّي لِفَضْلِكَ عَلَيَّ حَامِدٌ وَلَكَ نَفْسِي شَاكِرَةٌ

پس بدرستی که من برای زیادتی بخشش تو برمن ستایش کننده ام برای تو نفس من شکر کننده است

وَبِحَقِّكَ عَلَيَّ شَاهِدَةٌ فَإِنَّكَ حَيٌّ قَبْلَ كُلِّ

وبحق تو برمن کواه است پس بدرستی که تو زنده بوده پیش از هر

حَيٍّ وَحَيٌّ بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ وَحَيٌّ بَعْدَ كُلِّ مَيِّتٍ

زنده وزنده بعد از همه زنده وزنده بعد هر مرده

وَحَيٌّ لَمْ تَرِثِ الْحَيٰوةَ مِنْ حَيٍّ وَلَمْ تَقْطَعْ خَيْرَكَ

وزنده که نارث برده زندکانی را از زنده وبرطرف نکرده نیکی خودرا

عَنِّي طَرْفَةَ عَيْنٍ فِي كُلِّ وَقْتٍ وَلَمْ تَقْطَعْ رَجَائِي

از من یک برهم زدن چشم در کل زمانه ونبرنده تو امید مرا

وَلَمْ تُنْزِلْ بِي عُقُوبَاتِ النِّقَمِ وَلَمْ تَمْنَعْ عَنِّي دَقَائِقَ

وفرو دنیاوردی بمن شقتهای عذاب را وباز نداشتی از من دقیقهای

الْعِصَمِ وَلَمْ تُغَيِّرْ عَلَيَّ وَثَائِقَ النِّعَمِ فَلَوْ لَمْ أَذْكُرْ

نکاهداشتنهای مرا وتغییر ندادی برمن محکمهای نعمتهای خودرا پس اکر من مذکور نشارم

مِنْ اِحْسَانِكَ اِلَّا عَفْوَكَ عَنِّي وَالتَّوْفِيقَ لِي وَ

از نیکوئی تو مگر در گذشت تو از گناهان من و مهیا ساختن اسباب خیر و

الْاِسْتِجَابَةَ لِدُعَائِي حِينَ رَفَعْتُ صَوْتِي وَرَفَعْتُ

بر آوردن حاجت مرا در هنگامی که بلند کردم آواز خود را و بالا کردم

رَاْسِي وَاَنْطَقْتُ لِسَانِي وَرَغِبْتُ اِلَيْكَ بِاَنْوَاعِ

سر خود را و گویا نموده بودم زبان خود را بخواهش تو آرزومند بودم بسوی تو با تمام

حَوَائِجِي فَقَضَيْتَهَا وَاَسْئَلُكَ بِتَمْجِيدِكَ وَتَحْمِيدِكَ

حاجتهای خود پس بر آوردی تو آنها را و سوال میکنم از تو در حالیکه تعظیم بزرگوار داشتن تو و ستایش کردن ترا

وَتَوْحِيدِكَ وَتَعْظِيمِكَ وَتَفْضِيلِكَ وَتَكْبِيرِكَ

و اقرار داشتن یکتائی تو و بزرگ داشتن تو و بخشش نمودن و به تکبیر گفتن برای تو

وَتَهْلِيلِكَ وَاِلَّا فِي تَقْدِيرِكَ خَلْقِي حِينَ صَوَّرْتَنِي

و به تهلیل نمودن برای تو و مگر آنکه را که در حکم و فرمان تو بود آفریدن من در وقتی که صورت دادی

فَاَحْسَنْتَ صُورَتِي وَاِلَّا فِي قِسْمَةِ الْاَرْزَاقِ

پس نیکو گردانیدی صورت مرا و مگر از آنکه در وقت قسمت کردن روزیها ساده آوردم

حِينَ قَدَّرْتَهَا لِي لَكَانَ فِي ذَلِكَ مَا يَشْغَلُ شُكْرِي

وقتی را که تقدیر کردی روزیها را برای من هر آینه خواهد بود در همین یاد آوری القدر که مشغول گرداند شکر کردن

عَنْ جُهْدِي فَكَيْفَ اِذَا فَكَّرْتُ فِي النِّعَمِ الْعِظَامِ

من مرا از سعی نمودن در خیرها پس چگونه نباشد هر گاه که تامل نمایم در نعمتهای بسیار بزرگ

الَّتِي اَتَقَلَّبُ فِيهَا وَلَا اَبْلُغُ شُكْرَ شَيْءٍ مِنْهَا

که منتقل میگردم در آنها از نعمتی بنعمتی دیگر و نمیرسم بشکر کردن چیزی از آن نعمتها

فلک

فَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا حَفِظَهُ عِلْمُكَ وَعَدَدَ

پس برای تست همه ستایش بعدد آنچه احاطه نموده است بان علم تو وبعدد وشماره

مَا وَسِعَتْهُ رَحْمَتُكَ وَعَدَدَ مَا اَحَاطَتْ بِهٖ

آنچه گنجایش او دارد از رحمت تو وبشماره آنچه فرا گرفته است از ا

قُدْرَتُكَ وَاَضْعَافَ مَا تَسْتَوْجِبُهُ مِنْ جَمِيعِ

توانایی تو وچندان مقابل آنچه مستحق واهلیت داری تو از اکه سرزند از

خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ فَتَمِّمْ اِحْسَانَكَ اِلَیَّ فِيمَا بَقِيَ

همه کائن تو خداوندا پس تمام گردان نیکوئی خود را بسوی من در آنچه باقی مانده است

مِنْ عُمْرِي كَمَا اَحْسَنْتَ اِلَیَّ فِيمَا مَضٰى مِنْهُ

از عمری من همچنانکه نیکوئی نموده تو بسوی من در آنچه گذشته از عمر من

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ وَاَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ بِتَوْحِيدِكَ

خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو و متوسلم بسوی تو رسیدن احسان تو با قرار یکتائی تو

وَتَحْمِيدِكَ وَتَمْجِيدِكَ وَتَهْلِيلِكَ وَكِبْرِيَائِكَ

وبستایش کردن تو وبه تعظیم نمودن تو وبه تهلیل گفتن تو وبه بزرگواری تو

وَكَمَالِكَ وَتَكْبِيرِكَ وَتَعْظِيمِكَ وَنُورِكَ وَ

وبصفات نیکوی تو وبه بزرگ بودن تو از تعریف وبزرگ نمودن تو وبروشنی ذات تو و

رَاْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَعِلْمِكَ وَحِلْمِكَ وَعُلُوِّكَ وَ

مهربانی تو وشفقت تو ودانش تو وبردباری تو وبلندی مرتبه تو

وِقَارِكَ وَمَنِّكَ وَبَهَائِكَ وَجَمَالِكَ وَجَلَالِكَ

وآرام تو وبه بخشش تو وبشرف تو وبه نیکوئی تو وبشره تو از عیبها

وَسُلْطَانِكَ وَعَظَمَتِكَ وَقُوَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ

وبپادشاهی تو وبزرگی تو وبقدرت تو وتوانائی تو

وَاِحْسَانِكَ وَغُفْرَانِكَ وَامْتِنَانِكَ وَرَحْمَتِكَ

ونیکوئی نمودن تو وبآمرزش تو وبمنت گذاشتن بنعمتها وبشفقت تو

وَنَبِيِّكَ وَوَلِيِّكَ وَعِتْرَتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

وبه پیغمبر تو وبه دوستدار تو وبه عترت حضرت که پاکان وپاکیزگانند

اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ لَا تَحْرِمَنِي رِفْدَكَ

اینکه رحمت فرستی بر محمد وبر آل محمد ص وآنکه محروم نسازی مرا از عطای خود

وَفَضْلَكَ وَجَمَالَكَ وَجَلَالَكَ وَفَوَائِدَ كَرَامَاتِكَ

وزیادتی بخشش خود واز نیکوئی خود وبزرگواری خود واز نفعهای عطایای خود

فَاِنَّهُ لَا يَعْتَرِيكَ لِكَثْرَةِ مَا قَدْ نَشَرْتَ بِهِ مِنَ

پس بدرستی که عارض نمیشود ترا بسبب بسیاری آنچه بتحقیق که پراکنده کرده ای از آن از

الْعَطَايَا عَوَائِقُ الْبُخْلِ وَلَا يَنْقُصُ جُودَكَ التَّقْصِيرُ

بخششهای بسیار بخلهائی که مانع شوند ترا از بخشش وکم نمیکند بخشش وجود ترا کوتاهی بندگان

فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ وَلَا تُنْفِدُ خَزَائِنَكَ مَوَاهِبُكَ

در شکرگذاری نعمت تو وبرطرف نمیکند خزینهای ترا بخششهای

الْمُتَّسِعَةُ وَلَا تُؤَثِّرُ فِي جُودِكَ الْعَظِيمِ مِنَحُكَ الْفَائِقَةُ

بسیار بزرگ تو واثر نمیکند در کرم تو که بزرگست عطیهای تو که بلند بسیار

الْجَمِيلَةُ الْجَلِيلَةُ وَلَا تَخَافُ ضَيْمَ اِمْلَاقٍ فَتُكْدِيَ

ونیکو وبزرگند ونمیترسی تو از بیچیزی احتیاج درشانی تا آنکه کم کنی عطا را

وَلَا يَلْحَقُكَ خَوْفُ عُدْمٍ فَيَنْتَقِصُ مِنْ جُودِكَ

و عارض نمیشود بتو ترس ناداری پس کم گردد از بخشش تو

فَيْضُ فَضْلِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ

بسیاری بخشش تو خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد

وَارْزُقْنِي قَلْبًا خَاشِعًا خَاضِعًا ضَارِعًا وَبَدَنًا

و روزی گردان بمن دل ترسنده زاری کننده جزع کننده بسؤال و بدنی را

صَابِرًا وَيَقِينًا صَادِقًا وَلِسَانًا ذَاكِرًا حَامِدًا

صبر کننده در بلاها و عقیده درست و زبانی ذکر کننده ستایش کننده

وَرِزْقًا وَاسِعًا وَعِلْمًا نَافِعًا وَوَلَدًا صَالِحًا وَسِنًّا

و روزی فراخ و دانشی سود دهنده و فرزندی نیکوکار و عمری

طَوِيلًا وَعَمَلًا صَالِحًا وَعَيْنًا بَاكِيَةً وَتَوْبَةً مَقْبُولَةً

دراز و کرداری نیکو و چشمی گریان و توبه قبول شده

وَاَسْئَلُكَ رِزْقًا وَاسِعًا حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تُؤْمِنِّي

و سؤال میکنم از تو روزی فراخ حلال نیکو را و ایمن مساز مرا

مَكْرَكَ وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَلَا تَكْشِفْ عَنِّي

از عقوبت از جانب خودت و فراموشی مده از مرا از یاد آوری خودت و بر مدار از من

سِتْرَكَ وَلَا تُقَنِّطْنِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَلَا تُبَعِّدْنِي

پرده پوشاننده خود را و نا امید مگردان مرا از رحمت خودت و دور مگردان مرا.

مِنْ كَنَفِكَ وَجِوَارِكَ وَاَعِذْنِي مِنْ سَخَطِكَ وَ

از حفظ و حمایت خودت و از پناه خودت و پناه ده مرا از عذاب خودت و

غَضَبِكَ وَلَا تُؤْيِسْنِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَرَوْحِكَ

وخشم خودت و ناامید مگردان مرا از شفقت خودت و رحمت از جانب خودت

وَكُنْ لِي اَنِيسًا مِنْ كُلِّ رَوْعَةٍ وَوَحْشَةٍ

و باش تو برای من انس دهنده از همه ترس و تنهایی

وَاعْصِمْنِي مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ وَنَجِّنِي مِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ وَ

و نگاه دار مرا از هر هلاکت و برهان مرا از هر بلایی و

اٰفَةٍ وَعَاهَةٍ وَاِهَانَةٍ وَذِلَّةٍ وَعِلَّةٍ وَقِلَّةٍ وَمَرَضٍ

دردی و آزاری و خفتی و خواری و رنجی و سبکی در نظرها و بیماری

وَبَرَصٍ وَفَقْرٍ وَفَاقَةٍ وَوَبَاءٍ وَبَلَاءٍ وَزَلْزَلَةٍ وَ

و پیسی و ناداری و بی چیزی و بلای عام و رنجی و زمین لرزش شدید و

غَرَقٍ وَحَرَقٍ وَشَرَقٍ وَسَرَقٍ وَحَرٍّ وَبَرْدٍ وَجُوعٍ

و فرو رفتن بدریا و سوختن بآتش و درد گلو و از دزدی و رنج و از گرما و سرما و گرسنگی

وَعَطَشٍ وَغَمٍّ وَضَلَالَةٍ وَغُصَّةٍ وَمِحْنَةٍ وَ

و تشنگی و گم شدن در بیابان و گمراهی و گرفتن گلوی و رنج و

شِدَّةٍ فِي الدَّارَيْنِ اِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ اَللّٰهُمَّ

سختی در دنیا و آخرت بدرستی که تو پس نمی اندازی وعدهٔ خود را خداوندا

اِرْفَعْنِي وَلَا تَضَعْنِي وَادْفَعْ عَنِّي وَلَا تَدْفَعْنِي وَ

بلند کن مرتبه مرا و پست مگردان مرا و دفع کن از من بلا را و دور مکن مرا از رحمت خود

اَعْطِنِي وَلَا تَحْرِمْنِي وَاَكْرِمْنِي وَلَا تُهِنِّي وَزِدْنِي

و بخشش نما بمن و محروم و ناامید مگردان مرا و گرامی دار مرا و خوار مکن مرا و زیاده کن مرا از عطای خود

ولا تنقصني

وَلَا تَنقُصْنِي وَارْحَمْنِي وَلَا تُعَذِّبْنِي وَانْصُرْنِي

و کم مکن از من بخشش را و رحم کن مرا و عقوبت مکن مرا و یاری نمای مرا

وَلَا تَخْذُلْنِي وَاسْتُرْنِي وَلَا تَفْضَحْنِي وَاٰثِرْنِي

و مگذار مرا بی یار و بپوشان گناهان مرا و رسوا مکن مرا و برگزین مرا

وَلَا تُؤْثِرْ عَلَيَّ اَحَدًا فِي اَمْرِ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَفَرِّجْ

و برمگزین بر من کسی را در امر دنیا و آخرت و برطرف کن

هَمِّي وَاكْشِفْ غَمِّي وَاَهْلِكْ عَدُوِّي وَاحْفَظْنِي

اندوه مرا و زایل گردان دلگیری مرا و هلاک گردان دشمن مرا و نگاه دار مرا

وَلَا تُضَيِّعْنِي فَاِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى

و ناچیز مگردان پس بدرستی که تو بر هر چیز توانایی و رحمت فرستد

اللّٰهُ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ اَجْمَعِينَ يَا ذَا الْجَلَالِ

خدا بر پیشوای ما که محمد است و بر آل او همه ای صاحب بزرگی

وَالْاِكْرَامِ اَللّٰهُمَّ مَا قَدَّرْتَ لِي مِنْ اَمْرٍ وَشَرَعْتُ

و بخشش خداوندا آنچه را که حکم فرموده تو برای من از فرمانی و ابتدا نمودم تو

فِيهِ بِتَوْفِيقِكَ وَتَيْسِيرِكَ وَتَدْبِيرِكَ فَتَمِّمْهُ

در آن بمهیا نمودن تو اسباب آن و آسان ساختن تو آن را و مقرر کردن تو آن را پس تمام کن تو آن را

لِي بِاَحْسَنِ الْوُجُوهِ كُلِّهَا وَاَصْلَحِهَا وَاَصْوَبِهَا

از برای من به نیکوترین وجهها همه آنها نهارا و بهترین آنها را و درست‌ترین آنها را

فَاِنَّكَ عَلٰى مَا تَشَاۤءُ قَدِيرٌ وَبِالْاِجَابَةِ جَدِيرٌ

پس بدرستی که تو بر آنچه خواهی توانایی و به بر آوردن حاجتها سزاواری

يَا مَنْ قَامَتِ السَّمٰوَاتُ وَالْاَرَضُونَ بِاَمْرِهِ يَا مَنْ

ای کسی که ایستاده اند اسمانها و زمینها بفرمان او ای کسی

يُمْسِكُ السَّمَآءَ اَنْ تَقَعَ عَلَى الْاَرْضِ اِلَّا بِاِذْنِهِ

که نگاه میدارد اسمان را از انکه بیفتد بر زمین مگر رخصت و فرمان او

يَا مَنْ اَمْرُهُ اِذَا اَرَادَ شَيْئًا اَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ

ای کسی که فرمان او چنان است که هرگاه خواهد چیزی را میگوید بان چیز که موجود شو

فَيَكُونُ فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ

پس موجود میشود پس منزه است از همه عیبها انکسی که بدست قدرت اوست پادشاهی هر

شَيْءٍ وَاِلَيْهِ تُرْجَعُونَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

چیز و بسوی او بازگشت میکنند همه و رحمت فرستد خدا بر محمد و آل او

اَجْمَعِينَ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا دَآئِمًا اَبَدًا وَفَضْلًا

همه و درود و ثنا بر ایشان همیشه و پیوسته و تفضل کند بر ایشان

كَثِيرًا وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

تفضل بسیار و همه ستایش برای خداست که پروردگار عالمیان است

این دعای عظیم المنزلة جلیل القدر مسمی بدعای جوشن کبیر است که مرحمت یافت از مولانا محمد ...

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

ابتدا بنام خداوند بخشاینده مهربان

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا بحق نام تو ای خداوند ای بخشاینده ای

رَحِیمُ یَا کَرِیمُ یَا مُقِیمُ یَا عَظِیمُ یَا قَدِیمُ یَا عَلِیمُ

مهربان ای بزرگوار بخشنده ای پاینده پایدار ای بزرگوار ای همیشه بوده ای دانا

یَا حَلِیمُ یَا حَکِیمُ سُبْحَانَکَ یَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ

ای بردبار ای نیکوکردار منزهی تو از هر آلایش ای خداوندی که نیست جز تو خدای

اَلْغَوْثَ اَلْغَوْثَ خَلِّصْنَا مِنَ النَّارِ یَا رَبِّ

بفریادم برس در دنیا و بفریادم برس در آخرت و ما را نجات ده از آتش دوزخ ای پروردگار

یَا سَیِّدَ السَّادَاتِ یَا مُجِیبَ الدَّعَوَاتِ یَا رَافِعَ

ای بهتر از هر بهتری ای اجابت کننده دعاها ای بلند کننده

الدَّرَجَاتِ یَا وَلِیَّ الْحَسَنَاتِ یَا غَافِرَ الْخَطِیئَاتِ

مرتبها ای احسان کننده خوبیها ای آمرزنده گناهان و خطاها

یَا مُعْطِیَ الْمَسْئَلَاتِ یَا قَابِلَ التَّوْبَاتِ یَا سَامِعَ

ای بخشاینده هرچه ازو طلب کنند ای قبول کننده توبها ای اجابت کننده

الْاَصْوَاتِ یَا عَالِمَ الْخَفِیَّاتِ یَا دَافِعَ الْبَلِیَّاتِ

دعاها و نالها ای دانای پنهانها ای دفع کننده بلاها و مصیبتها

سُبْحَانَکَ الخ یَا خَیْرَ الْغَافِرِینَ یَا خَیْرَ

منزهی تو از هر آلایش ای بهترین آمرزندگان ای بهترین

الْفَاتِحِینَ یَا خَیْرَ النَّاصِرِینَ یَا خَیْرَ الْحَاکِمِینَ

کشایندگان ای بهترین یاری دهندگان ای بهترین حکم کنندگان

یَا خَیْرَ الرَّازِقِینَ یَا خَیْرَ الْوَارِثِینَ یَا خَیْرَ الْحَامِدِینَ

ای بهترین روزی دهندگان ای بهترین باقی ماندگان ای بهترین حمدگویان ذات خود

يَا خَيْرَ الذَّاكِرِينَ يَا خَيْرَ الْمُنْزِلِينَ يَا خَيْرَ

ای بهترین یاد کنندگان بندگان خود را برحمت و مغفرت و خود را بکرم و فضل و عظمت و جلال او کرم ای بهترین جا دهنده گان بندگان خود را

الْمُحْسِنِينَ فصل يَا مَنْ لَهُ الْعِزَّةُ وَالْجَمَالُ يَا

ای بهترین احسان کنندگان بر بندگان مؤمنان ای خداوندی که مخصوص اوست عزت و قهر و احسان

مَنْ لَهُ الْقُدْرَةُ وَالْكَمَالُ يَا مَنْ لَهُ الْمُلْكُ

ای خداوندی که او راست قدرت و تمامی کمالات از صفات کمالیه ای خداوندی که او راست پادشاهی

وَالْجَلَالُ يَا مَنْ هُوَ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ يَا مُنْشِئَ السَّحَابِ

و عظمت و سلطنت ای خداوندی که اوست بزرگوار بلند مرتبه ای خداوندی که پدید آورنده ابرهای

الثِّقَالِ يَا مَنْ هُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ يَا مَنْ هُوَ سَرِيعُ

سنگین بار از باران ای خداوندی که اوست که قدرتش کاملست ای خداوندی که اوست که زود دی

الْحِسَابِ يَا مَنْ هُوَ شَدِيدُ الْعِقَابِ يَا مَنْ

حساب میکند خلایق را در روز قیامت ای خداوندی که اوست که عقوبتش سخت است ای کسی که

عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ يَا مَنْ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ

نزد اوست ثوابهای نیکو از اعمال حسنه ای خداوندی که نزد اوست اصل کتابها که لوح محفوظ است

فصل اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا حَنَّانُ

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو بحق نام تو ای مهربان

يَا مَنَّانُ يَا دَيَّانُ يَا بُرْهَانُ يَا سُلْطَانُ يَا رِضْوَانُ

ای منت نهنده بر خلایق ای جزا دهنده خلایق ای دلیل خود ای پادشاه ای خشنود کننده خلایق در قیامت

يَا غُفْرَانُ يَا سُبْحَانُ يَا مُسْتَعَانُ يَا ذَا الْمَنِّ وَ

ای آمرزنده ای منزه از بدیها ای خداوندی که همه کس از او یاری میخواهند ای خداوند با نعمت

البیان

البيان فصل يا من تواضع كل شيء لعظمته

ظاهر کننده احکام ای خداوندی که هر چیزی فروتنی کرده است همه چیز بسبب عظمت او

يا من استسلم كل شيء لقدرته يا من ذل

ای خداوندی که منقاد است هر چیزی او را چون قادر بر کمالست ای خداوندی که ذلیل

كل شيء لعزته يا من خضع كل شيء لهيبته

و خوارند همه چیز نزد بزرگواری او ای خداوندی که با خضوعست هر چیزی نزد هیبت او

يا من انقاد كل شيء من خشيته يا من

ای خداوندی که منقاد اوست هر چیزی از ترس او ای خداوندی

تشققت الجبال من مخافته يا من قامت

که کوهها از هم میشکافد از ترس او ای خداوندی که برپاست

السموات بامره يا من استقرت الارضون

آسمانها بامر او ای خداوندی که قرار گرفته است زمینها

باذنه يا من يسبح الرعد بحمده يا من لا

در جایهای خود بقدرت او ای خداوندی که تسبیح و تحمید او میکند فرشته که رعد است ای خداوندی

يعتدي على اهل مملكته فصل يا غافر

که ظلم نمیکند بر هیچکس از کسانی که آفریده اوست یا بر او پادشاهی دارد ای آمرزنده

الخطايا يا كاشف البلايا يا منتهى الرجايا

گناهان و خطاها ای دور کننده بلاها ای منتهای امیدهای خلایق

يا مجزل العطايا يا واهب الهدايا يا رازق

ای تمام کننده بخششها بر خلایق ای بخشنده نعمتها و هدیها بر خلایق ای روزی دهنده خلایق

الْبَرَايَا يَا قَاضِيَ الْمُنَى يَا يَا سَامِعَ الشَّكَايَا

خلایق ای میراننده خلایق ای شنونده شکایت خلایق

فصل يَا بَاعِثَ الْبَرَايَا يَا مُطْلِقَ الْأُسَارَى

ای زنده کننده خلایق در روز قیامت ای رها کننده اسیران

يَا ذَا الْحَمْدِ وَالثَّنَاءِ يَا ذَا الْفَخْرِ وَالْبَهَاءِ

ای خداوندی که او راست ثنا و ستایش ای خداوندی که او راست فخر و بزرگی

يَا ذَا الْمَجْدِ وَالسَّنَاءِ يَا ذَا الْعَهْدِ وَالْوَفَاءِ

ای خداوندی که مخصوص اوست بزرگواری و رفعت ای خداوندی که عهد و پیمان میکند و بآن وفا میکند

يَا ذَا الْعَفْوِ وَالرِّضَاءِ يَا ذَا الْمَنِّ وَالْعَطَاءِ

ای خداوندی که می بخشی و خشنود میشوی ای خداوندی که احسان میکنی و منت و بخشش تراست

يَا ذَا الْفَضْلِ وَالْقَضَاءِ يَا ذَا الْعِزِّ وَالْبَقَاءِ

ای خداوندی که حکم میکنی بحق در میان خلایق در روز قیامت ای خداوندی که تراست بزرگواری و دوام بقا

يَا ذَا الْجُودِ وَالسَّخَاءِ يَا ذَا الْآلَاءِ وَالنَّعْمَاءِ

ای خداوندی که تراست بخشش و جود و سخا ای خداوندی که تویی صاحب نعمتهای ظاهره و باطنه

فصل اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا

خداوندا بدرستی که من از تو سؤال میکنم بنام تو ای خداوندی

مَانِعُ يَا دَافِعُ يَا رَافِعُ يَا صَانِعُ يَا نَافِعُ يَا سَامِعُ

که کسی را بر تو دست نیست ای دفع کننده بلاها ای بلند کننده درجات ای آفریدگار خلقان ای نفع رسانندهٔ خلایق ای اجابت کننده دعوات هم

فصل يَا جَامِعُ يَا شَافِعُ يَا وَاسِعُ يَا مُوَسِّعُ

ای جمع کنندهٔ مخلوقات ای شفاعت کنندهٔ عاصیان ای بسیار بخشندهٔ گنهکاران ای فراخ کنندهٔ نعمتها بر خلایق

يا صانع كل مصنوع يا خالق كل مخلوق

ای آفریننده هر مخلوقی از کتم عدم ای ایجاد کننده هر آفریده

یا رازق کل مرزوق یا مالک کل مملوک یا

ای روزی دهنده هر روزی خوار ای پادشاه هر بنده از بندگان خود ای

کاشف کل مکروب یا فارج کل مهموم

دفع کننده بلاها از هر غم زده بیچاره ای رفع کننده غمهای هر مغمومی غم زده

یا راحم کل مرحوم یا ناصر کل مخذول یا

ای بخشاینده هر کس که محل مرحمت و رحمت ای یاور هر کسی که هیچکس او را نصرت ندهد ای

ساتر کل معیوب یا ملجا کل مطرود

فصل

پوشاننده عیبهای معیوبان ای پناه دهنده هر رانده از درهای خلایق

یا عدتی عند شدتی یا رجائی عند مصیبتی

ای خداوندی که اعتمادم به تواست در سختیها ای امیدگاه من در مصیبتها و دشواریها

یا مونسی عند وحشتی یا صاحبی عند غربتی

ای مونس من در وقت وحشتها ای مصاحب و رفیق من در غریبیها

یا ولیی عند نعمتی یا غیاثی عند کربتی یا

ای خداوند من در وقت نعمت ای فریادرس من نزد هر غمی از غمها ای

دلیلی عند حیرتی یا غنائی عند افتقاری یا

راهنمای من در وقت حیران شدن ای توانگری من در وقت بی چیزی من ای

ملجائی عند اضطراری یا معینی عند مفزعی

پناه من نزد اضطرار من ای اعانت کننده من در وقت ترس من

فصل يا عَلّامَ الغُيُوبِ يا غَفّارَ الذُّنُوبِ

ای داننده هر پنهان ای امرزنده گناهان

يا سَتّارَ العُيُوبِ يا كاشِفَ الكُرُوبِ يا

ای پوشاننده عیبهای همه ای بردارنده غمهای همه ای

مُقَلِّبَ القُلُوبِ يا طَبِيبَ القُلُوبِ يا مُنَوِّرَ

گرداننده دلهای همه ای دوا کننده دلهای بیماران ای روشن کننده

القُلُوبِ يا اَنِيسَ القُلُوبِ يا مُفَرِّجَ الهُمُومِ

دلها بنور هدایت ای مونس دلهای عاشقان و دردمندان ای دفع کننده غمهای بیچارگان

يا مُنَفِّسَ الغُمُومِ فصل اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ

ای زایل کننده غمهای غمزدگان خداوندا بدرستی که من سؤال میکنیم ترا

بِاِسْمِكَ يا جَلِيلُ يا جَمِيلُ يا وَكِيلُ يا كَفِيلُ

بحق نام تو اے بزرگوار ای نیکو کردار ای حفظ کننده مردمان ای ضامن بخششهای

يا دَلِيلُ يا قَبِيلُ يا مُدِيلُ يا مُنِيلُ يا مُقِيلُ يا

ای راهنمای گمراهان ای ضامن روزی خلقان ای دولت دهنده دولتمندان ای رساننده نعمتها ای توبه پذیرنده

مُحِيلُ فصل يا دَلِيلَ المُتَحَيِّرِينَ يا غِياثَ المُسْتَغِيثِينَ

ای خداوند قوی ای راهنمای گم کرده راهان ای فریاد رس بیچارگان

يا صَرِيخَ المُسْتَصْرِخِينَ يا جارَ المُسْتَجِيرِينَ يا

ای اجابت کننده دعا کنندگان بیچاره ای پناه پناه خواهان اے

اَمانَ الخائِفِينَ يا عَوْنَ المُؤْمِنِينَ يا راحِمَ المَساكِينِ

امینی ترسندگان ای یاور مؤمنان ای رحم کننده بر درویشان

توبه کنندگان

پشیمان بود

یا ملجا

يا ملجأ العاصين يا غافر المذنبين يا مجيب
اى پناه گنا هکاران اى آمرزنده گنا هکاران اى اجابت كننده
دعوة المضطرين فصل يا ذا الجود و
دعاهاى مضطران اى صاحب بخشش و احسان بهمه خلايق
الاحسان يا ذا الفضل و الامتنان يا ذا
و احسان اى صاحب تفضل و انعام بر كسانى كه استحقاق ان ندارند اى صاحب
الامن و الامان يا ذا القدس و السبحان يا
امن و امين كننده و امان دهنده مومنان اى خداوندى كه ذات و صفات او منزه است و پاك از هر
ذا الحكمة و البيان يا ذا الرحمة و
خداوند راست گفتار و درست كردار و بيان كننده هر چيزى اى رحمت كننده و
الرضوان يا ذا الحجة و البرهان يا ذا العظمة
خشنود كننده بندگان اى خداوندى كه همه موجودات دليل و برهان خداوندى علم و قدرت و يكانكى تست
و السلطان يا ذا الرافة و المستعان يا ذا
و سلطنت و بزرگوارى و پادشاهى مخصوص تست اى خداوندى كه مهربانى و يارى دهندگى از تست اى
العفو و الغفران فصل يا من هو رب كل
بخشاينده و آمرزنده جميع مخلوقات اى خداوندى كه اوست پروردگار هر
شىء يا من هو اله كل شىء يا من هو خالق
چيزى اى كسى كه خداوند جميع موجودات و مكنونات است اى كسى كه آفريننده
كل شىء يا من هو صانع كل شىء يا من هو
هر چيزى اى خداوندى كه ايجاد كننده هر چيزى اى خداوندى

نا لايق اى
عظمت اى خداوندى كه
خداوند

قبل کل شیء یا من هو بعد کل شیء یا من

پیش از هر چیزی بوده است ای کسی که اوست بعد از هر چیزی چون همه فانیند و او باقیست ای کسی

هو فوق کل شیء یا من هو عالم بکل شیء

که اوست که عالی است بر هر چیزی ای آنکسی که او داناست بهمه چیزی

یا من هو قادر علی کل شیء یا من هو یبقی و

ای خداوندی که او قادر و تواناست بر هر چیزی ای خداوندی که اوست باقی

یفنی کل شیء فصل اللهم انی اسئلک

هرچه غیر اوست فانیست خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو

باسمک یا مؤمن یا مهیمن یا مکون یا ملقن

بحق اسم تو ای امان دهنده ای گواه بر هر چیزی ای ایجاد کننده اشیا ای تلقین کننده حجتها مؤمنان

یا مبین یا مهون یا ممکن یا مزین یا معلن

ای ظاهر کننده اشیا ای سهل و آسان کننده دشوارها ای تمکین دهنده پیشوایان دین مبین ای زینت دهنده خوبیها ای آشکار کننده اشیا

یا مقسم فصل یا من هو فی ملکه مقیم یا من

ای قسمت کننده روزیها و معیشتها ای خداوندی که بر پادشاهی خود دایمی ای خداوندی که

هو فی سلطانه قدیم یا من هو فی جلاله عظیم

اوست که همیشه پادشاه بوده و هست و خواهد بود ای خداوندی که اوست که در عظمت و بزرگواری ازان بزرگتر است

یا من هو علی عباده رحیم یا من هو بکل شیء علیم

ای خداوندی که اوست که بر بندگان خود بخشاینده و مهربانست ای خداوندی که اوست که بهر چیزی دانا و بیناست

یا من هو بمن عصاه حلیم یا من هو بمن رجاه

ای خداوندی که اوست که بعاصیان خود حلیم و بردبار است ای خداوندی که اوست که بامیدواران جود

کی

کریم یا من هو فی صنعه حکیم یا من هو فی

بخشاینده است در دنیا ای خداوندی که اوست که هرچه میکند درست میکند و نیکوست ای خداوندی که او ست که

حکمته لطیف یا من هو فی لطفه قدیم فصل

همه حکمتهای خود را از روی لطف جاری میسازد ای خداوندی که لطف او همیشه بوده است

یا من لا یرجی الا فضله یا من لا یسئل الا عفوه

ای خداوندی که امیدواری نیست مگر از فضل او ای خداوندی که سوال کرده نمیشود مگر عفو او را نه عدل اورا

یا من لا ینظر الا برّه یا من لا یخاف الا عدله یا

ای خداوندی که همه کس نظر باحسان و نیکویی او دارند ای خداوندی که هیچکس نمیترسد مگر از عدالت اوای

من لا یدوم الا ملکه یا من لا سلطان الا

خداوندی که دایم نیست مگر پادشاهی او ای خداوندی که پادشاهی نیست مگر

سلطانه یا من وسعت کل شیء رحمته یا من

پادشاهی او ای خداوندی که فرا گرفته است هر چیزی را رحمت او ای خداوندی

سبقت رحمته غضبه یا من احاط بکل شیء

که پیشی دارد رحمت او بر غضبش ای خداوندی که همه چیزها را فرا گرفته است

علمه یا من لیس احد مثله فصل یا فارج الهمّ

علم او ای خداوندی که نیست کسی مانند او در ذات و صفات و افعال او غیره ای کشاینده غمهای که سبب شب ظلمانی است

یا کاشف الغمّ یا غافر الذنب یا قابل التوب

ای رفع کننده غمهایی که سبب آن پیداست ای آمرزنده گناه ای قبول کننده توبه

یا خالق الخلق یا صادق الوعد یا موفی العهد

ای آفریننده خلایق ای وفا کننده بوعدها ای بجا آورنده عهدها

يَا عَالِمَ السِّرِّ يَا فَالِقَ الْحَبِّ يَا رَازِقَ الْأَنَامِ

ای دانای پنهانها ای شکافنده دانهایی که بیرون می‌اوردازو چیزها ای روزی دهنده خلایق

فصل اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاِسْمِكَ يَا عَلِيُّ

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو بحق نام تو ای بلند مرتبه

يَا وَفِيُّ يَا مَلِيُّ يَا غَنِيُّ يَا حَفِيُّ يَا رَضِيُّ يَا

ای وفا کننده بوعدهای خود ای قادر بر کمال ای بی‌نیاز مستغنی از جمیع خلایق ای مهربان سزاوار ای خشنود خشنود کننده

مومنان ای

زَكِيُّ يَا بَدِيُّ يَا قَوِيُّ يَا وَلِيُّ فصل يَا مَنْ

پاکیزه از همه نقصها ای اول بی ابتدا و افریننده اشیا ای توانای کامل با قوت و قدرت ای خداوند همه و اولی بتصرف ای خداوندی که

اَظْهَرَ الْجَمِيلَ يَا مَنْ سَتَرَ الْقَبِيحَ يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ

نیکی بندگان خود را ظاهر میکند بر ملائکه و غیره ای خداوندی که میپوشاند قبایح بندگان خود را ای خداوندی که زود نمیگیری

بِالْجَرِيرَةِ يَا مَنْ لَمْ يَهْتِكِ السِّتْرَ يَا عَظِيمَ

بگناهان بندگان ای خداوندی که نمیدری پردهای بندگان خود را بزودی ای بخشنده گناهان

الْعَفْوِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ يَا

بزرگ ای خوب درگذرنده از گناهان بندگان خود ای بسیار آمرزش ای

بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ يَا سَامِعَ كُلِّ نَجْوَى

بسیار بخشاینده از رحمتهای ظاهره و باطنه ای شنونده رازهای پنهان بندگان

يَا مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى فصل يَا ذَا النِّعْمَةِ

ای خداوندی که هرکه شکایتی دارد بدرگاه تو می‌آورد ای خداوندی که تمام است نعمتهای او

السَّابِغَةِ يَا ذَا الرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ يَا ذَا الْمِنَّةِ

بر خلایق ای صاحب رحمتی که فراگرفته است رحمت تو همه اشیارا ای خداوندی که پیش از

السَّابِقَةِ يَا ذَا الْحِكْمَةِ الْبَالِغَةِ يَا ذَا

از خلق انعام کردی او همیشه انعام تو شامل حال ما بوده هست و خواهد بود ای خداوند حکمت تمام رسیده با تمام ای صاحب

الْقُدْرَةِ الْكَامِلَةِ يَا ذَا الْحُجَّةِ الْقَاطِعَةِ يَا ذَا

قدرت تمام بی انتها ای خداوندی که حجت خود را تمام کردی بر خلایق و فرستادن

کتب و رسل ای احدی و بی

الْكَرَامَةِ الظَّاهِرَةِ يَا ذَا الْعِزَّةِ الدَّائِمَةِ يَا

که کرمهای تو بر جمیع خلایق ظاهر و هویداست ای خداوندی که همیشه قادر و غالب بودی با عزت

ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينَةِ يَا ذَا الْعَظَمَةِ الْمَنِيعَةِ

ای خداوندی که قدرتت کامل است ای خداوندی که از آن بزرگتری که کسی بزرگی تو تواند رسید

يَا بَدِيعَ السَّمٰوَاتِ يَا جَاعِلَ الظُّلُمَاتِ يَا رَاحِمَ

ای بدید آورنده آسمانها از کتم عدم ای مقرر سازنده تاریکیهای ظاهر و باطن ای بخشاینده

الْعَبَرَاتِ يَا مُقِيلَ الْعَثَرَاتِ يَا سَاتِرَ الْعَوْرَاتِ

آب دیدها ای توبه دهنده گناهکاران و بخشاینده گناه ای پوشاننده عیبهای خلایق

يَا مُحْيِيَ الْأَمْوَاتِ يَا مُنْزِلَ الْآيَاتِ يَا مُضَعِّفَ

ای زنده کننده مردگان ای فرستنده آیات دال بر عظمت خود ای مضاعف کننده

الْحَسَنَاتِ يَا مَاحِيَ السَّيِّئَاتِ يَا شَدِيدَ النَّقِمَاتِ

حسنات مؤمنان ای محو کننده گناهان ایشان ای خداوندی که عذابت سخت است

فصل

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُصَوِّرُ

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم بنام تو ای صورت دهنده اشیا

يَا مُقَدِّرُ يَا مُدَبِّرُ يَا مُطَهِّرُ يَا مُنَوِّرُ يَا مُيَسِّرُ

ای تقدیر کننده اشیا ای تدبیر کننده اشیا ای پاک کننده پاکان ای نور دهنده بی نوران ای آسان کننده

هر دشوار از بهای بندگان

يَا مُبَشِّرُ يَا مُنْذِرُ يَا مُقَدِّمُ يَا مُؤَخِّرُ

ای بشارت دهنده نیکوکاران ای بیم کننده گناهکاران وترساننده ایشان ای تقدیم کننده هرچه را تقدیم

بایدکرد ای تاخیر کننده آنچه را تاخیر باید کرد

يَا رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَا رَبَّ الشَّهْرِ الْحَرَامِ يَا

ای پروردگار خانهٔ محترم که کعبهٔ معظمه است ای پروردگار ماههای صاحب حرمت که آن رجب و ذوالقعده و ذوالحجه و محرم است

رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ يَا رَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ

ای خداوند شهر محترم که مکه معظمه است ای پروردگار رکن حجر الاسود و مقام ابراهیم

يَا رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ يَا رَبَّ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ يَا رَبَّ

ای خداوند مشعر محترم که در مکه معظمه است ای خداوند مسجد محترم در مکه معظمه ای پروردگار

الْحِلِّ وَالْحَرَامِ يَا رَبَّ النُّورِ وَالظَّلَامِ يَا رَبَّ

حلال و حرام یعنی حرم مکه و خارج که ای پروردگار روشنایی و تاریکی شب و روز ای پروردگاری

التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ يَا رَبَّ الْقُدْرَةِ فِي الْأَنَامِ

که مقرر فرموده که بیکدیگر تواضع و سلام کنند ای پروردگاری که قادر است بر همه خلایق

يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ يَا أَعْدَلَ الْعَادِلِينَ

ای حکم کننده تر از همه حکم کنندگان ای عادلتر از عادلان

يَا أَصْدَقَ الصَّادِقِينَ يَا أَطْهَرَ الطَّاهِرِينَ يَا

ای راست گوتر از راست گویان ای پاکیزه تر از پاکیزگان ای

أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ يَا أَسْمَعَ

بهترین آفرینندگان ای زود حساب کننده ترین حساب کنندگان ای اجابت کننده ترین

السَّامِعِينَ يَا أَبْصَرَ النَّاظِرِينَ يَا أَشْفَعَ الشَّافِعِينَ

اجابت کنندگان ای بیناتر از بینایان و جمیع نظر کنندگان ای شفاعت کننده تر از شفاعت کنندگان

يَا اَكْرَمَ الْاَكْرَمِينَ فصل يَا عِمَادَ مَنْ

اى كريمتر از كريمان و كرم كنندكان اى پناه كسانى

لَا عِمَادَ لَهُ يَا سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ يَا ذُخْرَ مَنْ لَا

كه ايشانرا پناهى نيست اى محل اعتماد كسانى كه ايشانرا محل اعتمادى نيست اى ذخيره كسانى كه ايشانرا

ذُخْرَ لَهُ يَا حِرْزَ مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ يَا غِيَاثَ مَنْ لَا

ذخيرهٔ نيست اى پناه كسے كه اورا پناهے نيست اى فريادرس هر كه اورا

غِيَاثَ لَهُ يَا فَخْرَ مَنْ لَا فَخْرَ لَهُ يَا عِزَّ مَنْ لَا عِزَّ

فريادرسى نيست اى فخر كسے كه اورا فخرى نيست اى عزت كسى كه اورا عزتے

لَهُ يَا مُعِينَ مَنْ لَا مُعِينَ لَهُ يَا اَنِيسَ مَنْ لَا اَنِيسَ لَهُ

نيست اى يارى كنندهٔ كسے كه اورا يارى كنندهٔ نيست اى مونس هر كسى كه اورا مونسى نيست

در دنيا

يَا اَمَانَ مَنْ لَا اَمَانَ لَهُ فصل اَللّٰهُمَّ اِنِّى

اى امان دهنده كسى كه اورا امان دهندهٔ نيست خداوندا بدرستيكه من

اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا عَاصِمُ يَا قَائِمُ يَا دَائِمُ يَا

سؤال ميكنم ترا بحق نام تو اى نگاهدارنده از بلاها و گناهها اى بذات خود موجود اى هميشه بوده

و باقى

رَاحِمُ يَا سَالِمُ يَا حَاكِمُ يَا عَالِمُ يَا قَابِضُ يَا بَاسِطُ

اى مهربان بابندگان اى بسلامت از هر عيبى اى حكم كنندهٔ درميان خلايق بحق اى داناى آشكار و نهان اى منع كننده

يَا قَاسِمُ

رحمت از كسانى كه قابل رحمت نيستند

اى رحم كننده بر همه خلايق

فصل يَا عَاصِمَ مَنِ اسْتَعْصَمَهُ يَا رَاحِمَ مَنِ

اى نگاهدارنده از بلاها و گناهان هر كه را طلب عصمت كند از و اى بخشاينده بر كسانى

اسْتَرْحَمَهُ يَا غَافِرَ مَنِ اسْتَغْفَرَهُ يَا نَاصِرَ مَنِ

كه طلب كنند بخشايش اورا اى آمرزندهٔ كسانى كه طلب كنند آمرزش اى يارى دهندهٔ كسانى

استنصره یا حافظ من استحفظه یا مکرم

که طلب کند یاری ازو ای حفظ کننده هر که را طلب کند حفظ ازو ای اکرام کننده

من استکرمه یا مرشد من استرشده یا صریخ

هر که را طلب کند اکرام او را ای راه نماینده بخوبیها هر که را طلب کند راه راست را ای فریاد رسنده

من استصرخه یا معین من استعانه یا مغیث

آنکسی که طلب فریادرسی کند ازو ای یاری کننده هر که طلب یاری کند ازو ای فریادرس داد

من استغاثه فصل یا عزیزا لا یضام یا

خواهان که طلب دادخواهی کند ازو ای قهاری که کسی او را مقهور نمیتواند کرد ای

لطیفا لا یرام یا قیوما لا ینام یا دائما لا یفوت

مقدسی که عقول مقدسین بذات مقدس او نمیرسند ای پاینده حفیظی که خواب نمیرود ای قدیم بیزوال خداوند لایزال — اقدس

یا حیا لا یموت یا ملکا لا یزول یا باقیا لا

ای زنده که او را مرگ نیست ای پادشاهی که همیشه خواهی بود ای باقی که او را

یفنی یا عالما لا یجهل یا صمدا لا یطعم یا

فنا نیست ای دانایی که او را جهل نیست ای خداوندی که او را خورش نیست ای

قویا لا یضعف فصل اللهم انی اسئلک

توانایی که ضعیف نمیشود خداوندا بدرستی که من از تو سوال میکنم

باسمک یا احد یا واحد یا شاهد یا ماجد

بنام تو ای یگانه بی نظیر ای یکتای من جمیع الوجوه ای گواه بر اعمال خلایق ای بزرگوار

یا حامد یا راشد یا باعث یا وارث یا ضار

ای ستایش کننده خود ای راهنمای گمراهان ای زنده کننده مردگان ای باقی بعد از همه عالمیان ای ضرر رساننده — کافران

یا نافع فصل یا اعظم من کل عظیم یا اکرم

ای نفع رساننده مؤمنان ای بزرگوارتر از هر بزرگی ای کریمتر

من کل کریم یا ارحم من کل رحیم یا اعلم من

از هر کریمی ای رحیمتر از هر رحیمی ای داناتر از

کل علیم یا احکم من کل حکیم یا اقدم من کل

هر دانایی ای درست کارتر از هر درست کرداری ای قدیمتر از هر

قدیم یا اکبر من کل کبیر یا الطف من کل لطیف

قدیمی ای بزرگتر از هر بزرگی ای مهربانتر از هر مهربانی یا داناتر یا تواناتر یا مجرد

یا اجل من کل جلیل یا اعز من کل عزیز فصل

ای بزرگتر از هر بزرگی ای عزیزتر از هر عزیزی

یا کریم الصفح یا عظیم المن یا کثیر الخیر یا

ای نیکو عفو کننده و درگذشته از گناهان ای منعم نعمتهای عظیمه ظاهر ای بسیار خوبی کننده ای

قدیم الفضل یا دائم اللطف یا لطیف الصنع

همیشه بافضل و احسان ای همیشه با لطف و انعام ای خداوندی که افعال تو از روی لطف است با بندگان

یا منفس الکرب یا کاشف الضر یا مالک

ای خداوندی که غمهای بندگان را دفع میکنی ای دور کننده بلاها و ضررها ای مالک

الملک یا قاضی الحق فصل یا من هو فی عهده

پادشاهی ای حکم کننده بحق و حقیقت ای خداوندی که بسیار وفا کننده

وفی یا من هو فی وفائه قوی یا من هو فی قوته

بعهدهای خود با بندگان ای خداوندی که توانایی بوفا کردن عهدها با ایشان ای خداوندی که قدرت آن

عَلِیٌّ یَا مَنْ هُوَ فِی عُلُوِّهِ قَرِیبٌ یَا مَنْ هُوَ فِی

بالاتر است که با آن توانا سید ای خداوندی که با نهایت بلند مرتبگی نزدیکی با خلایق با حسان و تربیت ای خداوندی که

قُرْبِهِ لَطِیفٌ یَا مَنْ هُوَ فِی لُطْفِهِ شَرِیفٌ یَا مَنْ

با نهایت قرب مجردی از قرب و بعد ای خداوندی که با نهایت تجرد نهایت بزرگواری داری ای خداوندی

هُوَ فِی شَرَفِهِ عَزِیزٌ یَا مَنْ هُوَ فِی عِزِّهِ عَظِیمٌ یَا مَنْ

که با نهایت شرف از آن عزیزتری که بعزت و شرفت توانا سید ای خداوندی که با نهایت عزت نهایت

عظمت و بزرگواری داری ای خداوندی

هُوَ فِی عَظَمَتِهِ مَجِیدٌ یَا مَنْ هُوَ فِی مَجْدِهِ حَمِیدٌ

که با اینهمه عظمت نهایت بزرگی و بزرگواری داری ای خداوندی که با نهایت مجد و بزرگی تمام حامدان بحمد تو

مشغولند

فصل اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ یَا كَافِی

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو بنام تو ای کفایت کننده مهمات

یَا شَافِی یَا وَافِی یَا مُعَافِی یَا هَادِی یَا دَاعِی یَا

ای شفا دهنده بیماریها ای وفا کننده وعدها ای عافیت دهنده علتها ای هدایت کننده گمراهان ای خواننده خلایق

بجود ای

قَاضِی یَا رَاضِی یَا عَالِی یَا بَاقِی فصل یَا مَنْ

حکم کننده بحق ای خشنود از مؤمنان ای بلند مرتبه عالی شان ای همیشه زنده جاویدان ای خداوندی که

كُلُّ شَیْءٍ خَاضِعٌ لَهُ یَا مَنْ كُلُّ شَیْءٍ خَاشِعٌ

هر چیزی نزد او با خضوعست یعنی مطیع و منقادست ای خداوندی که هر چیزی نزد او با خشوعست و با

ذلت

لَهُ یَا مَنْ كُلُّ شَیْءٍ كَائِنٌ لَهُ یَا مَنْ كُلُّ شَیْءٍ مَوْجُودٌ

ای خداوندی که هر چیزی موجود است از جهت او ای خداوندی که هر چیزی موجود است

بِهِ یَا مَنْ كُلُّ شَیْءٍ مُنِیبٌ اِلَیْهِ یَا مَنْ كُلُّ شَیْءٍ

بوجود او ای خداوندی که هر چیزی بازگشتش با اوست ای خداوندی که هر چیزی

خَائِفٌ مِنْهُ يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ قَائِمٌ بِهٖ يَا مَنْ

ترسانست از او ای خداوندی که هر چیزی حیاتش از وست و باو ای خداوندی

كُلُّ شَيْءٍ صَائِرٌ اِلَيْهِ يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ يُسَبِّحُ

که هر چیزی بازگشتش در دنیا و عقبی باو ست ای خداوندی که هر چیزی تنزیه و ستایش

بِحَمْدِهٖ يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ اِلَّا وَجْهَهُ

او میکنند ای خداوندی که هر چه هست فانی میشود مگر ذات اقدس او که باقیست

فصل

يَا مَنْ لَا مَفَرَّ اِلَّا اِلَيْهِ يَا مَنْ لَا مَفْزَعَ

ای خداوندی که گریزگاهی نیست از و مگر باو ای خداوندی که پناهی نیست

اِلَّا اِلَيْهِ يَا مَنْ لَا مَقْصَدَ اِلَّا اِلَيْهِ يَا مَنْ لَا

مگر باو از و ای خداوندی که قصد نمیتوان کرد مگر بسوی او ای خداوندی که

مَنْجَا مِنْهُ اِلَّا اِلَيْهِ يَا مَنْ لَا يُرْغَبُ اِلَّا اِلَيْهِ

محل نجاتی نیست از و مگر بسوی او ای کسی که رغبت نمیتوان کرد مگر باو

يَا مَنْ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِهٖ يَا مَنْ لَا يُسْتَعَانُ

ای کسی که حرکت و قوتی نیست مگر بیاری او ای انکه یاری نتوان خواستن

اِلَّا بِهٖ يَا مَنْ لَا يُتَوَكَّلُ اِلَّا عَلَيْهِ يَا مَنْ لَا يُرْجٰى

مگر باو ای خداوندی که توکل نمیتوان کرد مگر براو ای خداوندی که امید نمیتوان

اِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يُعْبَدُ اِلَّا اِيَّاهُ

فصل

يَا خَيْرَ

داشت مگر او را ای خداوندی که عبادت نمیتوان کرد مگر او را ای بهترین کسی

الْمَرْهُوبِيْنَ يَا خَيْرَ الْمَرْغُوبِيْنَ يَا خَيْرَ الْمَطْلُوبِيْنَ يَا خَيْرَ

که از و باید ترسید ای بهترین کسی که رغبت باو بباید کرد ای بهترین مطلوبان ای بهترین

الْمَسْؤُلِينَ يَا خَيْرَ الْمَقْصُودِينَ يَا خَيْرَ الْمَذْكُورِينَ

کسانی که از و سؤال میکنند ای بهترین مقصودان ای بهترین کسانی که او را یاد کننده گویان

يَا خَيْرَ الْمَشْكُورِينَ يَا خَيْرَ الْمَحْبُوبِينَ يَا خَيْرَ

ای بهترین کسانی که شکر اد کنند ای بهترین کسانی که او را دوست میدارند ای بهترین

الْمَدْعُوِّينَ يَا خَيْرَ الْمُسْتَأْنِسِينَ فصل

کسانی که او را می باید خواند ای بهترین کسانی که باد انس میگیرند یا او انس میگیرد

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا غَافِرُ يَا سَاتِرُ

خداوندا بدرستی که سؤال میکنیم از تو بحق نام تو ای آمرزنده گناهان ای پوشاننده عیبها

يَا قَادِرُ يَا قَاهِرُ يَا فَاطِرُ يَا كَاسِرُ يَا جَابِرُ يَا

ای توانای با قدرت ای عذاب کننده کافران عاصیان ای آفریدگار خلایق ای شکننده پشت جباران ای تلافی کننده مظلومان

ذَاكِرُ يَا نَاظِرُ يَا نَاصِرُ فصل يَا مَنْ خَلَقَ

ای یاد کننده خلایق بفضل ای نظر کننده باحسان ای یاری دهنده مومنان ای خداوندی که اشیا را

فَسَوّٰى يَا مَنْ قَدَّرَ فَهَدٰى يَا مَنْ يَكْشِفُ الْبَلْوٰى

آفریده بنحوی که باید آفرید ای خداوندی که هر چیزی را باندازه آفرید و او را راه نموده بخیر و شر ای خداوندی که بر طرف میکند بلاهای مومنان را

يَا مَنْ يَسْمَعُ النَّجْوٰى يَا مَنْ يُنْقِذُ الْغَرْقٰى يَا مَنْ يُنَجِّي

ای خداوندی که می شنود راز رازگویندگان ای خداوندی که خلاصی میدهد کسانی را که در دریا معاصی غرق شده اند ای خداوندی که بگناهکاران می بخشد

الْهَلْكٰى يَا مَنْ يَشْفِي الْمَرْضٰى يَا مَنْ اَضْحَكَ وَ

هالکان را ای خداوندی که شفا میدهد بیماران را ای خداوندی که میخندانند غمها و

اَبْكٰى يَا مَنْ اَمَاتَ وَ اَحْيٰى يَا مَنْ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ

میگریانند بفرستادن بلاها ای خداوندی که میمیرانند و زنده میگردانند اشیا را ای خداوندی که آفریده است جفتها را

الذکر

الذَّكَرَ وَالأُنثىٰ فصل يا مَنْ في البَرِّ وَالبَحرِ

از نر وماده هر چیزی را ای خداوندی که در خشکی بیابانها و دریاهاست

سَبيلُهُ يا مَنْ في الآفاقِ آياتُهُ يا مَنْ في الآياتِ

راه او بسوی او ای خداوندی که در همه عالم دلایل وجود علم و قدرت او ظاهرست ای خداوندی که در دلایل او

بُرهانُهُ يا مَنْ في المَماتِ قُدرَتُهُ يا مَنْ في القُبورِ

در همه کونات ظاهر است ای خداوندی که در میرانیدن خلایق قدرت او ظاهرست ای خداوندی که در قبرستان

عِبرَتُهُ يا مَنْ في القِيٰمَةِ مُلكُهُ يا مَنْ في الحِسابِ

عبرت با وست و عبرت باید گرفت ای خداوندی که در قیامت پادشاهی او ظاهر و باهرست ای خداوندی که در حساب

هَيبَتُهُ يا مَنْ في المِيزانِ قَضاؤُهُ يا مَنْ في الجَنَّةِ

ظاهر میشود هیبت و خوف او ای خداوندی که در ترازوی اعمال حکم او ظاهر میشود در خوبان و بدان ای خداوندی در بهشت

ثَوابُهُ يا مَنْ في النّارِ عِقابُهُ فصل يا مَنْ إلَيهِ

ثواب او ای خداوندی که در دوزخست عقاب او ای خداوندی که بسوی او

يَهرَبُ الخائِفُونَ يا مَنْ إلَيهِ يَفزَعُ المُذنِبُونَ يا

میگریزند ترسندگان ای خداوندی که پناه با و میبرند گناهکاران

مَنْ إلَيهِ يَقصِدُ المُنِيبُونَ يا مَنْ إلَيهِ يَرغَبُ

ای خداوندی که بسوی او میروند توبه کاران ای خداوندی که بسوی او رغبت میکنند

الزّاهِدُونَ يا مَنْ إلَيهِ يَلجَأُ المُتَحَيِّرُونَ يا مَنْ بِهِ

تارکان محبت دنیا ای خدائی که پناه با و میبرند کسانی که میرانند و راه را نمیدانند ای خداوندی که باو

يَستَأنِسُ المُرِيدُونَ يا مَنْ بِهِ يَفتَخِرُ المُحِبُّونَ يا مَنْ

انس میگیرند طالبان او ای خداوندی که بمحبت او افتخار میکنند دوستداران او ای

گردن خلایق

عنبر سرشتست

خداوندی

فِي عَفْوِهِ يَطْمَعُ الْخَاطِؤُنَ يَا مَنْ اِلَيْهِ يَسْكُنُ

که در بخشایش او طمع دارند همه گناهکاران ای خداوندی که قرار باو میگیرند

الْمُوقِنُونَ يَا مَنْ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ

صاحبان یقین ای خداوندی که براو توکل میکنند توکل کنندگان

فصل

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِاِسْمِكَ يَا حَبِيبُ

خداوندا بدرستی که از تو طلب میکنم بنام تو ای دوست

يَا طَبِيبُ يَا قَرِيبُ يَا رَقِيبُ يَا حَسِيبُ يَا مُنِيبُ

ای دواکننده دردهای بیماران ای نزدیک بلطف و رحمت ای مطلع براحوال همه خلایق ای کفایت کننده خلایق

ای قبول کننده توبهای گنه کاران

يَا مُثِيبُ يَا مُجِيبُ يَا خَبِيرُ يَا بَصِيرُ

فصل

ای ثواب دهنده نیکوکاران ای اجابت کننده دعای اعیان ای مطلع بر اسرار خلایق ای دانا و بینا بر اعمال

يَا اَقْرَبَ مِنْ كُلِّ قَرِيبٍ يَا اَحَبَّ مِنْ كُلِّ

ای نزدیکتر از هر نزدیکی برحمت و تربیت ای دوستدارتر از هر

حَبِيبٍ يَا اَبْصَرَ مِنْ كُلِّ بَصِيرٍ يَا اَخْبَرَ مِنْ كُلِّ

دوستی ای بیناتر از هر بینایی ای داناتر بر اسرار از هر

خَبِيرٍ يَا اَشْرَفَ مِنْ كُلِّ شَرِيفٍ يَا اَرْفَعَ مِنْ كُلِّ

دانایی بر اسرار ای بزرگوارتر از هر بزرگواری ای بلند مرتبه تر از هر

رَفِيعٍ يَا اَقْوٰى مِنْ كُلِّ قَوِيٍّ يَا اَغْنٰى مِنْ كُلِّ

بلند مرتبه ای قوی تر از هر صاحب قوتی ای بینیازتر از هر

غَنِيٍّ يَا اَجْوَدَ مِنْ كُلِّ جَوَادٍ يَا اَرْءَفَ مِنْ كُلِّ

بینیازی ای بخشنده تر از هر بخشنده ای مهربانتر از هر

ادو

رَؤُفٍ فصل یَا غَالِبًا غَیْرَ مَغْلُوبٍ یَا

مهربانی ای غالبی که کسی بر او غلبه نمیتواند کرد ای

خَالِقًا غَیْرَ مَخْلُوقٍ یَا صَانِعًا غَیْرَ مَصْنُوعٍ یَا

آفریننده که کسی او را نیافریده است ای موجودی که کسی او را ایجاد نکرده است ای

مَالِکًا غَیْرَ مَمْلُوکٍ یَا قَاهِرًا غَیْرَ مَقْهُورٍ یَا

خداوندی که کسی بر او غلبه نیست ای قهاری که مقهور کسی نیست ای

رَافِعًا غَیْرَ مَرْفُوعٍ یَا حَافِظًا غَیْرَ مَحْفُوظٍ یَا

بلند مرتبه که کسی او را بلند نکرده و نمیکند ای حفظ کننده که کسی او را حفظ نکرده و نمیکند ای

نَاصِرًا غَیْرَ مَنْصُورٍ یَا شَاهِدًا غَیْرَ غَائِبٍ یَا

یاری دهنده که کسی او را یاری نکرده و نمیکند ای حاضری که غایب نمیشود ای

قَرِیبًا غَیْرَ بَعِیدٍ فصل یَا نُورَ النُّورِ یَا مُنَوِّرَ

نزدیکی که دور نمیگردد ای روشنایی دهنده هر روشنی ای نور دهنده

النُّورِ یَا خَالِقَ النُّورِ یَا مُدَبِّرَ النُّورِ یَا مُقَدِّرَ النُّورِ

هر نوری ای آفریننده هر نوری ای تدبیر کننده هر نوری ای مقدر کننده انوار مومنان

یَا نُورَ کُلِّ نُورٍ یَا نُورًا قَبْلَ کُلِّ نُورٍ یَا

ای خداوندی که هر زنده زندگی از تو دارد ای نوری که پیش از هر نوری تر انور بوده است ای

نُورًا بَعْدَ کُلِّ نُورٍ یَا نُورًا فَوْقَ کُلِّ نُورٍ یَا نُورًا

نوری که بعد از هر نوری خواهی بود ای نوری که نور تو بالای هر نور لیست ای نوری

لَیْسَ کَمِثْلِهِ نُورٌ فصل یَا مَنْ عَطَاؤُهُ

که نیست مثل او در هیچ جا نوری ای خداوندی که بخشش او

شریف یا من فعله لطیف یا من لطفه

نیکوست و با آن فخر باید کرد ای خداوندی که هرچه میکند از روی لطف میکند ای آنکه لطف او

مقیم یا من احسانه قدیم یا من قوله حق یا من

همیشه بوده و خواهد بود ای خداوندی که احسان او همیشه بوده و خواهد بود ای خداوندی که هرچه گفته است

وعده صدق یا من عفوه فضل یا من عذابه

که وعده او راستست ای خداوندی که عفو او تفضل است نه استحقاق ای خداوندی که اگر عذا

عدل یا من ذکره حلو یا من فضله عمیم

کند محض عدالتست نه ظلم ای خداوندی که یاد کردن او شیرینست ای خداوندی که فضل او فرو گرفته است

فصل اللهم انی اسئلك باسمك یا

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا بنام تو ای

مسهل یا مفصل یا مبدل یا مذلل یا منزل

آسان کننده دشوارها ای تفضل کننده ای تبدیل کننده گناهان بحسنات ای ذلیل کننده عزیزان ای جای دهنده

یا منول یا مفضل یا مجزل یا ممهل یا مجمل

ای احسان کننده بر مؤمنان ای جدا کننده حق از باطل ای تمام احسان ای خداوندی که مهلت دهنده عاصیانست

فصل یا من یری ولا یری یا من یخلق ولا

ای خداوندی که می بیند همه را و هیچکس او را نمی بیند ای خداوندی که همه را آفریند و کسی او را

یخلق یا من یهدی ولا یهدی یا من یحیی

نیافریده است و آفریده نشده است ای خداوندی که هدایت میکند و کسی او را هدایت نمیکند ای خداوندی که زنده میکند

ولا یحیی یا من یسئل ولا یسئل یا من یطعم

و کسی او را زندگی نداده است ای خداوندی که همه کس از او سؤال میکنند و او از کسی سؤال نمیکند ای که خورش میدهد بندگان

راستست ای خداوندی

همه را

مؤمنان بهشت را فرستنده قرآن

آن زمانی که خود میبدانی

ای احسان کننده بر مؤمنان

وَلَا يُطْعَمُ يَا مَنْ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ يَا مَنْ

وخود چیزی نمیخورد ای خداوندی که همه کس را پناه میدهد و کسی او را پناه نمیدهد ای خداوندی

يَقْضِي وَلَا يُقْضَى عَلَيْهِ يَا مَنْ يَحْكُمُ وَلَا

که حکم میکند بر خلایق و کسی حکم بر او نمیکند ای خداوندی که فرمان میدهد و کسی را

يُحْكَمُ عَلَيْهِ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ

بر او فرمان نیست ای خداوندی که پدر نیست که فرزند داشته باشد و فرزند نیست که پدر داشته باشد

يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ **فصل** يَا نِعْمَ

و نبوده است مر او را نظیری و مانندی و هیچکس نظیر او نیست ای بهترین

الْحَسِيبُ يَا نِعْمَ الطَّبِيبُ يَا نِعْمَ الرَّقِيبُ يَا

کفایت کنندگان ای بهترین دوا کنندگان و شفا دهندگان ای بهترین محافظت کنندگان ای

نِعْمَ الْقَرِيبُ يَا نِعْمَ الْمُجِيبُ يَا نِعْمَ الْوَكِيلُ

بهترین نزدیکان ای بهترین اجابت کنندگان ای بهترین حفظ کنندگان

يَا نِعْمَ الْحَبِيبُ يَا نِعْمَ الْكَفِيلُ يَا نِعْمَ الْمَوْلَى

ای بهترین دوستان ای بهترین ضامنان و زعیمان ای بهترین خداوندان و یاری کنندگان

يَا نِعْمَ النَّصِيرُ **فصل** يَا سُرُورَ الْعَارِفِينَ

ای بهترین نصرت دهندگان و یاوران ای خوشحالی شناسندگان او که بمعرفت او مسرورند

يَا مُنَى الْمُحِبِّينَ يَا أَنِيسَ الْمُرِيدِينَ يَا حَبِيبَ التَّوَّابِينَ

ای آرزوی دلهای دوستان ای مونس دلهای طالبان ای محب و محبوب توبه کنندگان

يَا رَازِقَ الْمُقِلِّينَ يَا رَجَاءَ الْمُذْنِبِينَ يَا قُرَّةَ عَيْنِ

ای روزی دهنده فقیران و بینوایان ای امید گناهکاران ای روشنائی چشم

اَلْعَابِدِيْنَ يَا مُنَفِّسُ عَنِ الْمَكْرُوبِيْنَ يَا

عبادت کنندگان ای دور کننده بلاها از بلازدگان و غمناکان ای

مُفَرِّجُ عَنِ الْمَغْمُوْمِيْنَ يَا اِلٰهَ الْاَوَّلِيْنَ وَ

فرج دهنده غمناکان و دفع کننده غمهای ایشان ای خداوندگار پیشینیان و

الْاٰخِرِيْنَ فصل اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

پسینیان خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو بنام تو

يَا رَبَّنَا يَا اِلٰهَنَا يَا سَيِّدَنَا يَا مَوْلٰنَا يَا نَاصِرَنَا

ای پروردگار ما ای خداوند ما ای بهتر از ما ای آقای ما ای مددکار ما

يَا حَافِظَنَا يَا دَلِيْلَنَا يَا مُعِيْنَنَا يَا حَبِيْبَنَا

ای نگاهدارنده ما ای راهنمای ما ای اعانت کننده ما ای محبوب و محب ما

يَا طَبِيْبَنَا فصل يَا رَبَّ النَّبِيِّيْنَ وَ

ای شفا و دوا دهنده ما ای پروردگار پیغمبران و

الْاَبْرَارِ يَا رَبَّ الصِّدِّيْقِيْنَ وَالْاَخْيَارِ يَا

نیکوکاران ای پروردگار راست گویان که همیشه راست گفته اند و تصدیق خدا و رسول کرده اند و بهترین خلایقند ای

رَبَّ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ يَا رَبَّ الصِّغَارِ وَالْكِبَارِ

پروردگار بهشت و دوزخ ای پروردگار کوچک و بزرگ

يَا رَبَّ الْحُبُوْبِ وَالثِّمَارِ يَا رَبَّ الْاَنْهَارِ وَ

ای پروردگار دانها و میوها ای پروردگار نهرها و

الْاَشْجَارِ يَا رَبَّ الصَّحَارِيْ وَالْقِفَارِ يَا رَبَّ

درختان ای پروردگار صحراها و بیابانها ای پروردگار

الرار

البرار

الْبَرَارِيِّ وَالْبِحَارِ يَا رَبَّ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

خشکیها و ساحلها و دریاها ای پروردگار شب و روز

يَا رَبَّ الْإِعْلَانِ وَالْإِسْرَارِ فصل يَا مَنْ

ای پروردگار آشکار و پنهان ای خداوندی

نَفَذَ فِي كُلِّ شَيْءٍ أَمْرُهُ يَا مَنْ لَحِقَ بِكُلِّ شَيْءٍ

که حکم او روانست در هر چیزی ای خداوندی که احاطه کرده است علم او

عِلْمُهُ يَا مَنْ بَلَغَتْ إِلَى كُلِّ شَيْءٍ قُدْرَتُهُ يَا مَنْ لَا

بهر چیزی ای خداوندی که رسیده است بهر چیزی قدرت او و بر هر چیزی قادرست ای

تُحْصِي الْعِبَادُ نِعَمَهُ يَا مَنْ لَا تَبْلُغُ الْخَلَائِقُ شُكْرَهُ

نمیتوانند شمردن بندگان نعمتهای بی‌منتهای او را چون بسیارست ای خداوندی که نمیرسند جمع آفریدها بشکر

يَا مَنْ لَا تُدْرِكُ الْأَفْهَامُ جَلَالَهُ يَا مَنْ لَا تَنَالُ الْأَوْهَامُ

ای خداوندی که ادراک نمیتواند کرد فهمها بزرگی و عظمت او را ای خداوندی عقلها بکنه

كُنْهَهُ يَا مَنِ الْعَظَمَةُ وَالْكِبْرِيَاءُ رِدَاؤُهُ يَا

ذات مقدس او ای خداوندی که بزرگواری و عظمت مخصوص ذات مقدس اوست ای

مَنْ لَا تَرُدُّ الْعِبَادُ قَضَاءَهُ يَا مَنْ لَا مُلْكَ إِلَّا

خداوندی که بندگان دفع نمیتوانند کرد قضا و حکم او را ای خداوندی که نیست پادشاهی مگر

مُلْكُهُ يَا مَنْ لَا عَطَاءَ إِلَّا عَطَاؤُهُ فصل

پادشاهی او ای خداوندی که نیست بخششی مگر بخشش او

يَا مَنْ لَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَى يَا مَنْ لَهُ الصِّفَاتُ الْعُلْيَا

ای خداوندی که مر او راست داستانهای بلند که از همه داستانها بلندترست ای خداوندی که مر او راست

خداوندی که

نعمتهای بیحد و بی‌شمار او

که نمیرسند جمع

صفتهای بلند مرتبه

يَا مَنْ لَهُ الْآخِرَةُ وَالْأُولَى يَا مَنْ لَهُ الْجَنَّةُ

ای خداوندی که مراو راست آخرت و دنیا و هر دو آفریده اوست ای خداوندا که مراو راست بهشتها که

الْمَاوَى يَا مَنْ لَهُ الْآيَاتُ الْكُبْرَى يَا

جایگاه مومنانست ای خداوندی که مراو راست آیات عظیمه که همه دلیل خداوندی و عظمت او یند مانند عرش و کرسی

ولوح و قلم و زمینها و آسمانها و مانند جواهرات مقدسه

مَنْ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يَا مَنْ لَهُ الْحُكْمُ

ای خداوندی که مراو راست نامهای نیکو که بهترین نامهاست ای خداوندی که مراو راست فرمان

وَالْقَضَاءُ يَا مَنْ لَهُ الْهَوَاءُ وَالْفَضَاءُ يَا مَنْ

و قضا و قدر ای خداوندی که مراو راست آفریدن هواها را و محل هواها را که آن بعد مجرد است ای خداوندی

لَهُ الْعَرْشُ وَالثَّرَى يَا مَنْ لَهُ السَّمٰوَاتُ الْعُلَى

که مراو راست عرش و زمین و همه را او آفریده است ای خداوندی که مراو راست آسمانهای بلند

فصل اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بحق نام تو ای

عَفُوُّ يَا غَفُورُ يَا صَبُورُ يَا شَكُورُ يَا رَؤُوفُ

بخشنده گناهان مومنان ای آمرزنده خطاهای مومنان ای بسیار صبر کننده که عذاب نمیکنی ای شکر کننده خوبینهای ای

رحم کننده بر مومنان

يَا عَطُوفُ يَا مَسْئُولُ يَا وَدُودُ يَا سُبُّوحُ

ای مهربان بر بندگان ای کسی که همه کس از و سوال میکنند ای دوست و محبوب مومنان ای منزه از هر لایق

فصل يَا قُدُّوسُ يَا مَنْ فِي السَّمَاءِ عَظَمَتُهُ

ای منزه ذات تو از هر چه بد است ای خداوندی که ظاهر است در خلق آسمان بزرگی او

يَا مَنْ فِي الْأَرْضِ آيَاتُهُ يَا مَنْ فِي كُلِّ شَيْءٍ دَلَائِلُهُ

ای خداوندی که در زمین است از اصناف موجودات دلایل وجود و علم و قدرت او ای خداوندی که در هر چیزی ظاهر است دلایل

وجود واجب الوجود او است

يَا مَنْ فِي الْبِحَارِ عَجَائِبُهُ يَا مَنْ فِي الْجِبَالِ خَزَائِنُهُ

ای خداوندی که در دریاهاست عجایب مخلوقات او ای خداوندی که در کوههاست خزانهای لعل و نقره

وغیر آن

يَا مَنْ يَبْدَؤُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ يَا مَنْ إِلَيْهِ يَرْجِعُ

ای خداوندی که همه را آفریده است و دیگر در روز قیامت زنده خواهد کرد ای خداوندی که بازگشت هر

الْأَمْرُ كُلُّهُ يَا مَنْ أَظْهَرَ فِي كُلِّ شَيْءٍ لُطْفَهُ

چیزی بسوی او خواهد بود و هست و بوده است ای خداوندی که ظاهر ساخته است لطف خود را در هر چیزی

يَا مَنْ أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ يَا مَنْ تَصَرَّفَ فِي

ای خداوندی که نیکو کرده است آفریدن هر چیز را ای خداوندی که مصرفست در

الْخَلَائِقِ قُدْرَتُهُ **فصل** يَا حَبِيبَ مَنْ لَا حَبِيبَ

جمیع مخلوقات قدرت کامله او ای دوست کسی که او را دوستی

لَهُ يَا طَبِيبَ مَنْ لَا طَبِيبَ لَهُ يَا مُجِيبَ مَنْ لَا

نیست ای شفا دهنده کسانی که ایشان را دوا کننده نیست ای اجابت کننده کسانی که ایشانرا

مُجِيبَ لَهُ يَا شَفِيقَ مَنْ لَا شَفِيقَ لَهُ يَا رَفِيقَ مَنْ

اجابت کننده نیست ای خداوندی که شفقت داری با کسانی که ایشانرا مشفقی نیست ای خداوندی که

مدارا میکنی با کسانی

لَا رَفِيقَ لَهُ يَا مُغِيثَ مَنْ لَا مُغِيثَ لَهُ يَا دَلِيلَ

که کسی با ایشان مدارا نمیکند ای فریادرس کسانی که هیچکس بفریاد ایشان نمیرسد ای راهنمای

مَنْ لَا دَلِيلَ لَهُ يَا أَنِيسَ مَنْ لَا أَنِيسَ لَهُ يَا رَاحِمَ

کسانی که ایشانرا راهنمایی نیست ای مونس کسانی که مونسی ندارند در آخرت ای مهربان

مَنْ لَا رَاحِمَ لَهُ يَا صَاحِبَ مَنْ لَا صَاحِبَ لَهُ

کسانی که مهربانی ندارند ای مصاحب کسانی که مصاحبی ندارند

فصل یا کافی من استکفاه یا هادی من
ای کفایت کننده دشمنان هر که را از و طلب کند کفایت مهمات ایشان را ای هدایت کننده کسی که طلب
استهداه یا کالئ من استکلاه یا راعی
کند از و هدایت را ای حفظ کننده کسی که طلب حفظ کند از او ای رعایت کننده
من استرعاه یا شافی من استشفاه یا قاضی
کسانی که طلب کنند رعایت او را ای شفا دهنده کسانی که طلب کنند شفا را از و ای حکم کننده
من استقضاه یا مغنی من استغناه یا موفی
کسی که طلب نماید حکم او را ای توانگر کننده کسانی که توانگری را از و طلب کنند ای تمام کننده نعمت
من استوفاه یا مقوی من استقواه یا ولی
بر کسانی که طلب کنند تمامی نعمت را از و ای قوت دهنده کسانی که طلب نمایند قوت را از و ای کار ساز
من استولاه فصل اللهم انی اسئلک
کسانی که طلب کنند کارسازی را از و خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو
باسمک یا خالق یا رازق یا ناطق یا صادق
بنام تو ای آفریدگار خلایق ای روزی دهنده خلایق ای گوینده ای راست گوی
یا فالق یا فارق یا فاتق یا راتق یا سابق یا
ای شکافنده صبح و دانها ای فرق کننده حق از باطل ای جدا کننده اشیا را از یکدیگر ای جمع کننده هر چه را جمع باید کرد ای پیش از همه ای
سامق فصل یا من یقلب اللیل والنهار
بلند مرتبه که جمیع مراتب بلندی راست ای خداوندی که میگرداند شب و روز را بآنکه شب را میبرد و روز را می آرد
یا من جعل الظلمات والانوار یا من خلق
ای خداوندی که آفریده است تاریکیها را و روشناییها را ای خداوندی که آفریده است

صاحبقرانی

الظِّلَّ وَالحَرُورَ یا مَنْ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالقَمَرَ

سایه را و گرمی آفتاب را ای خداوندی که فرمان‌بردار ساخت آفتاب و ماهتاب را بامر او حرکت میکنند

یا مَنْ قَدَّرَ الخَیْرَ وَالشَّرَّ یا مَنْ خَلَقَ المَوْتَ وَ

ای خداوندی که مقدر گردانیده است خوبی و بدی او عالمست بهر دو ای خداوندی که آفریده است مرگ را و

الحَیٰوةَ یا مَنْ لَهُ الخَلْقُ وَالاَمْرُ یا مَنْ لَمْ یَتَّخِذْ

زندگانی را ای خداوندی که مراورا است عالم جسمانیات و مجردات یا آفریدن و حکم کردن از دست او ای خداوندی که نگرفته است

وَلَدًا یا مَنْ لَیْسَ لَهُ شَرِیکٌ فِی المُلْکِ یا مَنْ لَمْ یَکُنْ

زن و فرزند ای خداوندی که نیست مراورا شریکی و انبازی در پادشاهی ای خداوندی که نبوده است

لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ فصل یا مَنْ یَعْلَمُ مُرادَ

او را کسی که نگاهدارد او را از مذلت و خواری ای خداوندی که میداند مراد کسانی را

المُرِیدِینَ یا مَنْ یَعْلَمُ ضَمِیرَ الصّامِتِینَ یا مَنْ یَسْمَعُ

که اراده دارند ای خداوندی که میداند آنچه در خاطر خاموشانست ای خداوندی که میشنود

اَنِینَ الواهِنِینَ یا مَنْ یَرَی بُکاءَ الخائِفِینَ یا مَنْ

نالهای بیماران را و اجابت میکند دعاهای ایشان را ای خداوندی که می‌بیند گریهٔ ترسندگان را ای خداوندی

یَمْلِکُ حَوائِجَ السّائِلِینَ یا مَنْ یَقْبَلُ عُذْرَ

که بدست اوست حاجتهای سؤال کنندگان و برمی‌آورد حاجتهای ایشان را ای خداوندی که قبول میکند عذر توبه کاران

التّائِبِینَ یا مَنْ لا یُصْلِحُ اَعْمالَ المُفْسِدِینَ یا

را هرچند عذر باطل باشد ای خداوندی که اصلاح نمیکند اعمال کردار فساد کاران را و بیفزاید که باطل است ای

مَنْ لا یُضِیعُ اَجْرَ المُحْسِنِینَ یا مَنْ لا یَبْعُدُ عَنْ قُلُوبِ

خداوندی که ضایع نمیکند مزد نیکوکاران و مزد نیکی ای خداوندی که دور نیست از دلهای

الْعَارِفِينَ يَا اَجْوَدَ الْاَجْوَدِينَ فصل يَا ذَا آئِمَ

شناسندگان ای کریمتر از هر کریمی بخشنده‌تر از هر بخشنده ای خداوندی که

الْبَقَاءِ يَا سَامِعَ الدُّعَاءِ يَا وَاسِعَ الْعَطَاءِ

همیشه بوده و هستی و خواهی بود ای شنونده و اجابت کننده دعای مؤمنان ای فراخ بخششی که بسیار است بخشایش تو

يَا غَافِرَ الْخَطَاءِ يَا بَدِيعَ السَّمَاءِ يَا حَسَنَ الْبَلَاءِ

ای آمرزنده گناهان مؤمنان خطاهای ایشان ای آفریننده آسمانها ای خداوندی که آزمایش او نیکوست در بلا و عطا

يَا جَمِيلَ الثَّنَاءِ يَا قَدِيمَ السَّنَاءِ يَا كَثِيرَ

ای خداوندی که ثنا و ستایش تو نیکوست ای همیشه بلند مرتبه ای بسیار

الْوَفَاءِ يَا شَرِيفَ الْجَزَاءِ فصل اَللّٰهُمَّ اِنِّي

وفا کننده بوعدهای خود ای نیکو جزا دهنده اعمال خلایق خداوندا بدرستی که

اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا سَتَّارُ يَا غَفَّارُ يَا قَهَّارُ

از تو سؤال میکنم بنام تو ای بسیار پوشاننده عیبهای خلقان ای بسیار آمرزنده گناه مؤمنان ای غلبه کننده بر سرکشان

يَا جَبَّارُ يَا صَبَّارُ يَا بَارُّ يَا مُخْتَارُ يَا فَتَّاحُ يَا

ای بزرگوار عظیم المقدار ای بسیار صبر کننده و برگزیده ای بسیار نیکوکار ای با اختیار نه موجب ای گشاینده ابواب سعادات ای

نَفَّاحُ يَا مُرْتَاحُ فصل يَا مَنْ خَلَقَنِي وَسَوَّانِي

رحم کننده ای محل راحت مشتاقان ای خداوندی که مرا آفرید و نیکو آفرید در اعضا و جوارح

يَا مَنْ رَزَقَنِي وَرَبَّانِي يَا مَنْ اَطْعَمَنِي وَسَقَانِي

ای خداوندی که مرا روزی داد و تربیت فرمود ای خداوندی که مرا طعام و شراب داد

يَا مَنْ قَرَّبَنِي وَاَدْنَانِي يَا مَنْ عَصَمَنِي وَكَفَانِي

ای خداوندی که مرا قرب کرامت فرمود و بخود نزدیک گردانید بعبادت ای خداوندی که مرا حفظ کرد و شر دشمنان از من کفایت کرد

یا مَنْ حَفِظَنی وَکَلانی یا مَنْ اَعَزَّنی وَاَغْنانی

ای خداوندی که مرا حفظ کرد و بلاها از من دفع نمود ای خداوندی که مرا عزیز و غنی کرد

یا مَنْ وَفَّقَنی وَهَدانی یا مَنْ آنَسَنی وَآوانی

ای خداوندی که مرا توفیق کرامت کرد و هدایت نمود بجو بهیا ای خداوندی که انیس من بود و مرا جا داد و بخشید اندر دنیا

یا مَنْ اَماتَنی وَاَحْیانی فصل یا مَنْ یُحِقُّ الْحَقَّ

ای خداوندی که مرا میمیراند و زنده خواهد کرد در آخرت و قبر ای خداوندی که حق را در مرکز خود قرار

بِکَلِماتِهِ یا مَنْ یَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبادِهِ یا مَنْ

میدهد بگفتهای خود ای خداوندی که قبول توبه میکند از بندگان خود ای خداوندی

یَحُولُ بَیْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ یا مَنْ لا تَنْفَعُ الشَّفاعَةُ

که مانع است میان هر کس و دل او یعنی ارادت در دلهای خلق میکرد او مطلع است بر ضمایر همه ای خداوندی که نفع نمیکند

اِلاَّ بِاِذْنِهِ یا مَنْ هُوَ اَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبیلِهِ

شفاعت کسی نزد او از برای کسی مگر باذن و رخصت او ای خداوندی که داناتر است بهر که گمراهست از راه او و دین حق

یا مَنْ لا مُعَقِّبَ لِحُکْمِهِ یا مَنْ لا رادَّ لِقَضائِهِ یا

گمراهند مگر او هدایت کند همه را ای خداوندی که کسی بهم نمیتواند زد حکم او را ای خداوندی که هیچکس بر نمیتواند گردانید قضای او را

مَنِ انْقادَ کُلُّ شَیْءٍ لِاَمْرِهِ یا مَنِ السَّمٰواتُ

ای خداوندی که مطیعند هر چیزی که هست فرمان او را ای خداوندی که آسمانها در قبضه قدرت

مَطْوِیّاتٌ بِیَمینِهِ یا مَنْ یُرْسِلُ الرِّیاحَ بُشْراً

اوست در روز قیامت همه را در هم می پیچد و معدوم میکند ای خداوندی که میفرستد بادها را که بشارت دهنده باشند

بَیْنَ یَدَیْ رَحْمَتِهِ فصل یا مَنْ جَعَلَ الْاَرْضَ

یا ابرها می گستراند از جهة باران رحمت او ای خداوندی که گردانیده است زمین را

مِهَادًا یَا مَنْ جَعَلَ الْجِبَالَ أَوْتَادًا یَا مَنْ جَعَلَ

محل نشو و نمای خلایق ای خداوندی که گردانیده است کوهها را لنگر زمین ای خداوندی که گردانیده است

الشَّمْسَ سِرَاجًا یَا مَنْ جَعَلَ الْقَمَرَ نُورًا یَا مَنْ جَعَلَ

آفتاب را چراغ روز که روشنی دهد خلایق را ای خداوندی که گردانیده است ماهتاب را روشنائی شب ای خداوندی که گردانیده است

اللَّيْلَ لِبَاسًا یَا مَنْ جَعَلَ النَّهَارَ مَعَاشًا یَا مَنْ

شب را پوشش خلایق ای خداوندی که روز را محل تعیش و تحصیل رزق ایشان ساخته است ای خداوندی که

جَعَلَ النَّوْمَ سُبَاتًا یَا مَنْ جَعَلَ السَّمَاءَ بِنَاءً

گردانیده است خواب را استراحت خلایق که قطع عمل کنند ای خداوندی که آسمان را مانند قبه گرده است بر سر خلایق

یَا مَنْ جَعَلَ الْأَشْيَاءَ أَزْوَاجًا یَا مَنْ جَعَلَ النَّارَ

ای خداوندی که هر چیزی را جفت چیزی کرده است مانند آسمان و زمین و نور و ظلمت ای خداوندی که جهنم را

مِرْصَادًا فصل اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

محل ورود خلایق کرده است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو بنام تو یا نام تو

یَا سَمِيعُ یَا شَفِيعُ یَا مَنِيعُ یَا رَفِيعُ یَا سَرِيعُ یَا بَدِيعُ

ای شنوا و استجابت کننده دعا ای شفاعت کننده ای منع کننده بلاها ای بلند مرتبه ای زود حساب کننده خلایق ای آفریننده اشیا از عدم

یَا كَبِيرُ یَا قَدِيرُ یَا خَبِيرُ یَا مُجِيرُ فصل یَا حَيًّا

ای بزرگوار با رفعت ای توانای با قدرت ای عالم باسرار همه خلایق ای پناه دهنده عاصیان ای زنده

قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ یَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ یَا حَيُّ الَّذِي

که پیش از هر زنده بودی ای زنده بعد از هر زنده که همه فانی میشوند و تو باقی خواهی بود ای زنده که

لَيْسَ كَمِثْلِهِ حَيٌّ یَا حَيُّ الَّذِي لَا يُشَارِكُهُ حَيٌّ

نیست مانند او زنده در حیات ابدی ای زنده که مشارکت ندارد با او زنده در زندگی

یا حیّ الّذی لا یحتاج الی حیّ یا حیّ الّذی یمیت

ای زنده که محتاج نیست در زندگی خود بزنده دیگر ای زنده که می میراند

کلّ حیّ یا حیّ الّذی یرزق کلّ حیّ یا حیّا

هر زنده را و خود باقیست ای زنده که روزی میدهد هر زنده را ای زنده

لم یرث الحیوة من حیّ یا حیّ الّذی یحیی الموتی

که میراث نمیبرد زندگی را از زنده بلکه همیشه بذات خود زنده است ای زنده که زنده میکند مردگان را در شکمهای دران و در قبرها میت

یا حیّ یا قیّوم لا تأخذه سنة ولا نوم فصل

ای زنده ای واجب الوجودی که بذات خود قایم است و او را فرا نمیگیرد و بهم نمیرسد پینکی و مقدمه خواب نه را که خواب از صفات اجسام است

یا من له ذکر لا ینسی یا من له نور لا یطفا

ای خداوندی که میباید همیشه او را یاد کنند و فراموش نکنند ای خداوندی که او را نور روشنا نیست که خاموش شود

یا من له نعم لا تعدّ یا من له ملک لا یزول یا

ای خداوندی که او را نعمتهای بسیار است که نمیتوان شمردن ای خداوندی که او را پادشاهی است که زوال ندارد ای

من له ثناء لا یحصی یا من له جلال لا یکیّف

خداوندی که او را مدایحی چند هست که نمیتوان شمردن ای خداوندی که او را بزرگواری هست که چگونگی ندارد از قبیل مخلوق

یا من له کمال لا یدرک یا من له قضاء لا یردّ

ای خداوندی که او را کمالاتی هست که بآن نمیتوان رسید درک نتوان نمود ای خداوندی که او را قضاییست که نمیتوان رد کرد

یا من له صفات لا تبدّل یا من له نعوت لا

قضای او را ای خداوندی که او را صفاتی چند هست که مبدل نمیشود و تبدیل نتوان کرد ای خداوندی که او را وصفی چند هست که

تغیّر فصل یا ربّ العالمین یا مالک یوم

متغیر نمیشود ای پروردگار عالمیان ای خداوند روز جزا و دیوان

الدّين يا غاية الطّالبين يا ظهر اللّاجين يا

یا جزا دهنده خوبان بدان ای نهایت مراد طالبان ای پشت و پناه کسانی که التجا آورند ای

مدرك الهاربين يا من يحبّ الصّابرين

دریابنده گریزندگان ای خداوندی که دوست میدارد صابران را در بلاها

يا من يحبّ التّوّابين يا من يحبّ المتطهّرين يا

ای خداوندی که دوست میدارد توبه کنندگان را در گناهان ای خداوندی که دوست میدارد پاکیزگان را از نجاسات و سیئات

من يحبّ المحسنين يا من هو اعلم بالمهتدين

ای خداوندی که دوست میدارد نیکوکاران را از اعمال حسنات ای خداوندی که او داناتر است به هدایت یافتگان ایشان

فصل

اللّهمّ انّى اسئلك باسمك يا

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا به نام تو یا بحق نام تو ای

شفيق يا رفيق يا حفيظ يا محيط يا مقيت يا

مشفق بندگان ای مهربان و مدارا کننده با ایشان ای نگاهدارنده ایشان ای عالم به احوال ایشان ای قوت دهنده ایشان ای

مغيث يا معزّ يا مذلّ يا مبدئ يا معيد

فریادرسنده بیچارگان ای عزیز کننده مومنان ای ذلیل کننده جباران ای اول آفریننده ایشان ای باز گرداننده ایشان

فصل

يا من هو احد بلا ضدّ يا من هو فرد بلا ندّ

ای خداوندی که یگانه است که او را ضدی نیست ای خداوندی که او یگانه است که او را شبیه

يا من هو صمد بلا عيب يا من هو وتر بلا كيف

نظیری نیست ای خداوندی که صفات کمالیه او عین ذات اوست و صمدیت او نه مثل خلق است زیرا که عیب دارد چون جسم نیست ای خداوندی که یگانه ای چگونگی

يا من هو قاض بلا حيف يا من هو ربّ بلا وزير

و شبیه و مانند نیست یگانگی او ای خداوندی که اوست که حکم کننده است بی ظلم و جور ای خداوندی که اوست پروردگار بی وزیر

یَا مَنْ هُوَ عَزِیْزٌ بِلَا ذُلٍّ یَا مَنْ هُوَ غَنِیٌّ بِلَا فَقْرٍ

ای خداوندی که اوست عزیزی که هرگز خوار نمیشود ای خداوندی که اوست توانگری که هرگز فقیر و محتاج نمیشود

یَا مَنْ هُوَ مَلِکٌ بِلَا عَزْلٍ یَا مَنْ هُوَ مَوْصُوْفٌ

ای خداوندی که اوست پادشاهی که معزول نمیشود ای خداوندی که اوست که او را وصف میکنند بعلم و قدرت و سایر

بِلَا شَبِیْهٍ فصل یَا مَنْ ذِکْرُهُ شَرَفٌ لِلذَّاکِرِیْنَ

کمالات بی آنکه اوصاف او شبیه صفات خلایق باشد ای خداوندی که ذکر کردن او شرفیست مر ذاکران او را که میباید شکر کنند این نعمت را که

یَا مَنْ شُکْرُهُ فَوْزٌ لِلشَّاکِرِیْنَ یَا مَنْ حَمْدُهُ عِزٌّ

ایشان را رخصت ذکر داده اند ای خداوندی که شکر او مطلب رسیدن شاکران است شکر کردن مر رنجه کاران رسیدنی ای خداوندی که حمد

لِلْحَامِدِیْنَ یَا مَنْ طَاعَتُهُ نَجَاةٌ لِلْمُطِیْعِیْنَ یَا مَنْ

سبب عزت حمد گویان اوست ای خداوندی که اطاعت او سبب نجات مطیعان اوست ای خداوندی که

بَابُهُ مَفْتُوْحٌ لِلطَّالِبِیْنَ یَا مَنْ سَبِیْلُهُ وَاضِحٌ

در او گشاده است از جهت طالبان او همیشه ای خداوندی که راه او روشن است

لِلْمُنِیْبِیْنَ یَا مَنْ آیَاتُهُ بُرْهَانٌ لِلنَّاظِرِیْنَ یَا مَنْ

از جهت توبه کاران ای خداوندی که دلایل او دلیلند از جهت فکر کنندگان ای خداوندی

کِتَابُهُ تَذْکِرَةٌ لِلْمُتَّقِیْنَ یَا مَنْ رِزْقُهُ عُمُوْمٌ

که کتاب او تذکر است و پند میدهد پرهیزکاران را ای خداوندی که روزی او فرا گرفته است

لِلطَّائِعِیْنَ وَالْعَاصِیْنَ یَا مَنْ رَحْمَتُهُ قَرِیْبٌ

مطیعان را و عاصیان را ای خداوندی که رحمت او نزدیک است

مِنَ الْمُحْسِنِیْنَ فصل یَا مَنْ تَبَارَکَ اسْمُهُ یَا مَنْ

نیکوکاران را ای خداوندی که نام او بزرگست و بابرکت ای خداوندی

تعالى جدّه يا من لا اله غيره يا من جلّ

كه بلند است عزت او   ای خداوندی كه نيست خداوندی بغير از او   ای خداوندی كه بزرگست

ثناؤه يا من تقدّست اسماؤه يا من يدوم

مدح او   ای خداوندی كه منزه است نامهايی كه اطلاق توان كرد او را بغير او ای خداوندی كه هميشه

بقاؤه يا من العظمة بهاؤه يا من الكبرياء

هست و خواهد بود   ای خداوندی كه عظمت و بزرگواری حسن اوست ای خداوندی كه عظمت مخصوص

رداؤه يا من لا تحصى آلاؤه يا من لا تعدّ

ذات اقدس اوست ای خداوندی كه نميتوان شمردن نعمتهای باطنه او را ای خداوندی كه نتوان شمردن نعمتهای

نعماؤه فصل اللّهمّ انّى اسئلك باسمك

ظاهر او را چون افاق و انفس   خداوندا بدرستی كه من سؤال ميكنم ترا به نام تو

يا معين يا امين يا مبين يا متين يا مكين

ای ياری دهنده مؤمنان ای امين از زوال و عيوب ای ظاهر كننده اشيا و احكام اشيا ای واجب الوجود بالذات كه در او زوال نيست ای

يا رشيد يا حميد يا مجيد يا شديد يا شهيد

ای قادر عالم   ای مستحق حمد و ستايش بسيار ای بزرگوار رفعت و عزت ای سخت عذاب ای گواه اعمال خلايق

فصل يا ذا العرش المجيد يا ذا القول

ای آفريدگار عرش بزرگ كه اسمان هشتم است   ای   خداوند سخن درست

السديد يا ذا الفعل الرشيد يا ذا البطش

و راست   ای فاعل   افعال نيكو   ای صاحب عذاب اليم در دنيا

الشديد يا ذا الوعد والوعيد يا من هو الولىّ

و عقبی   ای خداوندی كه وعده كرده مؤمنان را بهشت و كافران را جهنم ای خداوندی كه همه دوست اوست ای اولی

الحمید یا من هو فعال لما یرید یا من هو قریب

و پسندیده و ستوده بر صفات ای خداوندی که هرچه خواهی میکنی و اراده مینمائی ای خداوندی که اوست که نزدیکی دارد

غیر بعید یا من هو علی کل شیء شهید

با بندگان و دور نیست از ایشان ای خداوندی که اوست که بر هر چیزی مطلع و گواهست

یا من هو لیس بظلام للعبید فصل یا من لا

ای خداوندی که بر بندگان خود ظلم نکرده و نمیکنی ای خداوندی

شریک له ولا وزیر یا من لا شبه له ولا نظیر

که او را شریکی و وزیری نیست ای خداوندی که او را مانند و نظیری نیست

یا خالق الشمس والقمر المنیر یا مغنی البائس الفقیر

ای آفریدگار آفتاب عالم آرا و ماهتاب روشن کننده اشیا ای غنی کننده فقیران بی چیز

یا رازق الطفل الصغیر یا راحم الشیخ الکبیر

ای روزی دهنده اطفال خرد در شکم مادر و از پستان مادر ای رحم کننده پیران بی قوت

یا جابر العظم الکسیر یا عصمة الخائف

ای درست کننده استخوانهای شکسته ای نگاهدارنده ترسندگان

المستجیر یا من هو بعباده خبیر بصیر یا من

که پناه بتو آرند و از تو زنهار خواهند ای خداوندی که اوست که مطلع است بر ضمایر و آشکار خلایق ای خداوندی که

هو علی کل شیء قدیر فصل یا ذا الجود و

اوست که بر هر چیزی قادر و تواناست ای صاحب بخشش و نعمت و

النعم یا ذا الفضل والکرم یا خالق اللوح

نعم ای صاحب تفضل و کرم ای آفریدگار لوح محفوظ

وَالْقَلَمِ يَا بَارِئَ الذَّرِّ وَالنَّسَمِ يَا ذَا الْبَأْسِ

و قلم ای آفریننده ذرات خلایق از بنی آدم ای خداوند عذاب

وَالنِّقَمِ يَا مُلْهِمَ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ يَا كَاشِفَ

و انتقام الم ای الهام کننده عرب و عجم ای دور کننده

الضُّرِّ وَالْأَلَمِ يَا عَالِمَ السِّرِّ وَالْهِمَمِ يَا رَبَّ الْبَيْتِ

مضرت و الم ای دانای پنهانها و خاطرها ای پروردگار کعبه معظمه و حرم

وَالْحَرَمِ يَا مَنْ خَلَقَ الْأَشْيَاءَ مِنَ الْعَدَمِ فصل

محترم که چهار فرسخست بر دور ای خداوندی که آفریننده است چیزها را از عدم که نبودند و پیدا شدند

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا فَاعِلُ يَا جَاعِلُ

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا بنام تو یا بحق نام تو ای کردگار ای آفریدگار

يَا قَابِلُ يَا كَامِلُ يَا فَاصِلُ يَا فَاضِلُ يَا عَادِلُ

ای قبول کننده اعمال خلایق ای تمام بی نقص ای جدا کننده حق از باطل ای احسان کننده بر خلایق بدون استحقاق ای با عدالت

يَا غَالِبُ يَا طَالِبُ يَا وَاهِبُ فصل يَا مَنْ أَنْعَمَ

ای بر همه چیزی غالب ای طلب کننده یا وامر و نواهی ای بخشاینده ای خداوندی که انعام فرمود

بِطَوْلِهِ يَا مَنْ أَكْرَمَ بِجُودِهِ يَا مَنْ جَادَ بِلُطْفِهِ

است با احسان خود ای خداوندی که کرم فرموده است ببخشش خود ای خداوندی که بخشش کرده است بسبب جود خود

يَا مَنْ تَعَزَّزَ بِقُدْرَتِهِ يَا مَنْ قَدَّرَ بِحِكْمَتِهِ يَا

ای خداوندی که عزت دارد بقدرت خود ای خداوندی که مقدر ساخته هر چیزی را بحکمت خود ای

مَنْ حَكَمَ بِتَدْبِيرِهِ يَا مَنْ دَبَّرَ بِعِلْمِهِ يَا مَنْ تَجَاوَزَ

خداوندی که حکم کرده است با وامر و نواهی بحسب تدبیرش ای خداوندی که تدبیر کرده است بعلمش ای خداوندی که درگذشته

بحلم

بحلمه يا من دنا في علوه يا من علا في دنوه

بحلم و بردباری بر خلایق ای خداوندی که نزدیکست بتربیت با نهایت بلند مرتبگی ای خداوندی که با کمال نزدیکی که دارد بذات او صفات بلند نمیتوان رسید

فصل يا من يخلق ما يشاء يا من يفعل ما يشاء

ای خداوندی که آفریند آنچه را میخواهد ای خداوندی که میکند آنچه را میخواهد

يا من يهدي من يشاء يا من يضل من يشاء يا من

ای خداوندی که هدایت خاصه میکند هر که را میخواهد ای خداوندی که وا میگذارد از فضل خود هر که را میخواهد ای

يعذب من يشاء يا من يغفر لمن يشاء يا من

خداوندی که عذاب میکند هر که را میخواهد ای خداوندی که می آمرزد هر که را میخواهد ای خداوندی

يعز من يشاء يا من يذل من يشاء يا من يصور

که عزیز و بزرگ میکند هر که را میخواهد ای خداوندی که ذلیل و خوار میکند هر که را میخواهد ای خداوندی که صورت می بندد

في الارحام ما يشاء يا من يختص برحمته من

در رحمها هر چه میخواهد از مرد و زن هر دو ای خداوندی که مخصوص میسازد برحمت خود هر که را

يشاء فصل يا من لم يتخذ صاحبة ولا

میخواهد ای خداوندی که فرا نگرفته است هرگز زنی و نه

ولدا يا من جعل لكل شيء قدرا يا من لا

فرزندی ای خداوندی که مقدر کرده است از برای هر چیزی اندازه ای خداوندی که

يشرك في حكمه احدا يا من جعل الملائكة

کسی را در حکم خود شریک نمیگرداند ای خداوندی که از فرشتگان مقرر ساخته است که جمعی از ایشان

رسلا يا من جعل في السماء بروجا يا من جعل

پیغام آورند مثل جبرئیل امین ای خداوندی که مقرر ساخته است در آسمان برجهای دوازده گانه را ای خداوندی که

الأرض قرارا یا من خلق من الماء بشرا یا من

زمین را قرارگاه خلایق گردانیده است ای خداوندی که از آب خلایق را آفرید از خاک ای خداوندی

جعل لكل شيء أمدا یا من أحاط بكل

که مقرر ساخته است برای هر چیزی مدتی ای خداوندی که احاطه کرده است علم او

شيء علما یا من أحصى كل شيء عددا فصل

هر چیزی را ای خداوندی که عدد هر چیزی را شمرده اند

اللهم إني أسئلك باسمك یا أول یا آخر یا

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بنام تو ای اولی که همیشه بوده است ای آخری که همیشه خواهد بود

ظاهر یا باطن یا بر یا حق یا فرد یا وتر یا صمد

ای ظاهر بدلایل ای پنهان از عقول ذات ای نیکوکار ای حق ثابت که همیشه ثابت است ای یگانه ای تنها ای که نیست شریک ای محتاج الیه جمیع خلق

یا سرمد فصل یا خير معروف عرف یا

ای همیشه باقی ای بهترین شناخته که او را شناخته اند ای

أفضل معبود عبد یا أجل مشكور شكر یا

بهترین معبودی که او را عبادت کرده اند و میکنند و خواهند کرد ای بزرگترین مشکوری که شکر او بجای آورده اند و میکنند

أعز مذكور ذكر یا أعلى محمود حمد یا أقدم

ای ارجمندترین مذکوری که ذکر او کرده اند و میکنند ای بلندترین محمودی که ثنای او گفته اند و میگویند ای قدیمترین

موجود طلب یا أرفع موصوف وصف یا

موجودی که طلب میکنند او را ای بلندترین موصوفی که وصف او کرده اند و میکنند ای

أكبر مقصود قصد یا أكرم مسئول سئل

بزرگترین مقصودی که همه کس رو باو دارد ای کریمترین مسئولی که از او سوال کرده اند و میکنند

يَا أَشْرَفَ مَحْبُوبٍ عُلِمَ **فصل** يَا حَبِيبَ الْبَاكِينَ

ای بزرگوارترین دوستی که دانسته شده است ای محبوب و محب گریه کنندگان

يَا سَيِّدَ الْمُتَوَكِّلِينَ يَا هَادِيَ الْمُضِلِّينَ يَا وَلِيَّ

ای محل اعتماد توکل کنندگان ای هدایت کننده گمراه کنندگان ای کارساز

الْمُؤْمِنِينَ يَا أَنِيسَ الذَّاكِرِينَ يَا مَفْزَعَ الْمَلْهُوفِينَ

مؤمنان ای مونس ذکر کنندگان ای پناه مظلومان

يَا مُنْجِيَ الصَّادِقِينَ يَا أَقْدَرَ الْقَادِرِينَ يَا أَعْلَمَ

ای نجات دهنده راست گویان ای تواناترین توانایان ای داناترین

الْعَالِمِينَ يَا إِلَهَ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ **فصل** يَا مَنْ

دانایان ای خداوند همه خلقان ای خداوندی که بلند مرتبه

عَلَا فَقَهَرَ يَا مَنْ مَلَكَ فَقَدَرَ يَا مَنْ بَطَنَ فَخَبَرَ

است و از انجهة کسی بذات و صفات او نتواند رسید ای خداوندی که پادشاهست پس بر هر چیزی قادرست ای خداوندی که مجرد است پس عالمست باسرار

يَا مَنْ عُبِدَ فَشَكَرَ يَا مَنْ عُصِيَ فَغَفَرَ يَا مَنْ لَا

ای خداوندی که او را عبادت کرده اند و می بخشند و جزا میدهد ای خداوندی که عصیان او میکنند و او می آمرزد ای خداوندی که

تَحْوِيهِ الْفِكَرُ يَا مَنْ لَا يُدْرِكُهُ بَصَرٌ يَا مَنْ

فکرها باو نمیرسد ای خداوندی که ادراک نمیکند او را باصره چشم ای خداوندی

لَا يَخْفَى عَلَيْهِ أَثَرٌ يَا رَازِقَ الْبَشَرِ يَا مُقَدِّرَ كُلِّ

که چیزی از او مخفی نیست ای روزی دهنده آدمیان ای تقدیر کننده هر

قَدَرٍ **فصل** اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا

مقدری خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو بنام تو ای

حَافِظُ يَا بَارِئُ يَا ذَارِئُ يَا بَاذِخُ يَا فَارِجُ

نگاهدارنده مومنان ای آفریننده اشیا ای خلق کننده حیوان ای بزرگوار عالیمقدار ای فرج دهنده غمها

يَا فَاتِحُ يَا كَاشِفُ يَا ضَامِنُ يَا آمِرُ يَا نَاهِي

ای کشاینده درها ای دفع کننده همه بلاها ای ضامن روزیها مومنان ای امرکننده بخوبیها ای نهی کننده از بدیها

فصل يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ الْغَيْبَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا

ای خداوندی که نمیداند غیب را مگر او ای خداوندی که

يَصْرِفُ السُّوءَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَخْلُقُ الْخَلْقَ إِلَّا

دفع نمیکند بلاها را مگر او ای خداوندی که نمی آفریند خلق را مگر

هُوَ يَا مَنْ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يُتِمُّ

او ای خداوندی که نمی آمرزد گناهان را مگر او که آمرزنده است ای خداوندی که تمام نمیکند

النِّعْمَةَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يُقَلِّبُ الْقُلُوبَ إِلَّا هُوَ

نعمت را مگر او ای خداوندی که نمیگرداند دلها را مگر او

يَا مَنْ لَا يُدَبِّرُ الْأَمْرَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يُنَزِّلُ الْغَيْثَ

ای خداوندی که تدبیر کارها نمی کند مگر او ای خداوندی که نمیفرستد بارانرا

إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَبْسُطُ الرِّزْقَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا

مگر او ای خداوندی که پهن نمیکند روزی را مگر او ای خداوندی که

يُحْيِي الْمَوْتَىٰ إِلَّا هُوَ فصل يَا مُعِينَ الضُّعَفَاءِ

زنده نمیکند مردگانرا مگر او ای یاور بیچارگان

يَا صَاحِبَ الْغُرَبَاءِ يَا نَاصِرَ الْأَوْلِيَاءِ يَا قَاهِرَ

ای همصحبت غریبان ای مددکار دوستان ای مقهور کننده

أَلْأَعْدَآءِ يَا رَافِعَ السَّمَآءِ يَا أَنِيسَ الْأَصْفِيَآءِ

دشمنان ای بلند کننده آسمان ای مونس برگزیدگان

يَا حَبِيبَ الْأَتْقِيَآءِ يَا كَنْزَ الْفُقَرَآءِ يَا

ای محب و محبوب پرهیزکاران ای کنج فقیران بی چیزان ای

إِلٰهَ الْأَغْنِيَآءِ يَا أَكْرَمَ الْكُرَمَآءِ

فصل

خداوند بی‌نیازان ای کریمترین کریمان

يَا كَافِيَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يَا قَآئِمَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ

ای خداوندی که هرکه ترا دارد همه را دارد و احتیاج بدیگری ندارد ای خداوندی که بر همه چیزی قادر و داناست

يَا مَنْ لَا يُشْبِهُهُ شَيْءٌ يَا مَنْ لَا يَزِيدُ فِي مُلْكِهِ

ای خداوندی که شبیه او نیست هیچ چیزی ای خداوندی که چیزی پادشاهی او را زیاده میکند

شَيْءٌ يَا مَنْ لَا يَخْفٰى عَلَيْهِ شَيْءٌ يَا مَنْ لَا يَنْقُصُ

ای خداوندی که پوشیده نیست بر او چیزی ای خداوندی که از خزانهای او

مِنْ خَزَآئِنِهِ شَيْءٌ يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ يَا مَنْ لَا

چیزی کم نمیشود ای خداوندی که مانند او نیست چیزی ای خداوندی که

يَعْزُبُ عَنْ عِلْمِهِ شَيْءٌ يَا مَنْ هُوَ خَبِيرٌ بِكُلِّ شَيْءٍ

پوشیده نیست از علم او چیزی ای خداوندی که داناست بهر چیزی

يَا مَنْ وَسِعَتْ رَحْمَتُهُ كُلَّ شَيْءٍ

فصل

ای خداوندی که فرا گرفته است رحمت او هر چیزی را

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُكْرِمُ يَا مُطْعِمُ

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو بنام تو ای کرم کننده ای طعام دهنده

يَا مُنْعِمُ يَا مُعْطِي يَا مُغْنِي يَا مُقْنِي يَا مُفْنِي

ای انعام کننده ای بخشنده نعمتها بهر که خواهد ای بی‌نیاز کننده ای مال دهنده ای میراننده خلایق

يَا مُحْيِي يَا مُرْضِي يَا مُنْجِي فصل يَا أَوَّلَ كُلِّ

ای زنده کننده ای خشنود کننده ای نجات دهنده ای اول هر

شَيْءٍ وَآخِرَهُ يَا إِلٰهَ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكَهُ

چیزی و آخر آن ای خداوند هر چیزی و پادشاه آن

يَا رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَصَانِعَهُ يَا بَارِئَ كُلِّ شَيْءٍ

ای پروردگار هر چیزی و کردگار او ای آفریدگار هر چیزی

وَخَالِقَهُ يَا قَابِضَ كُلِّ شَيْءٍ وَبَاسِطَهُ يَا

و خالق او ای قبض کننده هر چیزی یعنی گیرنده آن و بسط کننده آن یعنی دهنده بحسب حکمت و مصلحت

مُبْدِئَ كُلِّ شَيْءٍ وَمُعِيدَهُ يَا مُنْشِئَ كُلِّ

ای ابتدا کننده هر چیزی و اعاده کننده آن در قیامت ای ایجاد کننده هر

شَيْءٍ وَمُقَدِّرَهُ يَا مُكَوِّنَ كُلِّ شَيْءٍ وَمُحَوِّلَهُ

چیزی و تقدیر کننده آن ای موجود کننده هر چیزی و تغییر کننده آن

يَا مُحْيِيَ كُلِّ شَيْءٍ وَمُمِيتَهُ يَا خَالِقَ كُلِّ شَيْءٍ

ای زنده کننده هر چیزی و میراننده آن ای آفریننده هر چیزی

وَوَارِثَهُ فصل يَا خَيْرَ ذَاكِرٍ وَمَذْكُورٍ يَا خَيْرَ

و وارث آن ای بهترین ذاکران و مذکوران ای بهترین

شَاكِرٍ وَمَشْكُورٍ يَا خَيْرَ حَامِدٍ وَمَحْمُودٍ يَا

شکر کنندگان و مشکوران ای بهترین حمد کنندگان و محمودان ای

جز

خَيْرَ شاهِدٍ وَمَشْهُودٍ يا خَيْرَ داعٍ وَمَدْعُوٍّ

بهترین حاضران وحاضر شدگان ای بهترین خوانندگان وخوانده شدگان

يا خَيْرَ مُجيبٍ وَمُجابٍ يا خَيْرَ مُونِسٍ وَاَنيسٍ يا

ای بهترین اجابت کنندگان واجابت کرده شدگان ای بهترین مونسان وانیسان ای

خَيْرَ صاحِبٍ وَجَليسٍ يا خَيْرَ مَقْصُودٍ وَمَطْلُوبٍ

بهترین مصاحبان وهمنشینان ای بهترین مقصودها ومطلوبها

يا خَيْرَ حَبيبٍ وَمَحْبُوبٍ فصل يا مَنْ هُوَ لِمَنْ

ای بهترین از هر دوستی وهر که او را دوست دارند ای خداوندی که اوست که

دَعاهُ مُجيبٌ يا مَنْ هُوَ لِمَنِ اسْتَحْفَظَهُ رَقيبٌ يا مَنْ

اجابت کننده داعیانست ای خداوندی که هر که طلب محافظت کند از و محافظت او میکند و نگاهبانش

هُوَ لِمَنْ اَطاعَهُ حَبيبٌ يا مَنْ هُوَ اِلى مَنْ اَحَبَّهُ قَريبٌ

ای خداوندی که اوست که دوستدار اطاعت کنندگان خودست ای خداوندی که اوست که نزدیکست بدوستان خود

يا مَنْ هُوَ بِمَنْ رَجاهُ كَريمٌ يا مَنْ هُوَ بِمَنْ عَصاهُ حَليمٌ

ای خداوندی که اوست که با امیدواران خود کریمست ای خداوندی که اوست که گنهکاران خود حلیم و بردبار او در گذرد

يا مَنْ هُوَ فى عَظَمَتِهِ رَحيمٌ يا مَنْ هُوَ فى حِكْمَتِهِ

ای خداوندی که اوست که در بزرگواری خود مهربانست ای خداوندی که اوست که در حکمت خود

عَظيمٌ يا مَنْ هُوَ فى اِحْسانِهِ قَديمٌ يا مَنْ هُوَ بِمَنْ

بزرگوارست ای خداوندی که اوست که همیشه احسان کرده است و میکند ای خداوندی که اوست که

اَرادَهُ عَليمٌ فصل اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

بخواهندگان خود داناست و میداند همه را خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بنام تو

يا مسبب يا مرغب يا مقلب يا معقب يا

ای سبب ساز اسباب کرده ای ترغیب کننده بطاعات ای گرداننده دلها ای عذاب کننده بار حمت کننده بعد از عذاب ای

مرتب يا مخوف يا محذر يا مذكر يا مسخر

ترتیب دهنده اشیا ای ترساننده از مخالفت ای ترساننده از عذاب ای پند دهنده مومنان ای مسخر کننده اشیا

يا مغير فصل يا من علمه سابق يا من وعده

ای تغییر دهنده هرچه را خواهد ای خداوندی که همیشه عالم بود بر احوال همه ای خداوندی که وعده او

صادق يا من لطفه ظاهر يا من امره غالب

راستست ای خداوندی که لطف او ظاهرست ای خداوندی که حکم او غالبست

يا من كتابه محكم يا من قضاؤه كائن يا من قرآنه

ای خداوندی که کتاب او در نهایت احکام و اتقان است ای خداوندی که قضای او شدنیست ای خداوندی که قرآن او بزرگوار

مجيد يا من ملكه قديم يا من فضله عميم

است و بهترین کتابهای آسمانیست ای خداوندی که پادشاهی او قدیمست ای خداوندی که تفضل او همه را فرو گرفته است

يا من عرشه عظيم فصل يا من لا يشغله سمع

ای خداوندی که عرش او بزرگست ای خداوندی که مشغول نمیکند او را شنیدن چیزی

عن سمع يا من لا يمنعه فعل عن فعل يا من لا

از شنیدن چیزی دیگر ای خداوندی که منع نمیکند او را کاری از کار دیگر ای خداوندی که

يلهيه قول عن قول يا من لا يغلطه سؤال عن

غافل نمیسازد او را سخنی از سخن دیگر ای خداوندی که غلط نمیکند بسبب سوالی از

سؤال يا من لا يحجبه شيء عن شيء يا من لا يبرمه

سوال دیگر ای خداوندی که محجوب نمیسازد او را چیزی از چیزی دیگر ای خداوندی که دلگیر نمیکند او را

ای

اِلْحَاحُ الْمُلِحِّیْنَ یَا مَنْ هُوَ غَایَةُ مُرَادِ الْمُرِیْدِیْنَ یَا مَنْ

مبالغه در سؤال مبالغه کنندگان ای خداوندی که اوست نهایت مقصود اراده کنندگان ای خداوندی

هُوَ مُنْتَهیٰ هِمَمِ الْعَارِفِیْنَ یَا مَنْ هُوَ مُنْتَهیٰ طَلَبِ

که اوست نهایت مقصود شناسندگان ای خداوندی که اوست که نهایت مطلوب

الطَّالِبِیْنَ یَا مَنْ لَا یَخْفیٰ عَلَیْهِ ذَرَّةٌ فِی الْعَالَمِیْنَ

طالبانست ای خداوندی که مخفی نیست برو ذرهٔ در همه عالم

فصل یَا حَلِیْمًا لَا یَعْجَلُ یَا جَوَادًا لَا یَبْخَلُ

ای بردبارے که زود نمیگیرد و شتاب ندارد ای بخشنده که بخل نمیکند

یَا صَادِقًا لَا یُخْلِفُ یَا وَهَّابًا لَا یَمَلُّ یَا قَاهِرًا

ای راست گوی که وعده را خلاف نمیکند ای بخشنده که از بخشش ملال بهم نمیرساند ای قهاری که

لَا یُغْلَبُ یَا عَظِیْمًا لَا یُوْصَفُ یَا عَدْلًا لَا یَحِیْفُ

مغلوب کسی نمیشود ای بزرگوارے که وصف او نمیتوان کرد ای عادلی که میل و ظلم بر احدی نمیکند

یَا غَنِیًّا لَا یَفْتَقِرُ یَا کَبِیْرًا لَا یَصْغُرُ یَا حَافِظًا

ای بینیازی که فقیر نمیشود ای بزرگواری که خرد نمیشود بسبب معصیت عاصیان ای حافظی که

لَا یَغْفُلُ سُبْحَانَكَ یَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْغَوْثَ

غافل نمیشود از چیزی منزه ای خداوندی که نیست خداوندی مگر تو بفریادم برس

الْغَوْثَ خَلِّصْنَا مِنَ النَّارِ یَا رَبِّ

و بفریادم برس در آخر در دنیا نجات ده ما را از آتش دوزخ ای پروردگار

[illegible] حوائج و کفایت

مهمات و دفع [illegible] جمعه [illegible] تجربت

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ يَا مَنِ احْتَجَبَ بِشُعَاعِ
خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا ای کسی که پنهان شده است بسبب پرتو
نُورِهِ عَنْ نَوَاظِرِ خَلْقِهٖ يَا مَنْ تَسَرْبَلَ بِالْجَلَالِ
نور خود از نظرهای مخلوقاتش ای کسی که پوشیده است پیراهن جلالت
وَالْعَظَمَةِ وَاشْتَهَرَ بِالتَّجَبُّرِ فِي قُدْسِهٖ يَا مَنْ تَعَالٰى
و بزرگی را و مشهور شده است بصاحبیت جبروت در منزه بودن خود ای کسی بلند مرتبه است
بِالْجَلَالِ وَالْكِبْرِيَاءِ فِي تَفَرُّدِ مَجْدِهٖ يَا مَنِ انْقَادَتْ
در جلالت و بزرگواری در تنهایی شرف خود ای کسی که اطاعت نموده اند
الْاُمُورُ بِاَزِمَّتِهَا طَوْعًا لِاَمْرِهٖ يَا مَنْ قَامَتِ السَّمٰوَاتُ
چیزها بتمامی اطاعت کردن مر فرمان او را ای کسی که بپای ایستاده اند آسمانها
وَالْاَرَضُونَ مُجِيبَاتٍ لِدَعْوَتِهٖ يَا مَنْ زَيَّنَ السَّمَاۤءَ
و زمینها در حالی که فرمان بردارند فرمان او را ای کسی که زینت بخشیده است آسمان را
بِالنُّجُومِ الطَّالِعَةِ وَجَعَلَهَا هَادِيَةً لِخَلْقِهٖ
بستارهای طلوع کننده و گردانیده است آنها را راهنمای از برای مخلوقات خود
يَا مَنْ اَنَارَ الْقَمَرَ الْمُنِيرَ فِي سَوَادِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ
ای کسی که روشن کرده است ماه روشن را در سیاهی شب تاریک
بِلُطْفِهٖ يَا مَنْ اَنَارَ الشَّمْسَ الْمُنِيرَةَ وَجَعَلَهَا
بلطف خود ای کسی که نورانی گردانیده است آفتاب روشن را و گردانیده است آن را
مَعَاشًا لِخَلْقِهٖ وَجَعَلَهَا مُفَرِّقَةً بَيْنَ اللَّيْلِ وَ
سبب زندگانی برای خلق خود و گردانیده است آن را جدا کننده میان شب و

النهار

النَّهَارَ بِعَظَمَتِهٖ يَا مَنِ اسْتَوْجَبَ الشُّكْرَ

روز بزرگی خود ای کسی که سزاوار است شکر را بسبب

بِنَشْرِ سَحَآئِبِ نِعَمِهٖ اَسْئَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ

پهن نمودن ابرهای نعمتهای خود سوال میکنم ترا بمواضع انعقاد عزت از

عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَبِكُلِّ

عرش تو و بمنتهی شفقت از کتاب تو و بهر

اِسْمٍ هُوَ لَكَ سَمَّيْتَ بِهٖ نَفْسَكَ اَوِ اسْتَاْثَرْتَ

نامی که آن از برای تست که نامیده بآن نفس خود را یا اختیار کرده تو

بِهٖ فِيْ عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ وَبِكُلِّ اِسْمٍ هُوَ

اورا در علم پنهان نزد خود و بهر نامی که آن

لَكَ اَنْزَلْتَهٗ فِيْ كِتَابِكَ اَوْ اَثْبَتَّهٗ فِيْ قُلُوْبِ

از برای تست که نازل نموده تو اورا در کتاب خود یا ثابت نموده تو آنرا در دلهای

الصَّآفِّيْنَ الْحَآفِّيْنَ حَوْلَ عَرْشِكَ فَتَرَاجَعَتِ

صف کشندگان و فراگیرندگان دور عرش تو پس برگشته اند

الْقُلُوْبُ اِلَى الصُّدُوْرِ عَنِ الْبَيَانِ بِاِخْلَاصِ

دلها بسوی سینها از تفحص نمودن بسبب خالص نمودن

الْوَحْدَانِيَّةِ وَتَحْقِيْقِ الْفَرْدَانِيَّةِ مُقِرَّةً لَكَ

یکانگی ترا و تحقیق نمودن یکتائی ترا در حالی که اقرار دارند برای تو

بِالْعُبُوْدِيَّةِ وَاَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ اَنْتَ اللّٰهُ اَنْتَ

به بندگی و بانکه تو توئی خدا توئی خدا توئی

اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلّا اَنتَ وَاَسئَلُكَ بِالاَسماءِ

حذا نیست خدائی مگر تو و سوال میکنم ترا بحق نامهای

الّتی تجلّیتَ بِها لِلکَلیمِ عَلَی الجَبَلِ العَظیمِ

که ظاهر شد آثار عظمت تو بسبب آنها از برای موسی بر کوه بزرگ

فَلمّا بَدا شُعاعُ نُورِ الحُجُبِ مِن بَهاءِ العَظَمَةِ خَرّتِ

پس چون ظاهر شد پرتو روشنی حجابهای تو از روشنی بزرگی تو از هم پاشیدند

الجِبالُ مُتَدَكدِكَةً لِعَظَمَتِكَ وَجَلالِكَ وَ

کوهها درحالی که گرد دیدند هموار ازجهت بزرگی تو و جلالت تو و

هَیبَتِكَ وَخَوفاً مِن سَطوَتِكَ راهِبَةً مِنكَ

دور باش تو و ازجهت ترس تو از قهر تو درحالی که ترسانند از تو

فَلا اِلٰهَ اِلّا اَنتَ فَلا اِلٰهَ اِلّا اَنتَ فَلا اِلٰهَ اِلّا

پس نیست خدائی مگر تو پس نیست خدائی سوی تو پس نیست خدائی مگر

اَنتَ وَاَسئَلُكَ بِالاِسمِ الَّذی فَتَقتَ بِه رَتقَ

تو و سوال میکنم ترا بنامی که گشوده ببرکت آن بهم چسپیده شدید

عَظیمِ جُفُونِ عُیُونِ النّاظِرینَ الّذی بِه تَدبیرُ

پلکهای شدید چشمهای نگاه کنندگان را آن چنان نامی که بآن است تدبیر

حِكمَتِكَ وَشَواهِدُ حُجَجِ اَنبِیائِكَ یَعرِفُونَكَ

دانش تو و شاهدهای دلیلهای پیغمبران تو میشناسند ایشان ترا

بِفِطَنِ القُلُوبِ وَاَنتَ فی غَوامِضِ مُسِرّاتِ

بزیرکی دلهای خود و تو در پوشیدهای پنهانهای

سرایرات الغیوب اسئلک بعزة ذلک الاسم

نهانیهای محفیهای سؤال میکنم ترا بعزت ان نام

ان تصلی علی محمد وال محمد وان تصرف عنی

انکه رحمت کنی بر محمد و بر ال محمد و انکه باز داری از من

جمیع الافات والعاهات والاعراض و

همه بلاها و فتنها را ازازار و

الامراض والخطایا والذنوب والشک و

بیماریها خطاها و گناهان را و شک مودن و

الشرک والکفر والشقاق والنفاق و

شرک ورزیدن را و کفر را و عداوت را و نفاق را و

الضلالة والجهل والمقت والغضب و

و گمراهی را و نادانی را و بغض را و غضب را و

العسر والضیق وفساد الضمیر وحلول النقمة

و پریشانی را و تنگدستی را و بدی اعتقاد را و وارد شدن عقوبت را

وشماتة الاعداء وغلبة الرجال انک سمیع

و سرزنش دشمنان را و تسلط شدن مردان را زانکه شنونده

الدعاء لطیف لما تشاء

دعایی مهربانی مر انچه را که خواهی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده مهربان

اِلٰهی طُمُوحُ الْاٰمالِ قَدْ خابَتْ اِلَّا لَدَيْكَ وَ

ای خدای من بلند شوندهای آرزوها بتحقیق نومید شده اند مگر نزد تو و

مَعاكِفُ الْهِمَمِ قَدْ تَعَطَّلَتْ اِلَّا عَلَيْكَ وَ

دا[illegible]ای غرضها بتحقیق که معطل شده اند مگر بر تو و

مَذاهِبُ الْعُقُولِ قَدْ سَمَتْ اِلَّا اِلَيْكَ فَاَنْتَ

راههای عقلها بتحقیق بلند شده اند مگر بسوی تو پس بسوی تست

الرَّجاءُ وَ اِلَيْكَ الْمُلْتَجیٰ يا اَكْرَمَ مَقْصُودٍ وَ يا

آرزو و بسوی تست پناه ای گرامی ترین قصد کرده شده وای

اَجْوَدَ مَسْئُولٍ هَرَبْتُ اِلَيْكَ بِنَفْسی يا مَلْجَاَ

بخشنده ترین سوال کرده شده گریزانیده ام بسوی تو نفس خود را ای پناه

الْهارِبِينَ بِاَثْقالِ الذُّنُوبِ اَحْمِلُها عَلیٰ ظَهْری

گریزندگان با سنگینهای گناهان که برمیدارم آنها را بر پشت خود

لا اَجِدُ لی اِلَيْكَ شافِعاً غَيْرُ مَعْرِفَتی بِاَنَّكَ

نمی یابم از برای خود بسوی تو شفاعت کننده غیر دانستن من این را که تو

اَقْرَبُ مَنْ رَجاهُ الطّالِبُونَ وَ لَجَاَ اِلَيْهِ الْمُضْطَرُّونَ

نزدیکترین کسی که آرزو داشته اند او را طلب کنندگان و پناه برده اند بسوی او بیچارگان

وَ اَمَّلَ ما لَدَيْهِ الرّاغِبُونَ يا مَنْ فَتَقَ الْعُقُولَ

و امید داشته اند آنچه نزد اوست رغبت کنندگان ای کسی که شکافته است عقلها را

بِمَعْرِفَتِهِ وَاَطْلَقَ الْاَلْسُنَ بِحَمْدِهِ وَجَعَلَ مَا

بشناخت خود و روان کرده است زبانها را بحمد خود و گردانیده است بانچه

امْتَنَّ بِهِ عَلٰى عِبَادِهِ كِفَاءً لِتَأْدِيَةِ حَقِّهِ

نعمت داده است بان بر بندگان خود مانندی از برای بجا آوردن حق او

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ عَلٰى

درود فرست بر محمد و بر آل او و مگردان شیطان را بر

عَقْلِي سَبِيلًا وَلَا لِلْبَاطِلِ عَلٰى عَمَلِي دَلِيلًا

عقل من راهی و نه از برای باطل بر عمل من دلیلی

وَافْتَحْ لِي بِخَيْرِ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ يَا وَلِيَّ الْخَيْرِ

و بگشا از برای من بخوبی دنیا و عقبی را ای دوستدار نیکوکاران

زیارت حضرت رسول الله و امیر المؤمنین و فاطمه و حسن
و حسین و حجتهای خدا صلوات الله علیهم اجمعین

در حدیث معتبره از حضرت صادق صلوات الله وسلامه علیه منقول است که هر که خواهد زیارت کند قبر حضرت رسول خدا و قبر امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین را و قبرهای حجتهای خدا را صلوات الله علیهم اجمعین و او در شهر خود باشد پس غسل کند در روز جمعه و دو جامهٔ پاکیزه بپوشد و بیرون رود بصحرا پس بایستد رو بقبله

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا النَّبِيُّ الْمُرْسَلُ وَالْوَصِيُّ

الْمُرْتَضَى وَالسَّيِّدَةِ الزَّهْرَآءِ وَالسِّبْطَيْنِ
الْمُنْتَجَبَيْنِ وَالْاَوْلَادِ الْاَعْلَامِ وَالْاُمَنَاۤءِ
الْمُنْتَجَبِيْنَ جِئْتُ انْقِطَاعًا اِلَيْكُمْ وَاِلٰى اٰبَآئِكُمْ وَ
وَلَدِكُمُ الْخَلَفِ عَلٰى بَرَكَةِ الْحَقِّ فَقَلْبِيْ لَكُمْ
مُسَلِّمٌ وَنُصْرَتِيْ لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتّٰى يَحْكُمَ اللّٰهُ لِدِيْنِهٖ
فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ اِنِّيْ لَمِنَ الْقَآئِلِيْنَ
بِفَضْلِكُمْ مُقِرٌّ بِرَجْعَتِكُمْ لَا اُنْكِرُ لِلّٰهِ قُدْرَةً
وَلَا اَزْعُمُ اِلَّا مَا شَآءَ اللّٰهُ سُبْحَانَ اللّٰهِ ذِي
الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوْتِ يُسَبِّحُ اللّٰهَ بِاَسْمَآئِهٖ جَمِيْعُ
خَلْقِهٖ وَالسَّلَامُ عَلٰى اَرْوَاحِكُمْ وَاَجْسَادِكُمْ وَ

السّلام علیکم و رحمة الله و برکاته

بسند صحیح منقولست که ابن ابی نصر

بخدمت حضرت امام رضا علیه السّلام عرض کرد

که بعد از نماز چگونه صلوات و سلام بر حضرت رسول

صلّی الله علیه و آله باید فرستاد فرمود که بگو

اَلسّلامُ علیکَ یا رسولَ اللهِ و رحمةُ اللهِ و برکاته

اَلسّلامُ علیکَ یا محمّدَ بنَ عبدِ اللهِ اَلسّلامُ

علیکَ یا خیرةَ اللهِ اَلسّلامُ علیکَ یا حبیبَ

اللهِ اَلسّلامُ علیکَ یا صفوةَ اللهِ اَلسّلامُ

علیکَ یا امینَ اللهِ اشهدُ انّکَ رسولُ اللهِ

و اشهدُ انّکَ محمّدُ بنُ عبدِ اللهِ و اشهدُ انّکَ

قد نصحتَ لِاُمّتکَ و جاهدتَ فی سبیلِ ربّکَ

و عبدتَه حتّی اتاکَ الیقینُ فجزاکَ اللهُ یا

رسولَ اللهِ افضلَ ما جزی نبیّاً عن امّتِه اللّهمّ

صلِّ علی محمّدٍ و آلِ محمّدٍ افضلَ ما صلّیتَ علی

اِبْرٰهیمَ وَآلِ اِبْرٰهیمَ اِنَّکَ حَمیدٌ مَجیدٌ

زیارت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که در روز عید مولود ربیع الاول که هفدهم

شیخ مفید و شیخ شهید و سید بن طاوس رضی
الله عنهم گفته اند که چون در غیر مدینهٔ طیبه
خواهی که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله
زیارت کنی غسل بکن و شبیه بقبر در پیش روی
خود بساز و اسم مبارک آنحضرت را بر آن بنویس و
بایست و دل خود را متوجه آنحضرت گردان و بگو
اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ وَ
اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَاَنَّهُ سَیِّدُ
الْاَوَّلینَ وَالْآخِرینَ وَاَنَّهُ سَیِّدُ الْاَنْبِیاءِ وَ
الْمُرْسَلینَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَیْهِ وَعَلیٰ اَهْلِ بَیْتِهِ الْاَئِمَّةِ
الطَّیِّبینَ پس بگو اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا رَسُولَ اللهِ
اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا خَلیلَ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا
نَبِیَّ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا صَفِیَّ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ

يا رحمة الله السلام عليك يا خيرة الله السلام
عليك يا حبيب الله السلام عليك يا نجيب الله
السلام عليك يا خاتم النبيين السلام عليك
يا سيد المرسلين السلام عليك يا قائما بالقسط
السلام عليك يا فاتح الخير السلام عليك يا
معدن الوحي والتنزيل السلام عليك يا مبلغا
عن الله السلام عليك ايها السراج المنير
السلام عليك يا مبشر السلام عليك يا نذير
السلام عليك يا منذر السلام عليك يا نور
الله الذي يستضاء به السلام عليك وعلى
اهل بيتك الطيبين الطاهرين الهادين المهديين
السلام عليك وعلى جدك عبد المطلب وعلى
ابيك عبد الله السلام على امك بنت وهب
السلام على عمك حمزة سيد الشهداء السلام
على عمك وكفيلك ابي طالب السلام على

ابْنِ عَمِّكَ جَعْفَرٍ الطَّيّارِ فی جِنانِ الْخُلْدِ
اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُحَمَّدُ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا
اَحْمَدُ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللّهِ عَلَى الْاَوَّلينَ
وَالْاٰخِرينَ وَالسّابِقُ فی طاعَةِ رَبِّ الْعالَمينَ
وَالْمُهَيْمِنُ عَلی رُسُلِهِ وَالْخاتِمُ لِاَنْبِيائِهِ وَالشّاهِدُ
عَلی خَلْقِهِ وَالشَّفيعُ اِلَيْهِ وَالْمَكينُ لَدَيْهِ وَ
الْمُطاعُ فی مَلَكُوتِهِ الْاَحْمَدُ مِنَ الْاَوْصافِ الْمُحَمَّدُ
لِسائِرِ الْاَشْرافِ الْكَريمُ عِنْدَ الرَّبِّ وَالْمُكَلَّمُ
مِنْ وَراءِ الْحُجُبِ الْفائِزُ بِالسِّباقِ وَالْفائِتُ عَنِ
اللِّحاقِ تَسْليمَ عارِفٍ بِحَقِّكَ مُعْتَرِفٍ بِالتَّقْصيرِ
فی قِيامِهِ بِواجِبِكَ غَيْرِ مُنْكِرٍ مَا انْتَهی اِلَيْهِ
مِنْ فَضْلِكَ مُوقِنٍ بِالْمَزيداتِ مِنْ رَبِّكَ مُؤْمِنٍ بِالْكِتابِ
الْمُنْزَلِ عَلَيْكَ مُحَلِّلٍ حَلالَكَ مُحَرِّمٍ حَرامَكَ اَشْهَدُ
يا رَسُولَ اللّهِ مَعَ كُلِّ شاهِدٍ وَاَتَحَمَّلُها عَنْ كُلِّ
جاحِدٍ اَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ رِسالاتِ رَبِّكَ وَنَصَحْتَ

لامتك

لامتك وجاهدت في سبيل ربك وصدعت
بامره واحتملت الاذى في جنبه ودعوت
الى سبيله بالحكمة والموعظة الحسنة الجميلة
وأديت الحق الذي كان عليك وانك قد
رؤفت بالمؤمنين وغلظت على الكافرين
وعبدت الله مخلصا حتى اتاك اليقين فبلغ الله
بك اشرف محل المكرمين واعلى منازل
المقربين وارفع درجات المرسلين حيث لا
يلحقك لاحق ولا يفوقك فائق ولا يسبقك
سابق ولا يطمع في ادراكك طامع الحمد لله
الذي استنقذنا بك من الهلكة وهدانا بك
من الضلالة ونورنا بك من الظلمة فجزاك الله
يا رسول الله من مبعوث افضل ما جازى نبيا
عن امته ورسولا عمن ارسل اليه بابي انت و
امي يا رسول الله زرتك عارفا بحقك مقرا

بفضلك مستبصرا بضلالة من خالفك و
خالف أهل بيتك عارفا بالهدى الذي انت
عليه بابي انت وامي ونفسي واهلي ومالي و
ولدي انا اصلي عليك كما صلى الله عليك و
صلى عليك ملائكته وانبياؤه ورسله
صلوة متتابعة وافرة متواصلة لا انقطاع
لها ولا امد ولا اجل صلى الله عليك وعلى
اهل بيتك الطيبين الطاهرين كما انتم اهله
پس دستها را بکشا و بگو اللهم اجعل جوامع صلواتك
ونوامي بركاتك وفواضل خيراتك وشرائف
تحياتك وتسليماتك وكراماتك ورحماتك
وصلوات ملائكتك المقربين وانبيائك
المرسلين وائمتك المنتجبين وعبادك الصالحين
واهل السموات والارضين ومن سبّح لك
يا رب العالمين من الاولين والاخرين على محمد

عَبدِكَ وَرَسُولِكَ وَشاهِدِكَ وَنَبِيِّكَ وَ
نَذِيرِكَ وَامِينِكَ وَمَكِينِكَ وَنَجِيِّكَ وَ
نَجِيبِكَ وَحَبِيبِكَ وَخَلِيلِكَ وَصَفِيِّكَ وَ
صِفْوَتِكَ وَخاصَّتِكَ وَخالِصَتِكَ وَرَحْمَتِكَ
وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَخازِنِ
الْمَغْفِرَةِ وَقائِدِ الْخَيْرِ وَالْبَرَكَةِ وَمُنْقِذِ الْعِبادِ
مِنَ الْهَلَكَةِ بِاِذْنِكَ وَداعِيهِمْ اِلى دِينِكَ
الْقَيِّمِ بِاَمْرِكَ اَوَّلِ النَّبِيِّينَ مِيثاقاً وَاٰخِرِهِمْ
مَبْعَثاً الَّذِي غَمَسْتَهُ فِي بَحْرِ الْفَضِيلَةِ وَالْمَنْزِلَةِ
الْجَلِيلَةِ وَالدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ وَالْمَرْتَبَةِ الْخَطِيرَةِ
وَاَوْدَعْتَهُ الْاَصْلابَ الطّاهِرَةَ وَنَقَلْتَهُ
مِنْها اِلَى الْاَرْحامِ الْمُطَهَّرَةِ لُطْفاً مِنْكَ لَهُ وَ
تَحَنُّناً مِنْكَ عَلَيْهِ اِذْ وَكَّلْتَ لِصَوْنِهِ وَحِراسَتِهِ
وَحِفْظِهِ وَحِياطَتِهِ مِنْ قُدْرَتِكَ عَيْناً عاصِمَةً
حَجَبْتَ بِها عَنْهُ مَدانِسَ الْعَهْرِ وَمَعائِبَ السِّفاحِ

حتّى رفعت به نواظر العباد واحييت به ميت
البلاد بان كشفت عن نور ولادته ظلم الاستار
والبست حرمك به حلل الانوار اللّهمّ فكما
خصصته بشرف هذه المرتبة الكريمة وذخرت
هذه المنقبة العظيمة صلّ عليه كما وفى بعهدك
وبلّغ رسالاتك وقاتل اهل الجحود على توحيدك
وقطع رحم الكفر في اعزاز دينك ولبس ثوب
البلوى في مجاهدة اعدائك واوجبت له بكلّ
اذى مسّه او كيد احسّ به من الفئة التي حاولت
قتله فضيلة تفوق الفضائل وتملّك به الجزيل
من نوالك وقد اسرّ الحسرة واخفى الزفرة وتجرّع
الغصّة ولم يتخطّ ما مثّل له وحيك اللّهمّ صلّ
عليه وعلى اهل بيته صلوة ترضيها لهم و
بلّغهم منّا تحيّة كثيرة وسلاما واتنا من لدنك من
موالاتهم فضلا واحسانا ورحمة وغفرانا انّك

ذو الفضل العظیم پس چهار رکعت نماز زیارت بکن بدو
سلام با هر سوره که خواهی و چون فارغ شوی تسبیح حضرت فاطمه
زهرا علیها السلام بخوان پس بگو اللهم انک قلت لنبیک
محمد صلی الله علیه و آله ولو انهم اذ ظلموا
انفسهم جاؤک فاستغفروا الله واستغفر
لهم الرسول لوجدوا الله توابا رحیما ولم
احضر زمان رسولک علیه و آله السلام اللهم
وقد زرته راغبا تائبا من سیئ عملی ومستغفرا
لک من ذنوبی ومقرا لک بها وانت اعلم بها
منی ومتوجها الیک بنبیک نبی الرحمة صلواتک
علیه و آله فاجعلنی اللهم بمحمد واهل بیته
عندک وجیها فی الدنیا والآخرة ومن المقربین
یا محمد یا رسول الله بابی انت وامی یا نبی الله یا
سید خلق الله انی اتوجه بک الی الله ربک و
ربی لیغفر لی ذنوبی ویتقبل منی عملی ویقضی لی

حوائجي فكن لي شفيعا عند ربك وربي
فنعم المسئول المولى ربي ونعم الشفيع انت يا
محمد عليك وعلى اهل بيتك السلام اللهم
واوجب لي منك المغفرة والرحمة والرزق
الواسع الطيب النافع كما اوجبت لمن اتى
نبيك محمدا صلواتك عليه وآله وهو حي فاقر
له بذنوبه واستغفر له رسولك عليه السلام
فغفرت له برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم
وقد املتك ورجوتك وقمت بين يديك و
رغبت اليك عمن سواك وقد املت جزيل ثوابك
واني مقر غير منكر وتائب اليك مما اقترفت
وعائذ بك في هذا المقام مما قدمت من الاعمال
التي تقدمت الي فيها ونهيتني عنها واوعدت
عليها العقاب واعوذ بكرم وجهك ان تقيمني
مقام الخزي والذل يوم تهتك فيه الاستار

وتبدو فيه الاسرار والقبائح وترعد فيه
الفرائص يوم الحسرة والندامة يوم الافكة
يوم الازفة يوم التغابن يوم الفصل يوم الجزاء
يوما كان مقداره خمسين الف سنة يوم
النفخة يوم ترجف الراجفة تتبعها الرادفة يوم
النشر يوم العرض يوم يقوم الناس لرب العالمين
يوم يفر المرء من اخيه وامه وابيه وصاحبته
وبنيه يوم تشقق الارض واكناف السماء
يوم تاتي كل نفس تجادل عن نفسها يوم يردون
الى الله فينبئهم بما عملوا يوم لا يغني مولى عن
مولى شيئا وهم لا ينصرون الا من رحم الله انه
هو العزيز الرحيم يوم يردون الى عالم الغيب و
الشهادة يوم يردون الى الله مولاهم الحق يوم
يخرجون من الاجداث سراعا كانهم الى نصب
يوفضون وكانهم جراد منتشر مهطعين الى

الداع الی الله یوم الواقعة یوم ترج الارض
رجا یوم تکون السماء کالمهل وتکون
الجبال کالعهن ولا یسئل حمیم حمیما یوم الشاهد
والمشهود یوم تکون الملائکة صفا صفا
اللهم ارحم موقفی فی ذلک الیوم بموقفی فی
هذا الیوم ولا تخزنی فی ذلک الموقف بما جنیت
علی نفسی واجعل یا رب فی ذلک الیوم مع اولیائک
منطلقی وفی زمرة محمد واهل بیته علیهم
السلام محشری واجعل حوضه موردی وفی
الغر الکرام مصدری واعطنی کتابی بیمینی
حتی افوز بحسناتی وتبیض به وجهی وتیسر
به حسابی وترجح به میزانی وامضی مع الفائزین
من عبادک الصالحین الی رضوانک وجنانک
اله العالمین اللهم انی اعوذ بک من ان تفضحنی
فی ذلک الیوم بین یدی الخلائق بجریرتی او ان

الفى الخزى والندامة بخطيئتى او ان تظهر
فيه سيئاتى على حسناتى او ان تنوه بين
الخلائق يا سمى يا كريم يا كريم العفو العفو
الستر الستر اللهم واعوذ بك من ان يكون
فى ذلك اليوم فى مواقف الاشرار موقفى
او فى مقام الاشقياء مقامى واذا ميزت بين
خلقك فسقت كلا باعمالهم زمرا الى منازلهم
فسقنى برحمتك فى عبادك الصالحين و فى
زمرة اوليائك المتقين الى جناتك يا رب العالمين
پس آنحضرت را وداع کن و بگو السلام عليك يا رسول
الله السلام عليك ايها البشير النذير السلام
عليك ايها السراج المنير السلام عليك
ايها السفير بين الله و بين خلقه اشهد يا رسول
الله انك كنت نورا فى الاصلاب الشامخة و
الارحام المطهرة لم تنجسك الجاهلية بانجاسها

وَلَمْ تُلْبِسْكَ مِنْ مُدْلَهِمَّاتِ ثِيابِها وَاَشْهَدُ
يا رَسُولَ اللّٰهِ اِنّى بِكَ مُؤْمِنٌ بِكَ وَبِالْاَئِمَّةِ
مِنْ اَهْلِ بَيْتِكَ مُوقِنٌ بِجَميعِ ما اَتَيْتَ بِهِ
راضٍ مُؤْمِنٌ وَاَشْهَدُ اَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ اَهْلِ
بَيْتِكَ اَعْلامُ الْهُدى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقى وَالْحُجَّةُ
عَلى اَهْلِ الدُّنْيا اَللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْهُ اخِرَ الْعَهْدِ
مِنْ زِيارَةِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَالِهِ السَّلامُ وَاِنْ تَوَفَّيْتَنى
فَاِنّى اَشْهَدُ فى مَماتى عَلى ما اَشْهَدُ عَلَيْهِ فى
حَياتى اَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَكَ
لا شَريكَ لَكَ وَاَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ
وَاَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ اَهْلِ بَيْتِهِ اَوْلِياؤُكَ وَاَنْصارُكَ
وَحُجَجُكَ عَلى خَلْقِكَ وَخُلَفاؤُكَ فى عِبادِكَ وَ
اَعْلامُكَ فى بِلادِكَ وَخُزّانُ عِلْمِكَ وَحَفَظَةُ سِرِّكَ
وَتَراجِمَةُ وَحْيِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ
وَبَلِّغْ رُوحَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَالِهِ فى ساعَتى هٰذِهِ وَفى

كلّ ساعة تحيّة منّي وسلاماً والسّلام
عليك يا رسول الله ورحمة الله وبركاته
لا جعله الله آخر تسليمي عليك مؤلّف گويد هرچند
این زیارت را باسند ذکر نکرده اند امّا زیارت جامع
کاملی است ونقل مثل شیخ مفید برّد الله مضجعه
آنرا کافیست ودور نیست که در همه اوقات باین نحو
آنحضرت صلّی الله علیه وآله وسلّم را توان زیارت کرد

زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام از دور

السّلام على الائمّة
خليل النّبوّة والمخصوص بالاخوّة السّلام على
يعسوب الدّين والايمان وكلمة الرّحمن السّلام
على ميزان الاعمال ومقلّب الاحوال وسيف
ذي الجلال وساقي السّلسبيل الزّلال السّلام
على صالح المؤمنين ووارث علم النّبيّين والحاكم
يوم الدّين السّلام على شجرة التّقوى وسامع
السّرّ والنّجوى السّلام على حجّة البالغة ونعمته

السّابغة ونقمته الدّامغة السّلام على
الصّراط الواضح والنّجم اللّائح والإمام النّاصح
والقادح ورحمة الله وبركاته
اللّهمّ صلّ على امير المؤمنين علىّ بن ابى طالب
اخى نبيّك ووليّه وناصره ووصيّه ووزيره
ومستودع علمه وموضع سرّه وباب حكمته
والنّاطق بحجّته والدّاعى الى شريعته وخليفته
فى امّته ومفرّج الكرب عن وجهه قاصم
الكفرة ومرغم الفجرة الّذى جعلته من نبيّك
بمنزلة هرون من موسى اللّهمّ وال من والاه
وعاد من عاداه وانصر من نصره واخذل من
خذله والعن من نصب له من الاوّلين والاخرين
فصلّ عليه افضل ما صلّيت على احد من اوصيآء
انبيآئك يا ربّ العالمين بسند
معتبر منقولست از علىّ بن موسى الرّضا عليه السّلام

از آبای طاهرین آنحضرت علیهم السّلام که حضرت

امام زین العابدین صلوات الله علیه حضرت امیر

المؤمنین علیه الصّلوة والسّلام را باین نحو زیارت

کردند و گریستند و گفتند اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَمیرَ

الْمُؤْمِنینَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ

یا اَمینَ اللهِ فی اَرْضِهِ وَحُجَّتَهُ عَلی عِبادِهِ اَشْهَدُ

اَنَّکَ جاهَدْتَ فِی اللهِ حَقَّ جِهادِهِ وَعَمِلْتَ بِکِتابِهِ

وَاتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِیِّهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ حَتّی

دَعاکَ اللهُ اِلی جِوارِهِ وَقَبَضَکَ اِلَیْهِ بِاخْتِیارِهِ

وَاَلْزَمَ اَعْداءَکَ الْحُجَّةَ فی قَتْلِهِمْ اِیّاکَ مَعَ ما لَکَ

مِنَ الْحُجَجِ الْبالِغَةِ عَلی جَمیعِ خَلْقِهِ اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ

نَفْسی مُطْمَئِنَّةً بِقَدَرِکَ راضِیَةً بِقَضائِکَ

مُولَعَةً بِذِکْرِکَ وَدُعائِکَ مُحِبَّةً لِصَفْوَةِ اَوْلِیائِکَ

مَحْبُوبَةً فی اَرْضِکَ وَسَمائِکَ صابِرَةً عَلی نُزُولِ

بَلائِکَ شاکِرَةً لِفَواضِلِ نَعْمائِکَ ذاکِرَةً لِسَوابِغِ

الا انك مشتاقة الى فرحة لقائك متزودة
التقوى ليوم جزائك مستنة بسنن اوليائك
مفارقة لاخلاق اعدائك مشغولة عن الدنيا
بحمدك وثنائك پس بگو مبارک برفتن و گفتن رفیقی خود را گذاشتن اللهم ان
قلوب المخبتين اليك والهة وسبل الراغبين
اليك شارعة واعلام القاصدين اليك
واضحة وافئدة العارفين فازعة واصوات الداعين
اليك صاعدة وابواب الاجابة لهم مفتحة
ودعوة من ناجاك مستجابة وتوبة من اناب اليك
مقبولة وعبرة من بكى من خوفك مرحومة و
الاغاثة لمن استغاث بك موجودة والاعانة
لمن استعان بك مبذولة وعداتك لعبادك
منجزة وزلل من استقالك مقالة واعمال العاملين
لديك محفوظة وارزاق الخلائق من لدنك
نازلة وعوائد المزيد اليهم واصلة وذنوب

المعرس

المستغفرين مغفورة وحوائج خلقك
عندك مقضية وجوائز السائلين عندك
موفرة وعوائد المزيد متواترة وموائد المستطعمين
معدة ومناهل الظماء لديك مترعة اللهم
فاستجب دعائي واقبل ثنائي واعطني جزائي
واجمع بيني وبين اوليائي بحق محمد وعلي و
فاطمة والحسن والحسين عليهم السلام انك
ولي نعمائي ومنتهى مناي وغاية رجائي في
منقلبي ومثواي انت الهي وسيدي ومولاي
اغفر لاوليائنا وكف عنا اعداءنا و
اشغلهم عن اذانا واظهر كلمة الحق واجعلها
العليا واخفض كلمة الباطل واجعلها السفلى
انك على كل شيء قدير زيارت حضرت فاطمة زهرا عليها السلام
السلام على البتولة الطاهرة الصديقة المعصومة
البرة التقية سليلة المصطفى وحليلة المرتضى

وامّ الائمّة النجباء اللهمّ خرجت من دنياها
مظلومة مغشومة قد ملئت داء وحسرة و
كيدا وغصّة تشكو اليك والى ابيها ما فعل
بها اللهمّ انتقم لها وخذ لها بحقّها اللهمّ
وصلّ على الزّكيّة الزّهراء المباركة الميمونة صلوة
تزيد في اشرف محلّها عندك وجلالة منزلتها
لديك وبلّغها منّي السّلام والسّلام عليها ورحمة
الله وبركاته

زيارت حضرت ابا عبد الله الحسين عليه السّلام در روز عاشورا

السّلام عليك يا ابا عبد الله السّلام عليك
يا ابن رسول الله السّلام عليك يا ابن امير
المؤمنين وابن سيّد الوصيّين السّلام عليك يا
ابن فاطمة سيّدة نساء العالمين السّلام عليك
يا ثار الله وابن ثاره والوتر الموتور السّلام عليك
وعلى الارواح الّتي حلّت بفنائك عليكم منّي

جَمِيعًا سَلَامُ اللّٰهِ اَبَدًا مَا بَقِيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَ
النَّهَارُ يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَجَلَّتِ
الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلٰى جَمِيعِ اَهْلِ الْاِسْلَامِ
وَجَلَّتْ وَعَظُمَتْ مُصِيبَتُكَ فِي السَّمٰوَاتِ عَلٰى
جَمِيعِ اَهْلِ السَّمٰوَاتِ فَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً اَسَّسَتْ
اَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ اَهْلَ الْبَيْتِ وَ
لَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَاَزَالَتْكُمْ
عَنْ مَرَاتِبِكُمُ الَّتِي رَتَّبَكُمُ اللّٰهُ فِيهَا وَلَعَنَ اللّٰهُ
اُمَّةً قَتَلَتْكُمْ وَلَعَنَ اللّٰهُ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالتَّمْكِينِ
مِنْ قِتَالِكُمْ بَرِئْتُ اِلَى اللّٰهِ وَاِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَمِنْ
اَشْيَاعِهِمْ وَاَتْبَاعِهِمْ وَاَوْلِيَائِهِمْ يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ
اِنِّي سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ اِلٰى
يَوْمِ الْقِيٰمَةِ وَلَعَنَ اللّٰهُ اٰلَ زِيَادٍ وَاٰلَ مَرْوَانَ وَلَعَنَ
اللّٰهُ بَنِي اُمَيَّةَ قَاطِبَةً وَلَعَنَ اللّٰهُ ابْنَ مَرْجَانَةَ وَلَعَنَ
اللّٰهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَلَعَنَ اللّٰهُ شِمْرًا وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً

اسرجت والجمت وتنقبت وتهيات لقتالك
بابي انت وامي لقد عظم مصابي بك فاسئل
الله الذي اكرم مقامك واكرمني بك ان
يرزقني طلب ثارك مع امام منصور من اهل بيت
محمد صلى الله عليه واله اللهم اجعلني عندك
وجيها بالحسين في الدنيا والاخرة يا اباعبد
الله اني اتقرب الى الله والى رسوله والى امير المؤمنين
والى فاطمة والى الحسن واليك بموالاتك و
بالبراءة من اعدائك ممن قاتلك ونصب لك
الحرب وبالبراءة ممن اسس اساس الظلم والجور
عليكم وابرأ الى الله والى رسوله ممن اسس
اساس ذلك وجرى في ظلمه وجوره عليكم
وعلى اشياعكم برئت الى الله واليكم منهم
واتقرب الى الله ثم اليكم بموالاتكم وموالاة
وليكم وبالبراءة من اعدائكم والناصبين لكم

الحرب وبالبرآءة من اشياعهم واتباعهم
انى سلم لمن سالمكم وحرب لمن حاربكم
وولى لمن والاكم وعدو لمن عاداكم فاسئل
الله الذى اكرمنى بمعرفتكم ومعرفة اوليائكم
ورزقنى البرآءة من اعدائكم ان يجعلنى معكم
فى الدنيا والاخرة وان يثبت لى عندكم
قدم صدق فى الدنيا والاخرة واسئله ان
يبلغنى المقام المحمود لكم عند الله وان يرزقنى
طلب ثارى مع امام مهدى ظاهر ناطق منكم
واسئل الله بحقكم وبالشان الذى لكم
عنده ان يعطينى بمصابى بكم افضل ما يعطى
مصابا بمصيبته مصيبة ما اعظمها واعظم
رزيتها فى الاسلام وفى جميع اهل السموات و
الارض اللهم اجعلنى فى مقامى هذا ممن تناله
منك صلوات ورحمة ومغفرة اللهم اجعل

محیای محیا محمد وآل محمد ومماتی ممات محمد
وآل محمد اللهم ان هذا یوم تبرکت به
بنو امیة وابن آکلة الاکباد اللعین بن
اللعین علی لسان نبیک صلی الله علیه وآله
فی کل موطن وموقف وقف فیه نبیک صلوات الله
علیه وآله اللهم العن ابا سفیان ومعویة بن
ابی سفیان ویزید بن معویة علیهم منک اللعنة
ابد الابدین وهذا یوم فرحت آل زیاد وآل
مروان بقتلهم الحسین صلوات الله علیه
اللهم ضاعف علیهم اللعن منک والعذاب
اللهم انی اتقرب الیک فی هذا الیوم وفی موقفی
هذا وایام حیوتی بالبراءة منهم واللعنة
علیهم وبالموالاة لنبیک وآل نبیک علیهم
السلام اللهم العن اول ظالم
ظلم حق محمد وآل محمد وآخر تابع له علی ذلک

اللهم

اَللّٰهُمَّ الْعَنِ الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتِ الْحُسَيْنَ

وَشَايَعَتْ وَبَايَعَتْ عَلٰى قَتْلِهِ اَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمْ

جَمِيعًا اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ

وَعَلَى الْاَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ عَلَيْكَ مِنِّيْ

سَلَامُ اللّٰهِ مَا بَقِيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَلَا

جَعَلَهُ اللّٰهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنِّيْ لِزِيَارَتِكَ اَلسَّلَامُ

عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلٰى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلٰى اَصْحَابِ

الْحُسَيْنِ اَللّٰهُمَّ خُصَّ اَنْتَ اَوَّلَ ظَالِمٍ

بِاللَّعْنِ مِنِّيْ وَابْدَا بِهِ اَوَّلًا ثُمَّ الثَّانِيَ ثُمَّ الثَّالِثَ

ثُمَّ الرَّابِعَ اَللّٰهُمَّ الْعَنْ يَزِيدَ بْنَ مُعْوِيَةَ خَامِسًا وَ

الْعَنْ عُبَيْدَ اللّٰهِ بْنَ زِيَادٍ وَابْنَ مَرْجَانَةَ وَعُمَرَ بْنَ

سَعْدٍ وَشِمْرًا وَاٰلَ اَبِي سُفْيَانَ وَاٰلَ زِيَادٍ وَاٰلَ مَرْوَانَ

اِلٰى يَوْمِ الْقِيَامَةِ اَللّٰهُمَّ

لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ عَلٰى مُصَابِهِمْ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ

عَلٰى عَظِيمِ رَزِيَّتِيْ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِيْ شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ

عَلَيهِ السَّلامُ يَومَ الوُرُودِ وَثَبِّت لی قَدَمَ
صِدقٍ عِندَكَ مَعَ الحُسَينِ وَاَصحابِ الحُسَينِ
الَّذينَ بَذَلُوا مُهَجَهُم دُونَ الحُسَينِ عَلَيهِ السَّلامُ
حضرت امام محمّد باقر علیه السّلام فرموده که اگر توانی
هر روز باین کیفیّت آنحضرت را زیارت بکن بعد از آن
دو رکعت نماز زیارت بکن و این دعا را بخوان که
يا اَللّهُ يا اَللّهُ يا مُجيبَ دَعوَةِ المُضطَرّينَ يا
كاشِفَ كَربِ المَكرُوبينَ يا غِياثَ المُستَغيثينَ وَيا
صَريخَ المُستَصرِخينَ وَيا مَن هُوَ اَقرَبُ اِلَيَّ مِن حَبلِ
الوَريدِ وَيا مَن يَحُولُ بَينَ المَرءِ وَقَلبِهِ يا مَن هُوَ
بِالمَنظَرِ الاَعلى وَبِالاُفُقِ المُبينِ وَيا مَن هُوَ الرَّحمنُ
الرَّحيمُ عَلَى العَرشِ استَوى وَيا مَن يَعلَمُ خائِنَةَ الاَعيُنِ
وَما تُخفِى الصُّدُورُ وَيا مَن لا يَخفى عَلَيهِ خافِيَةٌ وَيا
مَن لا تَشتَبِهُ عَلَيهِ الاَصواتُ وَيا مَن لا تُغَلِّطُهُ
الحاجاتُ وَيا مَن لا يُبرِمُهُ اِلحاحُ المُلِحّينَ يا مُدرِكَ

کل

كُلِّ فَوْتٍ وَيَا جَامِعَ كُلِّ شَمْلٍ وَيَا بَارِئَ النُّفُوسِ
بَعْدَ الْمَوْتِ وَيَا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ يَا قَاضِيَ
الْحَاجَاتِ يَا مُنَفِّسَ الْكُرُبَاتِ يَا مُعْطِيَ السُّؤُلَاتِ
يَا وَلِيَّ الرَّغَبَاتِ يَا كَافِيَ الْمُهِمَّاتِ يَا مَنْ يَكْفِي
مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ فِي السَّمٰوَاتِ
وَالْأَرْضِ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ
بِنْتِ نَبِيِّكَ وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ فَاِنِّي بِهِمْ
اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ فِي مَقَامِي هٰذَا وَبِهِمْ اَتَوَسَّلُ وَبِهِمْ
اَتَشَفَّعُ اِلَيْكَ وَبِحَقِّهِمْ اَسْئَلُكَ وَاُقْسِمُ وَاَعْزِمُ
عَلَيْكَ وَبِالشَّأْنِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ وَبِالْقَدْرِ
الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ وَبِالَّذِي فَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ
وَبِاسْمِكَ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ وَبِهِ خَصَصْتَهُمْ
دُونَ الْعَالَمِينَ وَبِهِ اَبَنْتَهُمْ وَاَبَنْتَ فَضْلَهُمْ مِنْ
فَضْلِ الْعَالَمِينَ حَتّٰى فَاقَ فَضْلُهُمْ فَضْلَ الْعَالَمِينَ
اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَكْشِفَ عَنِّي غَمِّي

وهمّی وکربی وتکفینی المهمّ من اموری
وتقضی عنّی دینی وتجیرنی من الفقر وتجیرنی
من الفاقة وتغنینی عن المسئلة الی المخلوقین و
تکفینی همّ من اخاف همّه وعسر من اخاف
عسره وحزونة من اخاف حزونته وشرّ من اخاف
شرّه ومکر من اخاف مکره وبغی من اخاف بغیه
وجور من اخاف جوره وسلطان من اخاف سلطانه
وکید من اخاف کیده ومقدرة من اخاف بلاء
مقدرته علیّ وتردّ عنّی کید الکیدة ومکر
المکرة اللهمّ من ارادنی فارده ومن کادنی
فکده واصرف عنّی کیده ومکره وباسه و
امانیّه وامنعه عنّی کیف شئت وانّی شئت
اللهمّ اشغله عنّی بفقر لا تجبره وببلاء لا تستره
وبفاقة لا تسدّها وبسقم لا تعافیه وذلّ لا
تعزّه وبمسکنة لا تجبرها اللهمّ اضرب بالذلّ

نصب عينيه وادخل عليه الفقر في منزله
والعلة والسقم في بدنه حتى تشغله عني بشغل
شاغل لا فراغ له وانسه ذكري كما انسيته
ذكرك وخذ عني بسمعه وبصره ولسانه و
يده ورجله وقلبه وجميع جوارحه وادخل عليه
في جميع ذلك السقم ولا تشفه حتى تجعل
ذلك له شغلاً شاغلاً به عني وعن ذكري واكفني
يا كافي ما لا يكفي سواك فانك الكافي
لا كافي سواك ومفرج لا مفرج سواك و
مغيث لا مغيث سواك وجار لا جار سواك خاب
من كان رجاؤه سواك ومغيثه سواك و
مفزعه الى سواك ومهربه وملجاه الى غيرك و
منجاه من مخلوق غيرك فانت ثقتي ورجائي ومفزعي
ومهربي وملجاي ومنجاي فبك استفتح وبك
استنجح وبمحمد وآل محمد اتوجه اليك واتوسل

وَاَتشفّع فاسئلك يا الله يا الله يا الله فلك
الحمد ولك الشكر واليك المشتكى وانت
المستعان فاسئلك يا الله بحقّ محمّد وال محمّد
ان تصلّي على محمّد وال محمّد وان تكشف عنّي غمّي
وهمّي وكربي في مقامي هذا كما كشفت عن نبيّك
همّه وغمّه وكربه وكفيته هول عدوّه فاكشف
عنّي كما كشفت عنه وفرّج عنّي كما فرّجت
عنه واكفني كما كفيته واصرف عنّي هول ما
اخاف هوله ومؤنة ما اخاف مؤنته وهمّ
ما اخاف همّه بلا مؤنة على نفسي من ذلك و
اصرفني بقضاء حوائجي وكفاية ما اهمّني
همّه من امر دنياي واخرتي يا امير المؤمنين
ويا ابا عبد الله عليكما منّي سلام الله ابدا ما
بقي الليل والنهار ولا جعله الله اخر العهد
من زيارتكما ولا فرّق الله بيني وبينكما

اللّهمّ احینی حیوة محمّدٍ و ذرّیّته و امتنی مماتهم
و توفّنی علی ملّتهم و احشرنی فی زمرتهم
و لا تفرّق بینی و بینهم طرفة عینٍ ابدًا فی الدّنیا
و الاخرة یا امیر المؤمنین و یا اباعبد اللّه اتیتکما
و اگر از دور بخواند بگوید توجّهت الی ضریحکما
زائرًا و متوسّلًا الی اللّه ربّی و ربّکما و متوجّهًا
الیه بکما و مستشفعًا بکما الی اللّه فی
حاجتی هذه فاشفعا لی فانّ لکما عند اللّه
المقام المحمود و الجاه الوجیه و المنزل الرّفیع
و الوسیلة انّی انقلب عنکما منتظرًا التّنجّز
الحاجة و قضائها و نجاحها من اللّه بشفاعتکما
لی الی اللّه فی ذلک فلا اخیب و لا یکون منقلبی
منقلبًا خائبًا خاسرًا بل یکون منقلبی منقلبًا
راجحًا مفلحًا منجحًا مستجابًا لی بقضاء جمیع
حوائجی و تشفّعا لی الی اللّه انقلب علی ما شاء اللّه

وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ مُفَوِّضًا اَمْرِی اِلَی اللّٰهِ
مُلْجِئًا ظَهْرِی اِلَی اللّٰهِ وَمُتَوَكِّلًا عَلَی اللّٰهِ
وَاَقُولُ حَسْبِیَ اللّٰهُ وَكَفٰی سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ دَعا
لَیْسَ لِی وَرآءَ اللّٰهِ وَوَرآءَكُمْ یا سادَتی مُنْتَهی
ما شآءَ رَبّی كانَ وَما لَمْ یَشَأْ لَمْ یَكُنْ وَلا حَوْلَ
وَلا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ اَسْتَوْدِعُكُمَا اللّٰهَ وَلا جَعَلَهُ اللّٰهُ
اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنّی اِلَیْكُما اِنْصَرَفْتُ یا سَیِّدی
یا اَمیرَ الْمُؤْمِنینَ وَمَوْلایَ وَاَنْتَ یا اَبا عَبْدِ اللّٰهِ یا سَیِّدی
وَسَلامی عَلَیْكُما مُتَّصِلٌ مَا اتَّصَلَ اللَّیْلُ وَالنَّهارُ
وَاصِلٌ ذٰلِكَ اِلَیْكُما غَیْرُ مَحْجُوبٍ عَنْكُما سَلامی
اِنْ شآءَ اللّٰهُ وَاَسْئَلُهُ بِحَقِّكُما اَنْ یَشآءَ
ذٰلِكَ وَیَفْعَلَ فَاِنَّهُ حَمیدٌ مَجیدٌ اِنْقَلَبْتُ یا سَیِّدَیَّ
عَنْكُما تائِبًا حامِدًا لِلّٰهِ شاكِرًا راجِیًا لِلْاِجابَةِ
غَیْرَ آیِسٍ وَلا قانِطٍ آئِبًا عائِدًا راجِعًا اِلی زِیارَتِكُما
غَیْرَ راغِبٍ عَنْكُما وَلا مِنْ زِیارَتِكُما بَلْ راجِعٌ

عائذ ان شاء الله ولا حول ولا قوة الا بالله
یا سادتی رغبت الیکما والی زیارتکما
بعد ان زهد فیکما وفی زیارتکما اهل
الدنیا فلا خیبنی الله مما رجوت وما املت فی
زیارتکما انه قریب مجیب پس حضرت صادق
علیه السلام فرمود که هرگاه ترا حاجتی باشد بسوی
خدا هر جا که باشی از نزدیک یا دور این نحو زیارت را
بکن واین دعا را بخوان واز پروردگار خود حاجت خود را
بطلب که البته بر آورده میشود وحق تعالی خلف وعده
نمیفرماید وسید بن طاوس علیه الرحمة گفته که هرگاه
این زیارت را در غیر روز عاشورا بخواند چون در هم
وقت تجویز آن شده بجای اللهم ان هذا یوم تبرکت
به بنو امیة بگوید اللهم ان یوم قتل الحسین
صلواتك علیه یوم تبرکت به بنو امیة ۵
بسند صحیح مرویست از عبد الله

بن سنان که گفت در روز عاشورا رفتم بخدمت حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام و آنحضرت را شکسته
رنگ و اندوهناک یافتم و آب از دیدهای مبارک
آنحضرت مانند مروارید میریخت گفتم یا ابن رسول
الله سبب گریهٔ شما چیست خدا هرگز دیدهای شما را
گریان نکرداند آنحضرت فرمود که مگر غافلی و نمیدانی که
در مثل این روز حضرت امام حسین علیه السلام
شهید شده است گفتم ای سیدمن چه میفرمایید در روزه
اش فرمود روزه بدار بی آنکه شب نیت کنی و افطار کن نه از
روی شماتت و یکروز تمام روزه مگیر و باید که افطار تو بعد
از نماز عصر باشد بیکساعت بشربتی از آب زیرا که در این وقت
بر طرف شد جنگ از آل رسول صلی الله علیه و آله و در
زمین سی نفر از اهل بیت و موالی ایشان افتاده بود که
صاحب مصیبت در آنها حضرت رسالت بود و اگر
آنحضرت در دنیا میبود بایست که آنحضرترا بر ایشان

تعزیت کفت پس آنحضرت چندان کریست که ریش مبارکش
از آب دیده اش تر شد پس حضرت فرمود که بهتر کاری که
در این روز بکنی اینست که جامهای پاکیزه بپوشی وبندهارا
بکشایی وآستینهارا تا مرفق بالا کنی بروش مصیبت زدکان
پس بیرون روی بسوی بیابان یا مکانی که کسی ترا نه بیند یا
خانهٔ خالی برای تقیّه از سنّیان در وقت چاشت پس چهار
رکعت نماز بجا آوری با خضوع وخشوع ورکوع وسجود
نیکو وبعد از هر دو رکعت سلام بکویی ودر رکعت اوّل بعد
از حمد سورهٔ قل یا ایّها الکافرون بخوانی ودر رکعت دوّم
سورهٔ قل هو الله احد ودر رکعت سیم سورهٔ احزاب ودر
رکعت چهارم سورهٔ اذا جاءک المنافقون واکر اینهارا
ندانی هر سوره که توانی بخوانی پس بکردانی روی خودرا
بجانب روضهٔ مقدّسهٔ آنحضرت وبخاطر آوری شهادت
آن امام مظلوم واولاد واقارب واصحاب آنجناب راو
سلام کنی براو وصلوات فرستی براو ولعنت کنی بر قاتلان ایشان

وبروایت دیکر هزار مرتبه لعنت کنی بر قاتلان آنحضرت
تا بهر لعنتی هزار حسنه برای تو نوشته شود و هزار
کناه از تو محو شود و هزار درجه برای تو بلند شود و
بهتر اینست که هزار مرتبه بکوید اَللّٰهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ
الْحُسَیْنِ وَاَصْحَابِهِ پس فرمود که بعد از آن از موضعی
که ایستاده چند کام پیش رو و بکو اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَیْهِ
رَاجِعُونَ رِضًا بِقَضَائِهِ وَتَسْلِیمًا لِاَمْرِهِ واکر هفت
مرتبه چنین کند بهتر است و فرمود که در جمیع این احوال
باید که محزون و غمناك و کریان باشی پس بجانب خود برکرد
وبکو اَللّٰهُمَّ عَذِّبِ الْفَجَرَةَ الَّذِینَ شَاقُّوا رَسُولَكَ وَ
حَارَبُوا اَوْلِیَاءَكَ وَعَبَدُوا غَیْرَكَ وَاسْتَحَلُّوا مَحَارِمَكَ
وَالْعَنِ الْقَادَةَ وَالْاَتْبَاعَ وَمَنْ کَانَ مِنْهُمْ فَخَبَّ
وَاَوْضَعَ مَعَهُمْ اَوْ رَضِیَ بِفِعْلِهِمْ لَعْنًا کَثِیرًا اَللّٰهُمَّ
وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ
وَاسْتَنْقِذْهُمْ مِنْ اَیْدِی الْمُنَافِقِینَ الْمُضِلِّینَ وَالْکَفَرَةِ

الجاحدين وافتح لهم فتحا يسيرا واتح لهم روحا
وفرجا قريبا واجعل لهم من لدنك على عدوك و
عدوهم سلطانا نصيرا پس دست بدعا بردار وقصد كن
دشمنان آل محمد عليهم السلام را وبگو اللهم ان كثيرا
من الامة ناصبت المستحفظين من الائمة وكفرت
بالكلمة وعكفت عن القادة الظلمة وهجرت الكتاب
والسنة وعدلت عن الحبلين اللذين امرت بطاعتهما
والتمسك بهما فاماتت الحق وحادت عن القصد
ومالأت الاحزاب وحرفت الكتاب وكفرت
بالحق لما جاءها وتمسكت بالباطل لما اعترضها
وضيعت حقك واضلت خلقك وقتلت اولاد
نبيك وخيرة عبادك وحملة علمك وورثة
حكمتك ووحيك اللهم فزلزل اقدام
اعدائك واعداء رسولك واهل بيت رسولك
اللهم واخرب ديارهم وافلل سلاحهم وخالف

بين كلمتهم وفتّ في اعضادهم واوهن
كيدهم واضربهم بسيفك القاطع وارمهم
بحجرك الدامغ وطمّهم بالبلاء طمّاً وقمّهم بالعذاب
قمّاً وعذّبهم عذاباً نكراً وخذهم بالسّنين
والمثلات التى اهلكت بها اعداءك انّك ذو نقمة
من المجرمين اللّهمّ انّ سنّتك ضائعة و
احكامك معطّلة وعترة نبيّك في الارض
هائمة اللّهمّ فاعن الحقّ واهله واقمع الباطل
واهله ومنّ علينا بالنّجاة واهدنا الى الايمان
وعجّل فرجنا وانظمه بفرج اوليائك واجعلهم
لنا ودّاً واجعلنا لهم وفداً اللّهمّ واهلك
من جعل يوم قتل ابن نبيّك وخيرتك عيداً و
استهلّ به فرحاً ومرحاً وخذ آخرهم كما اخذت
اوّلهم واضعف اللّهمّ العذاب والتّنكيل على
ظالمي اهل بيت نبيّك واهلك اشياعهم وقادتهم

وابو

وَابرِ حُماتهم وَجماعتهم اللّهمّ وضاعِف صلواتك

وَرحمتك وبرکاتك علی عترة نبیّك العترة

الضّائعة الخائفة المستذلّة بقیّة من الشّجرة

الطّیّبة الزّاکیة المبارکة واعلِ اللّهمّ کلمتهم

وَافلج حجّتهم واکشف البلآء واللاّواء وحنادس

الاباطیل والعمی عنهم وثبّت قلوب شیعتهم

وحزبك علی طاعتهم وولایتهم ونصرتهم وموالاتهم

واعنهم وامنحهم الصّبر علی الاذی فیك واجعل

لهم ایّاما مشهودة واوقاتا محمودة مسعودة توشك

فیها فرجهم وتوجب فیها تمکینهم ونصرهم

کما ضمنت لاولیائك فی کتابك المنزل فانّك قلت

وقولك الحقّ وعد الله الّذین امنوا منکم و

عملوا الصّالحات لیستخلفنّهم فی الارض کما

استخلف الّذین من قبلهم ولیمکّننّ لهم

دینهم الّذی ارتضی لهم ولیبدّلنّهم من بعد خوفهم

آمنا يعبدونني لا يشركون بي شيئا اللهم
فاكشف غمتهم يا من لا يملك كشف الضر الا هو
يا واحد يا احد يا حي يا قيوم وانا يا الهي عبدك
الخائف منك والراجع اليك السائل لك
المقبل عليك اللاجئ الى فنائك العالم بانه
لا ملجأ منك الا اليك اللهم فتقبل دعائي
واسمع يا الهي علانيتي ونجواي واجعلني ممن رضيت
عمله وقبلت نسكه ونجيته برحمتك انك
انت العزيز الكريم اللهم وصل اولا واخرا على
محمد وال محمد وبارك على محمد وال محمد وارحم
محمدا وال محمد باكمل وافضل ما صليت وباركت
وترحمت على انبيائك ورسلك وملائكتك
وحملة عرشك بلا اله الا انت اللهم ولا تفرق
بيني وبين محمد وال محمد صلواتك عليه وعليهم
واجعلني يا مولاي من شيعة محمد وعلي وفاطمة

وَالحَسَنِ وَالحُسَيْنِ وَذُرِّيَّتِهِمُ الطَّاهِرَةِ المُنْتَجَبَةِ
وَهَبْ لِي التَّمَسُّكَ بِحَبْلِهِمْ وَالرِّضَا بِسَبِيلِهِمْ وَ
الاَخْذَ بِطَرِيقَتِهِمْ اِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ پس بسجده برو و
دو طرف روی خود را بر خاک بگذار و بگو یَا مَنْ يَحْكُمُ مَا
يَشَاءُ وَيَفْعَلُ مَا يُرِيدُ اَنْتَ حَكَمْتَ فَلَكَ الحَمْدُ مَحْمُودًا
مَشْكُورًا فَعَجِّلْ يَا مَوْلَايَ فَرَجَهُمْ وَفَرَجَنَا بِهِمْ فَاِنَّكَ
ضَمِنْتَ اِعْزَازَهُمْ بَعْدَ الذِّلَّةِ وَتَكْثِيرَهُمْ بَعْدَ القِلَّةِ
وَاِظْهَارَهُمْ بَعْدَ الخُمُولِ يَا اَصْدَقَ الصَّادِقِينَ وَيَا اَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ فَاَسْئَلُكَ يَا اِلٰهِي وَسَيِّدِي مُتَضَرِّعًا اِلَيْكَ
بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ بَسْطَ اَمَلِي وَالتَّجَاوُزَ عَنِّي وَقَبُولَ
قَلِيلِ عَمَلِي وَكَثِيرِهِ وَالزِّيَادَةَ فِي اَيَّامِي وَتَبْلِيغِي ذَلِكَ
المَشْهَدَ وَاَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُدْعَى فَيُجِيبُ اِلَى طَاعَتِهِمْ
وَمُوَالَاتِهِمْ وَنَصْرِهِمْ وَتُرِيَنِي ذَلِكَ قَرِيبًا سَرِيعًا فِي
عَافِيَةٍ اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ پس سر خود را بسوی
آسمان بلند کن و بگو اَعُوذُ بِكَ اَنْ اَكُونَ مِنَ الَّذِينَ

لا یرجون ایامك فاعذنی یا الهی برحمتك من
ذلك چون چنین کنی این عمل بهتر است برای تو
از حجهای بسیار و عمرهای بسیار که صرف نمایی در
آنها مال خود را و تعب افکنی در آنها بدن خود را و از
اهل و عیال و فرزندان جدا شوی وبدانکه کسی که
این نماز را در این روز بکند و این دعا را از روی اخلاص بخواند
و این عمل را بایقین و بصدق بجا آورد حق تعالی ده خصلت
باو عطا کند که از جملهٔ آنها اینست که او را از مردنهای بد
حفظ کند مانند غرق شدن و سوختن و در زیر عمارت
ماندن و امثال اینها و تا مردن دشمنی را بر او مسلط نکردد
و نگاه دارد او را از دیوانگی و خوره و پیسی در خود شو و در
فرزندانش تا چهار پشت و مسلط نگرداند شیطان و دوستان
یاوران شیطان را و بر نسل او تا چهار پشت
زیارتیست که متضمن تعزیت حضرت رسول خدا و ائمهٔ هدی
صلوات الله علیهم هست و مناسبست که در این روز بخواند

شود و اگر در آخر روز خوانده شود شاید انسب باشد

و آن زیارت این است

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ
اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسٰى كَلِيمِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا وَارِثَ عِيسٰى رُوحِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ
مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عَلِيٍّ اَمِيرِ
الْمُؤْمِنِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ الْحَسَنِ الشَّهِيدِ
سِبْطِ رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْبَشِيرِ
النَّذِيرِ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
ابْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خِيَرَةَ اللّٰهِ وَ
ابْنَ خِيَرَتِهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللّٰهِ وَابْنَ ثَارِهِ
اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْوِتْرُ الْمَوْتُورُ اَلسَّلَامُ
عَلَيْكَ اَيُّهَا الْاِمَامُ الْهَادِي الزَّكِيُّ وَعَلٰى اَرْوَاحٍ
حَلَّتْ بِفِنَائِكَ وَاَقَامَتْ فِي جِوَارِكَ وَوَفَدَتْ مَعَ

زُوّارِكَ اَلسَّلامُ عَلَيكَ مِنّي ما بَقيتُ وَبَقِيَ
اللَّيلُ وَالنَّهارُ فَلَقَدْ عَظُمَتْ بِكَ الرَّزِيَّةُ وَ
جَلَّ المُصابُ فِي المُؤْمِنينَ وَالمُسْلِمينَ وَفي اَهْلِ
السَّمٰواتِ اَجْمَعينَ وَفي سُكّانِ الاَرَضينَ فَاِنّا لِلّٰهِ
وَاِنّا اِلَيهِ راجِعُونَ وَصَلَواتُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ وَ
تَحِيّاتُهُ عَلَيكَ وَعَلىٰ آبائِكَ الطَّيِّبينَ المُنْتَجَبينَ
وَعَلىٰ ذَراريهِمِ الهُداةِ المَهْدِيّينَ اَلسَّلامُ عَلَيكَ
يا مَولايَ وَعَلَيهِمْ وَعَلىٰ رُوحِكَ وَعَلىٰ اَرْواحِهِمْ
وَعَلىٰ تُرْبَتِكَ وَعَلىٰ تُرْبَتِهِمْ اَللّٰهُمَّ لَقِّهِمْ رَحْمَةً
وَرِضْواناً وَرَوْحاً وَرَيحاناً اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا مَولايَ
يا اَبا عَبْدِ اللهِ يَا ابْنَ خاتَمِ النَّبِيّينَ وَيَا ابْنَ سَيِّدِ
الوَصِيّينَ وَيَا ابْنَ سَيِّدَةِ نِساءِ العالَمينَ اَلسَّلامُ
عَلَيكَ يا شَهيدُ يَا ابْنَ الشَّهيدِ يا اَخَا الشَّهيدِ يا
اَبَا الشُّهَداءِ اَللّٰهُمَّ بَلِّغْهُ عَنّي في هٰذِهِ السّاعَةِ
وَفي هٰذَا اليَومِ وَفي هٰذَا الوَقْتِ وَفي كُلِّ وَقْتٍ

تحية كثيرة وسلاما سلام الله عليك و
رحمة الله وبركاته يا ابن سيد العالمين وعلى
المستشهدين معك سلاما متصلا ما اتصل
الليل والنهار السلام على الحسين بن علي الشهيد
السلام على علي بن الحسين السلام على عباس بن
امير المؤمنين الشهيد السلام على الشهداء من
ولد امير المؤمنين السلام على الشهداء من ولد
الحسن السلام على الشهداء من ولد الحسين
السلام على الشهداء من ولد جعفر وعقيل السلام
على كل مستشهد معهم من المؤمنين اللهم
صل على محمد وال محمد وبلغهم عني تحية كثيرة و
سلاما السلام عليك يا رسول الله احسن
الله لك العزاء في ولدك الحسين السلام عليك
يا فاطمة احسن الله لك العزاء في ولدك الحسين
السلام عليك يا امير المؤمنين احسن الله لك

العزاء في ولدك الحسين السلام عليك يا
ابا محمد الحسن احسن الله لك العزاء في اخيك
الحسين يا مولاى يا ابا عبد الله انا ضيف الله
وضيفك وجار الله وجارك ولكل ضيف و
جار قرى وقراى في هذا الوقت ان تسئل الله
سبحانه وتعالى ان يرزقني فكاك رقبتي من النار
انه سميع الدعاء قريب مجيب **زيارت حضرت امام حسين**
عليه السلام در روز اربعين يعني روز چهلم شهادت حضرت
سيد الشهداء صلوات الله عليه و در كتب معتبره
از حضرت امام حسن عسكري عليه السلام روايت
كرده اند كه علامات مؤمن پنج چيز است نماز پنجاه و
يك ركعت از فريضه و نافله در شب و روز و زيارت
اربعين و انگشتر در دست راست كردن و جبين را
در سجدهٔ شكر بر خاك گذاشتن و بسم الله الرحمن الرحيم
را بلند گفتن معتبر از صفوان جمال مرويست كه

مولای من حضرت صادق علیه السلام بمن گفت
در زیارت اربعین که زیارت میکنی در هنگامی که
روز بلند شده باشد و میگوئی السلام علی ولی الله
وحبیبه السلام علی خلیل الله ونجیبه السلام
علی صفی الله وابن صفیه السلام علی الحسین المظلوم
الشهید السلام علی اسیر الکربات وقتیل العبرات
اللهم انی اشهد انه ولیک وابن ولیک وصفیک
وابن صفیک الفائز بکرامتک اکرمته بالشهادة
وحبوته بالسعادة واجتبیته بطیب الولادة
وجعلته سیدا من السادة وقائدا من القادة و
ذائدا من الذادة واعطیته مواریث الانبیاء وجعلته
حجة علی خلقک من الاوصیاء فاعذر فی الدعاء ومنح
النصح وبذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من
الجهالة وحیرة الضلالة وقد توازر علیه من غرته
الدنیا وباع حظه بالارذل الادنی وشری آخرته

بالثمن الاوكس وتغطرس وتردى في
هواه واسخطك واسخط نبيك واطاع من عبادك
اهل الشقاق والنفاق وحملة الاوزار المستوجبين
النار فجاهدهم فيك صابرا محتسبا حتى سفك
في طاعتك دمه واستبيح حريمه اللهم فالعنهم
لعنا وبيلا وعذبهم عذابا اليما السلام عليك
يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن سيد
الاوصياء اشهد انك امين الله وابن امينه
عشت سعيدا ومضيت حميدا ومت فقيدا
مظلوما شهيدا واشهد ان الله منجز لك ما وعدك
ومهلك من خذلك ومعذب من قتلك واشهد
انك وفيت بعهد الله وجاهدت في سبيل الله
حتى اتاك اليقين فلعن الله من قتلك ولعن الله من
ظلمك ولعن الله امة سمعت بذلك فرضيت به
اللهم اني اشهدك اني ولي لمن والاه وعدو لمن

عاداه بابي انت وامي يا ابن رسول الله اشهد
انك كنت نوراً في الاصلاب الشامخة والارحام
الطاهرة لم تنجسك الجاهلية بانجاسها ولم
تلبسك المدلهمات من ثيابها واشهد انك من
دعائم الدين واركان المسلمين ومعقل
المؤمنين واشهد انك الامام البر التقي الرضي
الزكي الهادي المهدي واشهد ان الائمة
من ولدك كلمة التقوى واعلام الهدى و
العروة الوثقى والحجة على اهل الدنيا واشهد
اني بكم مؤمن وبايابكم موقن بشرايع ديني
وخواتيم عملي وقلبي لقلبكم سلم وامري لامركم
متبع ونصرتي لكم معدة حتى ياذن الله لكم
فمعكم معكم لا مع عدوكم صلوات الله عليكم
وعلى ارواحكم واجسادكم وشاهدكم
وغائبكم وظاهركم وباطنكم امين رب العالمين

و دو رکعت نماز میکنی و هر دعا که خواهی میکنی و
بر میگردی مؤلّف گفته است که برای این
زیارت من وداعی یافته ام که مخصوص است باین زیارت
باید که بایستی پیش روی ضریح و بگوئی اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ
یَا ابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ عَلِیٍّ الْمُرْتَضٰی
وَصِیِّ رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ فَاطِمَةَ
الزَّهْرَاۤءِ سَیِّدَةِ نِسَاۤءِ الْعَالَمِیْنَ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ
یَا وَارِثَ الْحَسَنِ الزَّکِیِّ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا حُجَّةَ اللّٰهِ
فِیْ اَرْضِهٖ وَشَاهِدَهٗ عَلٰی خَلْقِهٖ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا
اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ الشَّهِیْدِ وَالسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا مَوْلَایَ
وَابْنَ مَوْلَایَ اَشْهَدُ اَنَّکَ اَقَمْتَ الصَّلٰوةَ وَاٰتَیْتَ
الزَّکٰوةَ وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوْفِ وَنَهَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ
وَجَاهَدْتَ فِیْ سَبِیْلِ اللّٰهِ حَتّٰی اَتٰیکَ الْیَقِیْنُ وَاَشْهَدُ
اَنَّکَ عَلٰی بَیِّنَةٍ مِنْ رَبِّکَ اَتَیْتُکَ و اگر از دور شد با توجهت
اِلَیْکَ بگو یَا مَوْلَایَ زَاۤئِرًا وَافِدًا رَاغِبًا مُقِرًّا

لَكَ بِالذُّنُوبِ هَارِباً اِلَيْكَ مِنَ الْخَطَايَا لِتَشْفَعَ
لِي عِنْدَ رَبِّكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ
حَيّاً وَمَيِّتاً فَاِنَّ لَكَ عِنْدَ اللّٰهِ مَقَاماً مَعْلُوماً وَ
شَفَاعَةً مَقْبُولَةً لَعَنَ اللّٰهُ مَنْ ظَلَمَكَ لَعَنَ اللّٰهُ مَنْ حَرَمَكَ
وَغَصَبَ حَقَّكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ قَتَلَكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ
مَنْ خَذَلَكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ دَعَوْتَهُ فَلَمْ يُجِبْكَ وَلَمْ
يُعِنْكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ مَنَعَكَ مِنْ حَرَمِ اللّٰهِ وَحَرَمِ رَسُولِهِ
وَحَرَمِ اَبِيكَ وَاَخِيكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ مَنَعَكَ مِنْ شُرْبِ
مَاءِ الْفُرَاتِ لَعْناً كَثِيراً يَتْبَعُ بَعْضُهَا بَعْضاً
اَللّٰهُمَّ فَاطِرَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَ
الشَّهَادَةِ اَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِيمَا كَانُوا
فِيهِ يَخْتَلِفُونَ وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا اَيَّ مُنْقَلَبٍ
يَنْقَلِبُونَ اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِهِ وَ
ارْزُقْنِيهِ اَبَداً مَا بَقِيتُ وَحَيِيتُ يَا رَبِّ وَاِنْ مِتُّ
فَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وخواندن زيارت

آخر روز عاشورا که در زاد المعاد است و در اینجا نیز
نوشته شده در این روز مناسبست که خوانده شود
زیارت حضرت فاطمه است دیگر و هو السّلام علیکَ
یا رسولَ اللهِ السّلامُ علیکَ یا نبیَّ اللهِ السّلامُ
علیکَ یا خیرةَ اللهِ من خلقهِ و امینَهُ علی وحیهِ
السّلامُ علیکَ یا مولای یا امیرَ المؤمنینَ السّلامُ
علیکَ یا مولای یا امیرَ المؤمنینَ انتَ حجّةُ اللهِ علی
خلقهِ و امینُهُ علی وحیهِ و بابُ علمهِ و وصیُّ نبیّهِ
و الخلیفةُ من بعدهِ فی امّتهِ لعنَ اللهُ امّةً غصبتْ
حقّکَ و قعدتْ مقعدکَ انا بریءٌ منهم و من
شیعتهم الیکَ السّلامُ علیکِ یا فاطمةُ البتولُ
السّلامُ علیکِ یا زینَ نساءِ العالمینَ السّلامُ علیکِ
یا بنتَ رسولِ اللهِ ربِّ العالمینَ صلّی اللهُ علیکِ
و علیهِ السّلامُ علیکِ یا امَّ السّبطینِ الحسنِ
و الحسینِ لعنَ اللهُ امّةً غصبتکِ حقّکِ و منعتکِ

مَا جَعَلَهُ اللّٰهُ لَكَ حِلّاً لَا اَنَا بَرِیٓءٌ اِلَیْکَ مِنْهُمْ
وَمِنْ شِیْعَتِهِمْ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا مَوْلَایَ یَا اَبَا مُحَمَّدٍ
اَلْحَسَنِ الزَّکِیِّ لَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً قَتَلَتْکَ وَبَایَعَتْ
فِی اَمْرِکَ وَشَایَعَتْ اَنَا بَرِیٓءٌ اِلَیْکَ مِنْهُمْ وَمِنْ
شِیْعَتِهِمْ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا مَوْلَایَ یَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ
اَلْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْکَ وَعَلٰی اَبِیْکَ
وَجَدِّکَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفٰی صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ لَعَنَ اللّٰهُ
اُمَّةً اسْتَحَلَّتْ دَمَکَ وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً قَتَلَتْکَ وَ
اسْتَبَاحَتْ حَرِیْمَکَ وَلَعَنَ اَشْیَاعَهُمْ وَاَتْبَاعَهُمْ
وَلَعَنَ الْمُمَهِّدِیْنَ لَهُمْ بِالتَّمْکِیْنِ مِنْ قِتَالِکُمْ اَنَا بَرِیٓءٌ
اِلَی اللّٰهِ وَاِلَیْکَ مِنْهُمْ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا مَوْلَایَ
یَا اَبَا مُحَمَّدٍ عَلِیَّ بْنَ الْحُسَیْنِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا
مَوْلَایَ یَا اَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا
مَوْلَایَ یَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ
یَا مَوْلَایَ یَا اَبَا الْحَسَنِ مُوْسَی بْنَ جَعْفَرٍ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ

يا مولاى يا ابا الحسن موسى بن جعفر السلام
عليك يا مولاى يا ابا الحسن على بن موسى
الرضا السلام عليك يا مولاى يا ابا جعفر
محمد بن على السلام عليك يا مولاى يا ابا الحسن
على بن محمد السلام عليك يا مولاى يا ابا محمد
الحسن بن على السلام عليك يا مولاى يا ابا
القاسم الحجة بن الحسن صاحب الزمان صلى الله
عليك وعلى عترتك الطاهرة الطيبة يا موالى
كونوا شفعاء لى عند الله فى حط وزرى وخطاياى
آمنت بالله وبما انزل اليكم واتوالى آخركم
بما اتوالى اولكم وبرئت من الجبت والطاغوت
واللات والعزى يا موالى انا سلم لمن سالمكم و
حرب لمن حاربكم وعدو لمن عاداكم وولى لمن
والاكم الى يوم القيمة ولعن الله ظالميكم
وغاصبيكم ولعن الله اشياعهم واتباعهم واهل

مَذْهَبِهِمْ وَاَبْرَأُ اِلَى اللّٰهِ وَاِلَيْكُمْ مِنْهُمْ

زیارت دیگر که از درو[...] مولانا محمد باقر مجلسی عطر الله

مضجعه گفته که در همهٔ روزها یا شبهایی که سنّت است

که زیارت حضرت امام حسین علیه السلام بکنند

چون شب اول ماه رجب و شب نیمهٔ آن و شب نیمهٔ

شعبان و شبهای احیای ماه مبارک رمضان و غیر

آنها از اوقات مخصوصهٔ شریفهٔ آنحضرت علیه السلام

را باین نحو زیارت کنند که بعد از نیت زیارت بگویند

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ اٰدَمَ صِفْوَةِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

وَارِثَ اِبْرٰهِيمَ خَلِيلِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ

مُوسٰى كَلِيمِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسٰى

رُوحِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللّٰهِ

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَلِيِّ اللّٰهِ

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفٰى اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ

يا ابن علي المرتضى السلام عليك يا ابن فاطمة
الزهراء السلام عليك يا ابن خديجة الكبرى
السلام عليك يا ثار الله وابن ثاره والوتر الموتور
اشهد انك قد اقمت الصلوة واتيت الزكوة
وامرت بالمعروف ونهيت عن المنكر واطعت
الله ورسوله حتى اتيك اليقين فلعن الله امة قتلتك
ولعن الله امة ظلمتك ولعن الله امة سمعت بذلك
فرضيت به يا مولاي يا ابا عبد الله اشهد انك
كنت نورا في الاصلاب الشامخة والارحام المطهرة
لم تنجسك الجاهلية بانجاسها ولم تلبسك من
مدلهمات ثيابها واشهد انك من دعائم الدين
واركان المؤمنين واشهد انك الامام البر
التقي الرضي الزكي الهادي المهدي واشهد ان الائمة
من ولدك كلمة التقوى واعلام الهدى والعروة
الوثقى والحجة على اهل الدنيا واشهد الله وملئكته

وَاَنبِیاۤءِهٖ وَرُسُلِهٖ اِنّی بِکُم مُؤمِنٌ وَبِاِیابِکُم
مُوقِنٌ بِشَرایِعِ دینی وَخَواتیمِ عَمَلی وَقَلبی لِقَلبِکُم
سِلمٌ وَاَمری لِاَمرِکُم مُتَّبِعٌ صَلَواتُ اللهِ عَلَیکُم
وَعَلیٰ اَرواحِکُم وَعَلیٰ اَجسادِکُم وَعَلیٰ اَجسامِکُم وَعَلیٰ
شاهِدِکُم وَعَلیٰ غائِبِکُم وَعَلیٰ ظاهِرِکُم وَعَلیٰ باطِنِکُم
پس دو رکعت نماز زیارت میکند و اگر از دور زیارت
کند و نماز زیارت را پیش از زیارت بکند نیز خوبست
پس قصد زیارت علی بن الحسین ... اَلسَّلامُ
عَلَیکَ یَا ابنَ رَسولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یَا ابنَ نَبِیِّ
اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یَا ابنَ اَمیرِ المُؤمِنینَ اَلسَّلامُ
عَلَیکَ یَا ابنَ الحُسَینِ الشَّهیدِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ اَیُّهَا
الشَّهیدُ اَلسَّلامُ عَلَیکَ اَیُّهَا المَظلومُ وَابنُ المَظلومِ
لَعَنَ اللهُ اُمَّةً قَتَلَتکَ وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً ظَلَمَتکَ وَلَعَنَ
اللهُ اُمَّةً سَمِعَت بِذٰلِکَ فَرَضِیَت بِهٖ
اَلسَّلامُ عَلَیکُم یا

اَولیاءَ اللهِ واَحبّاءَهُ اَلسَّلامُ علیکُم یا
اَصفیاءَ اللهِ واَوِدّاءَهُ اَلسَّلامُ عَلیکم یا انصارَ
دینِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلیکُم یا اَنصارَ رسولِ الله
اَلسَّلامُ عَلیکم یا انصارَ امیرِ المؤمنین اَلسَّلامُ
علیکُم یا اَنصارَ فاطمةَ سیّدةِ نساءِ العالمین
اَلسَّلامُ عَلیکم یا انصارَ ابی محمّدٍ الحسنِ بنِ علیٍّ
الزّکیِّ النّاصحِ اَلسَّلامُ عَلیکُم یا انصارَ
اَبی عبدِ اللهِ بابی اَنتُم وَاُمّی طِبتُم وَطابتِ الاَرضُ
الّتی فیها دُفِنتُم وَفُزتُم فَوزاً عظیماً فیا لیتَنی کُنتُ
مَعَکُم فافوزَ مَعَکُم بسندهای
معتبر از سدیر صرّاف منقولست که گفت حضرت
صادق علیه السّلام بمن فرمود که چه مانع است
ترا که زیارت کنی قبر حسین علیه السّلام را در هر هفته
پنجمرتبه یا در هر روز یکمرتبه گفتم فدای تو شوم میان من
وآنحضرت فرسخهای بسیار هست فرمود که بالا میروی

بنام خانهٔ خود پس ملتفت میشوی بجانب راست
وچپ خود پس سر خود را بسوی آسمان بلند میکنی
پس رو بجانب قبر آنحضرت میگردانی   السلام
علیک یا ابا عبد الله السلام علیک یا ابن رسول
الله السلام علیک و رحمة الله و برکاته تا
نوشته شود برای تو ثواب حجی و عمرهٔ سدیر گفت
که بسیار است که من در روزی زیاده از بیست مرتبه چنین
زیارت میکنم   بسند معتبر از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که هر که خواهد زیارت کند
قبر حضرت رسول خدا و قبر امیر المؤمنین و فاطمه و حسن
و حسین را و قبرهای حجتهای خدا را صلوات الله علیهم
اجمعین و او در شهر خود باشد پس غسل کند در روز
جمعه و دو جامهٔ پاکیزه بپوشد و بیرون رود بصحرایی
پس چهار رکعت نماز بگذارد با هر سوره که میسر شود پس
رو بقبله بایستد   السلام علیک ایها النبی

ورحمة الله وبركاته السلام عليك ايها
النبي المرسل والوصي المرتضى والسيدة الزهراء
والسبطان المنتجبان والاولاد الاعلام و
الامناء المنتجبون جئت انقطاعا اليكم
والى آبائكم وولدكم الخلف على بركة الحق فقلبي
لكم مسلم ونصرتي لكم معدة حتى يحكم الله
لدينه فمعكم معكم لا مع عدوكم اني لمن القائلين
بفضلكم مقر برجعتكم لا انكر لله قدرة ولا
ازعم الا ما شاء الله سبحان الله ذي الملك و
الملكوت يسبح الله باسمائه جميع خلقه والسلام
على ارواحكم واجسادكم والسلام عليكم و
رحمة الله وبركاته وبروايت ديگر اين زيارت را
در بام خانه خود بكن بعضى از اكابر علما
رضوان الله تعالى عليهم روايت كرده اند از ابوالحسن قادسی
كه گفت من زيارت حضرت امام حسين عليه السلام بسيار

میرفتم پس چندی بسبب پیری و کمی مال توفیق زیارت
آنحضرت نیافتم پس شبی حضرت رسول الله صلی الله
علیه و آله را در خواب دیدم که حضرت امام حسن
و حضرت امام حسین علیهما السلام در خدمت آنحضرت
بودند چون من نبزدیک ایشان رسیدم حضرت امام
حسین علیه السلام گفت یا رسول الله اینمرد مرا بسیار
زیارت میکرد و اکنون ترک کرده حضرت رسول صلی
الله علیه و آله متوجه من گردید و فرمود که آیا نزد
زیارت مثل حسین میتوان کرد گفتم یا رسول الله قلت
مال و پیری مرا مانع ادراک این سعادت گردیده است
حضرت فرمود که هر شب بر بام خود برو و بانگشت شهادت
اشارت کن بسوی قبر آنحضرت و بگو اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ
وَعَلٰی جَدِّكَ وَ اَبِیْكَ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ وَعَلٰی اُمِّكَ
وَ اَخِیْكَ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ وَعَلَی الْاَئِمَّةِ مِنْ بَنِیْكَ
اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا صَاحِبَ الدَّمْعَةِ السَّاكِبَةِ

السلام علیک یا صاحب المصیبة الراتبة
لقد اصبح کتاب الله فیک مهجورا و رسول الله
فیک موتورا السلام علیک و رحمة الله و برکاته
السلام علی انصار الله و خلفائه السلام علی امناء
الله و احبائه السلام علی محال معرفة الله و معادن
حکمة الله و حفظة سر الله و حملة کتاب الله و
اوصیاء نبی الله و ذریة رسول الله صلی الله علیه
و اله و رحمة الله و برکاته پس هر حاجت که خواهی از
خدا سؤال کن پس اگر چنین زیارت کنی زیارت تو از دور
و نزدیک هر دو مقبولست و در حدیث معتبر از حسین بن
ثویر منقولست که بخدمت حضرت صادق علیه السلم
عرض کردم که من حضرت امام حسین علیه السلم را بسیار
یاد میکنم در آنوقت چه بگویم فرمود که سه مرتبه بگو صلی
الله علیک یا ابا عبد الله که سلام بآنحضرت میرسد
از نزدیک و دور و بسند صحیح از آنحضرت علیه السلام

منقولست که کسی که ناحیه اش بعید و خانه اش دور
باشد از ما پس بالا رود ببام خانهٔ خود و دو رکعت
نماز بگذارد و اشاره کند بسوی قبر ما بسلام که آن
سلام بما میرسد منقولست از سلیمان
بن عیسی که گفت پدرم عرض کرد بخدمت حضرت صادق
علیه السلام که چگونه ترا زیارت کنم هرگاه قادر بر آن
نباشم فرمود که ای عیسی هرگاه قادر بر آمدن نباشی چون
روز جمعه شود غسل کن یا وضو بساز و بالا رو بر بام
خانهٔ خود و دو رکعت نماز بکن و متوجه شو بسوی من
بدرستی که هر که زیارت کند مرا در حیات من چنانست
که زیارت کرده باشد بعد از ممات من و کسی که زیارت
کند مرا بعد از ممات من چنانست که زیارت کرده باشد
مرا در حیات من در حدیث معتبر دیگر منقولست
که حضرت صادق علیه السلام بسدیر فرمود که بسیار
زیارت میکنی قبر حسین بن علی علیهما السلام را گفت

از بسیاری شغل مرا مقدور نمیشود فرمود که
میخواهی که ترا چیزی تعلیم نمایم که هرگاه بعمل آوری آنرا
از برای تو ثواب زیارت آنحضرت نوشته شود
گفت بلی فدای تو شوم فرمود که غسل بکن در خانهٔ
خود و بالا برو ببام خانهٔ خود و اشاره کن بجانب آنحضرت
بسلام کردن تا نوشته شود برای ثواب زیارت و شیخ
طوسی علیه الرحمة گفته است که زیارت میتوان کرد
ائمه علیهم السلام را از دور چنانچه از نزدیک ایشان
را زیارت میکنند امّا در جائی که اَتَیْتُکَ زائِراً باشد
بجای آن چنین بگوید قَصَدْتُکَ بِقَلْبی زائِراً اِذْ
عَجَزْتُ عَنْ حُضُورِ مَشْهَدِکَ وَوَجَّهْتُ اِلَیْکَ سَلامی
لِعِلْمی اَنَّهُ یَبْلُغُکَ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْکَ فَاشْفَعْ لی عِنْدَ
رَبِّکَ عَزَّ وَجَلَّ بعد از آن دعا کن آنچه را خواهی

زیارت دیگر

زیارت مختصریست که از دور و نزدیک
و در هر وقتی از اوقات که خواهند چنین کنند اَلسَّلامُ

عَلَيكَ يا اَبا عَبدِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا ابنَ رَسُولِ
اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا ابنَ اَمِيرِ المُؤمِنِينَ اَلسَّلامُ
عَلَيكَ يا ابنَ فاطِمَةَ الزَّهراءِ سَيِّدَةِ نِساءِ العالَمِينَ
اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا اَبا الاَئِمَّةِ الهادِينَ المَهدِيِّينَ
اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا صَرِيعَ الدَّمعَةِ السّاكِبَةِ
اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا صاحِبَ المُصِيبَةِ الرّاتِبَةِ
اَلسَّلامُ عَلَيكَ وَعَلى جَدِّكَ وَاَبِيكَ اَلسَّلامُ عَلَيكَ
وَعَلى اُمِّكَ وَاَخِيكَ اَلسَّلامُ عَلَيكَ وَعَلَى الاَئِمَّةِ
مِن بَنِيكَ اَشهَدُ لَقَد طَيَّبَ اللهُ بِكَ التُّرابَ وَ
اَوضَحَ بِكَ الكِتابَ وَاَعظَمَ بِكَ المُصابَ وَ
جَعَلَكَ وَاَباكَ وَجَدَّكَ وَاَخاكَ عِبرَةً لِاُولِي الاَلبابِ
يا ابنَ المَيامِينِ الاَطيابِ التّالِينَ الكِتابَ وَجَّهتُ
سَلامِي اِلَيكَ صَلَواتُ اللهِ وَسَلامُهُ عَلَيكَ وَ
جَعَلَ اَفئِدَةً مِنَ النّاسِ تَهوِي اِلَيكَ ما خابَ مَن
تَمَسَّكَ بِكَ وَلَجَأَ اِلَيكَ

علی بن موسی الرضا علیه السلام

بسند معتبر از ابو الصّلت هروی
منقولست که گفت در خدمت حضرت امام رضا علیه
السّلام بودم که جمعی از اهل قم بخدمت آنحضرت آمدند و
سلام کردند پس ایشان را جواب سلام فرمود و نزدیک
خود طلبید و گفت مرحبا خوش آمده اید و شما شیعیان
ما یید بحقیقت و راستی و خواهد آمد بر شما زمانی که
در آن زمان بزیارت تربت من بیایید در طوس که هر که مرا
زیارت کند و با غسل باشد از گناهان بیرون آید مانند روزی
که از مادر متولّد شده بوده است بسند معتبر از حضرت
امام علی نقی صلوات الله علیه منقولست که هر که را بسوی
خدا حاجتی باشد پس زیارت کند قبر جدّم امام رضا علیه السّلام
را در شهر طوس و حال آنکه غسل کرده باشد و نزد سر آنحضرت
دو رکعت نماز بکند و در قنوت نماز حاجت خود را طلبد
پس بدرستی که مستجاب میشود مگر آنکه از برای گناهی یا قطع
رحمی سؤال کند بدرستی که موضع قبر آنحضرت بقعه ایست از

بقعهار

بقعهای بهشت و هیچ مؤمنی او را زیارت نمیکند مگر
حق تعالی او را از آتش جهنم آزاد میکند و داخل بهشت
میگرداند و در حدیث معتبر دیگر از ائمه علیهم السلام منقولست
که چون نزد قبر امام رضا علیه السلام بروی بگو
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ عَلِیِّ بْنِ مُوسَی الرِّضَا الْمُرْتَضَی الْاِمَامِ
التَّقِیِّ النَّقِیِّ وَحُجَّتِکَ عَلیٰ مَنْ فَوْقَ الْاَرْضِ وَمَنْ تَحْتَ
الثَّرَیٰ الصِّدِّیقِ الشَّهِیدِ صَلوٰةً کَثِیرَةً نَامِیَةً زَاکِیَةً
مُتَوَاصِلَةً مُتَوَاتِرَةً مُتَرَادِفَةً کَاَفْضَلِ مَا صَلَّیْتَ
عَلیٰ اَحَدٍ مِنْ اَوْلِیَائِکَ و زیارت مشهور آنحضرت زیاد است
که در کتب معتبره مذکور است و محمد بن الحسن بن الولید
رضی الله عنه منسوب کردانیده اند و از مزار ابن قولویه
علیه الرحمة معلوم میشود که از ائمه علیهم السلام مروی
بوده باشد گفته اند که چون اراده نمایی که زیارت کنی حضرت
امام رضا صلوات الله علیه را در طوس پس غسل کن پیش
از انکه از خانه بیرون روی و بگو در وقتی که غسل میکنی

اللهم طهرنی وطهر لی قلبی واشرح لی صدری
واجر علی لسانی مدحتك والثناء علیك فانه لا
قوة الا بك اللهم اجعله لی طهورا وشفاء و
میکوید در وقت بیرون رفتن بسم الله وبالله و
الی الله والی ابن رسول الله حسبی الله توکلت علی
الله اللهم الیك توجهت والیك قصدت وما
عندك اردت پس چون بیرون روی بر در خانهٔ خود
بایست وبگو اللهم الیك وجهت وجهی وعلیك
خلفت اهلی ومالی وما خولتنی وبك وثقت فلا
تخیبنی یا من لا یخیب من اراده ولا یضیع من حفظه
صل علی محمد وال محمد واحفظنی بحفظك فانه لا یضیع
من حفظت پس چون بسلامت برسی بنزدیك قبر آنحضرت
غسل بکن ودر وقت غسل کردن بگو اللهم طهرنی
وطهر قلبی واشرح لی صدری واجر علی لسانی مدحتك
ومحبتك والثناء علیك فانه لا قوة الا بك وقد

علمت

عَلِمْتُ اَنَّ قُوَّةَ دِينِي اَلتَّسْلِيمُ لِاَمْرِكَ وَالْاِتِّبَاعُ لِسُنَّةِ
نَبِيِّكَ وَالشَّهَادَةَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ
لِي شِفَاءً وَنُورًا اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ پس بپوش
پاکترین جامهای خود را و پای برهنه روانه شو با
سکینه و وقار که بتأنّی بروی و دلت بیاد خدا باشد
وَاللّٰهُ اَكْبَرُ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
بگو و گامهای خود را کوتاه بردار و چون داخل روضهٔ
مقدّسه شوی بگو بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَلٰى مِلَّةِ رَسُولِ
اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ
وَاَنَّهُ سَيِّدُ الْاَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَاَنَّهُ سَيِّدُ الْاَنْبِيَاءِ
وَالْمُرْسَلِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ
وَنَبِيِّكَ وَسَيِّدِ خَلْقِكَ اَجْمَعِينَ صَلٰوةً لَا يَقْوٰى
عَلَى اِحْصَائِهَا غَيْرُكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
عَلِيِّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ عَبْدِكَ وَاَخِي رَسُولِكَ الَّذِي انْتَجَبْتَهُ

بعلمك وجعلته هاديا لمن شئت من خلقك و
الدليل على من بعثته برسالتك وديان الدين
بعدلك وفصل قضائك بين خلقك والمهيمن
على ذلك كله والسلام عليه ورحمة الله وبركاته
اللهم صل على فاطمة بنت نبيك وزوجة وليك
وام السبطين الحسن والحسين سيدى شباب اهل
الجنة الطهرة الطاهرة المطهرة التقية النقية
الرضية الزكية سيدة نساء اهل الجنة اجمعين
صلوة لا يقوى على احصائها غيرك اللهم صل على
الحسن والحسين سبطى نبيك وسيدى شباب اهل
الجنة القائمين فى خلقك والدليلين على من بعثت
برسالتك وديانى الدين بعدلك وفصلى قضائك
بين خلقك اللهم صل على على بن الحسين عبدك
القائم فى خلقك والدليل على من بعثت برسالاتك و
ديان الدين بعدلك وفصل قضائك بين خلقك سيد

العابدين اللهم صل على محمد بن علي عبدك
وخليفتك في ارضك باقر علم النبيين اللهم
صل على جعفر بن محمد الصادق عبدك وولي دينك
وحجتك على خلقك اجمعين الصادق البار اللهم
صل على موسى بن جعفر عبدك الصالح ولسانك
في خلقك الناطق بحكمك والحجة على بريتك
اللهم صل على علي بن موسى الرضا المرتضى عبدك
وولي دينك القائم بعدلك والداعي الى دينك و
دين ابائه الصادقين صلوة لا يقوى على احصائها
غيرك اللهم صل على محمد بن علي عبدك ووليك
القائم بامرك والداعي الى سبيلك اللهم صل
على علي بن محمد عبدك وولي دينك اللهم صل
على الحسن بن علي العامل بامرك القائم في خلقك
وحجتك المؤدي عن نبيك وشاهدك على خلقك
المخصوص بكرامتك الداعي الى طاعتك وطاعة

رَسُولِكَ صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
عَلٰى حُجَّتِكَ وَوَلِيِّكَ اَلْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ صَلٰوةً تَامَّةً
نَامِيَةً بَاقِيَةً تُعَجِّلُ بِهَا فَرَجَهُ وَتَنْصُرُهُ بِهَا وَتَجْعَلُنَا
مَعَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ
بِحُبِّهِمْ وَاُوَالِي وَلِيَّهُمْ وَاُعَادِي عَدُوَّهُمْ فَارْزُقْنِي بِهِمْ
خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَاصْرِفْ عَنِّي بِهِمْ شَرَّ الدُّنْيَا
وَالْاٰخِرَةِ وَاَهْوَالَ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ پس می نشینی نزد سر
آنحضرت و میگویی اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللّٰهِ فِي
ظُلُمَاتِ الْاَرْضِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ
اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ اٰدَمَ صَفِيِّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
وَارِثَ اِبْرٰهِيمَ خَلِيلِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ
اِسْمٰعِيلَ ذَبِيحِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسٰى
كَلِيمِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسٰى

روح الله السلام عليك يا وارث محمد بن عبد
الله خاتم النبيين وحبيب رب العالمين رسول
الله السلام عليك يا وارث علي بن ابي طالب امير
المؤمنين ولي الله السلام عليك يا وارث فاطمة
الزهراء سيدة نساء العالمين السلام عليك
يا وارث ابي محمد الحسن السلام عليك يا
وارث ابي عبد الله الحسين السلام عليك يا
وارث علي بن الحسين سيد العابدين السلام
عليك يا وارث محمد بن علي باقر علم الاولين و
الاخرين السلام عليك يا وارث جعفر بن محمد
الصادق البار الامين السلام عليك يا وارث
ابي الحسن موسى بن جعفر الكاظم الحليم السلام
عليك ايها الشهيد السعيد المظلوم المقتول
السلام عليك ايها الصديق الوصي البار النقي
اشهد انك قد اقمت الصلوة واتيت الزكوة

وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ
عَبَدْتَ اللّٰهَ مُخْلِصًا حَتّٰى اَتَاكَ الْيَقِيْنُ اَلسَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا اَبَا الْحَسَنِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهٗ اِنَّهٗ حَمِيْدٌ
مَجِيْدٌ لَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً قَتَلَتْكَ لَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً ظَلَمَتْكَ
لَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً اَسَّسَتْ اَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ وَالْبِدَعِ
عَلَيْكُمْ اَهْلَ الْبَيْتِ پس خود را بضریح می‌چسبانی
و میگوئی اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ صَمَدْتُ مِنْ اَرْضِيْ وَقَطَعْتُ
الْبِلَادَ رَجَاءَ رَحْمَتِكَ فَلَا تُخَيِّبْنِيْ وَلَا تَرُدَّنِيْ بِغَيْرِ
قَضَاءِ حَوَائِجِيْ وَارْحَمْ تَقَلُّبِيْ عَلٰى قَبْرِ ابْنِ اَخِيْ رَسُوْلِكَ
صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ بِاَبِيْ اَنْتَ وَاُمِّيْ اَتَيْتُكَ زَائِرًا
وَافِدًا عَائِذًا مِمَّا جَنَيْتُ عَلٰى نَفْسِيْ وَاحْتَطَبْتُ عَلٰى ظَهْرِيْ
فَكُنْ لِيْ شَفِيْعًا اِلَى اللّٰهِ تَعَالٰى يَوْمَ حَاجَتِيْ وَفَقْرِيْ وَفَاقَتِيْ
فَلَكَ عِنْدَ اللّٰهِ مَقَامٌ مَحْمُوْدٌ وَاَنْتَ عِنْدَ اللّٰهِ وَجِيْهٌ
پس دست را بلند میکنی و دست چپ را بر قبر میگذاری
و میگوئی اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِحُبِّهِمْ وَبِوِلَايَتِهِمْ

اتولی آخرهم بما تولیت به اولهم وابرء من کل
ولیجة دونهم اللهم العن الذین بدلوا نعمتک و
اتهموا نبیک وجحدوا بآیاتک وسخروا بامامک
وحملوا الناس علی اکتاف آل محمد اللهم انی
اتقرب الیک باللعنة علیهم وبالبراءة منهم
فی الدنیا والآخرة یا رحمن پس بر میگردی و نزد
پای آنحضرت میروی و میگوئی صلی الله علیک یا ابا الحسن
صلی الله علی روحک وبدنک صبرت وانت الصادق
المصدق قتل الله من قتلک بالایدی والالسن
پس تضرع و مبالغه کن در لعنت کردن بر کشندهٔ امیر
المؤمنین صلوات الله علیه وقاتلان حسن وحسین
علیهما السلام وقاتلان جمیع اهل بیت رسول خدا صلی
الله علیه وآله پس از پشت قبر برو و نزد سر قبر آنحضرت
و دو رکعت نماز بکن و در رکعت اول سوره یس و در رکعت
دوم سورهٔ الرحمن بخوان وجهد کن در دعا و تضرع و

بسیار دعا کن از برای خود و پدر و مادر خود و
جمیع برادران مؤمن و آنچه خواهی نزد سر آنحضرت بمان
و باید که نمازهای خود را نیز در قبر بکنی و چون خواهی
زیارت وداع بکنی بگو السلام علیک یا مولای
و ابن مولای و رحمة الله و برکاته انت لنا
جنة من العذاب آوان انصرافی عنک ان کنت اذنت
لی غیر راغب و لا مستبدل بک و لا مؤثر علیک
و لا زاهد فی قربک و جدت بنفسی للحدثان و ترکت
الاهل و الاولاد و الاوطان فکن لی شافعا یوم حاجتی
و فقری و فاقتی یوم لا یغنی عنی حمیمی و لا قریبی یوم
لا یغنی عنی والدی و لا ولدی اسال الله الذی قدر
علی رحلتی الیک ان ینفس بک کربتی و اسال الله الذی
قدر علی فراق مکانک ان لا یجعله اخر العهد منی و من رجوعی
و اسئل الله الذی ابکی علیک عینی ان یجعله لی سببا
و ذخرا و اسال الله الذی ارانی مکانک و هدانی للتسلیم

عليك وزيارتي اياك ان يوردني حوضكم و
يرزقني مرافقتكم في الجنان السلام عليك يا
صفوة الله السلام على امير المؤمنين ووصي رسول رب
العالمين وقائد الغر المحجلين السلام على الحسن و
الحسين سيدي شباب اهل الجنة السلام على علي
بن الحسين سيد الساجدين ومحمد بن علي باقر علم
الاولين والآخرين وجعفر بن محمد الصادق البار
الامين وموسى بن جعفر الكاظم الحليم وعلي بن موسى
الرضا العليم ومحمد بن علي التقي الجواد وعلي بن محمد
النقي الهادي والحسن بن علي العسكري والحجة
القائم المنتظر ورحمة الله وبركاته السلام على ملائكة
الله الباقين السلام على الملائكة المقيمين المسبحين
الذين بامره يعملون السلام علينا وعلى عباد الله
الصالحين اللهم لا تجعله آخر العهد من زيارتي
اياه فان جعلته فاحشرني معه ومع آبائه الماضين

وان ابقیتنی یا ربّ فارزقنی زیارته ابدا ما ابقیتنی
انّک علی کلّ شیءٍ قدیر و میگویی استودعک اللّٰه
واسترعیک واقرء علیک السّلام آمنّا باللّٰه وبما
دعوت الیه اللّهمّ فاکتبنا مع الشّاهدین
اللّهمّ فارزقنی حبّهم ومودّتهم ابدا ما ابقیتنی
السّلام منّی ابدا ما بقیت ودائما اذا فنیت السّلام
علینا وعلی عباد اللّٰه الصّالحین و چون از روضهٔ
مقدّسه بیرون آیی پشت بجانب قبر مکن تا از نظر
تو پنهان شود و شیخ مفید علیه الرّحمه ذکر کرده است
که مستحبّست بعد از نماز زیارت حضرت امام رضا علیه
السّلام این دعا بخوانند اللّهمّ انّی اسئلک یا
اللّٰه الدّائم فی ملکه القائم فی عزّه المطاع فی
سلطانه المتفرّد فی کبریائه المتوحّد فی دیمومیّة
بقائه العادل فی بریّته العالم فی قضیّته الکریم
فی تاخیر عقوبته الٰهی حاجاتی مصروفة الیک و

آمالي موقوفة لديك وكلما وفقتني من خير
فانت دليلي عليه وطريقي اليه يا قديرا لا تؤوده
المطالب يا مليا يلجأ اليه كل راغب ما زلت
مصحوبا منك بالنعم جاريا على عادات الاحسان
والكرم اسئلك بالقدرة النافذة في جميع
الاشياء وقضائك المبرم الذي تحجبه بايسر
الدعاء وبالنظرة التي نظرت بها الى الجبال فتشامخت
والى الارضين فتسطحت والى السموات فارتفعت و
الى البحار فتفجرت يا من جل عن ادوات لحظات البشر
ولطف عن دقائق خطرات الفكر لا تحمد يا سيدي
الا بتوفيق منك يقتضي حمدا ولا تشكر على اصغر
منة الا استوجبت بها شكرا فمتى تحصى نعماؤك
يا الهي وتجازى آلاؤك يا مولاي وتكافى صنائعك
يا سيدي ومن نعمك تحمد الحامدون ومن شكرك
تشكر الشاكرون وانت المعتمد للذنوب في عفوك

والناشر على الخاطئين جناح سترك وانت الكاشف
للضرّ سيدك فكم من سيّئة اخفاها حلمك
حتّى دخلت وحسنة ضاعفها فضلك حتّى عظمت
عليها مجازاتك جللت ان يخاف منك الّا العدل
وان يرجا منك الّا الاحسان والفضل فامنن
علىّ بما اوجبه فضلك ولا تخذلنى بما يحكم
به عدلك سيّدى لو علمت الارض بذنوبى لساخت
بى او الجبال لهدّتنى او السموات لاختطفتنى او البحار
لاغرقتنى سيّدى سيّدى سيّدى مولاى مولاى
مولاى قد تكرّر وقوفى لضيافتك فلا تحرمنى ما وعدت
المتعرّضين لمسألتك يا معروف العارفين يا معبود
العابدين يا مشكور الشاكرين يا جليس الذاكرين
يا محمود من حمده يا موجود من طلبه يا موصوف من
وحّده يا محبوب من احبّه يا غوث من اراده يا مقصود
من اناب اليه يا من لا يعلم الغيب الّا هو يا من لا

يصرف السوء الا هو يا من لا يدبر الامر الا هو
يا من لا يغفر الذنب الا هو يا من لا يخلق الخلق الا
هو يا من لا ينزل الغيث الا هو صل على محمد وال محمد
واغفر لي يا خير الغافرين رب اني استغفرك استغفا
حياء واستغفرك استغفار رجاء واستغفرك
استغفار انابة واستغفرك استغفار رغبة
واستغفرك استغفار رهبة واستغفرك استغفا
طاعة واستغفرك استغفار ايمان واستغفرك
استغفار اقرار واستغفرك استغفار اخلاص و
استغفرك استغفار تقوى واستغفرك استغفار
توكل واستغفرك استغفار ذلة واستغفرك
استغفار عامل لك هارب منك اليك فصل على
محمد وال محمد وتب علي وعلى والدي بما تبت وتتوب
على جميع خلقك يا ارحم الراحمين يا من تسمى بالغفور
الرحيم يا من تسمى بالغفور الرحيم يا من تسمى بالغفور

الرحیم صل علی محمد و آل محمد و اقبل توبتی و زک
عملی و اشکر سعیی و ارحم ضراعتی و لا تحجب صوتی و لا
تخیب مسالتی یا غوث المستغیثین و ابلغ ائمتی سلامی
و دعائی و شفعهم فی جمیع ما سالتک و اوصل هدیتی
الیهم کما ینبغی لهم و زدهم من ذلک ما ینبغی لک باضعاف
لا یحصیها غیرک و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
و صلی الله علی اطیب المرسلین محمد و آله الطاهرین
و در بعضی از کتب نقل کرده اند از حسین بن احمد فقیه
رازی که هر که زیارت کند حضرت امام رضا علیه السلام
یا دیگری از ائمه علیهم السلام را پس نماز جعفر نزد قبر آن
حضرت بجا آورد برای او نوشته شود بهر رکعتی ثواب کسی
که هزار حج و هزار عمره بجا آورده باشد و هزار بنده آزاد کرده
باشد و هزار مرتبه در جهاد ایستاده باشد با پیغمبر مرسل
و بهر کامی ثواب صد حج و صد عمره و صد بنده آزاد کردن داشته
باشد و صد حسنه برای او نوشته شود و صد گناه از او محو شود

زیارت شهدا باسمهم [illegible] سید بن طاوس و شیخ
محمد بن المشهدی رضی الله عنهما روایت کرده اند از
ابن عیاش از عبد المنعم بغدادی که گفت بیرون
آمد از ناحیهٔ مقدسهٔ حضرت صاحب الامر صلوات
الله علیه که بسوی من بدست محمد بن غالب اصفهانی که
آنحضرت نوشته بودند که چون خواهی زیارت کنی شهدای
کربلا رضوان الله علیهم را بایست نزد پاهای حضرت
امام حسین علیه السلام که قبر علی بن الحسین علیهما
السلام در آنجاست و رو بسوی قبله کن بدرستی که اکثر
شهدا در آنجایند و اشاره کن بسوی قبر علی بن الحسین
و بگو اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَوَّلَ قَتیلٍ مِنْ نَسْلِ خَیْرِ سَلیلٍ
مِنْ سُلالَةِ اِبْرٰهیمَ الْخَلیلِ صَلَّی اللهُ عَلَیْکَ وَعَلیٰ اَبیکَ
اِذْ قالَ فیکَ قَتَلَ اللهُ قَوْماً قَتَلُوکَ یا بُنَیَّ ما اَجْراهُمْ
عَلَی الرَّحْمٰنِ وَعَلَی انْتِهاکِ حُرْمَةِ الرَّسُولِ عَلَی الدُّنْیا
بَعْدَکَ الْعَفا کَاَنّی بِکَ بَیْنَ یَدَیْهِ ماثِلاً وَلِلْکافِرینَ

قاتلا انا علی بن الحسین بن علی و نحن و بیت
الله اولی بالنبی اطعنکم بالرمح حتی ینثنی
اضربکم بالسیف احمی عن ابی ضرب غلام هاشمی
عربی والله لا یحکم فینا ابن الداعی حتی قضیت
نحبک ولقیت ربک اشهد انک اولی بالله و
برسوله وانک ابن رسوله وابن حجته وامینه
حکم الله لک علی قاتلک مرة بن منقذ بن
النعمان العبدی لعنه الله واخزاه ومن شرکه
فی قتلک وکانوا علیک ظهیرا واصلاهم الله
جهنم وساءت مصیرا وجعلنا الله من ملاقیک
ومرافقیک ومرافقی جدک وابیک وعمک و
اخیک وامک المظلومة وابرا الی الله من قاتلیک
واسئل الله مرافقتک فی دار الخلود وابرا الی
الله من اعدائک اولی الجحود والسلام علیک و
رحمة الله وبرکاته السلام علی عبدالله الحسین

الطفل الرضيع المرمي الصريع المتشحط دما المصعد
دمه في السماء المذبوح بالسهم في حجر ابيه لعن
الله راميه حرملة ابن كاهل الاسدي وذويه
السلام على عبد الله بن امير المؤمنين مبلى البلاء و
المنادي بالولاء في عرصة كربلا المضروب مقبلا
ومدبرا لعن الله امه قاتله هاني ابن ثبيت الحضرمي
السلام على ابي الفضل العباس بن امير المؤمنين
المواسي اخاه بنفسه الآخذ لغده من امسه الفادي
له الواقي الساعي اليه بمائه المقطوعة يداه لعن الله
قاتليه يزيد بن وقاد وحكيم بن الطفيل الطائي
السلام على جعفر بن امير المؤمنين الصابر نفسه محتسبا
والنائي عن الاوطان مغتربا المستسلم للقتال
المستقدم للنزال المكثور بالرجال لعن الله قاتله
هان بن ثبيت الحضرمي السلام على عثمان بن
امير المؤمنين سمي عثمان بن مطعون لعن الله راميه

بالسهم خولى بن يزيد الاصبحي الايادي والابانى
الدارمي السلام على محمد بن امير المؤمنين قتيل
الابانى الدارمي لعنه الله وضاعف عليه العذاب
الاليم وصلى الله عليك يا محمد وعلى اهل بيتك
الصابرين السلام على ابى بكر بن الحسن الزكى الولى
المرمى بالسهم الردى لعن الله قاتله عبد الله بن
عقبة الغنوى السلام على عبد الله بن الحسن بن
على الزكى لعن الله قاتله وراميه حرملة بن كاهل
الاسدى السلام على القاسم بن الحسن بن على
المضروب هامته المسلوب لامته حين نادى الحسين
عمه فجلى عليه عمه كالقصر وهو يفحص برجله التراب
والحسين يقول بعدا لقوم قتلوك ومن خصمهم
يوم القيمة جدك وابوك ثم قال عز والله على عمك
ان تدعوه فلا يجيبك او يجيبك وانت قتيل جديل
فلا ينفعك هذا والله يوم كثر واتره وقل ناصره

جعلني الله معكما يوم جمعكما وبوّاني مبوّأكما
ولعن الله قاتلك عمرو بن سعد بن نفيل الازدي
واصلاه جحيما واعدّ له عذابا اليما السّلام على
عون بن جعفر الطيّار في الجنان حليف الايمان
ومنازل الاقران النّاصح للرّحمن التّالي للمثاني و
القرآن لعن الله قاتله عبد الله بن قطبة النّبهاني
السّلام على محمّد بن عبد الله بن جعفر الشّاهد
مكان ابيه والتّالي لاخيه وواقيه ببدنه لعن الله
قاتله عامر بن نهشل التّميمي السّلام على جعفر بن
عقيل لعن الله قاتله وراميه بشر بن خوط الهمداني
السّلام على عبد الرحمن بن عقيل لعن الله قاتله وراميه
عمر بن خالد بن اسد الجهني السّلام على القتيل بن
القتيل عبد الله بن مسلم بن عقيل ولعن الله قاتله
عامر بن صعصعة السّلام على ابي عبد الله بن مسلم
بن عقيل ولعن الله راميه وقاتله عمرو بن صبيح الصّيداوي

السلام على محمد بن ابي سعيد بن عقيل ولعن
الله قاتله لقيط بن ناشر الجهني السلام على سليمان
مولى الحسين بن امير المؤمنين ولعن الله قاتله سليمان
بن عوف الحضرمي السلام على قارب مولى الحسين
بن علي السلام على منجح مولى الحسين بن علي السلام
على مسلم بن عوسجة الاسدي القائل للحسين وقد
اذن له في الانصراف نحن نخلي عنك وبم نعتذر الى الله
من اداء حقك ولا والله حتى اكسر في صدورهم
ومحي واضربهم بسيفي ما ثبت قائمه في يدي ولا
افارقك ولو لم يكن معي سلاح اقاتلهم به لقذفتهم
بالحجارة ثم لم افارقك حتى اموت معك وكنت اول
من شرى نفسه واول شهيد من شهداء الله قضى
نحبه ففزت ورب الكعبة وشكر الله لك استقد[امك]
ومواساتك امامك اذ مشى اليك وانت صريع
فقال يرحمك الله يا مسلم بن عوسجة وقرا فمنهم من

قضى نحبه ومنهم من ينتظر وما بدّلوا تبديلا
لعن الله المشركين في قتلك عبد الله الضّبابيّ
وعبد الله بن خشكارة البجليّ السّلام على سعد
بن عبد الله الحنفيّ القائل للحسين وقد اذن له في
الانصراف لا والله لا نخليك حتّى يعلم الله انّا قد
حفظنا غيبة رسول الله صلّى الله عليه وآله
فيك والله لو اعلم انّي اقتل ثمّ احيى ثمّ احرق ثمّ اذرى
ويفعل ذلك بي سبعين مرّة ما فارقتك حتّى
القا حمامي دونك وكيف لا افعل ذلك وانّما
هي موتة او قتلة واحدة ثمّ هي الكرامة
الّتي لا انقضاء لها ابدا فقد لقيت حمامك و
واسيت امامك ولقيت امامك ولقيت من
الله الكرامة في دار المقامة حشرنا الله معكم
ايّاكم المستشهدين ورزقنا مرافقتكم في اعلا علّيّين
السّلام على بشر بن عمر الحضرميّ شكر الله لك

قولك للحسين وقد اذن لك في الانصراف اكلتني
اذن السباع حيا اذا فارقتك واسئل عنك
الركبان واخذلك مع قلة الاعوان لا يكون
هذا ابدا السلام على يزيد بن حصين الهمداني
المشرقي القاري المجدل السلام على عمران
بن كعب الانصاري السلام على زهير بن القين
البجلي القائل للحسين عليه السلام وقد اذن
له في الانصراف لا والله لا يكون ذلك ابدا
اترك ابن رسول الله صلى الله عليه واله اسيرا
في يد الاعداء وانجو انا لا اراني الله ذلك اليوم
السلام على عمرو بن قرظة الانصاري السلام
على حبيب بن مظاهر الاسدي السلام على
الحر بن يزيد الرياحي السلام على عبد الله بن عمير
الكلبي السلام على نافع بن هلال البجلي المرادي
السلام على انس بن كاهل الاسدي السلام

على قيس بن مسهر الصيداوي السلام على عبد الله
وعبد الرحمن بن عروة بن حراق الغفاريين السلام
على جون مولى ابي ذر الغفاري السلام على شبيب بن
عبد الله النهشلي السلام على الحجاج بن زيد السعدي
السلام على قاسط وكرش ابني زهير التغلبيين
السلام على كنانة بن عتيق السلام على
ضراغامة بن مالك السلام على جوين بن مالك
الضبعي السلام على عمرو بن ضبيعة الضبعي
السلام على زيد بن ثبيت القيسي السلام على عبد
الله وعبيد الله ابني يزيد بن ثبيت القيسي السلام
على عامر بن مسلم السلام على قعنب بن عمرو النمري
السلام على سالم مولى عامر بن مسلم السلام على
سيف بن مالك السلام على زهير بن بشر الخثعمي
السلام على بدر بن معقل الجعفي السلام على الحجاج
بن مسروق الجعفي السلام على مسعود بن الحجاج و

ابنه السّلام على مجمع بن عبد الله العائذيّ
السّلام على عمّار بن حسّان بن شريح الطّائي السّلام
على حيّان بن الحارث السّلماني الازديّ السّلام
على جندب بن حجر الخولانيّ السّلام على عمر بن
خالد الصّيداويّ السّلام على سعيد مولاه السّلام
على يزيد بن زياد بن المظاهر الكنديّ السّلام على
زاهر مولى عمرو بن الحمق الخزاعيّ السّلام على جبلة بن
عليّ الشّيبانيّ السّلام على سالم مولى بني المدينة الكلبي
السّلام على اسلم بن كثير الازديّ السّلام على زهير
بن سليم الازديّ السّلام على قاسم بن حبيب الازديّ
السّلام على عمر بن الاحدوث الحضرميّ السّلام على
ابي ثمامة عمر بن عبد الله الصّائديّ السّلام على حنظلة
بن اسعد الشّاميّ السّلام على عبد الرّحمن بن عبد الله
بن الكدن الارحبيّ السّلام على عمّار بن ابي سلامة
الهمدانيّ السّلام على عابس بن شبيب الشّاكريّ

السَّلامُ عَلی شَوْذَبٍ مَوْلی شاکِرٍ السَّلامُ عَلی
شَبیبِ بْنِ الْحارِثِ بْنِ سَریعٍ السَّلامُ عَلی مالِکِ
بْنِ عَبْدِ بْنِ سَریعٍ السَّلامُ عَلَی الْجَریحِ الْماسُورِ سَوّارِ
بْنِ اَبی حُمَیْرٍ الْفَهْمِیِّ الْهَمْدانِیِّ السَّلامُ عَلَی الْمُرَتَّثِ مَعَهُ
عُمَرَ بْنِ عَبْدِ اللهِ الْجُنْدَعِیِّ السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا خَیْرَ اَنْصارٍ
السَّلامُ عَلَیْکُمْ بِما صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَی الدّارِ بَوَّاَکُمُ
اللهُ مُبَوَّءَ الْاَبْرارِ اَشْهَدُ لَقَدْ کَشَفَ اللهُ لَکُمُ الْغِطاءَ
وَمَهَّدَ لَکُمُ الْوِطاءَ وَاَجْزَلَ لَکُمُ الْعَطاءَ وَکُنْتُمْ عَنِ
الْحَقِّ غَیْرَ بِطاءٍ وَاَنْتُمْ فَرَطٌ وَنَحْنُ لَکُمْ خُلَطاءُ فی دارِ
الْبَقاءِ وَالسَّلامُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ

شرح دعای توسل

در بعضی از کتب معتبره نقل کرده
اند از محمد بن بابویه رضی الله عنه که این دعای توسل را
از ائمه علیهم السلام روایت کرده است و گفته است
که در هیچ امری نخواندم مگر اثر اجابت را زودی
یافتم

دعای توسل

اللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ وَاَتَوَجَّهُ اِلَیْکَ

بنبيك نبي الرحمة محمد صلى الله عليه وآله يا
ابا القاسم يا رسول الله يا امام الرحمة يا سيدنا
ومولانا انا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا
بك الى الله وقدمناك بين يدى حاجاتنا يا وجيها
عند الله يا ابا الحسن يا امير المؤمنين يا على بن
ابى طالب يا حجة الله على خلقه يا سيدنا ومولانا
انا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله
وقدمناك بين يدى حاجاتنا يا وجيها عند الله
اشفع لنا عند الله يا فاطمة الزهراء يا بنت محمد
يا قرة عين الرسول يا سيدتنا ومولاتنا انا
توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله و
قدمناك بين يدى حاجاتنا يا وجيهة عند الله
اشفعى لنا عند الله يا ابا محمد يا حسن بن على
ايها المجتبى يا ابن رسول الله يا حجة الله على خلقه
يا سيدنا ومولانا انا توجهنا واستشفعنا و

وتوسلنا

توسّلنا بك الى الله وقدّمناك بين يدى حاجاتنا

يا وجيهاً عند الله اشفع لنا عند الله يا ابا عبد

الله يا حسين بن علىّ ايها الشهيد يا ابن رسول

الله يا حجة الله على خلقه يا سيدنا ومولانا

انّا توجّهنا واستشفعنا وتوسّلنا بك الى

الله وقدّمناك بين يدى حاجاتنا يا وجيهاً

عند الله اشفع لنا عند الله يا زين العابدين

يا ابن رسول الله يا حجة الله على خلقه يا سيدنا

ومولانا انّا توجّهنا واستشفعنا وتوسّلنا

بك الى الله وقدّمناك بين يدى حاجاتنا يا

وجيهاً عند الله اشفع لنا عند الله يا ابا جعفر

يا محمّد بن علىّ ايها الباقر يا ابن رسول الله يا

حجّة الله على خلقه يا سيدنا ومولانا انّا

توجّهنا واستشفعنا وتوسّلنا بك الى الله

وقدّمناك بين يدى حاجاتنا يا وجيهاً عند الله

اشفع لنا عند الله يا ابا عبد الله يا جعفر بن
محمد ايها الصادق يا ابن رسول الله يا حجة
الله على خلقه يا سيدنا و مولانا انا توجهنا و استشفعنا
و توسلنا بك الى الله و قدمناك بين يدى
حاجاتنا يا وجيها عند الله اشفع لنا عند الله
يا ابا الحسن يا موسى بن جعفر ايها الكاظم
يا ابن رسول الله يا حجة الله على خلقه يا
سيدنا و مولانا انا توجهنا و استشفعنا و
توسلنا بك الى الله و قدمناك بين يدى حاجاتنا
يا وجيها عند الله اشفع لنا عند الله يا ابا
الحسن يا على بن موسى ايها الرضا يا ابن رسول
الله يا حجة الله على خلقه يا سيدنا و مولانا
انا توجهنا و استشفعنا و توسلنا بك الى الله
و قدمناك بين يدى حاجاتنا يا وجيها عند الله
اشفع لنا عند الله يا ابا جعفر يا محمد بن على ايها

الجواد یا ابن رسول الله یا حجة الله علی خلقه
یا سیدنا و مولانا انا توجهنا واستشفعنا و
توسلنا بک الی الله و قدمناک بین یدی حاجاتنا
یا وجیها عند الله اشفع لنا عند الله یا ابا الحسن
یا علی بن محمد ایها الهادی النقی یا ابن رسول
الله یا حجة الله علی خلقه یا سیدنا و مولانا
انا توجهنا واستشفعنا و توسلنا بک الی الله
وقدمناک بین یدی حاجاتنا یا وجیها عند الله
اشفع لنا عند الله یا ابا محمد یا حسن بن علی ایها
الزکی العسکری یا ابن رسول الله یا حجة الله
علی خلقه یا سیدنا و مولانا انا توجهنا و
استشفعنا و توسلنا بک الی الله وقدمناک
بین یدی حاجاتنا یا وجیها عند الله اشفع لنا
عند الله یا وصی الحسن والخلف الحجة ایها
القائم المنتظر یا ابن رسول الله یا حجة الله علی خلقه

يا سيّدنا و مولانا انّا توجّهنا و استشفعنا
و توسّلنا بك الى الله و قدّمناك بين يدي حاجاتنا
يا وجيهاً عند الله اشفع لنا عند الله پس حاجت
خود را بطلبد که بر آورده میشود ان شاء الله تعالی

و دعاء دیگر

وارد شده است که بعد از این بگوید
يا سادتي و يا موالي انّي توجّهت بكم ائمّتي و
عدّتي ليوم فقري و حاجتي الى الله و توسّلت بكم
الى الله و استشفعت بكم الى الله فاشفعوا لي
عند الله و استنقذوني من ذنوبي عند الله فانّكم
وسيلتي الى الله و بحبّكم و بقربكم ارجو نجاة
من الله فكونوا عند الله رجائي يا سادتي يا اولياء
الله صلّى الله عليهم اجمعين و لعن الله اعداء الله
ظالميهم من الاوّلين و الآخرين آمين ربّ العالمين

این دعای اعتصام است [illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

اللّهمّ انت الاوّل فليس قبلك شيءٌ وانت الاخر
فليس بعدك شيء يا كائنا قبل كلّ شيءٍ ويا
باقيا بعد كلّ شيءٍ ويا مكوّن كلّ شيءٍ يا من
هو اقرب اليّ من حبل الوريد يا من هو فعّالٌ لما
يريد يا من يحول بين المرء وقلبه يا من هو
بالمنظر الاعلى يا من ليس كمثله شيءٌ وهو
السّميع العليم يا من هو على كلّ شيءٍ قدير
اقض حاجاتي بحق محمّد واله الطّاهرين

دعا از دعاهای خواجه نصیر الدین طوسی علیه الرحمه

بسم الله الرّحمن الرّحيم

صلّ وسلّم وزد وبارك على النّبيّ الامّيّ
العربيّ الهاشميّ القرشيّ المكّيّ المدنيّ الابطحيّ
التّهاميّ السّيّد البهيّ السّراج المضيّ صاحب
الوقار والسّكينة المدفون بالمدينة العبد
المؤيّد والرّسول المسدّد المصطفى الامجد

المحمود الاحمد حبيب اله العالمين و سيد
المرسلين و خاتم النبيين و شفيع المذنبين و
رحمة للعالمين ابي القاسم محمد صلى الله عليه و
اله و سلم و السلام عليك و على الك يا
ابا القاسم يا رسول الله يا امام الرحمة يا شفيع الامة
يا سيدنا و مولانا انا توجهنا و استشفعنا و توسلنا
بك الى الله و قدمناك بين يدي حاجاتنا في الدنيا
و الاخرة يا وجيها عند الله اشفع لنا عند الله
صل و سلم و زد و بارك على السيد المطهر و
الامام المظفر و الشجاع الغضنفر ابي شبير و شبر
قاسم طوبى و سقر الانزع البطين الاشجع المتين الاشرف
المكين العالم المبين الناصر المعين ولي الدين
الوالي الولي السيد الرضي الامام الوصي الحاكم
بالنص الجلي المخلص الصفي المدفون بالغري ليث بني غالب
مظهر العجائب و مظهر الغرائب و مفرق الكتائب

والشهاب الثاقب والهزبر السالب ونقطة
دائرة المطالب اسد الله الغالب غالب كل
غالب ومطلوب كل طالب صاحب المفاخر و
المناقب امام المشارق والمغارب مولانا ومولى
الثقلين الامام بالحق ابي الحسنين امير المؤمنين
علي بن ابي طالب صلوات الله وسلامه عليه
الصلوة والسلام عليك يا ابا الحسن يا امير المؤمنين
يا علي بن ابي طالب يا اخا الرسول ويا زوج البتول
يا حجة الله على خلقه يا سيدنا ومولانا انا توجهنا
واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله وقدمناك
بين يدي حاجاتنا في الدنيا والاخرة يا وجيها عند
الله اشفع لنا عند الله اللهم صل وسلم وزد و
بارك على السيدة الجليلة الجميلة الكريمة
النبيلة المكروبة العليلة المعصومة المظلومة
ذات الاحزان الطويلة في المدة القليلة المدفونة

سرًّا والمغصوبة جهرًا والمجهولة قدرًا والمخفيّة
قبرًا سيّدة النّساء الإنسيّة الحوراء البتول
العذراء امّ الائمّة النّقباء النّجباء بنت خير
الانبياء فاطمة النّقيّة الزّهراء صلوات الله
وسلامه عليها والسّلام عليك وعلى
ذرّيّتك يا فاطمة الزّهراء يا بنت رسول الله ايّتها
البتول يا قرّة عين الرّسول يا بضعة النّبيّ يا
امّ السّبطين يا حجّة الله على خلقه يا سيّدتنا و
مولاتنا انّا توجّهنا واستشفعنا وتوسّلنا
بك الى الله وقدّمناك بين يدي حاجاتنا في الدّنيا
والاخرة يا وجيهة عند الله اشفعي لنا عند الله
اللّهمّ صلّ وسلّم وزد وبارك على السّيّد المجتبى
والامام المرتجى سبط المصطفى وابن المرتضى علم
الهدى العالم الرّفيع ذي الحسب المنيع والفضل
الجميع والشّرف الرّفيع الشّفيع ابن الشّفيع المقتول

بالسّمّ النّقيع المدفون بارض البقيع العالم
بالفرائض والسّنن صاحب الجود والمنن كاشف
الضّرّ والبلوى والمحن الّذى عجز عن عدّ مدائحه
لسان اللّسن الامام بالحقّ المؤتمن ابى محمّد
الحسن صلوات الله وسلامه عليه و
السّلام عليك يا ابا محمّد يا حسن بن علىّ ايّها
المجتبى يا ابن رسول الله يا ابن امير المؤمنين يا سيّد
شباب اهل الجنّة يا حجّة الله على خلقه يا سيّدنا
ومولانا انّا توجّهنا واستشفعنا وتوسّلنا بك
الى الله وقدّمناك بين يدى حاجاتنا فى الدّنيا
والاخرة يا وجيها عند الله اشفع لنا عند الله
صلّ وسلّم وزد وبارك على السّيّد الزّاهد والامام
العابد الرّاكع السّاجد زين المنابر والمساجد
ولىّ الملك الماجد وقتيل الكافر الجاحد صاحب
المحنة والكرب والبلاء المدفون بارض كربلاء

سبط رسول الثقلين ونور العينين ابن امير المؤمنين
وسيد الوصيين مولانا ومولى الكونين
الامام بالحق ابي عبد الله الحسين صلوات الله و
سلامه عليه الثاني والسلام عليك يا ابا عبد
الله يا حسين بن علي ايها الشهيد يا ابن رسول
الله يا ابن امير المؤمنين يا ابن فاطمة الزهراء يا
سيد شباب اهل الجنة يا ابا الائمة الاطهار يا
حجة الله على خلقه يا سيدنا ومولانا انا توجهنا
واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله وقدمناك بين
يدي حاجاتنا في الدنيا والاخرة يا وجيها عند الله
اشفع لنا عند الله اللهم صل وسلم وزد وبارك
على ابي الائمة وسراج الامة وكاشف الغمة
ومحيي السنة وسني الهمة ورفيع الرتبة وانيس
الكربة وصاحب الندبة المدفون بارض
طيبة المبرء من كل شين الامام بالحق زين العابدين

ابی محمد علی بن الحسین صلوات الله وسلامه
علیه الصلوة والسلام علیک یا ابا محمد
یا علی بن الحسین یا زین العابدین ایها السجاد
یا ابن رسول الله یا ابن امیر المؤمنین یا حجة
الله علی خلقه یا سیدنا ومولانا انا توجهنا
واستشفعنا وتوسلنا بک الی الله وقدمناک
بین یدی حاجاتنا فی الدنیا والاخرة یا وجیها
عند الله اشفع لنا عند الله اللهم صل وسلم
وزد وبارک علی قمر الاقمار ونور الانوار وقائد
الاخیار وسید الابرار الطهر الطاهر والنجم
الزاهر والبدر الباهر والبحر الزاخر والدر الفاخر
السید الوجیه الامام النبیه المدفون عند
جده وابیه الحبر الملی عند العدو والولی
الامام بالحق الازلی ابی جعفر محمد بن علی صلوات
الله وسلامه علیه الصلوة والسلام علیک

يا ابا جعفر يا محمد بن علي ايها الباقر يا ابن رسول
الله يا ابن امير المؤمنين يا حجة الله على خلقه
يا سيدنا ومولانا انا توجهنا واستشفعنا
وتوسلنا بك الى الله وقدمناك بين يدي حاجاتنا
في الدنيا والآخرة يا وجيها عند الله اشفع
لنا عند الله صل وسلم وزد وبارك
على السيد الصادق الصديق العالم الوثيق
الحليم الشفيق الهادي الى الطريق الساقي شيعته من
الرحيق ومبلغ اعدائه الى الحريق صاحب الشرف
الرفيع والحسب المنيع والفضل الجميع المدفون
بارض البقيع المهذب المؤيد الامام الممجد
الامجد ابي عبد الله جعفر بن محمد صلوات الله
وسلامه عليه والسلام عليك يا ابا عبد
الله يا جعفر بن محمد ايها الصادق يا ابن رسول
الله يا ابن امير المؤمنين يا حجة الله على خلقه

يا سيدنا و مولانا انا توجهنا و استشفعنا و
توسلنا بك الى الله وقدمناك بين يدى حاجاتنا
فى الدنيا والاخرة يا وجيها عند الله اشفع
لنا عند الله اللهم صل وسلم وزد وبارك
على السيد الكريم والامام الحليم وسمى
الكليم والصابر الكظيم قائد صاحب العسكر
والجيش المدفون بمقابر قريش صاحب الشرف الانور
والمجد الاظهر والجبين الازهر الامام بالحق ابى
ابرهيم موسى بن جعفر صلوات الله وسلامه عليه
الصلوة والسلام عليك يا ابا ابرهيم موسى بن
جعفر ايها الكاظم ايها العبد الصالح يا ابن
رسول الله يا ابن امير المؤمنين يا حجة الله على
خلقه يا سيدنا و مولانا انا توجهنا واستشفعنا
وتوسلنا بك الى الله وقدمناك بين يدى حاجاتنا
فى الدنيا والاخرة يا وجيها عند الله اشفع لنا

عِنْدَ اللّٰهِ اللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى
السَّيِّدِ الْمَعْصُومِ وَالْإِمَامِ الْمَظْلُومِ وَالشَّهِيدِ
الْمَسْمُومِ وَالْغَرِيبِ الْمَغْمُومِ وَالْقَتِيلِ الْمَحْرُومِ
عَالِمِ عِلْمِ الْمَكْتُومِ بَدْرِ النُّجُومِ شَمْسِ الشُّمُوسِ
وَأَنِيسِ النُّفُوسِ الْمَدْفُونِ بِأَرْضِ طُوسَ الرَّضِيِّ
الْمُرْتَضَى الْمُرْتَجَى الْمُجْتَبَى الْإِمَامِ بِالْحَقِّ أَبِي الْحَسَنِ
عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا صَلَوَاتُ اللّٰهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ
الصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ
مُوسَى أَيُّهَا الرِّضَا يَا ابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ يَا ابْنَ أَمِيرِ
الْمُؤْمِنِينَ يَا حُجَّةَ اللّٰهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَ
مَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ
إِلَى اللّٰهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللّٰهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللّٰهِ
اللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الْعَالِمِ
الْعَامِلِ الْفَاضِلِ الْكَامِلِ الْعَادِلِ الْبَاذِلِ الْأَجْوَدِ

الجواد العارف باسرار المبدء والمعاد ولكل
قوم هاد مناص المحبين يوم يناد المناد المدفون
بارض بغداد السيد العربي والامام الاحمدي
والنور المحمدي الملقب بالتقي الامام بالحق ابي جعفر
محمد بن علي صلوات الله وسلامه عليه
الصلوة والسلام عليك يا ابا جعفر يا محمد بن
علي ايها التقي الجواد يا ابن رسول الله يا ابن امير
المؤمنين يا حجة الله على خلقه يا سيدنا و
مولانا انا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا
بك الى الله وقدمناك بين يدي حاجاتنا في
الدنيا والاخرة يا وجيها عند الله اشفع لنا
عند الله اللهم صل وسلم وزد وبارك على
الامامين الهمامين التمامين السيدين السندين
العالمين العاملين الفاضلين الكاملين البازلين
العادلين النورين النيرين الشمسين القمرين

الكوكبين وارثي المشعرين واهلي الحرمين
كهفي التقى غوثي الورى بدري الدجى طودي
النهى علمي الهدى المدفونين بسرّ من راى
كاشفي البلوى والمحن صاحبي الجود والمنن
الامامين بالحق ابي الحسن علي بن محمد وابي محمد
الحسن صلوات الله وسلامه عليهما
والسلام عليكما يا ابا الحسن يا علي بن محمد
ايها النقي الهادي يا ابا محمد يا حسن بن علي ايها
الزكي العسكري يا ابني رسول الله يا ابني
امير المؤمنين يا حجتي الله على الخلق اجمعين يا سيدينا
ومولينا انا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا
بكما الى الله وقدمناكما بين يدي حاجاتنا
في الدنيا والاخرة يا وجيهين عند الله اشفعا
لنا عند الله اللهم صل وسلم وزد وبارك على
صاحب الدعوة النبوية والصولة الحيدرية و

المعصمة

العِصمة الفاطمية والحلم الحسنية والشجاعة
الحسينية والعبادة السجادية والمآثر الباقرية
والآثار الجعفرية والعلوم الكاظمية و
الحجج الرضوية والجود التقوية والنقاوة النقوية
والهيبة العسكرية والغيبة الالهية القائم
بالحق والداعي الى الصدق المطلق كلمة الله و
امان الله وحجة الله القائم بامر الله المقسط لدين
الله الغالب بامر الله والذاب عن حرم الله وقاطع
البرهان وخليفة الرحمن ومظهر الايمان وسيد
الانس والجان امام السر والعلن الامام بالحق
ابي القاسم محمد بن الحسن صاحب العصر والزمان
صلوات الله وسلامه عليه وعليهم اجمعين
والسلام عليك يا وصي الحسن والخلف
الصالح يا امام زماننا ايها القائم المنتظر المهدي
يا ابن رسول الله يا ابن امير المؤمنين يا امام المسلمين

يا حجة الله على خلقه يا سيدنا ومولانا انا

توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله

وقدمناك بين يدى حاجاتنا فى الدنيا والاخرة

يا وجيها عند الله اشفع لنا عند الله اللهم

ان هؤلاء ائمتنا وسادتنا وكبراؤنا و

شفعاؤنا بهم نتولى ومن اعدائهم نتبرا فى

الدنيا والاخرة اللهم وال من والاهم وعاد

من عاداهم وانصر من نصرهم واخذل من

خذلهم والعن على من ظلمهم وانصر شيعتهم

واغضب على من جحدهم واهلك عدوهم من

الجن والانس من الاولين والاخرين الى يوم الدين

اللهم زدنا محبتهم وارزقنا شفاعتهم واحشرنا

معهم وفى زمرتهم وتحت لواء دولة محمد صلى

الله عليه واله سيد الاولين والاخرين بفضلك

وكرمك وجودك واحسانك ورحمتك

يا ارحم الراحمين وصلى الله على محمد و
اله المعصومين الطيبين الطاهرين والحمد لله
رب العالمين اللهم صل
على محمد وال محمد وفرج عنا بهم كل غم و
اكشف عنا بهم كل هم واقض لنا بهم كل
حاجة من حوائج الدنيا والاخرة اللهم صل
على محمد وال محمد واعذنا بهم من شر ما خلقت
اللهم صل على محمد وال محمد واحفظ بهم غربتنا
واستر بهم عورتنا واكفنا بهم بغى من بغى
علينا وانصرنا بهم على من عادانا واعذنا بهم
من شر الشيطان الرجيم ومن جور السلطان
العنيد اللهم صل على محمد وال محمد واجعلنا
بهم في سترك وفي حفظك وفي كنفك وحرزك
وفي امانك عز جارك وجل ثناؤك ولا اله غيرك
توكلت على الحي الذي لا يموت والحمد لله الذي

لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك في الملك
ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا وحسبنا
الله وحده والصلوة والسلام على خير خلقه
محمد واله وعترته اجمعين وسلم تسليما كثيرا كثيرا

هذا دعاء عظيم جليل يسمى بدعاء الصحيفة

سبحان الله العظيم وبحمده سبحانه من اله ما اقدره
وسبحانه من قدير ما اعظمه وسبحانه من عظيم ما
اجله وسبحانه من جليل ما امجده وسبحانه من
ماجد ما ارأفه وسبحانه من رؤف ما اعزه و
سبحانه من عزيز ما اكبره وسبحانه من كبير
ما اقدمه وسبحانه من قديم ما اعلاه وسبحانه من
عال ما اسناه وسبحانه من سني ما ابهاه و
سبحانه من بهي ما انوره وسبحانه من منير ما
اظهره وسبحانه من ظاهر ما اخفاه وسبحانه
من خفي ما اعلمه وسبحانه من عليم ما اخبره وسبحانه

مِنْ خَبِيرٍ مَا اَكْرَمَهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ كَرِيمٍ مَا اَلْطَفَهُ
وَسُبْحَانَهُ مِنْ لَطِيفٍ مَا اَبْصَرَهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ بَصِيرٍ مَا
اَسْمَعَهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ سَمِيعٍ مَا اَحْفَظَهُ وَسُبْحَانَهُ
مِنْ حَفِيظٍ مَا اَمْلَاهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ مَلِيٍّ مَا اَوْفَاهُ وَ
سُبْحَانَهُ مِنْ وَفِيٍّ مَا اَغْنَاهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ غَنِيٍّ مَا اَعْطَاهُ
وَسُبْحَانَهُ مِنْ مُعْطٍ مَا اَوْسَعَهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ وَاسِعٍ
مَا اَجْوَدَهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ جَوَادٍ مَا اَفْضَلَهُ وَسُبْحَانَهُ
مِنْ مُفْضِلٍ مَا اَنْعَمَهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ مُنْعِمٍ مَا اَسْيَدَهُ
وَسُبْحَانَهُ مِنْ سَيِّدٍ مَا اَرْحَمَهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ رَحِيمٍ
مَا اَشَدَّهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ شَدِيدٍ مَا اَقْوَاهُ وَسُبْحَانَهُ
مِنْ قَوِيٍّ مَا اَحْلَمَهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ حَلِيمٍ مَا اَبْطَشَهُ
وَسُبْحَانَهُ مِنْ بَاطِشٍ مَا اَقْوَمَهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ قَيُّومٍ مَا
اَدْوَمَهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ دَائِمٍ مَا اَبْقَاهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ
بَاقٍ مَا اَفْرَدَهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ فَرْدٍ مَا اَوْحَدَهُ وَسُبْحَانَهُ
مِنْ وَاحِدٍ مَا اَصْمَدَهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ صَمَدٍ مَا اَمْلَكَهُ

وَسُبْحَانَهُ مِنْ مَالِكٍ مَا أَوْلَاهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ وَلِيٍّ
مَا أَعْظَمَهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ عَظِيمٍ مَا أَكْمَلَهُ وَسُبْحَانَهُ
مِنْ كَامِلٍ مَا أَتَمَّهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ تَامٍّ مَا أَعْجَبَهُ وَ
سُبْحَانَهُ مِنْ عَجِيبٍ مَا أَفْخَرَهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ فَاخِرٍ مَا
أَبْعَدَهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ بَعِيدٍ مَا أَقْرَبَهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ
قَرِيبٍ مَا أَمْنَعَهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ مَانِعٍ مَا أَغْلَبَهُ وَ
سُبْحَانَهُ مِنْ غَالِبٍ مَا أَعْفَاهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ عَفُوٍّ
مَا أَحْسَنَهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ مُحْسِنٍ مَا أَجْمَلَهُ وَسُبْحَانَهُ
مِنْ جَمِيلٍ مَا أَقْبَلَهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ قَابِلٍ مَا أَشْكَرَهُ
وَسُبْحَانَهُ مِنْ شَكُورٍ مَا أَغْفَرَهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ غَفُورٍ
مَا أَكْبَرَهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ كَبِيرٍ مَا أَجْبَرَهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ
جَبَّارٍ مَا أَدْيَنَهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ دَيَّانٍ مَا أَقْضَاهُ وَ
سُبْحَانَهُ مِنْ قَاضٍ مَا أَمْضَاهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ مَاضٍ مَا
أَنْفَذَهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ نَافِذٍ مَا أَرْحَمَهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ
رَحِيمٍ مَا أَخْلَقَهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ خَالِقٍ مَا أَقْهَرَهُ وَسُبْحَانَهُ

مِنْ قاهِرٍ ما اَمْلَكَهُ وَسُبْحانَهُ مِنْ مالِكٍ ما
اَقْدَرَهُ وَسُبْحانَهُ مِنْ قادِرٍ ما اَرْفَعَهُ وَسُبْحانَهُ
مِنْ رَفيعٍ ما اَشْرَفَهُ وَسُبْحانَهُ مِنْ شَريفٍ ما
اَرْزَقَهُ وَسُبْحانَهُ مِنْ رازِقٍ ما اَقْبَضَهُ وَسُبْحانَهُ
مِنْ قابِضٍ ما اَبْسَطَهُ وَسُبْحانَهُ مِنْ باسِطٍ ما اَهْداهُ
وَسُبْحانَهُ مِنْ هادٍ ما اَصْدَقَهُ وَسُبْحانَهُ مِنْ صادِقٍ
ما اَبْداهُ وَسُبْحانَهُ مِنْ بادٍ ما اَقْدَسَهُ وَسُبْحانَهُ
مِنْ قُدُّوسٍ ما اَطْهَرَهُ وَسُبْحانَهُ مِنْ طاهِرٍ ما اَزْكاهُ
وَسُبْحانَهُ مِنْ زَكِيٍّ ما اَبْقاهُ وَسُبْحانَهُ مِنْ باقٍ
ما اَعْوَدَهُ وَسُبْحانَهُ مِنْ مُعيدٍ ما اَفْطَرَهُ وَسُبْحانَهُ
مِنْ فاطِرٍ ما اَوْهَبَهُ وَسُبْحانَهُ مِنْ وَهّابٍ ما اَتْوَبَهُ
وَسُبْحانَهُ مِنْ تَوّابٍ ما اَسْخاهُ وَسُبْحانَهُ مِنْ سَخِيٍّ
ما اَنْصَرَهُ وَسُبْحانَهُ مِنْ نَصيرٍ ما اَسْلَمَهُ وَسُبْحانَهُ
مِنْ سَلامٍ ما اَشْفاهُ وَسُبْحانَهُ مِنْ شافٍ ما اَنْجاهُ
وَسُبْحانَهُ مِنْ مُنْجٍ ما اَبَرَّهُ وَسُبْحانَهُ مِنْ بارٍّ ما اَطْلَبَهُ

وسبحانه من طالب ما ادركه وسبحانه
من مدرك ما اشده وسبحانه من شديد ما
اعطفه وسبحانه من عطوف ما اعدله و
سبحانه من عادل ما اتقنه وسبحانه من متقن
ما احكمه وسبحانه من حكيم ما اكفله و
سبحانه من كفيل ما اشهده وسبحانه من شهيد
ما احمده وسبحانه هو الله العظيم وبحمده والحمد لله
ولا اله الا الله والله اكبر ولله الحمد ولا حول
ولا قوة الا بالله العلي العظيم دافع كل بلية
وهو حسبي ونعم الوكيل [illegible]
[illegible] حضرت رسول الله صلى الله عليه وآله
بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم اني اسئلك يا الله يا الله يا الله يا من علا
فقهر ويا من بطن فخبر ويا من ملك فقدر ويا
من عبد فشكر ويا من عصي فغفر ويا من لا

تحيط به الفكر ويا من لا يدركه بصر ويا
من لا يخفى عليه اثر يا عالي المكان يا شديد الاركان
يا منزل الفرقان يا مبدل الزمان يا قابل القربان يا
نير البرهان يا عظيم الشان يا ذا المن والاحسان
يا ذا العزة والسلطان يا رحيم يا رحمن يا رب
الارباب يا تواب يا وهاب يا معتق الرقاب يا
منشئ السحاب يا من حيث ما دعي اجاب يا مرخص
الاسعار يا منزل الامطار يا منبت الاشجار في
الارض القفار ومخرج الثمار يا دائم الثبات يا
مخرج النبات يا محيي الاموات يا مقيل العثرات
يا كاشف الكربات يا من لا تضجره الاصوات
ولا تشتبه عليه اللغات ولا تغشاه الظلمات
يا معطي السؤلات يا ولي الحسنات يا دافع البليات
يا قابل التوبات يا قابل الصدقات يا عالم الخفيات
يا مجيب الدعوات يا رافع الدرجات يا قاضي الحاجات

يا راحم العبرات يا منجح الطّلبات يا منزل البركات
يا جامع الشّتات يا رادّ ما كان فات يا جمال
الارضين والسّموات يا سابغ النّعم يا كاشف
الالم يا شافي السّقم يا معدن الجود والكرم
يا اجود الاجودين يا اكرم الاكرمين يا اسمع
السّامعين يا ابصر النّاظرين يا ارحم الرّاحمين يا
اقرب الاقربين يا اله العالمين يا غياث المستغيثين
يا جار المستجيرين يا متجاوزا عن المسيّئين يا من
لا يعجل على الخاطئين يا فكّاك المأسورين يا مفرّج
غمّ المغمومين يا جامع المتفرّقين يا مدرك الهاربين
يا غاية الطّالبين يا صاحب كلّ غريب يا مونس
كلّ وحيد يا راحم الشّيخ الكبير يا رازق الطّفل
الصّغير يا جابر العظم الكسير يا عصمة الخائف
المستجير يا من له التّدبير واليه التّقدير يا من
العسير عليه سهل يسير يا من هو بكلّ شيء

خبير

خبير يا من هو على كل شيء قدير يا خالق الشمس
والقمر المنير يا فالق الاصباح يا مرسل الرياح يا
باعث الارواح يا ذا الجود والسماح يا من بيده
كل مفتاح يا عماد من لا عماد له يا سند من
لا سند له يا ذخر من لا ذخر له يا عز من لا عز له
يا كنز من لا كنز له يا حرز من لا حرز له يا عون
من لا عون له يا ركن من لا ركن له يا غياث
من لا غياث له يا عظيم المن يا كريم العفو يا حسن
التجاوز يا واسع المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة
يا مبتدئا بالنعم قبل استحقاقها يا ذا الحجة
البالغة يا ذا الملك والملكوت يا ذا العزة
والجبروت يا من هو حي لا يموت اسئلك بعلمك
الغيوب وبمعرفتك ما في الضمائر والقلوب وبكل
وبكل اسم هو لك اصطفيته لنفسك او انزلته
في كتاب من كتبك او استأثرت به في علم الغيب

عِندَكَ وَ بِاَسْمآئِكَ الْحُسْنٰی كُلِّهَا حَتّٰی انْتَهٰی
اِلٰی اسْمِكَ الْاَعْظَمِ الَّذِی فَضَّلْتَهُ عَلٰی جَمِیعِ
اَسْمآئِكَ اَسْئَلُكَ بِهِ اَسْاَلُكَ بِهِ اَسْاَلُكَ بِهِ اَنْ
تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِهِ وَاَنْ تُیَسِّرَ لِی مِنْ اَمْرِی مَا اَخَافُ
عُسْرَهُ وَتُفَرِّجَ عَنِّی الْهَمَّ وَ الْغَمَّ وَ الْكَرْبَ وَمَا
ضَاقَ بِهِ صَدْرِی وَعِیلَ بِهِ صَبْرِی فَاِنَّهُ لَا یَقْدِرُ
عَلٰی فَرَجِی سِوَاكَ وَافْعَلْ بِی مَا اَنْتَ اَهْلُهُ یَا اَهْلَ
التَّقْوٰی وَ اَهْلَ الْمَغْفِرَةِ یَا مَنْ لَا یَكْشِفُ الْكَرْبَ
غَیْرُهُ وَلَا یُجَلِّی الْحُزْنَ سِوَاهُ وَلَا یُفَرِّجُ عَنِّی اِلَّا هُوَ
اكْفِنِی شَرَّ نَفْسِی خَاصَّةً وَشَرَّ النَّاسِ عَامَّةً وَ
اَصْلِحْ لِی شَأْنِی كُلَّهُ وَاَصْلِحْ لِی اُمُورِی وَاقْضِ حَوَائِجِی
وَاجْعَلْ لِی مِنْ اَمْرِی فَرَجًا وَمَخْرَجًا فَاِنَّكَ تَعْلَمُ وَلَا اَعْلَمُ
وَتَقْدِرُ وَلَا اَقْدِرُ وَاَنْتَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ بِرَحْمَتِكَ
یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ

ابن طاوس در درع الواقیه از حضرت رسول

صلّی الله علیه وآله روایت کرده که هرگاه ماه
نو ببینی تکبیر کن سه مرتبه وتهلیل کن سه مرتبه
الحمد لله الذی اذهب شهر کذا وجاء
بشهر کذا آمده است که اشاره بماه نکند
نه بدست ونه بسر ونه بسایر اعضا وجوارح ودو بجانب
ماه نایستد بلکه رو بقبله کند وهر دو دست را بلند
کند ودعا کند در همان مکان که ماه را دیده قبل از آنکه
از آن مکان حرکت کند که هر که در هنگام ماه
نو دیدن هفت مرتبه سورهٔ مبارکهٔ حمد بخواند ودست
بر چشمهای خود بمالد در آنماه از درد چشم ایمن باشد
معتبر وارد شده که نیکو لقمه ایست پنیر ذهن
را خوشبو میکند وهر که در اول ماه بخورد امید
هست که دعایش رد نشود در وقت رؤیت هلال
شهر رمضان المبارک سه مرتبه سورهٔ انّا فتحنا بخواند
ابواب رزق برای او گشاده شود تا آخر سال

امام بحق ناطق جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام
مرویست که هر که در شب اول هر ماه دو رکعت
نماز بگذارد در هر رکعت حمد و سورهٔ انعام بخواند
و از درگاه واهب العطایا استدعا نماید که اورا
از هر ترسی و المی نگاه دارد و از حضرت امام محمد تقی علیه
السلام منقولست که چون ماه تازه درآید در روز
اول ماه دو رکعت نماز بکن و در رکعت اول بعد از
حمد سی مرتبه سورهٔ قل هو الله احد و در رکعت
دویم بعد از حمد سی مرتبه سورهٔ انا انزلناه
بخوان و بعد از نماز تصدق بکن چون چنین کنی
سلامتی آنماه را از حق تعالی خریده
وارد شده است که مستحب است که بعد از این دو رکعت
این دعا را بخواند بسم الله الرحمن الرحیم
وما من دابة فی الارض الا علی الله رزقها و
یعلم مستقرها و مستودعها کل فی کتاب مبین

بسم الله الرحمن الرحيم وان يمسسك الله بضر
فلا كاشف له الا هو وان يردك بخير فلا
راد لفضله يصيب به من يشاء من عباده وهو
الغفور الرحيم بسم الله الرحمن الرحيم سيجعل
الله بعد عسر يسرا ما شاء الله لا قوة الا
بالله حسبنا الله ونعم الوكيل وافوض امری
الی الله ان الله بصير بالعباد لا اله الا انت سبحانك
انی كنت من الظالمين رب انی لما انزلت الی من
خير فقير رب لا تذرنی فردا وانت خير الوارثين
بوجوب این دعا قابل شده است
نزد رؤيت هلال الحمد لله الذی خلقنی وخلقك
وقدر منازلك وجعل مواقيت للناس اللهم
اهله علينا اهلالا مباركا اللهم ادخله
علينا بالسلامة والاسلام واليقين والايمان
والبر والتقوى والتوفيق لما تحب وترضى

ما تيسر [illegible] الهلال [illegible] على يدك اليسرى

بسم الله الرحمن الرحيم

محمد علي فاطمة الحسن الحسين علي

محمد جعفر موسى علي محمد علي

حسن مهدي عليهم السلام والصلوة

بسم الله الرحمن الرحيم

قل هو الله احد الله الصمد لم يلد ولم يولد

ولم يكن له ثم تقول هذا الدعا كفوا احد

اللهم ان الناس اذا نظروا الى الهلال نظر

بعضهم الى وجوه بعض وتبرك بعضهم ببعض

واني نظرت الى اسمائك واسم نبيك ووليك

واوليائك عليهم السلام والى كتابك فاعطني

كل الذي احب من الخير واصرف عني كل

ما احب ان تصرفه عني من الشر وزدني من فضلك

ما انت اهله برحمتك يا ارحم الراحمين

دعاء

دعای رؤیت هلال از صحیفهٔ کامله

أيها الخلق المطيع
الدائب السريع المتردد في منازل التقدير
المتصرف في فلك التدبير آمنت بمن نور بك
الظلم واوضح بك البهم وجعلك آية من آيات
ملكه وعلامة من علامات سلطانه وامتهنك
بالزيادة والنقصان والطلوع والافول والانارة
والكسوف في كل ذلك انت له مطيع والى
ارادته سريع سبحانه ما اعجب ما دبر في امرك
والطف ما صنع في شأنك جعلك مفتاح شهر
حادث لامر حادث فاسئل الله ربي وربك و
خالقي وخالقك ومقدري ومقدرك ومصوري
ومصورك ان يصلي على محمد وآله وان يجعلك
هلال بركة لا تمحقها الايام وطهارة لا تدنسها
الآثام هلال امن من الآفات وسلامة من السيئات
هلال سعد لا نحس فيه ويمن لا نكد معه

وَيُسْرٍ لَا يُمَازِجُهُ عُسْرٌ وَخَيْرٍ لَا يَشُوبُهُ شَرٌّ
هِلَالَ اَمْنٍ وَاِيمَانٍ وَنِعْمَةٍ وَاِحْسَانٍ وَسَلَامَةٍ وَ
اِسْلَامٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَاجْعَلْنَا مِنْ
اَرْضٰى مَنْ طَلَعَ عَلَيْهِ وَاَزْكٰى مَنْ نَظَرَ اِلَيْهِ وَاَسْعَدَ
مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ وَوَفِّقْنَا فِيهِ لِلتَّوْبَةِ وَاعْصِمْنَا
فِيهِ مِنَ الْحَوْبَةِ وَاحْفَظْنَا فِيهِ مِنْ مُبَاشَرَةِ مَعْصِيَتِكَ
وَاَوْزِعْنَا فِيهِ شُكْرَ نِعْمَتِكَ وَاَلْبِسْنَا فِيهِ جُنَنَ
الْعَافِيَةِ وَاَتْمِمْ عَلَيْنَا بِاسْتِكْمَالِ طَاعَتِكَ فِيهِ
الْمِنَّةَ اِنَّكَ الْمَنَّانُ الْحَمِيدُ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ
الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

سیّد جلیل ابن طاوس علیه الرّحمة در کتاب دروع الواقیه
از حضرت پیغمبر صلّی الله علیه وآله روایت کرده است
که کسی که خواهد حق تعالی شرّ دشمن را از او رفع کند باید
که متوجّه شود در شب اوّل ماه و نگاه کند بهلال و
بکشد دست خود را بجانب خانهٔ آن دشمن و سه مرتبه این

آیه را بخواند ایودّ احدکم ان تکون له جنّة من
نخیل و اعناب تجری من تحتها الانهار له فیها من
کلّ الثمرات واصابه الکبر وله ذرّیّة ضعفا
فاصابها اعصار فیه نار فاحترقت و بعد از آن
سه مرتبه این دعا بخواند اللّهمّ طمّه بالبلاء
طمًّا و عمّه بالبلاء عمًّا وارمه بحجارة من سجّیل
وطیر من ابابیل یا علیّ یا عظیم و اشاره کند در هر
مرتبه بجانب آن دشمن خدای تعالی شرّ آن دشمن را از او دفع
میکند ان شاء الله تعالی و باید که این عمل را بجا آورد در شب
اوّل ماه و در شب دویم آن ماه و در شب سیم آن ماه پس
اگر نفع کرد و مطلب حاصل شد خوب و الّا همین عمل را در
ماه ثالث بجا آورد که در ماه ثالث مطلب حاصل میشود
ان شاء الله تعالی و مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السّلم
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله چون ماه نو میدیدند
میگفتند ایّها المطیع الدّائب السّریع المتصرّف فی

ملكوت الجبروت بالتقدير ربي وربك
الله اللهم اهله علينا بالامن والايمان و
الاسلام والسلامة والاحسان وكما بلغتنا
اوله فبلغنا اخره واجعله شهرا مباركا
تمحو فيه السيات وتثبت لنا فيه الحسنات
وترفع لنا فيه الدرجات يا عظيم الخيرات
اللهم اهله علينا بالامن و
الايمان والسلامة والاسلام والعافية المجللة
والرزق الواسع ودفع الاسقام اللهم ارزقنا
صيامه وقيامه وتلاوة القران فيه اللهم
سلمه لنا وتسلمه منا وسلمنا فيه
اللهم بارك لنا في رجب وشعبان
وبلغنا شهر رمضان واعنا على الصيام والقيام
وحفظ اللسان وغض البصر ولا تجعل حظنا منه
الجوع والعطش خير ورشد خير

ورشد

وَرُشْدُ خَيْرٍ وَرُشْدٌ اٰمَنْتُ بِاللهِ الَّذِي خَلَقَكَ

اٰمَنْتُ بِاللهِ الَّذِي خَلَقَكَ اٰمَنْتُ بِاللهِ الَّذِي خَلَقَكَ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي جَاءَ بِشَهْرِ الْمُحَرَّمِ وَذَهَبَ بِشَهْرِ ذِي الْحِجَّةِ

اَللّٰهُمَّ عُدْ بِهِمَا فِي عَافِيَةٍ وَسَلَامَةٍ

اَللّٰهُمَّ فَرِّجْنَا بِدُخُولِ صَفَرٍ وَاخْتِمْهُ بِالْخَيْرِ وَالظَّفَرِ

وَاصْرِفْ شَرَّهُ عَنَّا وَعَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ يَا شَدِيدُ الْقُوَى يَا شَدِيدُ

الْمِحَالِ يَا عَزِيزُ يَا عَزِيزُ يَا عَزِيزُ ذَلَّتْ لِعِزَّتِكَ جَمِيعُ

خَلْقِكَ فَاكْفِنِي شَرَّ خَلْقِكَ يَا مُجْمِلُ يَا مُنْعِمُ يَا

مُفْضِلُ يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ

الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذٰلِكَ

نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللهُ

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ دعای دیگر

هر که در روز چهارشنبه آخر ماه صفر سورهٔ الم نشرح

وسورهٔ والتین وسورهٔ اذا جاء نصر الله وسورهٔ
توحید و بعد از آن این دعا بخواند تا سال دیگر
در حفظ و حمایت الهی باشد و دعا اینست اللّهمّ
اصرف عنّی شرّ هذا الیوم واعصمنی من شؤماته
واجعله علیّ رحمةً وبرکةً واجنبنی عمّا نخاف
من نحوساته وکرباته بفضلك یا دافع الشرور
یا مالك یوم النشور برحمتك یا ارحم الراحمین
دعای دیگر هرکه در روز چهارشنبه سوری بخواند
از آفات محفوظ باشد بسم الله وبالله وعلی سنّة
رسول الله اللّهمّ صلّ علی محمّد وآل محمّد کما
صلّیت علی ابرهیم وبارك علیهم کما بارکت علیه
وترحّم علیهم کما ترحّمت علیه انّك حمید
مجید دعای دیگر هرکه در ماه صفر یکبار این دعا را بخواند
مرگ در آن سال او را در نیابد وهرگاه مرگ مسمّی در آن سال
مقدّر شده باشد موانع پیش آید و توفیق خواندن نیابد

ودعا بسم الله الرحمن الرحيم اينست

اللّهمّ لك الحمد شكراً ولك المنّ تفضلاً انا
عبدك رقّاً وانت لذلك اهل استودعك نفسي
وديني ودنياي واخرتي وخواتيم عمري وعملي و
استودعك عرضي وعزّتي في خلقك من فضلك
واستودعك جميع امّة محمّد صلّى الله عليه واله
شدّة حولك وبطشك وقوّتك فانّ مستودعك
مصانٌ وحكمك نافذٌ وقضاءك غالبٌ يا
احكم الحاكمين ويا اسرع الحاسبين يا اكرم
مامولٍ ويا اجود مسئولٍ يا حيّ يا قيّوم يا حنّان
يا منّان يا الله يا احد يا صمد يا فرد يا وتر يا من لم
يلد ولم يولد ولم يكن له كفواً احد اللّهمّ انّي
اعوذ بك من شرور هذا الشهر ومن كلّ شدّة
وبليّةٍ اللّهمّ ما قدّرت لي فاجعل عاقبته رشداً
يا دهير يا ديهور يا ديهار يا ازل يا ابد يا كائن

یا کینون یا کینان یا مبدئ یا معید یا ذا العرش
المجید انت تفعل ما ترید اللهم احرس بعینک
نفسی و اهلی و مالی و دینی و دنیای و آخرتی و
خواتیم عملی التی ابتلیتنی بصحبتها بحرمة الاخیار
الابرار برحمتک یا ارحم الراحمین و صلی الله علی
محمد و آله اجمعین

این دعاییست که جمعی از علما نقل کرده اند و گفته اند که
از ابن بابویه علیه الرحمه نقل شده است که در روز
عاشورا باید خواند تا آن سال بخوبی و سلامتی بگذرد و
آن دعا اینست که هفت مرتبه بخواند سبحان الله ملاء
المیزان و منتهی العلم و مبلغ الرضا و زنة العرش
لا ملجأ و لا منجا من الله الا الیه سبحان الله عدد
الشفع و الوتر و عدد کلماته التامات برحمته
و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و هو حسبی
و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر و صلی الله علی

خیر خلقه محمد و آله اجمعین بعد از آن ده مرتبه
باید گفت اللهم صل علی محمد و آل محمد بعد از آن
یکمرتبه باید گفت یا فارج کرب ذی النون یا جامع
شمل یعقوب و یا کاشف ضر ایوب و یا غافر
ذنب داود و یا سامع دعوة موسی و هرون یا رحمن
الدنیا و الآخرة و رحیمهما صل علی محمد و آل محمد
و سلم و صل علی جمیع الانبیاء و المرسلین واقض
حاجاتنا فی الدنیا و الآخرة برحمتک یا ارحم
الراحمین و صلی الله علی محمد و آله اجمعین
این تهلیلات را در بامداد شب جمعه ده بار بخوانند
لا اله الا الله عددا للیالی و الدهور لا اله الا
الله عدد امواج البحور لا اله الا الله و رحمته
خیر مما یجمعون لا اله الا الله عدد الشوک و
الشجر لا اله الا الله عدد القطر و المطر لا اله
الا الله عدد الشعر و الوبر لا اله الا الله عدد

الْبَحْرِ وَالْمَدَرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ لَحْظِ الْعُيُونِ
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ فِي اللَّيْلِ اِذَا عَسْعَسَ وَالصُّبْحِ
اِذَا تَنَفَّسَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ الرِّيَاحِ فِي الْبَرَارِي
وَالصُّخُورِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مِنَ الْيَوْمِ اِلَى يَوْمِ يُنْفَخُ فِي
الصُّورِ وَايضًا در كتاب اقبال ابن طاوس عليه
الرحمة روايت كرده است كه كسى كه از ظالمى ترسد
در روز اول ذى الحجه بگويد حَسْبِي حَسْبِي حَسْبِي مِنْ
سُؤَالِي عِلْمُكَ بِحَالِي خداى تعالى شر دشمن او را كفايت كند
در اعمال شب و ماه مبارك رجب منقولست كه هر كه در شب
اول ماه رجب و شب پانزدهم و شب آخر آن غسل
كند از گناهان بيرون آيد مانند روزى كه از مادر
متولد شده باشد و در شب اول و روز اول زيارت
حضرت امام حسين عليه السلام فضيلت بسيار دارد
و در حديث معتبر وارد شده است كه هر كه در اول رجب
آنحضرت را زيارت كند بهشت او را واجب شود البته

واحیای شب اوّل سنّت است واز حضرت صادق
علیه السّلام منقول است که تا توانی محافظت نما
بر احیای شب عید ماه مبارک رمضان وشب عید
قربان وشب اوّل محرّم وشب عاشورا وشب اوّل رجب
وشب نیمهٔ شعبان ودرین شبها دعا ونماز وتلاوت
قرآن بسیار بکن وبسند معتبر از حضرت امام
محمّد باقر علیه السّلام منقولست که هرکه در شب اوّل
رجب بعد از نماز عشا این دعا بخواند هر مطلبی که از خدا
خواهد با وکرامت فرماید اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ
بِاَنَّكَ مَلِيكٌ وَاَنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ مُقْتَدِرٌ وَ
اَنَّكَ مَا تَشَاۤءُ مِنْ اَمْرٍ يَكُنْ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ
بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ يَا
مُحَمَّدُ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ اِنِّيْ اَتَوَجَّهُ اِلَى اللّٰهِ رَبِّيْ وَرَبِّكَ
لِيُنْجِحَ بِكَ طَلِبَتِيْ اَللّٰهُمَّ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَبِالْاَئِمَّةِ
مِنْ اَهْلِ بَيْتِهٖ اَنْجِحْ طَلِبَتِيْ پس حاجت خود را طلب نماید

وایضا بیست رکعت نماز وارد شده هر دو رکعت
بیک سلام و در هر رکعتی حمد و یکمرتبه قل هو الله
بخواند تا از بلاهای دنیا و عذاب آخرت ایمن گردد
واعمال وادعیهٔ اینشب بسیار است و روزهٔ روز
اول فضیلت بسیار دارد در بیان اعمال شب نیمهٔ شعبان از حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که حضرت رسول
صلی الله علیه وآله فرمود که چون شب نیمهٔ شعبان شود
شبش را بعبادت بایستید و روزش را روزه بدارید بدرستی
که از اول تا آخر اینشب از جانب حق تعالی ندا میرسد که آیا
استغفار کنندهٔ هست که طلب آمرزش کند از گناهان خود
و ما گناهان او را بیامرزیم آیا کسی هست که از ما طلب روزی
کند که ما روزی او را فراخ گردانیم و غسل درین شب سنت
است که باعث تخفیف گناهان شما میشود و رحمت الهی
شما را در می یابد و از جملهٔ اعمال اینشب زیارت حضرت
امام حسین علیه السلام است و اقل زیارت آنحضرت آنست

که

که بنا می یا بصحن کشاده درآید و بجانب راست آسمان
وجانب چپ وبالای سر نظر کند پس بانگشت اشاره
کند بجانب راست قبله وبگوید اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا اَبا
عَبدِاللّهِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا ابنَ رَسولِ اللّهِ اَلسَّلامُ
عَلَیکَ وَرَحمَةُ اللّهِ وَبَرَکاتُهُ واگر یکی از زیارات
مبسوطه را بعمل آورد بهتر است واز جمله آنها اینست
اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا وارِثَ آدَمَ صَفوَةِ اللّهِ اَلسَّلامُ
عَلَیکَ یا وارِثَ نوحٍ نَبِیِّ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا وارِثَ
اِبراهیمَ خَلیلِ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا وارِثَ موسی کَلیمِ
اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا وارِثَ عیسی روحِ اللّهِ اَلسَّلامُ
عَلَیکَ یا وارِثَ مُحَمَّدٍ حَبیبِ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ
یا وارِثَ اَمیرِ المُؤمِنینَ وَلِیِّ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا ابنَ
مُحَمَّدٍ المُصطَفی اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا ابنَ عَلِیٍّ المُرتَضی
اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا ابنَ فاطِمَةَ الزَّهراءِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ
یا ابنَ خَدیجَةَ الکُبری اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا ثارَ اللّهِ

وَابنَ ثارِهِ وَالوِترَ المَوتُورَ اَشهَدُ اَنَّكَ قَد اَقَمتَ
الصَّلوٰةَ وَاٰتَيتَ الزَّكوٰةَ وَاَمَرتَ بِالمَعرُوفِ وَ
نَهَيتَ عَنِ المُنكَرِ وَاَطَعتَ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ حَتّىٰ اَتٰيكَ
اليَقينُ فَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً قَتَلَتكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً
ظَلَمَتكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً سَمِعَت بِذٰلِكَ فَرَضِيَت بِهِ
يا مَولايَ يا اَبا عَبدِ اللّٰهِ اَشهَدُ اَنَّكَ كُنتَ نُوراً فِى
الاَصلابِ الشّامِخَةِ وَالاَرحامِ المُطَهَّرَةِ لَم تُنَجِّسكَ
الجاهِلِيَّةُ بِاَنجاسِها وَلَم تُلبِسكَ مِن مُدلَهِمّاتِ ثِيابِها
وَاَشهَدُ اَنَّكَ مِن دَعائِمِ الدّينِ وَاَركانِ المُؤمِنينَ
وَاَشهَدُ اَنَّكَ الاِمامُ البَرُّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الهادِي
المَهدِيُّ وَاَشهَدُ اَنَّ الاَئِمَّةَ مِن وُلدِكَ كَلِمَةُ التَّقوىٰ
وَاَعلامُ الهُدىٰ وَالعُروَةُ الوُثقىٰ وَالحُجَّةُ عَلىٰ اَهلِ
الدُّنيا وَاُشهِدُ اللّٰهَ وَمَلآئِكَتَهُ وَاَنبِياءَهُ وَ
رُسُلَهُ اَنّي بِكُم مُؤمِنٌ وَبِاِيابِكُم مُوقِنٌ بِشَرايِعِ ديني وَ
خَواتيمِ عَمَلي وَقَلبي لِقَلبِكُم سِلمٌ وَاَمري لِاَمرِكُم

مُتّبعٌ صَلَوٰاتُ اللهِ عَلَیکُم وَعَلیٰ اَرْوَاحِکُم وَعَلیٰ
اَجْسَادِکُم وَعَلیٰ اَجْسَامِکُم وَعَلیٰ شَاهِدِکُم وَعَلیٰ
غَآئِبِکُم وَعَلیٰ ظَاهِرِکُم وَعَلیٰ بَاطِنِکُم پس دو رکعت نماز
زیارت میکند و اگر نماز را پیش از زیارت بکند نیز خوبست
و اگر از دور زیارت کند پس قصد زیارت علی بن الحسین شهید
علیه السلام بکند و بگوید اَلسَّلَامُ عَلَیکَ یَا ابْنَ رَسُولِ
اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَیکَ یَا ابْنَ نَبِیِّ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَیکَ
یَا ابْنَ اَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ اَلسَّلَامُ عَلَیکَ یَا ابْنَ الْحُسَینِ
الشَّهِیدِ اَلسَّلَامُ عَلَیکَ اَیُّهَا الشَّهِیدُ اَلسَّلَامُ
عَلَیکَ اَیُّهَا الْمَظْلُومُ وَابْنُ الْمَظْلُومِ لَعَنَ اللهُ اُمَّةً
قَتَلَتْکَ وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً ظَلَمَتْکَ وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً
سَمِعَتْ بِذٰلِکَ فَرَضِیَتْ بِهٖ رضوان
الله علیهم کند و بگوید اَلسَّلَامُ عَلَیکُم یَا اَوْلِیَآءَ
اللهِ وَاَحِبَّآءَهٗ اَلسَّلَامُ عَلَیکُم یَا اَصْفِیَآءَ اللهِ وَ
اَوِدَّآئَهٗ اَلسَّلَامُ عَلَیکُم یَا اَنْصَارَ دِینِ اللهِ اَلسَّلَامُ

عليكم يا انصار رسول الله السلام عليكم يا
انصار امير المؤمنين السلام عليكم يا انصار فاطمة
سيدة نساء العالمين السلام عليكم يا انصار
ابي محمد الحسن بن علي الزكي الناصح السلام عليكم
يا انصار ابي عبد الله بابي انتم وامي طبتم وطابت
الارض التي فيها دفنتم وفزتم فوزا عظيما فيا ليتني
كنت معكم فافوز معكم ودر شب اول وپانزدهم
ماه رجب ودر سيم وپنجم ماه شعبان وشبهاى ماه
مبارك رمضان وشبهاى عيد وساير ايام متبركه زيارت
آنحضرت مستحبست بهمين طريق زيارت ميتوان كرد
وزيارات مبسوطه ومخصوصه قبل ازين نوشته شده
واز جمله بركات اين شب آنست كه ولادت وافر السعادة
حضرت صاحب الامر عليه السلام درين شب واقع شده
وچون دعاى كميل بن زياد كه از خواص اصحاب حضرت امير
المؤمنين صلوات الله عليه است بهترين دعاهاست

واز دعای اینشب است ودر اوقات دیکر نیز میتوان
خواندن در بیان اعمال شبهای قدر که بر دو نوع است
اول انکه در هر سه شب باید کرد دوم انکه مخصوص است
بهر شبی اما اول از حضرت رسول صلی الله علیه وآله
منقولست که هر که در شب قدر دو رکعت نماز بجا آورد
ودر هر رکعتی بعد از حمد هفت مرتبه سورهٔ توحید بخواند
وبعد از فارغ شدن هفتاد مرتبه اَستَغفِرُ اللهَ رَبّی
وَاَتوبُ اِلَیهِ بکوید از جای خود برنخیزد تا حق تعالی اورا
وپدر ومادرش را بیامرزد وملکی چند بفرستد که حسنات
برای او بنویسند تا سال آینده وغسل در این سه شب سنت
مؤکد است وغسل این شبها را مقارن غروب آفتاب کردن
بهتر است که نماز شام را با غسل کند ومستحبست در این
شبها که قرآن مجید را بدست بکیرد وبکشاید واین دعا بخواند
اَللّهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ بِکِتابِکَ المُنزَلِ وَما فیهِ وَفیهِ
اِسمُکَ الاَکبَرُ وَاَسماؤُکَ الحُسنی وَما یُخافُ وَیُرجی

ان تجعلنی من عتقائك من النار و تقضی حوائجی
للدنیا و الاخرة پس حاجت خود را از حق تعالی طلب
نماید که ان شاء الله تعالی بر آورده است و این دعا از
حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست
امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که مصحف
را بگیر و بر سر بگذار و بگو اللهم بحق هذا القرآن و
بحق من ارسلته به و بحق کل مؤمن مدحته فیه
و بحقك علیهم فلا احد اعرف بحقك منك پس ده مرتبه
بگو بك یا الله و بمحمد و ده مرتبه بعلی بفاطمة
بالحسن و ده مرتبه بالحسین بعلی بن الحسین
و ده مرتبه بمحمد بن علی بجعفر بن محمد و ده مرتبه
بموسی بن جعفر و ده مرتبه بعلی بن موسی بمحمد
بن علی بعلی بن محمد و ده مرتبه بالحسن بن علی و
ده مرتبه بالحجة پس هر حاجت که داری طلب کن و زیارت
حضرت امام حسین علیه السلام در هر ماه از این سنه

مستحبّ مؤکّد است و در هر یک خصوصاً شب بیست و
سیّم که صد رکعت نماز سنّتست هر دو رکعت بیک سلام
و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ توحید میخوانند
و در بعضی از روایات هفت مرتبه یا پنج مرتبه یا سه مرتبه
یا یک مرتبه توحید اکتفا میتوان کرد و احادیث بسیار در
فضیلت این صد رکعت وارد شده است و باید که این صد
رکعت غیر نافلهٔ شب بوده باشد و اگر ضعف داشته باشد
نشسته هم میتواند کرد و بهترین اعمال در این شبها طلب
آمرزش و دعا از برای مطالب دنیا و آخرت خود است
و پدر و مادر و خویشان خود و برادران مؤمن زنده و مردهٔ
ایشان و اذکار و صلوات بر محمّد و آل محمّد صلوات الله
علیهم آنچه مقدور شود از روایات وارد شده است
که دعای جوشن کبیر را در هر یک از این سه شب بخوانند
دویم پس اعمال شب نوزدهم آنست که صد مرتبه بگوید
اَستَغفِرُ اللهَ رَبّی وَ اَتوبُ اِلَیهِ اَللّهُمَّ

اَلْعَنْ قَتَلَةَ اَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ و این دعا بخوانند اَللّهُمَّ
اِجْعَلْ فِیمَا تَقْضِی وَ تُقَدِّرُ مِنَ الْاَمْرِ الْمَحْتُومِ وَ فِیمَا
تَفْرُقُ مِنَ الْاَمْرِ الْحَکِیمِ فِی لَیْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ
الَّذِی لَا یُرَدُّ وَ لَا یُبَدَّلُ اَنْ تَکْتُبَنِی مِنْ حُجَّاجِ بَیْتِکَ
الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْکُورِ سَعْیُهُمُ الْمَغْفُورِ
ذُنُوبُهُمُ الْمُکَفَّرِ عَنْهُمْ سَیِّئَاتُهُمْ وَ اجْعَلْ فِیمَا تَقْضِی
وَ تُقَدِّرُ اَنْ تُطِیلَ عُمْرِی وَ تُوَسِّعَ عَلَیَّ فِی رِزْقِی وَ
تُقَدِّرَ لِی فِی جَمِیعِ اُمُورِی مَا هُوَ خَیْرٌ لِی فِی دُنْیَایَ
وَ آخِرَتِی یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ پس حوائج خود را از حق تعالی
طلب نماید و شب بیست و یکم فضیلتش زیاده بر شب سابق است
و غسل و اعمال سابقه را همه را باید بعمل آورد و در این
دهه آخر اعتکاف در مساجد جامعه سنت است و
دهه استجابت دعا است و بسند بسیار معتبر از حضرت
امام موسی علیه السلام منقولست که در شب بیست و یکم
و بیست و سیم صد رکعت نماز بکن و در هر رکعت بعد از

حمد ده مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخوان ودر حدیث
معتبر دیگر منقولست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام
این دو شبرا احیا میکرد ودر نصف اول شب مشغول
دعا میشد ودر نصف آخر مشغول بنماز وبسند موثق از
حضرت صادق علیه السلام مرویست که اگر توانی در
شب بیست ویکم وبیست وسیم در هریك صد رکعت نماز
بکن وتا صبح بیدار باش که امید شب قدر در یکی از اینها هست
واما شب بیست وسیم اکثر احادیث دلالت میکند بر انکه آن شب
قدر است ودر آن دو غسل سنت است یکی در اول شب
ویکی در آخر شب وحضرت صادق علیه السلام فرمود که
شب بیست وسیم شب جهنی است ودر آن شب مقدر میکرد
مرکها وبلاها واجلها وروزیها وقضاها وآنچه در آن سال
واقع میشود باید که کناهان خود را در برابر دیدهای خود ممثل
کرداند وبر آنها کریه کند ودعا در حق یکدیگر بکنند که حق تعالی
مستجاب میکرداند مکر کسی که افطار کند روزه را بر مست کننده

یا کینهٔ مؤمنی که در دل داشته باشد و بسند معتبر
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که سورهٔ
روم و عنکبوت را در شب بیست و سیم بخواند والله
که او از اهل بهشت است و استثنا نمیکنم در آن احدی را
و نمیترسم که خدا بر من درین سوگند گناهی بنویسد و این
دو سوره نزد حق تعالی منزلت عظیم دارد   از آنحضرت
بسند معتبر منقولست که هر که در شب بیست و سیم ماه
مبارک هزار مرتبه سورهٔ إِنَّا أَنزَلْنَاهُ را بخواند هر آینه صبح
کند با یقین شدید با اعتراف بآنچه مخصوص ماست از کرامتها
درین شب بسبب آنچه در خواب بیند و سورهٔ حم دخان را
نیز سنت است که درین شب بخواند و از حضرت امام محمد تقی
علیه السلام منقولست که هر که زیارت کند حضرت امام حسین
علیه السلام را در شب بیست و سیم که امید شب قدر در آن
هست و در آن هر امری مقدر میشود مصافحه کند با او روح
صد و بیست و چهار پیغمبر که همه درین شب رخصت میطلبند

از حق تعالی در زیارت آنحضرت و این دعا که از جملهٔ دعاهای
دههٔ آخر است بخواند یا ربّ لیلة القدر وجاعلها خیراً
من الف شهر وربّ اللّیل والنّهار والجبال والبحار والظّلم
والانوار والارض والسّماء یا بارئ یا مصوّر یا حنّان
یا منّان یا الله یا رحمن یا الله یا قیّوم یا الله یا بدیع یا
الله یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی والامثال
العلیا والکبریاء والآلاء اسئلک ان تصلّی علی
محمّد وآل محمّد وان تجعل اسمی فی هذه اللّیلة فی السّعداء
وروحی مع الشّهداء واحسانی فی علّیّین واسائتی
مغفورة وان تهب لی یقیناً تباشر به قلبی وایماناً یذهب
الشّکّ عنّی وترضینی بما قسمت لی وآتنا فی الدّنیا
حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النّار الحریق
وارزقنی فیها ذکرک وشکرک والرّغبة الیک والانابة
والتّوبة والتّوفیق لما وفّقت له محمّداً وآل محمّد صلواتک
علیه وعلیهم السّلام ایضا این دعا بخواند اللّهمّ

امددلی فی عمری واوسع لی فی رزقی واصحّ جسمی
وبلّغنی املی وان کنت من الاشقیاء فامحنی من
الاشقیاء واکتبنی من السّعداء فانّک قلت
فی کتابک المنزل علی نبیّک المرسل صلواتک علیه
واله یمحو الله ما یشاء ویثبت وعنده امّ الکتاب وایضا
بکوید اللّهمّ اجعلنی من اوفر عبادک نصیبا من کلّ
خیر انزلته فی هذه اللّیلة او انت منزله من نور تهدی
به او رحمة تنشرها او رزق تقسمه او بلاء تدفعه او
ضرّ تکشفه واکتب لی ما کتبت لاولیائک الصّالحین
الّذین استوجبوا منک الثّواب وامنوا برضاک عنهم
منک العقاب یا کریم یا کریم صلّ علی محمّد وال محمّد
وافعل بی ذلک برحمتک یا ارحم الرّاحمین وهر مقدار
از قرآن که ممکن باشد درین شب بخواند ودعاهای صحیفه
کامله را بخواند خصوصا دعای مکارم اخلاق ودعای توبه
وروزهای این شبها را نیز باید حرمت داشت وبعبادت و

تلاوت و دعا بسر آورد زیرا که در احادیث معتبره وارد شده
است که روز فطر نیز در فضیلت مثل شب قدر است

بیان اعمال شب عید

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول
است که هر که احیا کند شب عید را نمیرد دل او روزی که
دلها از ترس بمیرد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
مرویست که گفت پدرم علی بن الحسین علیه السلام شب
عید را احیا بنماز میکرد تا صبح و در تمام آنشب در مسجد میماند
و میفرمود ای فرزند امشب کمتر از شب قدر نیست و غسل در
اینشب سنت است و شخصی بخدمت حضرت صادق علیه
السلام عرض کرد که مردم میگویند که آمرزش نازل میشود بر
کسی که روزه دارد ماه رمضان را در شب قدر حضرت فرمود
که کارگر مزدش نمیدهند مگر بعد از فارغ شدن از کار و آن
در شب عید است راوی گفت که چه کار سزاوار است که در آن
بکنم فرمود که چون آفتاب غروب کند غسل بکن و چون فریضهٔ
مغرب و نافلهٔ آنرا بجا آوری دستها را بسوی آسمان بلند کن

وبگو یا ذا المنّ والطّول یا ذا الجود یا مصطفی
محمّد وناصره صلّ علی محمّد وآل محمّد واغفر لی کلّ ذنب
احصیته وهو عندک فی کتاب مبین بسجود
برو وصد مرتبه در سجده بگو اتوب الی الله هر حاجت
که داری از حق تعالی طلب کن که ان شاء الله تعالی بر آورده است
معتبر منقول است که حضرت امیر المؤمنین علیه
السّلام در شب عید فطر دو رکعت نماز میکردند و در رکعت
اوّل بعد از حمد هزار مرتبه سورهٔ قل هو الله و در رکعت
دویم یکمرتبه میخواندند پس برکوع و سجود میرفتند وصد مرتبه
میگفتند اتوب الی الله پس میگفتند یا ذا المنّ والجود
یا ذا المنّ والطّول یا مصطفی محمّد صلّی الله علیه وآله
صلّ علی محمّد وآله حاجت خود را از خدا میطلبیدند
پس سر از سجده بر میداشتند ومیفرمودند بحق آنخداوندی
که جانم بدست قدرت اوست که هر که این نماز را بکند هر حاجت
که دارد از حق تعالی بطلبد البتّه آنرا عطا کند واگر

بعد در یکهای بیابان کناه داشته باشد خدا بیامرزد
و بعد از نماز سنت است که این دعا بخواند یا الله یا الله
یا الله یا رحمن یا الله یا ملك یا الله یا قدوس یا الله
یا سلام یا الله یا مؤمن یا الله یا مهیمن یا الله یا
عزیز یا الله یا جبار یا الله یا متکبر یا الله یا
خالق یا الله یا باری یا الله یا مصور یا الله یا عالم
یا الله یا عظیم یا الله یا کریم یا الله یا حلیم یا الله
یا حکیم یا الله یا سمیع یا الله یا بصیر یا الله یا قوی
یا الله یا مجیب یا الله یا جواد یا الله یا واحد یا الله
یا ولی یا الله یا وفی یا الله یا مولی یا الله یا قاضی یا
الله یا سریع یا الله یا شدید یا الله یا رؤف یا الله
یا رقیب یا الله یا مجیب یا الله یا جواد یا الله یا ماجد
یا الله یا علی یا الله یا حفیظ یا الله یا محیط یا الله
یا سید السادات یا الله یا اول یا الله یا اخر یا
الله یا ظاهر یا الله یا باطن یا الله یا فاخر یا الله

يا قاهر يا اللّٰه يا ربّاه يا اللّٰه يا ربّاه يا اللّٰه يا ربّاه
يا اللّٰه يا ربّاه يا اللّٰه يا ربّاه يا اللّٰه يا ودود يا اللّٰه
يا نور يا اللّٰه يا دافع يا اللّٰه يا مانع يا اللّٰه يا فاتح
يا اللّٰه يا نفّاع يا اللّٰه يا جليل يا اللّٰه يا جميل يا
اللّٰه يا شهيد يا اللّٰه يا شاهد يا اللّٰه يا حبيب يا
اللّٰه يا فاطر يا اللّٰه يا مطهّر يا اللّٰه يا مالك يا
اللّٰه يا مقتدر يا اللّٰه يا قابض يا اللّٰه يا باسط
يا اللّٰه يا محيي يا اللّٰه يا مميت يا اللّٰه يا مجيب يا
اللّٰه يا باعث يا اللّٰه يا معطي يا اللّٰه يا مفضل يا
اللّٰه يا منعم يا اللّٰه يا حقّ يا اللّٰه يا مبين يا اللّٰه يا
طبيب يا اللّٰه يا محسن يا اللّٰه يا مبدئ يا اللّٰه
يا معيد يا اللّٰه يا بارئ يا اللّٰه يا بديع يا اللّٰه يا هادي
يا اللّٰه يا كافي يا اللّٰه يا شافي يا اللّٰه يا عليّ يا اللّٰه
يا حنّان يا اللّٰه يا منّان يا اللّٰه يا ذا الطول يا اللّٰه يا
متعالي يا اللّٰه يا عدل يا اللّٰه يا ذا المعارج يا اللّٰه

صدق

يا صادق يا الله يا ديان يا الله يا باقي يا الله يا ذا
الجلال يا الله يا ذا الاكرام يا الله يا معبود يا الله
يا محمود يا الله يا صانع يا الله يا معين يا الله يا مكون
يا الله يا فعال يا الله يا لطيف يا الله يا جليل يا الله
يا غفور يا الله يا شكور يا الله يا نور يا الله يا حنان
يا الله يا قدير يا الله يا رباه يا الله يا رباه يا الله يا رباه
يا الله يا رباه يا الله يا رباه يا الله يا رباه يا الله يا رباه
يا الله يا الله اسئلك ان تصلي على محمد وال محمد
وتمن علي برضاك وتعفو عني بحلمك وتوسع علي
من رزقك الحلال الطيب من حيث احتسب ومن
حيث لا احتسب فاني عبدك ليس لي احد سواك
ولا احد اسئله غيرك يا ارحم الراحمين ما شاء
الله لا قوة الا بالله العلي العظيم پس بسجده میرود و
میگوید يا الله يا الله يا رب يا الله يا رب يا الله يا
رب يا الله يا منزل البركات بك تنزل كل حاجة

اَسئَلُکَ بِکُلِّ اسمٍ فی مخزونِ الغیبِ عندک
وَالاسماءِ المشهوراتِ عِندکَ المکتوبۃ علی
سُرادِقِ عرشِکَ اَن تُصَلّی علی محمدٍ وآلِ محمدٍ واَن
تقبَلَ منّی شهرَ رمضانَ وتکتبنی فی الوافدینَ الی
بیتِ الحرامِ وتصفحَ لی عن الذنوبِ العظامِ وتستخرجَ
یا ربِّ کنوزَکَ یا رحمنُ بجای هزار مرتبه
قُل هو اللّٰه احد صد مرتبه نیز وارد شده است
سنت مؤکد است که بعد از نماز شام وخفتن وصبح شب
عید و نماز عید این تکبیر انرا بخواند اللّٰهُ اکبرُ اللّٰهُ
اکبرُ لا اله الا اللّٰهُ واللّٰهُ اکبرُ وللّٰهِ الحمدُ اللّٰهُ
اکبرُ علی ما هدینا

در بیان نماز آیات

بدانکه این نماز
واجبست نزد کسوف آفتاب وخسوف ماه خواه کل
بگیرند وخواه بعض و در زلزله که زمین بلرزد ومشهور
آنست که هر آیتی که از جانب آسمان حادث شود که موجب
خوف غالب خلق گردد این نماز واجب میشود مانند بادهای

بسیار شدید که بر خلاف عادت باشد خواه رنگین باشد
وخواه نباشد وصاعقهای عظیم ورعدهای بسیار شدید
وتاریك شدن هوا وامثال اینها **واما کیفیت نماز** آنست که
قصد کند که نماز آفتاب گرفتن یا ماه گرفتن یا زلزله یا آیات
میکنم ادا از جهت انکه واجبست برای رضای خدا یا قربة
الی الله پس تکبیر احرام بگوید وحمد ویك سوره بخواند پس رکوع
کند تا انکه پنج رکوع بعمل آورد واز رکوع پنجم که سر بردارد سَمِعَ
اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ بگوید بعد از آن بسجود رود ودو سجده بجا
آورد پس برخیزد ویك رکعت دیگر بجا آورد بدستور رکعت
اولی ودر سر برداشتن از رکوع دهم بجای تکبیر سَمِعَ اللهُ
لِمَنْ حَمِدَهُ بگوید واگر در رکوع اول بعد از حمد بعضی از
سوره را بخواند وبرکوع رود وبعد از سر برداشتن باقی
سوره را بخواند اعادهٔ حمد نمیکند واگر سوره که پنج آیه
باشد تفریق کند بر رکوعها بیك حمد که در رکوع اول خواند
اکتفا میکند وهمچنین در رکعت دویم بیك حمد وسوره

چنین که تفریق کنند اکتفا میتواند کرد و بهتر آنست که
بطریق اول بکند و بعد حمد و ده سوره بجا آورد اگر
وقت نباشد و اول وقت نماز کسوف و خسوف ابتدای
گرفتن است و آخر وقت بقول مشهور ابتدای منجلی شدن
است و اظهر نزد جمعی از محققین آنست که تا تمام منجلی
نشود وقتش باقیست و نماز زلزله و آیات که وقتش وفا
بنماز نکند موافق مشهور در تمام عمر اداست و اگر کسی ترک نماز
مذکور را کند با حدوث یکی از اسباب مذکوره مشهور میان
علما آنست که قضا میکند این نماز را مطلقا و جمعی گفته اند
بر کسی که فراموش کرده باشد قضا نیست مادام که تمام قرص
نگرفته باشد و عمل بمشهور احوط است و اگر مطلع نشود تا
وقت بدر رود مشهور میان اصحاب آنست که قضای کسوف بر او واجب
نیست مگر آنکه تمام قرص گرفته باشد و جمعی گفته اند واجبست
قضا مطلقا و قول اول اقوی و ثانی احوط است و مستحب است
که این نماز را بجماعت بجا آورند و طول بدهند بقدر زمان

کسوف وخسوف وهرگاه از نماز فارغ شود وانجلا
نشده باشد اشهر واقوی آنست که اعادهٔ نماز مستحب است
وبعضی واجب دانسته اند ومستحب است خواندن
سورهای طولانی با وسعت وقت وبرابر ساختن رکوع و
سجود با قراءت ومستحب است قنوت خواندن پیش از رکوع
دویم وچهارم وششم وهشتم ودهم واگر در ایام زلزله
مکرر این آیه را بخوانند مناسبست اِنَّ اللّٰهَ یُمْسِكُ السَّمٰوٰاتِ
وَالْاَرْضَ اَنْ تَزُوْلَا وَلَئِنْ زَالَتَا اِنْ اَمْسَكَهُمَا مِنْ اَحَدٍ
مِنْ بَعْدِهٖ اِنَّهٗ كَانَ حَلِیْمًا غَفُوْرًا واز حضرت امام رضا
علیه السلام منقولست که هر که در وقت خواب این آیه را
بخواند خانه بر سرش خراب نشود از برای استشفا بتربت امام حسین علیه السلام
بسند معتبر از حارث بن المغیرة منقولست که گفت بخدمت
حضرت صادق علیه السلام عرض کردم که من درد و
بیماری بسیار دارم وبهر دوائی که مداوا کردم نفع نیافتم
فرمود که چرا غافلی از تربت قبر حسین بن علی علیهما السلام

که در آن شفای هر دردی و ایمنی از هر خوف هست
چون تربت را بر داری این دعا بخوان اللّهمّ انّی اسئلک
بحقّ هذه الطّینة وبحقّ الملک الّذی اخذها وبحقّ
النّبیّ الّذی قبضها وبحقّ الوصیّ الّذی حلّ فیها
صلّ علی محمّد واهل بیته وافعل بی کذا وکذا
وبجای وافعل بی کذا وکذا حاجتهای خود را طلب
پس هرگاه از پادشاهی یا غیر آن ترسی از خانه بیرون مرو
مگر آنکه تربت آنحضرت با تو باشد پس بگو اللّهمّ انّی
اخذته من قبر ولیّک وابن ولیّک فاجعله لی امنا
وحرزا لما اخاف وما لا اخاف زیرا که گاه هست که بر
آدمی بلاهای چند وارد میشود که خوف از آنها ندارد ودر
روایت معتبر دیگر منقولست که هر که تربت قبر حسین علیه السّلم
را بخوردن از برای طلب شفا چنانست که گوشت ما را خورده است
پس چون تربت مبارک را بر دارد باطراف انگشتان بردارد
وبقدر نخودی بیشتر نخورد پس ببوسد و بر هر دو دیده بگذارد

و بر سایر بدن بمالد و بگوید بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ اَللّٰهُمَّ
رَبَّ هٰذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبَارَكَةِ الطَّاهِرَةِ وَرَبَّ النُّورِ الَّذِی
اُنْزِلَ فِيهِ وَرَبَّ الْجَسَدِ الَّذِی سَكَنَ فِيهِ وَرَبَّ
الْمَلَائِكَةِ الْمُوَكَّلِينَ بِهٖ اجْعَلْهُ لِی شِفَاءً مِنْ دَاءِ كَذَا وَكَذَا
و بیماری خود را نام برد پس جرعهٔ از آب بخورد و بگو اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ
رِزْقًا وَاسِعًا وَعِلْمًا نَافِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ
و چون خواهی زیارتش را بجا آری در آخر شب متوجه شو و غسل کن با آب
خالص و بپوش پاکترین جامهای خود را و بدن خود را خوشبو کن
و داخل روضه شو و نزد سر آنحضرت بایست و چهار رکعت نماز بکن
و در رکعت اول سورهٔ حمد بخوان و یازده مرتبه قل یا ایها الکافرون
و در رکعت دویم بعد از حمد یازده مرتبه سورهٔ انا انزلناه بخوان پس
در قنوت این دعا بخوان لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ حَقًّا حَقًّا لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ
عُبُودِيَّةً وَرِقًّا لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ اَنْجَزَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ
عَبْدَهُ وَهَزَمَ الْاَحْزَابَ وَحْدَهُ سُبْحَانَ اللهِ مَالِكِ السَّمٰوَاتِ وَمَا
فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ سُبْحَانَ اللهِ ذِی الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ

العالمین پس رکوع و سجود میکنی و دو رکعت دیگر نماز میکنی
و در رکعت اول بعد از حمد یازده مرتبه قل هو الله احد و در
رکعت دوم بعد از حمد یازده مرتبه سورهٔ اذا جاء نصر الله
میخوانی و همان قنوت که در دو رکعت اول خواندی میخوانی پس بعد از
نماز بسجدهٔ شکر میروی و هزار مرتبه میگوئی شکرا پس میخیزی و
بضریح میچسبی و میگوئی یا مولای یا ابن رسول الله انی اخذ
من تربتک باذنک اللهم فاجعلها شفاء من کل
داء و عزا من کل ذل و امنا من کل خوف و غنی من
کل فقر لی و لجمیع المؤمنین و المؤمنات پس به انگشت
سه مرتبه بر میداری و در کهنهٔ پاکی میگذاری یا در شیشه
و مهر میکنی سرش را با انگشتر عقیقی که بر آن این کلمات نقش کرده باشند
ما شاء الله لا قوة الا بالله استغفر الله پس اگر خدا داند
که نیت تو درست است در این سه قبضه زیاده از هفت
مثقال برداشته نمیشود پس از برای هر علت که بخوری
آن اثر را خواهی دید

دعای طلب اذن که قبل از زیارت خوانده میشود [زیست]

این دعای طلب اذنست باید که این دعا را قبل از
زیارت مقدّم دانست و چون بدر روضهٔ مقدّسه
برسد توقّف نموده این دعا بخواند و بعد از حصول
رقّت قلب و تضرّع که علامت اذنست داخل شود
اَللّٰهُمَّ قَدْ وَقَفْتُ عَلٰى بَابِ بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ نَبِيِّكَ
مُحَمَّدٍ صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَقَدْ مَنَعْتَ النَّاسَ
الدُّخُولَ اِلٰى بُيُوتِهٖ اِلَّا بِاِذْنِ نَبِيِّكَ فَقُلْتَ يَا اَيُّهَا
الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَدْخُلُوْا بُيُوْتَ النَّبِيِّ اِلَّا اَنْ
يُؤْذَنَ لَكُمْ اَللّٰهُمَّ وَاِنِّيْ اَعْتَقِدُ حُرْمَةَ نَبِيِّكَ
فِيْ غَيْبَتِهٖ كَمَا اَعْتَقِدُ فِيْ حَضْرَتِهٖ وَاَعْلَمُ اَنَّ رُسُلَكَ
وَخُلَفَاءَكَ اَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُوْنَ يَرَوْنَ مَكَانِيْ
فِيْ وَقْتِيْ هٰذَا وَزَمَانِيْ وَيَسْمَعُوْنَ كَلَامِيْ وَيَرُدُّوْنَ
عَلَيَّ سَلَامِيْ وَاَنَّكَ حَجَبْتَ عَنْ سَمْعِيْ كَلَامَهُمْ وَ
فَتَحْتَ بَابَ فَهْمِيْ بِلَذِيْذِ مُنَاجَاتِهِمْ وَاِنِّيْ اَسْتَاْذِنُكَ

یا رَبِّ اَوَّلاً وَاسْتَاْذِنُ رَسُولَكَ صَلَوٰاتُكَ
عَلَيْهِ وَاٰلِهِ ثَانِيًا وَاسْتَاْذِنُ خَلِيفَتَكَ الْاِمَامَ
الْمَفْرُوضَ عَلَيَّ طَاعَتُهُ فِي الدُّخُولِ فِي سَاعَتِي هٰذِهِ
اِلٰى بَيْتِهِ وَاسْتَاْذِنُ مَلٰئِكَتَكَ الْمُوَكَّلِينَ
بِهٰذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ الْمُطِيعَةِ لَكَ السَّامِعَةِ
اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ اَيُّهَا الْمَلٰئِكَةُ الْمُوَكَّلُونَ
بِهٰذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ الْمُبَارَكِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَ
بَرَكَاتُهُ بِاِذْنِ اللّٰهِ وَاِذْنِ رَسُولِهِ وَاِذْنِ خُلَفَائِهِ
وَاِذْنِ هٰذَا الْاِمَامِ وَبِاِذْنِكُمْ صَلَوٰاتُ اللّٰهِ
عَلَيْكُمْ اَجْمَعِينَ اَدْخُلُ اِلٰى هٰذَا الْبَيْتِ مُتَقَرِّبًا
اِلَى اللّٰهِ تَعَالٰى بِرَسُولِهِ مُحَمَّدٍ وَبِاٰلِهِ الطَّاهِرِينَ فَكُونُوا
مَلٰئِكَةَ اللّٰهِ اَعْوَانِي وَكُونُوا اَنْصَارِي حَتّٰى
اَدْخُلَ هٰذَا الْبَيْتَ وَاَدْعُوَ اللّٰهَ بِفُنُونِ الدَّعَوَاتِ
وَاَعْتَرِفَ لِلّٰهِ بِالْعُبُودِيَّةِ وَلِهٰذَا الْاِمَامِ وَاٰبَائِهِ
صَلَوٰاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ بِالطَّاعَةِ پس بعد از خواندن

شهادتین که بعد از این در ضمن حدیث مذکور
خواهد شد پای راست را مقدّم داشته داخل
شود و بگوید بِسمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَفی سَبیلِ
اللّٰهِ وَعلیٰ مِلّةِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیهِ وَاٰلِهٖ
اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلّا اللّٰهُ وَحدَهُ لا شَریکَ لَهُ
وَاَشهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبدُهُ وَرَسُولُهُ

زیارت جامعهٔ کبیره که از برای جمیع انبیا و ائمه علیهم السلام خوانده میشود

شیخ صدوق محمّد بن بابویه و شیخ الطّایفه
محمّد بن الحسن الطّوسی رحمة اللّٰه علیهم بسند معتبر
روایت کرده اند از موسی بن عبد اللّٰه نخعی که گفت
عرض کردم بخدمت حضرت امام علی نقی صلوات
اللّٰه وسلامه علیه که ای فرزند رسول خدا بمن
بیاموز سخن بلیغ کاملی که هرگاه یکی از شما را خواهم
زیارت کنم آنرا بخوانم فرمود که چون بدرگاه رسیدی
بایست و شهادتین بگو یعنی آنست که بگویی اشهد

اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَاَشْهَدُ
اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وفرمود که بايد که با غسل باشى پس
داخل روضهٔ مقدّسه شوى وقبر را ببينى پس
بايست وسى نوبت اللّٰهُ اَكْبَرُ بگو پس اندکى راه
برو وبآرام دل وآرام تن وگامها را نزديك بيكديگر
بگذار پس بايست وسى نوبت اللّٰهُ اَكْبَرُ
بگو پس بنزديك قبر مقدّس برو وبايست وچهل
مرتبه اللّٰهُ اَكْبَرُ بگو پس بگو اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ
يَا اَهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ وَمَوْضِعَ الرِّسَالَةِ وَمُخْتَلَفَ
الْمَلَائِكَةِ وَمَهْبَطَ الْوَحْيِ وَمَعْدِنَ الرَّحْمَةِ
وَخُزَّانَ الْعِلْمِ وَمُنْتَهَى الْحِلْمِ وَاُصُولَ الْكَرَمِ
وَقَادَةَ الْاُمَمِ وَاَوْلِيَاءَ النِّعَمِ وَعَنَاصِرَ الْاَبْرَارِ
وَدَعَائِمَ الْاَخْيَارِ وَسَاسَةَ الْعِبَادِ وَاَرْكَانَ
الْبِلَادِ وَاَبْوَابَ الْاِيمَانِ وَاُمَنَاءَ الرَّحْمٰنِ وَسُلَالَةَ

النبيين وصفوة المرسلين وعترة خيرة
رب العالمين ورحمة الله وبركاته السلام
على ائمة الهدى ومصابيح الدجى واعلام التقى وذوي
النهى واولى الحجى وكهف الورى وورثة الانبياء
والمثل الاعلى والدعوة الحسنى وحجج الله على
اهل الدنيا والاخرة والاولى ورحمة الله وبركاته
السلام على محال معرفة الله ومساكن بركة الله
ومعادن حكمة الله وحفظة سر الله وحملة
كتاب الله واوصياء نبي الله وذرية رسول الله
صلى الله عليه واله ورحمة الله وبركاته
السلام على الدعاة الى الله والادلاء على مرضات
الله والمستقرين في امر الله والتامين في محبة
الله والمخلصين في توحيد الله والمظهرين لامر
الله ونهيه وعباده المكرمين الذين لا
يسبقونه بالقول وهم بامره يعملون ورحمة الله

وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَى الْاَئِمَّةِ الدُّعَاةِ وَ
الْقَادَةِ الْهُدَاةِ وَالسَّادَةِ الْوُلَاةِ وَالذَّادَةِ
الْحُمَاةِ وَاَهْلِ الذِّكْرِ وَاُولِي الْاَمْرِ وَبَقِيَّةِ
اللّٰهِ وَخِيَرَتِهِ وَحِزْبِهِ وَعَيْبَةِ عِلْمِهِ وَحُجَّتِهِ وَ
صِرَاطِهِ وَنُورِهِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اَشْهَدُ
اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ كَمَا
شَهِدَ اللّٰهُ لِنَفْسِهِ وَشَهِدَتْ لَهُ مَلَائِكَتُهُ وَ
اُولُوا الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ
وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ الْمُنْتَجَبُ وَرَسُولُهُ الْمُرْتَضَى
اَرْسَلَهُ بِالْهُدٰى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى
الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ وَاَشْهَدُ
اَنَّكُمُ الْاَئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ الْمَعْصُومُونَ
الْمُكَرَّمُونَ الْمُقَرَّبُونَ الْمُتَّقُونَ الصَّادِقُونَ الْمُصْطَفَوْنَ
الْمُطِيعُونَ لِلّٰهِ الْقَوَّامُونَ بِاَمْرِهِ الْعَامِلُونَ
بِاِرَادَتِهِ الْفَائِزُونَ بِكَرَامَتِهِ اصْطَفَاكُمْ

لِعِلْمِهٖ وَارْتَضٰاكُمْ لِغَيْبِهٖ وَاخْتٰارَكُمْ لِسِرِّهٖ
وَاجْتَبٰاكُمْ بِقُدْرَتِهٖ وَاَعَزَّكُمْ بِهُدٰاهُ وَخَصَّكُمْ
بِبُرْهٰانِهٖ وَانْتَجَبَكُمْ بِنُوْرِهٖ وَاَيَّدَكُمْ بِرُوحِهٖ
وَرَضِيَكُمْ خُلَفٰاۤءَ فِىْ اَرْضِهٖ وَحُجَجًا عَلٰى بَرِيَّتِهٖ
وَاَنْصٰارًا لِدِيْنِهٖ وَحَفَظَةً لِسِرِّهٖ وَخَزَنَةً لِعِلْمِهٖ
وَمُسْتَوْدَعًا لِحِكْمَتِهٖ وَتَرٰاجِمَةً لِوَحْيِهٖ
وَاَرْكٰانًا لِتَوْحِيْدِهٖ وَشُهَدٰاۤءَ عَلٰى خَلْقِهٖ وَاَعْلامًا
لِعِبٰادِهٖ وَمَنٰارًا فِىْ بِلٰادِهٖ وَاَدِلّٰاۤءَ عَلٰى صِرٰاطِهٖ
عَصَمَكُمُ اللّٰهُ مِنَ الزَّلَلِ وَاٰمَنَكُمْ مِنَ الْفِتَنِ
وَطَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ وَاَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ وَ
طَهَّرَكُمْ تَطْهِيْرًا فَعَظَّمْتُمْ جَلٰالَهٗ وَاَكْبَرْتُمْ شَاْنَهٗ
وَمَجَّدْتُمْ كَرَمَهٗ وَاَدَمْتُمْ ذِكْرَهٗ وَوَكَّدْتُمْ مِيْثٰاقَهٗ
وَاَحْكَمْتُمْ عَقْدَ طٰاعَتِهٖ وَنَصَحْتُمْ لَهٗ فِى السِّرِّ
وَالْعَلٰانِيَةِ وَدَعَوْتُمْ اِلٰى سَبِيْلِهٖ بِالْحِكْمَةِ
وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَبَذَلْتُمْ اَنْفُسَكُمْ فِىْ مَرْضٰاتِهٖ

وصبرتم على ما اصابكم في جنبه واقمتم
الصلوة واتيتم الزكوة وامرتم بالمعروف و
نهيتم عن المنكر وجاهدتم في الله حق
جهاده حتى اعلنتم دعوته وبينتم فرايضه
واقمتم حدوده ونشرتم شرايع احكامه و
سننتم سنته وصرتم في ذلك منه الى الرضا
وسلمتم له القضاء وصدقتم من رسله من مضى
فالراغب عنكم مارق واللازم لكم لاحق
والمقصر في حقكم زاهق والحق معكم وفيكم
ومنكم واليكم وانتم اهله ومعدنه وميراث
النبوة عندكم واياب الخلق اليكم وحسابهم
عليكم وفصل الخطاب عندكم وايات الله لديكم
وعزائمه فيكم ونوره وبرهانه عندكم وامره
اليكم من والاكم فقد والى الله ومن عاداكم فقد
عادى الله ومن احبكم فقد احب الله ومن ابغضكم

فقد ابغض الله ومن اعتصم بكم فقد اعتصم
بالله انتم السبيل الاعظم والصراط الاقوم
وشهداء دار الفناء وشفعاء دار البقاء
والرحمة الموصولة والاية المخزونة والامانة
المحفوظة والباب المبتلى به الناس من اتاكم
نجى ومن لم ياتكم هلك الى الله تدعون و
عليه تدلون وبه تؤمنون وله تسلمون وبامره
تعملون والى سبيله ترشدون وبقوله تحكمون
سعد من والاكم وهلك من عاداكم وخاب
من جحدكم وضل من فارقكم وفاز من تمسك
بكم وامن من لجا اليكم وسلم من صدقكم
وهدى من اعتصم بكم من اتبعكم فالجنة ماواه
ومن خالفكم فالنار مثواه ومن جحدكم
كافر ومن حاربكم مشرك ومن رد عليكم فى اسفل
درك من الجحيم اشهد ان هذا سابق لكم فيما مضى

وجار لكم فيما بقي وأن أرواحكم
ونوركم وطينتكم واحدة طابت وطهرت
بعضها من بعض خلقكم الله أنوارا
فجعلكم بعرشه محدقين حتى منّ علينا بكم
فجعلكم في بيوت أذن الله أن ترفع ويذكر فيها
اسمه وجعل صلواتنا عليكم وما خصّنا
به من ولايتكم طيبا لخلقنا وطهارة لأنفسنا
وتزكية لنا وكفارة لذنوبنا فكنّا عنده
مسلّمين بفضلكم ومعروفين بتصديقنا إياكم
فبلغ الله بكم أشرف محلّ المكرمين وأعلى
منازل المقرّبين وأرفع درجات المرسلين حيث
لا يلحقه لاحق ولا يفوقه فائق ولا يسبقه سابق
ولا يطمع في إدراكه طامع حتى لا يبقى ملك مقرّب
ولا نبيّ مرسل ولا صدّيق ولا شهيد ولا عالم ولا
جاهل ولا دنيّ ولا فاضل ولا مؤمن صالح ولا

فاجر طالح ولا جبار عنيد ولا شيطان مريد ولا
خلق فيما بين ذلك شهيد الا عرفهم جلالة
امركم وعظم خطركم وكبر شانكم وتمام
نوركم وصدق مقاعدكم وثبات مقامكم و
شرف محلكم ومنزلتكم عنده وكرامتكم
عليه وخاصتكم لديه وقرب منزلتكم منه بابى
انتم وامى ونفسى واهلى ومالى واسرتى اشهد الله
واشهدكم انى مؤمن بكم وبما امنتم به
كافر بعدوكم وبما كفرتم به مستبصر بشانكم
وبضلالة من خالفكم موال لكم ولاوليائكم
مبغض لاعدائكم ومعاد لهم سلم لمن سالمكم
حرب لمن حاربكم محقق لما حققتم مبطل لما
ابطلتم مطيع لكم عارف بحقكم مقر
بفضلكم محتمل لعلمكم محتجب بذمتكم
معترف بكم مؤمن باياتكم مصدق برجعتكم

منتظر لامركم مرتقب لدولتكم اخذ بقولكم
عامل بامركم مستجير بكم لائذ عائذ
بقبوركم مستشفع الى الله عز وجل بكم ومتقرب
بكم اليه ومقدمكم امام طلبتي وحوائجي
وارادتي في كل احوالي واموري مؤمن بسركم
وعلانيتكم وشاهدكم وغائبكم واولكم
واخركم ومفوض في ذلك كله اليكم و
مسلم فيه معكم وقلبي لكم مسلم ورايي لكم
تبع ونصرتي لكم معدة حتى يحيي الله تعالى دينه
بكم ويردكم في ايامه ويظهركم لعدله
ويمكنكم في ارضه فمعكم معكم لا مع عدوكم
امنت بكم وتوليت اخركم بما توليت به اولكم
وبرئت الى الله عز وجل من اعدائكم ومن
الجبت والطاغوت والشياطين وحزبهم
الظالمين لكم والجاحدين لحقكم والمارقين من

ولايتكم والغاصبين لارثكم والشاكين
فيكم المنحرفين عنكم ومن كل وليجة
دونكم وكل مطاع سواكم ومن الائمة الذين
يدعون الى النار فثبتني الله ابدا ما حييت
على موالاتكم ومحبتكم ودينكم ووفقني
لطاعتكم ورزقني شفاعتكم وجعلني من
خيار مواليكم التابعين لما دعوتم اليه وجعلني
ممن يقتص اثاركم ويسلك سبيلكم و
يهتدي بهداكم ويحشر في زمرتكم ويكر في
رجعتكم ويملك في دولتكم ويشرف في
عافيتكم ويمكن في ايامكم وتقر عينه غدا
برؤيتكم بابي انتم وامي ونفسي واهلي ومالي
من اراد الله بدا بكم ومن وحده قبل عنكم
ومن قصده توجه بكم موالي لا احصي ثناءكم
ولا ابلغ من المدح كنهكم ومن الوصف قدركم

وَاَنتم نور الاخيار وهداة الابرار وحجج
الجبار بكم فتح الله وبكم يختم وبكم
ينزل الغيث وبكم يمسك السماء ان تقع
على الارض الا باذنه وبكم ينفس الهم و
بكم يكشف الضر وعندكم ما نزلت به رسله
وهبطت به ملائكته والى جدكم بعث الروح الامين
واگر زيارت امير المؤمنين عليه السلام باشد پس بگو
والى اخيك بعث الروح الامين آتاكم الله
ما لم يؤت احدا من العالمين طأطأ كل شريف
لشرفكم وبخع كل متكبر لطاعتكم وخضع كل
جبار لفضلكم وذل كل شيء لكم واشرقت
الارض بنوركم وفاز الفائزون بولايتكم بكم
يسلك الى الرضوان وعلى من جحد ولايتكم غضب
الرحمن بابي انتم وامي ونفسي واهلي ومالي ذكركم
في الذاكرين واسماؤكم في الاسماء و

أجسادكم في الأجساد وأرواحكم في الأرواح
وأنفسكم في النفوس وآثاركم في الآثار
وقبوركم في القبور فما أحلى أسمائكم وأكرم
أنفسكم وأعظم شأنكم وأجلّ خطركم
وأوفى عهدكم وأصدق وعدكم كلامكم نور و
أمركم رشد ووصيّتكم التقوى وفعلكم
الخير وعادتكم الإحسان وسجيّتكم
الكرم وشأنكم الحقّ والصدق والرفق وقولكم
حكم وحتم ورأيكم علم وحلم وحزم إن ذكر
الخير كنتم أوّله وأصله وفرعه ومعدنه ومأواه
ومنتهاه بأبي أنتم وأمّي ونفسي كيف أصف
حسن ثنائكم وأحصي جميل بلائكم وبكم
أخرجنا الله من الذلّ وفرّج عنّا غمرات الكروب
وأنقذنا بكم من شفا جرف الهلكات ومن
النار بأبي أنتم وأمّي ونفسي بموالاتكم علّمنا الله

مَعالِمَ دينِنا وَاَصلَحَ ما كانَ فَسَدَ مِنْ
دُنْيانا وَبِمُوالاتِكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَةُ وَعَظُمَتِ
النِّعْمَةُ وَائْتَلَفَتِ الْفُرْقَةُ وَبِمُوالاتِكُمْ تُقْبَلُ
الطّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ وَلَكُمُ الْمَوَدَّةُ الْواجِبَةُ
وَالدَّرَجاتُ الرَّفيعَةُ وَالْمَقامُ الْمَحْمُودُ وَالْمَكانُ
الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللهِ عَزَّوَجَلَّ وَالْجاهُ الْعَظيمُ وَالشَّأْنُ
الْكَبيرُ وَالشَّفاعَةُ الْمَقْبُولَةُ رَبَّنا آمَنّا بِما اَنْزَلْتَ
وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنا مَعَ الشّاهِدينَ
رَبَّنا لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنا وَهَبْ لَنا
مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهّابُ سُبْحانَ
رَبِّنا اِنْ كانَ وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولاً يا وَلِيَّ اللهِ اِنَّ
بَيْني وَبَيْنَ اللهِ عَزَّوَجَلَّ ذُنُوباً لا يَأْتي عَلَيْها اِلاّ
رِضاكُمْ فَبِحَقِّ مَنِ ائْتَمَنَكُمْ عَلى سِرِّهِ وَاسْتَرْعاكُمْ
اَمْرَ خَلْقِهِ وَقَرَنَ طاعَتَكُمْ بِطاعَتِهِ لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ
ذُنُوبي وَكُنْتُمْ شُفَعائي فَاِنّي لَكُمْ مُطيعٌ مَنْ اَطاعَكُمْ

فقد اطاع الله ومن عصاكم فقد عصى الله

ومن احبكم فقد احب الله ومن ابغضكم

فقد ابغض الله اللهم انى لو وجدت شفعاء

اقرب اليك من محمد واهل بيته الاخيار

الائمة الابرار لجعلتهم شفعائى فبحقهم الذى

اوجبت لهم عليك اسئلك ان تدخلنى فى

جملة العارفين بهم وبحقهم وفى زمرة المرحومين

بشفاعتهم انك ارحم الراحمين وصلى الله على

محمد واله الطاهرين وسلم تسليما كثيرا و

حسبنا الله ونعم الوكيل وچون خواهى كه وداع كنى

قبر كردهى بگو السلام عليكم سلام مودع

لا سائم ولا قال ولا مال ورحمة الله وبركاته

عليكم يا اهل بيت النبوة انه حميد مجيد

سلام ولى غير راغب عنكم ولا مستبدل بكم ولا

مؤثر عليكم ولا منحرف عنكم ولا زاهد فى قربكم

لا جعله الله آخر العهد من زيارة قبوركم
واتيان مشاهدكم والسلام عليكم وحشرني
الله في زمرتكم واوردني حوضكم وجعلني
من حزبكم وارضاكم عني ومكنني من
دولتكم واحياني في رجعتكم وملكني في
ايامكم وشكر سعيي بكم وغفر ذنبي بشفاعتكم
واقال عثرتي بمحبتكم واعلى كعبي بموالاتكم
وشرفني بطاعتكم واعزني بهداكم وجعلني
ممن انقلب مفلحا منجحا غانما سالما معافا غنيا
فائزا برضوان الله وفضله وكفايته بافضل
ما ينقلب به احد من زوارکم ومواليكم و
محبيكم وشيعتكم ورزقني الله العود ثم
العود ابدا ما ابقاني ربي بنية صادقة وايمان
وتقوى واخبات ورزق واسع حلال طيب
اللهم لا تجعله آخر العهد من زيارتهم وذكرهم

والصلوة عليهم واوجب لي المغفرة والرحمة
والخير والبركة والتقوى والفوز والنور
والايمان وحسن الاجابة كما اوجبت لاوليائك
العارفين بحقهم الموجبين طاعتهم والراغبين
في زيارتهم المتقربين اليك واليهم بابي انتم و
امي ونفسي واهلي ومالي اجعلوني في همكم
وصيروني في حزبكم وادخلوني في شفاعتكم
واذكروني عند ربكم اللهم صل على محمد وال
محمد وابلغ ارواحهم واجسادهم مني السلام
والسلام عليه وعليهم ورحمة الله وبركاته
وصلى الله على محمد واله وسلم كثيرا وحسبنا الله
ونعم الوكيل ودر بعضی از روايات منقوله از دعا
بعد از زيارت وارد شده است كه بعد از زيارت يا نماز
زيارت خوانده شود مناسب است اللهم ان كانت ذنوبي
قد اخلقت وجهي عندك وحجبت دعائي عنك

وحالت بيني وبينك فاسئلك ان تقبل علي
بوجهك الكريم وتنشر علي رحمتك وتنزل
علي بركاتك وان كانت قد منعت ان ارفع
اليك صوتا وتغفر لي ذنبا او تتجاوز عن
خطيئة مهلكة فها انا مستجير بكرم وجهك
وعز جلالك متوسل اليك متقرب اليك باحب
خلقك اليك واكرمهم عليك واولاهم بك و
اطوعهم لك واعظمهم منزلة ومكانا عندك
محمد وبعترته الطاهرين الائمة الهداة المهديين
الذين فرضت على خلقك طاعتهم وامرت بمودتهم
وجعلتهم ولاة الامر من بعد رسولك صلى الله
عليه واله يا مذل كل جبار عنيد ويا معز
المؤمنين بلغ مجهودي فهب لي نفسي الساعة
ورحمة منك تمن بها علي يا ارحم الراحمين
پس ببوس ضریح را ودو جانب روی خود را بران بمال

وبگو اللّٰهمّ انّ هذا مشهدٌ لا یرجو من فاتته
فیه رحمتك ان ینالها فی غیره ولا احدٌ اشقی من
امرءٍ قصدهٗ مؤمّلاً فاٰب عنه خائبًا اللّٰهمّ
انّی اعوذ بك من شرّ الایاب وخیبة المنقلب
والمناقشة عند الحساب وحاشاك یا ربّ ان
تقرن طاعة ولیّك بطاعتك وموالاته بموالاتك
ومعصیته بمعصیتك ثمّ تؤیس زائره و
المتحمّل من بعد البلاد الی قبره وعزّتك یا ربّ
لا ینعقد علی ذلك ضمیری اذ کانت القلوب
الیك بالجمیل تشیر
بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لمن جعل الدّعاء منهاجا
لصلاح امنائه ومفتاحا لفلاح عبیده وامائه
والصلوة والسلام علی نبیّه الّذی جعله الدّاعی الیه وسراجا
منیرا واٰله الطیّبین الطاهرین الّذین اذهب الله عنهم الرجس
وطهّرهم تطهیرا امّا بعد چون بمقتضای مضامین آیات بیّنات

مبارکات و احادیث متظافرات مواظبت بخواندن
دعوات مأثورات مستجابات از جملهٔ واجبات مستحبه و
وسیلهٔ احراز مثوبات و عبادات و فوز بمتمنیّات
و متضمن خلاصی از آفات و عوارضات و نجات از
عذاب درکات و تأسّی بجناب اقدس نبی محمّد و صلی الله
علیه و آله و اطاعت اوامر حقهٔ الهی و نظر طریقهٔ شیقهٔ مرضیهٔ انبیا
کرام و ائمهٔ عظام علیهم صلوات الله الملک العلام و
خلص مؤمنین و کمّل متقیان بوجه و میسّر شد لهذا از اقل بندگان
و احقر داعیان دوام دولت قاهره حسب الخواهش عالی حضرت
نجیب فطرت پاک طینت زکی خصلت کریم الذات غنی الصفات فیوق
آثار محاسن و محامد اطوار سر دفتر مجموعهٔ رفعت و کمال سر لوح صحیفهٔ عزّت
و جلال گوهر دریای نجابت و افتخار فرد در گرانبهای صدف اعتبار جامع
کمالات نفسانی مهبط فیوضات ربانی المستغنی ذاته الشریف عن التوصیف
والتعریف اعنی محبّ باخلاص دوسر انظاما للرفعة والعز والعوالی
میرزا ابی میرزا غلام رضا متعه الله بدوام الوجود و سقاه بماء بقائه

ریاض الکرم والجود آنکه بپوشته از صفای طویت که جبلی ذات
سعادت منقبت است جویای احوال صغیر و کبیر اغنیا و ضعفا و رتبت اخلاص
شیعیان و کمال مؤمنان که آثار دینداری از ناصیهٔ او سید او هویدا بر خود لازم
ساخت که موفق خواهش اجابت مسئول مجموعه از دعوات ماثوره که از جمیع
الجهات خاطر از صحت سند آنها جمع باشد بجهت آن عالی معتقد از قلم نماید
تا اینکه در ایام بازجوئی اکرام امواج حوادث و الغرشیه از توفیقات بلانهایات
خالق ارضین و سموات اشامل حال اذرق مخلوقات و احقر کائنات گردید و از ادعیه
ماثوره که از کتب صحیحه انتخاب نموده مبادرت نموده که آن عالی معتقد از زرع
کرم نامتوفر که از خلوص عقیدت تحریر نموده از حاشیه ضمیر محو نفرموده
در دعاهای آن نوبت نمایند امید و از درگاه واهب متعال آنست که نمونه از ذات
آن بهمال عالی معتقد در ظل کنف حضرت ذو الجلال آن بود ابواب فیوضات و
فتوحات بر روی دل داده از تلاوت آن بهره مند گردند والله الموفق والمعین
و کتب العبد الاقل الداعی لابو الدولة القاهرة زوار اقدام المؤمنین
احمد النیریزی غفر الله له و لوالدیه فی شهر ذی الحجة من شهور سنه
سبع و عشرین و مائة و الف الهجریة فی دار السلطنة اصفهان صانها الله عن الحدثان

من متملکات جناب عالی الشان شامخ المکان جامع المعالی کثیر البر والاحسان منبع

الجود والاحسان باسط بساط الامن والامان ماحی آثار الظلم والعدوان

مؤید بتأیید الله العزیز الرحمن عبد الرزاق خان عصمه الله عن آفات الزمان وحفظه

عن طوارق الحدثان وکتب بیمناه الداثره العبد الاثیم الخاسر محمد باقر غفر له ولوالدیه

اوراق این بیاض که مثلش مانند ندارد متفرق شده بود

نواب خورشید احتجاب ضیاء السلطنة البهیة

جمع فرمودند ترتیب و تعمیر نمودند فی شهر ربیع الآخر

من شهور سنة ۱۲۵۱ من الهجرة النبویة

۴۷۰


وقال الصادق
عليه
السلام الدعاء
انفذ من السنان
الحديد وقال الرضا
عليه السلام الدعاء
سلاح الانبياء